



دفتر تنظیم و نشر آثار آیه الله العظمی کریمی جهرمی رحمته الله

عنوان: توضیح المسائل

مطابق با فتاوی آیه الله العظمی کریمی جهرمی رحمته الله

ناشر: راسخون

نوبت چاپ: اول

سال چاپ: ربیع الاول ۱۴۴۵- پاییز ۱۴۰۲

تیراژ: ۱۰۰۰ نسخه / بهاء: ۱۰۰/۰۰۰ تومان

شابک: ۹۷۸-۶۲۲-۹۳۱۸۲-۰-۱

مرکز پخش: ۰۲۵-۳۷۷۲۴۷۶۸

نشانی: قم، خیابان ۱۹ دی (باجک)، کوچه ۱۷، پلاک ۱۵
تلفن پاسخگویی به مسائل شرعی و مشاوره دینی:

۰۲۵-۳۷۷۲۴۷۶۸

پایگاه اطلاع رسانی: www.karimijahromi.ir

@karimijahromi



راسخون
نشر

توضیح المسائل



مطابق با فتاویٰ
آیة الله العظمیٰ کربن جهری رحمۃ اللہ علیہ

بسم الله الرحمن الرحيم

رساله‌ی شریفه حاضر با آراء بنده تطابق دارد.

مرجو از درگاه خداوند متعال آنکه عمل به آن برای سالکان راه حق
و جویندگان حقیقت و قرب الهی مفید باشد و آن را مرضی خود و
حضرت بقیه الله الاعظم ارواحنا فداه قرار دهد.
از همه‌ی عزیزان التماس دعای خیر دارم.

■ بیستم صفر المظفر ۱۴۴۵

علی کریمی هروی



﴿فهرست مطالب﴾

۲۳	* احکام تقلید
۲۷	* احکام طهارت
۲۷	* احکام آب ها
۲۷	* انواع آب ها
۲۷	• انواع آب مطلق
۲۷	(۱) آب کر
۲۸	(۲) آب قلیل
۲۹	(۳) آب جاری
۳۰	(۴) آب باران
۳۰	(۵) آب چاه
۳۱	* احکام دیگر آب ها
۳۲	* احکام دستشویی و تخلی
۳۲	* کارهای واجب یا حرام هنگام تخلی
۳۳	* کیفیت پاک کردن (تطهیر) مخرج ادرار و مدفوع
۳۴	* استبراء
۳۶	* مستحبات و مکروهات تخلی
۳۶	* نجاسات
۳۶	* اقسام نجاسات
۳۷	* ۱ و ۲) ادرار و مدفوع
۳۷	* ۳) منی
۳۷	* ۴) مردار
۳۸	* ۵) خون
۳۹	* ۶ و ۷) سگ و خوک
۳۹	* ۸) کافر
۴۰	* ۹) شراب
۴۱	* ۱۰) قُفَّاع (آب جو)
۴۱	* ۱۱) عرق حیوان نجاست خوار
۴۱	* راه های ثابت شدن نجاست

- * چگونگی نجس شدن چیز پاک ----- ۴۲
- * احکام دیگر نجاسات ----- ۴۴
- * پاک‌کننده‌ها ۴۶
- * اقسام پاک‌کننده‌ها ----- ۴۶
- (۱) آب ----- ۴۷
- شرایط پاک کردن (تطهیر) اشیا با آب ----- ۴۷
- کیفیت و احکام پاک کردن اشیا ----- ۴۷
- پاک کردن ظرف‌ها ----- ۴۷
- پاک کردن اشیای دیگر ----- ۴۸
- سایر احکام پاک کردن با آب ----- ۵۱
- (۲) زمین ----- ۵۱
- (۳) آفتاب ----- ۵۲
- (۴) تغییر ماهیت (استحاله) ----- ۵۳
- (۵) انقلاب ----- ۵۴
- (۶) کم شدنِ دوسوم ----- ۵۴
- (۷) انتقال ----- ۵۵
- (۸) اسلام ----- ۵۵
- (۹) تبعیت ----- ۵۵
- (۱۰) برطرف شدن عین نجس ----- ۵۶
- (۱۱) استبراء حیوان نجاست‌خوار ----- ۵۷
- (۱۲) غایب شدن مسلمان ----- ۵۷
- * راه‌های ثابت شدن پاکیِ اشیای نجس شده ----- ۵۸
- * احکام ظرف‌ها ----- ۵۹
- * وضو ۶۰
- * احکام شستن صورت و دست‌ها ----- ۶۰
- * احکام مسح سرو پاها ----- ۶۱
- * وضوی ارتماسی ----- ۶۳
- * شرایط صحت وضو ----- ۶۳
- شرط اول و دوم: آب وضو پاک و مطلق باشد ----- ۶۳
- شرط سوم: آب وضو و فضایی که در آن وضو می‌گیرد، مباح باشد ----- ۶۴
- شرط چهارم: ظرف آب وضو مباح باشد ----- ۶۵

• شرط پنجم: ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد	۶۵
• شرط ششم: اعضای وضو پاک باشد	۶۵
• شرط هفتم: وقت برای وضو و نماز کافی باشد	۶۶
• شرط هشتم: به قصد قربت وضو بگیرد	۶۶
• شرط نهم: کارهای وضو را به ترتیب به جا آورد	۶۶
• شرط دهم: کارهای وضو را پشت سرهم انجام دهد (موالات)	۶۷
• شرط یازدهم: کارهای وضو را در صورت امکان، خود فرد انجام دهد	۶۷
• شرط دوازدهم: استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد	۶۷
• شرط سیزدهم: در اعضای وضو مانعی از رسیدن آب نباشد	۶۸
※ احکام دیگر وضو	۶۹
• احکام کسی که نمی تواند از خروج ادرار یا مدفوع جلوگیری نماید (دائم الحدث)	۷۰
※ موارد وجوب وضو	۷۲
※ موارد بطلان وضو	۷۳
※ دعاهاى مستحب هنگام وضو گرفتن	۷۳
※ وضوى جبیره‌ای	۷۴
※ غسل جبیره‌ای	۷۷
※ تیمم جبیره‌ای	۷۷
※ غسل	۷۷
※ کیفیت غسل	۷۷
• غسل ترتیبی	۷۸
• غسل ارتماسی	۷۸
• شرایط صحیح بودن غسل	۷۹
• احکام غسل کردن	۸۰
※ غسل های واجب	۸۲
• اول: غسل جنابت	۸۲
• احکام جنابت	۸۲
• کارهای حرام بر جنب	۸۴
• کارهای مکروه بر جنب	۸۴
• موارد لزوم غسل جنابت	۸۵
• دوم، سوم و چهارم: غسل خون های سه گانه	۸۵
• استحاضه (۱)	۸۵

- ۸۵ ----- اقسام استحاضه
- ۸۶ ----- احکام استحاضه
- ۹۲ ----- (۲) حیض -----
- ۹۴ ----- کارهای حرام بر حائض
- ۹۵ ----- احکام حائض
- ۹۸ ----- اقسام زن‌های حائض
- ۱۰۶ ----- مسائل متفرقه حیض
- ۱۰۸ ----- (۳) نفاس -----
- ۱۱۰ ----- پنجم: غسل متس میت
- ۱۱۲ ----- احکام محتضر
- ۱۱۳ ----- احکام بعد از مرگ
- ۱۱۴ ----- احکام کلی مربوط به تجهیز میت
- ۱۱۵ ----- ششم: غسل میت
- ۱۱۷ ----- تیمم میت
- ۱۱۸ ----- احکام کفن میت
- ۱۱۹ ----- احکام خنوط
- ۱۲۱ ----- احکام نماز میت
- ۱۲۱ ----- موارد لزوم نماز میت
- ۱۲۱ ----- شرایط صحیح بودن نماز میت
- ۱۲۲ ----- کیفیت نماز میت
- ۱۲۴ ----- مستحبات نماز میت
- ۱۲۵ ----- احکام دفن
- ۱۲۶ ----- مستحبات دفن
- ۱۳۰ ----- نماز وحشت
- ۱۳۰ ----- نیش قبر
- ۱۳۱ ----- غسل‌های مستحب
- * تیمم ۱۳۴
- * موارد انجام تیمم ----- ۱۳۴
- (۱) تهیه آب به اندازه وضو یا غسل ممکن نباشد ----- ۱۳۴
- (۲) به سبب دشواری بیش از حد، دسترسی به آب نداشته باشد ----- ۱۳۶
- (۳) استعمال آب ضرر داشته باشد ----- ۱۳۶

- ۴) ترس از تشنگی داشته باشد ----- ۱۳۷
- ۵) نیاز به آب برای تطهیر داشته باشد ----- ۱۳۸
- ۶) آب یا ظرف آب مباح نداشته باشد ----- ۱۳۸
- ۷) برای وضو یا غسل فرصت نداشته باشد ----- ۱۳۸
- * چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است ----- ۱۳۹
- * شرایط چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است ----- ۱۴۰
- اول: پاک باشد ----- ۱۴۰
- دوم: مباح باشد ----- ۱۴۰
- سوم: مخلوط نبودن با چیزی که تیمم با آن باطل است ----- ۱۴۱
- * کیفیت تیمم بدل از وضو ----- ۱۴۱
- * کیفیت تیمم بدل از غسل ----- ۱۴۱
- * شرایط صحیح بودن تیمم ----- ۱۴۲
- اول: نیت داشته باشد ----- ۱۴۲
- دوم: اعضای تیمم را از بالا به پایین مسح نماید ----- ۱۴۲
- سوم: کارهای تیمم را به ترتیب به جا آورد ----- ۱۴۲
- چهارم: کارهای تیمم را پشت سرهم به جا آورد ----- ۱۴۲
- پنجم: اعضای تیمم پاک باشد ----- ۱۴۲
- ششم: مانعی در اعضای تیمم نباشد ----- ۱۴۳
- هفتم: کارهای تیمم را در صورت امکان، خود فرد انجام دهد ----- ۱۴۳
- * احکام تیمم ----- ۱۴۳
- * مستحبات و مکروهات تیمم ----- ۱۴۵
- * مواردی که مستحب است انسان نمازهایی را که با تیمم خوانده، دوباره بخواند ----- ۱۴۶

* احکام نماز ۱۴۷

- * اهمیت نماز: ۱۴۷
- * اقسام نمازها ۱۴۸
- * نمازهای واجب ----- ۱۴۸
- نمازهای واجب شبانه روز ----- ۱۴۸
- اوقات نمازهای واجب شبانه روز ----- ۱۴۹
- وقت نماز ظهر و عصر ----- ۱۴۹
- وقت نماز مغرب و عشا ----- ۱۵۰

- وقت نماز صبح ----- ۱۵۱
- احکام دیگر اوقات نماز ----- ۱۵۲
- نمازهای واجب شبانه روز که باید به ترتیب خوانده شود ----- ۱۵۴
- * نمازهای مستحب ----- ۱۵۶
- وقت نافله های شبانه روز ----- ۱۵۶
- کیفیت نماز غفیله ----- ۱۵۷
- * احکام قبله ۱۵۸
- * پوشانیدن بدن در نماز ۱۶۰
- * شرایط لباس نمازگزار ----- ۱۶۰
- شرایط مشترک ----- ۱۶۰
- اول: با لباس یا پوشش دیگر، بدن را به مقدار واجب در نماز بپوشاند ----- ۱۶۰
- دوم: پاک باشد ----- ۱۶۲
- سوم: مباح باشد ----- ۱۶۵
- چهارم: از اجزای مردار نباشد ----- ۱۶۶
- پنجم: از حیوان حرام گوشت نباشد ----- ۱۶۶
- شرایط اختصاصی مردان ----- ۱۶۷
- اول: لباس او طلا یاف نباشد ----- ۱۶۷
- دوم: لباس او ابریشم خالص نباشد ----- ۱۶۷
- * موارد عدم لزوم طهارت در بدن یا لباس نمازگزار ----- ۱۶۸
- * مستحبات لباس نمازگزار ----- ۱۷۱
- * مکروهات لباس نمازگزار ----- ۱۷۱
- * مکان نمازگزار ۱۷۱
- * شرایط مکان نمازگزار ----- ۱۷۱
- اول: مباح باشد ----- ۱۷۱
- دوم: استقرار داشته باشد ----- ۱۷۳
- سوم: تمام کردن نماز در آن مکان ممکن باشد ----- ۱۷۴
- چهارم: ماندن در آن مکان حرام نباشد ----- ۱۷۴
- پنجم: مکان نمازگزار از چیزهایی نباشد که ایستادن و نشستن روی آن حرام است ----- ۱۷۵
- ششم: انجام واجبات در آن مکان ممکن باشد ----- ۱۷۵
- هفتم: مسازی یا جلوتر از قبر پیغمبر ﷺ و ائمه علیهم السلام نباشد ----- ۱۷۵
- هشتم: اگر مکان نمازگزار نجس است، موجب نجاست بدن و لباس او نشود ----- ۱۷۶

- نهم: مکان نمازگزار هم سطح باشد ----- ۱۷۶
- مکان‌های استحباب نماز ----- ۱۷۶
- مکان‌های کراهت نماز ----- ۱۷۶
- احکام مسجد ----- ۱۷۷
- احکام الزامی مسجد و لوازم آن ----- ۱۷۷
- مستحبات و مکروهات مربوط به مسجد ----- ۱۷۹

✽ اذان و اقامه ۱۸۰

- موارد اذان و اقامه ----- ۱۸۰
- کیفیت اذان و اقامه ----- ۱۸۰
- ترجمه اذان و اقامه ----- ۱۸۰
- شرایط صحت اذان و اقامه ----- ۱۸۱
- اول: گوینده اذان و اقامه در نماز جماعت مردان یا مردان و زنان، مرد باشد ----- ۱۸۱
- دوم: ترتیب را رعایت کند ----- ۱۸۱
- سوم: موالات را رعایت کند ----- ۱۸۱
- چهارم: اذان و اقامه را به عربی صحیح بگوید ----- ۱۸۲
- پنجم: وقت نماز فرا رسیده باشد ----- ۱۸۲
- ششم: اقامه را با طهارت بگوید ----- ۱۸۲
- هفتم: اقامه را بنابر احتیاط لازم رو به قبله و ایستاده بگوید ----- ۱۸۲
- هشتم: آهنگ اذان و اقامه، مناسب مجالس لهو و لعب نباشد ----- ۱۸۲
- موارد ساقط شدن اذان ----- ۱۸۲
- موارد ساقط شدن اذان و اقامه ----- ۱۸۳
- احکام دیگر اذان و اقامه ----- ۱۸۴
- مستحبات اذان و اقامه ----- ۱۸۵

✽ واجبات نماز ۱۸۵

- اول: نیت ----- ۱۸۶
- دوم: تکبیرة الاحرام ----- ۱۸۷
- مستحبات تکبیرة الاحرام ----- ۱۸۸
- سوم: قیام ----- ۱۸۸
- مستحبات قیام ----- ۱۹۱
- چهارم: قرائت ----- ۱۹۱
- احکام قرائت رکعت اول و دوم ----- ۱۹۱

- احکام قرائت رکعت سوم و چهارم ----- ۱۹۵
- مستحبات قرائت ----- ۱۹۷
- مکروهات قرائت ----- ۱۹۷
- پنجم: رکوع ----- ۱۹۸
- واجبات رکوع ----- ۱۹۸
- اول: خم شدن ----- ۱۹۸
- دوم: ذکر رکوع ----- ۱۹۹
- سوم: استقرار و آرامش بدن ----- ۱۹۹
- چهارم: قیام بعد از رکوع ----- ۲۰۰
- احکام دیگر رکوع ----- ۲۰۰
- مستحبات رکوع ----- ۲۰۱
- ششم: سجده ----- ۲۰۱
- واجبات سجده ----- ۲۰۲
- اول: قرار دادن قسمت های هفت گانه بر زمین ----- ۲۰۲
- دوم: ذکر سجده ----- ۲۰۲
- سوم: استقرار و آرامش بدن ----- ۲۰۳
- چهارم: نشستن بین دو سجده و بنابر احتیاط واجب، نشستن بعد از سجده دوم ----- ۲۰۴
- پنجم: هم سطح بودن پیشانی نسبت به انگشت شست پا و دو زانو ----- ۲۰۴
- شرایط چیزی که سجده بر آن صحیح است ----- ۲۰۴
- اول: پاک باشد ----- ۲۰۴
- دوم: غضبی نباشد ----- ۲۰۵
- سوم: از اشیایی باشد که پیشانی بر آن ثابت شود ----- ۲۰۵
- چهارم: بنابر احتیاط واجب کمتر از درهم نباشد ----- ۲۰۵
- پنجم: بین پیشانی و چیزی که بر آن سجده می کند، مانعی نباشد ----- ۲۰۵
- ششم: جنسی محل سجده، از زمین یا چیزهای روییده شده از زمین باشد ----- ۲۰۵
- احکام دیگر سجده ----- ۲۰۷
- مستحبات سجده ----- ۲۰۹
- مکروهات سجده ----- ۲۱۰
- سجده واجب قرآن ----- ۲۱۰
- کیفیت سجده واجب قرآن ----- ۲۱۱
- هفتم: تشهد ----- ۲۱۲

- مستحبات تشهد ----- ۲۱۲
- * هشتم: سلام نماز ----- ۲۱۳
- * نهم: ترتیب ----- ۲۱۳
- * دهم: موالات ----- ۲۱۴
- * تعریف رکن نماز و تعداد آن ----- ۲۱۵
- * قنوت نماز ----- ۲۱۵
- * ترجمه نماز ----- ۲۱۶
- ترجمه سوره حمد ----- ۲۱۶
- ترجمه سوره توحید ----- ۲۱۷
- ترجمه ذکر رکوع و سجود و ذکرهایی که بعد از آنها مستحب است ----- ۲۱۷
- ترجمه قنوت ----- ۲۱۸
- ترجمه تسبیحات اربعه ----- ۲۱۸
- ترجمه تشهد و سلام ----- ۲۱۸
- * تعقیبات نماز ----- ۲۱۹
- * سجده شکر ----- ۲۱۹
- * صلوات بر پیامبر و آل پیامبر ﷺ ----- ۲۲۰

✽ مبطلات نماز..... ۲۲۰

- * اول: از بین رفتن یکی از شرایط نماز ----- ۲۲۱
- * دوم: باطل شدن وضو یا غسل ----- ۲۲۱
- * سوم: گذاردن عمدی دست‌ها روی هم به قصد خضوع و ادب ----- ۲۲۲
- * چهارم: گفتن عمدی «آمین» بعد از حمد ----- ۲۲۲
- * پنجم: برگشتن و انحراف بدون عذر از قبله ----- ۲۲۲
- * ششم: سخن گفتن عمدی ----- ۲۲۲
- احکام سلام کردن و جواب سلام در نماز و غیرنماز ----- ۲۲۳
- * هفتم: خندیدن یا صدا و عمدی (فقهیه) ----- ۲۲۴
- * هشتم: گریه عمدی برای کار دنیا ----- ۲۲۵
- * نهم: انجام کاری که صورت نماز را به هم می‌زند ----- ۲۲۵
- * دهم: خوردن و آشامیدن ----- ۲۲۵
- * یازدهم: پدید آمدن شک‌های باطل ----- ۲۲۶
- * دوازدهم: زیاد یا کم کردن عمدی یا سهوی رکن نماز و یا زیاد یا کم کردن عمدی غیر رکن نماز ----- ۲۲۶
- * یک قاعده کلی ----- ۲۲۶

- ✽ مکروهات نماز ۲۲۶
- ✽ موارد جواز شکستن نماز واجب ۲۲۷
- ✽ اول: پیشگیری از ضرر مالی یا بدنی ۲۲۷
- ✽ دوم: پرداخت طلب طلبکار ۲۲۷
- ✽ سوم: تطهیر مسجد در وسعت وقت ۲۲۸
- ✽ چهارم: گفتن اذان و اقامه یا اقامه تنها ۲۲۸
- ✽ شکایات ۲۲۸
- ✽ شک‌های باطل‌کننده ۲۲۸
- ✽ شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد ۲۲۹
- (۱) شک در چیزی که محل آن گذشته است ۲۲۹
- (۲) شک بعد از سلام ۲۳۱
- (۳) شک بعد از وقت ۲۳۱
- (۴) کثیرالشک «کسی که زیاد شک می‌کند» ۲۳۲
- (۵) شک امام و مأموم ۲۳۳
- (۶) شک در نماز مستحبی ۲۳۳
- ✽ شک‌های صحیح ۲۳۴
- اول: شک بین دو و سه بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم ۲۳۵
- دوم: شک بین دو و چهار بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم ۲۳۵
- سوم: شک بین دو و سه و چهار بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم ۲۳۵
- چهارم: شک بین چهار و پنج بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم ۲۳۵
- پنجم: شک بین سه و چهار در هر جای نماز ۲۳۵
- ششم: شک بین چهار و پنج در حال ایستاده ۲۳۶
- هفتم: شک بین سه و پنج در حال ایستاده ۲۳۶
- هشتم: شک بین سه و چهار و پنج در حال ایستاده ۲۳۶
- نهم: شک بین پنج و شش در حال ایستاده ۲۳۶
- احکام دیگر شک‌های صحیح ۲۳۶
- ✽ احکام گمان در نماز ۲۳۸
- ✽ نماز احتیاط ۲۳۹
- ✽ کیفیت نماز احتیاط ۲۳۹
- ✽ شک در نماز احتیاط ۲۳۹
- ✽ کم و زیاد کردن اجزا و شرایط ۲۴۰

۲۴۱	*****	قضای سجده و تشهد فراموش شده
۲۴۱	*****	احکام نماز احتیاط
۲۴۲		سجده سهو
۲۴۲	*****	موارد سجده سهو
۲۴۲	*****	موارد لازم سجده سهو (بنابر فتوا یا احتیاط واجب)
۲۴۳	*****	اول: کلام بی جا
۲۴۳	*****	دوم: سلام بی جا
۲۴۴	*****	سوم: سجده یا تشهد فراموش شده
۲۴۴	*****	چهارم: شک بین چهار یا پنج رکعت بعد از سجده دوم
۲۴۴	*****	پنجم: ایستادن یا نشستن بی جا
۲۴۵	*****	موارد احتیاط مستحب
۲۴۵	*****	کیفیت سجده سهو
۲۴۵	*****	احکام دیگر سجده سهو
۲۴۵		قضای سجده و تشهد فراموش شده
۲۴۷		کم و زیاد کردن اجزا و شرایط نماز
۲۴۹		نماز مسافر
۲۴۹	*****	شرایط شکسته شدن نماز مسافر
۲۴۹	*****	اول: سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد
۲۵۰	*****	دوم: از ابتدای سفر، قصد هشت فرسخ را داشته باشد
۲۵۱	*****	سوم: در بین راه از قصد خود برگردد
۲۵۲	*****	چهارم: پیش از رسیدن به هشت فرسخ، قطع کننده سفر پیش نیاید
۲۵۳	*****	پنجم: برای کار حرام سفر نکند
۲۵۴	*****	ششم: صحرانشین و گردشگر بیابان نباشد
۲۵۵	*****	هفتم: شغل او سفر نباشد
۲۵۶	*****	هشتم: به حد ترخص برسد
۲۵۸	*****	موارد قطع کننده سفر
۲۵۸	*****	اول: رسیدن به وطن
۲۵۹	*****	دوم: ماندن حداقل ده روز
۲۵۹	*****	شرایط ماندن حداقل ده روز
۲۵۹	*****	اول: مدت اقامت در محل، حداقل ده روز و پشت سرهم باشد
۲۵۹	*****	دوم: محلی که می خواهد در آنجا حداقل ده روز بماند، یک مکان باشد

سوم: تصمیم جدی بر ماندن حداقل ده روز پشت سرهم داشته باشد ----- ۲۵۹

چهارم: قبل از خواندن یک نماز چهار رکعتی ادا از قصد خود برنگردد ----- ۲۶۰

احکام دیگر ماندن حداقل ده روز ----- ۲۶۲

• سوم: ماندن سی روز مردد در محلی ----- ۲۶۲

* موارد تخییر بین نماز شکسته و تمام ----- ۲۶۳

* احکام دیگر نماز مسافر ----- ۲۶۳

* نماز قضا ۲۶۵

* نماز قضای پدر و مادر ----- ۲۶۷

• شرایط واجب شدن نماز قضای پدر و مادر بر پسر بزرگتر ----- ۲۶۸

اول: پسر بزرگتر شک نداشته باشد که پدر و مادرش نماز قضا داشتند ----- ۲۶۸

دوم: پسر بزرگتر معلوم باشد ----- ۲۶۸

سوم: پدر وصیت نکرده باشد که برای او اجیر بگیرند ----- ۲۶۸

• احکام دیگر نماز قضای پدر و مادر ----- ۲۶۸

* نماز جماعت ۲۶۹

* احکام کلی نماز جماعت ----- ۲۶۹

* شرایط صحیح بودن نماز جماعت ----- ۲۷۱

• اول: مأموم، قصد اقتدا به امام جماعت را داشته باشد ----- ۲۷۱

• دوم: امام در نزد مأموم، معین باشد ----- ۲۷۱

• سوم: حائلی بین امام و مأموم و نیز بین مأموم و مأموم دیگر که واسطه بین مأموم و امام است، نباشد ----- ۲۷۱

• چهارم: جای ایستادن امام از جای مأموم بلندتر نباشد ----- ۲۷۲

• پنجم: مأموم جلوتر از امام نباشد ----- ۲۷۲

• ششم: اتصال بین صف‌های نماز جماعت رعایت شود ----- ۲۷۲

• هفتم: متابعت و پیروی از امام جماعت مراعات گردد ----- ۲۷۴

• هشتم: مأموم در بین نماز بدون عذر، قصد فرادی نکند ----- ۲۷۶

• نهم: مأموم در حال قیام یا رکوع امام به او اقتدا کند ----- ۲۷۶

• دهم: امام جماعت دارای شرایط امامت باشد ----- ۲۷۸

* احکام خواندن حمد و سوره و اذکار توسط مأموم ----- ۲۷۹

* احکام دیگر جماعت ----- ۲۸۰

* مستحبات نماز جماعت ----- ۲۸۱

* مکروهات نماز جماعت ----- ۲۸۱

* نماز آیات ۲۸۲

۲۸۲	موارد واجب شدن نماز آیات
۲۸۳	وقت نماز آیات
۲۸۳	کیفیت نماز آیات
۲۸۴	احکام دیگر نماز آیات
۲۸۶	مستحبات نماز آیات
۲۸۶	نماز عید فطر و قربان
۲۸۶	وقت نماز عید فطر و قربان
۲۸۷	کیفیت نماز فطر و قربان
۲۸۷	احکام به جماعت خواندن نماز عید فطر و قربان
۲۸۸	مستحبات نماز عید فطر و قربان
۲۸۹	اجیر گرفتن برای نماز

۲۹۳	احکام روزه
۲۹۳	تعریف روزه
۲۹۳	شرایط واجب شدن روزه
۲۹۳	اول: بالغ باشد
۲۹۳	دوم: عاقل باشد
۲۹۴	سوم: بیهوش نباشد
۲۹۴	چهارم: زن از خون حیض یا نفاس پاک باشد
۲۹۴	پنجم: روزه گرفتن ضرر نداشته باشد
۲۹۵	ششم: شخص از کسانی نباشد که رخصت در افطار دارند
۲۹۵	هفتم: مسافر نباشد
۲۹۶	شرایط صحیح بودن روزه
۲۹۶	اول: مسلمان باشد
۲۹۶	دوم، سوم و چهارم: دیوانه و بیهوش و مست نباشد
۲۹۶	پنجم: زن از خون حیض یا نفاس پاک باشد
۲۹۶	ششم: روزه گرفتن ضرر نداشته باشد
۲۹۷	هفتم: مسافر نباشد
۲۹۷	هشتم: روزه واجب نداشته باشد
۲۹۷	نهم: نیت صحیح داشته باشد
۲۹۸	• وقت نیت روزه

- وقت نیت روزه ماه رمضان----- ۲۹۸
- وقت نیت روزه واجب معین غیر روزه ماه رمضان----- ۲۹۸
- وقت نیت روزه واجب غیر معین مانند روزه قضا و کفاره----- ۲۹۸
- وقت نیت روزه مستحبی----- ۲۹۸
- احکام دیگر نیت----- ۲۹۹
- ✽ دهم: مفطرات روزه را ترک نماید----- ۳۰۰
- ✽ چیزهای باطل کننده روزه ۳۰۰
- ✽ اول: خوردن و آشامیدن----- ۳۰۱
- ✽ دوم: نزدیکی (جماع)----- ۳۰۲
- ✽ سوم: استمناء----- ۳۰۳
- ✽ چهارم: دروغ بستن به خداوند متعال و پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام----- ۳۰۴
- ✽ پنجم: رساندن غبار غلیظ به حلق----- ۳۰۵
- ✽ ششم: فرو بردن سردر آب----- ۳۰۵
- ✽ هفتم: باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح----- ۳۰۶
- ✽ هشتم: باقی ماندن زن بر حیض و نفاس تا اذان صبح----- ۳۰۹
- ✽ نهم: اماله کردن با چیزهای روان----- ۳۱۰
- ✽ دهم: قی کردن----- ۳۱۰
- ✽ احکام مبطلات روزه ۳۱۱
- ✽ امور مکروه برای روزه دار ۳۱۲
- ✽ احکام روزه قضا ۳۱۲
- ✽ بعضی از مواردی که قضای روزه، لازم نیست----- ۳۱۲
- ✽ مواردی که قضا و کفاره روزه، لازم است----- ۳۱۳
- ✽ مواردی که فقط قضای روزه، لازم است----- ۳۱۴
- ✽ احکام دیگر روزه قضا----- ۳۱۵
- ✽ احکام روزه قضای پدر و مادر----- ۳۱۶
- ✽ کفاره های روزه ۳۱۶
- ✽ کفاره افطار عمدی----- ۳۱۷
- ✽ کفاره عذر----- ۳۲۰
- ✽ کفاره تأخیر----- ۳۲۰
- ✽ احکام دیگر کفاره روزه----- ۳۲۱
- ✽ احکام روزه مسافر ۳۲۱

۳۲۳	کسانی که روزه بر آنها واجب نیست
۳۲۴	اقسام روزه
۳۲۴	روزه‌های واجب
۳۲۴	روزه‌های مستحب
۳۲۵	روزه‌های حرام
۳۲۶	روزه‌های مکروه
۳۲۶	چند حکم متفرقه روزه
۳۲۷	راه‌های ثابت شدن اول ماه

۳۲۹ احکام خمس

۳۲۹	موارد خمس
۳۲۹	۱) منفعت کسب و غیرکسب
۳۳۷	۲) معدن
۳۳۸	۳) گنج
۳۳۹	۴) مال حلال مخلوط به حرام
۳۴۰	۵) جواهری که با فرو رفتن در دریا به دست می‌آید
۳۴۱	۶) غنیمت
۳۴۲	۷) زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد
۳۴۲	مصرف خمس
۳۴۳	شرایط کسانی که مستحق سهم سادات‌اند
۳۴۳	• اول: سید بوده و سیادتش از طرف پدر باشد
۳۴۳	راه‌های اثبات سیادت
۳۴۳	• دوم و سوم: فقیر یا ابن سبیل باشد
۳۴۳	راه‌های اثبات فقر
۳۴۴	• چهارم: شیعه دوازده امامی باشد
۳۴۴	• پنجم: موجب کمک به گناه نباشد
۳۴۴	• ششم: متجاهر به فسق نباشد
۳۴۴	• هفتم: واجب النفقه خمس دهنده نباشد
۳۴۵	• هشتم: بنابر احتیاط واجب بیشتر از مخارج یک سال، خمس داده نشود
۳۴۵	احکام مصرف خمس

۳۴۷

✽ احکام زکات مال

✽ موارد وجوب زکات مال ۳۴۷

✽ شرایط واجب شدن زکات ۳۴۸

✽ شرایط عمومی ----- ۳۴۸

• اول: مال زکوی دارای مالک باشد ----- ۳۴۸

• دوم، سوم و چهارم: مالک آن، بالغ و عاقل و آزاد باشد ----- ۳۴۸

• پنجم: مالک از تصرف در مال زکوی، شرعاً ممنوع نباشد ----- ۳۴۹

• ششم: مال زکوی، عین شخصی باشد، نه کلی در ذمه ----- ۳۴۹

• هفتم: مال زکوی به حد نصاب رسیده باشد ----- ۳۴۹

✽ زکات گندم و جو و خرما و کشمش ۳۴۹

✽ شرایط اختصاصی ----- ۳۵۰

• اول: غلات چهارگانه، در زمان واجب شدن زکات در ملکیت شخص باشد ----- ۳۵۰

• دوم: غلات چهارگانه، به حد نصاب برسد ----- ۳۵۰

✽ معیار در تعیین مقدار نصاب غلات چهارگانه، خشک بودن آنها می باشد ----- ۳۵۰

✽ زمان واجب شدن زکات غلات چهارگانه ----- ۳۵۱

✽ زمان وجوب پرداخت زکات غلات چهارگانه ----- ۳۵۱

✽ مقدار زکات غلات چهارگانه ----- ۳۵۱

✽ مخارج و هزینه های محصول زکوی ----- ۳۵۲

✽ احکام دیگر زکات غلات چهارگانه ----- ۳۵۴

✽ زکات طلا و نقره ۳۵۶

✽ شرایط اختصاصی ----- ۳۵۶

• اول: طلا یا نقره به حد نصاب برسد ----- ۳۵۶

نصاب طلا ----- ۳۵۶

نصاب نقره ----- ۳۵۶

• دوم: طلا یا نقره مسکوک بوده و معامله با آن رایج باشد ----- ۳۵۷

• سوم: شخص یک سال - باوجود سایر شرایط عمومی و اختصاصی - مالک طلا یا نقره باشد - ۳۵۷

✽ زمان وجوب پرداخت زکات طلا و نقره ----- ۳۵۸

✽ احکام دیگر زکات طلا و نقره ----- ۳۵۸

✽ زکات شتر، گاو و گوسفند ۳۵۸

✽ شرایط اختصاصی ----- ۳۵۸

• اول: تعداد حیوانات مذکور به حد نصاب برسد ----- ۳۵۸

- نصاب شتر ----- ۳۵۸
- نصاب گاو ----- ۳۶۰
- نصاب گوسفند ----- ۳۶۰
- دوم: شخص یک سال - باوجود سایر شرایط عمومی و اختصاصی - مالک حیوانات مذکور باشد ۳۶۱
- سوم: حیوانات مذکور در تمام سال بیکار باشند ----- ۳۶۱
- چهارم: حیوانات مذکور در تمام سال از چراگاه‌های طبیعی واقع در بیابان و مانند آن، چرا نمایند ۳۶۱
- * زمان وجوب پرداخت زکات شتر و گاو و گوسفند ----- ۳۶۲
- * احکام دیگر زکات شتر و گاو و گوسفند ----- ۳۶۲
- * موارد مصرف زکات ۳۶۳
- * اول و دوم: فقیر و مسکین ----- ۳۶۳
- * سوم: عامل و کارگزار زکات ----- ۳۶۵
- * چهارم: کفّاری که دادن زکات به آنان موجب تمایل شان به اسلام می‌شود ----- ۳۶۵
- * پنجم: خریداری بنده برای آزاد کردن آن ----- ۳۶۵
- * ششم: بدهکار (غارم) ----- ۳۶۵
- * هفتم: سبیل الله ----- ۳۶۶
- * هشتم: ابن السبیل (مسافر در راه مانده) ----- ۳۶۶
- * شرایط کسانی که مستحق زکات اند ۳۶۷
- * اول: شیعه دوازده امامی باشد ----- ۳۶۷
- * دوم: زکات را در معصیت مصرف نکند ----- ۳۶۷
- * سوم: آشکارا معصیت کبیره را به جا نیاورد ----- ۳۶۷
- * چهارم: واجب النفقه زکات دهنده نباشد ----- ۳۶۷
- * پنجم: زکات دهنده در صورت سید بودن زکات گیرنده، سید باشد ----- ۳۶۸
- * نیت زکات ۳۶۸
- * مسائل متفرقه زکات ۳۶۹
- * مستحبات و مکروهات مرتبط با پرداخت زکات ----- ۳۷۳
- * زکات فطره ۳۷۳
- * شرایط واجب شدن زکات فطره ----- ۳۷۳
- نان خور و احکام آن ----- ۳۷۴
- * شرایط مالی که بابت زکات فطره داده می‌شود ----- ۳۷۶
- اول: فطریه برای هر نفر یک صاع از طعام باشد ----- ۳۷۶
- دوم: مقدار صاع در نظر گرفته شده برای هر نفر از یک جنس باشد ----- ۳۷۶

- سوم: فطره معیوب نباشد ----- ۳۷۶
- چهارم: مقدار صاع در نظر گرفته شده برای هر نفر با شیء دیگر مخلوط نباشد ----- ۳۷۶
- پنجم: فطره از مال حلال باشد ----- ۳۷۷
- * زمان ادای زکات فطره یا کنار گذاشتن آن ----- ۳۷۷
- * سایر احکام مربوط به کنار گذاشتن زکات فطره ----- ۳۷۷
- * مصرف زکات فطره و شرایط مستحق آن ----- ۳۷۷
- شرایط کسانی که مستحق زکات فطره اند ----- ۳۷۷
- اول و دوم: فقیر و شیعه دوازده امامی باشد ----- ۳۷۷
- سوم و چهارم: شراب خوار نباشد و آشکارا معصیت نکند ----- ۳۷۸
- پنجم: در معصیت مصرف نکند ----- ۳۷۸
- ششم: زکات دهنده در صورت سید بودن زکات گیرنده، سید باشد ----- ۳۷۸
- احکام دیگر مصرف زکات فطره ----- ۳۷۸
- * نیت زکات فطره ----- ۳۷۸
- * تلف شدن زکات فطره ----- ۳۷۹
- * انتقال زکات فطره از محل زکات دهنده به جای دیگر ----- ۳۷۹
- * مستحبات زکات فطره ----- ۳۷۹

۳۸۱

✽ احکام حج

- * شرایط واجب شدن حج ۳۸۱
- * شرایط محقق شدن استطاعت ۳۸۱
- * اول: توانایی مالی ----- ۳۸۱
- * دوم: توانایی بدنی ----- ۳۸۲
- * سوم: باز بودن راه و ایمن بودن آن ----- ۳۸۲
- * چهارم: وسعت داشتن وقت ----- ۳۸۲
- * پنجم: توانایی تأمین مخارج واجب النفقه در مدت سفر حج ----- ۳۸۲
- * ششم: توانایی تأمین مخارج زندگی پس از بازگشت از حج ----- ۳۸۲
- * استطاعت بذلی ۳۸۳
- * احکام دیگر حج ۳۸۳

احکام تقلید

مسئله ۱. عقیده مسلمان به اصول دین باید از روی دلیل باشد و نمی تواند در اصول دین تقلید نماید؛ یعنی نباید بدون دلیل، گفته کسی را قبول کند. ولی اگر از گفته فرد دیگر، به عقاید دینی یقین پیدا کند، برای اینکه او را مسلمان بدانیم، کافی است. ولی در احکام دین، یا باید مجتهد باشد که بتواند احکام را از روی دلیل به دست آورد یا از مجتهد تقلید کند (یعنی به دستور او رفتار نماید) یا از راه احتیاط به گونه ای عمل نماید که یقین کند تکلیف خود را انجام داده است. مثلاً اگر عده ای از مجتهدین عملی را حرام می دانند و عده ای دیگر می گویند حرام نیست، آن عمل را انجام ندهد و اگر عملی را بعضی واجب و بعضی مستحب می دانند، آن را به جا آورد. پس کسانی که مجتهد نیستند و نمی توانند به احتیاط عمل کنند، واجب است از مجتهد تقلید نمایند.

مسئله ۲. تقلید در احکام، التزام به عمل به فتاوی مجتهد معین است با اتمام به: به دست آوردن فتاوی وی از رهگذر رساله؛ یا پرسش از خود آن مرجع؛ یا پرسیدن از کسانی که آشنا به فتاوی وی هستند.

مسئله ۳. از مجتهدی باید تقلید کرد که مرد، بالغ، عاقل، شیعه دوازده امامی، حلال زاده، زنده و عادل باشد.

مسئله ۴. عادل کسی است که با ملکه عدالت، کارهایی را که براو واجب است، به جا آورد و کارهایی را که حرام است، ترک کند. ملکه عدالت عبارت است از حالتی که انسان را به اطاعت و ترک معصیت وادارد. نشانه آن این است که اگر از اهل محل یا همسایگان او یا کسانی که با او معاشرت دارند حال او را بپرسند، خوبی او را تصدیق نمایند.

مسئله ۵. اگر در مسائل مورد ابتلا، بین فتوای اعلم و غیراعلم اختلاف باشد و انسان علم به این اختلاف - هرچند اجمالی - داشته باشد، بنابراین احتیاط واجب باید از اعلم تقلید کند. اعلم یعنی کسی که در فهمیدن حکم خدا از سایر مجتهدهای زمان خود استادتر باشد.

مسئله ۶. اگر مقلد علم پیدا کند که فتوای اعلم شاذ و نادر است و فتوای غیراعلم موافق با احتیاط باشد در این صورت باید به قولی که احوط است، عمل نماید.

مسئله ۷. مجتهد و اعلم را از سه راه می توان شناخت:
اول: خود انسان یقین کند؛ مثل آنکه از اهل علم باشد و بتواند مجتهد و اعلم را بشناسد.

دوم: دو نفر عالم عادل که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند؛ به شرط آنکه دو نفر عالم عادل دیگر با گفته آنان مخالفت نکنند.

سوم: عده ای از اهل علم که می توانند مجتهد و اعلم را تشخیص دهند و از گفته آنان اطمینان پیدا می شود، مجتهد بودن یا اعلم بودن کسی را تصدیق کنند.

مسئله ۸. اگر شخص نتواند یقین به اعلیّت مجتهدی پیدا کند، در صورتی که گمان به اعلیّت او دارد، می تواند از او تقلید کند و در صورتی که گمان ندارد اما احتمال اعلیّت می دهد، باز هم می تواند از او تقلید کند. و چنانچه بعداً علم به اعلیّت دیگری پیدا کرد، باید به او رجوع کند.

مسئله ۹. اگر چند نفر، اعلم از دیگران و با یکدیگر مساوی باشند، باید از یکی از آنان تقلید کند، ولی چنانچه یکی از آنها در مقام فتوی، پرهیزکارتر باشد، بهتر آن است که از او تقلید کند.

مسئله ۱۰. به دست آوردن فتوای مجتهد، چهار راه دارد:

اول: شنیدن از خود مجتهد؛

دوم: شنیدن از دو نفر عادل؛

سوم: شنیدن از کسی که به گفته او اطمینان دارد.

چهارم: دیدن در رساله مجتهد، در صورتی که به درستی آن رساله اطمینان داشته باشد.

مسئله ۱۱. تا انسان یقین نکند که فتوای مجتهد عوض شده، می تواند به آنچه در رساله نوشته شده است، عمل نماید. اگر احتمال دهد که فتوای مجتهد عوض شده است، جستجو لازم نیست.

مسئله ۱۲. اگر مجتهد اعلم در مسئله ای فتوا دهد، کسی که از او تقلید می کند، بنابر احتیاط نمی تواند در آن مسئله به فتوای مجتهد دیگر عمل کند. ولی اگر فتوا ندهد و بفرماید «احتیاط» آن است که این گونه عمل شود، مقلد یا باید به این احتیاط عمل کند یا باید به فتوای مجتهدی که علم او از مجتهد اعلم، کمتر و از مجتهدهای دیگر بیشتر است، عمل نماید. مثلاً اگر مجتهد اعلم بفرماید: احتیاط آن است که در رکعت سوم و چهارم نماز، سه مرتبه تسبیحات اربعه یعنی «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» بگویند و مجتهد دیگر (که علم او از مجتهد اعلم کمتر و از مجتهدهای دیگر بیشتر است) یک مرتبه گفتن را کافی بداند، مقلد، هم می تواند سه مرتبه بگوید (عمل به احتیاط) و هم می تواند یک مرتبه بگوید (عمل به فتوای مجتهد فالاعلم). به این احتیاط، «احتیاط واجب» می گویند. و همچنین است اگر مجتهد اعلم بفرماید مسئله «محل تأمل» یا «محل اشکال» است.

مسئله ۱۳. اگر مجتهد اعلم بعد از بیان فتوا در مسئله ای احتیاط کند، مقلد، هم می تواند به فتوا اکتفا کند و هم می تواند رعایت احتیاط نماید. مثلاً اگر مجتهد اعلم بفرماید: «یک مرتبه تسبیحات خواندن در رکعت سوم و چهارم کفایت می کند، گرچه احتیاط این است که سه مرتبه بخوانند»، مقلد، هم می تواند به خواندن یک مرتبه اکتفا کند (عمل به فتوا) و هم می تواند سه مرتبه بخواند (عمل به احتیاط). به این احتیاط، «احتیاط مستحب» می گویند.

مسئله ۱۴. تقلید ابتدایی از میت جایز نیست و باید از مجتهد زنده تقلید کرد. در صورت فوت مجتهدی که انسان از او تقلید می کرده است، در مسئله بقا بر تقلید، باید به مجتهد اعلم زنده رجوع نماید.

مسئله ۱۵. در صورت فوت مجتهدی که انسان از او تقلید می کرده است:

۱) اگر کسی ملتزم بوده به فتوای مجتهد معین عمل کند هر چند آن را یاد نگرفته باشد، چنانچه بعد از مردن آن مجتهد، در آن مسئله به فتوای مجتهد

زنده عمل نکرده باشد، می‌تواند در همان مسئله به فتوای مجتهد فوت شده عمل کند.

۲) اگر مجتهد فوت شده‌ای که از او تقلید می‌کرده، اعلم از مجتهد زنده باشد، بنابر احتیاط، بقا بر تقلید او واجب است.

۳) اگر مجتهد زنده از مجتهد فوت شده اعلم باشد، تقلید از مجتهد زنده واجب است.

مسئله ۱۶. اگر در مسئله‌ای به فتوای مجتهدی عمل کند و بعد از فوت او، در همان مسئله به فتوای مجتهد زنده رفتار نماید، دوباره نمی‌تواند آن را مطابق فتوای مجتهد فوت شده انجام دهد. ولی اگر مجتهد زنده در مسئله‌ای فتوا ندهد و احتیاط نماید، و مقلد مدتی به آن احتیاط عمل کند، دوباره می‌تواند به فتوای مجتهد فوت شده عمل نماید. مثلاً اگر مجتهدی گفتن یک مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» را در رکعت سوم و چهارم نماز کافی بداند و مقلد مدتی به این دستور عمل نماید و یک مرتبه بگوید، پس از فوت او، چنانچه مجتهد زنده احتیاط واجب را در سه مرتبه گفتن بداند و مقلد مدتی به این احتیاط عمل کند و سه مرتبه بگوید، دوباره می‌تواند به فتوای مجتهد فوت شده برگردد و یک مرتبه بگوید.

مسئله ۱۷. بر انسان واجب است مسائلی را که غالباً به آنها احتیاج دارد، یاد بگیرد.

مسئله ۱۸. اگر برای انسان مسئله‌ای پیش آید که فتوای مجتهد اعلم را نداند؛ باید تحقیق کند و با عدم امکان تحقیق چنانچه مخالفت فتوای مجتهد غیراعلم با اعلم معلوم نباشد یا فتوای مجتهد غیراعلم موافق با احتیاط باشد، می‌تواند به مجتهد غیراعلم رجوع کند و می‌تواند از روی احتیاط وظیفه خود را انجام دهد.

مسئله ۱۹. اگر کسی فتوای مجتهدی را به دیگری بگوید، چنانچه فتوای آن مجتهد تغییر کند، لازم نیست به او خبر دهد که فتوا تغییر کرده است، ولی اگر بعد از گفتن فتوا بفهمد اشتباه کرده است، در صورتی که ممکن باشد، باید اشتباه را برطرف کند.

مسئله ۲۰. اگر انسان مدتی بدون تقلید عمل کند، اعمال او در صورتی صحیح است که مطابق نظر مرجع تقلید فعلی باشد و یا مرجع تقلید فعلی او، آن اعمال را صحیح بداند.

احکام طهارت

❁ احکام آب‌ها

❁ انواع آب‌ها

مسئله ۲۱. «آب مضاف» آبی است که آن را از چیزی بگیرند، مثل آب هندوانه و گلاب، یا با چیزی مخلوط باشد مثل شربت و آب نمک که دیگر به آن آب نگویند. سایر آب‌ها «آب مطلق» است.

آب مطلق بر پنج قسم است:

اول: آب کُر؛

دوم: آب قلیل؛

سوم: آب جاری؛

چهارم: آب باران؛

پنجم: آب چاه.

❁ انواع آب مطلق

❁ (۱) آب کر

مسئله ۲۲. حجم آب کر معادل ظرفی با طول و عرض و عمق سه وجب است. احتیاط آن است که هر بُعد آن سه وجب ونیم باشد. وزن آب کر، در حدود ۳۷۸ کیلوگرم است.

مسئله ۲۳. اگر عین نجس (مانند ادرار و خون) یا چیزی که نجس شده است (مانند لباس نجس) به آب کربرسد، چنانچه آن آب، بویا رنگ یا مزه نجاست را نگیرد، نجس نمی‌شود.

مسئله ۲۴. اگر بوی آب کر به واسطه غیر نجاست (مانند گندیدگی آب) و یا به وسیله مردار نجس که در مجاورت آب است تغییر کند، آب نجس نمی‌شود.

مسئله ۲۵. اگر عین نجس (مانند خون) به آبی که بیشتر از گُراست برسد و بویا رنگ یا مزه قسمتی از آن را تغییر دهد، چنانچه مقداری که تغییر نکرده، کمتر از کرباشد، تمام آب نجس می شود و اگر به اندازه کربا بیشتر باشد، فقط مقداری که بویا رنگ یا مزه آن تغییر کرده، نجس است.

مسئله ۲۶. اگر چیز نجس را زیر شیر که متصل به گُراست بشویند، آبی که در حال شستن از آن چیز می ریزد، اگر متصل به کرباشد و بویا رنگ یا مزه نجاست را نگرفته باشد و عین نجس هم در آن نباشد، پاک است.

مسئله ۲۷. اگر مقداری از آب کریخ ببندد و باقی آن به قدر کرباشد، چنانچه نجاست به آن برسد، نجس می شود. در این صورت هر قدر از یخ هم آب شود، نجس است.

مسئله ۲۸. آبی که به اندازه کربوده، اگر انسان شک کند که از کربا کمتر شده یا نه، در حکم آب کراست؛ یعنی نجاست را پاک می کند و اگر نجاستی به آن برسد، نجس نمی شود. و آبی که کمتر از کربوده و انسان شک دارد به مقدار کربوده یا نه، حکم آب کراندارد.

مسئله ۲۹. کربودن آب به دوراه ثابت می شود:

اول: خود انسان یقین یا اطمینان پیدا کند.

دوم: دو مرد عادل خبر دهند.

✽ ۲) آب قلیل

مسئله ۳۰. «آب قلیل» آبی است که از زمین نجو شد و از کربا کمتر باشد. از این رو آب لوله های ساختمانی اگر به منبع کمتر از کربا وصل باشد، آب قلیل شمرده می شود.

مسئله ۳۱. اگر آب قلیل روی چیز نجس بریزد یا چیز نجس به آن برسد، نجس می شود. ولی اگر از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد، مقداری که به آن چیز می رسد، نجس و هر چه بالاتر از آن است، پاک است.

مسئله ۳۲. آب قلیلی که بعد از برطرف شدن عین نجس، برای آب کشیدن روی آن می ریزند و از آن جدا می شود و بعد از آن، محل پاک می شود، پاک است.

مسئله ۳۳. اگر موقع تطهیر محل ادرار و مدفوع با آب قلیل، ترشی به بدن و لباس شود، آن ترشح با پنج شرط پاک است:

- اول: بویا رنگ یا مزه نجاست را نگرفته باشد.
- دوم: نجاستی از خارج به محل نرسیده باشد.
- سوم: نجاست دیگری مثل خون، با ادرار یا مدفوع بیرون نیامده باشد.
- چهارم: ذره های مدفوع در آب پیدا نباشد.
- پنجم: بیشتر از مقدار معمول، نجاست به اطراف مخرج نرسیده باشد.

❖ (۳) آب جاری

- مسئله ۳۴. «آب جاری» آبی است که از زمین بجوشد و جریان داشته باشد (مانند آب چشمه و قنات)، و آبی که از ذوب شدن برف های متراکم جاری می شود.
- مسئله ۳۵. آب جاری گرچه کمتر از کرباشد، چنانچه نجاست به آن برسد، اگر بویا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکند، پاک است.
- مسئله ۳۶. اگر نجاستی به آب جاری برسد (مثل خون گوسفندی که کنار آن ذبح کرده اند)، مقداری که بویا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر کرده باشد، نجس است و طرفی که متصل به منبع آب است، گرچه کمتر از کرباشد، پاک است. قسمت های دیگر این آب، اگر به اندازه کرباشد، پاک و گرنه نجس است.
- مسئله ۳۷. آب چشمه ای که جاری نیست، ولی به گونه ای است که اگر از آن بردارند، باز می جوشد، حکم آب جاری را دارد؛ یعنی اگر نجاست به آن برسد، تا وقتی که بویا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده باشد، پاک است.
- مسئله ۳۸. آب راکد کنار نهر که متصل به آب جاری است، حکم آب جاری را دارد.
- مسئله ۳۹. چشمه ای که مثلاً در زمستان می جوشد و در تابستان از جوشش می افتد، فقط وقتی می جوشد حکم آب جاری را دارد.
- مسئله ۴۰. آب لوله های حمام و ساختمان ها که از شیرها و دوش ها می ریزد، اگر متصل به کرباشد، مثل آب جاری است.
- مسئله ۴۱. آبی که روی زمین جریان دارد، ولی از زمین نمی جوشد، چنانچه کمتر از کرباشد و نجاست به آن برسد، نجس می شود. اما اگر از بالا به طرف پایین جاری است، چنانچه نجاست به پایین آن برسد، بالای آن نجس نمی شود.

✽ (۴) آب باران

مسئله ۴۲. اگر به چیز نجسی که عین نجس در آن نیست، یک مرتبه باران ببارد، پاک می‌شود. بارش باران باید به گونه‌ای باشد که بگویند باران می‌بارد و در زمین سخت جریان پیدا کند و باریدن دو سه قطره فایده ندارد. اگر بر فرش و لباس و مانند این‌ها باران ببارد، پاک می‌شود و نیاز نیست با فشار، آب را از آن خارج کنند.

مسئله ۴۳. اگر باران به عین نجس (مثل خون) ببارد و به جای دیگر ترشح کند، چنانچه عین نجس همراه آن نباشد و بویا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد، پاک است.

مسئله ۴۴. اگر بر سقف عمارت یا روی بام آن، عین نجس باشد، تا وقتی باران به بام می‌بارد، آبی که به چیز نجس رسیده و از سقف یا ناودان می‌ریزد، پاک است. بعد از قطع شدن باران، اگر معلوم باشد آبی که می‌ریزد به چیز نجس رسیده، نجس است.

مسئله ۴۵. زمین نجسی که باران بر آن ببارد، پاک می‌شود. اگر باران بر زمین، جاری شود و در حال باریدن به جای نجسی که زیر سقف است برسد، آن را نیز پاک می‌کند.

مسئله ۴۶. خاک نجسی که به واسطه باران، گل شود و علم به رسیدن باران، به وصف اطلاق (نه مضاف بودن)، به تمام اجزای آن حاصل شود، پاک است. ولی حصول علم به آن مشکل است.

مسئله ۴۷. هرگاه آب باران یا آب دیگر در جایی جمع شود، گرچه کمتر از کرباشد، چنانچه موقعی که باران می‌آید چیز نجسی را در آن بشویند و آب، بویا رنگ یا مزه نجاست نگیرد، پاک می‌شود.

مسئله ۴۸. اگر بر فرش پاکی که روی زمین نجس است، باران ببارد و در حال باریدن به زمین نجس برسد، فرش نجس نمی‌شود و زمین هم پاک می‌گردد.

مسئله ۴۹. اگر آب باران یا آب دیگر در گودالی جمع شود و کمتر از کرباشد، پس از قطع شدن باران، با رسیدن نجاست به آن، نجس می‌شود.

✽ (۵) آب چاه

مسئله ۵۰. آب چاهی که از زمین می‌جوشد، گرچه کمتر از کرباشد، چنانچه نجاست به آن برسد، تا وقتی بویا رنگ یا مزه آن به واسطه نجاست تغییر نکرده باشد، پاک است،

ولی مستحب است پس از رسیدن بعضی از نجاست‌ها، به مقداری که در کتاب‌های مفصل گفته شده، از آب آن بکشند.

مسئله ۵۱. اگر نجاستی در چاه بریزد و بویا رنگ یا مزه آب آن را تغییر دهد، چنانچه به مقداری کشیده شود که آب به حال اول بازگردد پاک می‌شود و نیز اگر وضعیت بوی و رنگ و مزه آب چاه بدون کشیدن آب به حالت قبل برگردد، بنابر احتیاط واجب موقعی پاک می‌شود که با آبی که از چاه می‌جوشد، مخلوط گردد.

✽ احکام دیگر آب‌ها

مسئله ۵۲. آب مضاف (که معنای آن در مسئله «۲۱» گفته شد) چیز نجس را پاک نمی‌کند و وضو و غسل با آن باطل است.

مسئله ۵۳. آب مضاف هر چند به اندازه کر باشد، اگر ذره‌ای نجاست به آن برسد، نجس می‌شود؛ البته نجس شدن آب مضاف زیاد غیر متعارف و هر مایع دیگری (مثل چاه‌های نفت یا استخری بزرگ از آب مضاف) با رسیدن چیز نجس به گوشه‌ای از آن، محل تأمل است. آب مضافی که از بالا با فشار روی چیز نجس بریزد، مقداری که به چیز نجس رسیده، نجس و مقداری که بالاتر از آن است، پاک می‌باشد. مثلاً اگر گلاب را از گلابدان روی دست نجس بریزند، آنچه به دست رسیده، نجس و آنچه به دست نرسیده، پاک است. **مسئله ۵۴.** اگر آب مضاف نجس طوری با آب کریا جاری مخلوط شود که دیگر به آن آب مضاف نگویند، بلکه آن را آب بنامند، پاک می‌شود.

مسئله ۵۵. آبی که مطلق بوده و معلوم نیست مضاف شده یا نه، حکم آب مطلق را دارد؛ یعنی چیز نجس را پاک می‌کند و وضو و غسل با آن صحیح است. آبی که مضاف بوده و معلوم نیست مطلق شده یا نه، حکم آب مضاف را دارد؛ یعنی چیز نجس را پاک نمی‌کند و وضو و غسل با آن باطل است.

مسئله ۵۶. آبی که معلوم نیست مطلق است یا مضاف، و معلوم نیست قبلاً مطلق یا مضاف بوده است، نجاست را پاک نمی‌کند و وضو و غسل با آن باطل است، ولی اگر به اندازه کر یا بیشتر باشد و نجاست به آن برسد، حکم به نجس بودن آن نمی‌شود.

مسئله ۵۷. آبی که عین نجس (مثل خون و ادرار) در آن ریخته و بویا رنگ یا مزه آن را تغییر

داده است، اگر خودبه خود تغییر آن از بین برود، پاک نمی شود، ولی چنانچه به کُریا جاری متصل شود یا باران بر آن ببارد یا باد، باران را در آن بریزد یا آب باران از ناودان در حال باریدن در آن جاری شود و تغییر آن از بین برود، پاک می شود. بنا بر احتیاط واجب باید آب کُریا جاری یا باران در حال باریدن، با آن مخلوط گردد.

مسئله ۵۸. اگر چیز نجسی را در آب کُریا جاری، آب بکشند، آبی که بعد از بیرون آوردن از آن می ریزد، پاک است.

مسئله ۵۹. آبی که پاک بوده و معلوم نیست نجس شده باشد یا نه، محکوم به طهارت است. آبی که نجس بوده و معلوم نیست پاک شده یا نه، محکوم به نجاست است.

مسئله ۶۰. نیم خورده سگ و خوک و کافر، نجس است و خوردن آن حرام است. ولی نیم خورده سایر حیوانات حرام گوشت (مثل گربه و خرگوش) پاک است هر چند خوردن آن کراهت دارد.

❁ احکام دستشویی و تخلی

❁ کارهای واجب یا حرام هنگام تخلی

مسئله ۶۱. واجب است انسان عورت (شرمگاه) خود را از کسانی که مکلفند و همچنین از دیوانه و بیچه های ممیز که خوب و بد را می فهمند، بپوشاند؛ گرچه مثل پدر و مادر و برادر و خواهر با او محرم باشند. زن و شوهر لازم نیست عورت خود را از یکدیگر بپوشانند.

مسئله ۶۲. لازم نیست انسان با چیز مخصوصی عورت خود را بپوشاند و اگر مثلاً با دست هم آن را بپوشاند، کافی است. همچنین اگر به دلیل تاریکی هوا یا فرو رفتن در گودال و مانند آن، عورت دیده نشود، کفایت می کند.

مسئله ۶۳. موقع تخلی، طرف جلوی بدن (یعنی شکم، سینه و زانوها) نباید رو به قبله یا پشت به قبله باشد.

مسئله ۶۴. اگر موقع تخلی، طرف جلوی بدن کسی رو به قبله یا پشت به قبله باشد و عورت را از قبله بگرداند، کفایت نمی کند. اگر جلوی بدن او رو به قبله یا پشت به قبله نباشد، احتیاط واجب آن است که عورت را رو به قبله یا پشت به قبله نکند.

مسئله ۶۵. احتیاط مستحب آن است که طرف جلوی بدن در موقع استبراء، که احکام

آن بعداً گفته می‌شود، و موقع تطهیرِ مخرجِ ادرار و مدفوع، رو به قبله و پشت به قبله نباشد. اگر بداند در وقت استبراء قطره یا قطراتی از ادرار خارج می‌شود، واجب است رو به قبله یا پشت به قبله نباشد.

مسئله ۶۶. اگر ناچار شود موقع تخلی، رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند، مثلاً برای آنکه نامحرم او را نبیند، اشکال ندارد.

مسئله ۶۷. احتیاط واجب آن است که بچه را در وقت تخلی رو به قبله یا پشت به قبله ننشاند. اگر خود بچه رو به قبله یا پشت به قبله بنشیند، واجب نیست مانع او شوند، هرچند بهتر است.

مسئله ۶۸. در اماکنی که از روی عمد یا اشتباه یا ندانستن مسئله، دست شویی (سرویس بهداشتی) آن رو به قبله یا پشت به قبله ساخته شده است، باید طوری بنشیند که رو به قبله یا پشت به قبله نباشد، وگرنه حرام است.

مسئله ۶۹. در چهار جا تخلی حرام است:

اول: در کوچه‌های بن‌بست؛ در صورتی که صاحبانشان اجازه نداده باشند.

همچنین در کوچه‌ها و راه‌های عمومی، در صورتی که موجب زحمت و ضرر و اذیت یا نفرت عابران باشد، که نوعاً هم هست.

دوم: در ملک کسی که اجازه تخلی نداده است.

سوم: در جایی که برای عده مخصوصی وقف شده است، مثل بعضی از مدرسه‌ها.

چهارم: روی قبر مؤمنان؛ در صورتی که بی‌احترامی به آنان باشد، که نوعاً هم هست. احترام مؤمن در ممات، مثل احترام او در حیات است.

✽ کیفیت پاک کردن (تطهیر) مخرج ادرار و مدفوع

مسئله ۷۰. مخرج ادرار فقط با آب، پاک می‌شود. اگر بعد از برطرف شدن ادرار، یک مرتبه با آب کریا جاری بشویند، کافی است، ولی با آب قلیل بنابر احتیاط باید دو مرتبه شسته شود و بهتر است سه مرتبه شسته شود.

مسئله ۷۱. در سه صورت مخرج مدفوع فقط با آب پاک می‌شود:

اول: با مدفوع، نجاست دیگری (مثل خون) بیرون آمده باشد.

دوم: نجاستی از خارج به مخرج مدفوع رسیده باشد.

سوم: اطراف مخرج بیشتر از مقدار معمول آلوده شده باشد.

در غیر این سه صورت می شود مخرج مدفوع را با پارچه، سنگ یا مانند این ها، به دستوری که بعداً گفته می شود، پاک کند، گرچه شستن با آب بهتر است.

مسئله ۷۲. اگر مخرج مدفوع را با آب بشویند، باید چیزی از مدفوع در آن نماند، و اگر در دفعه اول طوری شسته شود که ذره ای از مدفوع در آن نماند، دوباره شستن آن لازم نیست.

مسئله ۷۳. با پارچه، سنگ، کلوخ یا مانند این ها - اگر خشک و پاک باشند - می شود مخرج مدفوع را تطهیر کرد، اگر رطوبت کمی داشته باشند که به مخرج نرسد نیز اشکال ندارد، ولی بنابر احتیاط واجب کمتر از سه مرتبه نباشد، حتی اگر با یک یا دو مرتبه، مخرج پاکیزه شود.

مسئله ۷۴. احتیاط واجب آن است که سنگ یا پارچه ای که مدفوع را با آن برطرف می کنند، سه قطعه باشد. اگر با سه سنگ برطرف نشود، باید به قدری سنگ ها را اضافه نمایند تا مخرج کاملاً پاکیزه شود، ولی باقی ماندن ذره های کوچکی که دیده نمی شود، اشکال ندارد.

مسئله ۷۵. پاک کردن مخرج مدفوع با چیزهایی که احترام آنها لازم است مانند کاغذی که اسم خدا و پیغمبران بر آن نوشته شده، حرام است.

مسئله ۷۶. اگر شک کند که مخرج ادرار یا مدفوع را تطهیر کرده یا نه، گرچه همیشه بعد از ادرار یا مدفوع فوراً تطهیر می کرده، احتیاط واجب آن است که تطهیر نماید.

مسئله ۷۷. اگر بعد از نماز شک کند که قبل از نماز، مخرج را تطهیر کرده یا نه، نمازی که خوانده صحیح است، ولی برای نمازهای بعد باید تطهیر کند.

❁ استبراء

مسئله ۷۸. «استبراء» عمل مستحبی است که مردها بعد از بیرون آمدن ادرار، برای آنکه یقین کنند ادرار در مجرا نمانده است، انجام می دهند.

«استبراء» دارای اقسامی است؛ بهترین آنها این است که بعد از قطع شدن ادرار، اگر

مخرج مدفوع نجس شده، اول آن را تطهیر کنند، بعد سه مرتبه با انگشت میانه دست چپ از مخرج مدفوع تا بیخ آلت بکشند، سپس انگشت شست را روی آلت و انگشت کنار شست را زیر آن بگذارند و سه مرتبه تا ختنه‌گاه بکشند، پس از آن سه مرتبه سر آلت را فشار دهند.

مسئله ۷۹. آبی که گاهی با تحریک شهوت، مانند معاشقه، نگاه کردن به عکس‌های مستهجن، و تفکر در امور شهوانی، از انسان خارج می‌شود و هیچ‌یک از علائم منی را - که در مسئله «۳۹۱» خواهد آمد - ندارد و به آن «مذی» می‌گویند، پاک است. همچنین آبی که گاهی بعد از منی بیرون می‌آید و به آن «وَذی» می‌گویند، اگر ظاهر محل تطهیر شده باشد، پاک است. همچنین آبی که گاهی بعد از ادرار بیرون می‌آید و به آن «وَدی» می‌گویند، اگر ادرار به آن نرسیده باشد، پاک است. چنانچه انسان بعد از ادرار، استبراء کند و بعد از تطهیر محل، آبی از او خارج شود و شک کند که ادرار است یا یکی از این‌ها، پاک است.

مسئله ۸۰. اگر انسان شک کند استبراء کرده است یا نه، و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه، آن رطوبت نجس است؛ در این صورت چنانچه وضو گرفته باشد، باطل می‌شود. ولی اگر شک کند استبرائی که کرده، درست بوده است یا نه، و رطوبتی از او بیرون آید که نداند پاک است یا نه، آن رطوبت پاک است. در این صورت وضو را هم باطل نمی‌کند.

مسئله ۸۱. کسی که استبراء نکرده است، اگر به واسطه آنکه مدتی از ادرار کردن او گذشته، یقین یا اطمینان حاصل کند که ادرار در مجرا نمانده است و رطوبتی ببیند و شک کند پاک است یا نه، آن رطوبت پاک است؛ در این صورت وضو را هم باطل نمی‌کند.

مسئله ۸۲. اگر انسان بعد از ادرار، استبراء کند و وضو بگیرد، چنانچه بعد از وضو رطوبتی ببیند که بداند یا ادرار است یا منی، واجب است احتیاطاً غسل کند و وضو هم بگیرد، ولی اگر وضو نگرفته باشد، فقط گرفتن وضو کافی است.

مسئله ۸۳. زنان، استبراء از ادرار ندارند. اگر زنی رطوبتی ببیند و شک کند پاک است یا نه، پاک است و وضو و غسل او را هم باطل نمی‌کند.

❁ مستحبات و مکروهات تخلّی

مسئله ۸۴. مستحب است در موقع تخلّی جایی بنشیند که کسی او را نبیند. مستحب است موقع وارد شدن به مکان تخلّی، اول پای چپ و موقع بیرون آمدن، اول پای راست را بگذارد. همچنین مستحب است در حال تخلّی سر را بپوشاند و سنگینی بدن را بر پای چپ بیندازد.

مسئله ۸۵. نشستن روبه روی خورشید و ماه در موقع تخلّی مکروه است، ولی اگر عورت خود را به وسیله ای بپوشاند، مکروه نیست. همچنین نشستن روبه روی باد و در جاده، خیابان، کوچه و در خانه و زیر درختی که میوه می دهد، مکروه است. همچنین خوردن در هنگام تخلّی و توقف زیاد و تطهیر کردن با دست راست، مکروه است. همچنین حرف زدن در حال تخلّی مکروه است، ولی اگر ناچار باشد یا ذکر خدا بگوید، مکروه نیست.

مسئله ۸۶. ایستاده ادرار کردن و ادرار کردن در زمین سخت و سوراخ جانوران و در آب، خصوصاً آب راکد، مکروه است.

مسئله ۸۷. خودداری کردن از ادرار و مدفوع مکروه است و اگر برای بدن ضرر داشته باشد، حرام است.

مسئله ۸۸. مستحب است انسان پیش از نماز و پیش از نزدیکی (جماع) و بعد از بیرون آمدن منی، ادرار کند.

❁ نجاسات

❁ اقسام نجاسات

مسئله ۸۹. نجاسات یازده چیز است:

اول: ادرار؛

دوم: مدفوع؛

سوم: منی؛

چهارم: مردار؛

پنجم: خون؛

ششم و هفتم: سگ و خوک؛

هشتم: کافر؛

نهم: شراب؛

دهم: فحّاع؛

یازدهم: عرق حیوان نجاست خوار؛

و احکام این‌ها در مسائل آینده گفته می‌شود.

❖ (۲۱) ادرار و مدفوع

مسئله ۹۰. ادرار و مدفوع انسان و هر حیوان حرام‌گوشتی که خون جهنده دارد (یعنی اگر رگ آن را ببرند، خون از آن می‌پاشد)، نجس است. بنابراین احتیاط واجب باید از ادرار حیوان حرام‌گوشتی که خون جهنده ندارد (مانند ماهی حرام‌گوشت)، اجتناب کرد، ولی مدفوع آنها، همچنین فضله حیوانات کوچک (مثل پشه و مگس که گوشت ندارد) - پاک است.

مسئله ۹۱. فضله پرندگان حرام‌گوشت، پاک است، اما احتیاط مستحب آن است که از آن اجتناب شود، به‌ویژه در خفّاش و مخصوصاً نسبت به ادرار آن.

مسئله ۹۲. ادرار و مدفوع حیوان نجاست خوار، نجس است. همچنین است ادرار و مدفوع حیوانی که انسان آن را وطی کرده است (یعنی با آن نزدیکی نموده است). همچنین است ادرار و مدفوع گوسفند و بنابراین احتیاط واجب هر حیوان حلال‌گوشتی که گوشت آن از خوردن شیرِ خوک محکم شده است.

❖ (۳) منی

مسئله ۹۳. منی انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است.

❖ (۴) مردار

مسئله ۹۴. مردار انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد، نجس است. در حیوان تفاوتی ندارد که خودش مرده باشد یا به غیر دستوری که در شرع معین شده، آن را کشته باشند. ماهی چون خون جهنده ندارد، گرچه در آب بمیرد، پاک است.

مسئله ۹۵. چیزهایی از مردار که روح ندارد (مثل پشم، مو، کرک، استخوان و دندان) پاک است.
مسئله ۹۶. گوشت یا چیز دیگری را که روح دارد، اگر از بدن انسان یا حیوانی که خون جهنده دارد درحالی که زنده است جدا کنند، نجس است.

مسئله ۹۷. پوست‌های مختصر لب و جاهای دیگر بدن که موقع افتادنشان رسیده، گرچه آنها را بکنند، پاک است. بنابر احتیاط واجب باید از پوستی که موقع افتادنش نرسیده و آن را کنده‌اند، اجتناب نمود.

مسئله ۹۸. تخم مرغی که از شکم مرغ مرده بیرون می‌آید، اگر پوست روی آن سفت شده باشد، پاک است، ولی ظاهر آن را باید آب کشید.

مسئله ۹۹. اگر بزه و بزغاله پیش از آنکه علف خوار شوند، بمیرند، پنیرمایه‌ای که در شیردان آنهاست، پاک است، ولی ظاهر آن را باید آب کشید.

مسئله ۱۰۰. داروهای روان، عطر، روغن، واکس و صابون که از کشورهای غیراسلامی می‌آورند، اگر انسان یقین به نجاست آنها نداشته باشد، پاک است.

مسئله ۱۰۱. گوشت، پیه و چرمی که در بازار اسلام از دست مسلمانان گرفته شود، پاک است. اگر از دست کافر گرفته شود، بنابر احتیاط واجب باید از آن اجتناب شود، مگر آنکه بدانیم از دست مسلمان گرفته است. اگر در بازار کفار از دست کفار گرفته شود، نجس است، مگر آنکه بدانیم از کشور اسلامی آمده است. اگر یکی از این‌ها در بازار کفار در دست مسلمان باشد، احتیاط واجب اجتناب از آن است، مگر آنکه مسلمان با آن معامله طهارت کند (مانند نماز خواندن در آن چرم) و احتمال داده شود که طهارت آن را به دست آورده است.

❖ (۵) خون

مسئله ۱۰۲. خون انسان و هر حیوانی که خون جهنده دارد (یعنی اگرگ آن را ببرند، خون از آن می‌پاشد)، نجس است. خون حیوانی که خون جهنده ندارد مانند ماهی و پشه، پاک است.
مسئله ۱۰۳. اگر حیوان حلال گوشت را به دستوری که در شرع، معین شده، بکشند و خون آن به مقدار معمول بیرون آید، خونی که در بدنش می‌ماند، پاک است، ولی اگر به علت نفس کشیدن یا به واسطه اینکه سر حیوان در جای بلندی بوده، خون به بدن حیوان برگردد، آن خون نجس است. احتیاط واجب، اجتناب از خون باقی‌مانده در

اجزای حرام حیوان حلال گوشت است.

مسئله ۱۰۴. بنابر احتیاط واجب باید از تخم مرغی که ذره‌ای خون در آن است، اجتناب کرد. اگر خون در زرده باشد، تا پوستِ نازکِ روی آن پاره نشده است، سفیده پاک است. مسئله ۱۰۵. خونی که گاهی موقع دوشیدن شیر دیده می‌شود، نجس است و شیر را نجس می‌کند.

مسئله ۱۰۶. خونی که از لای دندان‌ها می‌آید، اگر به واسطه مخلوط شدن با آب دهان از بین برود، پاک است، اما احتیاط مستحب است که آن را فرو نبرند.

مسئله ۱۰۷. خونی که به واسطه کوبیده شدن، زیر ناخن یا زیر پوست می‌میرد، اگر طوری شود که دیگر به آن خون نگویند، پاک است و اگر به آن خون بگویند و ظاهر محسوب شود، نجس است. در این صورت اگر مشقت ندارد، باید برای وضو و غسل آن را برطرف سازند. در صورتی که برطرف کردن آن مشقت دارد، باید به تکلیف وضو و غسل جیره‌ای عمل کنند و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بکنند.

مسئله ۱۰۸. اگر انسان نداند سیاهی زیر پوست، خون‌مردگی است یا گوشت به واسطه کوبیده شدن به آن رنگ درآمده است، پاک است.

مسئله ۱۰۹. اگر موقع جوشیدن غذا، ذره‌ای خون در آن بیفتد، تمام غذا و ظرف آن نجس می‌شود. جوشیدن، حرارت و آتش، پاک‌کننده نیست.

مسئله ۱۱۰. زردابه‌ای که در حال بهبودی زخم در اطراف آن پیدا می‌شود، اگر معلوم نباشد که با خون مخلوط شده، پاک است.

✽ (۷۰۶) سگ و خوک

مسئله ۱۱۱. سگ و خوک که در خشکی زندگی می‌کنند، حتی مو، استخوان، پنجه، ناخن و رطوبت آنها نجس است. ولی سگ و خوک دریایی پاک است.

✽ (۸) کافر

مسئله ۱۱۲. کافر، یعنی کسی که منکر خداست یا برای خدا شریک قرار می‌دهد یا رسالت حضرت خاتم الانبیاء محمد بن عبدالله ﷺ را قبول ندارد، نجس است.

همچنین کسی که یکی از ضروریات دین مبین اسلام را منکر شود، چنانچه بداند آن چیز ضروری دین است، نجس است و اگر نداند، بنابر احتیاط واجب باید از او اجتناب کرد. همچنین کافر کتابی (یهودی، مسیحی و زرتشتی) بنابر احتیاط واجب نجس است.

مسئله ۱۱۳. تمام بدن کافر، حتی مو و ناخن و رطوبت او، نجس است.
مسئله ۱۱۴. اگر پدر و مادر و پدر بزرگ و مادر بزرگ بچه نابالغ کافر باشند، آن بچه هم نجس است. ولی اگر یکی از این‌ها مسلمان باشد، بچه پاک است.
مسئله ۱۱۵. کسی که معلوم نیست مسلمان است یا نه، پاک است، اما اگر نشانه‌ای بر اسلام او نباشد و در سرزمین اسلام هم نباشد، احکام دیگر مسلمانان را ندارد، مثلاً زن مسلمان نمی‌تواند با او ازدواج کند و نباید در قبرستان مسلمانان دفن شود.
مسئله ۱۱۶. اگر مسلمانی به یکی از دوازده امام علیهم‌السلام دشنام دهد یا با آنان دشمنی داشته باشد، نجس است.

※ (۹) شراب

مسئله ۱۱۷. شراب و هر چیزی که انسان را مست می‌کند و از ماده مست‌کننده روان تهیه شده باشد، نجس است. ولی اگر مثل بنگ و حشیش، روان نباشد، پاک است.
مسئله ۱۱۸. الکل صنعتی که برای رنگ کردن در، میز، صندلی و مانند این‌ها به کار می‌رود، اگر انسان نداند که مست‌کننده است یا نداند که آن را ابتدا از چیز مست‌کننده روان درست کرده‌اند، پاک است.

مسئله ۱۱۹. اگر آب انگور به خودی خود جوش بیاید، تا وقتی یقین به مسکربودن آن پیدا نشده، پاک است ولی خوردن آن حرام است و با سرکه شدن حلال می‌شود. اگر آب انگور با آتش به جوش آید، خوردن آن جایز نیست تا وقتی که دوسوم آن با حرارت کم شود.

مسئله ۱۲۰. خرما، مویز، کشمش و آب آنها اگر جوش بیایند، پاک و خوردن آنها حلال است، گرچه احتیاط مستحب آن است که از آنها اجتناب کنند.

❖ (۱۰) فُقَّاع (آب جو)

مسئله ۱۲۱. «فُقَّاع» که از جو گرفته می شود و به آن «آب جو» می گویند، نجس است، ولی آبی که به دستور طبیب از جو می گیرند و به آن «ماء الشعیر» می گویند، پاک است.

❖ (۱۱) عرق حیوان نجاست خوار

مسئله ۱۲۲. بنابر احتیاط واجب باید از عرق هر حیوانی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده است، اجتناب کرد.

مسئله ۱۲۳. عرق کسی که از راه حرام جُنُب شده، پاک است، چه در حال جماع (نزدیکی) بیرون آید یا بعد از آن، از مرد باشد یا از زن، از زنا باشد یا از لواط، از وطی حیوانات باشد یا استمناء. اما بنابر احتیاط واجب با بدن یا لباسی که آلوده به عرق جُنُب از حرام است، نمی شود نماز خواند.

مسئله ۱۲۴. اگر انسان در زمانی که نزدیکی با همسر حرام است مثلاً در روزه ماه رمضان، با همسر خود نزدیکی کند و عرق نماید، بنابر احتیاط واجب نباید با بدن و لباسی که آلوده به آن عرق است، نماز بخواند.

مسئله ۱۲۵. اگر جُنُب از حرام، به جای غسل، به دلیل عذر داشتن، تیمم نماید و بعد از تیمم عرق کند، تا عذر او باقی است نماز خواندن با آن عرق مانع ندارد.

مسئله ۱۲۶. اگر کسی از حرام جُنُب شود و بعد با حلال خود نزدیکی کند، احتیاط واجب آن است که با لباس یا بدن آلوده به عرق خود نماز نخواند. اما اگر اول از حلال جُنُب شده است و بعد، از حرام، نماز خواندن با آن مانعی ندارد.

❖ راه های ثابت شدن نجاست

مسئله ۱۲۷. نجاست هر چیز از سه راه ثابت می شود:

اول: خود انسان یقین یا اطمینان کند چیزی نجس است. اگر گمان داشته باشد چیزی نجس است، لازم نیست از آن اجتناب نماید. بنابراین غذا خوردن در قهوه خانه ها و مهمان خانه هایی که مردمان لایبالی و کسانی که پاکی و نجسی را مراعات نمی کنند در آنها غذا می خورند، اگر انسان یقین یا

اطمینان نداشته باشد که ظرف یا غذایی که برای او آورده‌اند نجس است، اشکال ندارد از آن بخورد.

دوم: کسی که ذوالید است؛ یعنی آن چیز در اختیار او است مانند فروشنده، صاحب خانه، همسر یا خدمتکار خانه، از نجاست چیزی که در اختیار دارد، خبر دهد.

سوم: دو مرد عادل بگویند چیزی نجس است. بنابراین احتیاط واجب اگر یک نفر عادل هم بگوید چیزی نجس است، باید از آن چیز اجتناب کرد، بلکه بنابراین احتیاط واجب اگر شخص موثقی، هرچند عادل نباشد، بگوید فلان چیز نجس است، باید از آن اجتناب کرد.

مسئله ۱۲۸. اگر به واسطه ندانستن مسئله، نجس بودن و پاک بودن چیزی را نداند، مثلاً نداند عرق جنب از حرام پاک است یا نجس، باید مسئله را بپرسد، ولی اگر با اینکه مسئله را می‌داند، شک کند که پاک است یا نه، مثلاً شک کند آن چیز خون است یا نه، یا نداند که خون پشه است یا خون انسان، پاک است و تحقیق و بررسی لازم نیست.

مسئله ۱۲۹. چیز نجسی که انسان شک دارد پاک شده یا نه، نجس است. و چیز پاکی که شک دارد نجس شده یا نه، پاک است؛ اگر هم بتواند نجس بودن یا پاک بودن آن را بفهمد، لازم نیست تفحص و تحقیق کند.

مسئله ۱۳۰. اگر بداند یکی از دو ظرفی که در معرض استفاده است، نجس شده و نداند کدام است، باید از هر دو اجتناب کند. و اگر یکی از دو لباسی که برای نماز در معرض استفاده است نجس شده و نداند کدام است، باید دو نماز بخواند؛ با هر لباس یک نماز. ولی اگر در یکی از آنها نماز بخواند، نمی‌تواند به آن اکتفا کند، زیرا یقین به خواندن نماز در لباس پاک پیدا نمی‌کند، چنان‌که اگر همزمان با هر دو یک نماز بخواند، نماز او باطل است، زیرا یقین دارد نماز را با لباس نجس خوانده است.

✽ چگونگی نجس شدن چیز پاک

مسئله ۱۳۱. اگر چیز پاک به چیز نجس برسد و هر دو یا یکی از آنها به طوری تر باشد که تری یکی به دیگری سرایت کند، چیز پاک نجس می‌شود. ولی اگر رطوبت به قدری کم

باشد که به دیگری سرایت نکند، چیزی که پاک بوده، نجس نمی‌شود.

مسئله ۱۳۲. اگر چیز پاکی به چیز نجس برسد و انسان شک کند که هر دو یا یکی از آنها تر بوده یا نه، آن چیز پاک، نجس نمی‌شود.

مسئله ۱۳۳. دو چیزی که انسان نمی‌داند کدام پاک و کدام نجس است، اگر چیز پاکی با رطوبت به یکی از آنها برسد، نجس نمی‌شود، ولی اگر به هر دو برسد، محل برخورد، نجس می‌شود.

مسئله ۱۳۴. در جامدات مانند زمین، پارچه و مانند این‌ها و خیار، خربزه و مانند این‌ها، هر قسمتی که نجاست به آن برسد و مرطوب باشد، نجس می‌شود و جاهای دیگر آن پاک است.

مسئله ۱۳۵. در مایعات روان و غلیظی که اگر مقداری از آن را بردارند جای آن خالی نمی‌ماند مانند شیر، روغن و مانند این‌ها، همین‌که یک نقطه از آن نجس شد، تمام آن نجس می‌شود، ولی اگر طوری باشد که جای آن در موقع برداشتن خالی بماند، گرچه بعد پُر شود، فقط جایی که نجاست به آن رسیده، نجس است. پس اگر فضلهٔ موش در آن بیفتد، جایی که فضله افتاده، نجس و بقیه پاک است.

مسئله ۱۳۶. اگر مگس یا حیوانی مانند آن، روی چیز نجسی که تراست، بنشیند و بعد روی چیز پاکی که آن هم تراست، بنشیند، چنانچه انسان بداند نجاست همراه آن حیوان بوده، چیز پاک نجس می‌شود و اگر نداند، پاک است.

مسئله ۱۳۷. اگر جایی از بدن که عرق دارد نجس شود و عرق از آنجا به جای دیگر برود، هر جا که عرق به آن برسد، نجس می‌شود.

مسئله ۱۳۸. اخلاطی که از بینی یا گلو می‌آید اگر خون داشته باشد، جایی که خون دارد، نجس و بقیه آن پاک است. پس اگر به بیرون دهان یا بینی برسد، محلی که انسان یقین دارد جای نجس اخلاط به آن رسیده، نجس است و محلی که شک دارد جای نجس به آن رسیده یا نه، پاک است.

مسئله ۱۳۹. اگر آفتابه‌ای را که ته آن سوراخ است، روی زمین نجس بگذارند، چنانچه آبی که از آن بیرون می‌آید بر روی زمین نجس جریان داشته باشد، آب داخل آفتابه نجس نمی‌شود.

مسئله ۱۴۰. اگر چیزی داخل بدن شود و به نجاست برسد، در صورتی که بعد از بیرون آمدن، آلوده به نجاست نباشد، پاک است. پس اگر سوزن و مانند آن در بدن فرو رود و بعد از بیرون آمدن به نجاست آلوده نباشد، نجس نیست. همچنین آب دهان و بینی اگر در داخل به خون برسد و بعد از بیرون آمدن به خون آلوده نباشد، پاک است.

✽ احکام دیگر نجاسات

مسئله ۱۴۱. نجس کردن خط و ورق قرآن حرام است؛ و اگر نجس شود، باید فوراً آن را آب بکشند.

مسئله ۱۴۲. اگر جلد قرآن نجس شود، در صورتی که بی احترامی به قرآن باشد، باید آن را آب بکشند.

مسئله ۱۴۳. گذاشتن قرآن روی عین نجس (مانند خون و مردار)، گرچه خشک باشد، حرام است و برداشتن قرآن از روی آن، واجب است.

مسئله ۱۴۴. نوشتن قرآن با مُرگب نجس، گرچه یک حرف آن باشد، حرام است؛ اگر عمداً یا سهواً نوشته شود، باید آن را آب بکشند و اگر ممکن نشود، به واسطه تراشیدن و مانند آن کاری کنند که از بین برود.

مسئله ۱۴۵. دادن قرآن به کافر، اگر هتک و توهین شمرده شود و یا در معرض هتک باشد، حرام و گرفتن قرآن از او واجب است. ولی دادن قرآن به او برای مطالعه و تحقیق در جایی که احتمال هدایت او برود، مانعی ندارد.

مسئله ۱۴۶. اگر ورق قرآن یا چیزی که احترام آن لازم است مثل کاغذی که اسم خدا یا پیغمبر ﷺ یا امام علی علیه السلام بر آن نوشته شده است، در دست شویی (سرویس بهداشتی) بیفتد، بیرون آوردن و آب کشیدن آن - گرچه خرج داشته باشد - واجب فوری است؛ و اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید تا زمانی که یقین کنند آن ورق پوسیده است، به آن دست شویی (سرویس بهداشتی) نزنند. همچنین اگر تربت مقدس حضرت امام حسین علیه السلام در دست شویی بیفتد، واجب است فوراً آن را بیرون بیاورند؛ اگر بیرون آوردن آن ممکن نباشد، باید تا زمانی که یقین کنند به کلی از بین رفته، به آن دست شویی نزنند. تطهیر قرآن و اسامی مقدسه و نیز بیرون آوردن قرآن و یا تربت مقدس از محل

آلوده، برهر کسی که اطلاع پیدا کرد، واجب کفایی است و با انجام دادن یک نفر، از بقیه ساقط خواهد شد.

مسئله ۱۴۷. در شهرهایی که سیستم فاضلاب دارند، اگر انگشتی یا کاغذی که اسماء مقدسه بر آن نوشته شده، در توالت بیفتد، تا زمانی که یقین نداریم از محدوده خارج شده و به لوله‌های عمومی رسیده، لازم است برای پیدا کردن آن، فحص و جستجو شود و از رفتن به دست‌شویی خودداری گردد.

مسئله ۱۴۸. خوردن و آشامیدن عین نجس (مثل مردار و شراب) و خوراندن آن حتی به کودک، حرام است؛ بلکه باید کودک را از خوردن آن منع نمایند.

مسئله ۱۴۹. خوردن و آشامیدن چیزی که نجس شده و خوراندن آن به انسان بالغ حرام است. بنابراین احتیاط مستحب، خوراندن متنجس به کودک، جایز نیست اما جلوگیری کودک از خوردن آن، لازم نیست.

مسئله ۱۵۰. فروختن و عاریه دادن چیز نجسی که می‌شود آن را آب کشید، حتی اگر نجس بودن آن را به طرف نگوید، اشکال ندارد. اما چنانچه انسان بداند که عاریه‌گیرنده یا خریدار، آن را در خوردن و آشامیدن یا در مثل وضو و غسل، که طهارت شرط واقعی آن است، استعمال می‌کند، باید نجس بودن آن را اعلام کند.

مسئله ۱۵۱. اگر چیزی که عاریه گرفته، نجس شود، چنانچه صاحبش آن چیز را در خوردن و آشامیدن و یا در مثل وضو و غسل استعمال می‌کند، واجب است نجس شدن آن را به او اطلاع دهد. ولی لباس اگر نجس شد، لازم نیست به صاحبش خبر بدهد، زیرا نماز در لباس نجس اگر صاحب آن نداند نجس است، صحیح است.

مسئله ۱۵۲. اگر انسان ببیند کسی چیز نجسی را می‌خورد یا با لباس نجس نماز می‌خواند، لازم نیست به او بگوید.

مسئله ۱۵۳. اگر جایی از خانه یا فرش کسی نجس باشد و ببیند بدن یا لباس یا چیز دیگر کسانی که وارد خانه او می‌شوند، با رطوبت به جای نجس رسیده است، بنابر احتیاط واجب باید به آنان اعلام کند.

مسئله ۱۵۴. اگر صاحب خانه در بین غذا خوردن بفهمد غذا نجس است، باید به میهمانان بگوید، اما اگر یکی از میهمانان بفهمد، لازم نیست به دیگران خبر دهد،

اما خودش باید از خوردن خودداری کند. چنانچه به‌گونه‌ای با آنان معاشرت دارد که ممکن است به‌واسطهٔ نجس بودن آنان، خود او هم نجس شود، بعد از غذا به آنان بگوید تا دست و دهان خود را آب بکشند.

مسئلهٔ ۱۵۵. اگر بچه‌ای که نزدیک سنّ تکلیف است، به پاک بودن یا نجس بودن چیزی که در دست دارد، خبر دهد، به شرط حصول اطمینان پذیرفته است. اگر به پاکی یا نجس بودن چیزی که در دست او نیست، خبر دهد، گفته‌اش پذیرفته نیست.

❁ پاک‌کننده‌ها

❁ اقسام پاک‌کننده‌ها

مسئلهٔ ۱۵۶. مطهّرات یعنی پاک‌کننده‌ها یازده چیز است:

اول: آب؛

دوم: زمین؛

سوم: آفتاب؛

چهارم: تغییر ماهیت (استحاله)؛

پنجم: انقلاب؛

ششم: کم شدنِ دوسوم آبِ انگور بنا بر قول به نجاست آن؛ و در مسئلهٔ «۱۱۹»

گذشت که با به جوش آمدن، نجس نمی‌شود.

هفتم: انتقال؛

هشتم: اسلام؛

نهم: تبعیت؛

دهم: برطرف شدن عین نجاست؛

یازدهم: استبراء حیوان نجاست خوار؛

دوازدهم: غایب شدنِ مسلمان.

احکام موارد بالا به‌طور تفصیل در مسائل آینده گفته خواهد شد.

❁ (۱) آب

❁ شرایط پاک کردن (تطهیر) اشیا با آب

مسئله ۱۵۷. آب با چند شرط، چیز نجس را پاک می‌کند:

اول: مطلق باشد. پس آب مضاف مانند گلاب و آب میوه، چیز نجس را پاک نمی‌کند.

دوم: پاک باشد.

سوم: وقتی چیز نجس را می‌شویند، آب مضاف نشود و بویا رنگ یا مزه نجاست هم نگیرد.

چهارم: بعد از آب کشیدن چیز نجس، عین نجس در آن نباشد.

پاک شدن چیز نجس با آب قلیل (یعنی آب کمتر از کر) شرط‌های دیگری هم دارد که در مسائل آینده گفته خواهد شد.

❁ کیفیت و احکام پاک کردن اشیا

❖ پاک کردن ظرف‌ها

مسئله ۱۵۸. ظرف نجس را با آب قلیل باید سه مرتبه شُست و با آب کُرو جاری یک مرتبه کافی است.

مسئله ۱۵۹. ظرفی را که سگ لیسیده یا از آن، آب یا چیز روان دیگری خورده، باید اول با خاک پاک، خاک مال کرد و بعد با آب قلیل دو مرتبه و با آب کُریا جاری یا باران نیز بنا بر احتیاط واجب، دو مرتبه شُست. همچنین ظرفی را که آب دهان سگ در آن ریخته است، بنا بر احتیاط واجب باید پیش از شستن، خاک مال کرد.

مسئله ۱۶۰. اگر دهانه ظرفی که سگ به آن، دهان زده، تنگ باشد و نشود آن را خاک مال کرد، چنانچه ممکن است باید پارچه‌ای به چوبی بپیچند و توسط آن، خاک را به آن ظرف بمالند و اگر ممکن نیست، باید خاک را در آن بریزند و به شدت حرکت دهند تا به همه آن ظرف برسد.

مسئله ۱۶۱. ظرفی را که خوک بلیسد یا از آن، چیزی بخورد، با آب قلیل باید هفت مرتبه و

با آب کرو جاری نیز بنا بر احتیاط واجب هفت مرتبه شست و لازم نیست آن را خاک مال کنند، گرچه احتیاط مستحب آن است که خاک مال شود.

مسئله ۱۶۲. اگر ظرفی را که به شراب نجس شده، با آب قلیل مثل سایر ظرف‌ها آب بکشند، پاک می‌شود، ولی مستحب است که آن را هفت مرتبه بشویند.

مسئله ۱۶۳. کوزه‌ای که از گِل نجس ساخته شده و یا آب نجس در آن فرو رفته است، اگر آن را در آب کریا جاری بگذارند، به هر جای آن آب برسد، پاک می‌شود و نیز به هر جای آن یک مرتبه آب لوله‌کشی برسد، پاک می‌شود. اگر بخواهند باطن آن هم پاک شود، باید به قدری در آب کریا جاری بماند که آب به تمام آن فرو رود.

مسئله ۱۶۴. ظرف نجس را با آب قلیل به این دو طریق و بعض طرق دیگر می‌شود آب کشید: یکی آنکه سه مرتبه پُر و خالی کنند و دیگر آنکه سه مرتبه قدری آب در آن بریزند و در هر دفعه آب را طوری در آن بگردانند که به جاهای نجس آن برسد و بیرون بریزند.

مسئله ۱۶۵. اگر ظرف بزرگی مثل پاتیل و خمره، نجس شود، چنانچه سه مرتبه آن را از آب، پُر و خالی کنند، پاک می‌شود، همچنین است اگر سه مرتبه از بالا آب در آن بریزند، به طوری که تمام اطراف آن را بگیرد و در هر دفعه آبی که ته آن جمع می‌شود، بیرون آورند. و بنا بر احتیاط واجب ظرفی را که با آن، آب‌ها را بیرون می‌آورند، در هر دفعه آب بکشند.

مسئله ۱۶۶. اگر مس نجس و مانند آن را آب کنند و به شکلی دیگر درآورند و سپس آب بکشند، ظاهرش پاک می‌شود و قابل استفاده است، هر چند باطن آن نجس است.

✽. پاک کردن اشیای دیگر

مسئله ۱۶۷. اگر چیز نجس (غیر از ظرف) را بعد از برطرف کردن عین نجس، یک مرتبه در آب کریا جاری فرو برند، به طوری که آب به تمام جاهای نجس آن برسد، پاک می‌شود. و نیز چنانچه یک مرتبه، آب لوله‌کشی به تمام جاهای نجس آن برسد، پاک می‌شود. در فرش، لباس و مانند این‌ها فشار لازم نیست.

مسئله ۱۶۸. اگر چیزی (غیر از ظرف) را که به ادرار نجس شده، با آب قلیل یک مرتبه روی آن آب بریزند و از آن جدا شود، در صورتی که ادرار در آن نمانده باشد، یک مرتبه دیگر

که آب روی آن بریزند، پاک می‌شود. لباس، فرش و مانند این‌ها را باید بعد از هر مرتبه، فشار دهند تا غسله آن بیرون بیاید. «غسله» آبی است که معمولاً در وقت شستن و بعد از آن، از چیزی که شسته می‌شود، خود به خود یا به وسیله فشار جدا می‌شود.

مسئله ۱۶۹. اگر چیزی (غیر از ظرف) را که به غیر ادرار نجس شده، بعد از برطرف شدن عین نجس، یک مرتبه آب قلیل روی آن بریزند و از آن جدا شود، پاک می‌گردد؛ و اگر در مرتبه اولی که آب روی آن می‌ریزند، تا بعد از برطرف شدن عین نجس، آب ریختن را ادامه دهند، پاک می‌شود. در هر صورت باید لباس و مانند آن را فشار دهند تا غسله آن بیرون آید.

مسئله ۱۷۰. اگر حصیر نجس را که با نخ بافته شده، در آب کریا جاری فرو برند یا زیر آب لوله‌کشی بگیرند، بعد از برطرف شدن عین نجس، پاک می‌شود. اگر آن را با آب قلیل آب بکشند، فشار دادن آن لازم نیست و رسیدن آب به باطن نخ‌های آن کافی است.

مسئله ۱۷۱. اگر ظاهر چیزهایی مانند گندم، برنج و صابون نجس شود، با فرو بردن در آب کریا جاری پاک می‌شود. و اگر باطن آنها نجس شود، چنانچه آنها را در ظرفی ریخته و در آب کریا جاری بگذارند و به قدری بماند که رطوبت آب پاک به باطن آنها (تا آن جایی که رطوبت نجس سرایت کرده) برسد، بعید نیست پاک شود به شرط آنکه رطوبت نجس باطن آنها، قبل از تطهیر، خشک شده باشد.

مسئله ۱۷۲. اگر انسان شک کند که آب نجس مثلاً به باطن صابون رسیده یا نه، باطن آن پاک است.

مسئله ۱۷۳. اگر ظاهر چیزهایی مانند برنج و گوشت به غیر ادرار نجس شده باشد، چنانچه آن را در ظرف پاکي بگذارند و بعد از برطرف شدن عین نجس، یک مرتبه آب قلیل روی آن بریزند و خالی کنند، پاک می‌شود. اگر به ادرار نجس شده باشد، بعد از برطرف شدن عین نجس، دو مرتبه آب قلیل روی آن بریزند و خالی کنند، پاک می‌شود و ظرف آن هم پاک می‌گردد. اگر لباس یا چیزی را که فشار لازم دارد، در ظرفی بگذارند و با آب قلیل، آب بکشند، باید در هر مرتبه که آب روی آن می‌ریزند، آن را فشار دهند و غسله آن را بیرون بریزند.

مسئله ۱۷۴. اگر لباس نجسی را که رنگ شده، در آب کریا جاری فرو برند و آب پیش از آنکه به واسطه رنگ پارچه مضاف شود به تمام آن برسد، آن لباس پاک می‌شود، گرچه موقع فشار دادن، آب مضاف یا رنگین از آن بیرون آید.

مسئله ۱۷۵. اگر لباسی را در آب کربا جاری آب بکشند و بعد مثلاً لجن آب را در آن بینند، چنانچه احتمال ندهند که از رسیدن آب جلوگیری کرده، لباس پاک شده است.

مسئله ۱۷۶. اگر بعد از آب کشیدن لباس نجس و مانند آن، مقداری پودر لباسشویی به لباس چسبیده باشد و یقین نداشته باشیم که آب مطلق به زیر آن رسیده، لباس پاک نشده است.

مسئله ۱۷۷. اگر نجاست بدن را در آب کربا جاری یا زیر آب لوله کشی برطرف کنند، بدن پاک می شود و بیرون آمدن و دوباره در آب رفتن، لازم نیست.

مسئله ۱۷۸. غذای نجسی که لای دندان ها مانده، اگر آب در دهان بگردانند و به تمام غذای نجس برسد، پاک می شود.

مسئله ۱۷۹. اگر موی سرو صورت را با آب قلیل آب بکشند، بنا بر احتیاط واجب باید فشار دهند که غسل آن جدا شود.

مسئله ۱۸۰. گوشت و دنبه ای که نجس شده، مثل چیزهای دیگر آب کشیده می شود، همچنین اگر بدن یا لباس، چربی کمی داشته باشد که از رسیدن آب به آنها جلوگیری نکند.

مسئله ۱۸۱. زمین نجسی که آب در آن فرو نمی رود و از محل نجس به محل دیگر جاری نمی شود، با آب قلیل پاک نمی گردد، مگر آنکه غسل آن را با پارچه یا ظرف بگیرند. زمینی که روی آن شن یا ریگ باشد، چون آبی که روی آن می ریزند از آن جدا می شود و در شن و ریگ فرو می رود، با آب قلیل پاک می شود.

مسئله ۱۸۲. زمین سنگ فرش و آجر فرش و زمین سختی که آب در آن فرو نمی رود، اگر به غیر ادرار، نجس شود، بعد از برطرف شدن عین نجس، با آب قلیل پاک می گردد، ولی باید به قدری آب روی آن بریزند که جاری شود. و جایی هم که آب ها جمع می شود، پاک است.

مسئله ۱۸۳. در تطهیر با آب قلیل، غسل اول متنجس به ادرار، نجس است، ولی غسل دوم آن، پاک است.

مسئله ۱۸۴. اگر ظاهر سنگ نمک و مانند آن نجس شود، با آب کمتر از کرهم پاک می شود.

✽ سائر احکام پاک کردن با آب

مسئله ۱۸۵. هر چیز نجس تا عین نجس را از آن برطرف نکنند، پاک نمی شود، ولی اگر بویا رنگ نجاست در آن مانده باشد، اشکال ندارد. پس اگر خون را از لباس برطرف کنند و لباس را آب بکشند و رنگ خون در آن بماند، پاک است.

مسئله ۱۸۶. اگر چیز نجسی را که عین نجس در آن نیست، زیر شیری که متصل به کر است یک مرتبه بشویند، پاک می شود. همچنین اگر عین نجس در آن باشد، چنانچه عین نجس، زیر شیر یا به وسیله دیگر برطرف شود و آبی که از آن چیز می ریزد، بویا رنگ یا مزه نجاست نگرفته باشد، با آب شیر پاک می گردد، اما اگر آبی که از آن می ریزد، بویا رنگ یا مزه نجاست گرفته باشد، باید به قدری آب شیر روی آن بریزند تا در آبی که از آن جدا می شود، بویا رنگ یا مزه نجاست نباشد.

مسئله ۱۸۷. اگر چیزی به ادرار پسر شیرخواری که غذاخور نشده و شیرخوک و شیر زن کافر هم نمی خورد، نجس شود، چنانچه یک مرتبه روی آن آب بریزند که به تمام جاهای نجس آن برسد، پاک می شود. احتیاط مستحب آن است که یک مرتبه دیگر هم آب روی آن بریزند. در لباس و فرش و مانند این ها فشار لازم نیست.

مسئله ۱۸۸. اگر ظرف یا بدن نجس باشد و بعد به طوری چرب شود که از رسیدن آب به آنها جلوگیری کند، چنانچه بخواهند ظرف یا بدن را آب بکشند، باید چربی را برطرف کنند تا آب به آنها برسد.

مسئله ۱۸۹. اگر چیزی را آب بکشد و یقین کند پاک شده و بعد شک کند که عین نجس را از آن برطرف کرده یا نه، چنانچه موقع آب کشیدن متوجه برطرف کردن عین نجس بوده، آن چیز پاک است و اگر متوجه برطرف کردن عین نجس نبوده، باید دوباره آن را آب بکشد.

✽ (۲) زمین

مسئله ۱۹۰. زمین با چهار شرط، کف پا و ته کفش نجس را از نجاستی که به واسطه راه رفتن روی زمین نجس حاصل شده، پاک می کند:

اول: زمین پاک باشد.

دوم: زمین خشک باشد.

سوم: عین نجس (مثل خون وادرار) یا متنجس (مثل گلی که نجس شده) در کف پا و ته کفش به واسطه راه رفتن یا مالیدن پا به زمین برطرف شود.

چهارم: زمین باید خاک یا سنگ و مانند این‌ها باشد و ظاهراً زمین موزاییک شده نیز مشکل ندارد. اما با راه رفتن روی فرش و حصیر و سبزه، کف پا و ته کفش نجس پاک نمی‌شود. بنابراین احتیاط واجب با راه رفتن بر زمینی که مفروش به آجر یا چوب یا گچ یا قیر باشد نیز پاک نمی‌شود. در نجاستی که از خارج به پا یا ته کفش رسیده، احتیاط واجب آن است که در پاک کردن آن به راه رفتن روی زمین اکتفا نکنند.

مسئله ۱۹۱. برای پاک شدن کف پا و ته کفش بهتر است پانزده قدم یا بیشتر راه بروند، گرچه به کمتر از پانزده قدم یا مالیدن پا به زمین، نجاست برطرف شود.

مسئله ۱۹۲. لازم نیست کف پا و ته کفش نجس، تر باشد بلکه اگر خشک هم باشد با راه رفتن پاک می‌شود.

مسئله ۱۹۳. بعد از آنکه کف پا یا ته کفش نجس با راه رفتن پاک شد، مقداری از اطراف آن هم که معمولاً به گل آلوده می‌شود، پاک می‌گردد.

مسئله ۱۹۴. کسی که با دست و زانوراه می‌رود، اگر کف دست یا زانوی او نجس شود، با راه رفتن پاک می‌گردد، همچنین است ته عصا و ته پای مصنوعی و نعل چهارپایان.

مسئله ۱۹۵. داخل کفش و مقداری از کف پا که به زمین نمی‌رسد، به واسطه راه رفتن پاک نمی‌شود. بنابراین احتیاط واجب، کف جوراب به واسطه راه رفتن، پاک نمی‌شود.

❦ (۳) آفتاب

مسئله ۱۹۶. آفتاب، زمین و ساختمان و چیزهایی را که مانند در و پنجره در ساختمان به کار برده شده و همچنین میخی را که به دیوار کوبیده‌اند، با پنج شرط پاک می‌کند:

اول: چیز نجس به طوری تر باشد که اگر چیز دیگری به آن برسد، تر شود.

پس اگر خشک باشد باید به وسیله‌ای آن را تر کنند تا آفتاب خشک کند.

دوم: اگر عین نجس در آن چیز باشد، پیش از تابیدن آفتاب آن را برطرف کنند.

سوم: چیزی از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند. پس اگر آفتاب از پشت پرده یا ابرو مانند این‌ها بتابد و چیز نجس را خشک کند، آن چیز پاک نمی‌شود، ولی اگر ابر به قدری نازک باشد که مثل شیشه ساده از تابیدن آفتاب جلوگیری نکند، اشکال ندارد.

چهارم: آفتاب به تنهایی چیز نجس را خشک کند. پس اگر مثلاً چیز نجس به واسطه باد و آفتاب خشک شود، پاک نمی‌گردد، ولی اگر باد به قدری کم باشد که نگویند به خشک شدن چیز نجس کمک کرده، اشکال ندارد.

پنجم: آفتاب مقداری از بنا یا ساختمان را که نجاست به آن فرو رفته، یک مرتبه خشک کند؛ پس اگر یک مرتبه بر زمین یا ساختمان نجس بتابد و روی آن را خشک کند و دفعه دیگر زیر آن را خشک نماید، فقط روی آن پاک می‌شود و زیر آن نجس می‌ماند.

مسئله ۱۹۷. درخت، شاخه، برگ و میوه آن و گیاه‌ها در حال اتصال به زمین به واسطه آفتاب پاک می‌شوند.

مسئله ۱۹۸. اگر آفتاب به زمین نجس بتابد، بعد انسان شک کند که زمین، موقع تابیدن آفتاب تر بوده یا نه یا تری آن به واسطه آفتاب خشک شده یا نه، آن زمین نجس است. همچنین است اگر شک کند که پیش از تابش آفتاب، عین نجس از آن برطرف شده یا نه یا شک کند که چیزی مانع تابش آفتاب بوده یا نه.

مسئله ۱۹۹. اگر آفتاب به یک طرف دیوار نجس بتابد، طرفی که آفتاب به آن نتابیده، پاک نمی‌شود.

❦ (۴) تغییر ماهیت (استحاله)

مسئله ۲۰۰. اگر جنس چیز نجس طوری عوض شود که به صورت چیز پاکی درآید، پاک می‌شود. مثل آنکه چوب نجس بسوزد و خاکستر گردد یا سگ در نمک زار فرو رود و نمک شود. به این تغییر ماهیت، «استحاله» می‌گویند. اگر جنس آن عوض نشود، مثل آنکه گندم نجس را آرد کنند یا نان بپزند، پاک نمی‌شود.

مسئله ۲۰۱. کوزه گلی و مانند آن که از گِلِ نجس ساخته شده و همچنین زغالِ چوبِ نجس، نجس است.

مسئله ۲۰۲. چیز نجسی که معلوم نیست استحاله شده یا نه، نجس است.

❦ (۵) انقلاب

مسئله ۲۰۳. اگر شراب به خودی خود یا به واسطه آنکه چیزی مثل سرکه و نمک در آن ریخته اند، سرکه شود، پاک می گردد.

مسئله ۲۰۴. شرابی را که از انگور نجس و مانند آن درست کنند یا نجاست دیگری به آن برسد، بنابر احتیاط واجب به واسطه سرکه شدن پاک نمی شود.

مسئله ۲۰۵. سرکه ای که از انگور و کشمش و خرماي نجس درست کنند، نجس است.

مسئله ۲۰۶. اگر پوشالِ ریزِ انگور یا خرما داخل آنها باشد و سرکه بریزند اشکال ندارد، و این بنابر آن است که قائل به نجاست آن به وسیله جوش آمدن باشیم و در مسئله «۱۱۹» گذشت که اقوی طهارت است.

❦ (۶) کم شدنِ دوسوم

مسئله ۲۰۷. اگر دوسوم آب انگور بدون جوش آمدن کم شود، چنانچه باقی مانده آن جوش بیاید، نجس نیست ولی خوردن آن حرام است.

مسئله ۲۰۸. خوردن آب انگوری که معلوم نیست جوش آمده یا جوش نیامده، حلال است.

مسئله ۲۰۹. اگر مثلاً در یک خوشه غوره، یک یا دو دانه انگور باشد، چنانچه به آبی که از آن خوشه گرفته می شود، آب غوره بگویند و اثری از شیرینی انگور در آن نباشد و بجوشد، پاک است و خوردن آن حلال.

مسئله ۲۱۰. اگر یک دانه انگور در چیزی که با آتش می جوشد بیفتد و بجوشد و در آن مستهلک شود (ازین برود)، خوردن آن حلال است.

مسئله ۲۱۱. اگر چیزی که معلوم نیست غوره است یا انگور، جوش بیاید، خوردن آن حلال است.

❁ (۷) انتقال

مسئله ۲۱۲. اگر خون بدن انسان یا خون حیوانی که خون جهنده دارد، به بدن حیوانی که خون جهنده ندارد، برود و خون آن حیوان حساب شود، پاک می‌گردد. این وضعیت را «انتقال» می‌گویند. پس خونی که زالوا از انسان می‌مکد، چون به آن، خون زالو گفته نمی‌شود و می‌گویند خون انسان است، نجس است.

مسئله ۲۱۳. اگر کسی پشه‌ای را که به بدنش نشسته، بکشد و نداند خونی که از پشه بیرون آمده از او مکیده یا از خود پشه است، پاک است. همچنین است اگر بداند از او مکیده ولی جزء بدن پشه حساب شود. اما اگر فاصله بین مکیدن خون و کشتن پشه به قدری کم باشد که بگویند خون انسان است، آن خون نجس است. و اگر بداند که آن خون را از انسان مکیده و شک کند که جزء بدن پشه شده یا نشده، احتیاط واجب اجتناب از آن است.

❁ (۸) اسلام

مسئله ۲۱۴. اگر کافر شهادتین بگوید، یعنی بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» مسلمان می‌شود. بعد از مسلمان شدن بدن، آب دهان، بینی و عرق او پاک است. اگر موقع مسلمان شدن، عین نجس به بدن او بوده، باید برطرف کند و جای آن را آب بکشد، بلکه اگر پیش از مسلمان شدن، عین نجس برطرف شده باشد، احتیاط واجب آن است که جای آن را آب بکشد.

مسئله ۲۱۵. اگر موقعی که کافر بوده لباس او با رطوبت به بدنش رسیده باشد و آن لباس در موقع مسلمان شدن در بدن او نباشد، نجس است، بلکه اگر در بدن او هم باشد، بنابر احتیاط واجب باید از آن اجتناب کند.

مسئله ۲۱۶. اگر کافر شهادتین بگوید و انسان نداند قلباً مسلمان شده یا نشده، پاک است، بلکه اگر بداند که اعتقاد قلبی هم ندارد، تا اظهار کفر نکرده، بنابر اقوی پاک است.

❁ (۹) تبعیت

مسئله ۲۱۷. «تبعیت» آن است که چیز نجسی به واسطه پاک شدن چیز نجس دیگر، پاک شود.

مسئله ۲۱۸. اگر شراب سرکه شود، ظرف آن هم تا جایی که شراب موقع جوش آمدن به آنجا رسیده، پاک می شود. پارچه یا چیزی هم که معمولاً روی آن می گذارند، اگر به آن رطوبت نجس شود، پاک می گردد. اگر پشت ظرف به آن شراب آلوده شود، احتیاط واجب آن است که بعد از سرکه شدن شراب، از آن اجتناب کنند.

مسئله ۲۱۹. ظرفی که آب انگور در آن جوش می آید و چیزهایی که مانند کفگیر برای پختن آب انگور به کار می رود، بنا بر قول به نجاست آب انگور جوشیده، بعد از کم شدن دوسوم آب انگور پاک می شود، ولی گذشت که آب انگور به جوشیدن نجس نمی شود. مسئله ۲۲۰. تخته یا سنگی که روی آن، شخص مرده را غسل می دهند و پارچه ای که با آن عورت او را می پوشانند و دست کسی که او را غسل می دهد، بعد از تمام شدن غسل، پاک می شود.

مسئله ۲۲۱. کسی که چیزی را با دست خود آب می کشد، بعد از پاک شدن آن چیز، دست او هم پاک می شود.

مسئله ۲۲۲. اگر لباس و مانند آن را با آب قلیل آب بکشند و به اندازه معمول فشار دهند تا آبی که روی آن ریخته اند جدا شود، آبی که در آن می ماند پاک است.

مسئله ۲۲۳. اگر جایی از بدن یا لباس را با آب قلیل آب بکشند، اطراف آنجا که متصل به آن است و معمولاً موقع آب کشیدن آنجا نجس می شود، با پاک شدن جای نجس پاک می شود. همچنین است اگر چیز پاکی را کنار چیز نجس بگذارند و روی هر دو آب بریزند. پس برای مثال اگر جهت آب کشیدن یک انگشت نجس، روی همه انگشت ها آب بریزند و آب نجس به همه آنها برسد، بعد از پاک شدن انگشت نجس، تمام انگشت ها پاک می شود.

❦ (۱۰) برطرف شدن عین نجس

مسئله ۲۲۴. اگر بدن حیوان به عین نجس (مثل خون) یا متنجس (مثل آب نجس) آلوده شود، چنانچه آنها برطرف شود، بدن آن حیوان پاک می شود، همچنین است باطن بدن انسان (مثل داخل دهان و بینی). مثلاً اگر خونی از لای دندان بیرون آید و در دهان از بین برود، آب کشیدن داخل دهان لازم نیست، ولی اگر دندان مصنوعی یا روکش دندان در

دهان نجس شود، بنابراین احتیاط واجب باید آن را آب بکشند.

مسئله ۲۲۵. اگر غذا لای دندان مانده باشد و داخل دهان خون بیاید، چنانچه انسان نداند که خون به غذا رسیده، آن غذا پاک است؛ اگر خون به آن برسد، بنابراین احتیاط واجب نجس می‌شود.

مسئله ۲۲۶. مقداری از لب‌ها و پلک چشم که موقع بستن روی هم می‌آید و نیز جایی را که انسان نمی‌داند از ظاهر بدن است یا باطن آن، اگر نجس شود، بنابراین احتیاط واجب باید آب بکشد.

مسئله ۲۲۷. اگر گردوخاک نجس به لباس و فرش و مانند این‌ها بنشیند، چنانچه هر دو خشک باشند، فرش و لباس نجس نمی‌شود و کافی است آن را تکان دهند تا گردوخاک نجس از آن بریزد. و اگر فرش تر باشد، محل نشستن گردوخاک نجس می‌شود و باید آن را آب بکشند.

❁ (۱۱) استبراء حیوان نجاست خوار

مسئله ۲۲۸. ادرار و مدفوع حیوان حلال‌گوشتی که به خوردن نجاست انسان عادت کرده، نجس است. برای پاک شدن باید آن را استبراء کنند، یعنی خوراک پاک به آن بدهند و نگذارند نجاست بخورد تا وقتی که دیگر به آن حیوان، نجاست خوار نگویند. بنابراین احتیاط مستحب باید شتر نجاست خوار را چهل روز، گاو را سی روز، گوسفند را ده روز، مرغابی را هفت یا پنج روز، مرغ خانگی را سه روز، از خوردن نجاست بازداشت. اگر بعد از این مدت باز هم به آنها نجاست خوار گفته شود، تا مدتی که بعد از آن مدت، دیگر به آنها نجاست خوار نگویند، آنها را از خوردن نجاست بازدارند.

❁ (۱۲) غایب شدن مسلمان

مسئله ۲۲۹. اگر مسلمان بالغ بداند بدن یا لباس یا چیز دیگری که در اختیار اوست (مانند ظرف و فرش) نجس شده و بعد غایب گردد (از آن محل بیرون رود) و بعد از بازگشت، با آن لباس یا بدن، کاری که شرط آن، پاکی است (مانند نماز) انجام دهد و احتمال بدھیم آن را تطهیر کرده، محکوم به طهارت است.

مسئله ۲۳۰. اگر خود انسان یقین کند چیزی که نجس بوده، پاک شده است یا دو عادل به پاک شدن آن خبر دهند یا کسی که چیز نجس در اختیار اوست بگوید آن چیز پاک شده یا مسلمانی چیز نجس را آب کشیده باشد (گرچه معلوم نباشد درست آب کشیده یا نه)، آن چیز پاک است.

مسئله ۲۳۱. اگر انسان حالی دارد که در آب کشیدن چیز نجس یقین پیدا نمی‌کند، می‌تواند به گمان اکتفا نماید یا به یقین متعارف مردم و همان قدری که سایر مسلمان‌ها آب می‌کشند، اعتماد کند.

✽ راه‌های ثابت شدن پاک‌ی اشیای نجس شده

مسئله ۲۳۲. پاک شدن چیزی که نجس شده، از چند راه اثبات می‌گردد:

اول: یقین یا اطمینان به پاک شدن آن؛

دوم: شهادت دو مرد عادل بر پاک شدن آن یا شهادت دو مرد عادل بر سبب پاک شدن، مثل آنکه شهادت دهند باران بر آب متنجس باریده است. خبر دادن یک مرد عادل، بنا بر احتیاط واجب کافی نیست، مگر آنکه موجب اطمینان گردد.

سوم: کسی که آن چیز در اختیار اوست بگوید پاک شده است به شرطی که متهم به عدم رعایت طهارت و نجاست نباشد.

چهارم: غایب شدن مسلمان؛ با توضیحی که در مسئله «۲۲۹» گذشت.

پنجم: حمل فعل مسلمان بر صحت؛ هرگاه مسلمانی چیز نجسی را برای پاک شدن، آب کشیده باشد، هر چند معلوم نباشد درست آب کشیده یا نه، آن چیز، پاک به حساب می‌آید. مثلاً اگر کسی لباسی به خشک شویی مسلمان داده تا آن را بشوید و آب بکشد، پس از گرفتن لباس اگر معلوم باشد که شسته شده، ولی کیفیت شستن به شیوه شرعی برای انسان مشکوک باشد، آن لباس پاک به حساب می‌آید.

مسئله ۲۳۳. کسی که وکیل شده تا لباسی را آب بکشد، اگر بگوید آن را آب کشیدم، حکم به طهارت آن می‌شود.

✽ احکام ظرف‌ها

مسئله ۲۳۴. بنابر احتیاط واجب هر نوع استفاده از چرم سگ و خوک و مردار مطلقاً حرام است و استفاده از آن در خوردن و آشامیدن حرام است.

مسئله ۲۳۵. خوردن و آشامیدن از ظرف طلا و نقره حرام است؛ بنابر احتیاط واجب، استفاده از آنها مطلقاً حرام است. نگه داشتن ظروف طلا و نقره به قصد ذخیره مالی (نه به عنوان ظرف)، حرام نیست، گرچه احوط ترک آن است.

مسئله ۲۳۶. ساختن ظرف طلا و نقره و اجرت گرفتن برای ساخت آن، حرام است.

مسئله ۲۳۷. خرید و فروش ظرف طلا و نقره به قصد خوردن و آشامیدن از آن و سایر استفاده‌های حرام، باطل و پول و عوضی که فروشنده می‌گیرد، حرام است.

مسئله ۲۳۸. گیره استکانی که از طلا یا نقره می‌سازند، اگر بعد از برداشتن استکان، به آن، «ظرف» گفته شود، استعمال آن، چه به تنهایی و چه با استکان، حرام است و اگر به آن ظرف گفته نشود، استعمال آن مانعی ندارد.

مسئله ۲۳۹. استعمال ظرفی که روی آن را آب طلا یا آب نقره داده‌اند، اشکال ندارد.

مسئله ۲۴۰. اگر ظرفی را با آلیاژ طلا یا نقره و فلز دیگری بسازند و مقدار آن فلز به قدری باشد که به آن ظرف، ظرف طلا یا نقره نگویند، استعمال آن مانع ندارد.

مسئله ۲۴۱. اگر انسان غذایی را که در ظرف طلا یا نقره است، به خاطر اینکه غذا خوردن در ظرف طلا و نقره حرام است، در ظرف دیگر بریزد، اشکال ندارد؛ اما اگر به این قصد نباشد، ریختن غذا از ظرف طلا یا نقره در ظرف دیگر، حرام است. در هر دو صورت، خوردن غذا از ظرف دوم مانعی ندارد.

مسئله ۲۴۲. استفاده از بادگیر قلیان، غلاف شمشیر، کارد و قاب قرآن، اگر از طلا یا نقره باشد، اشکال ندارد. ولی بنابر احتیاط واجب استفاده از عطردان و سرمه‌دان طلا و نقره حرام است.

مسئله ۲۴۳. استفاده از ظرف طلا یا نقره در حال ناچاری اشکال ندارد، مگر برای وضو و غسل که در حال ناچاری هم نمی‌شود از آن ظروف استفاده کرد و باید تیمم نمود. اگر استعمال ظرف طلا و نقره در وضو و غسل، به جهت تقیه باشد، مانعی ندارد.

مسئله ۲۴۴. استفاده از ظرفی که معلوم نیست از طلا یا نقره ساخته شده است یا از چیز دیگر، اشکال ندارد.

❁ وضو

مسئله ۲۴۵. در وضو واجب است، به کیفیتی که گفته خواهد شد، صورت و دست‌ها را بشویند و جلوی سر و روی پاها را مسح کنند.

❁ احکام شستن صورت و دست‌ها

مسئله ۲۴۶. در وضو، طول صورت را باید از بالای پیشانی (جایی که موی سر بیرون می‌آید) تا آخر چانه و از عرض، به مقداری که بین انگشت وسط و شست قرار می‌گیرد، شست. اگر مختصری از این مقدار را نشوید، وضو باطل است. برای آنکه یقین کند این مقدار کاملاً شسته شده، باید کمی اطراف آن را هم بشوید. شستن صورت با دست چپ نیز مانعی ندارد و می‌توان صورت را برای شستن، از پیشانی به پایین زیر شیرآب گرفت.

مسئله ۲۴۷. اگر صورت یا دست کسی کوچک‌تر یا بزرگ‌تر از معمول مردم باشد، باید ملاحظه کند که افراد معمولی تا کجای صورت خود را می‌شویند و او نیز تا همان جا را بشوید. همچنین اگر در پیشانی او مورویده یا جلوی سرش موندارد، باید به اندازه معمول، پیشانی را بشوید.

مسئله ۲۴۸. اگر احتمال دهد چرک یا چیز دیگری در ابروها و گوشه‌های چشم و لب اوست که نمی‌گذارد آب به آنها برسد، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد، باید پیش از وضواری کند که اگر هست، برطرف نماید.

مسئله ۲۴۹. اگر پوست صورت از لای موی پیدا باشد، باید آب را به پوست برساند، اگر پیدا نباشد، شستن موکافی است و رساندن آب به زیر آن لازم نیست.

مسئله ۲۵۰. اگر شک کند که پوست صورت از لای موی پیدا است یا نه، بنا بر احتیاط واجب باید مورا بشوید و آب را به پوست هم برساند.

مسئله ۲۵۱. شستن داخل بینی و مقداری از لب و چشم که در وقت بستن دیده نمی‌شود، واجب نیست، ولی برای آنکه یقین کند از جاهایی که باید شسته شود چیزی

باقی نمانده، واجب است مقداری از آنها را نیز بشوید. کسی که نمی دانسته باید این مقدار را بشوید، اگر بداند در وضوهایی که گرفته مقدار واجب را شسته، نمازهایی که خوانده صحیح است.

مسئله ۲۵۲. باید صورت و دست ها را از بالا به پایین شست. اگر از پایین به بالا بشوید، وضو باطل است.

مسئله ۲۵۳. اگر دست را تر کند و به صورت و دست ها بکشد، چنانچه تری دست به قدری باشد که به واسطه کشیدن دست، آب کمی بر آنها جاری شود، کافی است.

مسئله ۲۵۴. بعد از شستن صورت، باید دست راست و بعد از آن دست چپ را از آرنج تا سرانگشت ها بشوید.

مسئله ۲۵۵. برای آنکه یقین کند آرنج را کاملاً شسته، باید مقداری بالاتر از آرنج را هم بشوید.

مسئله ۲۵۶. کسی که پیش از شستن صورت، دست های خود را تا مچ شسته، در موقع وضو باید تا سرانگشتان را بشوید. اگر فقط تا مچ را بشوید، وضوی او باطل است.

مسئله ۲۵۷. در وضو، یک مرتبه شستن صورت و دست ها، واجب و دومرتبه شستن آن، مستحب است و شستن بیش از دو مرتبه حرام است اما به تنهایی مبطل نیست، بلکه با توجه به امور دیگر مبطل خواهد بود. مثلاً اگر با آبی که از شستن مرتبه سوم در کف دست باقی مانده، بخواهد مسح نماید، مبطل وضومی شود.

اینکه کدام شستن، اول یا دوم یا سوم است، مربوط به قصد کسی است که وضو می گیرد. پس اگر به قصد شستن مرتبه اول مثلاً ده مرتبه آب به صورت بریزد، اشکال ندارد و همه آنها شستن اول حساب می شود.

مسئله ۲۵۸. شستن موهای صورت و دست در وضو واجب است.

✽ احکام مسح سروپاها

مسئله ۲۵۹. بعد از شستن هر دو دست، باید جلوی سر را با تری آب وضو که در دست مانده، مسح کند؛ احتیاط واجب آن است که با دست راست مسح نماید. فرقی نمی کند مسح از بالا به پایین باشد یا از پایین به بالا، هر چند احتیاط مستحب آن است که مسح از بالا به پایین باشد.

مسئله ۲۶۰. جای مسح، یک قسمت از چهار قسمت سر است که مقابل پیشانی قرار دارد. هر جای این قسمت را به هر اندازه مسح کند، کافی است؛ گرچه احتیاط مستحب آن است که به طول یک انگشت و به عرض سه انگشت بسته مسح نماید.

مسئله ۲۶۱. لازم نیست مسح سر بر پوست آن باشد، بلکه مسح بر موی جلوی سر نیز صحیح است. کسی که موی جلوی سر او به اندازه ای بلند است که اگر شانه کند، به صورتش می ریزد یا به جای دیگر سرمی رسد، باید بُن موها را مسح کند یا فرق سر را باز کند و پوست سر را مسح نماید. اگر موهایی را که به صورت می ریزد یا به جاهای دیگر سرمی رسد، جلوی سر جمع کند و بر آنها مسح نماید یا بر موی جاهای دیگر سر، که جلوی سر آمده مسح کند، باطل است.

مسئله ۲۶۲. بعد از مسح سر، باید با تری آب وضو که در دست مانده، روی پاها را از سَرِیکی از انگشت ها تا برآمدگی روی پا، و بنا بر احتیاط واجب تا مفصل پا مسح کند. احتیاط واجب آن است که پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح کند و مسح پای راست مقدم بر پای چپ باشد.

مسئله ۲۶۳. پهنای مسح پا به هر اندازه باشد، کافی است، گرچه بهتر آن است که به عرض سه انگشت بسته مسح نماید؛ بهتر از آن، مسح تمام روی پا است.

مسئله ۲۶۴. در مسح پا می تواند تمام دست را روی پا بگذارد و کمی بکشد، گرچه احتیاط مستحب آن است که دست را بر سر انگشت ها بگذارد و بعد روی پا بکشد.

مسئله ۲۶۵. در مسح سر و پاها، باید دست را روی آنها بکشد؛ اگر دست را نگه دارد و سر یا پا را حرکت دهد، وضو باطل است. اگر موقعی که دست را می کشد، سر یا پاها مختصری حرکت کند، اشکال ندارد.

مسئله ۲۶۶. جای مسح باید خشک باشد؛ اگر به قدری تر باشد که رطوبت کف دست به آن غلبه نکند، مسح باطل است، اما اگر تری آن به قدری کم باشد که رطوبتی را که بعد از مسح در آن دیده می شود، فقط از تری کف دست بدانند، اشکال ندارد.

مسئله ۲۶۷. اگر برای مسح، رطوبتی در کف دست نمانده باشد، نمی تواند دست را با آب غیر وضو تر کند، بلکه باید از اعضای دیگر وضو (صورت و دست ها) رطوبت بگیرد و با آن مسح نماید.

مسئله ۲۶۸. اگر رطوبت کف دست فقط به اندازه مسح سر باشد، احتیاط واجب آن است که سر را با همان رطوبت مسح کند و برای مسح پاها، از اعضای دیگر وضو رطوبت بگیرد.

مسئله ۲۶۹. مسح کردن از روی جوراب و کفش باطل است، اما اگر به واسطه سرمای شدید یا ترس از دزد و دزدیده و مانند این‌ها نتواند کفش یا جوراب را بیرون آورد، مسح کردن بر آنها اشکال ندارد. در این صورت اگر روی کفش نجس باشد، باید چیز پاکي بر آن بیندازد و بر آن چیز مسح کند و احتیاط واجب آن است که تیمم هم بنماید.

مسئله ۲۷۰. اگر روی پا نجس باشد و نتواند برای مسح، آن را آب بکشد، مسح جبیره همراه با تیمم مطابق با احتیاط است.

✽ وضوی ارتماسی

مسئله ۲۷۱. در وضوی ارتماسی انسان صورت و دست راست و چپ را به قصد وضو در آب فرو برد و مجموعه ورود دست در آب و خروج از آن، به قصد وضو باشد و مسح سرو پاها را انجام دهد.

مسئله ۲۷۲. در وضوی ارتماسی باید صورت و دست‌ها از بالا به پایین شسته شود؛ به این صورت که صورت را از طرف پیشانی و دست‌ها را از طرف آرنج در آب فرو برد.

مسئله ۲۷۳. اگر وضوی بعضی از اعضا را ارتماسی و بعضی را غیر ارتماسی انجام دهد، اشکال ندارد.

✽ شرایط صحت وضو

شرایط صحیح بودن وضو سیزده چیز است:

✽ شرط اول و دوم: آب وضوی پاک و مطلق باشد

مسئله ۲۷۴. وضو با آب نجس و آب مضاف باطل است، گرچه انسان نجس بودن یا مضاف بودن آن را نداند یا فراموش کرده باشد. اگر با آن وضو نمازی هم خوانده باشد، باید آن نماز را دوباره با وضوی صحیح بخواند.

مسئله ۲۷۵. اگر غیر از آب گِل آلود مضاف، آب دیگری برای وضو ندارد، چنانچه وقت نماز کم است، باید تیمم کند و اگر وقت دارد، احتیاط واجب آن است که صبر کند تا آب صاف شود و وضو بگیرد.

❦ شرط سوم: آب وضو فضایی که در آن وضوی گیرد، مباح باشد

مسئله ۲۷۶. وضو با آب غصبی و با آبی که معلوم نیست صاحب آن راضی است یا نه، حرام و باطل است. اگر آب وضو از صورت و دست‌ها در جای غصبی بریزد، چنانچه در غیر آنجا نتواند وضو بگیرد، وضوی او باطل است، زیرا در این صورت شخص مکلف به وضو نیست و باید تیمم نماید. اگر در غیر آنجا بتواند وضو بگیرد، وضو صحیح است، زیرا در این صورت مکلف به وضو است، ولی چون آب وضو در ملک دیگران می‌ریزد، مرتکب حرام شده است.

مسئله ۲۷۷. وضو گرفتن از حوض مدرسه‌ای که انسان نمی‌داند آن حوض را برای همه مردم وقف کرده‌اند یا برای محصلان همان مدرسه؛ در صورتی که از وضوی مردم از آب آن، اطمینان به عمومیت وقف آن پیدا شود، اشکال ندارد.

مسئله ۲۷۸. وضو گرفتن از حوض پاساژ، مرکز خرید، مسافرخانه و مانند این‌ها، برای کسانی که ساکن آن نیستند، با علم به رضایت صاحبان آن صحیح است، هر چند علم به رضایت، از وضو گرفتن کسانی که در آن ساکن نیستند و ممانعت نکردن صاحبان آنها، حاصل شود.

مسئله ۲۷۹. وضو گرفتن در نه‌های بزرگ، گرچه انسان نداند که صاحبان آن راضی هستند، اشکال ندارد، اما اگر صاحبان آن از وضو گرفتن نهی کنند، احتیاط واجب آن است که با آب آنها وضو نگیرد.

مسئله ۲۸۰. اگر کسی فراموش کند آب غصبی است و با آن وضو بگیرد، صحیح است. ولی کسی که خودش آب را غصب کرده، اگر غصبی بودن آن را فراموش کند و وضو بگیرد، بنابر احتیاط واجب وضوی او باطل است.

❁ شرط چهارم: ظرف آب وضو مباح باشد

❁ شرط پنجم: ظرف آب وضو طلا و نقره نباشد

مسئله ۲۸۱. اگر آب وضو در ظرف غصبی یا طلا و نقره است و غیر از آن آب دیگری ندارد، باید تیمم کند و نمی تواند با آب آنها وضو بگیرد.

مسئله ۲۸۲. بنابر احتیاط واجب وضو در حوضی که حتی یک آجر یا یک سنگ آن غصبی است، باطل است.

مسئله ۲۸۳. اگر در صحن یکی از امامان علیهم السلام یا امامزادگان که سابقاً قبرستان بوده است، حوض یا نهري بسازند، چنانچه انسان نداند که زمین صحن را برای قبرستان وقف کرده اند، وضو گرفتن در آن حوض و نهراشکال ندارد.

❁ شرط ششم: اعضای وضو پاک باشد

مسئله ۲۸۴. اعضای وضو در هنگام شستن و مسح کردن، باید پاک باشد.

مسئله ۲۸۵. اگر پیش از تمام شدن وضو، جایی را که شسته یا مسح کرده نجس شود، وضو باطل نمی شود. و جواز ادامه وضو نسبت به اعضا و حالات مختلف (مانند خون دماغ شدن، نجاست آرنج با سرایت، نجاست محل مسح سر یا پا و...) متفاوت است.

مسئله ۲۸۶. اگر غیر از اعضای وضو جایی از بدن نجس باشد، وضو باطل نمی شود، اما اگر مخرج ادرار یا مدفوع را پاک نکرده باشد، احتیاط مستحب آن است که اول آن را تطهیر کند و بعد وضو بگیرد.

مسئله ۲۸۷. اگر یکی از اعضای وضو نجس باشد و بعد از وضو شک کند که پیش از وضو آنجا را آب کشیده یا آب نکشیده است، چنانچه در موقع وضو متوجه پاک بودن و نجس بودن آنجا نبوده، وضو باطل است، اما اگر می داند متوجه بوده یا شک دارد که متوجه بوده یا نبوده، وضو صحیح است. در هر صورت جایی را که نجس بوده، باید آب بکشد، مگر آنکه بداند با وضو گرفتن پاک شده است.

مسئله ۲۸۸. اگر در صورت یا دست ها بریدگی یا زخمی است که خون آن بند نمی آید و آب برای آن ضرر ندارد، چنانچه در آب گریا جاری فرو برد یا زیر شیر آب بگیرد و

قدری فشار دهد که خون بند بیاید، سپس به نیت وضو دست یا انگشت خود را روی آن بگذارد و بعد از روی آن بردارد که آب بر آن جریان پیدا کند و شرایط دیگر مختل نشود، وضو صحیح است.

❦ شرط هفتم: وقت برای وضو نماز کافی باشد

مسئله ۲۸۹. هرگاه وقت به قدری کم باشد که اگر وضو بگیرد، تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمم کند، اما اگر برای وضو و تیمم یک اندازه زمان لازم است، باید وضو بگیرد.

مسئله ۲۹۰. کسی که در تنگی وقت نماز باید تیمم کند، اگر به قصد قربت یا برای کار مستحبی (مثل خواندن قرآن) وضو بگیرد، صحیح است، اما اگر برای خواندن آن نماز وضو بگیرد، به طوری که فعلاً انگیزه او بر وضو گرفتن فقط آن نماز باشد، وضویش باطل است.

❦ شرط هشتم: به قصد قربت وضو بگیرد

مسئله ۲۹۱. انسان برای اینکه وضو را با قصد قربت گرفته باشد، همین که آن را به قصد انجام فرمان خداوند انجام دهد، کافی است. اگر برای خنک شدن یا به قصد دیگری وضو بگیرد، باطل است.

مسئله ۲۹۲. لازم نیست نیت وضو را به زبان بگوید یا از قلب خود بگذراند، ولی باید در تمام وضو متوجه باشد که وضو می گیرد به طوری که اگر از او پرسند چه می کنی، بگوید وضو می گیرم.

❦ شرط نهم: کارهای وضو را به ترتیب به جا آورد

مسئله ۲۹۳. واجب است انسان اول صورت و بعد دست راست و بعد دست چپ را بشوید و بعد از آن سر و بعد پاها را مسح نماید. در مسح پاها، احتیاط واجب آن است که پای راست را با دست راست و پای چپ را با دست چپ مسح کند و مسح پای راست مقدم بر پای چپ باشد. اگر این ترتیب در وضو رعایت نشود، وضو باطل است.

❁ شرط دهم: کارهای وضو را پشت سر هم انجام دهد (موالات)

مسئله ۲۹۴. اگر بین کارهای وضو به قدری فاصله شود که وقتی می خواهد جایی را بشوید یا مسح کند، رطوبت جاهایی که پیش از آن شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد، وضو باطل است. احتیاط مستحب این است که اگر فقط رطوبت یکی از جاهایی که جلوتر شسته یا مسح کرده، خشک شده باشد (مثلاً وقتی می خواهد دست چپ را بشوید، رطوبت دست راست یا رطوبت صورت خشک شده باشد) نیز دوباره وضو بگیرد.

مسئله ۲۹۵. اگر کارهای وضو را پشت سر هم به جا آورد، ولی به واسطه گرمای هوا یا حرارت زیاد بدن و مانند این ها رطوبت خشک شود، وضو صحیح است.

مسئله ۲۹۶. راه رفتن در بین وضو اشکال ندارد؛ پس اگر بعد از شستن صورت و دست ها چند قدم راه برود و بعد سرو پاها را مسح کند، وضو صحیح است.

❁ شرط یازدهم: کارهای وضو را در صورت امکان، خود فرد انجام دهد

مسئله ۲۹۷. در حال اختیار باید شستن صورت و دست ها و مسح سرو پاها را خود انسان انجام دهد. اگر دیگری او را وضو دهد، یا در رساندن آب به صورت و دست ها و مسح سرو پاها به او کمک نماید، وضو باطل است.

مسئله ۲۹۸. کسی که نمی تواند وضو بگیرد، باید نایب بگیرد که او را وضو دهد. چنانچه مزد هم بخواهد، در صورتی که بتواند باید بدهد. و باید خود او نیت وضو کند و با دست خود مسح نماید. اگر نمی تواند، باید نایب، دست او را بگیرد و به جای مسح او بکشد. اگر این هم ممکن نیست، باید نایب از دست او رطوبت بگیرد و با آن رطوبت، سرو پای او را مسح کند. در این صورت بنا بر احتیاط مستحب، تیمم هم بنماید.

مسئله ۲۹۹. هر کدام از کارهای وضو که می تواند به تنهایی انجام دهد، نباید برای آن نایب بگیرد.

❁ شرط دوازدهم: استعمال آب برای او مانعی نداشته باشد

مسئله ۳۰۰. کسی که بترسد به سبب وضو گرفتن، مریض شود یا تشنه بماند، نباید وضو بگیرد و باید تیمم کند. اگر نداند که آب برای او ضرر دارد و وضو بگیرد و بعد بفهمد

ضرر داشته است، بنا بر احتیاط واجب باید علاوه بر آن وضو، تیمم نیز بنماید. اگر با آن وضو نماز خوانده، تیمم نماید و نماز را اعاده کند. اگر با جهل به ضرر، وضو گرفت و سپس ضرر رفع شد، بنا بر احتیاط واجب دوباره وضو بگیرد.

مسئله ۳۰۱. اگر رساندن آب به صورت و دست‌ها به مقدار کمی که وضو با آن صحیح است، ضرر ندارد و بیشتر از آن ضرر دارد، باید با همان مقداری که ضرر ندارد، وضو بگیرد.

❦ شرط سیزدهم: در اعضای وضومانی از رسیدن آب نباشد

مسئله ۳۰۲. اگر می‌داند چیزی به اعضای وضو چسبیده، ولی شک دارد که از رسیدن آب جلوگیری می‌کند یا نه، باید آن را برطرف کند یا آب را به زیر آن برساند.

مسئله ۳۰۳. اگر زیر ناخن چرک باشد، وضو اشکال ندارد، ولی اگر ناخن را بگیرد، باید برای وضو آن چرک را برطرف کند. همچنین اگر ناخن بیشتر از معمول بلند باشد، باید چرک آن مقداری را که از معمول بلندتر است، برطرف نماید.

مسئله ۳۰۴. اگر پوست اعضای وضو، به واسطه سوختن یا چیز دیگر، تاول زده یا برآمده باشد، شستن و مسح روی آن کافی است و اگر سوراخ شود، رساندن آب به زیر پوست لازم نیست. اگر پوست یک قسمت آن کنده شود، لازم نیست آب را به زیر قسمتی که کنده نشده برساند. اگر پوستی که کنده شده، گاهی به بدن می‌چسبد و گاهی بلند می‌شود، باید آن را بکند یا آب را به زیر آن برساند.

مسئله ۳۰۵. اگر شک کند که به اعضای وضو چیزی چسبیده یا نجسبیده، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد (مثل آنکه بعد از گل‌کاری، شک کند گل به دست او چسبیده)، باید واریسی کند یا به قدری دست بمالد تا اطمینان پیدا کند که اگر چیزی بوده برطرف شده یا آب به زیر آن رسیده است.

مسئله ۳۰۶. جایی را که باید شست و مسح کرد، هر قدر چرک باشد، اگر چرک آن مانع از رسیدن آب به بدن نباشد، اشکال ندارد. همچنین است اگر بعد از گچ‌کاری و مانند آن، چیز سفیدی که مانع از رسیدن آب به پوست نیست، بردست بماند. اما اگر شک کند که با بودن آنها، آب به بدن می‌رسد یا نمی‌رسد، باید آنها را برطرف کند.

مسئله ۳۰۷. اگر پیش از وضو بداند که در بعضی از اعضای وضو مانعی از رسیدن آب هست و بعد از وضو شک کند که در وقت وضو، آب را به آنجا رسانده یا نرسانده است، چنانچه احتمال بدهد که در حال وضو متوجه بوده، وضوی او صحیح است.

مسئله ۳۰۸. اگر در بعضی از اعضای وضو مانعی باشد که گاهی آب به خودی خود زیر آن می‌رسد و گاهی نمی‌رسد و انسان بعد از وضو شک کند که آب زیر آن رسیده یا نرسیده، چنانچه بداند وقت وضو متوجه رسیدن آب به زیر آن نبوده است، بنابر احتیاط واجب باید دوباره وضو بگیرد.

مسئله ۳۰۹. اگر بعد از وضو چیزی را که مانع از رسیدن آب است در اعضای وضو ببیند و نداند وقت وضو بوده یا بعد پیدا شده، وضو صحیح است، اما اگر بداند که در وقت وضو توجهی به آن نداشته است، بنابر احتیاط واجب باید دوباره وضو بگیرد.

مسئله ۳۱۰. اگر بعد از وضو شک کند چیزی که مانع رسیدن آب است در اعضای وضو بوده یا نبوده و احتمال بدهد که در وقت وضو متوجه بوده و اگر مانعی بوده، برطرف کرده، وضو صحیح است، ولی اگر بداند که وقت وضو متوجه نبوده است، بنابر احتیاط واجب باید دوباره وضو بگیرد.

مسئله ۳۱۱. لاک و ناخن مصنوعی و تاتوی موقت ابرو و موژه مصنوعی که مانع رسیدن آب به اعضای وضو است، باید برطرف شود.

✽ احکام دیگر وضو

مسئله ۳۱۲. کسی که در کارهای وضو و شرایط آن (مثل پاک بودن آب، غصبی نبودن آب و ...) خیلی شک می‌کند، نباید به شک خود اعتنا کند.

مسئله ۳۱۳. اگر شک کند که وضوی او باطل شده یا نشده است، نیاز نیست دوباره وضو بگیرد. اگر بعد از ادار، استبراء نکرده و وضو گرفته باشد و بعد از وضو رطوبتی از او بیرون آید که نداند ادار است یا چیز دیگر، وضو باطل است.

مسئله ۳۱۴. کسی که شک دارد وضو گرفته یا نگرفته است، باید وضو بگیرد.

مسئله ۳۱۵. کسی که می‌داند وضو گرفته و کاری که وضو را باطل می‌کند انجام داده، مثلاً ادار کرده، اگر نداند کدام جلوتر بوده:

- (۱) اگر پیش از نماز است، باید وضو بگیرد.
 - (۲) اگر در بین نماز است، احتیاط واجب آن است که نماز را تمام کند و دوباره وضو بگیرد و نماز را اعاده کند.
 - (۳) اگر بعد از نماز است، نمازی که خوانده صحیح است و برای نمازهای بعد باید وضو بگیرد.
- مسئله ۳۱۶. اگر بعد از وضو یا در بین آن یقین کند که بعضی اعضای وضو را نشسته یا مسح نکرده:
- (۱) چنانچه رطوبت اعضایی که پیش از آن است، خشک شده باشد، باید دوباره وضو بگیرد و
 - (۲) اگر خشک نشده باشد، باید جایی را که فراموش کرده و اعضای بعد از آن را، بشوید یا مسح کند. اگر در بین وضو در شستن یا مسح کردن جایی شک کند، باید به همین دستور عمل کند.
- مسئله ۳۱۷. اگر بعد از نماز شک کند که وضو گرفته یا نگرفته است، در صورتی که احتمال می‌دهد پیش از نماز، متوجه لزوم وضو برای نماز بوده، نماز او صحیح است ولی باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد.
- مسئله ۳۱۸. اگر در بین نماز شک کند که وضو گرفته یا نگرفته است، بنابر احتیاط واجب نماز را تمام کند و دوباره وضو بگیرد و نماز را اعاده کند.
- مسئله ۳۱۹. اگر بعد از نماز شک کند که قبل از نماز، وضوی او باطل شده یا بعد از نماز، نمازی که خوانده صحیح است.

✽ احکام کسی که نمی‌تواند از خروج ادرار یا مدفوع جلوگیری نماید (دائم‌الحدث)

- مسئله ۳۲۰. کسی که بیماری نیست پس از ادرار یا بی‌اختیاری مدفوع دارد، چنانچه یقین داشته باشد که از اول وقت نماز تا آخر آن، به مقدار وضو گرفتن و نماز خواندن مهلت پیدا می‌کند، باید نماز را در آن زمان بخواند و اگر مهلت او به مقدار کارهای واجب نماز است، باید در آن زمان، فقط کارهای واجب نماز را به‌جا آورد و کارهای مستحب (مانند اذان، اقامه و قنوت) را ترک نماید.

مسئله ۳۲۱. اگر به مقدار وضو و نماز مهلت پیدا نمی‌کند و به سختی نمی‌افتد که بعد از هر بار خروج ادرار یا مدفوع وضو بگیرد، باید ظرف آبی کنار خود بگذارد و هر وقت ادرار یا مدفوع از او خارج شد، فوراً وضو بگیرد و نماز را ادامه دهد. بنابراین احتیاط واجب اگر وضو در بین نماز، موجب به هم خوردن موالات نماز می‌شود، همان نماز را دوباره با یک وضو بخواند، هر چند اگر در بین آن نماز وضوی او باطل شود.

مسئله ۳۲۲. کسی که ادرار یا مدفوع، طوری پی‌درپی از او خارج می‌شود که وضو گرفتن بعد از هر دفعه برای او سخت است، اگر بتواند مقداری از نماز را با وضو بخواند، باید برای هر نماز یک وضو بگیرد.

مسئله ۳۲۳. کسی که ادرار یا مدفوع پی‌درپی از او خارج می‌شود، اگر نتواند هیچ مقدار از نماز را با وضو بخواند، بنابراین احتیاط واجب برای هر نماز یک وضو بگیرد.

مسئله ۳۲۴. کسی که ادرار یا مدفوع پی‌درپی از او خارج می‌شود، باید برای هر نماز وضو بگیرد و فوراً مشغول نماز شود. برای به جا آوردن سجده و تشهد فراموش شده و نماز احتیاط، که باید بعد از نماز انجام داد، در صورتی که آنها را فوراً بعد از نماز به جا بیاورد، وضو گرفتن لازم نیست.

مسئله ۳۲۵. کسی که ادرار او قطره‌قطره می‌ریزد، باید هنگام نماز، کیسه‌ای برای خود تعبیه کند که در آن به وسیله پنبه یا چیز دیگری، از رسیدن ادرار به جاهای دیگر جلوگیری نماید، همچنین بنابر احتیاط واجب باید پیش از هر نماز، مخرج ادرار را آب بکشد. کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن مدفوع خودداری کند، باید هنگام نماز، چنانچه ممکن باشد از رسیدن مدفوع به جاهای دیگر جلوگیری نماید. همچنین بنابر احتیاط واجب اگر سختی نداشته باشد، باید برای هر نماز، مخرج مدفوع را آب بکشد.

مسئله ۳۲۶. کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند، در صورت امکان باید هنگام نماز، از خارج شدن ادرار و مدفوع جلوگیری نماید، هر چند هزینه داشته باشد. بنابراین احتیاط واجب اگر بیماری او به آسانی درمان می‌شود، باید درمان نماید.

مسئله ۳۲۷. کسی که بیماری بی‌اختیاری ادرار یا مدفوع دارد، پس از درمان لازم نیست نمازهایی را که در زمان بیماری مطابق وظیفه‌اش خوانده است، قضا نماید، اما اگر در وقت نماز، بیماری او خوب شود، باید نمازی را که در آن وقت خوانده است، دوباره بخواند.

مسئله ۳۲۸. کسی که بیماری بی‌اختیاریِ گاز (باد روده) دارد، باید به وظیفهٔ کسانی که بی‌اختیاری ادرار و مدفوع دارند، عمل نماید.

✽ موارد وجوب وضو

مسئله ۳۲۹. برای شش عمل، وضو گرفتن واجب است:

اول: برای نمازهای واجب، غیر از نماز میت؛ در نمازهای مستحب، وضو شرط صحت است.

دوم: برای سجده و تشهد فراموش شده؛ البته در صورتی که بین آن و نماز، عملی که وضو را باطل می‌کند از او سرزده باشد. بنابر احتیاط واجب برای سجدهٔ سهو هم باید وضو بگیرد.

سوم: برای طواف واجب خانهٔ کعبه؛

چهارم: اگر نذر یا عهد کرده یا قسم خورده باشد که وضو بگیرد.

پنجم: اگر نذر کرده باشد خط قرآن را لمس کند.

ششم: برای آب کشیدن قرآنی که نجس شده یا بیرون آوردن آن از محلی که بودن قرآن در آنجا اهانت به قرآن باشد، در صورتی که مجبور باشد خط قرآن را لمس کند. و چنانچه معطل شدن به مقداری که وضو بگیرد، بی‌احترامی به قرآن باشد، باید بدون وضو قرآن را از آنجا بیرون آورد و اگر نجس شد، آب بکشد.

مسئله ۳۳۰. لمس نمودن خط قرآن (رساندن جایی از بدن به خط قرآن) برای کسی که وضو ندارد، حرام است. بنابر احتیاط مستحب حتی موی خود را هم به خط قرآن نرساند. اگر قرآن را به زبان فارسی یا به زبان دیگر ترجمه کنند، لمس آن اشکال ندارد.

مسئله ۳۳۱. واجب نیست جلوی بچه و دیوانه را بگیرند تا خط قرآن را لمس نکند، اما اگر لمس نمودن آنان بی‌احترامی به قرآن باشد، باید مانع آن شوند.

مسئله ۳۳۲. کسی که وضو ندارد، حرام است اسم خداوند متعال را (به هر زبانی که نوشته شده باشد) لمس نماید. بنابر احتیاط واجب نباید اسم مبارک پیغمبر ﷺ و امامان و حضرت زهرا (علیها السلام) را هم بدون وضو لمس کرد.

مسئله ۳۳۳. اگر پیش از وقت نماز، به قصد اینکه با طهارت باشد، وضو بگیرد یا غسل کند، می‌تواند با آن وضو یا غسل نماز بخواند. همچنین است اگر نزدیک وقت نماز، به قصد مهیا بودن برای نماز وضو بگیرد.

مسئله ۳۳۴. کسی که یقین دارد وقت نماز شده است، اگر نیت وضوی واجب کند و بعد از وضو بفهمد وقت نماز نشده، وضوی او صحیح است.

مسئله ۳۳۵. مستحب است انسان برای نماز میت، زیارت اهل قبور، رفتن به مسجد و حرم ائمه علیهم‌السلام، همراه داشتن قرآن، خواندن و نوشتن قرآن، لمس حاشیه قرآن و خوابیدن، وضو بگیرد. همچنین مستحب است کسی که وضو دارد، دوباره وضو بگیرد. اگر برای یکی از این کارها وضو بگیرد، می‌تواند هر کاری را که باید با وضو انجام داد، به جا آورد مثلاً می‌تواند با وضویی که به قصد قرآن خواندن گرفته است، نماز واجب بخواند.

✽ موارد بطلان وضو

مسئله ۳۳۶. هفت چیز وضورا باطل می‌کند:

اول: ادرار؛

دوم: مدفوع؛

سوم: باد روده که از مخرج مدفوع خارج شود.

چهارم: خوابی که به واسطه آن چشم نبیند و گوش نشنود؛ اما اگر چشم نبیند، ولی گوش بشنود، وضو باطل نمی‌شود.

پنجم: چیزهایی که عقل را از بین می‌برد مانند دیوانگی، مستی و بیهوشی.

ششم: استحاضه؛ که احکام آن بعداً گفته می‌شود.

هفتم: کاری که برای آن باید غسل کرد مانند جنابت، حیض، نفاس و لمس میت.

✽ دعا‌های مستحب هنگام وضو گرفتن

مسئله ۳۳۷. کسی که وضو می‌گیرد، مستحب است وقتی که نگاهش به آب می‌افتد، بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي جَعَلَ الْمَاءَ طَهُوراً وَلَمْ يَجْعَلْهُ نَجْساً». هنگامی که

دست خود را پیش از وضو می‌شوید، بگوید: «اللَّهُمَّ اجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ». موقع مضمضه (آب در دهان گرداندن) بگوید: «اللَّهُمَّ لَقْنِي حُبَّتِي يَوْمَ الْقَاكَ وَأَطْلِقْ لِسَانِي بِذِكْرِكَ». موقع استنشاق (آب در بینی کردن) بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تُحَرِّمْ عَلَيَّ رِيحَ الْجَنَّةِ وَاجْعَلْنِي مِمَّنْ يَشْمُ رِيحَهَا وَرَوْحَهَا وَطِيبَهَا». موقع شستن صورت بگوید: «اللَّهُمَّ بَيِّضْ وَجْهِي يَوْمَ تَسْوَدُ فِيهِ الْوُجُوهُ وَلَا تُسَوِّدْ وَجْهِي يَوْمَ تَبْيِضُ فِيهِ الْوُجُوهُ». موقع شستن دست راست بگوید: «اللَّهُمَّ أَغْنِنِي كِتَابِي بِيَمِينِي وَالْخُلْدَ فِي الْجَنَانِ بِيَسَارِي وَحَاسِبِي حِسَاباً يَسِيراً». موقع شستن دست چپ بگوید: «اللَّهُمَّ لَا تُعْطِنِي كِتَابِي بِشِمَالِي وَلَا مِنْ وَرَاءِ ظَهْرِي وَلَا تَجْعَلْهَا مَغْلُولَةً إِلَى عُنُقِي وَأَعُوذُ بِكَ مِنْ مَقْطَعَاتِ الْتَيْرَانِ». موقع مسح سر بگوید: «اللَّهُمَّ غَشِّنِي بِرَحْمَتِكَ وَبَرَكَاتِكَ وَعَفْوِكَ». موقع مسح پاها بگوید: «اللَّهُمَّ تَبَشِّرْنِي عَلَى الصِّرَاطِ يَوْمَ تَرُلُ فِيهِ الْأَقْدَامُ وَاجْعَلْ سَعْيِي فِي مَا يَرْضِيكَ عَنِّي يَا ذَا الْجَلَالِ وَالْإِكْرَامِ».

※ وضوی جبیره‌ای

چیزی که با آن زخم و شکستگی را می‌بندند و دارویی که روی زخم و مانند آن می‌گذارند، «جبیره» نامیده می‌شود.

مسئله ۳۳۸. اگر در یکی از اعضای وضو، زخم یا دُمَل یا شکستگی باشد، چنانچه روی آن باز است و آب برای آن ضرر ندارد، باید به‌طور معمول وضو گرفت.

مسئله ۳۳۹. اگر زخم یا شکستگی در صورت و دست‌ها است و روی آن باز است و آب ریختن روی آن ضرر دارد:

۱) چنانچه کشیدن دست تَر بر آن ضرر ندارد، بنابر احتیاط واجب باید دست تَر بر آن بکشد.

۲) اگر این مقدار هم ضرر دارد یا زخم نجس است و نمی‌شود آن را آب کشید، باید اطراف زخم را از بالا به پایین بشوید.

۳) بنابر احتیاط مستحب، روی زخم پارچه یا پلاستیک بگذارد و بر آن دست بکشد.

۴) بنابر احتیاط واجب در صورت شکستگی، علاوه بر وضو، تیمم هم انجام دهد.

مسئله ۳۴۰. اگر زخم یا شکستگی در جلوی سریان روی پاها است و روی آن باز است، چنانچه نتواند آن را مسح کند، بنا بر احتیاط واجب پارچه پاک روی آن بگذارد و روی پارچه را با تری آب وضو مسح کند. اگر گذاشتن پارچه ممکن نباشد، مسح لازم نیست، اما در هر دو صورت باید بعد از وضو تیمم نماید.

مسئله ۳۴۱. اگر زخم یا شکستگی در صورت یا دست‌ها باشد و بشود روی آن را باز کرد، چنانچه ریختن آب روی آن ضرر دارد و کشیدن دست تر ضرر ندارد، کشیدن دست تروی آن کافی است، هر چند بنا بر احتیاط مستحب بهتر است پارچه بگذارد و روی آن دست بکشد.

مسئله ۳۴۲. اگر نمی‌شود روی زخم را باز کرد:

(۱) اگر زخم و چیزی که روی آن گذاشته (جبیره)، پاک است و رساندن آب به زخم ممکن است و ضرر هم ندارد، باید آب را روی زخم برساند.

(۲) اگر زخم یا چیزی که روی آن گذاشته نجس است، چنانچه آب کشیدن آن و رساندن آب به زخم ممکن باشد، باید آن را آب بکشد و آب را به زخم برساند.

(۳) اگر آب برای زخم ضرر دارد یا رساندن آب به زخم ممکن نیست، باید اطراف زخم را بشوید و اگر جبیره پاک است، روی آن مسح کند.

(۴) اگر جبیره نجس است یا نمی‌شود روی آن دست تر کشید مثلاً دارویی است که به دست می‌چسبد، بنا بر احتیاط واجب پارچه پاک را به طوری که جزء جبیره حساب شود، روی آن قرار دهد و دست تروی آن بکشد. در مورد اخیر اگر تمام محل تیمم پوشیده نیست، تیمم هم بنماید.

(۵) اگر هیچ‌کدام از این موارد ممکن نیست، بنا بر احتیاط واجب وضو بگیرد و تیمم هم بنماید، اما اگر مواضع تیمم پوشیده باشد، وضوی جبیره‌ای کافی است و تیمم جبیره‌ای لازم نیست.

مسئله ۳۴۳. اگر جبیره تمام صورت یا تمام یکی از دست‌ها یا تمام هر دو دست را پوشانده باشد، باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و بنا بر احتیاط واجب اگر تمام اعضای تیمم پوشیده نیست، تیمم هم بنماید.

مسئله ۳۴۴. اگر جبیره تمام اعضای وضو را گرفته باشد، بنابر احتیاط واجب باید وضوی جبیره‌ای بگیرد و تیمم هم بنماید.

مسئله ۳۴۵. کسی که در کف دست و انگشت‌ها جبیره دارد و برای وضو دست ترروی آن کشیده است، باید سروپاها را با همان رطوبت مسح کند.

مسئله ۳۴۶. اگر جبیره تمام پهنای روی پا را گرفته، ولی مقداری از طرف انگشتان و مقداری از طرف بالای پا باز است، باید آن مقداری که باز است، روی پا را و جایی که جبیره است، روی جبیره را مسح کند.

مسئله ۳۴۷. اگر در اعضای وضو چند جبیره باشد، باید بین آنها را بشوید یا مسح کند و در جاهایی که جبیره است، به دستور جبیره عمل نماید.

مسئله ۳۴۸. اگر جبیره بیشتر از معمول اطراف زخم را گرفته است و برداشتن آن ممکن نیست، باید به دستور جبیره عمل کند و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بنماید. اگر برداشتن جبیره ممکن است، باید جبیره را بردارد؛ در این صورت اطراف زخم را بشوید یا مسح کند و برای جای زخم به دستور جبیره عمل نماید.

مسئله ۳۴۹. اگر در اعضای وضو، زخم و جراحت و شکستگی نیست ولی به دلیل دیگری آب برای آن ضرر دارد، باید تیمم کند و بنابر احتیاط مستحب وضوی جبیره‌ای هم بگیرد. مسئله ۳۵۰. اگر جایی از اعضای وضو را رگ زده است و نمی‌تواند آن را آب بکشد یا آب برای آن ضرر دارد، به دستور جبیره عمل کند.

مسئله ۳۵۱. اگر در اعضای وضو یا غسل چیزی چسبیده است که برداشتن آن ممکن نیست یا به قدری مشقت دارد که نمی‌شود تحمل کرد، باید به دستور جبیره عمل کند. بنابر احتیاط واجب اگر بخشی از محل تیمم بی‌مانع بود، تیمم هم بنماید.

مسئله ۳۵۲. کسی که باید با وضو یا غسل جبیره‌ای نماز بخواند، اگر بداند که تا آخر وقت نماز مشکل او برطرف نمی‌شود، می‌تواند در اول وقت نماز بخواند، ولی اگر امید دارد که تا آخر وقت مشکلیش برطرف می‌شود، بنابر احتیاط واجب صبر کند و اگر مشکل برطرف نشد، در آخر وقت نماز را با وضو یا غسل جبیره‌ای به جا آورد.

مسئله ۳۵۳. اگر انسان برای بیماری چشم، روی آن را بچسباند، باید وضو و غسل را جبیره‌ای انجام دهد و بنابر احتیاط واجب تیمم هم بنماید.

مسئله ۳۵۴. کسی که نمی‌داند وظیفه‌اش تیمم است یا وضوی جبیره‌ای، بنابر احتیاط واجب باید هر دو را به جا آورد.

مسئله ۳۵۵. نمازهایی را که انسان با وضوی جبیره‌ای خوانده، صحیح است، اما بعد از آنکه مشکل برطرف شد و هنوز وضوی جبیره‌ای باطل نشده است، بنابر احتیاط واجب باید برای نمازهای بعد وضو بگیرد. بنابر احتیاط واجب اگر در وقت نماز مشکلیش برطرف شود، باید نماز را با وضوی جدید اعاده کند.

✽ غسل جبیره‌ای

مسئله ۳۵۶. غسل جبیره‌ای، مانند وضوی جبیره‌ای است و باید ترتیبی به جا آورده شود.

✽ تیمم جبیره‌ای

مسئله ۳۵۷. کسی که وظیفه‌اش تیمم است، اگر در بعضی از اعضای تیمم او زخم یا دمل یا شکستگی باشد، باید مانند وضوی جبیره‌ای، تیمم جبیره‌ای نماید.

✽ غسل

شستن تمام بدن با قصد قربت و به کیفیت خاص را «غسل» می‌گویند.

✽ کیفیت غسل

مسئله ۳۵۸. لازم نیست در وقت غسل نیت کند که غسل واجب یا مستحب می‌کنم و اگر فقط به قصد قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم غسل کند کافی است.

مسئله ۳۵۹. اگر یقین کند وقت نماز شده و نیت غسل واجب کند و بعد معلوم شود که پیش از وقت غسل کرده، غسل او صحیح است.

مسئله ۳۶۰. غسل را، چه واجب باشد و چه مستحب، به دو قسم می‌شود انجام داد:

(۱) ترتیبی؛

(۲) ارتماسی.

✽ غسل ترتیبی

مسئله ۳۶۱. در غسل ترتیبی باید به نیت غسل، اول سروگردن و بعد طرف راست و بعد طرف چپ بدن را بشوید و اگر عمداً یا از روی فراموشی یا به واسطه ندانستن مسئله، به این ترتیب عمل نکند، غسل او باطل است.

مسئله ۳۶۲. برای آنکه یقین کند هر سه قسمت (یعنی سروگردن و طرف راست و طرف چپ) را کاملاً غسل داده، باید هر قسمتی را که می‌شوید مقداری از قسمت‌های دیگر را هم با آن قسمت بشوید، بلکه احتیاط آن است که تمام طرف راست گردن را با طرف راست بدن و تمام طرف چپ گردن را با طرف چپ بدن بشوید.

مسئله ۳۶۳. اگر بعد از غسل بفهمد مقداری از بدن را نشسته، چنانچه از طرف چپ باشد، شستن همان مقدار کافی است و اگر از طرف راست باشد، باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف چپ را بشوید و اگر از سروگردن باشد، باید بعد از شستن آن مقدار، دوباره طرف راست و بعد طرف چپ را بشوید.

مسئله ۳۶۴. اگر پیش از تمام شدن غسل، در شستن مقداری از طرف چپ شک کند، شستن همان مقدار کافی است، ولی اگر در شستن مقداری از طرف راست شک کند، باید بعد از شستن آن مقدار، طرف چپ را هم بشوید و اگر در شستن مقداری از سروگردن شک کند، باید بعد از شستن آن، دوباره طرف راست و طرف چپ را بشوید و اگر بعد از تمام شدن طرف چپ شک کند که یکی از اعضای سابق یا مقداری از آن را شسته یا نه، به آن شک اعتنا نکند.

✽ غسل ارتماسی

مسئله ۳۶۵. در غسل ارتماسی باید آب در یک آن، تمام بدن را بگیرد. پس اگر به نیت غسل ارتماسی در آب فرو رود، چنانچه پای او روی زمین باشد، باید پاها را از زمین بلند کند، و لنگ و لباس زیر را از کمر جدا کند.

مسئله ۳۶۶. در غسل ارتماسی ظاهراً این است که اگر وقتی زیر آب رفت، نیت کند و بدن را حرکتی دهد، کافی است.

مسئله ۳۶۷. اگر بعد از غسل ارتماسی بفهمد به مقداری از بدن آب نرسیده، چه جای

آن را بداند چه نداند، باید دوباره غسل کند.

مسئله ۳۶۸. اگر برای غسل ترتیبی وقت ندارد، ولی برای ارتماسی وقت دارد، باید غسل ارتماسی کند.

مسئله ۳۶۹. کسی که روزه واجب گرفته یا برای حج یا عمره احرام بسته، نمی تواند غسل ارتماسی کند، ولی اگر از روی فراموشی غسل ارتماسی کند، صحیح است.

✽ شرایط صحیح بودن غسل

مسئله ۳۷۰. تمام شرط هایی که برای صحیح بودن وضو گفته شد مثل پاک بودن آب و غصبی نبودن آن، در صحیح بودن غسل هم شرط است، به جز برخی موارد که مهم ترین آنها عبارتند از:

اول: در غسل لازم نیست بدن را از بالا به پایین بشوید.

دوم: در غسل ترتیبی لازم نیست بعد از شستن هر قسمت، فوراً قسمت دیگر را بشوید، بلکه اگر بعد از شستن سر و گردن مقداری صبر کند که موالات عرفی از بین نرود و بعد طرف راست را بشوید و بعد از مدتی طرف چپ را بشوید اشکال ندارد. سوم: در مسئله «۲۴۹» گذشت که در وضو اگر پوست صورت از لای مو پیدا نباشد، شستن موکافی است و رساندن آب به زیر آن لازم نیست، ولی در غسل، رساندن آب به پوست لازم است.

مسئله ۳۷۱. کسی که نمی تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند، اگر در تمام وقت به اندازه ای که غسل کند و نماز بخواند ادرار و مدفوع از او بیرون نمی آید، باید هر قسمت را فوراً بعد از قسمت دیگر غسل دهد و بعد از غسل، فوراً نماز بخواند. و همچنین است حکم مستحاضه که بعداً گفته می شود.

مسئله ۳۷۲. در غسل ارتماسی باید تمام بدن پاک باشد، ولی در غسل ترتیبی پاک بودن تمام بدن لازم نیست و اگر تمام بدن نجس باشد و هر قسمتی را پیش از غسل دادن آن قسمت، آب بکشد کافی است.

مسئله ۳۷۳. چیزی را که مانع رسیدن آب به بدن است، باید برطرف کند و اگر پیش از آنکه یقین کند برطرف شده، غسل نماید، غسل او باطل است.

مسئله ۳۷۴. اگر موقع غسل شک کند چیزی که مانع از رسیدن آب باشد در بدن او هست یا نه، باید واریسی کند تا مطمئن شود که مانعی نیست.

مسئله ۳۷۵. کسی که قصد دارد پول حمامی را ندهد یا بدون اینکه بداند حمامی راضی است بخواهد نسیه بگذارد، گرچه بعد حمامی را راضی کند، غسل او باطل است، مگر آنکه از راضی نبودن حمامی غافل باشد و قرۃً إلى الله غسل کند که در این صورت غسل صحیح است و ضامنِ اجرة المثل است.

مسئله ۳۷۶. اگر حمامی راضی باشد که پول حمام، نسیه بماند ولی کسی که غسل می کند قصد و نیتش این باشد که طلب او را ندهد یا از مال حرام بدهد، غسل او اشکال دارد، مگر اینکه بداند حمامی با این وصف هم راضی به غسل است یا با غفلت از راضی بودن حمامی غسل کند که در هر دو صورت غسل صحیح است.

مسئله ۳۷۷. اگر بخواهد پول حرام یا پولی که خمس آن را نداده به حمامی بدهد، غسل او باطل است، ولی اگر یقین دارد که حمامی با این وصف راضی به غسل است یا با غفلت از رضایت حمامی غسل کند، غسلش صحیح است.

مسئله ۳۷۸. اگر کسی در موقع غسل، بیش از حد متعارف آب مصرف نماید و شک داشته باشد که آیا حمامی راضی است یا نه، غسل او باطل است، مگر اینکه پیش از غسل، از حمامی اجازه بگیرد.

مسئله ۳۷۹. اگر به خیال اینکه به اندازه غسل و نماز وقت دارد، برای خصوصی آن نماز غسل کند و معلوم شود که کمتر از غسل و تمام نماز وقت داشته، غسل او اشکال دارد، ولی اگر به قصد طهارت از جنابت، غسل کرده که بعد نماز هم بخواند، غسلش صحیح است، گرچه معلوم شود اصلاً وقت نداشته است.

❦ احکام غسل کردن

مسئله ۳۸۰. اگر در غسل به اندازه بسیار کمی هم از بدن نشسته بماند، غسل باطل است ولی شستن جاهایی از بدن که دیده نمی شود مثل داخل گوش و بینی و هر آنچه باطن شمرده می شود، واجب نیست.

مسئله ۳۸۱. جایی را که شک دارد از ظاهر بدن است یا از باطن آن، بنابر احتیاط واجب باید بشوید.

مسئله ۳۸۲. اگر سوراخ جای گوشواره و مانند آن به قدری گشاد باشد که داخل آن دیده شود، باید آن را شست و اگر دیده نشود، شستن داخل آن لازم نیست.

مسئله ۳۸۳. در غسل باید موهای کوتاهی را که جزء بدن حساب می شود، بشوید و شستن موهای بلند واجب نیست، بلکه اگر آب را طوری به پوست برساند که آنها تر نشوند، غسل صحیح است، ولی اگر رساندن آب به پوست، بدون شستن آنها ممکن نباشد، باید آنها را بشوید که آب به بدن برسد.

مسئله ۳۸۴. اگر شک کند که غسل کرده یا نه، باید غسل کند، ولی اگر بعد از غسل شک کند که غسل او درست بوده یا نه، لازم نیست دوباره غسل نماید.

مسئله ۳۸۵. اگر در بین غسل، حدث اصغراز او سریزند مثلاً ادرار کند، می تواند غسل را تمام نماید و بعد برای نماز وضو بگیرد و بهتر آن است که غسل را احتیاطاً از سر بگیرد به قصد آنچه از اتمام یا اعاده، بر ذمه او است؛ لکن وضو بعد از غسل برای نماز در این صورت هم واجب است.

مسئله ۳۸۶. کسی که جنب شده اگر شک کند غسل کرده یا نه، نمازهایی را که خوانده صحیح است، ولی برای نمازهای بعد، باید غسل کند.

مسئله ۳۸۷. کسی که چند غسل بر او واجب است، می تواند به نیت همه آنها یک غسل به جا آورد یا آنها را جدا جدا انجام دهد، ولی اگر در بین آنها غسل جنابت باشد و به قصد آن، غسل کند، غسل های دیگر ساقط می شود.

مسئله ۳۸۸. اگر بر جایی از بدن، آیه قرآن یا اسم خداوند متعال نوشته شده باشد، بنابر احتیاط واجب اگر ممکن است باید آن را از بین ببرد و اگر ممکن نیست، باید وضو و غسل را ارتماسی انجام دهد، و چنانچه بخواهد وضو یا غسل را ترتیبی به جا آورد، باید آب را طوری به بدن برساند که دست او به نوشته نرسد. و اگر به صورت خالکوبی باشد که پوست روی آن را گرفته باشد، اشکال ندارد.

مسئله ۳۸۹. کسی که غسل جنابت کرده، تا غسل باطل نشده نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی با غسل های دیگر نمی شود نماز خواند و باید وضو هم گرفت.

✽ غسل‌های واجب

غسل‌های واجب هفت مورد است:

اول: غسل جنابت؛

دوم: غسل قاعدگی (حیض)؛

سوم: غسل خون زایمان (نفاس)؛

چهارم: غسل استحاضه؛

پنجم: غسل لمسِ میت؛

ششم: غسل مُرده (میت)؛

هفتم: غسلی که به واسطهٔ نذر، قسم و مانند این‌ها واجب می‌شود.

✽ اول: غسل جنابت

به دو چیز انسان جُنُب می‌شود:

اول: نزدیکی (جماع)؛

دوم: بیرون آمدن منی.

✽ احکام جنابت

مسئلهٔ ۳۹۰. اگر انسان جُنُب شود، برای کارهایی که با طهارت انجام می‌شود (مانند نماز، باید غسل کند. دو چیز سبب جنابت می‌شود:

اول: نزدیکی (جماع)؛

دوم: بیرون آمدن منی؛ در خواب باشد یا بیداری، کم باشد یا زیاد، با شهوت

باشد یا بی‌شهوت، با اختیار باشد یا بی‌اختیار.

مسئلهٔ ۳۹۱. اگر رطوبتی از انسان خارج شود و شک کند منی است یا چیز دیگر، چنانچه با شهوت و جهندگی بیرون آمده باشد، یا با جهندگی بیرون آمده و بعد از آن، بدن سست شده باشد، حکم منی دارد. اگر هیچ‌یک از این دو نشانه را نداشته باشد، حکم منی ندارد، مگر آنکه علم یا اطمینان پیدا کند که منی بوده است. در مریض لازم نیست آن آب، با جهندگی بیرون آمده باشد، بلکه اگر با شهوت بیرون آید، در حکم منی است.

مسئله ۳۹۲. اگر از مردی که مریض نیست، آبی با جهندگی بیرون آید و نداند که با شهوت بوده یا نه، یا بعد از آن بدن سست شده یا نه، چنانچه پیش از بیرون آمدن، وضو داشته است، بنا بر احتیاط مستحب فقط غسل کند؛ اگر وضو نداشته است، باید وضو بگیرد و بنا بر احتیاط مستحب غسل کند. و اگر بداند آنچه خارج شده، ادرار یا منی است و قبلاً وضو داشته است، باید هم غسل کند و هم وضو بگیرد، اگر وضو نداشته، کافی است وضو بگیرد.

مسئله ۳۹۳. برای مرد مستحب است پس از خروج منی ادرار کند؛ اگر ادرار نکند و بعد از غسل، رطوبتی از او بیرون آید که نداند منی است یا رطوبت دیگر، در حکم منی است.

مسئله ۳۹۴. اگر انسان نزدیکی کند که در آن آلت جنسی مردانه به اندازه ختنه گاه یا بیشتر داخل شود، در زن باشد یا در مرد، در مقعد باشد یا فرج، بالغ باشند یا نابالغ، منی خارج شود یا نشود، هر دو جنب می شوند.

مسئله ۳۹۵. اگر شک کند که به مقدار ختنه گاه داخل شده یا نشده است، غسل بر او واجب نیست.

مسئله ۳۹۶. اگر مردی - نعوذ بالله - با حیوانی نزدیکی کند و منی از او بیرون آید، باید غسل نماید. اگر منی بیرون نیاید، چنانچه پیش از نزدیکی وضو نداشته باشد، بنا بر احتیاط واجب باید غسل کند و وضو هم بگیرد، اما اگر پیش از نزدیکی، وضو داشته باشد، غسل کافی است.

مسئله ۳۹۷. اگر منی از جای خود حرکت کند، ولی بیرون نیاید یا انسان شک کند که منی از او بیرون آمده یا نیامده است، غسل بر او واجب نیست.

مسئله ۳۹۸. کسی که نمی تواند غسل کند ولی تیمم برایش ممکن است، در وقت نماز هم می تواند با همسر خود نزدیکی کند.

مسئله ۳۹۹. اگر در لباس خود منی ببیند و بداند که از خود اوست و برای آن غسل نکرده است، باید غسل کند و نمازهایی را که یقین دارد بعد از بیرون آمدن منی خوانده است، قضا کند. ولی نمازهایی را که احتمال می دهد بعد از بیرون آمدن منی خوانده است، لازم نیست قضا نماید.

✽ کارهای حرام برجنب

مسئله ۴۰۰. پنج عمل برجنب حرام است:

اول: رساندن جایی از بدن به خط قرآن یا به اسم خدا و سایر اسماء و صفات خاصه خدا؛ و بنا بر احتیاط، رساندن جایی از بدن به نام پیغمبران و ائمه علیهم السلام و حضرت زهرا علیها السلام، به طوری که در وضو گفته شد.

دوم: رفتن در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر صلی الله علیه و آله؛ گرچه از یک در داخل و از در دیگر خارج شود.

سوم: توقف در مساجد دیگر؛ ولی اگر از یک در داخل و از در دیگر خارج شود یا برای برداشتن چیزی برود، مانعی ندارد. و احتیاط واجب، نرفتن در حرم ائمه علیهم السلام است، گرچه از یک در وارد و از در دیگر خارج شود.

چهارم: گذاشتن چیزی در مسجد؛ بلکه بنا بر احتیاط لازم از بیرون هم چیزی در مسجد نگذارد، هر چند خودش وارد مسجد نشود.

پنجم: خواندن آیه ای که سجده واجب دارد و آن در چهار سوره است:

(۱) سوره سی و دوم قرآن (الم تنزیل)؛

(۲) سوره چهل و یکم (حم سجده)؛

(۳) سوره پنجاه و سوم (والنجم)؛

(۴) سوره نود و هشتم (اقرأ)؛ و اگر یک حرف از این چهار آیه را هم بخواند، حرام است و احتیاط مستحب آن است که آیات دیگر سوره سجده دار را نیز نخواند.

✽ کارهای مکروه برجنب

مسئله ۴۰۱. نه عمل برجنب مکروه است:

اول و دوم: خوردن و آشامیدن؛ ولی اگر وضو بگیرد یا دست ها را بشوید مکروه نیست.

سوم: خواندن بیشتر از هفت آیه از سوره هایی که سجده واجب ندارد.

چهارم: رساندن جایی از بدن به جلد و حاشیه و بین خط های قرآن؛

پنجم: همراه داشتن قرآن؛

ششم: خوابیدن؛ ولی اگر وضو بگیرد یا به واسطه نداشتن آب، تیمم کند، مکروه نیست و در این تیمم نیت کند به جهت امر خدا، چه بدل از وضو چه غسل چه مستقل در رفع کراهت خوابیدن، تیمم می‌کند.

هفتم: خضاب کردن به حنا و مانند آن؛

هشتم: مالیدن روغن به بدن؛

نهم: نزدیکی (جماع) بعد از آنکه محتمل شده؛ یعنی در خواب از او منی بیرون آمده است.

✽ موارد لزوم غسل جنابت

مسئله ۴۰۲. غسل جنابت برای تحصیل طهارت از جنابت مستحب است و برای خواندن نماز واجب و مانند آن واجب می‌شود، ولی برای نماز میت و سجده شکر و سجده‌های واجب قرآن، غسل جنابت لازم نیست و برای سجده سهو به احتیاط واجب غسل جنابت نیاز است.

✽ دوم، سوم و چهارم: غسل خون‌های سه گانه

✽ (۱) استحاضه

یکی از خون‌هایی که از زن خارج می‌شود، خون استحاضه است و زن را در موقع دیدن خون استحاضه، «مستحاضه» می‌گویند.

مسئله ۴۰۳. خون استحاضه در بیشتر اوقات زرد رنگ و سرد است و بدون فشار و سوزش بیرون می‌آید و غلیظ نیست، ولی ممکن است گاهی سیاه یا سرخ و گرم و غلیظ باشد و با فشار و سوزش بیرون آید.

✽. اقسام استحاضه

مسئله ۴۰۴. استحاضه سه قسم است:

(۱) قلیله؛

(۲) متوسطه؛

(۳) کثیره.

«استحاضهٔ قلیله» آن است که خون فقط روی پنبه‌ای را آلوده کند که زن با خود برمی‌دارد و در آن فرو نرود.

«استحاضهٔ متوسطه» آن است که خون در پنبه فرو رود، گرچه در یک گوشهٔ آن باشد.
«استحاضهٔ کثیره» آن است که خون، پنبه را بگیرد و به نوار بهداشتی یا لباس زیر هم برسد.

✽ احکام استحاضه

مسئلهٔ ۴۰۵. در استحاضهٔ قلیله باید برای هر نماز یک وضو بگیرد و پنبه را عوض کند و ظاهر فرج را اگر خون به آن رسیده، آب بکشد.

مسئلهٔ ۴۰۶. در استحاضهٔ متوسطه باید برای نماز صبح غسل کند و وضو بگیرد و تا صبح دیگر برای نمازهای بعد، کارهای استحاضهٔ قلیله را، که در مسئلهٔ پیش گفته شد، انجام دهد و اگر عمداً یا از روی فراموشی برای نماز صبح غسل نکند، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و چنانچه برای نماز ظهر و عصر غسل نکند، باید پیش از نماز مغرب و عشا غسل نماید، چه خون بیاید چه قطع شده باشد.

مسئلهٔ ۴۰۷. در استحاضهٔ کثیره علاوه بر غسل برای نماز صبح، یک غسل برای نماز ظهر و عصر و یکی برای نماز مغرب و عشا به جا آورد. و بین نماز ظهر و عصر، و نماز مغرب و عشا فاصله نیندازد و اگر فاصله بیندازد، باید برای نماز بعد دوباره غسل کند و چون وجوب وضو در استحاضهٔ کثیره محل تأمل است، احتیاط آن است که پیش از غسل، به قصد رجا وضو بگیرد و در میان نماز ظهر و عصر و نماز مغرب و عشا، اگر بین آنها جمع می‌نماید، گرفتن وضو برای مستحاضهٔ کثیره خلاف احتیاط است، مگر در حال گفتن اقامهٔ نماز دوم که با جمع عرفی منافعی نباشد، و برای هر نماز نوار بهداشتی یا لباس زیر را عوض کند و ظاهر بدن را هم تطهیر کند.

مسئلهٔ ۴۰۸. مستحاضهٔ متوسطه که باید وضو بگیرد و غسل کند، هرکدام را اول به جا آورد صحیح است و مستحاضهٔ کثیره، چنانچه گذشت، احوط آن است که پیش از غسل، وضو بگیرد.

مسئلهٔ ۴۰۹. مستحاضهٔ کثیره یا متوسطه اگر پیش از داخل شدن وقت نماز برای نماز

غسل کند، غسل او باطل است، بلکه احتیاط لازم آن است که میان غسل و نماز فاصله نیندازد، مگر به خواندن نافله همان نماز.

مسئله ۴۱۰. مستحاضه قلیله و متوسطه برای هر نماز، چه واجب و چه مستحب، باید وضو بگیرد و نیز اگر بخواند نمازی را که خوانده احتیاطاً دوباره بخواند یا بخواند نمازی را که تنها خوانده است دوباره با جماعت بخواند، باید تمام کارهایی که برای مستحاضه گفته شد انجام دهد، ولی برای خواندن نماز احتیاط و سجده فراموش شده و تشهد فراموش شده و سجده سهو، اگر آنها را بعد از نماز فوراً به جا آورد، لازم نیست کارهای مستحاضه را انجام دهد.

مسئله ۴۱۱. مستحاضه قلیله بعد از وضو و مستحاضه کثیره و متوسطه بعد از غسل و وضو، باید فوراً مشغول نماز شود، ولی گفتن اذان و اقامه و خواندن دعاهای قبل از نماز اشکال ندارد و در نماز هم می تواند کارهای مستحب مثل قنوت و مانند آن را به جا آورد.

مسئله ۴۱۲. مستحاضه اگر بین غسل و نماز فاصله بیندازد و خون ببیند، باید دوباره غسل کند و بلافاصله مشغول نماز شود.

مسئله ۴۱۳. اگر خون استحاضه جریان دارد و قطع نمی شود، چنانچه برای او ضرر ندارد باید پیش از غسل و بعد از آن، به وسیله پنبه از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید، ولی اگر همیشه جریان ندارد، فقط باید بعد از وضو و غسل از بیرون آمدن خون جلوگیری نماید و چنانچه کوتاهی کند و خون بیرون آید، باید بنابر احتیاط لازم دوباره غسل کند و اگر نماز هم خوانده، باید دوباره بخواند.

مسئله ۴۱۴. اگر در موقع غسل، خون قطع نشود، غسل صحیح است.

مسئله ۴۱۵. احتیاط واجب آن است که مستحاضه، در تمام روزی که روزه است به مقداری که می تواند و موجب ضرر برای او نباشد، از بیرون آمدن خون جلوگیری کند.

مسئله ۴۱۶. روزه مستحاضه ای که غسل بر او واجب می باشد، در صورتی صحیح است که بنابر احتیاط لازم، غسل نماز مغرب و عشاء شبی که می خواهد فردای آن را روزه بگیرد، به جا آورد و بلکه بنابر احتیاط غسل نماز مغرب و عشاء شب بعد را نیز به جا آورد و نیز در روز، مستحاضه کثیره، بلکه متوسطه بنابر احوط غسل هایی را که برای نمازهای روزش واجب است انجام دهد.

مسئله ۴۱۷. اگر بعد از نماز عصر، مستحاضه شود و تا غروب غسل نکند، روزه او صحیح است و چنانچه گذشت بنابر احتیاط در صحت روزه این روز، غسل نماز مغرب و عشاء شب بعد شرط است.

مسئله ۴۱۸. اگر خون استحاضه در باطن باشد و از محل خارج نشده باشد، وضو و غسل باطل نمی شود و اگر بیرون بیاید، هرچند کم باشد، وضو و غسل را باطل می کند و اگر از محل خود خارج شده و به محلی رسیده باشد که اگر پنبه داخل کند آلوده به خون می شود، بنابر احتیاط باید به وظایفی که گفته شد، عمل کند.

مسئله ۴۱۹. اگر مستحاضه، یکی از کارهایی را که بر او واجب است حتی عوض کردن پنبه را ترک کند، نمازش باطل است.

مسئله ۴۲۰. احتیاط آن است که مستحاضه غیر از نماز، هر کاری که شرط آن، طهارت است مثل دست کشیدن به خط قرآن را ترک کند، مگر در صورتی که بر او واجب باشد.

مسئله ۴۲۱. اگر مستحاضه، غسل های واجب خود را به جا آورد، رفتن در مسجد و توقف در آن و خواندن سوره ای که سجده واجب دارد و نزدیکی شوهر با او، حلال می شود، گرچه کارهای دیگری را که برای نماز واجب است، مثل عوض کردن پنبه و دستمال، انجام نداده باشد.

مسئله ۴۲۲. اگر زن در استحاضه کثیره یا متوسطه بخواد پیش از وقت نماز و انجام غسل واجب، سوره ای را که سجده واجب دارد بخواند یا مسجد برود یا شوهرش بخواد با او نزدیکی کند، بنابر احتیاط واجب باید غسل نماید.

مسئله ۴۲۳. نماز آیات بر مستحاضه واجب است و باید برای نماز آیات هم کارهایی را که برای نماز روزانه گفته شد، انجام دهد.

مسئله ۴۲۴. هرگاه در وقت نماز روزانه، نماز آیات بر مستحاضه واجب شود گرچه بخواد هر دو را پشت سرهم به جا آورد، باید برای نماز آیات هم تمام کارهایی را که برای نماز روزانه بر او واجب است، انجام دهد و نمی تواند هر دو را با یک غسل وضو بخواند.

مسئله ۴۲۵. اگر مستحاضه بخواد نماز قضا بخواند، باید برای هر نماز، کارهایی را که برای نماز ادا بر او واجب است، به جا آورد، لکن احتیاط لازم، ترک قضا است تا موقعی

که پاک شود، مگر با خوف فوت؛ یعنی بترسد که اگر نماز را تأخیر بیندازد، دیگر نتواند آن را به جا آورد.

مسئله ۴۲۶. اگر زن بداند خونی که از او خارج می شود، خون زخم نیست و بداند یا حیض است یا استحاضه، و یا اینکه نفاس است یا استحاضه، و علامت حیض و نفاس نداشته باشد، باید به دستور استحاضه عمل کند و شرعاً حکم حیض و نفاس را ندارد، بلکه اگر شک داشته باشد که خون استحاضه است یا خون های دیگر، چنانچه نشانه آنها را نداشته باشد، بنابر احتیاط واجب، باید کارهای مستحاضه را انجام دهد.

* احکام معلوم نبودن نوع استحاضه

مسئله ۴۲۷. اگر نداند استحاضه او کدام قسم است، موقعی که می خواهد نماز بخواند باید مقداری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد و بعد از آنکه فهمید استحاضه او کدام یک از آن سه قسم است، کارهایی را که برای آن قسم دستور داده شده انجام دهد، ولی اگر بداند تا وقتی که می خواهد نماز بخواند استحاضه او تغییر نمی کند، پیش از داخل شدن وقت هم می تواند خود را واریسی نماید.

مسئله ۴۲۸. مستحاضه اگر پیش از آنکه خود را واریسی کند، مشغول نماز شود، چنانچه قصد قربت داشته و به وظیفه خود عمل کرده، مثلاً استحاضه اش قلیله بوده و به وظیفه استحاضه قلیله عمل نموده، نماز او صحیح است و اگر قصد قربت نداشته یا عمل او مطابق وظیفه اش نبوده، مثل آنکه استحاضه او متوسطه بوده و به وظیفه قلیله رفتار کرده، نماز او باطل است.

مسئله ۴۲۹. مستحاضه اگر نتواند خود را واریسی نماید که متوسطه یا قلیله یا کثیره است، باید به نحوی عمل کند که یقین به برائت ذمه حاصل کند. پس در شک میان قلیله و متوسطه یا متوسطه و کثیره، عمل به وظیفه هر دو نماید، و در شک بین هر سه قسم، عمل به وظیفه هر سه قسم نماید، ولی اگر بداند سابقاً کدام یک از آن سه قسم بوده، باید به وظیفه همان قسم رفتار نماید.

✽ احکام تغییر نوع استحاضه

مسئله ۴۳۰. اگر در بین غسل، استحاضه متوسطه، کثیره شود، واجب است غسل را از سر بگیرد.

مسئله ۴۳۱. اگر استحاضه کثیره، متوسطه شود، باید برای نماز اول، عمل کثیره و برای نمازهای بعد، عمل متوسطه را به جا آورد. مثلاً اگر پیش از نماز ظهر، استحاضه کثیره، متوسطه شود، باید برای نماز ظهر غسل کند و وضو بگیرد و برای نماز عصر و مغرب و عشا فقط وضو بگیرد.

مسئله ۴۳۲. اگر استحاضه کثیره، قلیله شود، باید برای نماز اول، وضو و غسل و برای نمازهای بعد، عمل قلیله را به جا آورد و نیز اگر استحاضه متوسطه، قلیله شود، باید برای نماز اول، عمل متوسطه و برای نمازهای بعد، عمل قلیله را به جا آورد.

مسئله ۴۳۳. اگر استحاضه قلیله پیش از نماز، متوسطه یا کثیره شود، باید کارهای متوسطه یا کثیره را که گفته شد، انجام دهد. اگر استحاضه متوسطه، کثیره شود، باید کارهای استحاضه کثیره را انجام دهد و چنانچه برای استحاضه متوسطه غسل کرده باشد، فایده ندارد و باید دوباره برای کثیره غسل کند.

مسئله ۴۳۴. اگر در بین نماز، استحاضه متوسطه، کثیره شود، باید نماز را بشکنند و برای استحاضه کثیره غسل کند و رجائاً وضو بگیرد و کارهای دیگر آن را انجام دهد و نماز بخواند. اگر برای هیچ کدام از غسل و وضو وقت ندارد، باید دو تیمم کند؛ یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو. اگر برای یکی از آنها وقت ندارد، باید عوض آن تیمم کند و دیگری را به جا آورد. اگر برای تیمم هم وقت ندارد، نمی تواند نماز را بشکند؛ باید نماز را تمام کند و بنابر احتیاط واجب قضا هم نماید. و همچنین است اگر در بین نماز، استحاضه قلیله او، متوسطه یا کثیره شود.

مسئله ۴۳۵. اگر استحاضه قلیله بعد از نماز صبح، متوسطه شود، باید برای نماز ظهر و عصر غسل کند و اگر بعد از نماز ظهر و عصر متوسطه شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید.

مسئله ۴۳۶. اگر استحاضه قلیله یا متوسطه بعد از نماز صبح، کثیره شود، باید برای نماز ظهر و عصر یک غسل و برای نماز مغرب و عشا غسل دیگری به جا آورد. اگر بعد از

نماز ظهر و عصر کثیره شود، باید برای نماز مغرب و عشا غسل نماید.

✽ احکام قطع شدن خون استحاضه

مسئله ۴۳۷. اگر خون استحاضه پیش از وقت نماز بیاید و بعد قطع شود، چنانچه برای آن خون، وضو و غسل به جا نیاورده باشد، باید در موقع نماز، وضو و غسل را به جا آورد.

مسئله ۴۳۸. مستحاضه بعد از آنکه خونش قطع شد، فقط برای نماز اولی که می خواند، باید کارهای مستحاضه را انجام دهد و برای نمازهای بعد لازم نیست.

مسئله ۴۳۹. مستحاضه اگر بعد از نماز خود را واریسی کند و خون نبیند، گرچه بداند دوباره خون می آید، با وضویی که دارد می تواند نماز بخواند.

مسئله ۴۴۰. مستحاضه تا وقتی اطمینان دارد خون بیرون نمی آید و به پنبه نمی رسد، می تواند خواندن نماز را تأخیر بیندازد.

مسئله ۴۴۱. اگر مستحاضه بداند که پیش از گذشتن وقت نماز، به کلی پاک می شود یا به اندازه خواندن نماز، خون بند می آید، باید صبر کند و نماز را در وقتی که پاک است بخواند.

مسئله ۴۴۲. اگر بعد از وضو و غسل، خون در ظاهر قطع شود و مستحاضه بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد به مقداری که وضو و غسل و نماز را به جا آورد، به کلی پاک می شود، باید نماز را تأخیر بیندازد و موقعی که به کلی پاک شد، دوباره وضو و غسل را به جا آورد و نماز را بخواند و اگر وقت نماز تنگ شد، لازم نیست وضو و غسل را دوباره به جا آورد؛ بلکه اگر وقت تیمم دارد، به جای هریک از وضو و غسل، تیمم کند و برای نمازهای بعد، غسل و وضو به جا آورد و اگر وقت تیمم هم ندارد، به همین حال نماز بخواند و بعد با غسل و وضو آن را قضا کند.

مسئله ۴۴۳. مستحاضه کثیره و متوسطه وقتی به کلی از خون پاک شد، باید غسل کند، ولی اگر بداند از وقتی که برای نماز پیش، مشغول غسل شده، دیگر خون نیامده، لازم نیست دوباره غسل نماید.

مسئله ۴۴۴. اگر در بین نماز، خون بند بیاید و مستحاضه نداند که در باطن هم قطع شده یا نه، چنانچه بعد از نماز بفهمد قطع شده بوده، باید وضو و غسل و نماز را دوباره به جا آورد.

مسئله ۴۴۵. اگر پیش از هر نماز، خون مستحاضه کثیره قطع شود و دوباره بیاید، باید برای هر نماز یک غسل به جا آورد و اگر متوسطه بود برای هر روز، یک غسل به جا آورد.

مسئله ۴۴۶. اگر مستحاضه لخته خونی ببیند و به مقداری باشد که در حالت عادی می‌توانست در پنبه نفوذ کند، حکم متوسطه را دارد.

مسئله ۴۴۷. خونی که دختر قبل از بلوغ می‌بیند و مربوط به زخم نباشد، حکم استحاضه دارد که اگر متوسطه یا کثیره باشد، بعد از بلوغ باید غسل آن را انجام دهد.

❁ (۲) حیض

«حیض» خونی است که غالباً در هر ماه چند روزی از رحم زن خارج می‌شود، و زن را در موقع دیدن خون حیض، «حائض» می‌گویند.

مسئله ۴۴۸. خون حیض در بیشتر اوقات، غلیظ و گرم، و رنگ آن سیاه یا سرخ است و با فشار و کمی سوزش بیرون می‌آید.

مسئله ۴۴۹. زنان سیّده، بعد از تمام شدن شصت سال، یائسه می‌شوند؛ یعنی خون حیض نمی‌بینند و زنانی که سیّده نیستند، بعد از تمام شدن پنجاه سال، یائسه می‌شوند.

مسئله ۴۵۰. خونی که دختر پیش از تمام شدن نُه سال، و زن بعد از یائسه شدن می‌بیند، حیض نیست.

مسئله ۴۵۱. زن حامله وزنی که بچه شیر می‌دهد ممکن است حیض ببیند.

مسئله ۴۵۲. اگر زن حامله صاحب عادت وقتیّه بعد از تاخیر بیست روز از اول عادتش خون ببیند و خون به صفت حیض باشد، به احتیاط واجب بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع کند.

مسئله ۴۵۳. دختری که نمی‌داند نُه سالش تمام شده یا نه، اگر خونی ببیند که نشانه‌های حیض را نداشته باشد، حیض نیست، و اگر نشانه‌های حیض را داشته باشد، حکم به حیض بودن آن، محل اشکال است، مگر آنکه از صفات خون اطمینان پیدا کند که حیض است و معلوم شود که نُه سالش تمام شده است.

مسئله ۴۵۴. زنی که شک دارد یائسه شده یا نه، اگر خونی ببیند و نداند حیض است یا نه، باید بنا بگذارد که یائسه نشده است.

مسئله ۴۵۵. مدت حیض، کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نمی شود و اگر مختصری هم از سه روز کمتر باشد، حیض نیست.

مسئله ۴۵۶. اگر سه روز اول حیض پشت سرهم نباشد، مثلاً دو روز خون ببیند و یک روز پاک شود و دوباره یک روز خون ببیند، بنا بر احتیاط لازم، در روزهایی که خون می بیند و نیز در روزهایی که خون نمی بیند، باید میان کارهای مستحاضه و تروک حائض جمع کند؛ یعنی هم کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و هم عبادت های خود را به جا آورد.

مسئله ۴۵۷. لازم نیست در تمام سه روز، خون بیرون بیاید، بلکه اگر خون در فرج باشد به نحوی که در این سه روز هر موقع پنبه یا چیز دیگری را داخل کند آلوده شود، کافی است، به شرط آنکه از اول مقداری خون به خودی خود بیرون آمده باشد، هر چند کم باشد و اگر به وسیله پنبه و غیر آن بیرون آمده باشد یا فقط در فضای فرج ریخته، احتیاط آن است که در هر دو صورت، هم عبادت های خود را به جا آورد و هم کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند. هرگاه در بین سه روز، مختصری پاک شود که در باطن خون نباشد، حکم به حیض بودن مشکل است، ولی اگر مدت پاکی کم باشد، احتیاط لازم آن است که بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع نماید.

مسئله ۴۵۸. لازم نیست شب اول و شب چهارم را خون ببیند، ولی باید در شب دوم و سوم قطع نشود. پس اگر از اول اذان صبح روز اول تا غروب روز سوم پشت سرهم خون بیاید و در شب دوم و سوم هیچ قطع نشود، حیض است، ولی اگر در اواسط روز اول شروع و در همان موقع از روز چهارم قطع شود، به شرطی حیض است که در شب های دوم و سوم و چهارم نیز خون قطع نشود.

مسئله ۴۵۹. اگر سه روز پشت سرهم خون ببیند و پاک شود، چنانچه دوباره خون ببیند و روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده، روی هم از ده روز بیشتر نشود، احتیاط آن است که در روزهای پاکی، عبادت های خود را به جا آورد و آنچه را بر حائض حرام است ترک کند.

مسئله ۴۶۰. اگر در ایام عادت، خونی ببیند که از سه روز بیشتر و از ده روز کمتر باشد و نداند خون دمل است یا حیض، باید آن را حیض قرار دهد.

مسئله ۴۶۱. اگر صاحبِ عادت وقتیه در ایام عادت خونی ببیند که نداند خون زخم است یا حیض، باید آن را حیض قرار دهد.

مسئله ۴۶۲. اگر خونی ببیند و شک کند که خون حیض است یا نفاس، به احکام حیض و نفاس عمل کند و غسل را به قصد مافی‌الذمه از حیض یا نفاس به جا آورد.

مسئله ۴۶۳. اگر خونی ببیند که نداند خون حیض است یا بکارت، باید خود را واریسی کند؛ یعنی مقداری پنبه داخل فُرج نماید و کمی صبر کند، بعد بیرون آورد، پس اگر اطراف آن آلوده باشد؛ یعنی خطِ دایره‌مانندی از خون روی آن دیده شود، خون بکارت است و اگر به همه آن رسیده، حیض می‌باشد.

مسئله ۴۶۴. اگر کمتر از سه روز خون ببیند و پاک شود و بعد سه روز خون ببیند و مجموع خون اول و دوم و پاکی در بین، از ده روز بیشتر نباشد، خون دوم را حیض قرار دهد و در خون اول احتیاط آن است که جمع کند بین کارهای مستحاضه و ترک آنچه بر حائض حرام است و در پاکی در بین، کارهایی را که بر حائض حرام است ترک کند و عبادت‌های خود را به جا آورد.

✽. کارهای حرام بر حائض

مسئله ۴۶۵. چند چیز بر حائض حرام است:

اول: عبادت‌هایی که مانند نماز باید با وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده شود، ولی به جا آوردن عبادت‌هایی که وضو و غسل و تیمم برای آنها لازم نیست مانند نماز میت، مانعی ندارد.

دوم: تمام چیزهایی که بر جُنُب حرام است و در احکام جنابت گفته شد. سوم: نزدیکی (جماع) در قُبُل که هم برای مرد حرام است و هم برای زن، گرچه به مقدار ختنه‌گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، بلکه احتیاط واجب آن است که مقدار کمتر از ختنه‌گاه را هم داخل نکند و در دُبُر زن حائض هم وطی ننماید، چون کراهت شدید دارد.

مسئله ۴۶۶. نزدیکی در روزهایی هم که حیض قطعی نیست ولی شرعاً باید آن را حیض قرار دهد، حرام است. پس زنی که بیشتر از ده روز خون می‌بیند و باید به دستوری که

بعداً گفته می‌شود روزهای عادتِ خویشانِ خود را حیض قرار دهد، شوهرش نمی‌تواند در آن روزها با او نزدیکی نماید.

✽ احکام حائض

مسئله ۴۶۷. اگر شمارهٔ روزهای حیض به سه قسمت تقسیم شود و شوهر در قسمت اول آن با زن خود در قُبُلِ نزدیکی کند، مستحب بلکه احوط است که هجده نخود طلا کفاره به فقیر بدهد و اگر در قسمت دوم نزدیکی کند، نه نخود و اگر در قسمت سوم نزدیکی کند، چهار نخود و نیم بدهد. مثلاً زنی که شش روز خون حیض می‌بیند، اگر شوهرش در شب یا روز اول و دوم با او نزدیکی کند، مستحب بلکه احوط است که هجده نخود طلا و در شب یا روز سوم و چهارم، نه نخود و در شب یا روز پنجم و ششم، چهار نخود و نیم بدهد.

مسئله ۴۶۸. بهتر آن است که طلای کفاره را سکه‌دارا بدهد، ولی اگر ممکن نباشد، قیمت آن کافی است.

مسئله ۴۶۹. اگر قیمت طلا در وقتی که نزدیکی کرده با وقتی که می‌خواهد به فقیر بدهد فرق کرده باشد، باید قیمت وقتی را که می‌خواهد به فقیر بدهد حساب کند.

مسئله ۴۷۰. اگر کسی، هم در قسمت اول و هم در قسمت دوم و هم در قسمت سوم حیض، با زن خود نزدیکی کند، مستحب بلکه احوط آن است که هر سه کفاره را، که روی هم سی و یک نخود و نیم می‌شود، بدهد.

مسئله ۴۷۱. اگر انسان بعد از آنکه در حال حیض، نزدیکی کرده و کفارهٔ آن را داده، دوباره نزدیکی کند، باز هم مستحب بلکه احوط است که کفاره بدهد.

مسئله ۴۷۲. اگر با حائض، چند مرتبه نزدیکی کند و در بین آنها کفاره ندهد، احتیاط مستحب آن است که برای هر نزدیکی یک کفاره بدهد.

مسئله ۴۷۳. اگر مرد در حال نزدیکی بفهمد زن حائض شده، باید فوراً از او جدا شود.

مسئله ۴۷۴. اگر مردی با زن حائض زنا کند یا با حائض نامحرمی به گمان اینکه عیال خود اوست نزدیکی نماید، احتیاط مستحب آن است که کفاره بدهد.

۱. سکه ساخته شده زیر نظر بانک مرکزی هر کشور.

مسئله ۴۷۵. کسی که نمی‌تواند کفاره بدهد، استغفار کند و هروقت توانست احتیاط مستحب آن است که کفاره را بدهد.

مسئله ۴۷۶. طلاق دادن زن در حال حیض، به طوری که در کتاب طلاق گفته می‌شود، باطل است.

مسئله ۴۷۷. اگر زن بگوید: حائضم یا از حیض پاک شده‌ام، باید حرف او را قبول کرد، مگر اینکه در مقام اتهام باشد.

مسئله ۴۷۸. اگر زن در بین نماز حائض شود، نماز او باطل است.

مسئله ۴۷۹. اگر زن در بین نماز شک کند که حائض شده یا نه، نماز او صحیح است.

مسئله ۴۸۰. اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز حائض شده، نمازی که خوانده باطل است.

مسئله ۴۸۱. بعد از آنکه از خون حیض پاک شد، واجب است برای نماز و عبادت‌های دیگری که باید با وضو یا غسل یا تیمم به جا آورده شود، غسل کند و دستور آن مثل غسل جنابت است، ولی برای نماز باید پیش از غسل یا بعد از آن، وضو هم بگیرد و اگر پیش از غسل، وضو بگیرد بهتر است.

مسئله ۴۸۲. بعد از آنکه زن از خون حیض پاک شد، گرچه غسل نکرده باشد، طلاق او صحیح است و شوهرش هم می‌تواند با او نزدیکی کند، و احتیاط مستحب آن است که پیش از غسل، از نزدیکی با او خودداری نماید، اما کارهای دیگری که در وقت حیض بر او حرام بوده، مانند توقف در مسجد و مس خط قرآن، تا غسل نکند بر او حلال نمی‌شود.

مسئله ۴۸۳. اگر آب برای وضو و غسل کافی نباشد و به اندازه‌ای باشد که بتواند یا غسل کند یا وضو بگیرد، باید غسل کند و بدل از وضو تیمم نماید و اگر فقط برای وضو کافی باشد، باید وضو بگیرد و عوض غسل، تیمم نماید و اگر برای هیچ‌یک از آنها آب ندارد، باید دو تیمم کند؛ یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو.

مسئله ۴۸۴. نمازهای روزانه‌ای که در حال حیض نخوانده، قضا ندارد، ولی روزه‌های واجب را باید قضا نماید.

مسئله ۴۸۵. هرگاه وقت نماز داخل شود و بداند که اگر نماز را تأخیر بیندازد حائض

می شود، باید فوراً نماز بخواند.

مسئله ۴۸۶. اگر زن، نماز را تأخیر بیندازد و از اول وقت به اندازه خواندن یک نماز باطهارت از حدث بگذرد و حائض شود، بنابر احتیاط واجب باید قضای آن نماز را به جا آورد ولی در تند خواندن و کند خواندن و چیزهای دیگر باید ملاحظه حال خود را بکند، مثلاً زنی که مسافر نیست اگر در اول ظهر نماز نخواند، قضای آن در صورتی واجب می شود که به مقدار خواندن چهار رکعت نماز از اول ظهر بگذرد و حائض شود و برای کسی که مسافر است، گذشتن وقت به مقدار خواندن دو رکعت کافی است.

مسئله ۴۸۷. اگر حائض در آخر وقت نماز، از خون پاک شود و به اندازه غسل و وضو و مقدمات دیگر نماز، مانند تهیه کردن لباس یا آب کشیدن آن و خواندن یک رکعت یا بیشتر از یک رکعت وقت داشته باشد، باید نماز را بخواند و اگر نخواند، باید قضای آن را به جا آورد، بلکه اگر فقط به اندازه یک رکعت نماز باطهارت از حدث وقت داشته باشد، احتیاط لازم، خواندن نماز باطهارت است، گرچه به مقدار تهیه سایر مقدمات وقت نداشته باشد و اگر نخواند، قضای آن را به جا آورد.

مسئله ۴۸۸. اگر حائض بعد از پاک شدن به اندازه غسل و وضو وقت ندارد، ولی می تواند با تیمم نماز را در وقت بخواند، آن نماز براو واجب نیست اما اگر قطع نظر از تنگی وقت، تکلیفش تیمم است، مثل آنکه آب برایش ضرر دارد، باید تیمم کند و آن نماز را بخواند.

مسئله ۴۸۹. اگر حائض بعد از پاک شدن شک کند که برای نماز وقت دارد یا نه، باید نمازش را بخواند.

مسئله ۴۹۰. اگر به خیال اینکه به اندازه تهیه مقدمات نماز و خواندن یک رکعت وقت ندارد، نماز نخواند و بعد بفهمد وقت داشته، باید قضای آن نماز را به جا آورد.

مسئله ۴۹۱. مستحب است زن حائض در وقت نماز، خود را از خون پاک نماید و پنبه و دستمال را عوض کند و وضو بگیرد و اگر نمی تواند وضو بگیرد، تیمم نماید و در جای نماز رو به قبله بنشیند و مشغول ذکر و دعا و صلوات شود.

مسئله ۴۹۲. خواندن و همراه داشتن قرآن و رساندن جایی از بدن به ورق قرآن که خط قرآن در آن نباشد، مثل حاشیه و بین سطرها، و نیز خضاب کردن به حنا و مانند آن برای حائض مکروه است.

✽. اقسام زن‌های حائض

مسئله ۴۹۳. زن‌های حائض برشش قسمند:

اول: صاحب عادت وقتیّه و عددیه؛ و آن زنی است که دو ماه پشت سرهم در وقت معین، خون حیض ببیند و شماره روزهای حیض او هم در آن دو ماه یک اندازه باشد، مثل آنکه دو ماه پشت سرهم از اول ماه تا هفتم خون ببیند.

دوم: صاحب عادت وقتیّه؛ و آن زنی است که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند ولی شماره روزهای حیض او در آن دو ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سرهم از روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول، روز هفتم و ماه دوم، روز هشتم از خون پاک شود.

سوم: صاحب عادت عددیه؛ و آن زنی است که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سرهم به یک اندازه باشد ولی وقت دیدن آن دو خون یکی نباشد، مثلاً ماه اول از پنجم تا دهم و ماه دوم از دوازدهم تا هفدهم خون ببیند.

چهارم: مضطربه؛ و آن زنی است که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده یا عادتش به هم خورده و عادت تازه‌ای پیدا نکرده است.

پنجم: مبتدئه؛ و آن زنی است که دفعه اول خون دیدن او است.

ششم: ناسیه؛ و آن زنی است که عادت خود را فراموش کرده است.

هرکدام از این‌ها احکامی دارند که در مسائل آینده گفته می‌شود.

✽ (۱) دارای عادت وقتیّه و عددیه

مسئله ۴۹۴. زنانی که عادت وقتیّه و عددیه دارند، سه دسته‌اند:

اول: زنی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند و در وقت معین هم پاک شود، مثلاً دو ماه پشت سرهم از روز اول ماه، خون ببیند و روز هفتم پاک شود؛ که عادت حیض این زن از اول ماه تا هفتم است.

دوم: زنی که از خون پاک نمی‌شود، ولی دو ماه پشت سرهم چند روز معین، مثلاً از اول ماه تا هشتم، خونی که می‌بیند نشانه‌های حیض را دارد، یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش بیرون می‌آید و بقیه نشانه‌های

استحاضه را دارد؛ که عادت او از اول ماه تا هشتم می‌شود.

سوم: زنی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند و بعد از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید، یک روز یا بیشتر پاک شود و دوباره خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، از ده روز بیشتر نشود و در هر دو ماه همه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، روی هم یک اندازه باشد؛ عادت او همان روزهایی است که به طور متفرق خون دیده و در پاکي در بین، باید احتیاطاً عبادت‌های خود را به جا آورد و آنچه را بر حائض حرام است، ترک کند و اگر در روزهای پاکي ماه‌های پیش اتفاقاً خون ببیند، باید در آن روزها احتیاطاً میان کارهای مستحاضه و تروک حائض جمع کند.

مسئله ۴۹۵. زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر در وقت عادت دو روز جلوتر خون ببیند به طوری که بگویند حیض را جلو یا عقب انداخته، گرچه آن خون، نشانه‌های حیض را نداشته باشد، باید به احکامی که برای حائض گفته شد عمل کند. چنانچه بعد بفهمد حیض نبوده، مثل اینکه پیش از سه روز پاک شود، باید عبادت‌هایی را که به جا نیاورده، قضا نماید.

مسئله ۴۹۶. زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر چند روز پیش از عادت و چند روز بعد از عادت و همه روزهای عادت، خونی با نشانه‌های حیض ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است. اگر از ده روز بیشتر شود، فقط خونی را که در روزهای عادت خود دیده حیض است، و خونی که پیش از آن و بعد از آن دیده، استحاضه می‌باشد و باید عبادت‌هایی را که در روزهای پیش از عادت و بعد از عادت به جا نیاورده، قضا نماید. اگر همه روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت، به نشانه حیض خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است و اگر همه روزهای عادت، فقط روزهای عادت، حیض است و خونی که جلوتر از آن دیده، استحاضه می‌باشد و چنانچه در آن روزها عبادت نکرده، باید قضا نماید. اگر همه روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت به نشانه‌های حیض خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است و اگر بیشتر شود، فقط روزهای عادت، حیض

و باقی استحاضه است. چنانچه خونی که پیش از عادت یا بعد از عادت می‌بیند، نشانه‌های حیض نداشته باشد و با عادت روی هم رفته بیشتر از ده روز نباشد، احتیاط در آن دو خون، جمع بین تروک حائض و اعمال مستحاضه است.

مسئله ۴۹۷. زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز پیش از عادت، به نشانه‌های حیض خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است و اگر از ده روز بیشتر شود، روزهایی که در عادت خون دیده با چند روز پیش از آن، که روی هم به مقدار عادت او شود، حیض، و روزهای اول را استحاضه قرار دهد. اگر مقداری از روزهای عادت را با چند روز بعد از عادت، به نشانه‌های حیض خون ببیند و روی هم از ده روز بیشتر نشود، همه حیض است و اگر بیشتر شود، باید روزهایی که در عادت خون دیده با چند روز بعد از آن، که روی هم به مقدار عادت او شود، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مسئله ۴۹۸. زنی که عادت وقتی و عددیه دارد، اگر بعد از آنکه سه روز یا بیشتر خون دید، پاک شود و دوباره خون ببیند و فاصله بین دو خون کمتر از ده روز باشد و همه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر باشد، مثلاً پنج روز خون ببیند و پنج روز پاک شود و دوباره پنج روز خون ببیند، چند صورت دارد:

(۱) تمام خونی که دفعه اول دیده یا مقداری از آن، در روزهای عادت باشد و خون دوم که بعد از پاک شدن می‌بیند در روزهای عادت نباشد؛ که باید همه خون اول را حیض، و خون دوم را استحاضه قرار دهد.

(۲) خون اول در روزهای عادت نباشد و تمام خون دوم یا مقداری از آن در روزهای عادت باشد؛ که باید همه خون دوم را حیض، و خون اول را استحاضه قرار دهد.

(۳) مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد و خون اولی که در روزهای عادت بوده، از سه روز کمتر نباشد و با پاک وسط و مقداری از خون دوم که آن هم در روزهای عادت بوده از ده روز بیشتر نباشد؛ که در این صورت، اگر یک روز یا دو روز زودتر خون دیده باشد، احتیاط آن است که در این دو روز آنچه را که بر حائض حرام است ترک کند و کارهای

مستحاضه را به جا آورد و همچنین به مقدار آن از ایام عادت را در آورده روز احتیاط نماید، و مقداری از خون اول را که در عادت بوده با مقداری از خون دوم را که در عادت بوده، حیض قرار دهد و در پاکی در بین، احتیاط کند به ترک آنچه بر حائض حرام است و عبادت های خود را به جا آورد. مثلاً اگر عادتش از سوم ماه تا دهم بوده، در صورتی که یک ماه از اول تا ششم، خون ببیند و یک روز پاک شود و بعد تا چهاردهم، خون ببیند، در روز اول و دوم ماه و نهم و دهم، باید چنانچه گفته شد احتیاط نماید، و روز سوم تا ششم و هشتم را حیض قرار دهد و در هفتم که پاکی در بین است نیز به نحوی که گفته شد، احتیاط کند به ترک آنچه بر حائض حرام است و به جا آوردن عبادت ها.

۴) مقداری از خون اول و دوم در روزهای عادت باشد، ولی هریک از خون اولی و دومی که در روزهای عادت بوده از سه روز کمتر باشد؛ که باید در تمام دو خون کارهایی را که بر حائض حرام است، ترک کند و کارهای مستحاضه را به جا آورد و در پاکی در بین، کارهایی را که بر حائض حرام است، ترک کند و عبادت های خود را انجام دهد.

مسئله ۴۹۹. زنی که عادت وقتی و عددی دارد، اگر در وقت عادت خون نبیند و در غیر آن وقت به شماره روزهای حیضش با صفات حیض، خون ببیند، باید همان را حیض قرار دهد؛ چه پیش از وقت عادت دیده باشد و چه بعد از آن.

مسئله ۵۰۰. زنی که عادت وقتی و عددی دارد، اگر در وقت عادت خود خون ببیند ولی شماره روزهای آن، کمتری یا بیشتر از روزهای عادت او باشد و بعد از پاک شدن، دوباره به شماره روزهای عادتی که داشته خون ببیند، باید آنچه را در وقت دیده، حیض قرار دهد، و اگر شماره روزهایش کمتر باشد، اگر ممکن است کسری عدد را از آنچه بعد از عادت دیده، تمام نماید و اگر از ده روز بیشتر شد، در بقیه روزها طبق احکام استحاضه رفتار نماید. و اگر از ده روز بیشتر نشود، تمام روزهایی را که خون دیده، حیض قرار دهد و در پاکی بین، احتیاط کند و بین ترک آنچه بر حائض حرام است و انجام عبادت های خود، جمع کند.

مسئله ۵۰۱. زنی که عادت وقتیّه و عددیه دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند، خونی که در روزهای عادت دیده گرچه نشانه‌های حیض را نداشته باشد، حیض است، و خونی که بعد از روزهای عادت دیده گرچه نشانه‌های حیض را داشته باشد، استحاضه است. مثلاً زنی که عادت حیض او از اول ماه تا هفتم است، اگر از اول تا دوازدهم خون ببیند، هفت روز اول آن، حیض و پنج روز بعد، استحاضه می‌باشد.

* (۲) دارای عادت وقتیّه

مسئله ۵۰۲. زنانی که عادت وقتیّه دارند، سه دسته‌اند:

اول: زنی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین خون حیض ببیند و بعد از چند روز پاک شود ولی شماره روزهای آن در این دو ماه یک اندازه نباشد، مثلاً دو ماه پشت سرهم، روز اول ماه خون ببیند ولی ماه اول، هفتم و ماه دوم، روز هشتم از خون پاک شود؛ که این زن باید روز اول ماه را روز اول عادت خود قرار دهد.

دوم: زنی که از خون پاک نمی‌شود ولی دو ماه پشت سرهم در وقت معین، خون او نشانه‌های حیض را دارد؛ یعنی غلیظ و سیاه و گرم است و با فشار و سوزش می‌آید و بقیه آن، نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون او نشانه حیض دارد در این دو ماه یک اندازه نیست، مثلاً در ماه اول، از اول ماه تا هفتم و در ماه دوم، از اول ماه تا هشتم، خون او نشانه‌های حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد؛ که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد.

سوم: زنی که دو ماه پشت سرهم در وقت معین سه روز یا بیشتر، خون حیض ببیند بعد پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و تمام روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، از ده روز بیشتر نشود ولی ماه دوم کمتر یا بیشتر از ماه اول باشد، مثلاً در ماه اول، هشت روز و در ماه دوم نه روز باشد؛ که این زن هم باید روز اول ماه را روز اول عادت حیض خود قرار دهد.

مسئله ۵۰۳. زنی که عادت وقتیّه دارد، اگر در وقت عادت خود دو روز پیش از عادت خون

ببیند، به طوری که بگویند حیض را جلو انداخته - گرچه آن خون، نشانه های حیض را نداشته باشد - باید به احکامی که برای حائض گفته شد، عمل نماید و اگر بعد بفهمد حیض نبوده مثلاً پیش از سه روز پاک شود، باید عبادت هایی را که به جا نیاورده قضا نماید.

مسئله ۵۰۴. زنی که عادت وقتیه دارد، اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و نتواند حیض را به واسطه نشانه های آن تشخیص دهد، باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، چه پدری باشند و چه مادری، زنده باشند یا مُرده، ولی در صورتی می تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهد که شماره روزهای حیض همه آنان یک اندازه باشد و اگر شماره روزهای حیض آنان یک اندازه نباشد، مثلاً عادت بعضی پنج روز و عادت بعضی دیگر هفت روز باشد، نمی تواند عادت آنان را حیض خود قرار دهد، مگر اینکه کسانی که عادتشان با دیگران فرق دارد به قدری کم باشند که در مقابل آنان هیچ حساب شوند که در این صورت باید عادت بیشتر آنان را حیض خود قرار دهد.

مسئله ۵۰۵. زنی که عادت وقتیه دارد و شماره عادت خویشان خود را حیض قرار می دهد، باید روزی را که در هر ماه، اول عادت او بوده، اول حیض خود قرار دهد، مثلاً زنی که هر ماه روز اول ماه خون می دیده و گاهی روز هفتم و گاهی روز هشتم پاک می شده، چنانچه یک ماه، دوازده روز خون ببیند و عادت خویشانش هفت روز باشد، باید هفت روز اول ماه را، حیض و باقی را استحاضه قرار دهد.

مسئله ۵۰۶. زنی که باید شماره عادت خویشان خود را حیض قرار دهد، چنانچه خویش نداشته باشد یا شماره عادت آنان مثل هم نباشد، باید در هر ماه از روزی که خون می بیند، شش روز یا هفت روز را، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و احوط آن است که آنچه را ماه اول، حیض قرار داده، در ماه های بعد هم همان مقدار را حیض قرار دهد، ولی اگر صاحب عادت وقتیه باشد و عادت او در روزهای وسط یا آخر خون باشد، باید شش روز یا هفت روز وسط یا آخر را که در عادت است، حیض قرار دهد.

* (۳) دارای عادت عددیه

مسئله ۵۰۷. زنانی که عادت عددیه دارند، سه دسته اند:

اول: زنی که شماره روزهای حیض او در دو ماه پشت سرهم یک اندازه باشد،

ولی وقت خون دیدنِ او یکی نباشد؛ که در این صورت هر چند روزی که خون دیده، عادت او می‌شود، مثلاً اگر ماه اول از روز اول تا پنجم و ماه دوم از یازدهم تا پانزدهم خون ببیند، عادت او پنج روز می‌شود.

دوم: زنی که از خون پاک نمی‌شود ولی دو ماه پشت سرهم چند روز از خونی که می‌بیند، نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را دارد و شماره روزهایی که خون نشانه حیض دارد در هر دو ماه یک اندازه است، اما وقت آن یکی نیست؛ که در این صورت هر چند روزی که خون او نشانه حیض را دارد، عادت او می‌شود. مثلاً اگر یک ماه از اول ماه تا پنجم و ماه بعد از یازدهم تا پانزدهم، خون او نشانه حیض و بقیه نشانه استحاضه را داشته باشد، شماره روزهای عادت او پنج روز می‌شود.

سوم: زنی که دو ماه پشت سرهم سه روز یا بیشتر خون ببیند و یک روز یا بیشتر، پاک شود و دو مرتبه خون ببیند و وقت دیدن خون، در ماه اول با ماه دوم فرق داشته باشد؛ که اگر تمام روزهایی که خون دیده و روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز بیشتر نشود و شماره روزهای آن هم به یک اندازه باشد، تمام روزهایی که به طور متفرق خون دیده، عادت او می‌شود و در پاکی در بین، احتیاط کند به ترک آنچه بر حائض حرام است و به جا آوردن عبادت‌های خود. ولی اگر روزهایی که در وسط پاک بوده در هر دو ماه به یک اندازه نباشد، تحقق عادت عددیه محل اشکال است، و ترک نشود احتیاط به اینکه در روزهای پاکی، جمع بین وظیفه طاهر و حائض کند، و در روزهایی که خون می‌بیند، جمع بین وظیفه حائض و مستحاضه نماید.

مسئله ۵۰۸. زنی که عادت عددیه دارد، اگر بیشتر از شماره عادت خود خون ببیند و از ده روز بیشتر شود، چنانچه همه خون‌هایی که دیده یک جور باشد، می‌تواند به شماره روزهای عادتش از اول یا وسط، حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد. و اگر همه خون‌هایی که دیده یک جور نباشد، بلکه چند روز از آن، نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه داشته باشد، اگر روزهایی که خون، نشانه حیض دارد با شماره

روزهای عادت او یک اندازه است، باید همان روزها را حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد. و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد از روزهای عادت او بیشتر است، به اندازه روزهای عادت را حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد. و اگر روزهایی که خون نشانه حیض دارد، از روزهای عادت او کمتر است، باید آن روزها را با چند روز دیگر که روی هم به اندازه روزهای عادتش شود، حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد.

*(۴) مضطربه

مسئله ۵۰۹. مضطربه یعنی زنی که چند ماه خون دیده ولی عادت معینی پیدا نکرده یا عادتش به هم خورده و عادت دیگری پیدا نکرده است؛ که اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خون‌هایی که دیده یک جور باشد، باید به عادت خویشان خود رجوع کند، چه عادت آنان هفت روز باشد چه کمتر چه بیشتر. و اگر خویشان عادت‌ی ندارند یا در عادت مختلف باشند، باید در هر ماه از روزی که خون می‌بیند، هفت روز یا شش روز را حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مسئله ۵۱۰. مضطربه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه دارد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز یا بیشتر از ده روز باشد، باید به دستوری که در مسئله قبل گفته شد رفتار نماید، و اگر خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است، ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه حیض داشته باشد، مثلاً پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند، باید در هر دو خون که نشانه حیض دارد احتیاط کند به ترک آنچه بر حائض حرام است و به جا آوردن کارهای مستحاضه.

*(۵) مبتدئه

مسئله ۵۱۱. مبتدئه یعنی زنی که دفعه اول خون دیدن او است که اگر بیشتر از ده روز خون ببیند و همه خون‌هایی که دیده یک جور باشد، باید عادت خویشان خود را حیض، و بقیه را استحاضه قرار دهد.

مسئله ۵۱۲. مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر نشانه استحاضه را داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد کمتر از سه روز و بیشتر از ده روز نباشد، همه آن حیض است، ولی اگر پیش از گذشتن ده روز از خونی که نشانه حیض دارد دوباره خونی ببیند که آن هم نشانه حیض داشته باشد، مثل آنکه پنج روز خون سیاه و نه روز خون زرد و دوباره پنج روز خون سیاه ببیند، باید در هر دو خون که نشانه حیض دارد احتیاط کند به ترک آنچه بر حائض حرام است و انجام کارهای مستحاضه.

مسئله ۵۱۳. مبتدئه اگر بیشتر از ده روز خونی ببیند که چند روز آن نشانه حیض و چند روز دیگر آن نشانه استحاضه داشته باشد، چنانچه خونی که نشانه حیض دارد از سه روز کمتر یا از ده روز بیشتر باشد، باید عادت خویشان خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و اگر خویشانش عادت ندارند یا مختلف هستند، در ماه اول، حیض خود را هفت روز قرار می‌دهد و پس از آن تا روز دهم، احتیاطاً بین تروک حائض و اعمال مستحاضه جمع نماید و در بعد از ماه اول، حیض را سه روز قرار دهد و سپس تا روز ششم یا هفتم احتیاط مذکور را انجام دهد.

✽ (۶) ناسیه

مسئله ۵۱۴. ناسیه یعنی زنی که عادت خود را فراموش کرده است که اگر بیشتر از ده روز خون ببیند، باید روزهایی را که خون او نشانه حیض دارد، حیض قرار دهد. و اگر نتواند حیض را به واسطه نشانه‌های آن تشخیص دهد، باید شش روز یا هفت روز اول را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد.

✽ مسائل متفرقه حیض

مسئله ۵۱۵. مبتدئه و مضطربه و ناسیه و صاحب عادت عددیه، اگر خونی ببینند که نشانه حیض داشته باشد و یقین کنند که سه روز طول می‌کشد، باید عبادت را ترک کنند و چنانچه بعد بفهمند حیض نبوده، باید عبادت‌هایی را که به جا نیاورده‌اند قضا نمایند، ولی اگر یقین نکنند که تا سه روز طول می‌کشد و نشانه حیض را هم نداشته

باشد، بنابر احتیاط واجب باید کارهای استحاضه را به جا آورند و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نمایند، گرچه تا ده روز طول بکشد.

مسئله ۵۱۶. زنی که در حیض عادت دارد، چه در وقت حیض عادت داشته باشد و چه در عدد حیض و چه هم در وقت و هم در عدد آن؛ اگر دو ماه پشت سرهم برخلاف عادت خود خونی ببیند که وقت آن یا شماره روزهای آن، یا هم وقت و هم شماره روزهای آن یکی باشد، عادتش برمی گردد به آنچه در این دو ماه دیده است، مثلاً اگر از روز اول تا هفتم خون می دیده و پاک می شده، چنانچه دو ماه از دهم تا هفدهم ماه خون ببیند و پاک شود، از دهم تا هفدهم، عادت او می شود.

مسئله ۵۱۷. مقصود از یک ماه، از ابتدای خون دیدن است تا سی روز، نه از روز اول ماه تا آخر ماه.

مسئله ۵۱۸. زنی که معمولاً ماهی یک مرتبه خون می بیند، اگر در یک ماه دو مرتبه خون ببیند و آن خون نشانه حیض داشته باشد، چنانچه روزهایی که در وسط پاک بوده از ده روز کمتر نباشد، باید هر دو را حیض قرار دهد.

مسئله ۵۱۹. اگر سه روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه حیض دارد، بعد ده روز یا بیشتر خونی ببیند که نشانه استحاضه دارد و دوباره سه روز یا بیشتر خونی با نشانه حیض ببیند، باید خون اول و خون آخر را حیض قرار دهد.

مسئله ۵۲۰. اگر پیش از ده روز پاک شود و بداند که در باطن خون نیست، باید برای عبادت های خود غسل کند، گرچه گمان داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند. و اگر یقین داشته باشد که پیش از تمام شدن ده روز دوباره خون می بیند، نباید غسل کند و در پاکی در بین، عبادت های خود را به جا آورد و آنچه را بر حائض حرام است ترک نماید.

مسئله ۵۲۱. اگر پیش از ده روز پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون هست، باید قدری پنبه داخل فرج نماید و کمی صبر کند و بیرون آورد؛ پس اگر پاک بود، غسل کند و عبادت های خود را به جا آورد و اگر پاک نبود، گرچه به آب زردرنگی هم آلوده باشد، چنانچه در حیض عادت ندارد یا عادت او ده روز است، باید صبر کند که اگر پیش از ده روز پاک شد غسل نماید و اگر آورده روز پاک شد یا خون او از ده روز گذشت،

آخرِ ده روز غسل نماید و چنانچه عادتش کمتر از ده روز است، در صورتی که بداند پیش از تمام شدن ده روز یا آخر ده روز پاک می‌شود، نباید غسل کند و اگر احتمال دهد خون او از ده روز می‌گذرد، احتیاط واجب آن است که بعد از عادت، یک روز یا دو روز عبادت را ترک کند یا جمع کند بین ترک کارهایی که بر حائض حرام است و انجام کارهای مستحاضه و بعد، از دو روز تا روز دهم، کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر حائض حرام است ترک نماید. پس اگر پیش از تمام شدن ده روز یا آخر ده روز از خون پاک شد، تمامش حیض است، و اگر از ده روز گذشت، باید عادت خود را حیض و بقیه را استحاضه قرار دهد و عبادت‌هایی را که بعد از روزهای عادت به جا نیاورده قضا نماید.

مسئله ۵۲۲. اگر چند روز را حیض قرار دهد و عبادت نکند، بعد بفهمد حیض نبوده است، باید نمازهایی که در آن روزها به جا نیاورده قضا نماید و اگر چند روز را به گمان اینکه حیض نیست عبادت کند، بعد بفهمد حیض بوده، چنانچه آن روزها را روزه گرفته، باید قضا نماید.

✽ (۳) نفاس

مسئله ۵۲۳. از وقتی که اولین جزء بچه از شکم مادر بیرون می‌آید، هر خونی که زن می‌بیند، اگر پیش از ده روز یا آخر ده روز قطع شود، خون نفاس است، و زن را در حال نفاس، «نفساء» می‌گویند.

مسئله ۵۲۴. خونی که پیش از بیرون آمدن اولین جزء بچه می‌بیند، نفاس نیست.

مسئله ۵۲۵. لازم نیست خلقت بچه تمام باشد، بلکه اگر خون بسته‌ای هم از رحم خارج شود و خود زن بداند یا چهار نفر قابل‌ه بگویند که اگر در رحم می‌ماند انسان می‌شد، خونی که تا ده روز ببیند خون نفاس است.

مسئله ۵۲۶. ممکن است خون نفاس یک آن بیشتر نیاید، ولی بیشتر از ده روز نمی‌شود.

مسئله ۵۲۷. هرگاه شک کند که چیزی سقط شده یا نه، یا چیزی که سقط شده اگر می‌ماند انسان می‌شد یا نه، لازم نیست واریسی کند و خونی که از او خارج می‌شود، شرعاً خون نفاس نیست.

مسئله ۵۲۸. توقف در مسجد و رساندن جایی از بدن به خط قرآن و کارهای دیگری که بر حائض حرام است، بر نفساء هم حرام است. و آنچه بر حائض واجب و مستحب و مکروه است، بر نفساء هم واجب و مستحب و مکروه می باشد.

مسئله ۵۲۹. طلاق زن در حال نفاس باطل است و نزدیکی کردن با او حرام می باشد و اگر شوهرش با او نزدیکی کند، احتیاط مستحب آن است به دستوری که در احکام حیض گفته شد کفاره بدهد.

مسئله ۵۳۰. وقتی از خون نفاس پاک شد، باید غسل کند و عبادت های خود را به جا آورد، و اگر دوباره خون ببیند چنانچه روزهایی که خون دیده با روزهایی که در وسط پاک بوده، روی هم ده روز یا کمتر از ده روز باشد، بنابر احتیاط واجب روزهایی را که خون دیده، نفاس قرار دهد و در روزهایی که در بین پاک بوده آنچه را بر نفساء حرام است ترک کند و عبادت های خود را به جا آورد.

مسئله ۵۳۱. اگر از خون نفاس پاک شود و احتمال دهد که در باطن خون هست، باید مقداری پنبه داخل فُرج نماید و کمی صبر کند که اگر پاک است برای عبادت های خود غسل کند.

مسئله ۵۳۲. اگر خون نفاس از ده روز بگذرد؛ چنانچه در حیض عادت دارد، به اندازه روزهای عادت او نفاس و بقیه، استحاضه است، و اگر عادت ندارد، تا ده روز نفاس و بقیه، استحاضه می باشد، و احتیاط مستحب آن است کسی که عادت دارد از روز بعد از عادت و کسی که ندارد، بعد از روز دهم تا روز هجدهم زایمان، کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک کند.

مسئله ۵۳۳. زنی که عادت حیضش کمتر از ده روز است، اگر بعد از زایمان بیشتر از روزهای عادتش خون ببیند، باید به اندازه روزهای عادت را نفاس قرار دهد، و بعد از آن بنابر احتیاط واجب تا دو روز عبادت را ترک نماید و بعد از دو روز تا روز دهم، کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک نماید و اگر از ده روز بگذرد، استحاضه است و باید روزهای بعد از عادت تا روز دهم را هم استحاضه قرار دهد، و عبادت هایی را که در آن روزها به جا نیاورده قضا نماید. مثلاً زنی که عادت او شش روز بوده، اگر بیشتر از شش روز خون ببیند، باید شش روز را نفاس قرار دهد، و بنابر

احتیاط واجب در روز هفتم و هشتم عبادت را ترک کند و در روز نهم و دهم کارهای استحاضه را به جا آورد و کارهایی را که بر نفساء حرام است ترک نماید و اگر بیشتر از ده روز خون دید، از روز بعد از عادت او، استحاضه می باشد.

مسئله ۵۳۴. زنی که در حیض عادت دارد، اگر بعد از زایمان، تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه پی در پی خون ببیند، به اندازه روزهای عادت او نفاس است، و ده روز از خونی که بعد از نفاس می بیند، گرچه در روزهای عادت ماهانه اش باشد، استحاضه است. مثلاً زنی که عادت حیض او از بیستم ماه تا بیست و هفتم است، اگر روز دهم ماه زایید و تا یک ماه یا بیشتری در پی خون دید، تا روز هفدهم نفاس و از روز هفدهم تا ده روز، حتی خونی که در روزهای عادت خود - که از بیستم تا بیست و هفتم است - می بیند، استحاضه می باشد و بعد از گذشتن ده روز، اگر خونی را که می بیند در روزهای عادتش باشد، حیض است، چه نشانه حیض داشته باشد و چه نداشته باشد و همچنین است اگر در روزهای عادتش نباشد ولی نشانه حیض داشته باشد. و اگر بعد از گذشتن ده روز از نفاس، در روزهایی که عادت حیض او نباشد، خونی ببیند که نشانه حیض نداشته باشد، باید احتیاطاً تا وقتی که ممکن است آن خون حیض باشد، آنچه را بر حائض حرام است ترک کند و کارهای مستحاضه را به جا آورد.

مسئله ۵۳۵. زنی که در حیض عادت ندارد، اگر بعد از زایمان تا یک ماه یا بیشتر از یک ماه خون ببیند، ده روز اول آن نفاس و ده روز دوم آن استحاضه است و خونی که بعد از آن می بیند، اگر نشانه حیض داشته باشد حیض، وگرنه آن هم استحاضه می باشد.

❦ پنجم: غسل مس میت

مسئله ۵۳۶. اگر کسی بدن انسان مُرده ای را که سرد شده و غسلش نداده اند، مس کند، یعنی جایی از بدن خود را به آن برساند، باید غسل مس میت نماید، چه در خواب مس کند و چه در بیداری، چه با اختیار مس کند چه بی اختیار؛ حتی اگر ناخن یا استخوان او به ناخن یا استخوان میت برسد، باید غسل کند. ولی اگر حیوان مُرده ای را مس کند، غسل بر او واجب نیست.

مسئله ۵۳۷. برای مَسّ مرده‌ای که تمام بدن او سرد نشده، غسل واجب نیست، گرچه جایی را که سرد شده مَسّ نماید.

مسئله ۵۳۸. اگر موی خود را به بدن میت برساند یا بدن خود را به موی میت یا موی خود را به موی میت برساند، غسل واجب نیست؛ البته اگر ریشهٔ مورا که متصل به پوست است، مَسّ کرده باشد، احتیاط واجب آن است که غسل کند.

مسئله ۵۳۹. برای مَسّ بچهٔ مُرده حتی بچهٔ سقط شده‌ای که چهار ماه او تمام شده یا خلقتش تمام شده، گرچه کمتر از چهار ماه باشد، غسل واجب است، بلکه بنابر احتیاط مستحب، برای مَسّ بچهٔ سقط شده‌ای که از چهار ماه کمتر دارد و خلقتش هم تمام نشده، غسل کنند. بنابراین اگر بچهٔ چهار ماهه‌ای، مُرده به دنیا بیاید و بدنش سرد شده باشد و با ظاهرِ بدنِ مادر تماس پیدا کرده باشد، مادر او باید غسلِ مَسّ میت کند. اگر بچه کمتر از چهار ماه داشته باشد ولی خلقتش تمام باشد، در این صورت نیز بنابر احتیاط واجب مادر او باید غسلِ مَسّ میت نماید.

مسئله ۵۴۰. بچه‌ای که بعد از مُردن مادر به دنیا می‌آید، در حالی که بدن مادر سرد شده باشد، وقتی بالغ شد، بنابر احتیاط واجب باید غسلِ مَسّ میت کند.

مسئله ۵۴۱. اگر انسان، میتی را که سه غسل او کاملاً تمام شده، مَسّ نماید، غسل بر او واجب نمی‌شود، ولی اگر پیش از آنکه غسل سوم تمام شود، جایی از بدن او را مَسّ کند، گرچه غسل سوم آن قسمت از بدن تمام شده باشد، باید غسلِ مَسّ میت نماید.

مسئله ۵۴۲. اگر دیوانه یا بچهٔ نابالغی، میت را مَسّ کند، بعد از آنکه آن دیوانه عاقل یا بچه بالغ شد، باید غسلِ مَسّ میت نماید.

مسئله ۵۴۳. اگر از بدن فرد زنده و یا مُرده‌ای که غسلش نداده‌اند، قسمتی که دارای استخوان است جدا شود و پیش از آنکه قسمت جدا شده را غسل دهند انسان آن را مَسّ نماید، باید غسلِ مَسّ میت کند، ولی چنانچه قسمتی که جدا شده، استخوان ندارد و اگر از میت جدا شده، بنابر احتیاط واجب غسلِ مَسّ میت نماید.

مسئله ۵۴۴. برای مَسّ استخوانی که گوشت ندارد و آن را غسل نداده‌اند، چه از مُرده جدا شده باشد و چه از زنده، بنابر احتیاط واجب، باید غسل کرد و همچنین است برای مَسّ دندانانی که از مُرده جدا شده، در صورتی که آن مُرده را غسل نداده باشند. ولی

برای مَسِّ دندانی که از زنده جدا شده و گوشت ندارد، یا گوشت آن خیلی کم است، غسل واجب نیست.

مسئله ۵۴۵. غسل مَسِّ میت را باید مثل غسل جنابت انجام دهند ولی کسی که غسل مَسِّ میت کرده، اگر بخواهد نماز بخواند، در صورتی که وضو نداشته، باید وضو هم بگیرد و اگر وضو داشته، چون باطل شدن وضو به مَسِّ میت محل تأمل است، بنابر احتیاط وضو هم بگیرد.

مسئله ۵۴۶. اگر چند میت را مَسِّ کند یا یک میت را چند بار مَسِّ نماید، یک غسل کافی است.

مسئله ۵۴۷. برای کسی که بعد از مَسِّ میت، غسل نکرده است، توقف در مسجد و نزدیکی (جماع) و خواندن آیه‌هایی که سجده واجب دارد، مانعی ندارد ولی برای نماز و مانند آن، باید غسل کند و راجع به وضو به دستوری که در دو مسئله پیش ذکر شد رفتار نماید.

✽ احکام محتضر

مسئله ۵۴۸. بنابر احتیاط واجب مسلمانی را که محتضر است، یعنی در حال جان دادن می‌باشد؛ مرد باشد یا زن، بزرگ باشد یا کوچک، باید به پشت بخوابانند به طوری که کف پاهایش به طرف قبله باشد و اگر خواباندن او کاملاً به این شکل ممکن نیست، تا اندازه‌ای که ممکن است باید به این دستور عمل کنند. و چنانچه خواباندن او به هیچ قسم ممکن نباشد، بهتر است که او را رو به قبله بنشانند و اگر آن هم نشود، او را به پهلو راست یا به پهلو چپ رو به قبله بخوابانند.

مسئله ۵۴۹. احتیاط آن است که تا وقتی غسل میت تمام نشده، او را رو به قبله بخوابانند، ولی بعد از اتمام غسل، بهتر است او را مثل حالتی که بر او نماز می‌خوانند بخوابانند.

مسئله ۵۵۰. بنابر احتیاط واجب رو به قبله کردن محتضر بر هر مسلمانی واجب است و بنابر احتیاط تا ممکن می‌شود از ولیّ او اذن بگیرد.

مسئله ۵۵۱. مستحب است شهادتین و اقرار به دوازده امام علیهم‌السلام و سایر عقاید حقّه را به کسی که در حال جان دادن است، طوری تلقین کنند که بفهمد و نیز مستحب است تا وقت مرگ محتضر، این‌ها را تکرار کنند.

مسئله ۵۵۲. مستحب است این دعاها را طوری به محضر تلقین کنند که بفهمد:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي الْكَثِيرَ مِنْ مَعَاصِيكَ وَأَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ مِنْ طَاعَتِكَ يَا مَنْ يَقْبَلُ
الْيَسِيرَ وَيَعْفُو عَنِ الْكَثِيرِ أَقْبَلْ مِنِّي الْيَسِيرَ وَاعْفُ عَنِّي الْكَثِيرَ إِنَّكَ أَنْتَ الْعَفُوُّ الْعَفُورُ
اللَّهُمَّ ارْحَمْنِي فَإِنَّكَ رَحِيمٌ.

مسئله ۵۵۳. مستحب است کسی را که سخت جان می دهد، اگر ناراحت نمی شود به جایی که نماز می خوانده ببرند.

مسئله ۵۵۴. مستحب است برای راحت شدن محضر، بر بالین او، سوره مبارکه «یس» و «الصافات» و «احزاب» و «آیه الكرسي» و آیه پنجاه و چهارم از سوره «اعراف»^۱ و سه آیه آخر سوره بقره، بلکه هرچه از قرآن ممکن است را بخوانند.

مسئله ۵۵۵. تنها گذاشتن محضر، گذاشتن چیزی روی شکم او، بودن جنب و حائض نزد او، حرف زدن زیاد، گریه کردن و تنها گذاشتن زن ها نزد او، مکروه است.

✽ احکام بعد از مرگ

مسئله ۵۵۶. مستحب است بعد از مرگ، چشم ها و لب ها و چانه میت را ببندند و دست و پای او را دراز کنند و پارچه ای روی او ببندازند. و اگر مرگش، هنگام شب بوده، در مکان مرگش، چراغ روشن کنند. همچنین مستحب است برای تشییع پیکر او، مؤمنان را خبر کنند و در تشییع، آداب اسلام را رعایت کنند، و مانع شرکت بانوان در تشییع شوند، زیرا مکروه است، به ویژه اگر جلوتر از مردان و با مظاهر غیر اسلامی حرکت کنند. منظره عبرت آور تشییع جنازه را به معصیت و تشبه به عادات و رسوم کفار، که حاکی از عدم استقلال فکری و نفوذ بیگانگان است، آلوده نکنند و اجازه ندهند آداب و رسوم مخالفان اسلام به اجتماع مسلمانان راه پیدا کند. چه خوب است که مسلمانان برای حفظ سنن مذهبی و استقلال فکری خود در همه شئون، روش اولیای اسلام عليه السلام را سرمشق قرار دهند و از عواقب وخیم تشبه به بیگانگان بپرهیزند. همچنین مستحب است در دفن میت عجله نمایند، ولی اگر یقین به مردن او ندارند، باید صبر کنند تا معلوم شود. اگر میت،

۱. «إِنَّ رَبَّكُمُ اللَّهُ الَّذِي خَلَقَ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ فِي سِتَّةِ أَيَّامٍ ثُمَّ اسْتَوَى عَلَى الْعَرْشِ يُغْشِي اللَّيْلَ النَّهَارَ يَطْلُبُهُ حَثِيثًا وَ الشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ مُسَخَّرَاتٌ بِأَمْرِهِ أَلَا لَهُ الْخَلْقُ وَالْأَمْرُ تَبَارَكَ اللَّهُ رَبُّ الْعَالَمِينَ».

حامله باشد و بچه در شکم او زنده باشد، باید طفل را بیرون آورند.

✽ احکام کلی مربوط به تجهیز میت

مسئله ۵۵۷. غسل و کفن و نماز و دفن مسلمان گرچه دوازده امامی نباشد، بر هر مکلفی واجب است؛ اگر بعضی انجام دهند، از دیگران ساقط می شود و چنانچه هیچ کس انجام ندهد، همه معصیت کرده اند.

مسئله ۵۵۸. اگر کسی مشغول کارهای میت شود، بر دیگران واجب نیست اقدام نمایند، ولی اگر او عمل را ناتمام بگذارد، باید دیگران تمام کنند.

مسئله ۵۵۹. اگر انسان یقین کند که دیگری مشغول کارهای میت شده، واجب نیست به کارهای میت اقدام کند، ولی اگر شک یا گمان دارد، باید اقدام نماید.

مسئله ۵۶۰. اگر کسی بداند غسل یا کفن یا نماز یا دفن میت را باطل انجام داده اند، باید دوباره انجام دهد ولی اگر گمان دارد که باطل بوده یا شک دارد که درست بوده یا نه، لازم نیست اقدام نماید.

مسئله ۵۶۱. برای غسل و کفن و نماز و دفن میت، باید از ولیّ او اجازه بگیرند.

مسئله ۵۶۲. ولیّ زن، شوهر او است و بعد از شوهرش، مردانی که از میت ارث می برند برزنانی که از او ارث می برند، مقدّم اند.

مسئله ۵۶۳. ولیّ مرد، کسانی هستند که به ترتیب طبقات ارث از میت ارث می برند، و در طبقه اول، پدر بر مادر و فرزندان مقدم است و پسر بر مادر و دختران مقدم است.

مسئله ۵۶۴. اگر کسی بگوید: «من ولیّ یا وصیّ میت هستم یا بگویند ولیّ میت به من اجازه داده که غسل و کفن و دفن او را انجام دهم» و احتمال داده شود که راست می گوید، انجام کارهای میت با او است، مگر آنکه کسی دیگر نیز همین ادّعا را مطرح کند که در این صورت حرف کسی پذیرفته است که دو نفر عادل به گفته او شهادت دهند.

مسئله ۵۶۵. اگر میت برای غسل و کفن و دفن و نماز خود غیر از ولیّ، کسی دیگر را معین کند، وصیت او صحیح است و احتیاط آن است که ولیّ هم به او در عمل به وصیت اجازه بدهد.

مسئله ۵۶۶. لازم نیست کسی که میت او را برای انجام این کارها معین کرده، در زمان حیات وصیت کننده این وصیت را قبول کند، ولی اگر قبول کرد، یا آن را رد نکرد، یا بعد از فوت متوجه وصیت شود، باید به آن عمل نماید.

مسئله ۵۶۷. اگر وصی، وصیت را رد کند اما قبل از فوت وصیت کننده، رد وصیت به او نرسیده باشد یا در وقتی برسد که نتواند به جهت شدت مرض دیگری را وصی کند، بنا بر احتیاط لازم باید به وصیت عمل نماید.

❁ ششم: غسل میت

مسئله ۵۶۸. واجب است میت را سه غسل بدهند:

اول: با آبی که با سدر مخلوط باشد.

دوم: با آبی که با کافور مخلوط باشد.

سوم: با آب خالص باشد.

مسئله ۵۶۹. سدر و کافور باید به اندازه ای زیاد نباشد که آب را مضاف کند و به اندازه ای هم کم نباشد که نگویند سدر و کافور با آب مخلوط شده است.

مسئله ۵۷۰. اگر سدر و کافور به اندازه ای که لازم است پیدا نشود، بنا بر احتیاط واجب باید مقداری که به آن دسترسی دارند در آب بریزند.

مسئله ۵۷۱. اگر سدر و کافور یا یکی از این ها پیدا نشود یا استعمال آن جایز نباشد، مثلاً غصبی باشد، باید به جای هر کدام که ممکن نیست، میت را با آب خالص غسل بدهند.

مسئله ۵۷۲. کسی که برای حج یا عمره احرام بسته است، اگر پیش از انجام سعی در احرام حج و پیش از تقصیر در احرام عمره بمیرد، نباید او را با آب کافور غسل دهند و به جای آن باید با آب خالص غسلش بدهند.

مسئله ۵۷۳. کسی که میت را غسل می دهد، باید مسلمان دوازده امامی و عاقل باشد و مسائل غسل را هم بداند و ظاهر آن است نبالغی که آشنا به مسائل باشد و بتواند غسل را صحیح و با تمام شرایط انجام دهد، می تواند غسل دهد.

مسئله ۵۷۴. کسی که میت را غسل می دهد، باید قصد قربت داشته باشد؛ یعنی غسل را برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد.

مسئله ۵۷۵. غسل بچهٔ مسلمان، گرچه از زنا باشد، واجب است. ولی غسل و کفن و دفن کافرو اولاد او، جایز نیست و اگر غسل هم داده شود بدن او پاک نمی‌شود.

مسئله ۵۷۶. کسی که از کودکی دیوانه بوده و به حال دیوانگی بالغ شده، چنانچه پدر یا مادر یا پدر بزرگ یا مادر بزرگ او مسلمان باشند، باید او را غسل داد و اگر هیچ‌کدام آنان مسلمان نباشند، غسل دادن او جایز نیست.

مسئله ۵۷۷. اگر کودک در سرزمین اسلامی پیدا شود و معلوم نباشد که پدر یا مادر یا یکی از اجداد او، مسلمان است یا نه، محکوم به اسلام است و باید او را غسل دهند.

مسئله ۵۷۸. بچهٔ سقط شده را اگر چهار ماه یا بیشتر دارد، یا اگر چهار ماه ندارد ولی خلقتش تمام باشد، باید غسل بدهند و اگر چهار ماه ندارد و خلقتش هم تمام نشده، باید در پارچه‌ای بپیچند و بدون غسل دفن کنند.

مسئله ۵۷۹. اگر مرد، زن را و زن، مرد را غسل بدهد، باطل است، ولی زن می‌تواند شوهر خود و شوهر هم می‌تواند زن خود را غسل دهد، گرچه احتیاط مستحب آن است که زن، شوهر خود و شوهر، زن خود را در حال اختیار غسل ندهد.

مسئله ۵۸۰. مرد می‌تواند دختر بچه‌ای را که سن او از سه سال بیشتر نیست، غسل دهد. زن هم می‌تواند پسر بچه‌ای را که سه سال بیشتر ندارد، غسل دهد.

مسئله ۵۸۱. اگر برای غسل دادن میتی که مرد است، مرد پیدا نشود، زنانی که به خاطر نسبت خانوادگی به او محرمند، مثل مادر و خواهر و عمه و خاله، یا به واسطهٔ شیر خوردن به او محرم شده‌اند، می‌توانند با رعایت ستر عورت، او را غسل بدهند. و نیز اگر برای غسل میت زن، زن دیگری نباشد، مردهایی که به خاطر نسبت خانوادگی به او محرمند یا به واسطهٔ شیر خوردن به او محرم شده‌اند، می‌توانند با رعایت ستر عورت او را غسل دهند.

مسئله ۵۸۲. اگر میت و کسی که او را غسل می‌دهد هر دو مرد یا هر دو زن باشند، بهتر آن است که غیر از عورت، جاهای دیگر میت برهنه باشد.

مسئله ۵۸۳. نگاه کردن به عورت میت حرام است و کسی که او را غسل می‌دهد، اگر نگاه کند معصیت کرده، ولی غسل باطل نمی‌شود.

مسئله ۵۸۴. اگر جایی از بدن میت آلوده به نجاست باشد، باید پیش از آنکه آن

قسمت را غسل دهند، آب بکشند. و احتیاط مستحب آن است که تمام بدن میت پیش از شروع به غسل، از نجاست پاک باشد.

مسئله ۵۸۵. غسل میت مثل غسل جنابت است. احتیاط واجب آن است که تا غسل ترتیبی ممکن است، میت را غسل ارتماسی ندهند، ولی در غسل ترتیبی فرو بردن هریک از سه قسمت بدن میت در آب کثیر، بی اشکال است.

مسئله ۵۸۶. کسی را که در حال حیض یا در حال جنابت مُرده، لازم نیست غسل حیض یا غسل جنابت بدهند، بلکه همان غسل میت برای او کافی است.

مسئله ۵۸۷. مزد گرفتن برای غسل دادن میت، حرام است و اگر کسی برای گرفتن مزد، میت را غسل دهد، آن غسل باطل است، ولی مزد گرفتن برای کارهای مقدّماتی غسل حرام نیست.

مسئله ۵۸۸. قبل از غسل میت باید چیزهایی را که مانع رسیدن آب غسل به بدن میت می شود (مانند ناخن مصنوعی، لاک و چسب)، از بدن میت دور کنند.

مسئله ۵۸۹. اگر بدن میت بر اثر تصادف یا عمل جراحی، خونریزی دارد، باید خونریزی آن را قطع کنند و بعد غسل دهند. و اگر خون قطع نمی شود، در موقع غسل به گونه ای رفتار کنند که سایر اعضای بدن نجس نشود.

* تیمم میت

مسئله ۵۹۰. اگر آب پیدا نشود یا استعمال آن مانعی داشته باشد، باید میت را به جای هر غسل یک تیمم بدهند، و احتیاط واجب آن است که یک تیمم دیگر هم عوض هر سه غسل بدهند و اگر کسی که تیمم می دهد، در تیمم سوم، قصد مافی الذمه نماید یعنی نیت کند که این تیمم را برای آنکه به تکلیف عمل شده باشد، انجام می دهم، تیمم چهارم لازم نیست.

مسئله ۵۹۱. کسی که میت را تیمم می دهد، باید دست خود را به زمین بزند و به صورت و پشت دست های میت بکشد و اگر ممکن باشد، احتیاط لازم آن است که با دست میت هم او را تیمم بدهد.

✽ احکام کفن میت

مسئله ۵۹۲. میت مسلمان را باید با سه پارچه، که آنها را لُنگ و پیراهن و سرتاسری می‌گویند، کفن نمایند.

مسئله ۵۹۳. لُنگ باید از ناف تا زانو، اطراف بدن را بپوشاند، و بهتر آن است که از سینه تا روی پا برسد و پیراهن باید از سرِ شانه از دو طرف بدن تا نصف ساق پا برسد که تمام بدن را تا نصف ساق پا بپوشاند و بهتر آن است که تا روی پا برسد و درازی سرتاسری باید به قدری باشد که بستن دو سر آن ممکن باشد و پهنای آن باید به اندازه‌ای باشد که یک طرف آن روی طرف دیگر بیاید.

مسئله ۵۹۴. مقداری از لُنگ که از ناف تا زانو را می‌پوشاند و مقداری از پیراهن که از شانه تا نصف ساق را می‌پوشاند، مقدار واجب کفن است و آنچه بیشتر از این مقدار در مسئله قبل گفته شد، مقدار مستحب کفن می‌باشد.

مسئله ۵۹۵. اگر ورثه بالغ باشند و اجازه دهند که بیشتر از مقدار واجب کفن را، که در مسئله قبل گفته شد، از سهم آنان بردارند، اشکال ندارد و ظاهر آن است در صورتی که کفن در حدود معمول و متعارف باشد مانعی ندارد و می‌توانند قیمت آن را از اصل مال میت بردارند هر چند وارث غیر بالغ داشته باشد.

مسئله ۵۹۶. اگر کسی وصیت کرده باشد که مقدار مستحب کفن را از ثلث مال او بردارند یا وصیت کرده باشد ثلث مال را به مصرف خود او برسانند، ولی مصرف آن را معین نکرده باشد یا فقط مصرف مقداری از آن را معین کرده باشد، در صورت اول طبق وصیت، از ثلث بردارند و در صورت دوم و سوم می‌توانند مقدار مستحب کفن را از ثلث مال او بردارند و جایز است در حدود کفن‌های معمول از اصل مال بردارند.

مسئله ۵۹۷. کفن زن به عهده شوهر است، گرچه زن از خود، مال داشته باشد و همچنین اگر زن را به شرعی که در احکام طلاق گفته می‌شود، طلاق رجعی بدهند و پیش از تمام شدن عده بمیرد، شوهرش باید کفن او را بدهد و چنانچه شوهر بالغ نباشد یا دیوانه باشد، ولی شوهر باید از مال او کفن زن را بدهد.

مسئله ۵۹۸. کفن میت بر خویشان او واجب نیست، مگر آنکه مخارج او در حال حیات بر آنان واجب باشد که در این صورت احتیاط واجب آن است که همان نفقه‌دهنده،

کفن او را بذل نماید و اگر ممکن نشد، برعهده مؤمنان و مسلمانان است که تبرعاً کفن وی را بذل کنند و نیز می شود کفن او را از زکات و بیت المال تأمین کرد تا بدن مؤمن برهنه دفن نشود که حرمت مؤمن در ممات مانند حرمت او در حیات لازم است.

مسئله ۵۹۹. احتیاط واجب آن است که هریک از سه پارچه کفن به قدری نازک نباشد که بدن میت از زیر آن پیدا باشد.

مسئله ۶۰۰. کفن کردن با پوست مردار و چیز غصبی، حتی اگر چیز دیگری هم پیدا نشود، جایز نیست و چنانچه کفن میت غصبی باشد و صاحب آن راضی نباشد، باید از تنش بیرون آورند، گرچه او را دفن کرده باشند.

مسئله ۶۰۱. کفن کردن میت با چیز نجس و با پارچه ابریشمی خالص یا پارچه ای که با طلا بافته شده جایز نیست، ولی در حال ناچاری اشکال ندارد.

مسئله ۶۰۲. کفن کردن با پارچه ای که از پشم یا موی حیوان حرام گوشت تهیه شده، در حال اختیار جایز نیست و احتیاط واجب آن است که با پوست حیوان حلال گوشتی هم که به دستور شرع ذبح شده، میت را کفن نکنند، ولی اگر کفن از مو و پشم حیوان حلال گوشت باشد اشکال ندارد، گرچه احتیاط مستحب آن است که با این دو هم کفن ننمایند.

مسئله ۶۰۳. اگر کفن میت به نجاست خود او یا به نجاست دیگری نجس شود، چنانچه کفن ضایع نمی شود، باید مقدار نجس را بشویند یا بئزند، گرچه بعد از گذاشتن در قبر باشد و اگر شستن یا بریدن آن ممکن نیست، در صورتی که عوض کردن آن ممکن باشد، باید عوض نمایند و اگر شستن یا بریدن یا عوض کردن مستلزم بیرون آوردن میت از قبر باشد، باید او را بیرون بیاورند.

مسئله ۶۰۴. کسی که برای حج یا عمره احرام بسته، اگر بمیرد، باید مثل دیگران کفن شود و پوشاندن سر و صورتش اشکال ندارد.

مسئله ۶۰۵. مستحب است انسان در حال سلامت، کفن و سدر و کافور خود را تهیه کند.

✽ احکام حنوط

مسئله ۶۰۶. بعد از غسل، واجب است میت را حنوط کنند؛ یعنی به پیشانی و کف دست ها و سر زانو ها و سر دو انگشت بزرگ پاهای او کافور بمالند و بنابر احتیاط

واجب در این چند موضع مقداری کافور هم بگذارند و مستحب است به سرِ بینی میت هم کافور بمالند. کافور باید ساییده و تازه باشد و اگر به واسطه کهنه بودن، عطر آن از بین رفته باشد، بنابر احتیاط کافی نیست.

مسئله ۶۰۷. احتیاط واجب آن است که اول کافور را به پیشانی میت بمالند، ولی در مورد اعضای دیگر ترتیب لازم نیست.

مسئله ۶۰۸. بهتر آن است که میت را پیش از کفن کردن، حنوط نمایند گرچه در بین کفن کردن و بعد از آن هم مانعی ندارد.

مسئله ۶۰۹. کسی که برای حج یا عمره احرام بسته است، اگر پیش از تقصیر در احرام عمره و پیش از انجام سعی در احرام حج بمیرد، حنوط کردن او جایز نیست.

مسئله ۶۱۰. زنی که شوهر او مُرده و هنوز عده اش تمام نشده، گرچه حرام است خود را خوشبو کند، ولی چنانچه بمیرد، حنوط او واجب است.

مسئله ۶۱۱. احتیاط مستحب آن است که میت را با مشک و عنبر و عود و عطرهاى دیگر خوشبو نکنند و این‌ها را با کافور هم مخلوط نمایند.

مسئله ۶۱۲. مستحب است قدری تربت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) را با کافور مخلوط کنند، ولی باید از آن کافور به جاهایی که بی احترامی می شود، نرسانند و نیز باید تربت به قدری زیاد نباشد که وقتی با کافور مخلوط شد آن را کافور نگویند.

مسئله ۶۱۳. اگر کافور پیدا نشود یا فقط به اندازه غسل باشد، حنوط لازم نیست و چنانچه از غسل زیاد بیاید، ولی به همه هفت عضو نرسد، باید اول پیشانی و اگر زیاد آمد به جاهای دیگر بمالند.

مسئله ۶۱۴. مستحب است دو چوبِ تَر و تازه، همراه میت در قبر بگذارند و بهتر آن است که از درخت نخل و اگر نشد از درخت سدر و گرنه از درخت بید یا انار باشد. همچنین بهتر آن است که بر آن دو چوب، اسم میت و اسم پدر میت را بنویسند و اینکه او شهادت می دهد به «لا اله الا الله و انّ محمداً عبده و رسوله و انّ الائمة من بعده اوصیائه (علیهم السلام)» و نام مقدّس هریک از امامان (علیهم السلام) را یکی پس از دیگری بنویسند.

✽ احکام نماز میت

✽. موارد لزوم نماز میت

مسئله ۶۱۵. نماز خواندن بر میت مسلمان، اگرچه کودک باشد واجب است، اما در مورد کودک دو شرط دارد:

اول: باید پدر یا مادر یا پدر بزرگ یا مادر بزرگ او، مسلمان باشند.

دوم: شش سال کودک، تمام شده باشد.

مسئله ۶۱۶. نماز خواندن بر بچه‌ای که شش سال او تمام نشده مستحب است، ولی نماز خواندن بر بچه‌ای که مُرده به دنیا آمده، مستحب نیست.

✽. شرایط صحیح بودن نماز میت

مسئله ۶۱۷. نماز میت باید بعد از غسل و حنوط و کفن کردن او خوانده شود و اگر پیش از این‌ها بخوانند، گرچه از روی فراموشی یا ندانستن مسئله باشد، کافی نیست.

مسئله ۶۱۸. کسی که می‌خواهد نماز میت بخواند، لازم نیست با وضو یا غسل یا تیمم باشد یا بدن و لباسش پاک باشد و اگر لباس او غصبی هم باشد اشکال ندارد، ولی احتیاط لازم آن است که از سخن گفتن و خندیدن و پشت به قبله کردن و کارهایی مانند این‌ها، که نماز را باطل می‌کند، بپرهیزد.

مسئله ۶۱۹. کسی که به میت نماز می‌خواند، باید رو به قبله باشد و نیز واجب است میت را مقابل او به پشت بخوابانند، به طوری که سر او به طرف راست نمازگزار و پای او به طرف چپ نمازگزار باشد.

مسئله ۶۲۰. بنابر احتیاط واجب مکان نمازگزار باید غصبی نباشد و نیز باید از جای میت پست‌تر یا بلندتر نباشد، ولی پستی و بلندی مختصر اشکال ندارد.

مسئله ۶۲۱. نمازگزار باید از میت دور نباشد، ولی کسی که نماز میت را به جماعت می‌خواند اگر از میت دور باشد، چنانچه صف‌ها به یکدیگر متصل باشند، اشکال ندارد.

مسئله ۶۲۲. نمازگزار باید مقابل میت بایستد، ولی اگر نماز به جماعت خوانده شود و صف جماعت از دو طرف میت بگذرد، نماز کسانی که مقابل میت نیستند، اشکال ندارد.

مسئله ۶۲۳. بین میت و نمازگزار باید پرده و دیوار یا چیزی مانند این ها نباشد، ولی اگر میت در تابوت و مانند آن باشد، اشکال ندارد.

مسئله ۶۲۴. در وقت خواندن نماز باید عورت میت پوشیده باشد و اگر کفن کردن او ممکن نیست، با چیز دیگری بپوشانند.

مسئله ۶۲۵. نماز میت را باید ایستاده و با قصد قربت بخواند و در موقع نیت، میت را معین کند مثلاً نیت کند: برای این میت نماز می خوانم، قربۀ الی الله.

مسئله ۶۲۶. اگر کسی نباشد که بتواند نماز میت را ایستاده بخواند، می شود نشسته بر او نماز خواند.

مسئله ۶۲۷. اگر میت وصیت کرده باشد که شخص معینی بر او نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که آن شخص از ولی میت اجازه بگیرد و بر ولی هم واجب است اجازه بدهد.

مسئله ۶۲۸. مکروه است بر میت چند مرتبه نماز بخوانند، ولی اگر میت از اهل علم و تقوا باشد، مکروه نیست.

مسئله ۶۲۹. اگر میت را عمداً یا از روی فراموشی یا به جهت عذری، بدون نماز دفن کنند یا بعد از دفن معلوم شود نمازی که بر او خوانده شده، باطل بوده است، تا وقتی جسد او از هم نپاشیده، واجب است با شرطهایی که برای نماز میت گفته شد به قبرش نماز بخوانند.

✽ کیفیت نماز میت

مسئله ۶۳۰. نماز میت پنج تکبیر دارد و نمازگزار پنج تکبیر را به این ترتیب بگوید: بعد از نیت و گفتن تکبیر اول بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ

بعد از تکبیر دوم بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و بعد از تکبیر سوم بگوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ

و بعد از تکبیر چهارم، اگر میت مرد است بگوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذَا الْمَيِّتِ

و اگر زن است بگوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِهَذِهِ الْمَيِّتِ

و بعد تکبیر پنجم را بگوید و بهتر است بعد از تکبیر اول بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ أَرْسَلَهُ بِالْحَقِّ

بَشِيرًا وَنَذِيرًا بَيْنَ يَدَيِ السَّاعَةِ

و بعد از تکبیر دوم بگوید:

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَبَارِكْ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَارْحَمْ مُحَمَّدًا

وَآلَ مُحَمَّدٍ كَأَفْضَلِ مَا صَلَّيْتَ وَبَارَكْتَ وَتَرَحَّمْتَ عَلَى إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ

حَمِيدٌ مُجِيدٌ وَصَلِّ عَلَى جَمِيعِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمُرْسَلِينَ وَالشُّهَدَاءِ وَالصِّدِّيقِينَ وَجَمِيعِ

عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

و بعد از تکبیر سوم بگوید:

اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِلْمُؤْمِنِينَ وَالْمُؤْمِنَاتِ وَالْمُسْلِمِينَ وَالْمُسْلِمَاتِ الْأَحْيَاءِ مِنْهُمْ وَالْأَمْوَاتِ

تَابِعِ بَيْنَنَا وَبَيْنَهُمْ بِالْخَيْرَاتِ إِنَّكَ مُجِيبُ الدَّعَوَاتِ إِنَّكَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ قَدِيرٌ

و بعد از تکبیر چهارم اگر میت مرد است، بگوید:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذَا عَبْدُكَ وَابْنُ عَبْدِكَ وَابْنُ أُمَّتِكَ نَزَلَ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا

لَا نَعْلَمُ مِنْهُ إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهِ مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَ مُحْسِنًا فَزِدْ فِي إِحْسَانِهِ وَإِنْ

كَانَ مُسِيئًا فَتَجَاوَزْ عَنْهُ وَاعْفِرْ لَهُ اللَّهُمَّ اجْعَلْهُ عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ عَلَى

أَهْلِهِ فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهُ بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

و بعد، تکبیر پنجم را بگوید. ولی اگر میت زن است، بعد از تکبیر چهارم بگوید:

اللَّهُمَّ إِنَّ هَذِهِ أُمَّتُكَ وَابْنَةُ عَبْدِكَ وَابْنَةُ أُمَّتِكَ نَزَلَتْ بِكَ وَأَنْتَ خَيْرُ مَنْزُولٍ بِهِ اللَّهُمَّ إِنَّا

لَا نَعْلَمُ مِنْهَا إِلَّا خَيْرًا وَأَنْتَ أَعْلَمُ بِهَا مِنَّا اللَّهُمَّ إِنْ كَانَتْ مُحْسِنَةً فَزِدْ فِي إِحْسَانِهَا وَإِنْ

كَانَتْ مُسِيئَةً فَتَجَاوَزْ عَنْهَا وَاعْفِرْ لَهَا اللَّهُمَّ اجْعَلْهَا عِنْدَكَ فِي أَعْلَى عِلِّيِّينَ وَاخْلُفْ

عَلَى أَهْلِهَا فِي الْغَابِرِينَ وَارْحَمْهَا بِرَحْمَتِكَ يَا أَرْحَمَ الرَّاحِمِينَ

مسئله ۶۳۱. باید تکبیرها و دعاها را طوری پشت سرهم بخواند که نماز از صورت خود

خارج نشود.

مسئله ۶۳۲. اگر نماز میت را به جماعت برگزار می‌کنند، مأمومین باید تکبیرها و دعا‌های آن را هم بخوانند.

✽. مستحبات نماز میت

مسئله ۶۳۳. چند چیز در نماز میت مستحب است:

اول: کسی که نماز میت می‌خواند، با وضو یا غسل یا تیمم باشد و احتیاط مستحب آن است که در صورتی تیمم کند که وضو و غسل ممکن نباشد یا بترسد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند، به نماز میت نرسد.

دوم: اگر میت مرد است، امام جماعت یا کسی که بر او فردای نماز می‌خواند، مقابل وسط قامت او بایستد و اگر میت زن است، مقابل سینه‌اش بایستد. سوم: پابرنه نماز بخواند.

چهارم: در هر تکبیر دست‌ها را بلند کند.

پنجم: فاصله او با میت به قدری کم باشد که اگر باد، لباسش را حرکت دهد به جنازه برسد.

ششم: نماز میت را به جماعت بخواند.

هفتم: امام جماعت، تکبیر و دعاها را بلند بخواند و کسانی که با او نماز می‌خوانند آهسته بخوانند.

هشتم: در جماعت، گرچه مأموم یک نفر باشد، پشت سر امام بایستد.

نهم: نمازگزار به میت و مؤمنان زیاد دعا کند.

دهم: پیش از نماز سه مرتبه بگوید: «الصَّلَاة».

یازدهم: نماز را در جایی بخوانند که مردم برای نماز میت بیشتر به آنجا می‌روند.

دوازدهم: زن حائض اگر نماز میت را به جماعت می‌خواند، در صفی تنها بایستد.

مسئله ۶۳۴. خواندن نماز میت در مساجد مکروه است، ولی در مسجد الحرام مکروه نیست.

✽ احکام دفن

مسئله ۶۳۵. واجب است میت را طوری در زمین دفن کنند که بوی او بیرون نیاید و دژندگان هم نتوانند بدنش را بیرون آورند و اگر ترس آن باشد که جانور بدن او را بیرون آورد، باید قبر را با آجر و مانند آن محکم کنند.

مسئله ۶۳۶. اگر دفن میت در زمین ممکن نباشد، می‌توانند به جای دفن، او را در بنا یا تابوتی بگذارند که از دژندگان محفوظ باشد و بوی او هم بیرون نیاید.

مسئله ۶۳۷. میت را باید در قبر به پهلوی راست طوری بخوابانند که جلوی بدن او رو به قبله باشد.

مسئله ۶۳۸. اگر کسی در کشتی بمیرد، چنانچه جسد او فاسد نمی‌شود و بودن او در کشتی مانعی ندارد، باید صبر کنند تا به خشکی برسند و او را در زمین دفن کنند، وگرنه باید در کشتی غسلش بدهند و حنوط و کفن کنند و پس از خواندن نماز میت بنابر احتیاط، در صورت امکان او را در خمره بگذارند و درش را ببندند و به دریا بیندازند و اگر ممکن نشد، چیز سنگینی به پایش ببندند و به دریا بیندازند و اگر ممکن است، باید او را در جایی بیندازند که فوراً طعمه حیوانات نشود.

مسئله ۶۳۹. اگر بترسند که دشمن، قبر میت را بشکافد و بدن او را بیرون آورد و گوش یا بینی یا اعضای دیگر او را ببرد، چنانچه ممکن باشد باید به طوری که در مسئله پیش گفته شد، او را به دریا بیندازند.

مسئله ۶۴۰. مخارج انداختن در دریا و مخارج محکم کردن قبر میت را، در صورتی که لازم باشد، باید از اصل مال میت بردارند.

مسئله ۶۴۱. اگر زن کافره بمیرد و بچه در شکم او مُرده باشد یا هنوز روح به بدن او داخل نشده باشد، چنانچه پدر بچه، مسلمان باشد، باید زن را در قبر به پهلوی چپ، پشت به قبله بخوابانند که روی بچه به طرف قبله باشد.

مسئله ۶۴۲. دفن مسلمان در قبرستان کفار و دفن کافر در قبرستان مسلمانان، حرام است.

مسئله ۶۴۳. دفن مسلمان در جایی که بی‌احترامی باشد، مانند جایی که خاکروب و زباله می‌ریزند، حرام است.

مسئله ۶۴۴. دفن میت در جای غضبی و در زمینی که مثل مسجد برای غیر دفن

میت وقف شده، جایز نیست، مگر اینکه از اول جایی را برای دفن قرار دهند و از وقف استثنا کنند.

مسئله ۶۴۵. دفن میت در قبر مُرده دیگر جایز نیست، مگر آنکه قبر، کهنه شده و میت اولی از بین رفته باشد.

مسئله ۶۴۶. چیزی که از میت جدا می شود، گرچه مو و ناخن و دندانش باشد، بنابر احتیاط باید با او دفن شود. و دفن ناخن و دندانی که در حال حیات از انسان جدا می شود، مستحب است.

مسئله ۶۴۷. اگر کسی در چاه بمیرد و بیرون آوردنش ممکن نباشد، باید در چاه را ببندند و همان چاه را قبر او قرار دهند و بر او نماز بگذارند. و اگر چاه مال غیر است و راضی نباشد، باید به نحوی رضایت وی را تأمین نمایند هر چند با پرداخت قیمت چاه باشد.

مسئله ۶۴۸. اگر بچه در رحم مادر بمیرد و ماندنش در رحم برای مادر خطر داشته باشد، باید به آسان ترین راه او را بیرون آورند و چنانچه ناچار شوند که او را قطعه قطعه کنند اشکال ندارد، و در این عمل، ماما یا پزشک زن بر مرد مقدم است.

مسئله ۶۴۹. هرگاه مادر بمیرد و بچه در شکمش زنده باشد، گرچه امید زنده ماندن طفل را نداشته باشند، باید توسط اهل فن او را بیرون بیاورند.

❦ مستحبات دفن

مسئله ۶۵۰. چند چیز در دفن میت مستحب است:

- (۱) مستحب است قبر را به اندازه قد انسان متوسط، گود کنند.
- (۲) میت را در نزدیک ترین قبرستان دفن نمایند، مگر آنکه قبرستان دورتر از جهتی بهتر باشد، مثل آنکه مردمان خوب در آنجا دفن شده باشند یا مردم برای فاتحه اهل قبور بیشتر به آنجا بروند.
- (۳) جنازه را در چند ذراعی قبر زمین بگذارند و تا سه مرتبه کم کم نزدیک ببرند و در هر مرتبه، زمین بگذارند و بردارند و در نوبت چهارم وارد قبر کنند.
- (۴) اگر میت مرد است، در دفعه سوم طوری زمین بگذارند که سر او طرف

پایین قبر باشد و در دفعهٔ چهارم از طرف سروارد قبر نمایند و اگر زن است در دفعهٔ سوم، طرفِ قبلهٔ قبر بگذارند به طوری که قبر، پشت جنازه واقع شود و به پهنا وارد قبر کنند.

(۵) برای میت در قبر، لحد قرار دهند به ترتیبی که متعارف است.

(۶) در موقع وارد کردن، پارچه‌ای روی قبر بگیرند.

(۷) جنازه را به آرامی از تابوت بگیرند و وارد قبر کنند.

(۸) دعاهایی که دستور داده شده، پیش از دفن و موقع دفن بخوانند.

(۹) بعد از آنکه میت را در لحد گذاشتند، گره‌های کفن را باز کنند و صورت میت را روی خاک بگذارند و بالشی از خاک، زیر سر او بسازند و پشت میت، خشت خام یا کلوخی بگذارند که میت به پشت برنگردد.

(۱۰) پیش از آنکه لحد را بپوشانند، دست راست را به شانهٔ راست میت بزنند و دست چپ را به قوت بر شانهٔ چپ میت بگذارند و دهان را نزدیک گوش او ببرند و به شدت حرکتش دهند و سه مرتبه بگویند:

إِسْمَعْ، إِنْهُمْ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ

و به جای فلان بن فلان، اسم میت و اسم پدرش را بگویند، مثلاً اگر اسم او محمد است و اسم پدرش علی است، سه مرتبه بگویند:

إِسْمَعْ، إِنْهُمْ يَا مُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ

پس از آن بگویند:

هَلْ أَنْتَ عَلَى الْعَهْدِ الَّذِي فَارَقْتَنَا عَلَيْهِ مِنْ شَهَادَةِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَسَيِّدُ النَّبِيِّينَ وَخَاتَمُ الْمُرْسَلِينَ وَأَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَسَيِّدُ الْوَصِيِّينَ وَإِمَامُ افْتَرَضَ اللَّهُ طَاعَتَهُ عَلَى الْعَالَمِينَ وَأَنَّ الْحَسَنَ وَالْحُسَيْنَ، وَعَلِيَّ بْنَ الْحُسَيْنِ، وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ، وَجَعْفَرَ بْنَ مُحَمَّدٍ، وَمُوسَى بْنَ جَعْفَرٍ وَعَلِيَّ بْنَ مُوسَى وَمُحَمَّدَ بْنَ عَلِيٍّ وَعَلِيَّ بْنَ مُحَمَّدٍ وَالْحَسَنَ بْنَ عَلِيٍّ وَالْقَائِمَ الْحُجَّةَ الْمَهْدِيَّ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَئِمَّةُ الْمُؤْمِنِينَ وَحُجَجُ اللَّهِ عَلَى الْخَلْقِ أَجْمَعِينَ وَأَنْتُمْ أَئِمَّةُ هُدًى أَبْرَارٍ يَا فُلَانُ بْنُ فُلَانٍ

و به جای فلان بن فلان، اسم میت و اسم پدرش را بگویند و بعد بگویند:

إِذَا أَتَاكَ الْمَلَكَانِ الْمُقَرَّبَانِ رَسُولَيْنِ مِنْ عِنْدِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَسَلَّاتِكَ عَنْ رَبِّكَ وَعَنْ نَبِيِّكَ وَعَنْ دِينِكَ وَعَنْ كِتَابِكَ وَعَنْ قِبْلَتِكَ وَعَنْ أَيْمَتِكَ فَلَا تَخَفْ وَلَا تَحْزَنْ وَقُلْ فِي جَوَابِهِمَا اللَّهُ جَلَّ جَلَالُهُ رَبِّي وَمُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نَبِيِّي، وَالْإِسْلَامُ دِينِي، وَالْقُرْآنُ كِتَابِي وَالْكَعْبَةُ قِبْلَتِي وَامِيرُ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيُّ بْنُ أَبِيطَالِبٍ إِمَامِي، وَالْحَسَنُ بْنُ عَلِيٍّ إِمَامِي وَالْحُسَيْنُ بْنُ عَلِيٍّ الشَّهِيدُ بِكَرْبَلَاءَ إِمَامِي وَعَلِيُّ بْنُ زَيْنِ الْعَابِدِينَ إِمَامِي وَمُحَمَّدٌ بَاقِي عِلْمِ النَّبِيِّينَ إِمَامِي وَجَعْفَرُ الصَّادِقُ إِمَامِي وَمُوسَى الْكَاطِمُ إِمَامِي وَعَلِيُّ الرِّضَا إِمَامِي وَمُحَمَّدُ الْجَوَادُ إِمَامِي وَعَلِيُّ الْهَادِي إِمَامِي وَالْحَسَنُ الْعَسْكَرِيُّ إِمَامِي وَالْحُجَّةُ الْمُنْتَظَرُ إِمَامِي هَؤُلَاءِ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ أَجْمَعِينَ أَيْمَتِي وَسَادَتِي وَقَادَتِي وَشَفَعَائِي بِهِمْ أَتَوَلَّى وَمِنْ أَعْدَائِهِمْ أَتَبَرَّأُ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ ثُمَّ أَعْلَمُ يَا فَلَانُ بْنُ فَلَانٍ

و به جای فلان بن فلان، اسم میت و اسم پدرش را بگویند. بعد بگویند:

أَنَّ اللَّهَ تَبَارَكَ وَتَعَالَى نِعَمَ الرَّبِّ وَأَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ نِعَمَ الرَّسُولِ وَأَنَّ أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَلِيَّ بْنَ أَبِيطَالِبٍ وَأَوْلَادَهُ الْأَيْمَةَ الْأَحَدَ عَشَرَ نِعَمَ الْأَيْمَةِ وَأَنَّ مَا جَاءَ بِهِ مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ حَقٌّ وَأَنَّ الْمَوْتَ حَقٌّ وَسُؤَالَ مُنْكَرٍ وَنَكِيرٍ فِي الْقَبْرِ حَقٌّ وَالْبَعْثَ حَقٌّ وَالنُّشُورَ حَقٌّ وَالصِّرَاطَ حَقٌّ وَالْمِيزَانَ حَقٌّ وَتَطَايُرَ الْكُتُبِ حَقٌّ وَالْجَنَّةَ حَقٌّ وَالنَّارَ حَقٌّ وَأَنَّ السَّاعَةَ آتِيَةٌ لَا رَيْبَ فِيهَا وَأَنَّ اللَّهَ يَبْعَثُ مَنْ فِي الْقُبُورِ

پس بگویند:

أَفْهَمْتَ يَا فَلَانُ

و به جای فلان، اسم میت را بگویند. پس از آن بگویند:

ثَبَّتَكَ اللَّهُ بِالْقَوْلِ الثَّابِتِ وَهَذَاكَ اللَّهُ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ وَعَرَّفَ اللَّهُ بَيْنَكَ وَبَيْنَ أَوْلِيَائِكَ فِي مُسْتَقَرٍّ مِنْ رَحْمَتِهِ

پس بگویند:

اللَّهُمَّ جَافِ الْأَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَأَصْعِدْ بُرُوجَهُ إِلَيْكَ وَلَقِّهِ مِنْكَ بُرْهَانًا اللَّهُمَّ عَفْوَكَ عَفْوَكَ

مسئله ۶۵۱. مستحب است کسی که میت را در قبر می‌گذارد، با طهارت و سر برهنه و پا برهنه باشد و از طرف پای میت از قبر بیرون بیاید و غیر از خویشان میت، کسانی که حاضرند، با پشت دست خاک بر قبر بریزند و بگویند: «إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و اگر

میت زن است کسی که به او محرم می باشد، او را در قبر بگذارد و اگر محرمی نباشد، خویشانش او را در قبر بگذارند.

مسئله ۶۵۲. مستحب است قبر را مربع یا مربع مستطیل بسازند و به اندازه چهار انگشت از زمین بلند کنند و نشانه ای روی آن بگذارند که اشتباه نشود و روی قبر آب بپاشند و بعد از پاشیدن آب، کسانی که حاضرند، دست ها را بر قبر بگذارند و انگشت ها را باز کنند و در خاک فرو برند و هفت مرتبه سوره مبارکه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخوانند و برای میت، طلب آموزش کنند و این دعا را بخوانند:

اَللّٰهُمَّ جَافِ الْاَرْضَ عَنْ جَنْبَيْهِ وَاَصْعِدْ اِلَيْكَ رُوْحَهُ وَلَقِّهِ مِنْكَ رِضْوَانًا وَاَسْكِنْ قَبْرَهُ مِنْ رَحْمَتِكَ مَا تُغْنِيهِ بِهِ عَنْ رَحْمَةٍ مَنْ سِوَاكَ.

مسئله ۶۵۳. پس از رفتن کسانی که تشییع جنازه کرده اند، مستحب است ولی میت یا کسی که از طرف میت اجازه دارد، دعاهایی را که دستور داده شده به میت تلقین کند.

مسئله ۶۵۴. بعد از دفن، مستحب است صاحبان عزا را تسلیت دهند، ولی اگر مدتی گذشته است که به واسطه تسلیت دادن، مصیبت یادشان می آید، ترک آن بهتر است و نیز مستحب است تا سه روز برای اهل خانه میت غذا بفرستند و غذا خوردن نزد آنان و در منزلشان مکروه است.

مسئله ۶۵۵. مستحب است انسان در مرگ خویشان، مخصوصاً در مرگ فرزند صبر کند و هروقت میت را یاد می کند، بگوید: «إِنَّا لِلّٰهِ وَإِنَّا اِلَيْهِ رَاجِعُونَ» و برای میت قرآن بخواند و سر قبر پدر و مادر از خداوند حاجت بخواهد و قبر را محکم بسازد که زود خراب نشود.

مسئله ۶۵۶. جایز نیست انسان در مرگ کسی، صورت و بدن را بخراشد و به خود لطمه بزند.

مسئله ۶۵۷. پاره کردن یقه در مرگ غیر از پدر و برادر جایز نیست.

مسئله ۶۵۸. اگر زن در عزای میت، صورت خود را بخراشد به طوری که خونین شود و یا موی خود را بکند و یا مرد در مرگ زن و یا بچه خود، یقه و لباس خود را پاره کند، باید یک بنده آزاد کند یا ده فقیر را طعام دهد و یا آنها را بپوشاند و اگر بر هیچ یک از آنها قدرت نداشته باشد، سه روز روزه بگیرد و اگر زن، موی خود را در عزای میت ببرد،

کفارۀ آن، دو ماه پی در پی روزه گرفتن و یا یک بنده آزاد کردن و یا شصت مسکین طعام دادن است.

مسئله ۶۵۹. احتیاط واجب آن است که در گریه بر میت، صدا را خیلی بلند نکنند.

✽ نماز وحشت

مسئله ۶۶۰. مستحب است در شب اول قبر، دو رکعت نماز وحشت برای میت بخوانند و دستور آن این است که در رکعت اول بعد از حمد، یک مرتبه «آیه الکرسی» و در رکعت دوم بعد از حمد ده مرتبه «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» بخوانند و بعد از سلام نماز بگویند:

«اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَابْعَثْ ثَوَابَهَا إِلَى قَبْرِ فُلَانٍ»

و به جای کلمۀ فلان، اسم میت را بگویند.

مسئله ۶۶۱. نماز وحشت را در هر موقع از شب اول قبر می شود خواند، ولی بهتر است در اول شب، بعد از نماز عشا خوانده شود.

مسئله ۶۶۲. اگر بخواهند میت را به شهر دوری ببرند یا به جهت دیگری دفن او تأخیر بیفتد، باید نماز وحشت را تا شب اول دفن او تأخیر بیندازند.

✽ نبش قبر

مسئله ۶۶۳. نبش قبرِ مسلمان یعنی شکافتن قبر او، گرچه طفل یا دیوانه باشد، حرام است، ولی اگر بدنش از بین رفته و خاک شده باشد، اشکال ندارد.

مسئله ۶۶۴. نبش قبرِ امام زاده ها و شهدا و علما و صلحا، گرچه سال ها از آن گذشته باشد، حرام است، به ویژه اگر زیارتگاه باشد.

مسئله ۶۶۵. شکافتن قبر در نه مورد حرام نیست، بلکه در بعضی از آن موارد واجب است: اول: میت در زمینِ غصبی دفن شده باشد و مالک زمین راضی نشود که در آنجا بماند.

دوم: کفن یا چیز دیگری که با میت دفن شده، غصبی باشد و صاحب آن راضی نشود که در قبر بماند و همچنین است اگر چیزی از مال خود میت که به ورثۀ او رسیده، با او دفن شده باشد و ورثه راضی نشوند که آن چیز در

قبر بماند، ولی اگر وصیت کرده باشد که دعا یا قرآن یا انگشتی را با او دفن کنند، برای بیرون آوردن این‌ها نمی‌توانند قبر را بشکافند مگر آنکه زیادترا از ثلثِ ارث باشد و ورثه امضا نکرده باشند.

سوم: میت، بی‌غسل یا بی‌کفن یا بدون حنوط دفن شده باشد یا بفهمند غسلش باطل بوده یا به غیر دستور شرع کفن شده یا در قبر، او را رو به قبله گذاشته‌اند، ولی اگر بدن متعفن شده باشد که نبش در این صورت باعث هتکِ میت و اذیت مردم شود، جایز نیست.

چهارم: برای ثابت شدن حقی بخوانند بدن میت را ببینند.

پنجم: میت را در جایی که بی‌احترامی به او است، مثل قبرستان کفار یا جایی که زباله و خاک‌روبه می‌ریزند، دفن کرده باشند.

ششم: برای یک مطلب شرعی که اهمیت آن از شکافتن قبر بیشتر است، قبر را بشکافند مثلاً بخوانند بچه زنده را از شکم زن حامله‌ای که دفنش کرده‌اند بیرون آورند.

هفتم: بترسند دژنده‌ای بدن میت را پاره کند یا سیل او را ببرد یا دشمن بیرون آورد، البته به شرط آنکه با محکم کردن اطراف و جوانب قبر و حراست آن، نشود دفع این خطر را کرد.

هشتم: در صورتی که قسمتی از بدن میت با او دفن نشده باشد؛ احتیاط لازم آن است که آن قسمت از بدن را طوری در قبر بگذارند که بدن میت دیده نشود.

نهم: بخوانند میت را به یکی از مشاهد مشرفه نقل کنند که جواز در این صورت نیز مشروط به این است که نبش، باعث هتکِ میت نشود.

✽ غسل‌های مستحب

مسئله ۶۶۶. غسل‌های مستحب در شرع مقدس اسلام بسیار است و از آن جمله است:

۱) غسل جمعه؛ و وقت آن از اذان صبح است تا ظهر و بهتراست نزدیک ظهر به جا آورده شود و اگر تا ظهر انجام ندهد، بهتراست که بدون نیت ادا و قضا تا غروب جمعه به جا آورد. و اگر در روز جمعه غسل نکند، مستحب است

از صبح شنبه تا غروب، قضای آن را به جا آورد. و کسی که می‌ترسد در روز جمعه آب پیدا نکند، می‌تواند روز پنجشنبه غسل کند و یا در شب جمعه رجائاً غسل را انجام دهد و مستحب است در موقع غسل جمعه بگوید: «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَاجْعَلْنِي مِنَ التَّوَّابِينَ وَاجْعَلْنِي مِنَ الْمُتَطَهِّرِينَ».

۲) غسلِ شبِ اول ماه رمضان و تمام شب‌های فرد؛ مثل شب سوم و پنجم و هفتم، ولی از شب بیست و یکم مستحب است هر شب غسل کند و برای غسلِ شب اول و پانزدهم و هفدهم و نوزدهم و بیست و یکم و بیست و سوم و بیست و پنجم و بیست و هفتم و بیست و نهم، بیشتر سفارش شده است و وقت غسلِ شب‌های ماه رمضان تمام شب است و بهتر است مقارن غروب یا کمی پیش از غروب به جا آورده شود، ولی از شب بیست و یکم تا آخر ماه بهتر است غسل را بین نماز مغرب و عشا به جا آورد و نیز مستحب است در شب بیست و سوم غیر از غسل اول شب، یک غسل هم در آخر شب انجام دهد.

۳) غسل روزِ عید فطر و عید قربان؛ و وقت آن از اذان صبح است تا ظهر و بهتر آن است که آن را پیش از نماز عید به جا آورند و چون احتمال می‌رود که وقت آن تا غروب باشد اگر بعد از ظهر آن را به جا آورد، احتیاط آن است که به قصد رجا باشد.

۴) غسل شبِ عید فطر؛ و وقت آن از اول مغرب تا اذان صبح است و بهتر است در اول شب به جا آورده شود.

۵) غسل روز هشتم و نهم ذی حجه؛ و در روز نهم بهتر است آن را نزدیک ظهر به جا آورد.

۶) غسل روز اول و پانزدهم و بیست و هفتم و آخر ماه رجب؛

۷) غسل روز عید غدیر؛ و بهتر است پیش از ظهر آن را انجام دهند.

۸) غسل روز بیست و چهارم ذی حجه؛

۹) غسل روز عید نوروز و پانزدهم شعبان و نهم و هفدهم ربیع الاول و روز بیست و پنجم ذی قعدة؛

۱۰) غسل دادن بچه‌ای که تازه به دنیا آمده؛ و وقت آن بعد از تولد است تا دو سه روز که بگویند تازه به دنیا آمده و اگر تأخیر افتاد، رجائاً غسل بدهند.

۱۱) غسل زنی که برای غیرشوهرش بوی خوش استعمال کرده است.

۱۲) غسل کسی که در حال مستی خوابیده است.

۱۳) غسل کسی که جایی از بدنش را به بدن میتی که غسل داده‌اند، رسانده است.

۱۴) غسل کسی که در موقع گرفتنِ خورشید و ماه، نماز آیات را عمداً نخوانده، در صورتی که تمام ماه و خورشید گرفته باشد، بلکه احتیاط ترک نکردن این غسل است، چنانچه احتیاط آن است که از جهت تأخیر نماز یا به جا آوردن قضای نماز، به قصد مافی‌الدمه به جا آورد.

۱۵) غسل کسی که برای تماشای دارآویخته، رفته و آن را دیده باشد؛ ولی اگر اتفاقاً یا از روی ناچاری نگاهش بیفتد یا مثلاً برای شهادت دادن رفته باشد، غسل مستحب نیست.

مسئله ۶۶۷. پیش از داخل شدن در حرم مکه، شهر مکه، مسجد الحرام، خانه کعبه، حرم مدینه، شهر مدینه، مسجد پیغمبر ﷺ و حرم ائمه اهل بیت مستحب است انسان غسل کند و اگر در یک روز چند مرتبه مشرف شود، یک غسل کافی است و کسی که می‌خواهد در یک روز داخل حرم مکه و مسجد الحرام و خانه کعبه شود، اگر به نیت همه، یک غسل کند کافی است. و نیز اگر در یک روز بخواهد داخل حرم مدینه و شهر مدینه و مسجد پیغمبر ﷺ شود، یک غسل برای همه کفایت می‌کند و برای زیارت پیغمبر ﷺ و ائمه اهل بیت از دور یا نزدیک و برای حاجت خواستن از خداوند عالم و همچنین برای توبه و نشاط در عبادت و برای سفر رفتن، به ویژه سفر زیارت حضرت سید الشهدا علیه السلام مستحب است انسان غسل کند. و اگر یکی از غسل‌هایی را که در این مسئله گفته شد، به جا آورد و بعد کاری کند که وضو را باطل می‌نماید، مثلاً بخوابد، مستحب است دوباره غسل را به جا آورد.

مسئله ۶۶۸. انسان نمی‌تواند با غسل مستحبی کاری را که مانند نماز، وضو لازم دارد انجام دهد.

مسئله ۶۶۹. اگر چند غسل بر کسی مستحب باشد و به نیت همه، یک غسل به جا آورد کافی است.

❁ تیمم

«تیمم» عملی است که در مواردی جایگزین وضو یا غسل می شود.

❁ موارد انجام تیمم

در هفت مورد به جای وضو و غسل باید تیمم کرد:

❁ (۱) تهیه آب به اندازه وضو یا غسل ممکن نباشد

مسئله ۶۷۰. اگر انسان در آبادی باشد، باید برای تهیه آب وضو و غسل به قدری جستجو کند که از پیدا شدن آن ناامید شود و اگر در بیابان باشد، چنانچه زمین آن پست و بلند است، باید در هریک از چهار طرف به اندازه پرتاب یک تیر قدیمی^۱ که با کمان پرتاب می کردند و اگر زمین آن پست و بلند نیست، باید در هر طرف به اندازه پرتاب دو تیر، جستجو نماید.

مسئله ۶۷۱. اگر بعضی از چهار طرف، هموار و بعض دیگر پست و بلند باشد، باید در طرفی که هموار است به اندازه پرتاب دو تیر و در طرفی که هموار نیست، به اندازه پرتاب یک تیر جستجو کند.

مسئله ۶۷۲. در هر طرفی که یقین دارد آب نیست، در آن طرف جستجو لازم نیست.

مسئله ۶۷۳. کسی که وقت نماز او تنگ نیست و برای تهیه آب وقت دارد، اگر یقین یا اطمینان دارد در محلی دورتر از مقداری که باید جستجو کند آب هست، باید برای تهیه آب برود، ولی اگر گمان دارد آب هست، رفتن به آن محل لازم نیست.

مسئله ۶۷۴. لازم نیست خود انسان در جستجوی آب برود، بلکه می تواند کسی را که به گفته او اطمینان دارد بفرستد. بنابراین اگر یک نفر از طرف چند نفر برود کافی است.

۱. مرحوم مجلسی رحمته الله در کتاب لوازم صاحبقرانی (شرح فارسی کتاب من لا یحضره الفقیه)، ج ۱، ص ۶۹۴ فرموده که مقدار پرتاب تیر تخمیناً به دو یست گام نمی رسد.

مسئله ۶۷۵. اگر احتمال دهد که در بار سفر خود یا در منزل و یا در قافله آب هست، باید به قدری جستجو نماید که به نبودن آب یقین کند یا از پیدا کردن آن ناامید شود.

مسئله ۶۷۶. اگر پیش از وقت نماز جستجو نماید و آب پیدا نکند و تا وقت نماز همان جا بماند، چنانچه احتمال دهد که آب پیدا می‌کند، احتیاط مستحب آن است که دوباره در جستجوی آب برود.

مسئله ۶۷۷. اگر بعد از داخل شدن وقت نماز جستجو کند و آب پیدا نکند و تا وقت نماز دیگر در همان جا بماند، چنانچه احتمال دهد که آب پیدا می‌شود، احتیاط مستحب آن است که دوباره در جستجوی آب برود.

مسئله ۶۷۸. اگر وقت نماز تنگ باشد یا از دزد و دزنده بترسد یا جستجوی آب به قدری سخت باشد که نتواند تحمل کند، جستجو لازم نیست.

مسئله ۶۷۹. اگر در جستجوی آب نرود تا وقت نماز تنگ شود، معصیت کرده ولی نمازش با تیمم صحیح است.

مسئله ۶۸۰. کسی که یقین دارد آب پیدا نمی‌کند، چنانچه دنبال آب نرود و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که اگر جستجو می‌کرد آب پیدا می‌شد، نمازش باطل است.

مسئله ۶۸۱. اگر بعد از جستجو، آب پیدا نکند و با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد در جایی که جستجو کرده آب بوده، اگر در وقت فهمید، احتیاط لازم، اعاده نماز با وضو است چنان که اگر وقت گذشته باشد، احتیاط لازم، قضای آن است.

مسئله ۶۸۲. کسی که یقین دارد وقت نماز تنگ است، اگر بدون جستجو با تیمم نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که برای جستجو وقت داشته، احتیاط واجب آن است که دوباره نمازش را بخواند و اگر وقت گذشته، قضا نماید.

مسئله ۶۸۳. اگر بعد از داخل شدن وقت نماز، وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند تهیه آب برای او ممکن نیست یا نمی‌تواند وضو بگیرد، چنانچه بتواند وضوی خود را نگه دارد، نباید آن را باطل نماید.

مسئله ۶۸۴. اگر پیش از وقت نماز وضو داشته باشد و بداند که اگر وضوی خود را باطل کند تهیه آب برای او ممکن نیست، چنانچه بتواند وضوی خود را نگه دارد، احتیاط مستحب آن است که آن را باطل نکند و تا ممکن است رعایت این احتیاط را بنماید.

مسئله ۶۸۵. کسی که فقط به مقدار وضو یا به مقدار غسل آب دارد و می‌داند که اگر آن را بریزد آب پیدا نمی‌کند، چنانچه وقت نماز داخل شده باشد، ریختن آن حرام است و احتیاط مستحب آن است که پیش از وقت نماز هم آن را نریزد و تا ممکن است این احتیاط را مراعات نماید.

مسئله ۶۸۶. کسی که می‌داند آب پیدا نمی‌کند، اگر بعد از داخل شدن وقت نماز، وضوی خود را باطل کند یا آبی را که دارد، بریزد، معصیت کرده ولی نمازش با تیمم صحیح است، گرچه احتیاط مستحب آن است که قضای آن نماز را بخواند.

❦ (۲) به سبب دشواری بیش از حد، دسترسی به آب نداشته باشد

مسئله ۶۸۷. اگر به واسطهٔ پیری یا ترس از دزد و جانور و مانند این‌ها یا نداشتن وسیله‌ای که آب از چاه بکشد، دسترسی به آب نداشته باشد، باید تیمم کند، و همچنین است اگر تهیه کردن آب یا استعمال آن، به قدری برای وی مشقت داشته باشد که نتواند آن را تحمل کند، ولی چنانچه نسبت به نوع مردم مشقت داشته باشد، نه نسبت به شخص او، تیمم جایز نیست.

مسئله ۶۸۸. اگر برای کشیدن آب از چاه، دلو و ریسمان و مانند این‌ها لازم دارد و مجبور است بخرد یا کرایه کند، گرچه قیمت آن چند برابر معمول باشد، باید تهیه کند، و همچنین است اگر آب را به چندین برابر قیمتش بفروشند. ولی اگر تهیه آنها به قدری پول می‌خواهد که نسبت به حال او آن مقدار ضرر دارد، واجب نیست تهیه نماید.

مسئله ۶۸۹. اگر ناچار شود که برای تهیه آب، قرض کند، باید قرض نماید، ولی کسی که می‌داند یا گمان دارد که نمی‌تواند قرض خود را بدهد، واجب نیست قرض کند.

مسئله ۶۹۰. اگر کندن چاه مشقت ندارد، باید برای تهیه آب، چاه بکند.

مسئله ۶۹۱. اگر کسی مقداری آب، بی‌منت به او ببخشد، باید قبول کند.

❦ (۳) استعمال آب ضرر داشته باشد

مسئله ۶۹۲. اگر از استعمال آب بر جان خود بترسد یا بترسد که به واسطه استعمال آن، بیماری یا عیبی در او پیدا شود یا بیماری‌اش طول بکشد یا شدت پیدا کند و یا

به سختی معالجه شود، باید تیمم نماید ولی اگر آب گرم برای او ضرر ندارد، باید با آب گرم وضو بگیرد یا غسل کند.

مسئله ۶۹۳. لازم نیست یقین کند که آب برای او ضرر دارد، بلکه اگر احتمال ضرر بدهد، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد و از آن احتمال، ترس برای او پیدا شود، باید تیمم کند.

مسئله ۶۹۴. کسی که مبتلا به درد چشم است و آب برای او ضرر دارد، باید تیمم کند. **مسئله ۶۹۵.** اگر به واسطه یقین یا ترس ضرر، تیمم کند و پیش از نماز بفهمد که آب برایش ضرر ندارد، تیمم او باطل است و اگر بعد از نماز، پیش از گذشتن وقت بفهمد، بنا بر احتیاط واجب باید دوباره نماز را با وضو یا غسل بخواند و اگر وقت گذشته باشد، قضا ندارد.

مسئله ۶۹۶. کسی که می داند آب برایش ضرر ندارد، چنانچه غسل کند یا وضو بگیرد و بعد بفهمد که آب برای او ضرر داشته، بنا بر احتیاط واجب باید اگر در وقت است و نماز را نخوانده، تیمم هم بنماید و نماز را بخواند و اگر نماز را خوانده، دوباره آن را با تیمم بخواند و اگر وقت گذشته، در صورتی که آب برای او ضرر ندارد، با وضو یا غسل آن را قضا نماید.

❦ (۴) ترس از تشنگی داشته باشد

مسئله ۶۹۷. هرگاه بترسد که اگر آب را به مصرف وضو یا غسل برساند، خود او یا عیال و اولاد او یا رفیقش و کسانی که به او مربوطند مانند نوکرو کلفت از تشنگی بمیرند یا مریض شوند یا به قدری تشنه شوند که تحمل آن مشقت دارد، باید به جای وضو و غسل، تیمم نماید و نیز اگر بترسد حیوانی که مال خود او یا شخص دیگری است، از تشنگی تلف شود، باید آب را به آن حیوان بدهد و تیمم نماید. همچنین است اگر کسی که حفظ جان او واجب است به طوری تشنه باشد که اگر انسان آب را به او ندهد تلف شود.

مسئله ۶۹۸. اگر غیر از آب پاکی که برای وضو و غسل دارد، آب نجسی هم به مقدار آشامیدن خود و کسانی که به او مربوطند داشته باشد، باید آب پاک را برای آشامیدن

بگذارد و با تیمم نماز بخواند، ولی چنانچه آب را برای حیوانش بخواند، باید آب نجس را به آن حیوان بدهد و با آب پاک، وضو و غسل را انجام دهد.

❦ (۵) نیاز به آب برای تطهیر داشته باشد

مسئله ۶۹۹. کسی که بدن یا لباسش نجس است و کمی آب دارد که اگر با آن وضو بگیرد یا غسل کند، برای آب کشیدن بدن یا لباس او نمی ماند، باید بدن یا لباس را آب بکشد و با تیمم نماز بخواند، ولی اگر چیزی نداشته باشد که بر آن تیمم کند، باید آب را به مصرف وضو یا غسل برساند و با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

❦ (۶) آب یا ظرف آب مباح نداشته باشد

مسئله ۷۰۰. اگر غیر از آب یا ظرفی که استعمال آن حرام است، آب یا ظرف دیگری ندارد مثلاً آب یا ظرفش غصبی است و غیر از آن، آب و ظرف دیگری ندارد، باید به جای وضو و غسل، تیمم کند.

❦ (۷) برای وضو یا غسل فرصت نداشته باشد

مسئله ۷۰۱. هرگاه وقت به قدری تنگ باشد که اگر وضو بگیرد یا غسل کند تمام نماز یا مقداری از آن بعد از وقت خوانده می شود، باید تیمم کند.

مسئله ۷۰۲. اگر عمداً نماز را به قدری تأخیر بیندازد که وقت وضو یا غسل نداشته باشد، معصیت کرده ولی نماز او با تیمم صحیح است، گرچه احتیاط مستحب آن است که قضای آن نماز را بخواند.

مسئله ۷۰۳. کسی که شک دارد اگر وضو بگیرد یا غسل کند وقت برای نماز او می ماند یا نه، باید تیمم کند و نماز بخواند.

مسئله ۷۰۴. کسی که به واسطه تنگی وقت تیمم کرده، اگر بعد از نماز با وجود اینکه می توانسته با آبی که دارد وضو بگیرد، اما وضو نگرفته و آن آب از دستش رفته، گرچه تیمم خود را باطل نکرده باشد، در صورتی که وظیفه اش تیمم باشد، باید دوباره تیمم نماید هر چند تیمم خود را نشکسته باشد.

مسئله ۷۰۵. کسی که آب دارد، اگر به واسطه تنگی وقت با تیمم مشغول نماز شود و در بین نماز، آبی که داشته از دستش برود، چنانچه وظیفه اش تیمم باشد، احتیاط مستحب آن است که برای نمازهای بعد دوباره تیمم کند.

مسئله ۷۰۶. اگر انسان به قدری وقت دارد که می تواند وضو بگیرد یا غسل کند و نماز را بدون کارهای مستحبی آن مثل اقامه و قنوت بخواند، باید غسل کند یا وضو بگیرد، و نماز را بدون کارهای مستحبی آن به جا آورد، بلکه اگر به اندازه سوره هم وقت ندارد، باید غسل کند یا وضو بگیرد و نماز را بدون سوره بخواند.

✽ چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است

مسئله ۷۰۷. تیمم به خاک و ریگ و کلوخ و سنگ صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر خاک ممکن باشد به چیز دیگر تیمم نکند و اگر خاک نباشد، با ریگ، و اگر ریگ نباشد، با کلوخ، و چنانچه کلوخ هم نباشد، با سنگ تیمم نماید.

مسئله ۷۰۸. تیمم بر سنگ گچ و سنگ آهک صحیح است و با بودن چیزی که تیمم بر آن صحیح است، احوط آن است که به گچ و آهک پخته تیمم نکند.

مسئله ۷۰۹. اگر خاک و ریگ و کلوخ و سنگ پیدا نشود، باید به گرد و غباری که در فرش و لباس و مانند این ها نشسته، اگر ظاهر است تیمم کند و اگر گرد و غبار آنها ظاهر نیست، ولی وقتی به آن دست می زنند گرد برمی خیزد، احتیاط جمع بین تیمم به آن و تیمم به گل است و چنانچه اصلاً گرد پیدا نشود، باید به گل تیمم کند و اگر گل هم پیدا نشود، احتیاط آن است که نماز را بدون تیمم بخواند ولی واجب است بعداً قضای آن را به جا آورد و در اصطلاح فقهی چنین کسی را «فاقد الطهورین» می نامند.

مسئله ۷۱۰. کسی که آب ندارد اگر برف یا یخ داشته باشد، چنانچه ممکن است، باید آن را آب کند و با آن وضو بگیرد یا غسل نماید، و اگر ممکن نیست و چیزی هم که تیمم به آن صحیح است ندارد، احتیاط آن است که با برف یا یخ، اعضای وضو یا غسل را نمناک کند، و اگر این هم ممکن نیست به یخ یا برف تیمم نماید، ولی در هر دو صورت نمازی را که خوانده باید قضا کند.

مسئله ۷۱۱. اگر چیزی ندارد که بر آن تیمم کند، چنانچه ممکن است، باید با خریدن و مانند آن تهیه نماید.

مسئله ۷۱۲. تیمم به دیوار گلی صحیح است و احتیاط مستحب آن است که با بودن زمین یا خاک خشک، به زمین یا خاک نمناک تیمم نکند.

مسئله ۷۱۳. اگر یقین داشته باشد که تیمم به چیزی صحیح است و به آن تیمم نماید، بعد بفهمد تیمم به آن باطل بوده، نمازهایی را که با آن تیمم خوانده، باید دوباره بخواند.

✽ شرایط چیزهایی که تیمم بر آنها صحیح است

✽ اول: پاک باشد

مسئله ۷۱۴. چیزی که بر آن تیمم می‌کند، باید پاک باشد و اگر چیز پاکی که تیمم به آن صحیح است ندارد، احتیاط آن است که نماز را بی تیمم بخواند، ولی واجب است بعد قضای آن را به جا آورد.

✽ دوم: مباح باشد

مسئله ۷۱۵. چیزی که بر آن تیمم می‌کند، و مکان آن نباید غصبی باشد؛ پس اگر بر خاک غصبی تیمم کند یا خاکی را که مال خود او است در مکان غصبی بگذارد و بر آن تیمم کند، باطل است.

مسئله ۷۱۶. تیمم در فضای غصبی باطل است. پس اگر در ملک خود، دست‌ها را به زمین بزند و بی اجازه وارد زمین غصبی شود و دست‌ها را به پیشانی بکشد باطل است.

مسئله ۷۱۷. تیمم به چیز غصبی یا در فضای غصبی یا بر چیزی که در ملک غصبی است، در صورتی باطل است که انسان بداند غصب است و عمداً تیمم کند و چنانچه نداند یا فراموش کرده باشد، تیمم صحیح است، ولی اگر چیزی را خودش غصب کند و فراموش کند که غصب کرده و بر آن تیمم کند یا ملکی را غصب نماید و فراموش کند

که غصب کرده و چیزی را که بر آن تیمم می‌کند در آن ملک بگذارد یا در فضای آن ملک تیمم نماید، باطل است.

مسئله ۷۱۸. کسی که در جای غصبی حبس است، اگر آب و خاک آنجا غصبی است، باید با تیمم نماز بخواند.

❁ سوم: مخلوط نبودن با چیزی که تیمم با آن باطل است

مسئله ۷۱۹. اگر خاک و ریگ با چیزی مانند کاه، که تیمم به آن باطل است، مخلوط شود، نمی‌توان بر آن تیمم کرد، ولی اگر آن چیز به قدری کم باشد که در خاک یا ریگ از بین رفته حساب شود، تیمم به آن خاک و ریگ صحیح است.

❁ کیفیت تیمم بدل از وضو

مسئله ۷۲۰. در تیمم بدل از وضو چهار چیز واجب است:

اول: نیت؛

دوم: زدن کف دو دست با هم بر چیزی که تیمم به آن صحیح است.

سوم: کشیدن تمام کف هر دو دست به تمام پیشانی و دو طرف آن، از جایی که موی سر می‌روید تا ابروها و بالای بینی و احتیاطاً باید دست‌ها روی ابروها هم کشیده شود.

چهارم: کشیدن تمام کف دستِ چپ به تمام پشتِ دستِ راست و بعد از آن، کشیدن تمام کف دستِ راست به تمام پشتِ دستِ چپ.

❁ کیفیت تیمم بدل از غسل

مسئله ۷۲۱. تیمم بدل از غسل مثل تیمم بدل از وضو است، ولی احتیاط مستحب آن است که تیمم بدل از غسل را با دو ضرب انجام دهد به این نحو که یک مرتبه دست‌ها را به زمین بزند و به پیشانی بکشد و مرتبه دیگر دست‌ها را به زمین بزند و به پشت دست‌ها بکشد، بلکه احتیاط مستحب آن است که تیمم را، چه بدل از وضو باشد چه بدل از غسل، به ترتیب زیر به جا آورد: یک مرتبه دست‌ها را به زمین بزند و به پیشانی و

پشت دست‌ها بکشد و مرتبه دیگر به زمین بزند و پشت دست‌ها را مسح نماید.

✽ شرایط صحیح بودن تیمم

✽ اول: نیت داشته باشد

مسئله ۷۲۲. در موقع نیت باید معین کند که تیمم او بدل از غسل است یا بدل از وضو. و اگر بدل از غسل باشد، باید آن غسل را معین نماید و چنانچه اشتباهاً به جای بدل از وضو، بدل از غسل یا به جای بدل از غسل، بدل از وضو نیت کند یا مثلاً در تیمم بدل از غسل جنابت، نیت تیمم بدل از غسل مس میت نماید، تیمم باطل است.

✽ دوم: اعضای تیمم را از بالا به پایین مسح نماید

مسئله ۷۲۳. پیشانی و پشت دست‌ها را بنابر احتیاط واجب باید از بالا به پایین مسح نماید.

✽ سوم: کارهای تیمم را به ترتیب به جا آورد

مسئله ۷۲۴. در تیمم لازم است کارهای آن به ترتیبی که در مسئله «۷۲۰» گذشت، انجام داده شود.

✽ چهارم: کارهای تیمم را پشت سرهم به جا آورد

مسئله ۷۲۵. کارهای تیمم را باید پشت سرهم به جا آورد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که نگویند تیمم می‌کند، باطل است.

✽ پنجم: اعضای تیمم پاک باشد

مسئله ۷۲۶. بنابر احتیاط در تیمم باید پیشانی و کف دست‌ها و پشت آنها پاک باشد، و اگر کف دست نجس باشد و نتواند آن را آب بکشد، احتیاط مستحب آن است که دو تیمم کند؛ یکی با کف دست و یکی با پشت دست، یعنی پشت دست را به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دست‌ها بکشد.

❁ ششم: مانعی در اعضای تیمم نباشد

مسئله ۷۲۷. انسان باید برای تیمم، انگشتر را از دست بیرون آورد و اگر در پیشانی یا پشت دست‌ها یا کف آنها مانعی باشد مثلاً چیزی به آنها چسبیده باشد، برطرف نماید.

مسئله ۷۲۸. اگر پیشانی و پشت دست‌ها موداشته باشد، اشکال ندارد ولی اگر موی سر روی پیشانی آمده باشد، باید آن را عقب بزند.

مسئله ۷۲۹. اگر احتمال دهد که در پیشانی یا کف دست‌ها یا پشت دست‌ها مانعی هست، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد، باید جستجو نماید تا یقین یا اطمینان پیدا کند که مانعی نیست.

❁ هفتم: کارهای تیمم را در صورت امکان، خود فرد انجام دهد

مسئله ۷۳۰. اگر وظیفه او تیمم است و نمی‌تواند تیمم کند، باید نایب بگیرد و کسی که نایب می‌شود، باید او را با دست خود او تیمم دهد و اگر ممکن نباشد، باید نایب، دست خود را به چیزی که تیمم به آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دست‌های او بکشد.

❁ احکام تیمم

مسئله ۷۳۱. اگر مختصری از پیشانی و پشت دست‌ها را هم مسح نکند، تیمم باطل است، چه عمداً مسح نکند و چه مسئله را نداند و چه فراموش کرده باشد، ولی دقت زیاد هم لازم نیست و همین قدر که بگویند تمام پیشانی و پشت دست، مسح شده کافی است.

مسئله ۷۳۲. برای آنکه یقین کند تمام پشت دست را مسح کرده، باید مقداری بالاتر از معج را هم مسح نماید، ولی مسح بین انگشتان لازم نیست.

مسئله ۷۳۳. اگر پیشانی یا پشت دست‌ها زخم است و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته، نمی‌تواند باز کند، باید دست را روی آن بکشد، و نیز اگر کف دست زخم باشد و پارچه یا چیز دیگری را که بر آن بسته، نتواند باز کند، باید دست را با همان پارچه به چیزی که تیمم بر آن صحیح است بزند و به پیشانی و پشت دست‌ها بکشد.

مسئله ۷۳۴. اگر در بین تیمم شک کند که قسمتی از آن را فراموش کرده یا نه، اگر از محل آن نگذشته، باید آن قسمت را با آنچه بعد از آن است به جا آورد، و اگر از محل آن گذشته، به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۷۳۵. اگر بعد از مسح دست چپ شک کند که درست تیمم کرده است یا نه، تیمم صحیح است.

مسئله ۷۳۶. کسی که وظیفه اش تیمم است، نمی تواند پیش از وقت نماز برای نماز تیمم کند، ولی اگر برای کار واجب دیگری مستحبی تیمم کند و تا وقت نماز عذر او باقی باشد، می تواند با همان تیمم نماز بخواند.

مسئله ۷۳۷. کسی که وظیفه اش تیمم است، اگر بداند تا آخر وقت عذر او باقی می ماند، در وسعت وقت می تواند با تیمم نماز بخواند، ولی اگر بداند که تا آخر وقت عذر او برطرف می شود، احتیاط لازم آن است که صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند، بلکه اگر امید دارد که عذرش برطرف می شود نیز بنا بر احتیاط لازم صبر کند و با وضو یا غسل نماز بخواند یا در تنگی وقت با تیمم نماز بخواند.

مسئله ۷۳۸. کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند، اگر احتمال ندهد که عذرش به زودی برطرف می شود، می تواند نمازهای قضای خود را با تیمم بخواند، ولی اگر احتمال دهد به زودی عذر او برطرف می شود، خواندن نماز قضا برای او اشکال دارد.

مسئله ۷۳۹. کسی که نمی تواند وضو بگیرد یا غسل کند، جایز است نمازهای مستحبی را که مثل نافله های شبانه روز وقت معین دارد، با تیمم بخواند، ولی اگر احتمال می دهد که تا آخر وقت آنها عذر او برطرف می شود، احتیاط این است که آنها را در آخر وقت به جا بیاورد.

مسئله ۷۴۰. کسی که احتیاطاً باید هم غسل جبیره ای و هم تیمم بدل از غسل نماید، مثلاً جراحی در پشت او است، اگر بعد از غسل و تیمم، حدث اصغری از او سرزند، مثلاً ادرار کند، برای نمازهای بعد، تا عذرش باقی است تیمم بدل از غسل واجب نیست و وضو کافی است.

مسئله ۷۴۱. اگر به واسطه نداشتن آب یا عذر دیگری تیمم کند، بعد از برطرف شدن عذر، تیمم او باطل می شود.

مسئله ۷۴۲. چیزهایی که وضو را باطل می‌کند، تیمم بدل از وضو را هم باطل می‌کند و چیزهایی که غسل را باطل می‌نماید، تیمم بدل از غسل را هم باطل می‌کند.

مسئله ۷۴۳. کسی که نمی‌تواند غسل کند، اگر چند غسل بر او واجب باشد، می‌تواند به قصد بدل از همه، یک تیمم کند و بهتر آن است که بدل از هر غسلی یک تیمم بنماید، ولی اگر بدل از غسل جنابت، تیمم کرد، دیگر بدل از سایر اغسال تیمم نکند مگر رجائاً.

مسئله ۷۴۴. کسی که نمی‌تواند غسل کند، اگر بخواهد عملی را که برای آن، غسل واجب است انجام دهد، باید بدل از غسل تیمم نماید و اگر نتواند وضو بگیرد و بخواهد عملی را که برای آن وضو واجب است انجام دهد، باید بدل از وضو تیمم نماید.

مسئله ۷۴۵. اگر بدل از غسل جنابت تیمم کند، نباید برای نماز وضو بگیرد، ولی اگر بدل از غسل‌های دیگر تیمم کند، باید وضو بگیرد و اگر نتواند وضو بگیرد، باید تیمم دیگری هم بدل از وضو بنماید.

مسئله ۷۴۶. اگر بدل از غسل، تیمم کند و بعد کاری که وضو را باطل می‌کند برای او پیش آید، چنانچه برای نمازهای بعد نتواند غسل کند، باید وضو بگیرد و بنا بر احتیاط واجب بدل از غسل، تیمم نماید و اگر نمی‌تواند وضو بگیرد، دو تیمم کند؛ یکی بدل از غسل و دیگری بدل از وضو، ولی اگر تیمم او بدل از غسل جنابت بوده، چنانچه یک تیمم نماید به قصد اینکه آنچه تکلیف او است انجام داده باشد، کافی است.

مسئله ۷۴۷. کسی که وظیفه‌اش تیمم است، اگر برای کاری تیمم کند، تا تیمم و عذر او باقی است کارهایی را که باید با وضو یا غسل انجام داد می‌تواند به جا آورد، ولی اگر عذرش تنگی وقت بوده یا با داشتن آب، برای نماز میت یا خوابیدن تیمم کرده، فقط کاری را که برای آن تیمم کرده، می‌تواند انجام دهد.

✽ مستحبات و مکروهات تیمم

مسئله ۷۴۸. مستحب است چیزی که بر آن تیمم می‌کند، گردی داشته باشد که به دست بماند و بعد از زدن دست بر آن، مستحب است دست را بتکاند که گرد آن بریزد.

مسئله ۷۴۹. تیمم به زمین گود و خاکِ جاده و زمین شوره‌زاری که نمک روی آن را نگرفته، مکروه است و اگر نمک روی آن را گرفته باشد، باطل است.

✽ مواردی که مستحب است انسان نمازهایی را که با تیمم خوانده، دوباره بخواند مسئله ۷۵. در چند مورد مستحب است نمازهایی را که انسان با تیمم خوانده دوباره بخواند: اول: از استعمال آب، ترس داشته و عمداً خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است.

دوم: می دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی کند و عمداً خود را جنب کرده و با تیمم نماز خوانده است.

سوم: تا آخر وقت، عمداً در جستجوی آب نرود و با تیمم نماز بخواند و بعد بفهمد که اگر جستجو می کرد، آب پیدا می شد.

چهارم: عمداً نماز را تأخیر انداخته و در آخر وقت با تیمم نماز خوانده است.

پنجم: می دانسته یا گمان داشته که آب پیدا نمی شود و آبی را که داشته، ریخته است.

احکام نماز

❁ اهمیت نماز

نماز مهم‌ترین عمل دینی است که اگر قبول درگاه خداوند عالم شود، عبادت‌های دیگر هم قبول می‌شود و اگر پذیرفته نشود، اعمال دیگر هم قبول نمی‌شود و همان‌طور که اگر انسان در هر شبانه‌روز، پنج نوبت در نهر آبی شستشو کند، چرک در بدنش نمی‌ماند، نمازهای پنج‌گانه هم انسان را از گناهان پاک می‌کند. و سزاوار است که انسان نماز را در اول وقت بخواند و کسی که نماز را پست و سبک بشمارد، مانند کسی است که نماز نمی‌خواند.

پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم فرمود: کسی که به نماز اهمیت ندهد و آن را سبک بشمارد، سزاوار عذاب آخرت است.

روزی حضرت در مسجد تشریف داشتند. مردی وارد گردید و مشغول نماز شد و رکوع و سجودش را به‌طور کامل به‌جا نیاورد. حضرت فرمودند: اگر این مرد در حالی که نمازش این‌گونه است از دنیا برود، به دین من از دنیا نرفته است.

پس انسان باید مواظب باشد که با عجله و شتابزدگی نماز نخواند و در حال نماز به یاد خدا و با خضوع و خشوع و وقار باشد، و متوجه باشد که با چه کسی سخن می‌گوید و خود را در مقابل عظمت و بزرگی خداوند عالم، بسیار پست و ناچیز ببیند و اگر انسان در موقع نماز، کاملاً به این مطلب توجه کند، از خود بی‌خبر می‌شود، چنان‌که معروف است در حال نماز تیر را از پای مبارک امیرالمؤمنین علیه السلام بیرون کشیدند و آن حضرت متوجه نشدند. و نیز باید نمازگزار توبه و استغفار نماید و گناهایی که مانع قبول شدن نماز است مانند غیبت،

خوردن حرام، آشامیدن مستکننده‌ها و ندادن خمس و زکات، بلکه هر معصیتی را ترک کند. همچنین سزاوار است کارهایی که ثواب نماز را کم می‌کند به جا نیاورد، مثلاً در حال خواب آلودگی و خودداری از ادرار به نماز نایستد، و در موقع نماز به آسمان نگاه نکند. و نیز کارهایی که ثواب نماز را زیاد می‌کند به جا آورد، مثلاً انگشتی عقیق به دست کند و لباس پاکیزه بپوشد، و شانه و مسواک کند و خود را خوشبو نماید.

❁ اقسام نمازها

نمازها به دو دسته نمازهای واجب و نمازهای مستحب تقسیم می‌شود. در مسائل بعد به اقسام نمازهای واجب اشاره خواهد شد و اقسام نمازهای مستحبی و احکام مربوط به آنها در فصل نمازهای مستحبی خواهد آمد.

❁ نمازهای واجب

نمازهای واجب شش تاست:

اول: نمازهای شبانه‌روز؛

دوم: نماز آیات؛

سوم: نماز میت؛

چهارم: نماز طواف واجب خانه کعبه؛

پنجم: نماز قضای پدر و مادر که برپسر بزرگتر واجب است.

ششم: نمازی که به واسطه اجاره و نذر و قسم و عهد واجب می‌شود.

❁ نمازهای واجب شبانه‌روز

نمازهای واجب شبانه‌روز پنج تاست؛ ظهر و عصر، هر کدام چهار رکعت، مغرب سه رکعت، عشا چهار رکعت، صبح دو رکعت و نماز جمعه هم از نمازهای روزانه است.

مسئله ۷۵۱. در سفر باید نمازهای چهار رکعتی را با شرایطی که گفته می‌شود، دو رکعت خواند.

❁ اوقات نمازهای واجب شبانه روز

❁ وقت نماز ظهر و عصر

مسئله ۷۵۲. اگر چوب یا چیزی مانند آن را به طور عمودی در زمین هموار نصب کنند، صبح که خورشید بیرون می آید، سایه آن به طرف مغرب می افتد و هرچه آفتاب بالا آید، این سایه کم می شود و در شهرهای ما، در اول ظهر شرعی^۱ به آخرین درجه کمی می رسد و ظهر که گذشت، سایه آن به طرف مشرق برمی گردد و هرچه خورشید رو به مغرب می رود، سایه زیادتر می شود. بنابراین وقتی سایه به آخرین درجه کمی رسید و دوباره رو به زیاد شدن گذاشت، معلوم می شود ظهر شرعی شده است. ولی در بعضی شهرها مثل مکه که گاهی موقع ظهر سایه به کلی از بین می رود، بعد از آنکه سایه دوباره پیدا شد، معلوم می شود ظهر شده است.

مسئله ۷۵۳. چوب یا چیز دیگری را که برای معین کردن ظهر، به زمین فرو می برند، «شاخص» گویند.

مسئله ۷۵۴. نماز ظهر و عصر هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند؛ وقت مخصوص نماز ظهر از اول ظهر است تا وقتی که از ظهر به اندازه خواندن نماز ظهر بگذرد که اگر کسی سهواً تمام نماز عصر را در این وقت بخواند، نمازش باطل است و این قول، موافق با احتیاط است. و وقت مخصوص نماز عصر، موقعی است که به اندازه خواندن نماز عصر، وقت به مغرب مانده باشد که اگر کسی تا این موقع نماز ظهر را نخواند، نماز ظهر او قضا شده و باید نماز عصر را بخواند. و بین وقت مخصوص نماز ظهر و وقت مخصوص نماز عصر، وقت مشترک نماز ظهر و نماز عصر است که اگر کسی در این وقت، اشتبهاً تمام نماز عصر را پیش از نماز ظهر بخواند، نمازش صحیح است و باید نماز ظهر را بعد از آن به جا آورد.

مسئله ۷۵۵. اگر پیش از خواندن نماز ظهر، سهواً مشغول نماز عصر شود و در بین نماز بفهمد اشتباه کرده است، چنانچه در وقت مشترک باشد، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند؛ یعنی نیت کند عملی را که بدان مشغولم از آغاز تا پایان آن، همه نماز ظهر باشد، و بعد از آنکه نماز را تمام کرد، نماز عصر را بخواند.

۱. ظهر شرعی در بعضی مواقع چند دقیقه پیش از ساعت دوازده و گاهی چند دقیقه بعد از ساعت دوازده است.

مسئله ۷۵۶. در زمان حضور امام علیه السلام واجب است انسان در روز جمعه به جای نماز ظهر، دو رکعت نماز جمعه بخواند، ولی در زمان غیبت، نماز جمعه وجوب تخییری دارد؛ یعنی مکلف می‌تواند نماز ظهر بخواند و می‌تواند به جای آن، نماز جمعه بخواند و هر کدام را انجام داد، کافی است.

مسئله ۷۵۷. وقت نماز جمعه از اول ظهر است تا مقداری که خطبه و نماز با شرایط، مطابق معمول انجام شود.

✽ وقت نماز مغرب و عشا

مسئله ۷۵۸. مغرب موقعی است که سرخی طرف مشرق، که بعد از غروب آفتاب پیدا می‌شود، از بالای سرانسان بگذرد.

مسئله ۷۵۹. نماز مغرب و عشا هر کدام وقت مخصوص و مشترکی دارند؛ وقت مخصوص نماز مغرب از اول مغرب است تا وقتی که از مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز بگذرد که اگر کسی مثلاً مسافر باشد و تمام نماز عشا را سهواً در این وقت بخواند، نماز باطل است. و وقت مخصوص نماز عشا موقعی است که به اندازه خواندن نماز عشا به نصف شب مانده باشد که اگر کسی تا این موقع نماز مغرب را نخوانده، باید اول نماز عشا و بعد از آن، نماز مغرب را بخواند. و بین وقت مخصوص نماز مغرب و وقت مخصوص نماز عشا، وقت مشترک نماز مغرب و عشا است که اگر کسی در این وقت، به اشتباه نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند و بعد از نماز ملتفت شود، نمازش صحیح است و باید نماز مغرب را بعد از آن به جا آورد.

مسئله ۷۶۰. وقت مخصوص و مشترک، که معنای آن در مسئله پیش گفته شد، برای اشخاص فرق می‌کند، مثلاً اگر به اندازه خواندن دو رکعت نماز، از اول ظهر بگذرد، وقت مخصوص نماز ظهر کسی که مسافر است، تمام شده و داخل وقت مشترک می‌شود، ولی برای کسی که مسافر نیست، باید به اندازه خواندن چهار رکعت نماز بگذرد.

مسئله ۷۶۱. اگر پیش از خواندن نماز مغرب، سهواً مشغول نماز عشا شود و در

بین نماز بفهمد که اشتباه کرده، چنانچه تمام آنچه را خوانده یا مقداری از آن را در وقت مشترک خوانده و به رکوع چهارم نرفته است، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و بعد نماز عشا را بخواند و اگر به رکوع رکعت چهارم رفته، باید نماز را تمام کند و بعد نماز مغرب را بخواند و احتیاط لازم آن است که بعد از نماز مغرب، نماز عشا را اعاده نماید. اما اگر تمام آنچه را خوانده، در وقت مخصوص نماز مغرب خوانده باشد و پیش از رکوع رکعت چهارم یادش بیاید، می تواند آن را رها کند و بعد از آن، هر دو نماز را به ترتیب بخواند و می تواند احتیاط کند و نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را تمام کند و دوباره نماز مغرب، و بعد از آن نماز عشا را بخواند.

مسئله ۷۶۲. آخر وقت نماز عشا، نصف شب است و شب را باید بنابر احتیاط از اول غروب تا اذان صبح حساب کرد، نه تا اول آفتاب،^۱ ولی اگر نماز مغرب را نخوانده باشد تا موقعی که به اندازه خواندن نماز عشا به نصف شب (از اول غروب تا طلوع صبح) مانده باشد، احتیاط این است که نماز عشا را بخواند و بعد به قصد مافی الذمه نماز مغرب را بخواند و عشا را اعاده نماید و اگر نماز مغرب را نخوانده باشد تا به اندازه نماز عشا به نصف شب (از اول غروب تا طلوع آفتاب) بیشتر نمانده باشد، نماز عشا را رجائاً به قصد ادا بخواند و بعد نماز مغرب و عشا را قضا نماید.

مسئله ۷۶۳. اگر از روی معصیت یا به واسطه عذری، نماز مغرب یا نماز عشا را تا نصف شب نخواند، بنابر احتیاط واجب باید تا قبل از اذان صبح بدون اینکه نیت ادا و قضا کند، به جا آورد.

✽ وقت نماز صبح

مسئله ۷۶۴. نزدیک اذان صبح از طرف مشرق، سفیده ای رو به بالا حرکت می کند که آن را «فجر اول» گویند. هنگامی که آن سفیده پهن شد، «فجر دوم» و اول وقت نماز صبح است، و آخر وقت نماز صبح موقعی است که آفتاب بیرون می آید.

۱. بنابراین تقریباً یازده ساعت و یک ربع بعد از ظهر شرعی، آخر وقت نماز مغرب و عشا است.

✽ احکام دیگر اوقات نماز

مسئله ۷۶۵. امروزه وقت طلوع آفتاب و ظهر و مغرب شرعی، توسط منجمان اعلام می شود و با رعایت چند دقیقه احتیاط، می توان اطمینان به دخول وقت پیدا کرد. و برای زمان طلوع فجر که مورد اختلاف منجمان است، ۱۰ تا ۱۵ دقیقه احتیاط نماید.

مسئله ۷۶۶. موقعی انسان می تواند مشغول نماز شود که یقین کند یا اطمینان حاصل نماید وقت داخل شده است یا اذان گوی وقت شناس مورد وثوق اذان بگوید یا دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند.

مسئله ۷۶۷. اگر به واسطه ابر یا غبار نتواند در اول وقت نماز، به داخل شدن وقت یقین کند، چنانچه گمان داشته باشد که وقت داخل شده، می تواند مشغول نماز شود، لکن احتیاط مستحب آن است که نماز را تأخیر بیندازد تا یقین کند وقت داخل شده است، ولی در مواقع غیر عادی مثل نابینایی و زندانی بودن، احتیاط لازم، اکتفا نکردن به ظن است و باید صبر کند تا یقین یا اطمینان به داخل شدن وقت پیدا کند.

مسئله ۷۶۸. اگر دو مرد عادل به داخل شدن وقت خبر دهند یا انسان یقین کند که وقت نماز شده و مشغول نماز شود و در بین نماز بفهمد که هنوز وقت داخل نشده، نماز او باطل است و همچنین است اگر بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را پیش از وقت خوانده، ولی اگر در بین نماز بفهمد وقت داخل شده یا بعد از نماز بفهمد که در بین نماز، وقت داخل شده، نماز او صحیح است.

مسئله ۷۶۹. اگر انسان ملتفت نباشد که باید با یقین به داخل شدن وقت، مشغول نماز شود، چنانچه بعد از نماز بفهمد که تمام نماز را در وقت خوانده، نماز او صحیح است و اگر بفهمد تمام نماز را پیش از وقت خوانده یا نفهمد که در وقت خوانده یا پیش از وقت، نمازش باطل است، بلکه اگر بعد از نماز بفهمد که در بین نماز وقت داخل شده است، احتیاط واجب آن است که دوباره آن نماز را بخواند.

مسئله ۷۷۰. اگر یقین کند وقت داخل شده و مشغول نماز شود و در بین نماز شک کند که وقت داخل شده یا نه، نماز او باطل است، ولی اگر در بین نماز یقین داشته باشد که وقت شده و شک کند که آنچه از نماز خوانده در وقت بوده یا نه، نمازش صحیح است.

مسئله ۷۷۱. اگر وقت نماز به قدری تنگ است که به دلیل به جا آوردن بعضی از کارهای مستحب نماز، مقداری از آن، بعد از وقت خوانده می شود، باید آن مستحب را به جا نیاورد، مثلاً اگر به واسطه گفتن اذان یا خواندن قنوت مقداری از نماز بعد از وقت خوانده می شود، باید اذان نگوید و قنوت نخواند.

مسئله ۷۷۲. کسی که به اندازه خواندن یک رکعت نماز وقت دارد، باید نماز را به نیت ادا بخواند، ولی نباید عمداً نماز را تا این وقت تأخیر بیندازد.

مسئله ۷۷۳. کسی که مسافر نیست، اگر تا مغرب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر هر دو را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط نماز عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند و همچنین اگر تا نصف شب به اندازه خواندن پنج رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عشا را بخواند و بعداً مغرب را به قصد مافی الذمه به جا آورد و تا مقدار یک رکعت به فجر مانده، قصد ادا و قضا نکند.

مسئله ۷۷۴. کسی که مسافر است، اگر تا مغرب به اندازه خواندن سه رکعت نماز وقت دارد، باید نماز ظهر و عصر را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط نماز عصر را بخواند و بعداً نماز ظهر را قضا کند و اگر تا نصف شب به اندازه خواندن چهار رکعت نماز وقت دارد، باید نماز مغرب و عشا را بخواند و اگر کمتر وقت دارد، باید فقط عشا را بخواند و بعداً مغرب را به قصد مافی الذمه به جا آورد، و چنانچه بعد از خواندن عشا، معلوم شود که به مقدار یک رکعت یا بیشتر وقت به نصف شب مانده است، باید فوراً نماز مغرب را به نیت ادا به جا آورد.

مسئله ۷۷۵. مستحب است انسان نماز را در اول وقت آن بخواند و راجع به آن خیلی سفارش شده است و هر چه به اول وقت نزدیک تر باشد بهتر است، مگر آنکه تأخیر آن از جهتی بهتر باشد، مثلاً صبر کند که نماز را به جماعت بخواند.

مسئله ۷۷۶. هرگاه انسان عذری دارد که اگر بخواهد در اول وقت نماز بخواند، ناچار است مثلاً بدون ساتریا با لباس نجس نماز بخواند، چنانچه بداند عذر او تا آخر وقت باقی است، می تواند در اول وقت نماز بخواند، ولی اگر احتمال دهد که عذر او از بین می رود، باید صبر کند تا عذرش برطرف شود و چنانچه عذر او برطرف نشد، در آخر

وقت مطابق وظیفه‌اش نماز بخواند. و اما اگر ناچار است با تیمم نماز بخواند حکم آن در مسئله «۷۳۷» گذشت و لازم نیست به قدری صبر کند که فقط بتواند کارهای واجب نماز را انجام دهد، بلکه اگر برای مستحبات نماز مانند اذان و اقامه و قنوت هم وقت دارد، می‌تواند تیمم کند و نماز را با آن مستحبات به جا آورد.

مسئله ۷۷۷. کسی که مسائل نماز و شکیات و سهویات را نمی‌داند و احتمال می‌دهد که یکی از این‌ها در نماز پیش‌آید، باید برای یاد گرفتن این‌ها نماز را از اول وقت تأخیر بیندازد، ولی اگر اطمینان دارد که نماز را به‌طور صحیح تمام می‌کند، می‌تواند در اول وقت مشغول نماز شود. پس اگر در نماز، مسئله‌ای که حکم آن را نمی‌داند پیش نیاید، نماز او صحیح است و اگر مسئله‌ای که حکم آن را نمی‌داند پیش آید، جایز است به یکی از دو طرفی که احتمال می‌دهد عمل نماید و نماز را تمام کند، ولی بعد از نماز باید مسئله را بپرسد که اگر نمازش باطل بوده، دوباره بخواند.

مسئله ۷۷۸. اگر وقت نماز وسعت دارد و طلبکار هم طلب خود را مطالبه می‌کند، در صورتی که ممکن است باید اول قرض خود را بدهد بعد نماز بخواند و همچنین است اگر کار واجب دیگری که باید فوراً آن را به جا آورد پیش آید، مثلاً ببیند مسجد نجس است، باید اول مسجد را تطهیر کند بعد نماز بخواند و چنانچه اول نماز بخواند، معصیت کرده، ولی نماز او صحیح است.

✽ نمازهای واجب شبانه‌روز که باید به ترتیب خوانده شود

مسئله ۷۷۹. انسان باید نماز عصر را بعد از نماز ظهر و نماز عشا را بعد از نماز مغرب بخواند و اگر عمداً نماز عصر را پیش از نماز ظهر و یا نماز عشا را پیش از نماز مغرب بخواند، باطل است.

مسئله ۷۸۰. اگر به نیت نماز ظهر مشغول نماز شود و در بین نماز یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده است، نمی‌تواند نیت را به نماز عصر برگرداند، بلکه باید آن را رها کند و نماز عصر را بخواند، و همین‌طور است در نماز مغرب و عشا.

مسئله ۷۸۱. اگر در بین نماز عصر یقین کند که نماز ظهر را نخوانده است و نیت را به نماز ظهر برگرداند، چنانچه یادش بیاید که نماز ظهر را خوانده بوده، بنابراین احتیاط

واجب باید نیت را به نماز عصر برگرداند و بعد از تمام کردن نماز، دوباره نماز عصر را بخواند، مگر آنکه پیش از به جا آوردن جزئی از اجزا به قصد ظهر، یادش بیاید، که در این صورت نماز را به نیت عصر تمام می کند و اعاده لازم نیست و اگر وقتی که داخل رکن شده بود، یادش آمد، نمازش باطل است و باید نماز عصر را بخواند.

مسئله ۷۸۲. اگر در بین نماز عصر شک کند که نماز ظهر را خوانده یا نه، باید نیت را به نماز ظهر برگرداند، ولی اگر وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، مغرب می شود، باید بنا بگذارد که ظهر را خوانده و به نیت نماز عصر نماز را تمام کند.

مسئله ۷۸۳. اگر در نماز عشا، پیش از رکوع رکعت چهارم شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، چنانچه وقت به قدری کم است که بعد از تمام شدن نماز، نصف شب می شود، باید به نیت عشا نماز را تمام کند و بعد مغرب را به قصد مافی الذمه به جا آورد و اگر بیشتر وقت دارد و یک رکعت از آن در وقت مشترک واقع شده باشد، باید نیت را به نماز مغرب برگرداند و نماز را سه رکعتی تمام کند و بعد نماز عشا را بخواند.

مسئله ۷۸۴. اگر در نماز عشا بعد از رسیدن به رکوع رکعت چهارم، شک کند که نماز مغرب را خوانده یا نه، باید نماز را تمام کند و بعد نماز مغرب را بخواند و بنابر احتیاط واجب نماز عشا را نیز اعاده نماید، مگر اینکه این شک در وقت مخصوص نماز عشا باشد که در این صورت خواندن نماز مغرب لازم نیست.

مسئله ۷۸۵. اگر انسان نمازی را که خوانده، احتیاطاً دوباره بخواند و در بین نماز یادش بیاید نمازی را که باید پیش از آن بخواند نخوانده است، نمی تواند نیت را به آن نماز برگرداند، مثلاً هنگامی که نماز عصر را احتیاطاً می خواند اگر یادش بیاید نماز ظهر را نخوانده است، نمی تواند نیت را به نماز ظهر برگرداند.

مسئله ۷۸۶. برگرداندن نیت از نماز قضا به نماز ادا و از نماز مستحب به نماز واجب، جایز نیست.

مسئله ۷۸۷. اگر وقت نماز ادا وسعت داشته باشد، می تواند در بین نماز نیت را به نماز قضا برگرداند، ولی باید برگرداندن نیت به نماز قضا ممکن باشد، مثلاً اگر مشغول نماز ظهر است، در صورتی می تواند نیت را به قضای صبح برگرداند که داخل رکوع رکعت

سوم نشده باشد، ولی اگر با علم و تذکر به قضا شروع به ادا کرده باشد، عدول از ادا به قضا، محل تأمل است و احوط ترک آن است.

✽ نمازهای مستحب

مسئله ۷۸۸. نمازهای مستحب زیاد است و آنها را «نافله» گویند. بین نمازهای مستحبی به خواندن نافله‌های شبانه‌روز بیشتر سفارش شده و آنها در غیر روز جمعه، سی و چهار رکعت است که هشت رکعت آن، نافله ظهر و هشت رکعت نافله عصر و چهار رکعت نافله مغرب و دو رکعت نافله عشا و یازده رکعت نافله شب و دو رکعت نافله صبح می‌باشد و چون دو رکعت نافله عشا را بنا بر احتیاط واجب باید نشسته خواند، یک رکعت حساب می‌شود. ولی در روز جمعه بر شانزده رکعت نافله ظهر و عصر، چهار رکعت اضافه می‌شود و بهترین است که تمام بیست رکعت را پیش از ظهر به جا آورد.

مسئله ۷۸۹. از یازده رکعت نافله شب، هشت رکعت آن باید به نیت نافله شب و دو رکعت آن به نیت نماز شفع و یک رکعت آن، به نیت نماز وتر خوانده شود و هشت رکعت نافله شب و همچنین نافله ظهر و عصر و مغرب را باید مانند نماز صبح دو رکعتی بخواند. نماز شفع نیز، چنان‌که گذشت، دو رکعت می‌باشد و دستور کامل نافله شب در کتاب‌های دعا گفته شده است.

مسئله ۷۹۰. نمازهای نافله را می‌شود نشسته خواند ولی بهتر است دو رکعت نافله نشسته را یک رکعت حساب کند، مثلاً کسی که می‌خواهد نافله ظهر را که هشت رکعت است نشسته بخواند، بهتر است شانزده رکعت بخواند و اگر می‌خواهد نماز وتر را نشسته بخواند، دو نماز یک رکعتی نشسته بخواند.

مسئله ۷۹۱. در سفر نباید نافله ظهر و عصر را خواند، ولی نافله عشا را رجاءاً می‌توان خواند.

⚡ وقت نافله‌های شبانه‌روز

مسئله ۷۹۲. نافله نماز ظهر پیش از نماز ظهر خوانده می‌شود و وقت فضیلت آن از اول ظهر است تا موقعی که آن مقدار از سایه شاخص که بعد از ظهر پیدا می‌شود به اندازه دو هفتم شاخص شود، مثلاً اگر درازی شاخص هفت وجب باشد، هر وقت مقدار سایه آن

به دو وجب رسید، آخر وقتِ فضیلتِ نافله ظهر است و تا آخر وقتِ فریضه هرگاه پیش از نماز ظهر به قصد ادا به جا آورد صحیح است و همچنین وقت ادای نافله عصر تا وقت ادای فریضه عصر است.

مسئله ۷۹۳. نافله عصر پیش از نماز عصر خوانده می شود و وقت فضیلت آن تا موقعی است که سایه شاخص به چهار هفتم آن برسد و چنانچه بخواهد نافله ظهر را بعد از نماز ظهر یا نافله عصر را بعد از نماز عصر بخواند، بنا بر احتیاط واجب نیت ادا و قضا نکند و به قصد مافی الذمه به جا آورد.

مسئله ۷۹۴. وقت نافله مغرب بعد از تمام شدن نماز مغرب است تا وقتی که سرخی طرف مغرب که بعد از غروب کردن آفتاب در آسمان پیدا می شود از بین برود، هرچند بعید نیست امتدادِ وقت نافله مغرب به امتداد وقتِ فریضه آن باشد.

مسئله ۷۹۵. وقت نافله عشا بعد از تمام شدن نماز عشا تا نصف شب است و بهتر است بعد از نماز عشا بلافاصله خوانده شود.

مسئله ۷۹۶. نافله صبح پیش از نماز صبح خوانده می شود و وقت آن بعد از فجر اول است تا وقتی که سرخی طرف مشرق پیدا شود و نشانه فجر اول در وقت نماز صبح گفته شد. می شود نافله صبح را بلافاصله بعد از نافله شب خواند.

مسئله ۷۹۷. وقت نافله شب از نصف شب تا اذان صبح است و بهتر است نزدیک اذان صبح خوانده شود.

مسئله ۷۹۸. مسافر و کسی که برای او سخت است نافله شب را بعد از نصف شب بخواند، می تواند آن را در اول شب به جا آورد.

❦ کیفیت نماز غفيله

مسئله ۷۹۹. یکی از نمازهای مستحب، نماز غفيله است و وقت آن بین نماز مغرب و عشا است. و در رکعت اول آن، بعد از حمد باید به جای سوره، این آیه را بخوانند:

وَذَا النُّونِ إِذْ ذَهَبَ مُغَاضِبًا فَظَنَّ أَنْ لَنْ نَقْدِرَ عَلَيْهِ فَنَادَى فِي الظُّلُمَاتِ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا أَنْتَ
سُبْحَانَكَ إِنِّي كُنْتُ مِنَ الظَّالِمِينَ فَاسْتَجَبْنَا لَهُ وَخَيَّرْنَاهُ مِنَ الْغَمِّ وَكَذَلِكَ نُخَيِّجُ الْمُؤْمِنِينَ

و در رکعت دوم بعد از حمد به جای سوره، این آیه را بخوانند:

وَعِنْدَهُ مَفَاتِيحُ الْغَيْبِ لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا هُوَ وَيَعْلَمُ مَا فِي الْبَرِّ وَالْبَحْرِ وَمَا تَسْقُطُ مِنْ وَرَقَةٍ إِلَّا
يَعْلَمُهَا وَلَا حَبَّةٌ فِي ظُلُمَاتِ الْأَرْضِ وَلَا رَطْبٌ وَلَا يَابِسٌ إِلَّا فِي كِتَابٍ مُبِينٍ

و در قنوت آن بگویند:

اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ بِمَفَاتِيحِ الْغَيْبِ الَّتِي لَا يَعْلَمُهَا إِلَّا أَنْتَ أَنْ تُصَلِّيَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ وَآلِ
مُحَمَّدٍ وَأَنْ تَفْعَلَ بِي كَذَا وَكَذَا

و به جای کلمه «کذا و کذا» حاجت های خود را بگویند و بعد بگویند:

اللَّهُمَّ أَنْتَ وَلِيُّ نِعْمَتِي وَالْقَادِرُ عَلَى طَلِبَتِي تَعْلَمُ حَاجَتِي فَأَسْأَلُكَ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ
عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ السَّلَامُ لِمَا فَضَيْتَهَا لِي.

مسئله ۸۰۰. ظاهر این است که می توان نماز غفيله را به جای دو رکعت از چهار رکعت
نماز نافله مغرب حساب کرد، بدین ترتیب که دو رکعت اول را به صورت معمول و دو
رکعت دوم را به صورت نماز غفيله به جا آورد.

❁ احکام قبله

مسئله ۸۰۱. خانه کعبه که در مکه معظمه می باشد و جای خانه تا منتهای زمین و
بالای آن تا منتهای آسمان، قبله است و باید رو به روی آن نماز خواند، ولی کسی که دور
است اگر طوری بایستد که بگویند رو به قبله نماز می خواند، کافی است و همچنین
است کارهای دیگر مانند سر بردن حیوانات که باید رو به قبله انجام گیرد.

مسئله ۸۰۲. کسی که نماز واجب را ایستاده می خواند، باید صورت و سینه و شکم و
جلوی پاهای او رو به قبله باشد و احتیاط مستحب آن است که انگشتان پای او هم
رو به قبله باشد به طوری که بگویند پای او رو به قبله است.

مسئله ۸۰۳. کسی که باید نشسته نماز بخواند، اگر نمی تواند به طور معمول بنشیند و در
موقع نشستن، کف پاها را به زمین می گذارد، باید در موقع نماز صورت و سینه و شکم
و ساق پای او رو به قبله باشد.

مسئله ۸۰۴. کسی که نمی تواند نشسته نماز بخواند، باید در حال نماز به پهلوی راست
طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر ممکن نیست، باید به پهلوی
چپ طوری بخوابد که جلوی بدن او رو به قبله باشد و اگر این را هم نتواند، باید به

پشت بخوابد به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

مسئله ۸۰۵. نماز احتیاط و سجده و تشهد فراموش شده را باید رو به قبله انجام داد و سجده سهو را نیز بنا بر احتیاط لازم باید رو به قبله به جا آورد، اما سجده واجب قرآن لازم نیست رو به قبله انجام شود.

مسئله ۸۰۶. نماز مستحبی را می شود در حال راه رفتن و سواری خواند و اگر انسان در این دو حال، نماز مستحب بخواند، لازم نیست رو به قبله باشد، اما چنانچه در خانه نماز مستحبی می خواند باید رعایت قبله نماید.

مسئله ۸۰۷. کسی که می خواهد نماز بخواند، باید برای پیدا کردن قبله کوشش نماید تا یقین کند قبله کدام طرف است و اگر نتواند یقین پیدا کند، باید به گمانی که از محراب مسجد مسلمانان یا قبرهای آنان یا از راه های دیگر پیدا می شود عمل نماید، حتی اگر از گفته فاسق یا کافری که به واسطه قواعد علمی قبله را می شناسد گمان به قبله پیدا کند، کافی است.

مسئله ۸۰۸. کسی که گمان به قبله دارد، اگر بتواند گمان قوی تری پیدا کند، نمی تواند به گمان خود عمل نماید، مثلاً اگر میهمان از گفته صاحب خانه گمان به قبله پیدا کند، ولی بتواند از راه دیگری گمان قوی تری پیدا کند، نباید به حرف او عمل کند.

مسئله ۸۰۹. اگر برای پیدا کردن قبله وسیله ای ندارد یا با اینکه کوشش کرده، گمانش به طرفی نمی رود، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید چهار نماز به چهار طرف بخواند، و اگر به اندازه چهار نماز وقت ندارد، باید به اندازه ای که وقت دارد، نماز بخواند، مثلاً اگر فقط به اندازه یک نماز وقت دارد، باید یک نماز به هر طرفی که می خواهد بخواند و بعد از وقت، با علم به قبله و عدم موافقت آن با سمتی که بدان نماز خوانده است، بنا بر احتیاط لازم، نماز را قضا کند و باید نمازها را طوری بخواند که یقین کند یکی از آنها رو به قبله واقع شده یا اگر رو به قبله نبوده، به سمت راست و یا سمت چپ قبله نرسیده است.

مسئله ۸۱۰. اگر یقین یا گمان کند که قبله در یکی از دو طرف است، باید به هر دو طرف نماز بخواند، ولی احتیاط مستحب آن است که در صورت گمان، به چهار طرف نماز بخواند.

مسئله ۸۱۱. کسی که باید به چند طرف نماز بخواند، اگر بخواهد دو نماز بخواند که مثل نماز ظهر و عصر باید یکی بعد از دیگری خوانده شود، می تواند نماز اول را به آن چند طرف که واجب است بخواند، بعد نماز دوم را شروع کند و می تواند هر دو را پشت سرهم به یک طرف به جا آورد و بعد به طرف دیگر شروع کند.

مسئله ۸۱۲. کسی که یقین به قبله ندارد، اگر بخواهد غیر از نماز، کاری کند که باید آن را رو به قبله انجام داد، مثلاً بخواهد سر حیوانی را ببرد، باید به گمان عمل نماید و اگر گمان ممکن نیست، به هر طرف که انجام دهد صحیح است.

❁ پوشانیدن بدن در نماز

❁ شرایط لباس نمازگزار

مسئله ۸۱۳. لباس نمازگزار هفت شرط دارد که پنج شرط آن، مشترک بین مردان و زنان است و دو شرط آن، مخصوص مردان می باشد.

الف. شرایط مشترک:

اول: لباس یا پوشش دیگر، بدن را به مقدار واجب در نماز بپوشاند.

دوم: پاک باشد.

سوم: مباح باشد.

چهارم: از اجزای مردار نباشد.

پنجم: از حیوان حرام گوشت نباشد.

ب. شرایط اختصاصی مردان:

اول: طلابافت نباشد.

دوم: ابریشم خالص نباشد.

و تفصیل این شرایط در مسائل آینده گفته می شود.

❁ شرایط مشترک

❁ اول: بالباس یا پوشش دیگر، بدن را به مقدار واجب در نماز بپوشاند

مسئله ۸۱۴. مرد باید در حال نماز، گرچه کسی او را نمی بیند، عورتین خود را بپوشاند و

بهتر است از ناف تا زانو را بپوشاند.

مسئله ۸۱۵. زن باید در موقع نماز، تمام بدن حتی سر و موی خود را بپوشاند، ولی پوشاندن صورت به مقداری که در وضو شسته می شود و دست ها تا مچ و پاها تا مچ پا لازم نیست، اما برای آنکه یقین کند که مقدار واجب را پوشانده است باید مقداری از اطراف صورت و قدری پایین تر از مچ را هم بپوشاند.

مسئله ۸۱۶. هنگامی که انسان قضای سجده فراموش شده یا تشهد فراموش شده را به جا می آورد، بلکه بنا بر احتیاط واجب هنگام سجده سهو هم باید خود را مانند موقع نماز بپوشاند.

مسئله ۸۱۷. اگر انسان عمداً یا از روی ندانستن مسئله، در نماز عورتش را نپوشاند، نمازش باطل است.

مسئله ۸۱۸. اگر در بین نماز بفهمد که عورتش پیدا است، باید آن را بپوشاند و احتیاط واجب آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند، ولی اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز عورت او پیدا بوده، نمازش صحیح است.

مسئله ۸۱۹. اگر چیزی ندارد که در نماز خود را با آن بپوشاند، چنانچه احتمال دهد که پیدا می کند، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تأخیر بیندازد و اگر چیزی پیدا نکرد، در آخر وقت، مطابق وظیفه اش نماز بخواند.

مسئله ۸۲۰. کسی که می خواهد نماز بخواند، اگر برای پوشاندن خود حتی برگ درخت و علف نداشته باشد و یا گودالی هم که در آن بایستد پیدا نکند و احتمال ندهد که تا آخر وقت چیزی پیدا کند که خود را با آن بپوشاند، در صورتی که احتمال بدهد که ناظر محترم او را می بیند، نشسته نماز بخواند و برای رکوع و سجود به قدری خم شود که عورتش پیدا نباشد و برای سجود، کمی بیشتر از رکوع خم شود و مُهر را بالا بیاورد و پیشانی را بر آن بگذارد. و اگر اطمینان دارد که ناظر محترم او را نمی بیند، احتیاط آن است که دو نماز ایستاده بخواند و موقعی که ایستاده است، قبل خود را با دست بپوشاند و در یکی از آن دو نماز، رکوع و سجود را به جا آورد و در دیگری به جای رکوع و سجود با سر اشاره نماید، گرچه ظاهر آن است که می تواند به نماز با اشاره سر در رکوع

و سجود اکتفا کند و اگر گودالی هست که بتواند در آن بایستد، باید در آن گودال نماز را به صورت معمول بخواند.

❖ دوم: پاک باشد

مسئله ۸۲۱. لباس نمازگزار باید پاک باشد و اگر کسی عمداً با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل است.

مسئله ۸۲۲. کسی که نمی‌داند با بدن و لباس نجس، نماز باطل است و مقصر در ندانستن حکم مسئله باشد، اگر با بدن یا لباس نجس نماز بخواند، نمازش باطل می‌باشد.

مسئله ۸۲۳. اگر به واسطه تقصیر در ندانستن مسئله، چیز نجسی را نداند نجس است، مثلاً نداند عرق کافر نجس است و با آن، نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب نمازش باطل است.

مسئله ۸۲۴. اگر نداند که بدن یا لباسش نجس شده است و بعد از نماز بفهمد، نماز او صحیح است، ولی احتیاط مستحب آن است که اگر وقت دارد دوباره آن نماز را بخواند.

مسئله ۸۲۵. اگر فراموش کند که بدن یا لباسش نجس است و در بین نماز یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته، قضا نماید.

مسئله ۸۲۶. کسی که در وسعت وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز، بدن یا لباس او نجس شود و پیش از آنکه چیزی از نماز را با نجاست بخواند ملتفت شود که نجس شده یا بفهمد بدن یا لباس او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از قبل نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس یا بیرون آوردن آن، نماز را به هم نمی‌زند، باید در بین نماز بدن یا لباس را آب بکشد یا لباس را عوض کند یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده، لباس را بیرون آورد، ولی چنانچه طوری باشد که اگر بدن یا لباس را آب بکشد یا لباس را عوض کند یا بیرون آورد، نماز به هم می‌خورد و یا اگر لباس را بیرون آورد برهنه می‌ماند، باید نماز را رها کند و با بدن و لباس پاک نماز بخواند.

مسئله ۸۲۷. کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز لباس او نجس شود و پیش از آنکه چیزی از نماز را با نجاست بخواند، بفهمد که نجس شده یا بفهمد که لباس او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از قبل نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن یا عوض کردن یا بیرون آوردن لباس، نماز را به هم نمی زند و می تواند لباس را بیرون آورد، باید لباس را آب بکشد یا عوض کند یا اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده، لباس را بیرون آورد و نماز را تمام کند، اما اگر چیز دیگری عورت او را نپوشانده و لباس را هم نمی تواند آب بکشد یا عوض کند و به قدر تبدیل یا تطهیر و درک یک رکعت وقت ندارد، مختار است در همان لباس نماز بخواند یا لباس را بیرون آورد و به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز را تمام کند، ولی چنانچه طوری است که اگر لباس را آب بکشد یا عوض کند، نماز به هم می خورد و به واسطه سرما و مانند آن نیز نمی تواند لباس را بیرون آورد، باید با همان حال نماز را تمام کند و نمازش صحیح است.

مسئله ۸۲۸. کسی که در تنگی وقت مشغول نماز است، اگر در بین نماز بدن او نجس شود و پیش از آنکه چیزی از نماز را با نجاست بخواند، ملتفت شود که نجس شده یا بفهمد بدن او نجس است و شک کند که همان وقت نجس شده یا از قبل نجس بوده، در صورتی که آب کشیدن بدن، نماز را به هم نمی زند، باید آب بکشد و اگر نماز را به هم می زند و به قدر تطهیر و درک یک رکعت وقت ندارد، باید با همان حال نماز را تمام کند و نماز او صحیح است.

مسئله ۸۲۹. کسی که در پاک بودن بدن یا لباس خود شک دارد، چنانچه جستجو نماید و چیزی در آن نبیند و نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد که بدن یا لباسش نجس بوده، نماز او صحیح است، ولی اگر جستجو نکرده باشد، بنابر احتیاط لازم نمازش را دوباره بخواند و چنانچه وقت گذشته، قضا نماید.

مسئله ۸۳۰. اگر لباس را آب بکشد و یقین کند که پاک شده است و با آن نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد پاک نشده، نمازی را که خوانده صحیح است.

مسئله ۸۳۱. اگر خونی در بدن یا لباس خود ببیند و یقین کند که از خون های نجس نیست، مثلاً یقین کند که خون پشه است، چنانچه بعد از نماز بفهمد از خون هایی بوده که نمی شود با آن نماز بخواند، نماز او صحیح است.

مسئله ۸۳۲. اگر یقین کند خونی که در بدن یا لباس اوست، خون نجسی است که نماز با آن صحیح است، مثلاً یقین کند خون زخم و دُمَل است، چنانچه بعد از نماز بفهمد خونی بوده که نماز با آن باطل است، احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند و اگر وقت گذشته، قضا نماید.

مسئله ۸۳۳. اگر نجس بودن چیزی را فراموش کند و بدن یا لباسش با رطوبت به آن برسد و در حال فراموشی نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او صحیح است ولی اگر بدنش با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده، برسد و بدون اینکه خود را آب بکشد، غسل کند و نماز بخواند، غسل و نمازش باطل است، مگر اینکه طوری باشد که با غسل کردن، بدن نیز پاک شود مثلاً در آب جاری غسل نماید. و نیز اگر اعضای وضو با رطوبت به چیزی که نجس بودن آن را فراموش کرده، برسد و پیش از آنکه آنجا را آب بکشد وضو بگیرد و نماز بخواند، وضو و نمازش باطل می‌باشد، مگر اینکه طوری باشد که با وضو گرفتن، اعضای وضو نیز پاک شود مثلاً با آب جاری یا گُرو وضو بگیرد.

مسئله ۸۳۴. کسی که یک لباس دارد، اگر بدن و لباس وی نجس شود و به اندازه آب کشیدن یکی از آنها آب داشته باشد، بهترین است که بدن را آب بکشد و با همان لباس نماز بخواند و احتیاطاً به دستوری که برای برهنگان است نماز را اعاده نماید، ولی اگر مثلاً نجاست یکی ادرار است که اگر بخواهد با آب قلیل آب بکشد باید دو مرتبه آب روی آن بریزد و دیگری خون است که یک مرتبه آب ریختن روی آن کافی است، باید آن را که به ادرار نجس شده، آب بکشد.

مسئله ۸۳۵. کسی که غیر از لباس نجس، لباس دیگری ندارد و وقت تنگ است یا احتمال نمی‌دهد لباس پاک پیدا کند، با همان لباس نماز بخواند و بنا بر احتیاط مستحب نماز را به دستوری که برای برهنگان گفته شد به جا آورد.

مسئله ۸۳۶. کسی که دو لباس دارد، اگر بداند یکی از آنها نجس است و نداند کدام یک از آنهاست، چنانچه وقت دارد، باید با هر دو لباس نماز بخواند، مثلاً اگر می‌خواهد نماز ظهر و عصر بخواند، باید با هر کدام، یک نماز ظهر و یک نماز عصر بخواند، ولی اگر وقت تنگ است، با یکی از آن دو لباس نماز بخواند کافی است.

❁ سوم: مباح باشد

مسئله ۸۳۷. لباس نمازگزار باید مباح باشد و کسی که می‌داند پوشیدن لباس غصبی حرام است، اگر عمداً در لباس غصبی یا در لباسی که نخ یا دکمه یا چیز دیگر آن غصبی است نماز بخواند، نمازش باطل است.

مسئله ۸۳۸. کسی که می‌داند پوشیدن لباس غصبی حرام است، ولی نمی‌داند نماز را باطل می‌کند، اگر عمداً با لباس غصبی نماز بخواند، در صورتی که جهل وی از روی تقصیر باشد، نمازش باطل است.

مسئله ۸۳۹. اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و با آن، نماز بخواند، نمازش صحیح است، ولی اگر خودش آن لباس را غصب کرده باشد و بعداً فراموش کرده و با آن نماز خوانده، بنا بر احتیاط لازم نمازش باطل است.

مسئله ۸۴۰. اگر نداند یا فراموش کند که لباس او غصبی است و در بین نماز بفهمد، چنانچه چیز دیگری عورت او را پوشانده است و می‌تواند فوراً یا بدون اینکه موالات، یعنی پی در پی بودن نماز به هم بخورد، لباس غصبی را بیرون آورد، باید آن را بیرون آورد و نمازش صحیح است ولی در صورت فراموشی اگر خودش لباس را غصب کرده باشد، گذشت که بنا بر احتیاط لازم نماز را اعاده کند و اگر چیز دیگری عورت او را پوشانده یا نمی‌تواند لباس غصبی را فوراً بیرون آورد یا اگر بیرون آورد، پی در پی بودن نماز به هم می‌خورد در صورتی که به مقدار یک رکعت هم وقت داشته باشد، باید نماز را رها کند و با لباس غیر غصبی نماز بخواند و اگر به این مقدار وقت ندارد، باید در حال نماز لباس را بیرون آورد و به دستور نماز برهنگان، نماز را تمام کند.

مسئله ۸۴۱. اگر کسی برای حفظ جاننش با لباس غصبی نماز بخواند، نمازش صحیح است.

مسئله ۸۴۲. اگر شخص لباسی را غصب کند و برای اینکه دزد آن را نبرد، در موقع نماز آن را بپوشد، صحت نمازش محل اشکال است.

مسئله ۸۴۳. اگر با عین پولی که خمس یا زکات آن را نداده، لباس بخرد، چنانچه در حال نماز به غصب بودن آن ملتفت باشد، نماز خواندن در آن لباس باطل است و در صورت عدم التفات، نماز صحیح است و اگر جاهل، مقصر به حکم مسئله است بنا بر احتیاط لازم باید نماز را اعاده کند.

* چهارم: از اجزای مردار نباشد

مسئله ۸۴۴. لباس نمازگزار باید از اجزای حیوان مرده‌ای که خون جهنده دارد (یعنی حیوانی که اگر رگش را ببرند خون از آن جستن می‌کند)، نباشد. بلکه اگر از حیوان مرده‌ای که مانند ماهی خون جهنده ندارد لباس تهیه کند، احتیاط واجب آن است که با آن نماز نخواند.

مسئله ۸۴۵. هرگاه چیزی از مردار مانند گوشت و پوست آن که روح داشته، همراه نمازگزار باشد، گرچه لباس او نباشد، بنا بر احتیاط نمازش باطل است.

مسئله ۸۴۶. اگر چیزی از مردار حلال گوشت مانند مو و پشم که روح ندارد، همراه نمازگزار باشد یا با لباسی که از آنها تهیه کرده‌اند، نماز بخواند نمازش صحیح است.

* پنجم: از حیوان حرام گوشت نباشد

مسئله ۸۴۷. لباس نمازگزار باید از حیوان حرام گوشت نباشد و اگر مویی از آن هم همراه وی باشد، نماز او باطل است.

مسئله ۸۴۸. اگر آب دهان یا بینی یا رطوبت دیگری از حیوان حرام گوشت مانند گربه بردن یا لباس نمازگزار باشد چنانچه بر حالت تری خود باقی باشد، نماز باطل و اگر خشک شده و عین آن برطرف شده باشد، نماز صحیح است.

مسئله ۸۴۹. گرچه انسان، حرام گوشت است ولی اگر مو و عرق و آب دهان دیگری بر بدن یا لباس نمازگزار باشد، اشکال ندارد.

مسئله ۸۵۰. اگر شک داشته باشد که لباسی از حیوان حلال گوشت است یا حرام گوشت، چه در داخل کشور تهیه شده باشد چه در خارج، جایز است که با آن نماز بخواند.

مسئله ۸۵۱. پوشیدن خز خالص در نماز اشکال ندارد و احتیاط واجب آن است که با پوست سنجاب نماز نخواند.

مسئله ۸۵۲. اگر با لباسی که نمی‌داند از حیوان حرام گوشت است، نماز بخواند، نمازش صحیح است ولی اگر فراموش کرده باشد، بنا بر احتیاط واجب باید آن نماز را دوباره بخواند.

❁ شرایط اختصاصی مردان

❁ اول: لباس او طلاباف نباشد

مسئله ۸۵۳. پوشیدن لباس طلاباف در هر حال برای مرد، حرام و نماز با آن باطل است، ولی برای زن در نماز و غیرنماز اشکال ندارد.

مسئله ۸۵۴. زینت کردن به طلا مثل آویختن زنجیر طلا به سینه و انگشتر طلا به دست کردن و بستن ساعت مچی طلا برای مرد، حرام و نماز خواندن با آنها باطل است و احتیاط واجب آن است که از استعمال عینک طلا هم خودداری کند، ولی زینت کردن به طلا برای زن در نماز و غیرنماز اشکال ندارد.

مسئله ۸۵۵. اگر مردی نداند یا فراموش کند که انگشتر یا لباس او از طلا است یا شک داشته باشد و با آن نماز بخواند، نمازش صحیح است.

❁ دوم: لباس او ابریشم خالص نباشد

مسئله ۸۵۶. لباس مرد نمازگزار باید ابریشم خالص نباشد و در غیرنماز هم پوشیدن آن برای مرد حرام است و چیزی که به تنهایی عورت را نمی پوشاند مانند عرقچین نیز به احتیاط واجب نباید از ابریشم خالص باشد.

مسئله ۸۵۷. اگر آستر تمام لباس یا آستر مقداری از آن، که زیادترا از چهار انگشت بسته است، ابریشم خالص باشد، پوشیدن آن برای مرد حرام و نماز در آن باطل است.

مسئله ۸۵۸. لباسی را که نمی داند از ابریشم خالص است یا چیز دیگر، پوشیدن آن جایز است و نماز در آن نیز اشکال ندارد.

مسئله ۸۵۹. دستمال ابریشمی و مانند آن اگر در جیب مرد باشد اشکال ندارد و نماز را باطل نمی کند.

مسئله ۸۶۰. پوشیدن لباس ابریشمی برای زن در نماز و غیرنماز اشکال ندارد.

مسئله ۸۶۱. پوشیدن لباس غصبی و ابریشمی خالص و طلاباف و لباسی که از مُردار تهیه شده در حال ناچاری مانعی ندارد. و نیز کسی که ناچار است لباس بپوشد و لباس دیگری غیر از این ها ندارد، می تواند با این لباس ها نماز بخواند، مگر اینکه بداند تا آخر وقت، این ناچاری او از بین خواهد رفت.

مسئله ۸۶۲. اگر غیر از لباس غصبی و یا لباسی که از مردار تهیه شده و یا لباسی که از ابریشم خالص یا طلا باف است، لباس دیگری ندارد و ناچار نیست لباس بپوشد، باید به دستوری که برای برهنگان گفته شد نماز بخواند.

مسئله ۸۶۳. کسی که لباس ندارد اگر دیگری به او لباس ببخشد یا عاریه دهد، چنانچه قبول کردن آن برای او مشقت نداشته باشد، باید قبول کند بلکه اگر عاریه کردن یا طلب بخشش برای او سخت نیست، باید از کسی که لباس دارد، طلب بخشش یا عاریه نماید.

مسئله ۸۶۴. پوشیدن لباسی که پارچه یا رنگ یا دوخت آن برای کسی که می خواهد آن را بپوشد معمول نیست و موجب توهین یا شهرت او می شود، حرام است ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد، گرچه احتیاط مستحب، ترک نماز خواندن با آن است.

مسئله ۸۶۵. احتیاط واجب آن است که مرد، لباس زنانه و زن لباس مردانه را لباس معمول خود قرار ندهد ولی اگر با آن لباس نماز بخواند اشکال ندارد.

مسئله ۸۶۶. کسی که باید خوابیده نماز بخواند، اگر برهنه باشد و لحاف یا پتوی او و مانند آن، نجس یا ابریشم خالص یا از اجزای حیوان حرام گوشت باشد، احتیاط واجب آن است که در نماز، خود را با آنها نپوشاند.

✽ موارد عدم لزوم طهارت در بدن یا لباس نمازگزار

مسئله ۸۶۷. در سه صورت اگر بدن یا لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صحیح است:

اول: به واسطه زخم یا جراحت یا دُمَلی که در بدن او است لباس یا بدنش به خون آلوده شده باشد.

دوم: بدن یا لباس او به مقدار کمتر از درهم که تقریباً به اندازه بند سرانگشت سبابه (شهادت) می شود، به خون انسان یا حیوان حلال گوشت آلوده شده باشد.

سوم: ناچار باشد با بدن یا لباس نجس نماز بخواند.

و در دو صورت اگر فقط لباس نمازگزار نجس باشد، نماز او صحیح است:

اول: لباس های کوچک او مانند جوراب و عرقچین نجس باشد.

دوم: لباس زنی که پرستار بچه است نجس شده باشد.

و احکام این پنج صورت مفصلاً در مسائل بعد گفته می‌شود.

مسئله ۸۶۸. اگر در بدن یا لباس نمازگزار، خون زخم یا جراحت یا دُمَل باشد، چنانچه طوری است که آب کشیدن بدن یا لباس یا عوض کردن لباس برای بیشتر مردم سخت است، تا وقتی که زخم یا جراحت یا دُمَل خوب نشده است، می‌تواند با آن خون نماز بخواند و اگر برای خصوص او سخت باشد، بعید نیست نماز خواندن با آن خون برای این شخص جایز باشد. و اگر چرکی که با خون بیرون آمده یا دوائی که روی زخم گذاشته‌اند و نجس شده، در بدن یا لباس او باشد، نماز خواندن با آن جایز است.

مسئله ۸۶۹. اگر خون بریدگی یا زخم که به زودی خوب می‌شود و شستن آن آسان است به مقدار درهم یا بیشتر در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است.

مسئله ۸۷۰. اگر جایی از بدن یا لباس که با زخم فاصله دارد به رطوبت زخم نجس شود، جایز نیست با آن نماز بخواند. ولی اگر مقداری از بدن یا لباس که اطراف محل زخم است، به رطوبت آن، آلوده شود، نماز با آن اشکال ندارد.

مسئله ۸۷۱. با خون بواسیری که دانه‌های آن بیرون است می‌شود نماز خواند.

مسئله ۸۷۲. کسی که در بدنش دُمَل است، اگر در بدن یا لباس خود خونی که به مقدار درهم یا بیشتر از آن است، ببیند و نداند از دُمَل است یا خون دیگر، جایز است با آن نماز بخواند، هرچند احتیاط مستحب آن است که نماز با آن را ترک نماید.

مسئله ۸۷۳. اگر چند زخم در بدن باشد و طوری نزدیک هم باشند که یک زخم حساب شود، تا وقتی همه خوب نشده‌اند، نماز خواندن با خون آن زخم‌ها اشکال ندارد. ولی اگر به قدری از هم دور باشند که هرکدام یک زخم حساب شود، هرکدام که خوب شد، باید برای نماز، بدن و لباس را از خون آن آب بکشد اگر مجموع زخم‌ها به مقدار درهم یا زیادتر از آن باشد.

مسئله ۸۷۴. اگر سر سوزنی خون سگ یا خوک یا کافریا مردار یا حیوان حرام گوشت یا حیض و بنابر احتیاط خون نفاس یا استحاضه در بدن یا لباس نمازگزار باشد، نماز او باطل است، ولی خون‌های دیگر مثل خون بدن انسان یا خون حیوان حلال گوشت،

هرچند در چند جای بدن و لباس باشد، در صورتی که روی هم کمتر از درهم باشد، نماز خواندن با آن اشکال ندارد.

مسئله ۸۷۵. خونی که به لباس بی‌آستر بریزد و به پشت آن برسد، یک خون حساب می‌شود ولی اگر پشت آن، جدا خونی شود و به واسطه اتصال، یک خون حساب نشود، باید هر کدام را جدا حساب نمود. پس اگر خونی که در پشت و روی لباس است روی هم کمتر از درهم باشد، نماز با آن صحیح و اگر به مقدار درهم یا بیشتر از آن باشد، نماز با آن باطل است.

مسئله ۸۷۶. اگر خون، روی لباسی که آستر دارد بریزد و به آستر آن برسد و یا به آستر بریزد و روی لباس خونی شود، باید هر کدام را جدا حساب کرد. پس اگر خون روی لباس و آستر، کمتر از درهم باشد، نماز با آن صحیح و اگر به مقدار درهم یا بیشتر از آن باشد، نماز با آن باطل است.

مسئله ۸۷۷. اگر خون بدن یا لباس کمتر از درهم باشد و رطوبتی به آن برسد، در صورتی که خون و رطوبتی که به آن رسیده به اندازه درهم یا بیشتر شود و اطراف را آلوده کند، نماز با آن باطل است، بلکه اگر رطوبت و خون به اندازه درهم نشود و اطراف را هم آلوده نکند، نماز خواندن با آن اشکال دارد، مگر آنکه آب در خون مستهلک شود.

مسئله ۸۷۸. اگر بدن یا لباس، خونی نشود ولی با رطوبت به خون برسد و نجس شود، هر چند مقداری که نجس شده کمتر از درهم باشد، نمی‌شود با آن نماز خواند.

مسئله ۸۷۹. اگر خونی که در بدن یا لباس است کمتر از درهم باشد و نجاست دیگری به آن برسد، مثلاً قطره‌ای از ادرار روی آن بریزد، نماز خواندن با آن جایز نیست، هر چند به جاهای دیگر از بدن یا لباس نرسد.

مسئله ۸۸۰. اگر لباس‌های کوچک نمازگزار مثل عرقچین و جوراب که نمی‌شود با آنها عورت را پوشانید نجس باشد، چنانچه از مردار یا حیوان نجس‌العین یا حیوان حرام‌گوشت درست نشده باشد، نماز با آنها صحیح است و نیز اگر با انگشتی نجس نماز بخواند اشکال ندارد مگر آنکه با عرق کردن بدن، موجب نجاست بدن شوند.

مسئله ۸۸۱. احتیاط مستحب آن است که چیز نجس که ساتر عورت نباشد مانند دستمال و کلید و چاقوی نجس، همراه نمازگزار نباشد.

مسئله ۸۸۲. مادری که پرستار بچه است و بیشتر از یک لباس ندارد چنانچه نتواند لباس دیگری بخرد یا کرایه و یا عاریه کند، هرگاه هر شبانه روز یک مرتبه لباس خود را آب بکشد، هر چند تا روز دیگر لباسش به ادرار بچه نجس شود، می تواند با آن لباس نماز بخواند. ولی احوط و اولی آن است که لباس خود را نزدیک غروب بشوید و بعد نماز ظهر و عصر و نیز نماز مغرب و عشا را با آن لباس بخواند. و نیز اگر بیشتر از یک لباس دارد ولی ناچار است که همه آنها را بپوشد، چنانچه هر شبانه روز یک مرتبه همه آنها را آب بکشد کافی است. و اگر پرستار بچه، مادر او نباشد بعید نیست که همین حکم را داشته باشد.

مسئله ۸۸۳. مردی که پرستار بچه است اگر لباسش به ادرار بچه نجس شود، نمی تواند با آن لباس نماز بخواند.

✽ مستحبات لباس نمازگزار

مسئله ۸۸۴. چند چیز در لباس نمازگزار مستحب است که از آن جمله است: عمامه با تحت الحنک، پوشیدن عبا و لباس سفید و پاکیزه ترین لباس ها و نیز استعمال بوی خوش و دست کردن انگشتی عقیق مستحب است.

✽ مکروهات لباس نمازگزار

مسئله ۸۸۵. چند چیز در لباس نمازگزار مکروه است و از آن جمله است: پوشیدن لباس سیاه و چرک و تنگ و لباس شراب خوار و لباس کسی که از نجاست پرهیز نمی کند و لباسی که نقاشی صورت دارد و نیز باز بودن دکمه های لباس و دست کردن انگشتی که نقاشی صورت دارد، مکروه می باشد.

✽ مکان نمازگزار

✽ شرایط مکان نمازگزار

✽ اول: مباح باشد

مسئله ۸۸۶. نماز خواندن در ملک غصبی گرچه روی فرش و تخت و مانند این ها باشد، باطل است ولی نماز خواندن در زیر سقف غصبی و خیمه غصبی مانعی ندارد مگر در

مواردی که عرفاً تصرف در سقف یا خیمه صدق نماید، مانند جایی که به واسطه سرما یا گرما و یا جهات دیگر اگر سقف نمی داشت نمی توانست نماز بخواند.

مسئله ۸۸۷. نماز خواندن در ملکی که منفعت آن مال دیگری است، بدون اجازه صاحب منفعت، باطل است مثلاً در خانه اجاره ای اگر صاحب خانه یا دیگری بدون اجازه کسی که آن خانه را اجاره کرده نماز بخواند، نمازش باطل است و همچنین است اگر در ملکی که دیگری در آن حقی دارد نماز بخواند مثلاً اگر میت وصیت کرده باشد که ثلث مال او را به مصرفی برسانند، تا وقتی ثلث را جدا نکنند نمی شود در ملک او نماز بخواند.

مسئله ۸۸۸. کسی که در مسجد نشسته، اگر دیگری جای او را غصب کند، نمازش باطل است و اگر رحل گذاشته و هنگام نماز حاضر می شود، اگر دیگری جای او را غصب کند، بنابر احتیاط واجب نماز را دوباره بخواند.

مسئله ۸۸۹. اگر در جایی که نمی داند غصبی است نماز بخواند و بعد از نماز بفهمد یا در جایی که غصبی بودن آن را فراموش کرده، نماز بخواند و بعد از نماز یادش بیاید، نماز او صحیح است مگر آنکه خودش غصب کرده باشد که در این صورت بنابر احتیاط واجب نمازش باطل است.

مسئله ۸۹۰. اگر بداند جایی غصبی است ولی نداند که در جای غصبی نماز باطل است و در ندانستن مسئله کوتاهی کرده و مقصر باشد و در آنجا نماز بخواند، نماز او باطل است.

مسئله ۸۹۱. کسی که ناچار است نماز واجب را سواره بخواند، چنانچه وسیله سواری (مانند ماشین) یا صندلی آن، غصبی باشد، نماز او باطل است و همچنین است اگر بخواهد نماز مستحبی بخواند.

مسئله ۸۹۲. کسی که در ملکی با دیگری شریک است، اگر سهم او جدا نباشد، بدون اجازه شریکش نمی تواند در آن ملک تصرف کند و نماز بخواند.

مسئله ۸۹۳. اگر با عین پولی که خمس و زکات آن را نداده ملکی بخرد، تصرف او در آن ملک حرام و نمازش هم در آن باطل است و اگر به ذمه بخرد و در موقع خریدن، قصدش این باشد که از مالی که خمس یا زکاتش را نداده، بدهد یا از مال غصبی بدهد، معامله صحیح و تصرف وی در آن ملک جایز و نماز او صحیح است.

مسئله ۸۹۴. اگر صاحب ملک به زبان، اجازه نماز خواندن بدهد و انسان بداند که قلباً

راضی نیست، نماز خواندن در ملک او باطل است. و اگر اجازه ندهد و انسان یقین کند که قلباً راضی است نماز صحیح است.

مسئله ۸۹۵. تصرف در ملک میتی که خمس یا زکات بدهکار است، حرام و نماز در آن باطل است ولی اگر بدهی او را بدهند یا ضامن شوند که ادا نمایند به نحوی که دین از عهده میت ساقط شود، جایز است. و اگر عین زکات یا خمس در مال میت موجود باشد، فقط تصرف و نماز در آن عین، قبل از ادا جایز نیست، ولی تصرف و نماز در غیر آن اشکال ندارد.

مسئله ۸۹۶. تصرف در ملک میتی که به مردم بدهکار است، حرام و نماز در آن باطل است ولی اگر ضامن شوند که قرض های او را بپردازند یا اینکه طلبکار و وصی میت اجازه بدهند، تصرف و نماز در ملک او مانعی ندارد و اگر میت، بدهکار افرادی است که حاکم شرع بر آنها ولایت دارد، اذن حاکم معتبر است.

مسئله ۸۹۷. اگر میت قرض نداشته باشد ولی بعضی از ورثه او صغیر یا دیوانه یا غایب باشند، تصرف در ملک او بدون اذن ولی شرعی، حرام و نماز در آن باطل است.

مسئله ۸۹۸. نماز خواندن در مسافرخانه و حمام و مانند این ها که برای واردین آماده است، اشکال ندارد، مگر اطمینان پیدا شود که صاحبش راضی نیست ولی در غیر این قبیل جاها، در صورتی می شود نماز خواند که مالک آن اجازه بدهد یا حرفی بزند که معلوم شود یا اطمینان حاصل شود برای نماز خواندن اذن داده است مثلاً به کسی اجازه دهد در ملک او بنشینند و بخوابد که از این ها فهمیده می شود برای نماز خواندن هم اذن داده است.

مسئله ۸۹۹. در زمین بسیار وسیعی که برای بیشتر مردم مشکل است موقع نماز از آنجا به جای دیگر بروند، بی اجازه مالک می شود نماز خواند ولی اگر بداند که مالک زمین راضی نیست، احوط آن است که در آنجا نماز نخواند.

❁ دوم: استقرار داشته باشد

مسئله ۹۰۰. مکان نمازگزار باید بی حرکت باشد و اگر به واسطه تنگی وقت یا دلیل دیگر ناچار باشد در جایی که حرکت دارد، مانند اتومبیل و کشتی و هواپیما و قطار نماز

بخواند، به قدری که ممکن است باید استقرار و قبله را رعایت نماید و اگر آنها از قبله به طرف دیگر حرکت کنند، به طرف قبله برگردد.

مسئله ۹۰۱. نماز خواندن در اتومبیل و کشتی و قطار و مانند این‌ها، وقتی ایستاده‌اند یا با وجود حرکت، تکان ندارند، مانعی ندارد.

مسئله ۹۰۲. روی تَشک ابری و مانند آن که نشود بی حرکت و بی تکان ماند، نماز باطل است.

❖ سوم: تمام کردن نماز در آن مکان ممکن باشد

مسئله ۹۰۳. بنا بر احتیاط در جایی نماز بخواند که اطمینان داشته باشد نماز را تمام می‌کند و در جایی که به واسطه احتمال باد و باران و زیادی جمعیت و مانند این‌ها اطمینان ندارد که بتواند نماز را تمام کند، احتیاط آن است که نماز نخواند، و با اطمینان به عدم امکان، نماز صحیح نیست.

❖ چهارم: ماندن در آن مکان حرام نباشد

مسئله ۹۰۴. در جایی که ماندن در آن حرام است مثلاً زیر سقفی که نزدیک است خراب شود، نماز نخواند.

مسئله ۹۰۵. نماز خواندن در جایی که آلات موسیقی استعمال می‌کنند، باطل است.

مسئله ۹۰۶. بودن مرد و زن نامحرم در اتاقی که کسی در آنجا نیست و کسی هم نمی‌تواند وارد شود، حرام است و نمازشان هم در آنجا صحیح نیست ولی اگر یکی از آنان مشغول نماز باشد و دیگری که به او نامحرم است وارد شود، نماز او اشکال ندارد.

مسئله ۹۰۷. مکروه است زن در نماز جلوتر از مرد یا کنار او بایستد و بهتر است طوری بایستد که جای سجده او کمی از جای ایستادن مرد عقب‌تر باشد.

مسئله ۹۰۸. اگر زن برابر مرد یا جلوتر بایستد، نماز هر دو صحیح است، چه با هم وارد نماز شوند چه به ترتیب. بلی، ثواب نماز هر کدام که بعد مشغول نماز شده‌اند کمتر است ولی بنا بر احتیاط مؤکد، سزاوار است در صورتی که هر دو با هم وارد نماز

شوند، هر دو، و در صورتی که به ترتیب وارد شده باشند کسی که بعد وارد شده، نماز را اعاده نماید.

مسئله ۹۰۹. اگر بین مرد و زن، دیوار یا پرده یا چیز دیگری باشد که یکدیگر را نبینند یا بین آنان حداقل ده ذراع که تقریباً پنج متر می شود فاصله باشد، چنانچه زن، برابر مرد یا جلوتر از او باشد نماز هر دو صحیح است و کراهت هم ندارد و همچنین است اگر مکان یکی از آنان به قدری بلند باشد که نگویند زن جلوتر از مرد یا برابر او ایستاده است.

❖ **پنجم:** مکان نمازگزار از چیزهایی نباشد که ایستادن و نشستن روی آن حرام است **مسئله ۹۱۰.** روی چیزی که ایستادن و نشستن روی آن حرام است مثل روزنامه یا فرش که اسم خدا بر آن نوشته شده، نماز نخواند.

❖ **ششم:** انجام واجبات در آن مکان ممکن باشد **مسئله ۹۱۱.** در جایی که سقف آن کوتاه است و نمی تواند در آنجا راست بایستد یا به اندازه ای کوچک است که جای رکوع و سجود ندارد، نماز نخواند و اگر ناچار شود که در چنین جایی نماز بخواند باید به قدری که ممکن است قیام و رکوع و سجود را به جا آورد.

❖ **هفتم:** مساوی یا جلوتر از قبر پیغمبر ﷺ و ائمه علیهم السلام نباشد **مسئله ۹۱۲.** بنابر احتیاط واجب باید جلوتر یا مساوی با قبر پیغمبر ﷺ و امام علی علیه السلام نماز نخواند.

مسئله ۹۱۳. اگر در موقع نماز چیزی مانند دیوار بین او و قبر مطهر باشد که بی احترامی نشود، اشکال ندارد ولی فاصله شدن صندوق شریف و ضریح و پارچه ای که روی آن افتاده، کافی نیست.

مسئله ۹۱۴. خواندن نماز مستحب در خانه کعبه و بر بام آن اشکال ندارد، بلکه مستحب است در داخل خانه مقابل هر رکنی دو رکعت نماز بخوانند و احتیاط واجب آن است که نماز واجب را در خانه کعبه و بر بام آن نخواند.

❖ هشتم: اگر مکان نمازگزار نجس است، موجب نجاست بدن و لباس او نشود

مسئله ۹۱۵. اگر مکان نمازگزار نجس باشد و به طوری تر نباشد که رطوبت آن به بدن یا لباس او برسد اشکال ندارد ولی چنانچه جایی که پیشانی را بر آن می گذارد نجس باشد، هرچند خشک هم باشد، نماز باطل است و احتیاط مستحب آن است که مکان نمازگزار اصلاً نجس نباشد.

❖ نهم: مکان نمازگزار هم سطح باشد

مسئله ۹۱۶. جای پیشانی نمازگزار از جای زانوهای و سرانگشتان پای او بیش از چهار انگشت بسته، پست تر یا بلندتر نباشد. و تفصیل این مسئله در احکام سجده گفته می شود.

❖ مکان های استحباب نماز

مسئله ۹۱۷. در شرع مقدّس اسلام بسیار سفارش شده است که نماز را در مسجد بخوانند و بهتر از همه مسجد ها، مسجد الحرام است و بعد از آن مسجد پیغمبر ﷺ و بعد مسجد کوفه و بعد از آن مسجد بیت المقدّس و بعد از مسجد بیت المقدّس، مسجد جامع هر شهر و بعد از آن، مسجد محله و بعد از مسجد محله، مسجد بازار است.

مسئله ۹۱۸. برای زن ها نماز خواندن در خانه، بلکه در اتاق عقبِ ساختمان بهتر است.

مسئله ۹۱۹. نماز در حرم امامان علیهم السلام مستحب، بلکه بهتر از مسجد است و نماز در حرم مطهر حضرت امیر المؤمنین علیه السلام به مقتضای روایت شریفه، برابر دویست هزار نماز است.

مسئله ۹۲۰. زیاد رفتن به مسجد و رفتن در مسجدی که نمازگزار ندارد، مستحب است و اگر هم سایه مسجد، عذری نداشته باشد، مکروه است در غیر مسجد نماز بخواند.

مسئله ۹۲۱. مستحب است انسان با کسی که در مسجد حاضر نمی شود، غذا نخورد و در کارها با او مشورت نکند و همسایه او نشود و از او زن نگیرد و به او زن ندهد.

❖ مکان های کراهت نماز

مسئله ۹۲۲. نماز خواندن در چند جا مکروه است و از آن جمله است: حمام، زمین نمک زار، مقابل انسان، مقابل دری که باز است، در جاده و خیابان و کوچه، اگر

برای کسانی که عبور می‌کنند زحمت نباشد و چنانچه زحمت باشد، حرام و نماز باطل است. نماز خواندن مقابل آتش و چراغ و در آشپزخانه و هر جا که کوره آتش باشد، مکروه است. همچنین است مقابل چاه و چاله‌ای که محل ادرار باشد، روبه‌روی عکس و مجسمه چیزی که روح دارد مگر آنکه روی آن پرده بکشند، در اتاقی که جُنب در آن باشد، در جایی که عکس باشد هر چند روبه‌روی نمازگزار نباشد، مقابل قبر، روی قبر، بین دو قبر، در قبرستان و موارد دیگر که در کتب فقهی تفصیلی آمده است.

مسئله ۹۲۳. کسی که در محل عبور مردم نماز می‌خواند یا کسی روبه‌روی اوست، مستحب است جلوی خود چیزی بگذارد و اگر چوب یا ریسمانی هم باشد، کافی است. و این خود اشاره‌ای به انقطاع انسان از همه چیز و اتصال و پیوستن به ذات اقدس الهی است.

✽ احکام مسجد

✽ احکام الزامی مسجد و لوازم آن

مسئله ۹۲۴. نجس کردن زمین و سقف و بام و طرف داخل دیوار مسجد، حرام است و هر کس بفهمد که نجس شده است، باید فوراً نجاست آن را برطرف کند. و احتیاط واجب آن است که طرف بیرون دیوار مسجد را هم نجس نکنند و اگر نجس شود نجاستش را برطرف نمایند.

مسئله ۹۲۵. اگر نتواند مسجد را تطهیر کند یا کمک لازم داشته باشد و پیدا نکند، تطهیر مسجد بر او واجب نیست، ولی بنابر احتیاط واجب باید به کسی که می‌تواند تطهیر کند، اطلاع دهد.

مسئله ۹۲۶. اگر جایی از مسجد نجس شود و تطهیر آن بدون گندن یا خراب کردن مقدار کمی از آن ممکن نباشد، باید آنجا را بگنند یا خراب نمایند و پُر کردن و ساختن آن قسمت واجب نیست، مگر اینکه خود کسی که نجس کرده، خراب کند که در این صورت بنابر احتیاط باید آن قسمت را بسازد و یا پُر کند. و اگر مسجد به نحوی نجس شده باشد که برای تطهیر آن، ناچار باشند تمام

مسجد را خراب کنند، خراب کردن آن جایز نیست و اگر متبرّعی (شخص نیکوکاری) هم باشد که بعد از تخریب، آن را بسازد، جوازِ تخریبِ آن، مشکل است ولی اگر ممکن است، باید ظاهر آن را بنابر احتیاط تطهیر نمایند و اگر چیزی مانند آجر و سنگی از مسجد که می‌شود آن را برگرداند، نجس شود، باید بعد از تطهیر بنابر احتیاط آن را به مسجد برگرداند.

مسئله ۹۲۷. اگر مسجدی را غصب کنند و به جای آن، خانه و مانند آن بسازند یا به طوری خراب شود که نماز خواندن در آن ممکن نباشد (مثل آنکه جزء خیابان شود)، باز هم بنابر احتیاط واجب نجس کردن آن حرام و تطهیر آن واجب است.

مسئله ۹۲۸. نجس کردنِ حرم امامان (علیهم‌السلام) حرام است و اگر یکی از آنها نجس شود، چنانچه نجس ماندنِ آن بی‌احترامی باشد، تطهیر آن واجب است، بلکه احتیاط واجب آن است که اگر بی‌احترامی هم نباشد آن را تطهیر کنند.

مسئله ۹۲۹. اگر فرش مسجد نجس شود، بنابر احتیاط واجب باید آن را آب بکشند. مسئله ۹۳۰. بُردن عین نجس (مانند خون یا ادرار که در ظرف آزمایشگاه ریخته شده) در مسجد، اگر بی‌احترامی به مسجد باشد، حرام است و بلکه احتیاط مستحب آن است که اگر بی‌احترامی هم نباشد، عین نجس را در مسجد نبرند. همچنین بُردن چیزی که نجس شده، در صورتی که بی‌احترامی به مسجد باشد، حرام است.

مسئله ۹۳۱. اگر مسجد را برای روضه‌خوانی چادر بزنند و فرش کنند و پارچه‌های مشک‌ی نصب کنند و اسباب چای در آن ببرند، در صورتی که این کارها به مسجد ضرر نرساند و مانع نماز خواندن نمازگزاران نشود، اشکال ندارد.

مسئله ۹۳۲. بنابر احتیاط واجب مسجد را نباید با طلا زینت کنند و همچنین نباید صورت چیزهایی که مثل انسان و حیوان روح دارد، در مسجد نقش کنند. و نقاشی چیزهایی که روح ندارد، مثل گل و بوته مکروه است.

مسئله ۹۳۳. اگر مسجد خراب هم شود، نمی‌توانند آن را بفروشند یا داخل ملک و جاده نمایند.

مسئله ۹۳۴. فروختن در و پنجره و چیزهای دیگر مسجد، حرام است و اگر مسجد خراب شود، باید این‌ها را صرف تعمیر همان مسجد کنند. و چنانچه به کار آن مسجد

نیاید، باید در مسجد دیگر مصرف شود، ولی اگر به درد مسجدهای دیگر هم نخورد، می‌توانند آن را بفروشند و اگر ممکن است، پول آن را صرف تعمیر همان مسجد کنند، وگرنه صرف تعمیر مسجد دیگر نمایند.

❦ مستحبات و مکروهات مربوط به مسجد

مسئله ۹۳۵. ساختن مسجد و تعمیر مسجدی که نزدیک به خرابی می‌باشد، مستحب است و اگر مسجد طوری خراب شود که تعمیر آن ممکن نباشد، می‌توانند آن را خراب کنند و دوباره بسازند، بلکه می‌توانند مسجدی را که خراب نشده، برای احتیاج مردم جهت نماز خواندن، خراب کنند و بزرگ‌تر بسازند.

مسئله ۹۳۶. تمیز کردن مسجد و روشن کردن چراغ آن، مستحب است و کسی که می‌خواهد مسجد برود، مستحب است خود را خوشبو کند و لباس پاکیزه و فاخر بپوشد و ته کفش خود را واریسی کند که نجاستی به آن نباشد و موقع داخل شدن به مسجد، اول پای راست و موقع بیرون آمدن، اول پای چپ را بگذارد. همچنین مستحب است از همه زودتر به مسجد آید و از همه دیرتر از مسجد بیرون رود.

مسئله ۹۳۷. وقتی انسان وارد مسجد می‌شود، مستحب است دو رکعت نماز به قصد تحیت و احترام مسجد بخواند و اگر نماز واجب یا مستحب دیگری هم بخواند، کافی است.

مسئله ۹۳۸. خوابیدن در مسجد در صورتی که انسان ناچار نباشد، مکروه است. همچنین صحبت کردن در مورد کارهای دنیا و مشغول صنعت شدن و خواندن شعری که نصیحت و مانند آن نباشد، مکروه است. و نیز مکروه است آب دهان و بینی و اخلاط سینه را، در صورتی که موجب اهانت به مسجد نباشد، در مسجد بیندازد. همچنین مکروه است گم‌شده‌ای را در مسجد طلب کند و نیز مکروه است صدای خود را بلند نماید، ولی بلند کردن صدا برای اذان مانعی ندارد.

مسئله ۹۳۹. راه دادن بچه و دیوانه به مسجد، اگر موجب زحمت نمازگزاران شود و یا در معرض نجس کردن مسجد باشد، مکروه است و در غیر این دو صورت، مانعی از راه دادن بچه به مسجد نیست بلکه گاهی اولی و مستحب است، زیرا باعث آشنایی و

علاقه‌مندی آنان به نماز و مسجد می‌شود. کسی که پیاز و سیر و مانند این‌ها خورده، که بوی دهانش مردم را اذیت می‌کند، مکروه است به مسجد برود.

❁ اذان و اقامه

❁ موارد اذان و اقامه

مسئله ۹۴۰. برای مرد و زن مستحب است پیش از نمازهای واجب شبانه‌روز اذان و اقامه بگویند، ولی پیش از نمازهای واجب غیر شبانه‌روز مثل نماز آیات و نماز میت، مستحب است سه مرتبه بگویند «الصَّلَاة».

❁ کیفیت اذان و اقامه

مسئله ۹۴۱. مستحب است در روز یا شبِ اوّلی که بچه به دنیا می‌آید یا پیش از آنکه بند نافش بیفتد، در گوش راستِ او اذان و در گوش چپش اقامه بگویند.

مسئله ۹۴۲. اذان هجده جمله است: «اللَّهُ أَكْبَرُ» چهار مرتبه؛ «أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ، أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ، حَيَّ عَلَى الصَّلَاةِ، حَيَّ عَلَى الْفَلَاحِ، حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ، اللَّهُ أَكْبَرُ، لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» هریک دو مرتبه. و اقامه هفده جمله است؛ یعنی دو مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» از اول اذان و یک مرتبه «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» از آخر آن کم می‌شود و بعد از گفتن «حَيَّ عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ»، باید دو مرتبه «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» اضافه نمود.

مسئله ۹۴۳. «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا وَلِيُّ اللَّهِ» جزء اذان و اقامه نیست ولی خوب است بعد از «أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ»، به قصد قربت و تيمّن و تبرک گفته شود. و بهتر آن است که به این صورت ادا شود: «أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيَّ اللَّهِ» که در نتیجه با این یک جمله، دو شهادت برای ایشان داده خواهد شد؛ یکی شهادت بر امیر بودن حضرت علی علیه السلام بر مؤمنان و دیگری شهادت بر اینکه آن حضرت، ولی خداوند متعال است.

❁ ترجمه اذان و اقامه

«اللَّهُ أَكْبَرُ» یعنی خدای تعالی بزرگ‌تر از آن است که او را وصف کنند.
«أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» یعنی شهادت می‌دهم که خدایی جز خدای یکتا و بی‌همتا نیست.

«أَشْهَدُ أَنْ مُحَمَّدًا رَسُولُ اللَّهِ» یعنی شهادت می‌دهم که حضرت محمد بن عبدالله صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ، پیغمبر و فرستاده خدا است.

«أَشْهَدُ أَنَّ عَلِيًّا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ وَوَلِيَّ اللَّهِ» یعنی شهادت می‌دهم که حضرت علی عَلِيٌّ امیر مؤمنان و ولی خدا بر همه خلق است.

«حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ» یعنی بشتاب برای نماز.

«حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ» یعنی بشتاب برای رستگاری.

«حَتَّى عَلَى خَيْرِ الْعَمَلِ» یعنی بشتاب برای بهترین کارها که نماز است.

«قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ» یعنی به تحقیق نماز برپا شد.

«لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ» یعنی خدایی جز خدای یکتا و بی‌همتا نیست.

✽ شرایط صحت اذان و اقامه

✽ اول: گوینده اذان و اقامه در نماز جماعت مردان یا مردان و زنان، مرد باشد

مسئله ۹۴۴. اذان و اقامه نماز جماعت مردان یا مردان و زنان را باید مرد بگوید، ولی در جماعت زنان اگر زن اذان و اقامه بگوید کافی است.

✽ دوم: ترتیب راعیت کند

مسئله ۹۴۵. اقامه باید بعد از اذان گفته شود و اگر قبل از اذان بگویند صحیح نیست.

مسئله ۹۴۶. اگر کلمات اذان و اقامه را بدون ترتیب بگوید، مثلاً «حَتَّى عَلَى الْفَلَاحِ» را پیش از «حَتَّى عَلَى الصَّلَاةِ» بگوید، باید از جایی که ترتیب به هم خورده، دوباره بگوید.

✽ سوم: موالات راعیت کند

مسئله ۹۴۷. بین جمله‌های اذان و اقامه باید خیلی فاصله نشود و اگر بین آنها بیشتر از معمول فاصله بیندازد، باید دوباره آن را از سر بگیرد.

مسئله ۹۴۸. باید بین اذان و اقامه فاصله ندهد و اگر بین آنها به قدری فاصله دهد که اذانی را که گفته، اذان این اقامه حساب نشود، مستحب است دوباره اذان و اقامه را

بگوید و نیز اگر بین اذان و اقامه و نماز به قدری فاصله دهد که اذان و اقامه آن نماز حساب نشود، مستحب است دوباره برای آن نماز، اذان و اقامه بگوید.

❖ چهارم: اذان و اقامه را به عربی صحیح بگوید

مسئله ۹۴۹. اذان و اقامه باید به عربی صحیح گفته شود؛ پس اگر به عربی غلط بگوید یا به جای حرفی، حرف دیگر بگوید یا مثلاً ترجمه آنها را به فارسی بگوید، صحیح نیست.

❖ پنجم: وقت نماز فرارسیده باشد

مسئله ۹۵۰. اذان و اقامه باید بعد از داخل شدن وقت نماز گفته شود و اگر عمداً یا از روی فراموشی پیش از وقت بگوید، باطل است.

❖ ششم: اقامه را با طهارت بگوید

مسئله ۹۵۱. انسان در موقع گفتن اقامه، باید با وضو یا غسل باشد و اما در اذان، با طهارت بودن مستحب است.

❖ هفتم: اقامه را بنا بر احتیاط لازم روبرو به قبله و ایستاده بگوید

مسئله ۹۵۲. انسان در موقع گفتن اقامه، بنا بر احتیاط لازم روبرو به قبله و ایستاده باشد و اما در اذان، رعایت این دو نکته مستحب است.

❖ هشتم: آهنگ اذان و اقامه، مناسب مجالس لهو و لعب نباشد

مسئله ۹۵۳. اگر اذان و اقامه را با آهنگی بگوید که مناسب مجالس لهو و معصیت است، حرام و باطل می باشد.

❖ موارد ساقط شدن اذان

مسئله ۹۵۴. در پنج نماز، اذان ساقط می شود:

اول: نماز عصر روز جمعه؛

دوم: نماز عصرِ روزِ عرفه؛ که روز نهم ذی حجه است.
سوم: نماز عشاءِ شبِ عید قربان؛ برای کسی که در مشعرالحرام باشد.
چهارم: نماز عصر و عشاءِ زن مستحاضه؛
پنجم: نماز عصر و عشاءِ کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند.

و سقوط اذان در عصرِ روزِ عرفه در عرفات و در عشاءِ شبِ عید قربان در مشعر به طور عزیمت است، یعنی اذان جایز نیست. و اگر در عصرِ روزِ جمعه بخواهد اذان بگوید، رجائاً بگوید، و در غیر این سه مورد، سقوط اذان به نحو رخصت است، یعنی اذان جایز است. در مستحاضه و کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند، احتیاط آن است که اذان را ترک نماید. و در این پنج نماز در صورتی اذان ساقط می‌شود که با نماز قبلی فاصله نشود یا فاصله کمی بین آنها باشد، و بنا بر اقوی فاصله شدن نافله، موجب سقوط اذان نمی‌شود.

✽ موارد ساقط شدن اذان و اقامه

مسئله ۹۵۵. اگر برای نماز جماعتی اذان و اقامه گفته باشند، کسی که با آن جماعت نماز می‌خواند، نباید برای نماز خود، اذان و اقامه بگوید، گرچه اذان و اقامه را نشنیده باشد و یا موقع گفتن آن در جماعت حاضر نباشد.

مسئله ۹۵۶. اگر برای خواندن نماز جماعت به مسجد رود و ببیند جماعت تمام شده، تا وقتی که صف‌ها به هم نخورده و جمعیت متفرق نشده، می‌تواند برای نماز خود اذان و اقامه نگوید.

مسئله ۹۵۷. در جایی که عده‌ای مشغول نماز جماعت اند یا نماز آنان تازه تمام شده و صف‌ها به هم نخورده است، اگر انسان بخواهد به تنهایی یا با جماعت دیگری که برپا می‌شود نماز بخواند با شش شرط اذان و اقامه از او ساقط می‌شود:

اول: نماز جماعت در مسجد باشد؛ و اگر در مسجد نباشد، رجائاً بگوید.

دوم: برای آن نماز، اذان و اقامه گفته باشند.

سوم: نماز جماعت باطل نباشد.

چهارم: نماز او و نماز جماعت در یک مکان باشد؛ پس اگر نماز جماعت، داخل مسجد باشد و او بخواند در بام مسجد نماز بخواند، مستحب است اذان و اقامه بگوید.

پنجم: نماز او و نماز جماعت هر دو ادا باشد. در جایی که نماز جماعت، ادا و نماز او قضا است، سقوط اذان و اقامه بعید نیست.

ششم: وقت نماز او و نماز جماعت مشترک باشد مثلاً هر دو، نماز ظهر یا عصر و یا یکی ظهر و دیگری عصر باشد.

※ احکام دیگر اذان و اقامه

مسئله ۹۵۸. اگر در یکی از شرط‌هایی که در مسئله قبل گفته شد، شک کند، اگر رجائاً اذان و اقامه بگوید، مطابق با احتیاط عمل کرده است.

مسئله ۹۵۹. کسی که اذان و اقامه دیگری را شنیده، چه با او گفته باشد چه نگفته باشد، در صورتی که بین آن اذان و اقامه و نمازی که می‌خواهد بخواند، زیاد فاصله نشده باشد، می‌تواند برای نماز خود اذان و اقامه نگوید.

مسئله ۹۶۰. اگر مرد، اذان زن را با قصد لذت بشنود، اذان از او ساقط نمی‌شود. بلکه اگر قصد لذت هم نداشته باشد، ساقط شدن اذان اشکال دارد، هر چند سقوط اذان در این صورت خالی از وجه نیست.

مسئله ۹۶۱. هرگاه اذان و اقامه را فراموش کند و مشغول نماز شود، اگر تا وارد رکوع رکعت اول نشده، یادش آمد، می‌تواند نماز را رها کند و پس از گفتن اذان و اقامه نماز را دوباره شروع کند.

مسئله ۹۶۲. اگر پیش از گفتن اقامه شک کند که اذان گفته یا نه، باید اذان را بگوید، ولی اگر مشغول اقامه شود و شک کند که اذان گفته یا نه، گفتن اذان لازم نیست.

مسئله ۹۶۳. اگر در بین اذان یا اقامه پیش از آنکه قسمتی را بگوید شک کند که قسمت پیش از آن را گفته یا نه، باید قسمتی را که در گفتن آن شک کرده، بگوید، ولی اگر در حال گفتن فرازی از اذان یا اقامه شک کند که آنچه پیش از آن است گفته یا نه، گفتن آن لازم نیست.

❁ مستحبات اذان و اقامه

مسئله ۹۶۴. کسی که اذان و اقامه دیگری را می شنود، مستحب است هر قسمتی را که می شنود آهسته بگوید.

مسئله ۹۶۵. مستحب است انسان در موقع گفتن اذان، دست ها را به گوش بگذارد و صدا را بلند نماید و بکشد و بین جمله های اذان کمی فاصله دهد و بین آنها حرف نزند.

مسئله ۹۶۶. مستحب است بدن انسان هنگام گفتن اقامه آرام باشد و آن را از اذان آهسته تر بگوید و جمله های آن را به هم نچسباند، ولی به اندازه ای که بین جمله های اذان فاصله می دهد، بین جمله های اقامه فاصله ندهد.

مسئله ۹۶۷. مستحب است بین اذان و اقامه یک قدم بردارد یا قدری بنشیند یا سجده کند یا ذکر بگوید یا دعا بخواند، یا قدری ساکت باشد یا حرفی بزند یا دو رکعت نماز بخواند، ولی حرف زدن بین اذان و اقامه نماز صبح و نماز خواندن بین اذان و اقامه نماز مغرب، مستحب نیست.

مسئله ۹۶۸. مستحب است کسی را که برای گفتن اذان، معین می کنند، عادل و وقت شناس و صدایش بلند باشد و اذان را در جای بلند بگوید.

❁ واجبات نماز

واجبات نماز یازده مورد است:

اول: نیت؛

دوم: قیام یعنی ایستادن؛

سوم: تکبیرة الإحرام یعنی گفتن الله اکبر در اول نماز؛

چهارم: رکوع؛

پنجم: سجود؛

ششم: قرائت؛

هفتم: ذکر؛

هشتم: تشهد؛

نهم: سلام؛

دهم: ترتیب؛

یازدهم: موالات یعنی پی در پی بودن اجزای نماز.

و احکام این‌ها در مسائل آینده گفته می‌شود.

✽ اول: نیت

مسئله ۹۶۹. انسان باید نماز را به نیت قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم به جا آورد و لازم نیست نیت را از قلب خود بگذراند یا مثلاً به زبان بگوید که چهار رکعت نماز ظهر می‌خوانم قربۀاً إلی الله، بلکه در نماز احتیاط، احتیاط لازم، نگفتن به زبان است.

مسئله ۹۷۰. اگر در نماز ظهر یا در نماز عصر نیت کند که چهار رکعت نماز می‌خوانم و معین نکند، ظهر است یا عصر، نماز او باطل است. و نیز کسی که مثلاً قضای نماز ظهر بر او واجب است، اگر در وقت نماز ظهر بخواهد آن نماز قضا یا نماز ظهر را بخواند، باید نمازی را که می‌خواند، در نیت معین کند.

مسئله ۹۷۱. انسان باید از اول تا آخر نماز به نیت خود باقی باشد؛ پس اگر در بین نماز به طوری غافل شود که اگر پرسند چه می‌کنی، نداند چه بگوید، نمازش باطل است.

مسئله ۹۷۲. انسان باید فقط برای انجام امر خداوند عالم نماز بخواند، پس کسی که ریا کند یعنی برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، نمازش باطل است، چه فقط برای مردم باشد چه خدا و مردم، هر دو را در نظر بگیرد.

مسئله ۹۷۳. اگر قسمتی از نماز را هم برای غیر خدا به جا آورد، نماز باطل است، چه آن قسمت، واجب باشد مثل حمد و سوره، چه مستحب باشد مانند قنوت؛ لکن در جزء مستحب، احتیاط مستحب آن است که نماز را تمام و دوباره اعاده نماید، بلکه اگر تمام نماز را برای خدا به جا آورد ولی برای نشان دادن به مردم در جای مخصوصی مثل مسجد یا در وقت مخصوصی مثل اول وقت یا به طرز مخصوصی مثلاً با جماعت نماز بخواند، نمازش باطل است.

مسئله ۹۷۴. اگر شخص برای آموزش یا توجه دادن دیگران به اهمیت نماز، قرائت یا رکوع و سجود خود را بهتر از معمول و با قصد قربت انجام دهد، اشکال ندارد و نیز اگر

امام جماعت به خاطر جماعت، نماز خود را بهتر از فردای بخواند، ریا نیست.

❖ دوم: تکبیرة الاحرام

مسئله ۹۷۵. گفتن «الله اکبر» در اول هر نماز، واجب و رکن است و باید حروف «الله» و حروف «اکبر» و دو کلمه «الله» و «اکبر» را پشت سرهم بگوید و نیز باید این دو کلمه به عربی صحیح گفته شود و اگر به عربی غلط بگوید یا مثلاً ترجمه آن را به فارسی بگوید صحیح نیست، مگر در صورت ناتوانی و اضطرار که به مقدار مقدور اکتفا می شود. و در ابتدای بحث واجبات نماز گذشت که زیاد شدن سهوی تکبیرة الاحرام بنابر احتیاط، موجب باطل شدن نماز است. بنابراین احتیاط، اتمام نماز و اعاده آن است.

مسئله ۹۷۶. احتیاط واجب آن است که تکبیرة الاحرام نماز را به چیزی که پیش از آن می خواند، مثلاً به اقامه یا به دعایی که پیش از تکبیر می خواند نچسباند.

مسئله ۹۷۷. اگر انسان بخواهد «الله اکبر» را به چیزی که بعد از آن می خواند مثلاً به «بسم الله الرحمن الرحيم» بچسباند، باید «ر» اکبر را ضمّه بدهد.

مسئله ۹۷۸. موقع گفتن تکبیرة الاحرام، باید بدن آرام باشد و اگر عمداً در حالی که بدنش حرکت دارد، تکبیرة الاحرام را بگوید، باطل است.

مسئله ۹۷۹. تکبیر و حمد و سوره و ذکر و دعا را باید طوری بخواند که خودش بشنود و اگر به واسطه سنگینی یا کری گوش یا سروصدای زیاد نمی شنود، باید طوری بگوید که اگر مانعی نباشد بشنود.

مسئله ۹۸۰. کسی که لال است یا زبان او بیماری ای دارد که نمی تواند «الله اکبر» را درست بگوید، باید هر طور می تواند بگوید و اگر اصلاً نمی تواند بگوید، باید در قلب خود بگذراند و برای تکبیر، اشاره کند و اگر می تواند زبانش را هم حرکت دهد.

مسئله ۹۸۱. اگر شک کند که تکبیرة الاحرام را گفته یا نه، چنانچه مشغول خواندن چیزی شده، به شک خود اعتنا نکند و اگر چیزی نخوانده، باید تکبیر را بگوید.

مسئله ۹۸۲. اگر بعد از گفتن تکبیرة الاحرام شک کند که آن را صحیح گفته یا نه، چنانچه مشغول خواندن چیزی شده، به شک خود اعتنا نکند و همچنین است اگر

چیزی نخوانده، لکن احتیاط مستحب آن است که در این صورت نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

❦ مستحبات تکبیرة الاحرام

مسئله ۹۸۳. مستحب است بعد از تکبیرة الاحرام بگوید:

«يَا مُحْسِنُ قَدْ أَتَاكَ الْمُسِيءُ وَقَدْ أَمَرْتَ الْمُحْسِنَ أَنْ يَتَجَاوَزَ عَنِ الْمُسِيءِ أَنْتَ الْمُحْسِنُ وَأَنَا الْمُسِيءُ بِحَقِّ مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَتَجَاوَزْ عَنِ قَبِيحٍ مَا تَعْلَمُ مِنِّي».

یعنی ای خدایی که به بندگان احسان می کنی! بنده گناهکار در خانه تو آمده و تو امر کرده ای که نیکوکار از گناهکار بگذرد، تو نیکوکاری و من گناهکار. به حق محمد و آل محمد وآل الله رحمت خود را بر محمد و آل محمد وآل الله بفرست و از بدی هایی که می دانی از من سرزده بگذر.

مسئله ۹۸۴. مستحب است موقع گفتن تکبیر اول نماز و تکبیرهای بین نماز، دست ها را تا مقابل گوش ها بالا ببرد.

❦ سوم: قیام

مسئله ۹۸۵. ایستادن و قیام در چهار قسمت نماز، در صورت امکان واجب است:

(۱) قیام در هنگام گفتن تکبیرة الاحرام؛

(۲) قیام پیش از رکوع؛ که آن را «قیام متصل به رکوع» می گویند.

(۳) قیام در هنگام قرائت (خواندن حمد و سوره و تسبیحات اربعه)؛

(۴) قیام بعد از رکوع.

قیام در مورد اول و دوم، علاوه بر واجب بودن، رکن نیز می باشد، ولی قیام در مورد سوم و چهارم، هر چند واجب می باشد، اما رکن نیست و اگر کسی آن را از روی فراموشی ترک کند، نمازش صحیح است.

مسئله ۹۸۶. واجب است پیش از گفتن تکبیر و بعد از آن، مقداری بایستند تا یقین کند که در حال ایستادن تکبیر گرفته است.

مسئله ۹۸۷. معنای قیام متصل به رکوع این است که از حال قیام به رکوع برود، بنابراین اگر رکوع را فراموش کند و بعد از حمد و سوره بنشیند و یادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و سپس به رکوع رود و اگر بدون اینکه بایستد، به حال خمیدگی به رکوع برگردد، چون قیام متصل به رکوع را به جا نیاورده، نماز او باطل است.

مسئله ۹۸۸. هنگامی که برای تکبیرة الاحرام یا قرائت ایستاده است، باید بدن را حرکت ندهد و به طرفی خم نشود و به جایی تکیه نکند ولی اگر از روی ناچاری باشد یا در حال خم شدن برای رکوع، پاها را حرکت دهد اشکال ندارد.

مسئله ۹۸۹. اگر هنگامی که ایستاده، از روی فراموشی بدن را حرکت دهد یا به طرفی خم شود یا به جایی تکیه کند، اشکال ندارد ولی در قیام موقع گفتن تکبیرة الاحرام و قیام متصل به رکوع اگر از روی فراموشی هم باشد، بنا بر احتیاط مستحب، نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

مسئله ۹۹۰. باید در موقع ایستادن، هر دو پا روی زمین باشد، ولی لازم نیست سنگینی بدن روی هر دو پا باشد و اگر روی یک پا هم باشد، اشکال ندارد.

مسئله ۹۹۱. کسی که می تواند درست بایستد، اگر پاها را خیلی باز بگذارد به حدی که به او ایستاده نگویند، نمازش باطل است.

مسئله ۹۹۲. موقعی که انسان در نماز مشغول خواندن چیزی است، حتی هنگام گفتن ذکرهای مستحبی نماز، باید بدنش آرام باشد و هنگامی که می خواهد کمی جلو یا عقب رود یا کمی بدن را به طرف راست یا چپ حرکت دهد، باید چیزی نگوید ولی «بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ» را باید در حال برخاستن بگوید.

مسئله ۹۹۳. اگر با علم و عمد، در حال حرکت بدن ذکر بگوید، مثلاً هنگام رفتن به رکوع یا رفتن به سجده، تکبیر بگوید، چنانچه آن را به قصد ذکر که در نماز دستور داده اند بگوید، باید احتیاطاً نماز را دوباره بخواند و اگر به این قصد نگوید، بلکه بخواهد ذکر گفته باشد، نماز صحیح است.

مسئله ۹۹۴. حرکت دادن دست و انگشتان در موقع خواندن حمد و سوره و تسبیحات اربعه، اشکال ندارد، هر چند احتیاط مستحب آن است که آنها را هم حرکت ندهد.

مسئله ۹۹۵. اگر موقع خواندن حمد و سوره یا خواندن تسبیحات، بی اختیار به قدری

حرکت کند که از حال آرام بودن خارج شود، احتیاط واجب آن است که بعد از آرام گرفتن بدن، آنچه را در حال حرکت خوانده دوباره بخواند.

مسئله ۹۹۶. اگر در بین نماز، از ایستادن عاجز شود، باید بنشیند و اگر از نشستن هم عاجز شود، باید بخوابد ولی تا بدنش آرام نگرفته، باید چیزی نخواند.

مسئله ۹۹۷. تا انسان می‌تواند ایستاده نماز بخواند، نباید بنشیند مثلاً کسی که هنگام ایستادن، بدنش حرکت می‌کند یا مجبور است به چیزی تکیه دهد یا بدنش را کج کند یا خم شود یا پاها را بیشتر از معمول باز بگذارد باید به هر طریقی که می‌تواند، ایستاده نماز بخواند ولی اگر به هیچ قسم حتی مثل حال رکوع هم نتواند بایستد، باید راست بنشیند و نشسته نماز بخواند.

مسئله ۹۹۸. اگر شخص می‌تواند حتی با تکیه بر عصا و صندلی، ایستاده نماز بخواند و رکوع کند و تنها از انجام سجده معذور است، برای سجده روی صندلی بنشیند و روی میز سجده کند و اما اگر از ایستادن هم معذور است، باید نشسته نماز بخواند و روی صندلی نخواند.

مسئله ۹۹۹. تا انسان می‌تواند بنشیند، نباید خوابیده نماز بخواند و اگر نتواند راست بنشیند، باید هر طور که می‌تواند بنشیند و اگر به هیچ طریقی نمی‌تواند بنشیند، باید به طوری که در احکام قبله گفته شد به پهلو راست بخوابد و اگر نمی‌تواند، به پهلو چپ و اگر آن هم ممکن نیست به پشت بخوابد، به طوری که کف پاهای او رو به قبله باشد.

مسئله ۱۰۰۰. کسی که نشسته نماز می‌خواند، اگر بعد از خواندن حمد و سوره بتواند بایستد و رکوع را ایستاده به جا آورد، باید بایستد و از حال ایستاده به رکوع رود و اگر نتواند، باید رکوع را هم نشسته به جا آورد.

مسئله ۱۰۰۱. کسی که خوابیده نماز می‌خواند، اگر در بین نماز بتواند بنشیند، باید مقداری را که می‌تواند، نشسته بخواند. و نیز اگر می‌تواند بایستد، باید مقداری را که می‌تواند، ایستاده بخواند، ولی تا بدنش آرام نگرفته باید چیزی از اذکار - اگرچه مستحب را - نخواند.

مسئله ۱۰۰۲. کسی که نشسته نماز می‌خواند اگر در بین نماز بتواند بایستد، باید مقداری

را که می‌تواند، ایستاده بخواند ولی تا بدنش آرام نگرفته، باید چیزی از اذکار - اگرچه مستحب را - نخواند.

مسئله ۱۰۰۳. کسی که می‌تواند بایستد اگر بترسد و احتمال عقلایی بدهد که به واسطه ایستادن بیمار شود یا ضرری به او برسد، می‌تواند نشسته نماز بخواند و اگر از نشستن هم بترسد، می‌تواند خوابیده نماز بخواند.

مسئله ۱۰۰۴. اگر انسان احتمال بدهد که تا آخر وقت بتواند ایستاده نماز بخواند، باید نماز را تأخیر بیندازد، پس اگر نتوانست بایستد، در آخر وقت، مطابق وظیفه‌اش نماز به جا آورد.

❖ مستحبات قیام

مسئله ۱۰۰۵. مستحب است در حال ایستادن، بدن را راست نگه دارد، شانه‌ها را پایین بیندازد، دست‌ها را روی ران‌ها بگذارد، انگشت‌ها را به هم بچسباند، جای سجده را نگاه کند، سنگینی بدن را به طور مساوی روی دو پا بیندازد، با خضوع و خشوع باشد، پاها را پس‌پیش نگذارد. اگر مرد است، پاها را از سه انگشت باز، تا یک وجب فاصله دهد و اگر زن است، پاها را به هم بچسباند.

❖ چهارم: قرائت

❖ احکام قرائت رکعت اول و دوم

مسئله ۱۰۰۶. در رکعت اول و دوم نمازهای واجب شبانه‌روز، انسان باید اول حمد و بعد از آن یک سوره تمام بخواند.

مسئله ۱۰۰۷. اگر وقت نماز تنگ باشد یا انسان ناچار شود که سوره را نخواند، مثلاً بترسد که اگر سوره را بخواند دزد یا درنده، یا چیز دیگری به او صدمه بزند، نباید سوره را بخواند و اگر در کاری عجله داشته باشد که ترک عجله موجب مشقت می‌شود، می‌تواند سوره را نخواند.

مسئله ۱۰۰۸. اگر عمداً سوره را پیش از حمد بخواند، نمازش باطل است و اگر اشتبهاً سوره را پیش از حمد بخواند و در بین آن یادش بیاید، باید سوره را رها کند و بعد از خواندن حمد، سوره را از اول بخواند.

مسئله ۱۰۰۹. اگر حمد و سوره یا یکی از آنها را فراموش کند و بعد از رسیدن به رکوع بفهمد، نمازش صحیح است. و بنابر احتیاط مستحب برای حمد یا سوره فراموش شده، دو سجده سهو بعد از نماز به جا آورد.

مسئله ۱۰۱۰. اگر پیش از آنکه برای رکوع خم شود، بفهمد که حمد و سوره را نخوانده، باید بخواند و اگر بفهمد سوره را نخوانده، باید فقط سوره را بخواند ولی اگر بفهمد حمد تنها را نخوانده، باید اول حمد و بعد از آن دوباره سوره را بخواند و نیز اگر خم شود و پیش از آنکه به رکوع برسد، بفهمد حمد و سوره یا سوره تنها یا حمد تنها را نخوانده، باید بایستد و به همین دستور عمل نماید.

مسئله ۱۰۱۱. اگر در نماز فریضه یکی از چهار سوره‌ای را که آیه سجده دارد و در مسئله «۴۰۰» گفته شد، عمداً بخواند، نمازش باطل است.

مسئله ۱۰۱۲. اگر اشتباهاً مشغول خواندن سوره‌ای شود که سجده واجب دارد، چنانچه پیش از رسیدن به آیه سجده بفهمد، باید آن سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند و اگر بعد از خواندن آیه سجده بفهمد، باید در بین نماز با اشاره، سجده آن را به جا آورد و ظاهراً سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند و به رکوع رود و نماز را تمام کند و بعد از نماز، بنابر احتیاط سجده آن را به جا آورد.

مسئله ۱۰۱۳. اگر در نماز، آیه سجده را بشنود، نمازش صحیح است و بنابر احتیاط برای سجده واجب اشاره کند و بعد از نماز هم سجده را به جا آورد.

مسئله ۱۰۱۴. در نماز مستحبی خواندن سوره لازم نیست، هرچند آن نماز به واسطه نذر کردن واجب شده باشد، ولی در بعضی از نمازهای مستحبی مثل نماز وحشت (نماز شب اول دفن میت که برای رفع وحشت وی خوانده می‌شود) که سوره مخصوصی دارد، اگر بخواهد به دستور آن نماز رفتار کرده باشد، باید همان سوره را بخواند.

مسئله ۱۰۱۵. در نماز جمعه و در نماز ظهر روز جمعه مستحب است در رکعت اول بعد از «حمد»، سوره «جمعه» و در رکعت دوم بعد از «حمد»، سوره «منافقین» بخواند و اگر مشغول یکی از این‌ها شود، بنابر احتیاط واجب نمی‌تواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند.

مسئله ۱۰۱۶. اگر بعد از حمد مشغول خواندن سوره توحید (قل هو الله احد) یا سوره کافرون (قل یا ایها الکافرون)، شود، نمی‌تواند آن را رها کند و سوره دیگر بخواند ولی اگر در نماز

جمعه و نماز ظهر روز جمعه، از روی فراموشی به جای سوره «جمعه» و «منافقین»، یکی از این دو سوره را بخواند، تا به نصف نرسیده، می تواند آن را رها کند و سوره «جمعه» و «منافقین» را بخواند.

مسئله ۱۰۱۷. اگر در نماز جمعه یا نماز ظهر روز جمعه، عمداً سوره «قل هو الله احد» یا سوره «قل یا ایها الکافرون» بخواند، هرچند به نصف نرسیده باشد، بنابر احتیاط واجب نمی تواند رها کند و سوره «جمعه» و «منافقین» را بخواند.

مسئله ۱۰۱۸. اگر در نماز، غیر سوره توحید (قل هو الله احد) و کافرون (قل یا ایها الکافرون)، سوره دیگری بخواند، تا به نصف نرسیده، می تواند رها کند و سوره دیگر بخواند و بنابر احتیاط مابین نصف و دوثلث آن را رها نکند و پس از اینکه به دوثلث رسید عدول جایز نیست.

مسئله ۱۰۱۹. اگر مقداری از سوره را فراموش کند یا از روی ناچاری، مثلاً به واسطه تنگی وقت یا جهت دیگر، نشود آن را تمام نماید، می تواند آن سوره را رها کند و سوره دیگر بخواند، هرچند از نصف گذشته باشد یا سوره ای را که می خوانده «قل هو الله احد» یا «قل یا ایها الکافرون» باشد.

مسئله ۱۰۲۰. بر مرد واجب است حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند بخواند و بر مرد و زن واجب است حمد و سوره نماز ظهر و عصر را آهسته بخوانند.

مسئله ۱۰۲۱. مرد باید در نماز صبح و مغرب و عشا مواظب باشد که تمام کلمات حمد و سوره حتی حرف آخر آنها را بلند بخواند.

مسئله ۱۰۲۲. زن می تواند حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را بلند یا آهسته بخواند، ولی اگر نامحرم صدایش را بشنود، بنابر احتیاط مستحب آهسته بخواند.

مسئله ۱۰۲۳. اگر در جایی که باید نماز را بلند بخواند، عمداً آهسته بخواند، یا در جایی که باید آهسته بخواند، عمداً بلند بخواند، نمازش باطل است ولی اگر از روی فراموشی یا ندانستن حکم مسئله باشد، صحیح است، مگر آنکه در نداشتن مسئله معذور نباشد. اگر در بین خواندن حمد و سوره هم بفهمد اشتباه کرده، لازم نیست مقداری را که خوانده، دوباره بخواند.

مسئله ۱۰۲۴. اگر کسی در خواندن حمد و سوره در نمازی که باید بلند بخواند، بیشتر از معمول صدایش را بلند کند، مثل آنکه آنها را با فریاد بخواند، نمازش باطل است.

مسئله ۱۰۲۵. اگر کسی در خواندن حمد و سوره در نمازی که باید آهسته بخواند، بیشتر از معمول صدایش را کم کند به طوری که خودش هم صدای خود را نشنود، نمازش باطل است.

مسئله ۱۰۲۶. انسان باید نماز را یاد بگیرد که غلط نخواند و کسی که به هیچ طریقی نمی تواند صحیح آن را یاد بگیرد، باید هر طور که می تواند بخواند و احتیاط لازم آن است که نماز را به جماعت به جا آورد مگر آنکه بر او حرج باشد.

مسئله ۱۰۲۷. کسی که حمد و سوره و چیزهای دیگر نماز را به خوبی نمی داند و می تواند یاد بگیرد، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید یاد بگیرد و اگر وقت تنگ است بنابر احتیاط واجب در صورتی که ممکن باشد، باید نمازش را به جماعت بخواند.

مسئله ۱۰۲۸. احتیاط واجب آن است که برای یاد دادن واجبات نماز مزد نگیرند، ولی برای مستحبات آن اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۲۹. اگر یکی از کلمات حمد یا سوره را نداند و نگوید، یا شک داشته باشد و نگوید، یا عمداً آن را نگوید، یا به جای حرفی، حرف دیگر بگوید، مثلاً به جای «ض»، «ظ» بگوید، یا جایی که باید بدون زیر و زبر (کسره و فتحه) خوانده شود، زیر و زبر بدهد، یا تشدید را نگوید، نماز او باطل است.

مسئله ۱۰۳۰. اگر انسان کلمه ای را صحیح بداند و در نماز همان طور بخواند و بعد بفهمد غلط خوانده، باید دوباره نماز را بخواند و اگر وقت گذشته، قضا نماید.

مسئله ۱۰۳۱. اگر زیر و زبر کلمه ای را نداند یا مثلاً نداند کلمه ای با «سین» است یا با «صاد»، باید یاد بگیرد و چنانچه دو جور یا بیشتر بخواند، مثل آنکه در «إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ»، مستقیم را یک مرتبه با سین و یک مرتبه با صاد بخواند، نمازش باطل است مگر آنکه هر دو شکل، عربی صحیح و از قرائت متداول نیز باشد و هر دو را به امید رسیدن به واقع بخواند.

مسئله ۱۰۳۲. اگر در کلمه ای «واو» باشد و حرف قبل از «واو» در آن کلمه، پیش (ضمه) داشته باشد و حرف بعد از «واو» در آن کلمه همزه «ء» باشد مثل کلمه «سوء» و همچنین اگر در کلمه ای «الف» باشد و حرف بعد از «الف» در آن کلمه، همزه باشد مثل «جاء» و نیز اگر در کلمه ای «ی» باشد و حرف پیش از «ی» در

آن کلمه، زیر (کسره) داشته باشد و حرف بعد از «ی» در آن کلمه همزه باشد مثل «جیء»، بنابراین احتیاط واجب - اگر قائل به وجوب نباشیم - حرف «واو» و «الف» و «ی» را مَدّ بدهد یعنی آنها را بکشد. و اگر بعد از این «واو» و «الف» و «ی»، به جای همزه «ء» حرفی باشد که ساکن است یعنی زیر و زبر و پیش ندارد، باز هم بنابر احتیاط واجب - اگر قائل به وجوب نباشیم - این سه حرف را با مَدّ بخواند، مثلاً در «وَلَا الضَّالِّينَ» که بعد از «الف» حرف لَام ساکن است، باید «الف» آن را با مَدّ بخواند. و چنانچه به دستوری که گفته شد رفتار نکند، احتیاط واجب آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

مسئله ۱۰۳۳. احتیاط واجب آن است که در نماز، «وقف به حرکت» ننماید و معنای وقف به حرکت آن است که زیر یا زبر یا پیش آخر کلمه‌ای را بگوید و بین آن کلمه و کلمه بعدش فاصله دهد. مثلاً بگوید «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» و میم «الرحیم» را زیر بدهد و بعد قدری فاصله دهد و بگوید «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ».

و احتیاط مستحب آن است که در نماز، «وصل به سکون» ننماید و معنای وصل به سکون آن است که زیر یا زبر یا پیش کلمه‌ای را نگوید و آن کلمه را به کلمه بعد بچسباند مثل آنکه بگوید «الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ» و میم «الرحیم» را زیر ندهد و فوراً «مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ» را بگوید.

✽ احکام قرائت رکعت سوم و چهارم

مسئله ۱۰۳۴. در رکعت سوم و چهارم نماز می‌تواند فقط یک حمد بخواند یا یک مرتبه تسبیحات اربعه بگوید یعنی بگوید «سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ» و بهتر آن است که این تسبیحات را سه مرتبه بگوید و می‌تواند در یک رکعت، حمد و در رکعت دیگر تسبیحات بگوید و بهتر است در هر دو رکعت تسبیحات بخواند.

مسئله ۱۰۳۵. در تنگی وقت باید تسبیحات اربعه را یک مرتبه بگوید و در وسعت وقت یک مرتبه کافی است، لکن سزاوار است سه مرتبه ترک نشود، مگر در ضرورت.

مسئله ۱۰۳۶. بر مرد و زن واجب است که در رکعت سوم و چهارم نماز، حمد یا تسبیحات را آهسته بخوانند.

مسئله ۱۰۳۷. اگر در رکعت سوم و چهارم حمد بخواند، بنا بر احتیاط واجب باید «بسم الله» آن را هم آهسته بگوید.

مسئله ۱۰۳۸. کسی که نمی‌تواند تسبیحات را یاد بگیرد یا درست بخواند، باید در رکعت سوم و چهارم حمد بخواند.

مسئله ۱۰۳۹. اگر در دو رکعت اول نماز به خیال اینکه دو رکعت آخر است تسبیحات بگوید، چنانچه پیش از رکوع بفهمد، باید حمد و سوره را بخواند و اگر در رکوع یا بعد از رکوع بفهمد، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۰۴۰. اگر در دو رکعت آخر نماز به خیال اینکه در دو رکعت اول است حمد بخواند یا در دو رکعت اول نماز با اینکه گمان می‌کرده در دو رکعت آخر است حمد بخواند، چه پیش از رکوع بفهمد چه بعد از آن، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۰۴۱. اگر در رکعت سوم یا چهارم می‌خواست حمد بخواند، تسبیحات به زبانش آمد یا می‌خواست تسبیحات بخواند حمد به زبانش آمد، باید آن را رها کند و دوباره حمد یا تسبیحات را بخواند. ولی اگر قصدش خواندن چیزی بوده که به زبانش آمده، هر چند به واسطه عادت باشد می‌تواند همان را تمام کند و نمازش صحیح است.

مسئله ۱۰۴۲. کسی که عادت دارد در رکعت سوم و چهارم، تسبیحات بخواند اگر با غفلت از عادت خود به قصد ادای وظیفه، حمد بخواند، کفایت می‌کند و اگر با غفلت از عادت خود و در حالی که قصد انجام وظیفه هم ندارد حمد بخواند، باید آن را رها کند و دوباره حمد یا تسبیحات را بخواند.

مسئله ۱۰۴۳. در رکعت سوم و چهارم، مستحب است بعد از تسبیحات استغفار کند، مثلاً بگوید: «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» یا بگوید «اللَّهُمَّ اغْفِرْ لِي» و کسی که مشغول استغفار است اگر شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، چنانچه خود را در استغفار بعد از حمد یا تسبیحات ببیند، باید به شک خود اعتنا نکند و گرنه باید حمد یا تسبیحات را بخواند و نیز اگر نمازگزار پیش از خم شدن برای رکوع، در حالی که مشغول استغفار نیست، شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، باید حمد یا تسبیحات را بخواند.

مسئله ۱۰۴۴. اگر در رکوع رکعت سوم یا چهارم شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر در حال رفتن به رکوع شک کند که حمد یا تسبیحات را خوانده یا نه، بنابر احتیاط واجب باید برگردد و حمد یا سوره را بخواند.

مسئله ۱۰۴۵. هرگاه بعد از تمام شدن آیه یا کلمه‌ای شک کند که آن را درست گفته یا نه، تا در رکن بعد وارد نشده، می‌تواند برگردد و احتیاطاً آن آیه یا کلمه را به شکل صحیح بگوید یا بنابر صحت بگذارد و به شک اعتنا نکند. ولی اگر جزء بعدی رکن باشد، مثلاً در رکوع شک کند که سوره را درست خوانده یا نه، نمی‌تواند برگردد و باید به شک خود اعتنا نکند.

❦ مستحبات قرائت

مسئله ۱۰۴۶. مستحب است در رکعت اول، پیش از خواندن حمد بگوید: «أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» یا «أَعُوذُ بِاللَّهِ السَّمِيعِ الْعَلِيمِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ» و در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر، «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» را بلند بگوید و نیز مستحب است در تمام نمازها حمد و سوره را شمرده بخواند و در آخر هر آیه وقف کند یعنی آن را به آیه بعد نچسباند، و در حال خواندن حمد و سوره، به معنای آیه توجه داشته باشد. و اگر نماز را به جماعت می‌خواند، بعد از تمام شدن حمد امام و اگر فردی می‌خواند، بعد از آنکه حمد خودش تمام شد، بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ». بعد از خواندن سوره «قل هو الله أحد»، یک یا دو یا سه مرتبه، «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبِّي» یا سه مرتبه «كَذَلِكَ اللَّهُ رَبُّنَا» بگوید. بعد از خواندن سوره کمی صبر کند بعد تکبیر پیش از رکوع را بگوید یا قنوت را بخواند.

مسئله ۱۰۴۷. مستحب است در تمام نمازها در رکعت اول، سوره «إِنَّا أَنْزَلْنَاهُ» و در رکعت دوم، سوره «قل هو الله أحد» را بخواند.

❦ مکروهات قرائت

مسئله ۱۰۴۸. مکروه است انسان در تمام نمازهای یک شبانه‌روز سوره «قل هو الله أحد» را نخواند.

مسئله ۱۰۴۹. خواندن سوره «قل هو الله احد» به یک نفس مکروه است و نیز خواندن سوره حمد و سوره «قل هو الله احد» به یک نفس مکروه است و بعید نیست که خواندن سوره حمد به تنهایی نیز به یک نفس مکروه باشد.

مسئله ۱۰۵۰. سوره ای را که در رکعت اول خوانده، مکروه است در رکعت دوم بخواند ولی اگر سوره «قل هو الله احد» را در هر دو رکعت بخواند، مکروه نیست.

✽ پنجم: رکوع

مسئله ۱۰۵۱. نمازگزار در هر رکعت بعد از قرائت باید رکوع نماید؛ یعنی طوری که در مسائل بعد ذکر می شود خم شود.

✽ واجبات رکوع

✽ اول: خم شدن

مسئله ۱۰۵۲. در هر رکعت بعد از قرائت باید به اندازه ای خم شود که بتواند دست را به زانو بگذارد و این عمل را «رکوع» می گویند.

مسئله ۱۰۵۳. اگر به اندازه رکوع خم شود ولی دست ها را به زانو نگذارد، اشکال ندارد، هر چند مستحب این است که دست ها را به زانو بگذارد.

مسئله ۱۰۵۴. هرگاه رکوع را به طور غیر معمول به جا آورد، مثلاً به چپ یا راست خم شود، هر چند دست های او به زانو برسد، صحیح نیست.

مسئله ۱۰۵۵. خم شدن باید به قصد رکوع باشد، پس اگر به قصد کار دیگر مثلاً برای کشتن جانور خم شود، نمی تواند آن را رکوع حساب کند، بلکه باید بایستد و دوباره برای رکوع خم شود و به واسطه این عمل، رکن زیاد نشده و نماز باطل نمی شود.

مسئله ۱۰۵۶. کسی که دست یا زانوی او با دست و زانوی دیگران فرق دارد، مثلاً دستش خیلی بلند است که اگر کمی خم شود به زانو می رسد یا زانوی او پایین تر از مردم دیگر است که باید خیلی خم شود تا دستش به زانو برسد، باید به اندازه معمول خم شود.

مسئله ۱۰۵۷. کسی که نشسته رکوع می کند، باید به قدری خم شود که صورتش مقابل زانوها برسد و بهتراست به قدری خم شود که صورت نزدیک جای سجده برسد.

❖ دوم: ذکر رکوع

مسئله ۱۰۵۸. احتیاط آن است که در رکوع، سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ» بگوید و سزاوار است به قدر امکان، مراعات این احتیاط بشود هرچند مطلق ذکر از تحمید و تسبیح و تهلیل کافی است به شرط آنکه مثلاً به اندازه سه «سُبْحَانَ اللَّهِ» باشد، ولی در تنگی وقت و در حال ناچاری، گفتن یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» کافی است.

مسئله ۱۰۵۹. ذکر رکوع باید دنبال هم و به عربی صحیح گفته شود و مستحب است آن را سه یا پنج یا هفت مرتبه بلکه بیشتر بگویند.

❖ سوم: استقرار و آرامش بدن

مسئله ۱۰۶۰. در رکوع باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و در ذکر مستحب هم اگر آن را به قصد ذکر که برای رکوع دستور داده‌اند بگوید، بنابر احتیاط واجب، آرام بودن بدن لازم است.

مسئله ۱۰۶۱. اگر هنگامی که ذکر واجب رکوع را می‌گوید، بی اختیار به قدری حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج شود، باید بعد از آرام گرفتن بدن دوباره ذکر را بگوید، ولی اگر کمی حرکت کند که از حال آرام بودن بدن خارج نشود یا انگشتان را حرکت دهد، اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۶۲. اگر پیش از آنکه به مقدار رکوع خم شود و بدن آرام بگیرد عمداً ذکر رکوع را بگوید، باید بعد از رسیدن به رکوع و آرام گرفتن بدن، دوباره ذکر را بگوید و بنابر احتیاط لازم نماز را پس از اتمام، اعاده نماید، اگر نگوئیم اقوی این است که نماز را رها کند و اعاده نماید. و اگر به همان ذکر اول، اکتفا نماید نماز باطل است.

مسئله ۱۰۶۳. اگر پیش از تمام شدن ذکر واجب، عمداً سر از رکوع بردارد، نمازش باطل است و اگر سهواً سر بردارد، چنانچه پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود یادش بیاید که ذکر رکوع را تمام نکرده، باید در حال آرامی بدن دوباره ذکر را بگوید و اگر بعد از آنکه از حال رکوع خارج شد، یادش بیاید، نماز او صحیح است.

مسئله ۱۰۶۴. اگر نتواند به مقدار ذکر در رکوع بماند، طبق آنچه قبلاً در مسئله «۱۰۵۸»

گذشت باید به یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» اکتفا کند و اگر در وسط ذکر رکوع نتوانست ادامه دهد، احتیاط واجب آن است که بقیه آن را در حال برخاستن، به قصد رجا بگوید.

مسئله ۱۰۶۵. اگر به واسطه بیماری و مانند آن، در رکوع آرام نگیرد، نماز صحیح است ولی باید پیش از آنکه از حال رکوع خارج شود، ذکر واجب را بگوید.

✽ چهارم: قیام بعد از رکوع

مسئله ۱۰۶۶. بعد از تمام شدن ذکر رکوع، باید راست بایستد و بعد از آنکه بدن آرام گرفت به سجده رود و اگر عمداً پیش از ایستادن، یا پیش از آرام گرفتن بدن، به سجده رود، نمازش باطل است.

✽ احکام دیگر رکوع

مسئله ۱۰۶۷. هرگاه نتواند به اندازه رکوع خم شود، باید به چیزی تکیه دهد و رکوع کند و اگر موقعی هم که تکیه داده، نتواند به طور معمول رکوع کند، باید به هر اندازه می تواند خم شود و با سر، اشاره به رکوع نیز بنماید و اگر اصلاً نتواند خم شود هر چند با سر اشاره کردن برای رکوع، خالی از وجه نیست ولی احتیاط واجب آن است که نماز دیگری هم بخواند و موقع رکوع بنشیند و نشسته رکوع کند.

مسئله ۱۰۶۸. کسی که می تواند ایستاده نماز بخواند، اگر در حال ایستاده یا نشسته نتواند رکوع کند، باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره کند و اگر نتواند اشاره کند، باید به نیت رکوع چشم ها را هم بگذارد و ذکر آن را بگوید و به نیت برخاستن از رکوع، چشم ها را باز کند و اگر از این هم ناتوان است، باید در قلب، نیت رکوع کند و ذکر آن را بگوید.

مسئله ۱۰۶۹. کسی که نمی تواند ایستاده یا نشسته رکوع کند و برای رکوع فقط می تواند در حالی که نشسته است کمی خم شود یا در حالی که ایستاده است با سر اشاره کند، باید ایستاده نماز بخواند و برای رکوع با سر اشاره نماید و احتیاط مستحب آن است که نماز دیگری هم بخواند و موقع رکوع آن بنشیند و هر قدر می تواند برای رکوع خم شود.

مسئله ۱۰۷۰. اگر بعد از رسیدن به حد رکوع، سر بردارد و دو مرتبه به قصد رکوع به اندازه

رکوع خم شود، نمازش باطل است و نیز اگر بعد از آنکه به اندازه رکوع خم شد، دوباره به قصد رکوع به قدری خم شود که از اندازه رکوع بگذرد و دوباره به رکوع برگردد، نمازش باطل است چون رکوع زیاد شده است و اگر خم شدن بعدی به قصد رکوع نباشد، نمازش صحیح است چون رکوع زیاد نشده است.

مسئله ۱۰۷۱. اگر رکوع را فراموش کند و پیش از آنکه به سجده برسد یادش بیاید، باید بایستد بعد به رکوع رود و چنانچه به حالت خمیدگی به رکوع برگردد، نمازش باطل است.

مسئله ۱۰۷۲. اگر بعد از آنکه برای سجده دوم، پیشانی به زمین رسید، یادش بیاید که رکوع نکرده نمازش باطل است ولی تا داخل سجده دوم نشده اگر یادش بیاید که رکوع نکرده، باید بایستد و رکوع را به جا آورد و بعد از تمام شدن نماز، بنابراین احتیاط مستحب دو سجده سهو برای زیادی سجده به جا آورد و اگر بعد از فراغ از آن نماز، احتیاطاً نماز را دوباره بخواند بهتر است.

❁ مستحبات رکوع

مسئله ۱۰۷۳. مستحب است پیش از رفتن به رکوع در حالی که راست ایستاده، تکبیر بگوید و در رکوع، زانوهای را به عقب دهد و کمر را صاف نگه دارد و گردن را بکشد و مساوی پشت نگه دارد و بین دو قدم را نگاه کند و پیش از ذکر یا بعد از آن، صلوات بفرستد و بعد از آنکه از رکوع برخاست و راست ایستاد، در حال آرامی بدن بگوید: «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ».

مسئله ۱۰۷۴. مستحب است در رکوع، زن‌ها دست را از زانو بالاتر بگذارند و زانوهای را به عقب ندهند.

❁ ششم: سجده

مسئله ۱۰۷۵. نمازگزار باید در هر رکعت از نمازهای واجب و مستحب، بعد از رکوع دو سجده کند و سجده این‌گونه محقق می‌شود که پیشانی را به قصد خضوع در پیشگاه خداوند متعال، به شکل مخصوص بر زمین بگذارد.

واجبات و احکام سجده در مسائل ذیل ذکر می‌شود.

❁ واجبات سجده

❁ اول: قرار دادن قسمت های هفت گانه بر زمین

مسئله ۱۰۷۶. در حال سجده در نماز، واجب است علاوه بر پیشانی، کف دو دست و سر دو زانو و سر دو انگشت بزرگ پاها را بر زمین بگذارد.

مسئله ۱۰۷۷. اگر پیشانی را عمداً یا سهواً به زمین نگذارد، سجده نکرده است هر چند جاهای دیگر به زمین برسد، ولی اگر پیشانی را به زمین بگذارد و سهواً جاهای دیگر را به زمین نرساند یا سهواً ذکر نگوید، سجده صحیح است.

مسئله ۱۰۷۸. در سجده باید کف هر دو دست را بر زمین بگذارد، ولی در حال ناچاری، پشت دست هم مانعی ندارد و اگر پشت دست ممکن نباشد، باید میچ دست را بگذارد و چنانچه آن را هم نتواند، باید تا آرنج هر جا را که می تواند بر زمین بگذارد و اگر آن هم ممکن نیست، گذاشتن بازو کافی است.

مسئله ۱۰۷۹. در سجده باید سر دو انگشت بزرگ پاها را به زمین بگذارد و اگر انگشت های دیگر پا یا روی پا را به زمین بگذارد و سر دو انگشت بزرگ را به زمین نگذارد یا به واسطه بلند بودن ناخن، سرشست به زمین نرسد، نمازش باطل است، و کسی که از روی تقصیر، به واسطه ندانستن مسئله، نمازهای خود را این طور خوانده، باید دوباره بخواند.

مسئله ۱۰۸۰. کسی که مقداری از شست پایش بُریده، باید بقیه آن را به زمین بگذارد، و اگر چیزی از آن نمانده یا اگر مانده خیلی کوتاه است، احتیاط لازم آن است که همان را به زمین گذارد و ذکر سجده را بگوید و باز بقیه انگشتان را به زمین بگذارد و دو مرتبه ذکر را بگوید و اگر اصلاً انگشت ندارد، باید هر مقداری از پا را که باقی مانده، به زمین بگذارد.

مسئله ۱۰۸۱. اگر به طور غیر معمول سجده کند، مثلاً سینه و شکم را به زمین بچسباند یا پاها را دراز کند، ولی هفت عضوی که گفته شد، به زمین برسد، اگر طوری است که عرفاً می گویند «سجده کرده»، صحیح است و گرنه باطل است.

❁ دوم: ذکر سجده

مسئله ۱۰۸۲. احتیاط مستحب آن است که در سجده، سه مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا یک مرتبه «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» بگوید، هر چند ظاهر این است که اکتفا به گفتن

هر ذکرى که به این مقدار باشد، مثل سه مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ» جایز است و باید این کلمات به عربی صحیح گفته شود و مستحب است «سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ» را سه یا پنج یا هفت مرتبه بگوید.

✽ سوم: استقرار و آرامش بدن

مسئله ۱۰۸۳. در سجود باید به مقدار ذکر واجب، بدن آرام باشد و موقع گفتن ذکر مستحب هم، اگر آن را به قصد ذکرى که برای سجده دستور داده اند بگوید، آرام بودن بدن لازم است.

مسئله ۱۰۸۴. اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد یا پیش از آنکه بدن آرام بگیرد، عمداً ذکر سجده را بگوید، باید بعد از رسیدن پیشانی به زمین و آرام گرفتن بدن، دوباره ذکر را بگوید و بنابر احتیاط لازم، نماز را پس از اتمام، اعاده نماید، اگر نگوئیم اقوى این است که نماز را رها کند و اعاده نماید. و اگر به همان ذکر اول اکتفا نماید، نماز باطل است و همچنین اگر پیش از تمام شدن ذکر، عمداً سر از سجده بردارد، نماز باطل است.

مسئله ۱۰۸۵. اگر پیش از آنکه پیشانی به زمین برسد و بدن آرام گیرد، سهواً ذکر سجده را بگوید و پیش از آنکه سر از سجده بردارد، بفهمد اشتباه کرده، باید دوباره در حال آرام بودن، ذکر را بگوید.

مسئله ۱۰۸۶. اگر بعد از آنکه سر از سجده برداشت، بفهمد ذکر را پیش از آرام گرفتن بدن، گفته یا پیش از آنکه ذکر سجده تمام شود سر برداشته، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۰۸۷. اگر هنگامى که ذکر سجده را می گوید، یکى از هفت عضو را عمداً از زمین بردارد، نماز باطل می شود ولى وقتى که مشغول گفتن ذکر نیست، اگر غیر پیشانی جاهای دیگر را از زمین بردارد و دوباره بگذارد، اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۸۸. اگر پیش از تمام شدن ذکر سجده، سهواً پیشانی را از زمین بردارد، نباید دوباره پیشانی را به زمین بگذارد و باید آن را یک سجده حساب کند، ولى اگر جاهای دیگر را سهواً از زمین بردارد، باید دو مرتبه به زمین بگذارد و ذکر را بگوید.

مسئله ۱۰۸۹. اگر روى چیزى که بدن روى آن آرام نمى گیرد، سجده کند، باطل است، ولى اگر روى تشک پریا چیز دیگری که بعد از سر گذاشتن و مقداری پایین رفتن، آرام می گیرد سجده کند، اشکال ندارد.

❖ چهارم: نشستن بین دو سجده و بنا بر احتیاط واجب، نشستن بعد از سجده دوم مسئله ۱۰۹۰. بعد از تمام شدن ذکر سجده اول، باید بنشینند تا بدن آرام گیرد و دوباره به سجده رود.

مسئله ۱۰۹۱. در رکعت اول و رکعت سوم که تشهد ندارد، مثل رکعت سوم نماز ظهر و عصر و عشا، بنا بر احتیاط واجب باید بعد از سجده دوم قدری بی حرکت بنشینند و بعد برخیزد و این عمل را «جلسه استراحت» می‌گویند.

❖ پنجم: هم سطح بودن پیشانی نسبت به انگشت شست پا و دوزانو مسئله ۱۰۹۲. جای پیشانی نمازگزار باید از جای زانوها و سر انگشتان پای او، بلندتر از چهار انگشت بسته نباشد. بلکه احتیاط واجب آن است که جای پیشانی او از جای انگشتان و سر زانوهایش از چهار انگشت بسته، پایین‌تر نیز نباشد. مسئله ۱۰۹۳. در زمین سر اشیب که سر اشیبی آن محسوس نیست اگر جای پیشانی نمازگزار از جای انگشتان پا و سر زانوهای او مختصری بیش از چهار انگشت بسته بلندتر باشد، اشکال ندارد.

مسئله ۱۰۹۴. اگر پیشانی را به چیزی بگذارد که از جای انگشت‌های پا و سر زانوهای او بلندتر از چهار انگشت بسته است، چنانچه بلندی آن به قدری است که نمی‌گویند در حال سجده است، باید سر را بردارد و به چیزی که بلندی آن به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است، بگذارد و اگر بلندی آن به قدری است که می‌گویند در حال سجده است، احتیاط واجب آن است که پیشانی را از روی آن چیز به روی چیزی که بلندی آن به اندازه چهار انگشت بسته یا کمتر است بکشد و اگر کشیدن پیشانی ممکن نیست، بنا بر احتیاط واجب باید نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

❖ شرایط چیزی که سجده بر آن صحیح است

❖ اول: پاک باشد

مسئله ۱۰۹۵. مهربا چیز دیگری که بر آن سجده می‌کند، باید پاک باشد، ولی اگر مثلاً

مُهر را روی فرشِ نجس بگذارد یا یک طرفِ مُهر نجس باشد و پیشانی را به طرف پاکِ آن بگذارد، اشکال ندارد.

❖ دوم: غصبی نباشد

مسئله ۱۰۹۶. مُهر یا چیز دیگری که بر آن سجده می‌کند، باید مباح باشد و غصبی نباشد؛ بنابراین اگر نمازگزار عمداً بر مهر غصبی سجده نماید، معصیت کرده و نمازش باطل است.

❖ سوم: از آشیایی باشد که پیشانی بر آن ثابت شود

مسئله ۱۰۹۷. سجده بر گِل و خاک سستی که پیشانی روی آن آرام نمی‌گیرد، باطل است.

❖ چهارم: بنا بر احتیاط واجب کمتر از درهم نباشد

مسئله ۱۰۹۸. مُهر یا چیز دیگری که بر آن سجده می‌کند، بنا بر احتیاط واجب کمتر از درهم نباشد. (درهم تقریباً به اندازه بندِ سرانگشتِ سبابه می‌باشد)

❖ پنجم: بین پیشانی و چیزی که بر آن سجده می‌کند، مانعی نباشد

مسئله ۱۰۹۹. باید بین پیشانی و آنچه بر آن سجده می‌کند، چیزی نباشد؛ پس اگر مُهر به قدری چرک باشد که پیشانی به خود مُهر نرسد، سجده باطل است، ولی اگر مثلاً رنگ مُهر تغییر کرده باشد، اشکال ندارد.

مسئله ۱۱۰۰. اگر در سجده اول، مُهر به پیشانی بچسبد و بدون اینکه مهر را بردارد دوباره به سجده رود، اشکال ندارد هر چند احوط این است که مُهر را از پیشانی بردارد و بعد به سجده رود.

مسئله ۱۱۰۱. اگر مقنعه یا چادر بین پیشانی و مُهر حائل شود، باید بدون آنکه سر را از روی مُهر بردارد، با جابجا کردن سر، مانع را از محل سجده دور کند.

❖ ششم: جنس محل سجده، از زمین یا چیزهای روییده شده از زمین باشد

مسئله ۱۱۰۲. سجده باید بر زمین و خاک و سنگ یا چیزهایی باشد که از زمین روییده می‌شود و خوراکی و پوشاکی هم نیست (مانند چوب و برگ درخت). سجده بر چیزهای

خوراکی و پوشاکی و معدنی (مانند عقیق و فیروزه)، صحیح نیست، اما سجده بر سنگ‌های معدنی (مانند سنگ مرمر و سنگ‌های سیاه و سنگ‌های ساختمانی) اشکال ندارد.

مسئله ۱۱۰۳. احتیاط واجب آن است که بر برگ درخت مو، اگر تازه باشد که بعضی آن را در غذا مصرف می‌کنند، سجده نکنند، و اگر خشک باشد که به عنوان خوراکی مصرف نمی‌شود، اشکال ندارد.

مسئله ۱۱۰۴. سجده بر چیزهایی که از زمین می‌روید و خوراک حیوان است، نه انسان، مثل علف و گاه، صحیح است.

مسئله ۱۱۰۵. سجده بر گل‌هایی که خوراکی نیستند، صحیح است، ولی سجده بر داروهای خوراکی که از زمین می‌روید مانند گل بنفشه و گل گاوزبان، صحیح نیست.

مسئله ۱۱۰۶. سجده بر گیاهی که خوردن آن در بعضی از شهرها معمول است و در شهرهای دیگر معمول نیست و نیز سجده بر میوه نارس، هرچند خوراکی نباشد، صحیح نیست.

مسئله ۱۱۰۷. سجده بر سنگ آهک و سنگ گچ، صحیح است و جواز سجده در حال اختیار به گچ و آهک پخته و آجرو کوزه گلی و مانند آن، مورد تأمل است.

مسئله ۱۱۰۸. اگر کاغذ را از چیزی که سجده بر آن صحیح است ساخته باشند مثلاً از کاه، می‌شود بر آن سجده کرد و سجده بر کاغذی که از پنبه و مانند آن ساخته شده، اشکال دارد، و نیز سجده کردن بر کاغذی که انسان نمی‌داند از چیزی ساخته شده که سجده بر آن صحیح است یا از چیزی که سجده بر آن صحیح نیست، محل اشکال است.

مسئله ۱۱۰۹. برای سجده بهتر از هر چیز، تربت حضرت سیدالشهدا (علیه السلام) می‌باشد، بعد از آن، خاک و بعد از خاک، سنگ و بعد از سنگ، گیاه است.

مسئله ۱۱۱۰. اگر چیزی که سجده بر آن صحیح است، ندارد یا اگر دارد به واسطه سرما یا گرمای زیاد و مانند این‌ها نمی‌تواند بر آن سجده کند، چنانچه لباس او از کتان یا پنبه است، باید به لباسش سجده کند و اگر از چیز دیگر است، باید بر پشت دست یا چیز معدنی مانند انگشتر عقیق سجده نماید، ولی احتیاط لازم آن است که تا سجده بر پشت دست ممکن است بر چیز معدنی سجده نکند.

❁ احکام دیگر سجده

مسئله ۱۱۱۱. دو سجده از یک رکعت با هم رکن است که اگر کسی در نماز واجب عمداً یا از روی فراموشی هر دو را ترک کند یا دو سجده دیگر به آنها اضافه نماید، نمازش باطل است.

مسئله ۱۱۱۲. اگر عمداً یک سجده، کم یا زیاد کند، نماز باطل می‌شود و اگر سهواً یک سجده کم کند، حکم آن بعداً گفته خواهد شد.

مسئله ۱۱۱۳. کسی که اصلاً نمی‌تواند خم شود، باید برای سجده بنشیند و با سر اشاره کند و اگر نتواند، باید با چشم‌ها اشاره نماید و در هر دو صورت احتیاط واجب آن است که اگر می‌تواند مَهر را بلند کند و پیشانی را بر آن بگذارد و اگر ممکن نیست، مهر را به پیشانی بگذارد، و اگر با سر یا چشم‌ها هم نمی‌تواند اشاره کند، باید در قلب، نیت سجده کند و بنا بر احتیاط واجب با دست و مانند آن هم برای سجده اشاره نماید.

مسئله ۱۱۱۴. اگر در پیشانی دُمَل و مانند آن باشد، چنانچه ممکن است باید با جای سالم پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست باید زمین را گود کند و دُمَل را در گودال و جای سالم را به مقداری که برای سجده کافی باشد بر زمین بگذارد.

مسئله ۱۱۱۵. اگر دُمَل یا زخم تمام پیشانی را گرفته باشد، باید به یکی از دو طرف پیشانی سجده کند و اگر ممکن نیست به چانه و اگر به چانه هم ممکن نیست، باید به هر جایی از صورت که ممکن است، رجائاً سجده کند و اگر به هیچ جایی از صورت ممکن نیست، با جلوی سر سجده نماید رجائاً و در این دو صورت با اشاره سر نیز رجائاً سجده نماید.

مسئله ۱۱۱۶. کسی که نمی‌تواند پیشانی را به زمین برساند، باید به قدری که می‌تواند خم شود و مَهر یا چیز دیگری را که سجده بر آن صحیح است روی چیز بلندی قرار دهد و طوری پیشانی را بر آن بگذارد که بگویند سجده کرده است، ولی باید کف دست‌ها و زانوها و انگشتان پا را به طور معمول به زمین بگذارد.

مسئله ۱۱۱۷. اگر به قصد سجده، پیشانی را بر زمین بگذارد و پیشانی بی‌اختیار از جای سجده بلند شود، چنانچه ممکن باشد باید نگذارد دوباره به جای سجده برسد و این یک سجده حساب می‌شود، چه ذکر سجده را گفته باشد چه نگفته باشد و اگر نتواند

سر را نگه دارد و بی اختیار دوباره به جای سجده برسد، روی هم یک سجده حساب می شود و اگر ذکر نگفته باشد، باید بگوید.

مسئله ۱۱۱۸. اگر پیشانی بی اختیار به جای سجده بخورد و بلند شود، سجده به عمل نیامده است و باید سجده را به طور صحیح به جا آورد و بعد از تمام شدن، احتیاط مستحب آن است که دو مرتبه نماز را بخواند.

مسئله ۱۱۱۹. اگر در بین نماز، چیزی که بر آن سجده می کند، گم شود و چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است نداشته باشد، چنانچه وقت وسعت دارد، باید نماز را رها کند و اگر وقت تنگ است، باید به ترتیبی که در مسئله «۱۱۱۰» گفته شد عمل نماید.

مسئله ۱۱۲۰. هرگاه در حال سجده بفهمد که پیشانی را بر چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است، اگر ممکن باشد باید پیشانی را از روی آن به روی چیزی که سجده بر آن صحیح است بکشد و اگر ممکن نباشد، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، باید نماز را رها کند و اگر وقت تنگ است، به ترتیبی که در مسئله «۱۱۱۰» گفته شد، عمل نماید.

مسئله ۱۱۲۱. اگر بعد از سجده بفهمد پیشانی را روی چیزی گذاشته که سجده بر آن باطل است، اشکال ندارد.

مسئله ۱۱۲۲. کسی که نمی تواند بنشیند، باید ایستاده، نیت سجده کند و چنانچه می تواند، برای سجده با سر اشاره کند و اگر نمی تواند، با چشم ها اشاره نماید و اگر این را هم نمی تواند، در قلب، نیت سجده کند و بنا بر احتیاط واجب با دست و مانند آن برای سجده اشاره نماید.

مسئله ۱۱۲۳. جایی که انسان باید تقیه کند اگر بتواند بر حصیر یا چیزی که سجده بر آن صحیح است طوری سجده کند که به زحمت نیفتد، نباید بر فرش و مانند آن، سجده نماید و اگر نمی تواند، احتیاط آن است که در صورت امکان برای نماز به جای دیگر برود و گرنه در همان جا نماز بخواند و بر فرش و مانند آن سجده نماید، هر چند ظاهر این است که در مورد تقیه به جهت تحبیب و تألیف قلوب لازم نیست که برای نماز به جای دیگر برود.

مسئله ۱۱۲۴. اگر انسان ناچار شود که در زمین گِل نماز بخواند، چنانچه آلوده شدن بدن و لباس برای او مشقت ندارد، بنا بر احتیاط لازم، سجده و تشهد را به طور معمول

به جا آورد و اگر مشقت دارد، می تواند درحالی که ایستاده، برای سجده با سر اشاره کند و تشهد را ایستاده بخواند و اگر در عین مشقت، سجده و تشهد را به طور معمول هم به جا آورد، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۱۲۵. سجده کردن برای غیر خداوند متعال حرام می باشد زیرا سجده، غایت و نهایت خضوع است که مختص ذات اقدس الهی است و بعضی از مردم که مقابل قبر امامان علیهم السلام پیشانی را به زمین می گذارند، اگر برای شکر خداوند متعال بر این توفیقی که عطا فرموده، باشد، اشکال ندارد و گرنه حرام است. و اما سجده ملائکه الله، برای حضرت آدم علیه السلام نبود، بلکه حضرت آدم علیه السلام برای آنها قبله به شمار می رفت، همانگونه که کعبه معظمه برای مسلمانان قبله است و نیز سجده حضرت یعقوب علیه السلام و فرزندانش، برای حضرت یوسف علیه السلام نبود، بلکه برای خدا بود جهت شکر ملک و عزت و نعمت هایی که خداوند به حضرت یوسف علیه السلام عطا فرموده بود.

❁ مستحبات سجده

مسئله ۱۱۲۶. در سجده چند چیز مستحب است:

(۱) کسی که ایستاده نماز می خواند بعد از آنکه سر از رکوع برداشت و کاملاً ایستاد و کسی که نشسته نماز می خواند، بعد از آنکه کاملاً نشست، برای رفتن به سجده تکبیر بگوید.

(۲) هنگامی که مرد می خواهد به سجده برود، اول دست ها را و زن اول زانو ها را به زمین بگذارد.

(۳) بینی را به مُهر یا چیزی که سجده بر آن صحیح است، بگذارد.

(۴) در حال سجده، انگشتان دست را به هم بچسباند و برابر گوش بگذارد، به طوری که سر آنها رو به قبله باشد.

(۵) در سجده دعا کند و از خدا حاجت بخاهد و این دعا را بخواند:
يَا خَيْرَ الْمَسْئُولِينَ وَيَا خَيْرَ الْمُعْطِينَ ارْزُقْنِي وَارْزُقْ عِيَالِي مِنْ فَضْلِكَ فَإِنَّكَ ذُو الْفَضْلِ الْعَظِيمِ؛ ای بهترین کسی که از او سؤال می کنند و ای بهترین عطا کنندگان، از فضل خودت به من و عیال من روزی بده؛ پس به درستی که تو دارای فضل بزرگی.»

۶) بعد از سجده بران چپ بنشیند و روی پای راست را بر کف پای چپ بگذارد.

۷) بعد از هر سجده، وقتی نشست و بدنش آرام گرفت، تکبیر بگوید.

۸) بعد از سجده اول، بدنش که آرام گرفت، «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ» بگوید.

۹) سجده را طول بدهد و در موقع نشستن، دست‌ها را روی ران‌ها بگذارد.

۱۰) برای رفتن به سجده دوم، در حال آرامی بدن، «اللَّهُ أَكْبَرُ» بگوید.

۱۱) در سجده‌ها صلوات بفرستد و اگر آن را به قصد ذکر که در سجده‌ها دستور داده‌اند بگوید، اشکال ندارد.

۱۲) در موقع بلند شدن، مرد اول زانو‌ها و زن اول دست‌ها را از زمین بردارد.

۱۳) مردها آرنج‌ها و شکم را به زمین نجسباندند و بازوها را از پهلو جدا نگاه دارند و زن‌ها آرنج‌ها و شکم را بر زمین بگذارند و اعضای بدن را به یکدیگر بجسباندند.

و مستحبات دیگر سجده در کتاب‌های مفصل گفته شده است.

❦ مکروهات سجده

مسئله ۱۱۲۷. قرآن خواندن در سجده مکروه است، و نیز مکروه است برای برطرف کردن گردوغبار، جای سجده را فوت کند و اگر در اثرفوت کردن، دو حرف از دهان بیرون آید، نماز باطل است و غیر این‌ها مکروهات دیگری هم در کتاب‌های مفصل گفته شده است.

❦ سجده واجب قرآن

مسئله ۱۱۲۸. در هریک از چهار سوره «الم تنزیل، سوره ۳۲» و «حم سجده، سوره ۴۱» و «النجم، سوره ۵۳» و «إقرأ، سوره ۹۶»، یک آیه سجده است که اگر انسان بخواند یا گوش کند، بعد از تمام شدن آیه باید فوراً سجده کند و اگر فراموش کرد، هروقت یادش آمد باید سجده نماید. و در گوش کردن فرقی نیست بین اینکه از خود گوینده بشنود یا به وسیله بلندگو و رادیو بشنود، حکم شنیدن این آیات نیز، بنا بر احتیاط همین است.

مسئله ۱۱۲۹. اگر انسان موقعی که آیه سجده را می خواند، از دیگری هم بشنود؛ اگر گوش داده، دو سجده نماید و اگر به گوشش خورده، بنابر احتیاط واجب دو سجده انجام دهد.

مسئله ۱۱۳۰. در غیر نماز اگر در حال سجده، آیه سجده را بخواند یا به آن گوش بدهد، باید سر از سجده بردارد و دوباره سجده کند و اگر بشنود، بنابر احتیاط واجب سر از سجده بردارد و دوباره سجده نماید.

مسئله ۱۱۳۱. اگر انسان از بجه غیر ممیز که خوب و بد را نمی فهمد یا از کسی که قصد خواندن قرآن ندارد، آیه سجده را بشنود، احتیاط واجب آن است که سجده کند و همچنین است اگر از صدای ضبط شده، آیه سجده را بشنود.

مسئله ۱۱۳۲. در سجده واجب قرآن، باید جای انسان غصبی نباشد، ولی لازم نیست با وضو یا غسل و رو به قبله باشد و عورت خود را بپوشاند و بدن و جای پیشانی او پاک باشد، و نیز چیزهایی که در لباس نمازگزار شرط می باشد، در لباس او شرط نیست، اما اگر لباس او غصبی است، چنانچه سجده کردن، تصرف در آن لباس باشد، سجده باطل است و ظاهراً این است که عرف سجده کردن با این لباسی غصبی را تصرف در آن می داند.

مسئله ۱۱۳۳. احتیاط واجب آن است که در سجده واجب قرآن، پیشانی را بر مهر یا چیز دیگری که سجده بر آن صحیح است بگذارد، و بنابر احتیاط مستحب جاهای دیگر بدن را به دستوری که در سجده نماز گفته شد، بر زمین بگذارد.

❖ کیفیت سجده واجب قرآن

مسئله ۱۱۳۴. هرگاه در سجده واجب قرآن، پیشانی را به قصد سجده به زمین بگذارد، گرچه ذکر نگوید کافی است، ولی گفتن ذکر، مستحب و مطابق با احتیاط است و بهتر است بگوید:

لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ حَقًّا حَقًّا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ إِيْمَانًا وَتَصَدِيقًا لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ عُبُودِيَّةً وَرِقًّا سَجَدْتُ
لَكَ يَا رَبِّ تَعَبُّدًا وَرِقًّا لَا مُسْتَكْفَأَ وَلَا مُسْتَكْبِرًا بَلْ أَنَا عَبْدٌ ذَلِيلٌ ضَعِيفٌ خَائِفٌ
مُسْتَجِيرٌ

✽ هفتم: تشهد

مسئله ۱۱۳۵. در رکعت دوم تمام نمازهای واجب و رکعت سوم نماز مغرب و رکعت چهارم نماز ظهر و عصر و عشا، باید انسان بعد از سجده دوم بنشیند و در حال آرام بودن بدن، تشهد بخواند یعنی بگوید:

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

و کمتر از این کفایت نمی‌کند. و احتیاط واجب - اگر نگوییم اقوی - آن است که به همین ترتیب بگوید.

مسئله ۱۱۳۶. کلمات تشهد باید به عربی صحیح و پشت سرهم و به طوری که معمول و متعارف است گفته شود، مثلاً کلمه «أَشْهَدُ» را به مرادف آن مانند «أُعْتَرِفُ» یعنی اعتراف می‌کنم و «أَقْرُ» یعنی اقرار می‌کنم، تبدیل ننماید.

مسئله ۱۱۳۷. اگر تشهد را فراموش کند و بایستد و پیش از رکوع یادش بیاید که تشهد را نخوانده، باید بنشیند و تشهد را بخواند و دوباره بایستد و آنچه را باید در آن رکعت خوانده شود، بخواند و نماز را تمام کند و بنابر احتیاط واجب، بعد از نماز برای ایستادن بی جا، دو سجده سهو به جا آورد و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، باید نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، تشهد را قضا کند و برای تشهد فراموش شده، دو سجده سهو به جا آورد.

✽ مستحبات تشهد

مسئله ۱۱۳۸. مستحب است در حال تشهد بران چپ بنشیند و روی پای راست را به کف پای چپ بگذارد و پیش از تشهد بگوید: «الْحَمْدُ لِلَّهِ» یا بگوید: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَخَيْرُ الْأَسْمَاءِ لِلَّهِ». و نیز مستحب است دست‌ها را بران‌ها بگذارد و انگشت‌ها را به یکدیگر بچسباند و به دامن خود نگاه کند و بعد از تمام شدن تشهد اول بگوید: «وَتَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ».

مسئله ۱۱۳۹. مستحب است زن‌ها در وقت خواندن تشهد، ران‌ها را به هم بچسبانند.

❖ هشتم: سلام نماز

مسئله ۱۱۴۰. بعد از تشهد رکعت آخر نماز، مستحب است درحالی که نشسته و بدن آرام است بگوید:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ

و بعد از آن، واجب است بگوید:

اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ

یا بگوید:

اَلسَّلَامُ عَلَیْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللهِ الصَّالِحِیْنَ

ولی اگر این سلام را بگوید، احتیاط واجب آن است که بعد از آن، «اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ» را هم بگوید، چنان که وجوب گفتن «وَرَحْمَةُ اللهِ وَبَرَکَاتُهُ» اضافه بر «اَلسَّلَامُ عَلَیْكُمْ» نیز بنا بر احتیاط است.

مسئله ۱۱۴۱. اگر سلام نماز را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که صورت نماز به هم نخورده و کاری هم که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند، انجام نداده مثل پشت به قبله کردن، باید سلام را بگوید و نمازش صحیح است.

مسئله ۱۱۴۲. اگر سلام نماز را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که صورت نماز به هم خورده است؛ چنانچه پیش از آنکه صورت نماز به هم بخورد، کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند انجام نداده باشد مثل پشت به قبله کردن، نمازش صحیح است و اگر پیش از آنکه صورت نماز به هم بخورد، کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند انجام داده باشد، نمازش باطل است.

❖ نهم: ترتیب

مسئله ۱۱۴۳. اگر عمداً ترتیب نماز را به هم بزند و جزئی را که رکن نیست جلوتر به جا آورد، مثلاً سوره را پیش از حمد بخواند، احتیاط آن است که بعد از حمد، سوره را دوباره بخواند و نماز را تمام کند و اعاده نماید، گرچه اظهر آن است که با آوردن سوره در غیر محل خود، نماز را باطل کرده است و اگر به همان سوره که پیش از حمد خوانده، اکتفا

کند یا آنکه جزئی را که رکن است به غیرترتیب به جا آورد و یا یک سجده را پیش از رکوع به جا آورد، نماز باطل می شود.

مسئله ۱۱۴۴. اگر رکنی از نماز را فراموش کند و رکن بعد از آن را به جا آورد، مثلاً پیش از آنکه رکوع کند دو سجده نماید، نماز باطل است.

مسئله ۱۱۴۵. اگر رکنی را فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و رکن نیست به جا آورد، مثلاً پیش از آنکه دو سجده کند تشهد بخواند، باید رکن را به جا آورد و آنچه را اشتباهاً پیش از آن خوانده، دوباره بخواند.

مسئله ۱۱۴۶. اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و رکن بعد از آن را به جا آورد، مثلاً حمد را فراموش کند و مشغول رکوع شود، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۱۴۷. اگر چیزی را که رکن نیست فراموش کند و چیزی را که بعد از آن است و آن هم رکن نیست به جا آورد، مثلاً حمد را فراموش کند و سوره را بخواند، چنانچه مشغول رکن بعد شده باشد مثلاً در رکوع یادش بیاید که حمد را نخوانده، باید بگذرد و نماز او صحیح است و اگر مشغول رکن بعد نشده باشد، باید آنچه را فراموش کرده به جا آورد و بعد از آن، چیزی را که اشتباهاً جلوتر خوانده، دوباره بخواند.

مسئله ۱۱۴۸. اگر سجده اول را به خیال اینکه سجده دوم است یا سجده دوم را به خیال اینکه سجده اول است به جا آورد، نماز صحیح است و سجده اول او، سجده اول و سجده دوم او سجده دوم حساب می شود.

❖ دهم: موالات

مسئله ۱۱۴۹. انسان باید نماز را با موالات بخواند؛ یعنی کارهای نماز مانند رکوع و سجود و تشهد را پشت سرهم به جا آورد و چیزهایی را که در نماز می خواند به طوری که معمول است پشت سرهم بخواند و اگر به قدری بین آنها فاصله بیندازد که نگویند نماز می خواند، نمازش باطل است هر چند ایجاد فاصله زیاد، سهوی باشد.

مسئله ۱۱۵۰. اگر در نماز، سهواً بین حرف ها یا کلمات فاصله بیندازد و فاصله به قدری نباشد که صورت نماز از بین برود، چنانچه مشغول رکن بعد نشده باشد، باید آن حرف ها یا کلمات را به طور معمول بخواند و اگر مشغول رکن بعد شده باشد، نمازش

صحیح است، مگر در تکبیرة الاحرام که اگر فاصله بین کلمات آن به قدری باشد که از صورت تکبیرة الاحرام خارج شود، نماز باطل است.

مسئله ۱۱۵۱. طول دادن رکوع و سجود و خواندن سوره های بزرگ، موالات را به هم نمی زند.

✽ تعریف رکن نماز و تعداد آن

مسئله ۱۱۵۲. بعضی از واجبات نماز رکن است؛ یعنی اگر انسان آنها را به جا نیاورد یا در نماز اضافه کند، عمداً باشد یا اشتباهاً، نماز باطل می شود. و بعضی دیگر رکن نیست؛ یعنی اگر عمداً کم یا زیاد شود، نماز باطل می شود و چنانچه اشتباهاً کم یا زیاد گردد، نماز باطل نمی شود. ارکان نماز پنج چیز است:

اول: نیت؛

دوم: تکبیرة الاحرام؛ ولی زیاد شدن سهوی آن بنابر احتیاط، موجب باطل شدن نماز است. بنابراین احتیاط، اتمام نماز و اعاده آن است.

سوم: قیام در موقع گفتن تکبیرة الاحرام و قیام متصل به رکوع؛ یعنی ایستادن پیش از رکوع؛

چهارم: رکوع؛

پنجم: دو سجده از یک رکعت.

✽ قنوت نماز

مسئله ۱۱۵۳. در تمام نمازهای واجب و مستحب، پیش از رکوع رکعت دوم، مستحب است قنوت بخواند و در نماز وتر با آنکه یک رکعت می باشد، خواندن قنوت پیش از رکوع مستحب است. نماز جمعه دو قنوت دارد؛ یکی پیش از رکوع رکعت اول و یکی بعد از رکوع رکعت دوم. نماز آیات در هر رکعت پنج قنوت و نماز عید فطر و قربان در رکعت اول، پنج قنوت و در رکعت دوم، چهار قنوت دارد.

مسئله ۱۱۵۴. مستحب است در قنوت، دست ها را مقابل صورت و کف آنها را رو به آسمان و کنار هم نگه دارد و غیر شست، انگشت های دیگر را به هم بچسباند و به کف دست ها نگاه کند.

مسئله ۱۱۵۵. در قنوت هر ذکرى بگوید، گرچه یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» یا «الْحَمْدُ لِلَّهِ» باشد، کافى است و بهتر است بگوید: «لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَاوَاتِ السَّبْعِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّبْعِ وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ».

مسئله ۱۱۵۶. مستحب است انسان قنوت را بلند بخواند، ولى برای كسى كه نماز را به جماعت مى خواند، اگر امام جماعت صدای او را بشنود، بلند خواندن قنوت مستحب نیست.

مسئله ۱۱۵۷. اگر عمداً قنوت نخواند، قضا ندارد و اگر فراموش کند و پیش از آنکه به اندازه رکوع خم شود یادش بیاید، مستحب است بایستد و بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید، مستحب است بعد از رکوع قضا کند و اگر در سجده یادش بیاید، مستحب است بعد از سلام نماز، قضا نماید.

✽ ترجمه نماز

✽ ترجمه سوره حمد

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

✽ به نام خداوند بخشنده مهربان.

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ

✽ همه گونه ستایش، مخصوص خداوندی است که پروردگار همه جهان است.

الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

✽ پروردگاری که بخشنده و مهربان است.

مَالِكِ يَوْمِ الدِّينِ

✽ مالک روز جزا است.

إِيَّاكَ نَعْبُدُ وَإِيَّاكَ نَسْتَعِينُ

✽ فقط تو را عبادت می کنیم و فقط از تو کمک می خواهیم.

إِهْدِنَا الصِّرَاطَ الْمُسْتَقِيمَ

✽ ما را به راه راست هدایت کن (که آن دین اسلام است)؛

صِرَاطَ الَّذِينَ أَنْعَمْتَ عَلَيْهِمْ

✽ راه کسانی که به آنان نعمت دادی (که آنان، پیغمبران و جانشینان پیغمبران هستند).

غَيْرِ الْمَغْضُوبِ عَلَيْهِمْ وَلَا الضَّالِّينَ

✽ نه راه کسانی که بر آنان غضب کرده‌ای، و نه آن کسانی که گمراه‌اند.

✽ ترجمهٔ سورهٔ توحید

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

✽ به نام خداوند بخشندهٔ مهربان.

قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ

✽ ای محمد ﷺ! بگو که خداوند، خدایی است یگانه؛

اللَّهُ الصَّمَدُ

✽ خدایی که از تمام موجودات بی‌نیاز است.

لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ

✽ فرزند ندارد، و خود فرزند کسی نیست.

وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ

✽ هیچ‌یک از مخلوقات، مثل او نمی‌باشند.

✽ ترجمهٔ ذکر رکوع و سجود و ذکرهایی که بعد از آنها مستحب است

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْعَظِيمِ وَبِحَمْدِهِ

✽ پروردگار بزرگ من از هر عیب و نقصی، پاک و منزّه است و من مشغول ستایش او هستم.

سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ

✽ خداوند اجابت می‌فرماید ثنای کسی که او را ستایش می‌کند.

سُبْحَانَ رَبِّيَ الْأَعْلَى وَبِحَمْدِهِ

✽ پروردگار من که از همه کس بالاتر است، از هر عیب و نقصی پاک و منزّه است و من

مشغول ستایش او هستم.

أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ رَبِّي وَأَتُوبُ إِلَيْهِ

- ✽ طلب آمرزش و مغفرت می‌کنم از خداوندی که پروردگار من است و به‌سوی او باز می‌گردم.
- بِحَوْلِ اللَّهِ وَقُوَّتِهِ أَقُومُ وَأَقْعُدُ
- ✽ به یاری خداوند متعال و قدرت او برمی‌خیزم و می‌نشینم.

✽ ترجمه قنوت

- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْحَلِيمُ الْكَرِيمُ
- ✽ خدای نیست، مگر خدای یکتای بی‌همتایی که صاحب حلم و کرم است.
- لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْعَلِيُّ الْعَظِيمُ
- ✽ خدای نیست، مگر خدای یکتای بی‌همتایی که بلندمرتبه و بزرگ است.
- سُبْحَانَ اللَّهِ رَبِّ السَّمَوَاتِ السَّعْيِ وَرَبِّ الْأَرْضِينَ السَّعْيِ
- ✽ پاک و منزّه است خداوندی که پروردگار هفت آسمان و پروردگار هفت زمین است.
- وَمَا فِيهِنَّ وَمَا بَيْنَهُنَّ وَرَبِّ الْعَرْشِ الْعَظِيمِ
- ✽ پروردگار هر چیزی است که در آسمان‌ها و زمین و میان آنهاست و پروردگار عرش بزرگ است.
- وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ
- ✽ حمد و ثنا مخصوص خداوندی است که پروردگار تمام موجودات است.

✽ ترجمه تسبیحات اربعه

- سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ
- ✽ خداوند تعالی پاک و منزّه است و ستایش، مخصوص اوست و خدای جز خدای بی‌همتا نیست و بزرگ‌تر است از اینکه او را وصف کنند.

✽ ترجمه تشهد و سلام

- الْحَمْدُ لِلَّهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ
- ✽ ستایش مخصوص خداوند تعالی است، و شهادت می‌دهم که خدای جز خدای یگانه نیست و شریک ندارد.
- وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ

● شهادت می‌دهم که حضرت محمد ﷺ بنده خدا و فرستاده او است.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ

● خدایا رحمت بفرست بر محمد و آل محمد.

وَقَبَّلْ شَفَاعَتَهُ وَارْفَعْ دَرَجَتَهُ

● شفاعت پیغمبر را قبول فرما و درجه آن حضرت را نزد خود بالا ببر.

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

● سلام بر تو ای پیغمبر، و رحمت و برکات خداوند بر تو باد.

السَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَى عِبَادِ اللَّهِ الصَّالِحِينَ

● سلام از خداوند عالم بر ما «نمازگزاران» و تمام بندگان خوب خدا.

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

● سلام و رحمت و برکات خداوند بر شما «مؤمنان» باد.

✽ تعقیبات نماز

مسئله ۱۱۵۸. مستحب است انسان بعد از نماز مقداری مشغول تعقیب، یعنی خواندن ذکر و دعا و قرآن شود. بهتر است پیش از آنکه از جای خود حرکت کند و وضو و غسل و تیمم او باطل شود، رو به قبله تعقیب را بخواند و لازم نیست تعقیب به عربی باشد، ولی به عربی بهتر است و نیز چیزهایی را که در کتاب‌های دعا دستور داده‌اند بخواند و از تعقیب‌هایی که خیلی سفارش شده است، تسبیح حضرت زهرا علیها السلام است که باید به این ترتیب گفته شود: ۳۴ مرتبه «اللَّهُ أَكْبَرُ»، بعد ۳۳ مرتبه «الْحَمْدُ لِلَّهِ» و بعد از آن ۳۳ مرتبه «سُبْحَانَ اللَّهِ» و می‌شود «سُبْحَانَ اللَّهِ» را پیش از «الْحَمْدُ لِلَّهِ» گفت، ولی بهتر است بعد از «الْحَمْدُ لِلَّهِ» گفته شود.

✽ سجده شکر

مسئله ۱۱۵۹. مستحب است بعد از نماز، سجده شکر نماید و همین قدر که پیشانی را به قصد شکر بر زمین بگذارد کافی است، ولی بهتر است صد مرتبه یا سه مرتبه یا یک

مرتبه، «شُكْرًا لِلَّهِ» یا «شُكْرًا» یا «عَفْوًا» بگوید و نیز مستحب است هروقت نعمتی به انسان می‌رسد یا بلایی از او دور می‌شود، سجده شکر به جا آورد.

✽ صلوات بر پیامبر و آل پیامبر ﷺ

مسئله ۱۱۶۰. هروقت انسان اسم مبارک حضرت رسول اکرم ﷺ مانند محمد و احمد، یا لقب و کنیه آن جناب را مثل مصطفی و ابوالقاسم بگوید یا بشنود، گرچه در نماز باشد، مستحب است صلوات بفرستد.

مسئله ۱۱۶۱. موقع نوشتن اسم مبارک حضرت رسول ﷺ مستحب است صلوات را هم بنویسد و نیز بهتر است هروقت آن حضرت را یاد می‌کند، صلوات بفرستد.

✽ مبطلات نماز

مسئله ۱۱۶۲. دوازده چیز نماز را باطل می‌کند و آنها را «مبطلات» می‌گویند.

مبطلات نماز به طور خلاصه عبارتند از:

- ۱) از بین رفتن یکی از شرایط نماز؛
- ۲) باطل شدن وضو یا غسل؛
- ۳) گذاردن عمدی دست‌ها روی هم به طوری که بعضی از فرق اسلامی انجام می‌دهند.
- ۴) گفتن عمدی «آمین» بعد از حمد؛
- ۵) برگشتن بدون عذر از قبله؛
- ۶) تکلم و سخن گفتن عمدی؛
- ۷) خندیدن با صدا و عمدی؛
- ۸) گریه عمدی برای کار دنیا؛
- ۹) انجام کاری که صورت نماز را به هم می‌زند.
- ۱۰) خوردن و آشامیدن؛
- ۱۱) پدید آمدن شک‌های باطل؛
- ۱۲) زیاد یا کم کردن رکن نماز و ترک عمدی یکی از واجبات.

و احکام این‌ها در مسائل آینده گفته می‌شود.

✽ اول: از بین رفتن یکی از شرایط نماز

مسئله ۱۱۶۳. اگر در بین نماز یکی از شرایط آن از بین برود، نماز باطل می‌شود، مثلاً در بین نماز بفهمد مکانش غصبی است و وقت وسعت داشته باشد و بتواند از آن مکان غصبی بیرون برود، ولی اگر وقت تنگ باشد، به طوری که اگر بخواهد بعد از بیرون رفتن نماز را بخواند، قضا می‌شود، نماز باطل نمی‌شود، ولی باید آن را در حال بیرون رفتن تمام کند و همچنین اگر نتواند بیرون برود، مثل محبوس (زندانی)، باید در همان جا نماز را تمام کند و صحیح است.

✽ دوم: باطل شدن وضو یا غسل

مسئله ۱۱۶۴. اگر در بین نماز عمداً یا سهواً یا از روی ناچاری، چیزی که وضو یا غسل را باطل می‌کند پیش آید، مثلاً ادرار از او خارج شود، نماز باطل می‌شود، ولی کسی که نمی‌تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند، اگر در بین نماز، ادرار یا مدفوع از او خارج شود، چنانچه به دستوری که در مسائل «۳۲۰» تا «۳۲۸» گفته شد، رفتار نماید، نمازش باطل نمی‌شود، و نیز اگر در بین نماز از مستحاضه خون خارج شود، در صورتی که به دستور استحاضه رفتار کرده باشد، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۱۶۵. کسی که بی اختیار خوابش برده، اگر نداند که در بین نماز خوابش برده یا بعد از آن، بنا بر احتیاط لازم باید نمازش را دوباره بخواند.

مسئله ۱۱۶۶. اگر بداند به اختیار خودش خوابیده و شک کند که بعد از نماز بوده یا در بین نماز یادش رفته که مشغول نماز است و خوابیده، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۱۶۷. اگر در حال سجده از خواب بیدار شود و شک کند که در سجده آخر نماز است یا در سجده شکر، چنانچه بداند بی اختیار خوابش برده است، باید آن نماز را دوباره بخواند.

❖ سوم: گذاردن عمدی دست‌ها روی هم به قصد خضوع و ادب

مسئله ۱۱۶۸. هرگاه برای ادب دست‌ها را روی هم بگذارد، گرچه مثل غیر شیعیان نباشد، بنابر احتیاط واجب باید نماز را دوباره بخواند، ولی اگر از روی فراموشی یا ناچاری یا برای کار دیگر مثل خاراندن دست و مانند آن، دست‌ها را روی هم بگذارد، اشکال ندارد.

❖ چهارم: گفتن عمدی «آمین» بعد از حمد

مسئله ۱۱۶۹. اگر نمازگزار بعد از خواندن حمد، آمین بگوید، نماز باطل می‌شود، ولی اگر اشتباهاً یا از روی تقیه بگوید، نمازش باطل نخواهد شد.

❖ پنجم: برگشتن و انحراف بدون عذر از قبله

مسئله ۱۱۷۰. اگر انسان عمداً یا از روی فراموشی، پشت به قبله کند، یا به طرف راست یا چپ قبله برگردد، نمازش باطل می‌شود و همچنین اگر عمداً به قدری برگردد که نگویند رو به قبله است، هرچند به طرف راست یا چپ نرسد، نماز باطل است.

مسئله ۱۱۷۱. اگر نمازگزار عمداً سر را به پشت برگرداند، نمازش باطل است، و اگر سهواً سر را به این مقدار برگرداند، احتیاط واجب آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند، ولی اگر سر را به طرف راست یا چپ برگرداند به طوری که التفات او به سمت راست یا چپ به نهایت نرسد، عمداً باشد یا اشتباهاً، نمازش باطل نمی‌شود، ولی کراهت دارد.

❖ ششم: سخن گفتن عمدی

مسئله ۱۱۷۲. اگر عمداً کلمه‌ای گفته شود که دو حرف یا بیشتر باشد، گرچه معنا هم نداشته باشد، نماز باطل می‌شود، ولی اگر سهواً بگوید، نماز باطل نخواهد شد.

مسئله ۱۱۷۳. اگر کلمه‌ای بگوید که یک حرف دارد، چنانچه آن کلمه معنا داشته باشد، مثل «ق» که در زبان عربی به معنای «نگهداری کن» است، چنانچه معنای آن را بداند و قصد آن را بنماید، نمازش باطل می‌شود، بلکه اگر قصد معنای آن را نکند

ولی ملتفت معنای آن باشد، احتیاط واجب آن است که نماز را دوباره بخواند، بلکه اگر کلمه یک حرفی، معنا هم نداشته باشد، احتیاط، دوباره خواندن آن است.

مسئله ۱۱۷۴. سرفه کردن و آروغ زدن و آه کشیدن در نماز اشکال ندارد، ولی گفتن «آخ» و «آه» و مانند این‌ها که دو حرف است اگر عمدی باشد، نماز را باطل می‌کند.

مسئله ۱۱۷۵. اگر کلمه‌ای را به قصد ذکر بگوید مثلاً به قصد ذکر بگوید: «الله أَكْبَرُ» و در موقع گفتن آن، صدا را بلند کند که چیزی را به دیگری بفهماند، اشکال ندارد، و چنانچه برای اینکه چیزی را به کسی بفهماند، به قصد ذکر، آن را بگوید، بنابر احتیاط واجب نماز باطل می‌شود.

مسئله ۱۱۷۶. خواندن قرآن در نماز، غیر از چهار سوره‌ای که سجده واجب دارد که در مسئله «۱۱۲۸» گفته شد، و نیز دعا کردن در نماز اشکال ندارد، ولی احتیاط مستحب آن است که به غیر عربی دعا نکند.

مسئله ۱۱۷۷. اگر چیزی از حمد و سوره و ذکرهای نماز را عمداً یا احتیاطاً چند مرتبه بگوید اشکال ندارد، ولی اگر از روی وسواس چند مرتبه بگوید، اشکال دارد.

✽ احکام سلام کردن و جواب سلام در نماز و غیر نماز

مسئله ۱۱۷۸. در حال نماز، انسان نباید به دیگری سلام کند و اگر دیگری به او سلام کند، باید همان طور که او سلام کرده جواب دهد، مثلاً اگر گفته: «سَلَامٌ عَلَیْکُمْ» در جواب بگوید: «سَلَامٌ عَلَیْکُمْ» ولی در جواب «عَلَیْکُمُ السَّلَام» باید بگوید: «سَلَامٌ عَلَیْکُمْ».

مسئله ۱۱۷۹. انسان باید جواب سلام را، چه در نماز چه در غیر نماز، فوراً بگوید و اگر عمداً یا از روی فراموشی جواب سلام را به قدری طول دهد که اگر جواب بگوید، جواب آن سلام حساب نشود، چنانچه در نماز باشد، نباید جواب بدهد و اگر در نماز نباشد، جواب دادن واجب نیست.

مسئله ۱۱۸۰. باید جواب سلام را طوری بگوید که سلام کننده بشنود، ولی اگر سلام کننده کرباشد، چنانچه انسان به طور معمول جواب او را بدهد کافی است و در صورت امکان، با حرکت لب یا اشاره، جواب را بفهماند.

مسئله ۱۱۸۱. جواب سلام را باید به قصد ردّ تحیت بگوید، نه به قصد قرآن یا دعا.

مسئله ۱۱۸۲. اگر زن یا مرد نامحرم یا بچه ممیز (یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد) به نمازگزار سلام کند، نمازگزار باید جواب او را بدهد.

مسئله ۱۱۸۳. اگر نمازگزار جواب سلام را ندهد، معصیت کرده ولی نمازش صحیح است.

مسئله ۱۱۸۴. اگر کسی به نمازگزار، غلط سلام کند به طوری که سلام حساب نشود، جواب او جایز نیست، ولی اگر سلام حساب شود، جواب او واجب است.

مسئله ۱۱۸۵. جواب سلام کسی که از روی مسخره یا شوخی سلام می‌کند، واجب نیست، و چنانچه در نماز باشد جایز نیست. و جواب سلام غیرمسلمان در نماز جایز نیست و در غیر حال نماز، به گفتن «عَلَيْكَ» اکتفا شود.

مسئله ۱۱۸۶. اگر کسی به عده‌ای سلام کند، جواب سلام او بر همه آنان واجب است، ولی اگر یکی از آنان جواب دهد کافی است.

مسئله ۱۱۸۷. اگر کسی به عده‌ای سلام کند و کسی که سلام‌کننده قصد سلام دادن به او را نداشته، جواب دهد، باز هم جواب سلام او بر آن عده واجب است.

مسئله ۱۱۸۸. اگر به عده‌ای سلام کند و کسی که بین آنها مشغول نماز است شک کند که سلام‌کننده قصد سلام کردن به او را هم داشته یا نه، نباید جواب بدهد، و همچنین است اگر بداند قصد او را هم داشته ولی دیگری جواب سلام را بدهد. اما اگر بداند که قصد او را هم داشته و دیگری جواب ندهد، باید جواب او را بگوید.

مسئله ۱۱۸۹. سلام کردن مستحب است و خیلی سفارش شده است که سواره به پیاده و ایستاده به نشسته و کوچک‌تر به بزرگ‌تر سلام کند.

مسئله ۱۱۹۰. اگر دو نفر با هم به یکدیگر سلام کنند، بر هر یک واجب است جواب سلام دیگری را بدهد.

مسئله ۱۱۹۱. در غیر نماز، مستحب است جواب سلام را بهتر از سلام بگوید مثلاً اگر کسی گفت «سلام علیکم»، در جواب بگوید «سلام علیکم ورحمة الله».

✽ هفتم: خندیدن با صدا و عمدی (قهقهه)

مسئله ۱۱۹۲. خنده با صدا و عمدی، نماز را باطل می‌کند و چنانچه سهواً هم با صدا بخندد، به طوری که صورت نماز از بین برود، نماز باطل است، ولی لبخند، نماز را باطل نمی‌کند.

مسئله ۱۱۹۳. اگر برای جلوگیری از صدای خنده، حالتش تغییر کند به حدّی که از صورت نمازگزار خارج شود، نمازش باطل است.

✽ هشتم: گریه عمدی برای کار دنیا

مسئله ۱۱۹۴. اگر نمازگزار برای کار دنیا عمداً با صدا گریه کند، نمازش باطل می‌شود و احتیاط واجب آن است که برای کار دنیا بی‌صدا هم گریه نکند، ولی اگر از ترس خدا یا برای آخرت گریه کند، آهسته باشد یا بلند، اشکال ندارد، بلکه از بهترین اعمال است.

✽ نهم: انجام کاری که صورت نماز را به هم می‌زند

مسئله ۱۱۹۵. کاری که صورت نماز را به هم بزند، مثل دست زدن و برای بازی به هوا پریدن و مانند این‌ها، نماز را باطل می‌کند و فرق ندارد کم باشد یا زیاد یا عمداً پیش آید یا از روی فراموشی باشد. ولی کاری که صورت نماز را به هم نزند، مثل اشاره کردن به دست - البته اگر به حدّی نباشد که صورت نماز را به هم بزند - اشکال ندارد.

مسئله ۱۱۹۶. اگر در بین نماز به قدری ساکت بماند که نگویند نماز می‌خواند، نمازش باطل می‌شود.

مسئله ۱۱۹۷. اگر در بین نماز کاری انجام دهد یا مدتی ساکت شود و شک کند که نماز به هم خورده یا نه، نمازش صحیح است و لازم نیست دوباره بخواند. بلی، اگر از جهت ندانستن حکم مسئله باشد، نماز را رجائاً تمام کند و بعد حکم مسئله را پرسد و مطابق وظیفه‌اش عمل نماید.

✽ دهم: خوردن و آشامیدن

مسئله ۱۱۹۸. اگر انسان در نماز به نحوی بخورد یا بیاشامد که نگویند نماز می‌خواند، عمداً باشد یا از روی فراموشی، نمازش باطل می‌شود، ولی کسی که می‌خواهد روزه بگیرد، اگر پیش از اذان صبح، نماز مستحبی بخواند و تشنه باشد، چنانچه بترسد که اگر نماز را تمام کند صبح شود، در صورتی که آب روبه‌روی او در دو سه قدمی باشد،

می‌تواند در بین نماز آب بیاشامد، اما باید کاری که نماز را باطل می‌کند، مثل پشت کردن به قبله انجام ندهد.

مسئله ۱۱۹۹. اگر در بین نماز، ذرات غذایی را که در دهان یا لای دندان‌ها مانده، فرو ببرد، نمازش باطل نمی‌شود و نیز اگر قند یا شکر و مانند این‌ها در دهان مانده و بسیار مختصر باشد و در حال نماز، کم‌کم آب شود و فرو رود اشکال ندارد.

✽ یازدهم: پدید آمدن شک‌های باطل

مسئله ۱۲۰۰. اگر برای نمازگزار یکی از شک‌های باطل‌کننده پیش آید، نمازش باطل می‌شود و تفصیل آنها در بحث شک‌های باطل خواهد آمد.

✽ دوازدهم: زیاد یا کم کردن عمدی یا سهوی رکن نماز و یا زیاد یا کم کردن عمدی غیر رکن نماز

مسئله ۱۲۰۱. اگر انسان رکن نماز را عمداً یا سهواً کم یا زیاد کند، یا یکی از واجبات را که رکن نیست، عمداً کم کند یا یک سجده زیاد نماید، نماز باطل می‌شود، ولی زیاد شدن سهوی تکبیرة الاحرام - چنان‌که در مسئله «۱۱۵۲» گفته شد - بنابر احتیاط، موجب باطل شدن نماز است. و احتیاط، اتمام نماز و اعاده آن است.

✽ یک قاعده کلی

مسئله ۱۲۰۲. اگر بعد از نماز شک کند که در بین نماز کاری که نماز را باطل می‌کند انجام داده یا نه، نمازش صحیح است.

✽ مکروهات نماز

مسئله ۱۲۰۳. مکروه است در نماز صورت را کمی به طرف راست یا چپ بگرداند و چشم‌ها را روی هم بگذارد یا به طرف راست و چپ بگرداند و با ریش و دست خود بازی کند و انگشت‌ها را داخل هم نماید و آب دهان بیندازد و به خط قرآن یا کتاب یا خط انگشتی نگاه کند و نیز مکروه است موقع خواندن حمد و سوره و گفتن ذکر،

برای شنیدن حرف کسی ساکت شود، بلکه هرکاری که خضوع و خشوع را از بین ببرد، مکروه می باشد.

مسئله ۱۲۰۴. هنگامی که انسان خوابش می آید و نیز موقع خودداری کردن از ادرار و مدفوع، مکروه است نماز بخواند. و همچنین پوشیدن جوراب تنگ که پا را فشار دهد در نماز مکروه می باشد و غیر از این ها مکروهات دیگری هم در کتاب های مفصل گفته شده است.

❁ موارد جواز شکستن نماز واجب

مسئله ۱۲۰۵. شکستن نماز واجب از روی اختیار حرام است، ولی در بعضی موارد، شکستن نماز واجب، جایز می باشد، بلکه در پاره ای موارد واجب است.

مسئله ۱۲۰۶. کسی که باید نماز را بشکند، اگر نماز را تمام کند معصیت کرده، ولی نماز او صحیح است هر چند احتیاط مستحب آن است که دوباره بخواند.

موارد جواز یا وجوب شکستن نماز واجب عبارتند از:

❁ اول: پیشگیری از ضرر مالی یا بدنی

مسئله ۱۲۰۷. شکستن نماز واجب برای حفظ مال و جلوگیری از ضرر مالی یا بدنی مانعی ندارد، بلکه اگر حفظ جان خود انسان یا کسی که حفظ جان او واجب است یا حفظ مالی که نگهداری آن واجب می باشد، بدون شکستن نماز ممکن نباشد، باید نماز را بشکند.

❁ دوم: پرداخت طلب طلبکار

مسئله ۱۲۰۸. اگر در وسعت وقت، مشغول نماز باشد و طلبکار طلب خود را از او مطالبه کند، چنانچه بتواند در بین نماز طلب او را بدهد، باید در همان حال بپردازد و اگر بدون شکستن نماز، دادن طلب او ممکن نیست باید نماز را بشکند و طلب او را بدهد، بعد نماز را بخواند.

❖ سوم: تطهیر مسجد در وسعت وقت

مسئله ۱۲۰۹. اگر در بین نماز بفهمد که مسجد نجس است، چنانچه وقت تنگ باشد، باید نماز را تمام کند و اگر وقت وسعت دارد در صورتی که بعد از نماز، تطهیر مسجد ممکن باشد، شکستن نماز جایز نیست و اگر بعد از نماز، تطهیر مسجد ممکن نباشد یا تأخیر تا بعد از نماز، هتک مسجد باشد، باید نماز را بشکند و مسجد را تطهیر نماید و بعد نماز را بخواند.

❖ چهارم: گفتن اذان و اقامه یا اقامه تنها

مسئله ۱۲۱۰. اگر پیش از آنکه به اندازۀ رکوع خم شود، یادش بیاید که اذان و اقامه را فراموش کرده، چنانچه وقت نماز وسعت دارد، مستحب است برای گفتن آنها نماز را بشکند و همچنین است اگر پیش از قرائت یادش بیاید که اقامه را فراموش کرده است.

❖ شکیات

شکیات نماز، ۲۳ قسم است: هشت قسم آن شک‌هایی است که نماز را باطل می‌کند و به شش قسم آن نباید اعتنا کرد و نه قسم دیگر آن صحیح است.

❖ شک‌های باطل‌کننده

مسئله ۱۲۱۱. شک‌هایی که نماز را باطل می‌کند از این قرار است:

اول: شک در شماره رکعت‌های نماز دو رکعتی مثل نماز صبح و نماز مسافر؛ ولی شک در شماره رکعت‌های نماز مستحب دو رکعتی و نماز احتیاط، نماز را باطل نمی‌کند.

دوم: شک در شماره رکعت‌های نماز سه رکعتی؛

سوم: آنکه در نماز چهار رکعتی شک کند که یک رکعت خوانده یا بیشتر؛

چهارم: آنکه در نماز چهار رکعتی پیش از تمام شدن سجده دوم، شک کند که دو رکعت خوانده یا بیشتر؛

پنجم: شک بین دو و پنج، یا دو و بیشتر از پنج؛

ششم: شک بین سه و شش، یا سه و بیشتر از شش؛

هفتم: شک در رکعت‌های نماز که نداند چند رکعت خوانده است؛

هشتم: شک بین چهار و شش، یا چهار و بیشتر از شش.

مسئله ۱۲۱۲. اگر یکی از شک‌های باطل‌کننده برای انسان پیش آید، نباید فوراً نماز را به هم زند، بلکه باید به قدری فکر کند که یا از صورت نمازگزار خارج شود یا از پیدا شدن یقین یا گمان ناامید شود و نماز را بشکند.

✽ شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد

مسئله ۱۲۱۳. شک‌هایی که نباید به آنها اعتنا کرد، از این قرار است:

اول: شک در چیزی که محل به جا آوردن آن گذشته است، مثل آنکه در رکوع شک کند که حمد را خوانده یا نه.

دوم: شک بعد از سلام نماز؛

سوم: شک بعد از گذشتن وقت نماز؛

چهارم: شک کثیرالشک؛ یعنی کسی که زیاد شک می‌کند.

پنجم: شک امام و مأوم به تفصیلی که ذکر خواهد شد.

ششم: شک در نماز مستحبی.

✽ (۱) شک در چیزی که محل آن گذشته است

مسئله ۱۲۱۴. اگر در بین نماز شک کند که یکی از کارهای واجب آن را انجام داده یا نه، مثلاً شک کند که حمد خوانده یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده، باید آنچه را که در انجام آن شک کرده به جا آورد، و اگر مشغول کاری که بعد از آن است شده، به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۱۲۱۵. اگر در بین خواندن آیه‌ای شک کند که آیه پیش را خوانده یا نه، یا وقتی آخر آیه را می‌خواند، شک کند که اول آن را خوانده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۱۲۱۶. اگر بعد از رکوع یا سجود شک کند که کارهای واجب آن مانند ذکر و آرام بودن بدن را انجام داده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۱۲۱۷. اگر در حالی که به سجده می‌رود شک کند که رکوع کرده یا نه، یا شک کند که بعد از رکوع ایستاده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۱۲۱۸. اگر در حال برخاستن شک کند که سجده را به جا آورده یا نه، باید برگردد و به جا آورد، و اگر شک کند تشهد را به جا آورده یا نه، به شک خود اعتنا نکند، هر چند می‌تواند احتیاطاً به قصد رجا به جا آورد.

مسئله ۱۲۱۹. کسی که نشسته یا خوابیده نماز می‌خواند، اگر موقعی که حمد یا تسبیحات می‌خواند، شک کند که سجده یا تشهد را به جا آورده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر پیش از آنکه مشغول حمد یا تسبیحات شود، شک کند که سجده یا تشهد را به جا آورده یا نه، باید به جا آورد.

مسئله ۱۲۲۰. اگر شک کند که یکی از رکن‌های نماز را به جا آورده یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده، باید آن را به جا آورد، مثلاً اگر پیش از خواندن تشهد شک کند که دو سجده را به جا آورده یا نه، باید به جا آورد و چنانچه بعد یادش بیاید که آن رکن را به جا آورده بوده، چون رکن زیاد شده، نمازش باطل است.

مسئله ۱۲۲۱. اگر شک کند عملی را که رکن نیست به جا آورده یا نه، چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است نشده، باید آن را به جا آورد، مثلاً اگر پیش از خواندن سوره شک کند که حمد را خوانده یا نه، باید حمد را بخواند و اگر بعد از انجام آن یادش بیاید که آن را به جا آورده بوده چون رکن زیاد نشده، نماز صحیح است.

مسئله ۱۲۲۲. اگر شک کند که رکنی را به جا آورده یا نه، چنانچه مشغول تشهد است اگر شک کند که دو سجده را به جا آورده یا نه، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر یادش بیاید که آن رکن را به جا نیاورده، در صورتی که مشغول رکن بعد نشده، باید آن را به جا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده، نمازش باطل است مثلاً اگر پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید که دو سجده را به جا نیاورده، باید به جا آورد و اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید، نمازش باطل است.

مسئله ۱۲۲۳. اگر شک کند عملی را که رکن نیست به جا آورده یا نه چنانچه مشغول کاری که بعد از آن است شده، باید به شک خود اعتنا نکند، مثلاً موقعی که مشغول خواندن سوره است، اگر شک کند که حمد را خوانده یا نه، باید به شک خود اعتنا

نکند و اگر بعد یادش بیاید که آن را به جا نیاورده در صورتی که مشغول رکن بعد نشده، باید به جا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده نمازش صحیح است. بنابراین اگر مثلاً در قنوت یادش بیاید که حمد را نخوانده، باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید، نماز او صحیح است.

مسئله ۱۲۲۴. اگر شک کند که سلام نماز را گفته یا نه، چنانچه مشغول تعقیب نماز یا مشغول نماز دیگر شده، یا به واسطه انجام کاری که نماز را به هم می زند، از حال نمازگزار بیرون رفته، باید به شک خود اعتنا نکند و اگر پیش از این ها شک کند، باید سلام را بگوید. اگر شک کند سلام نماز را درست گفته یا نه، اعتنا نکند، هرچند وارد عمل دیگر نشده باشد.

❁ (۲) شک بعد از سلام

مسئله ۱۲۲۵. اگر بعد از سلام نماز، شک کند که نمازش صحیح بوده یا نه، مثلاً شک کند رکوع کرده یا نه، یا بعد از سلام نماز چهار رکعتی شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، به شک خود اعتنا نکند، ولی اگر هر دو طرف شک او باطل باشد، مثلاً بعد از سلام نماز چهار رکعتی، شک کند که سه رکعت خوانده یا پنج رکعت، نماز باطل است.

❁ (۳) شک بعد از وقت

مسئله ۱۲۲۶. اگر بعد از گذشتن وقت نماز، شک کند که نماز خوانده یا نه، یا گمان کند که نخوانده، خواندن آن لازم نیست، ولی اگر پیش از گذشتن وقت، شک کند که نماز خوانده یا نه، هرچند گمان کند که خوانده، باید آن را به جا آورد.

مسئله ۱۲۲۷. اگر بعد از گذشتن وقت، شک کند که نماز را درست خوانده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۱۲۲۸. اگر بعد از گذشتن وقت نماز ظهر و عصر بداند چهار رکعت نماز خوانده، ولی نداند به نیت ظهر خوانده یا به نیت عصر، باید چهار رکعت نماز قضا به نیت نمازی که بر او واجب است بخواند.

مسئله ۱۲۲۹. اگر بعد از گذشتن وقت نماز مغرب و عشا، بداند یک نماز خوانده، ولی نداند سه رکعتی خوانده یا چهار رکعتی، باید قضای نماز مغرب و عشا را بخواند.

❦ (۴) کثیرالشک «کسی که زیادشک می کند»

مسئله ۱۲۳۰. کثیرالشک کسی است که عرفاً بگویند زیاد شک می کند. اگر کسی در یک نماز مثلاً نماز صبح، سه مرتبه شک نماید و یا در سه نماز پشت سرهم مثلاً نماز صبح و ظهر و عصر شک کند، کثیرالشک به شمار می آید که باید به شک خود اعتنا نکند. و ظاهر این است که اگر کسی نتواند سه نماز پشت سرهم بدون شک بخواند، کثیرالشک قلمداد می شود.

مسئله ۱۲۳۱. هرگاه کثیرالشک در به جا آوردن چیزی شک کند، باید بنا بگذارد که آن را به جا آورده، مگر اینکه اگر آن را به جا آورده باشد نماز باطل باشد که در این صورت، باید بنا بگذارد که آن را انجام نداده، مثلاً اگر شک کند که یک رکوع کرده یا بیشتر، چون با زیاد شدن رکوع، نماز باطل است، باید بنا بگذارد که بیشتر از یک رکوع نکرده است.

مسئله ۱۲۳۲. کسی که در یک چیز نماز، زیاد شک می کند، چنانچه در چیزهای دیگر نماز شک کند، باید به دستور آن رفتار نماید، مثلاً کسی که زیاد شک می کند سجده کرده یا نه، اگر در به جا آوردن رکوع شک کند، باید به دستور آن عمل نماید، یعنی اگر ایستاده، رکوع را به جا آورد و اگر به سجده رفته، اعتنا نکند.

مسئله ۱۲۳۳. کسی که در نماز خاصی، مثلاً در نماز ظهر زیاد شک می کند، اگر در نماز دیگری، مثلاً در نماز عصر شک کند، باید به دستور شک رفتار نماید.

مسئله ۱۲۳۴. کسی که وقتی در جای مخصوصی نماز می خواند، زیاد شک می کند، اگر در غیر آنجا نماز بخواند و شکی برای او پیش آید، باید به دستور شک عمل نماید.

مسئله ۱۲۳۵. اگر انسان شک کند که کثیرالشک شده یا نه، باید به دستور شک عمل نماید، و کثیرالشک تا وقتی یقین نکند که به حال معمول مردم برگشته، باید به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۱۲۳۶. کسی که زیاد شک می کند، اگر شک کند رکنی را به جا آورده یا نه و اعتنا نکند، بعد یادش بیاید که آن را به جا نیاورده، چنانچه مشغول رکن بعد نشده،

باید آن را به جا آورد و اگر مشغول رکن بعد شده، نماز باطل است، مثلاً اگر شک کند رکوع کرده یا نه و اعتنا نکند، چنانچه پیش از سجده دوم یادش بیاید که رکوع نکرده، باید برگردد و رکوع کند و نماز را تمام نماید و بعد از تمام شدن نماز، بنابر احتیاط مستحب دو سجده سهو برای زیادی سجده به جا آورد و اگر بعد از فراغ از آن نماز، احتیاطاً آن را دوباره بخواند بهتر است، و اگر در سجده دوم یادش بیاید، نمازش باطل است.

مسئله ۱۲۳۷. کسی که زیاد شک می کند، اگر شک کند چیزی را که رکن نیست به جا آورده یا نه و اعتنا نکند و بعد یادش بیاید که آن را به جا نیاورده، چنانچه از محل به جا آوردن آن نگذشته، باید آن را به جا آورد، و اگر از محل آن گذشته، نمازش صحیح است، مثلاً اگر شک کند که حمد خوانده یا نه و اعتنا نکند؛ چنانچه در قنوت یادش بیاید که حمد نخوانده، باید بخواند و اگر در رکوع یادش بیاید، نماز او صحیح است.

❁ (۵) شک امام و مأموم

مسئله ۱۲۳۸. اگر امام جماعت در شماره رکعت های نماز شک کند، مثلاً شک کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، چنانچه مأموم یقین یا گمان داشته باشد که چهار رکعت خوانده و به امام بفهماند که چهار رکعت خوانده است، امام باید نماز را تمام کند و خواندن نماز احتیاط لازم نیست و نیز اگر امام یقین یا گمان داشته باشد که چند رکعت خوانده و مأموم در شماره رکعت های نماز شک کند، باید به شک خود اعتنا ننماید.

❁ (۶) شک در نماز مستحبی

مسئله ۱۲۳۹. اگر در شماره رکعت های نماز مستحبی شک کند، چنانچه طرف بیشتر شک، نماز را باطل می کند، باید بنا را بر کمتر بگذارد مثلاً اگر در نافله صبح شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، باید بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است و اگر طرف بیشتر شک، نماز را باطل نمی کند مثلاً شک کند که دو رکعت خوانده یا یک رکعت، به هر طرف شک عمل کند، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۲۴۰. کم شدن رکن، نافله را باطل می‌کند، ولی زیاد شدن رکن، آن را باطل نمی‌کند. پس اگر یکی از کارهای نافله را فراموش کند و موقعی یادش بیاید که مشغول رکن بعد از آن شده، باید آن کار را انجام دهد و دوباره آن رکن را به جا آورد، مثلاً اگر در بین رکوع یادش بیاید که سوره را نخوانده، باید برگردد و سوره را بخواند و دوباره به رکوع رود.

مسئله ۱۲۴۱. اگر در یکی از کارهای نافله شک کند، خواه رکن باشد و خواه غیر رکن، چنانچه محل آن نگذشته باشد، باید به جا آورد و اگر محل آن گذشته، به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۱۲۴۲. اگر در نماز مستحبی دو رکعتی، گمانش به سه رکعت یا بیشتر برود، باید اعتنا نکند و نمازش صحیح است و اگر گمانش به دو رکعت یا کمتر برود، بنابر احتیاط واجب باید به همان گمان عمل کند، مثلاً اگر گمانش به یک رکعت می‌رود، احتیاطاً یک رکعت دیگر بخواند.

مسئله ۱۲۴۳. اگر در نماز نافله کاری کند که برای آن در نماز واجب، سجده سهو واجب می‌شود یا یک سجده یا تشهد را فراموش نماید، لازم نیست بعد از نماز، سجده سهو یا قضای سجده و تشهد را به جا آورد.

مسئله ۱۲۴۴. اگر شک کند که نماز مستحبی را خوانده یا نه، چنانچه آن نماز مثل نماز جعفر طیار وقت معین نداشته باشد، بنا بگذارد که نخوانده است و همچنین اگر مثل نافله شبانه روز، وقت معین داشته باشد و پیش از گذشتن وقت شک کند آن را به جا آورده یا نه، بنا بگذارد که نخوانده است، ولی اگر بعد از گذشتن وقت شک کند که خوانده است یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

✽ شک‌های صحیح

مسئله ۱۲۴۵. در نه صورت اگر در شماره رکعت‌های نماز چهار رکعتی شک کند، باید فوراً فکر نماید، پس اگر یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا کرد، همان طرف را بگیرد و نماز را تمام کند، وگرنه به دستورهایی که گفته می‌شود، عمل نماید. آن نه صورت از این قرار است:

❁ اول: شک بین دو و سه بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم

مسئله ۱۲۴۶. اگر نمازگزار بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم شک کند دو رکعت خوانده یا سه رکعت، باید بنا بگذارد سه رکعت خوانده و یک رکعت دیگر بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز، به احتیاط واجب یک رکعت نماز احتیاط ایستاده به دستوری که بعداً گفته می شود به جا آورد.

❁ دوم: شک بین دو و چهار بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم

مسئله ۱۲۴۷. اگر نمازگزار بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم شک کند دو رکعت خوانده یا چهار رکعت، باید بنا بگذارد چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند.

❁ سوم: شک بین دو و سه و چهار بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم

مسئله ۱۲۴۸. اگر نمازگزار بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم، شک بین دو و سه و چهار نماید، باید بنابر چهار بگذارد و بعد از نماز، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده، و بعد دو رکعت نشسته به جا آورد.

❁ چهارم: شک بین چهار و پنج بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم

مسئله ۱۲۴۹. اگر نمازگزار بعد از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم، شک بین چهار و پنج نماید، باید بنابر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز، دو سجده سهو به جا آورد. لازم به ذکر است اگر یکی از این چهار شک بعد از سجده اول یا پیش از تمام شدن ذکر واجب سجده دوم، برای او پیش آید، نماز باطل است.

❁ پنجم: شک بین سه و چهار در هر جای نماز

مسئله ۱۲۵۰. اگر نمازگزار شک بین سه و چهار نماید، در هر جای نماز باشد، باید بنابر چهار بگذارد و نماز را تمام کند و بعد از نماز، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد.

❖ ششم: شک بین چهار و پنج در حال ایستاده

مسئله ۱۲۵۱. اگر نمازگزار شک بین چهار و پنج در حال ایستاده نماید، باید بنشیند و تشهد بخواند و بعد از سلام، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته به جا آورد و احتیاط لازم آن است که در این صورت و همچنین در صورت هفتم و هشتم بعد از نماز احتیاط دو سجده سهو نیز به جا آورد.

❖ هفتم: شک بین سه و پنج در حال ایستاده

مسئله ۱۲۵۲. اگر نمازگزار در حال ایستاده، بین سه و پنج شک کند، باید بنشیند و تشهد بخواند و بعد از سلام، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده به جا آورد.

❖ هشتم: شک بین سه و چهار و پنج در حال ایستاده

مسئله ۱۲۵۳. اگر نمازگزار در حال ایستاده، بین سه و چهار و پنج شک کند، باید بنشیند و تشهد بخواند و بعد از سلام، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و بعد، دو رکعت نشسته به جا آورد.

❖ نهم: شک بین پنج و شش در حال ایستاده

مسئله ۱۲۵۴. اگر نمازگزار در حال ایستاده بین پنج و شش شک نماید، باید بنشیند و تشهد بخواند و بعد از سلام، دو سجده سهو به جا آورد و بنابر احتیاط واجب، دو سجده سهو دیگر هم برای ایستادن بی جا به جا آورد.

❖ احکام دیگر شک های صحیح

مسئله ۱۲۵۵. اگر یکی از شک های صحیح برای انسان پیش آید، نباید نماز را بشکند و چنانچه نماز را بشکند، معصیت کرده است. پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می کند، مثل پشت کردن به قبله، نماز را از سر گیرد، نماز دوم هم باطل است و اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می کند، مشغول نماز شود، نماز دوم صحیح است.

مسئله ۱۲۵۶. اگر یکی از شک‌هایی که نماز احتیاط برای آنها واجب است در نماز پیش‌آید، چنانچه انسان نماز را تمام کند و بدون خواندن نماز احتیاط، نماز را از سر بگیرد، معصیت کرده است. پس اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند، نماز را از سر گرفته، نماز دوم هم باطل است و اگر بعد از انجام کاری که نماز را باطل می‌کند مشغول نماز شده، نماز دوم صحیح است.

مسئله ۱۲۵۷. وقتی یکی از شک‌های صحیح برای انسان پیش‌آید، چنان‌که گفته شد باید فوراً فکر کند، ولی اگر چیزهایی که به واسطه آنها ممکن است یقین یا گمان به یک طرف شک پیدا شود، از بین نمی‌رود، چنانچه کمی بعد فکر کند اشکال ندارد، مثلاً اگر در سجده شک کند، می‌تواند تا بعد از سجده، فکر کردن را تأخیر بیندازد.

مسئله ۱۲۵۸. اگر موقعی که تشهد می‌خواند یا بعد از ایستادن، شک کند که دو سجده را به جا آورده یا نه و در همان موقع یکی از شک‌هایی که اگر بعد از تمام شدن دو سجده اتفاق بیفتد صحیح می‌باشد، برای او پیش‌آید، مثلاً شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، چنانچه به دستور آن شک عمل کند، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۲۵۹. اگر پیش از آنکه مشغول تشهد شود یا پیش از ایستادن، شک کند که دو سجده را به جا آورده یا نه و در همان موقع یکی از شک‌هایی که بعد از تمام شدن دو سجده صحیح است برایش پیش‌آید، نماز باطل است.

مسئله ۱۲۶۰. اگر موقعی که ایستاده، بین سه و چهار یا بین سه و چهار و پنج شک کند و یادش بیاید که یک سجده یا دو سجده را از رکعت پیش به جا نیاورده، نمازش باطل است.

مسئله ۱۲۶۱. اگر شک او از بین برود و شک دیگری برایش پیش‌آید، مثلاً اول شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، بعد شک کند که سه رکعت خوانده یا چهار رکعت، باید به دستور شک دوم عمل نماید.

مسئله ۱۲۶۲. اگر بعد از نماز شک کند که در نماز مثلاً بین دو و چهار شک کرده یا بین سه و چهار، به دستور هر دو عمل کند و نماز را هم دوباره بخواند.

مسئله ۱۲۶۳. اگر بعد از نماز بفهمد که در نماز شکی برای او پیش آمده، ولی نداند از شک‌های باطل بوده یا از شک‌های صحیح، و اگر از شک‌های صحیح بوده کدام

قسم آن بوده است، می تواند دست از نماز بردارد و کاری که نماز را باطل می کند، انجام دهد و نمازش را دوباره بخواند. و بهتر آن است که دو رکعت نماز احتیاط ایستاده و یک رکعت ایستاده و دو رکعت نشسته و دو سجده سهو به جا آورد و نماز را هم دوباره بخواند.

مسئله ۱۲۶۴. کسی که نشسته نماز می خواند، اگر شکی کند که مختار است برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده یا دو رکعت نشسته بخواند، باید یک رکعت نشسته را به جا آورد و همچنین اگر شکی کند که معین است برای آن یک رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، یک رکعت نشسته به جای یک رکعت ایستاده کافی است و همچنین دو رکعت نشسته به جای دو رکعت ایستاده کافی است و لکن در مثل دو و سه، احتیاط مستحب، جمع بین یک رکعت نشسته و دو رکعت نشسته و دوباره خواندن نماز است.

مسئله ۱۲۶۵. کسی که ایستاده نماز می خواند، اگر موقع خواندن نماز احتیاط از ایستادن عاجز شود، باید مثل کسی که نماز را نشسته می خواند و حکم آن در مسئله پیش گفته شد، نماز احتیاط را به جا آورد.

مسئله ۱۲۶۶. کسی که نشسته نماز می خواند، اگر موقع خواندن نماز احتیاط بتواند بایستد، باید به وظیفه کسی که نماز را ایستاده می خواند عمل کند.

❁ احکام گمان در نماز

مسئله ۱۲۶۷. حکم گمان در نماز مثل حکم یقین است، مثلاً اگر انسان گمان دارد که نماز را چهار رکعت خوانده، نباید نماز احتیاط بخواند و اگر گمان دارد رکوع کرده، نباید آن را به جا آورد و اگر گمان دارد حمد را نخوانده، چنانچه به رکوع نرفته، باید بخواند و اگر به رکوع رفته، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۲۶۸. حکم شک و سهو و گمان در نمازهای واجب شبانه روز و نمازهای واجب دیگر فرق ندارد، مثلاً اگر در نماز آیات شک کند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت، چون شک در نماز دو رکعتی است، نماز باطل می شود. و اگر گمان داشته باشد که دو رکعت یا یک رکعت است، بر طبق گمان خود، نماز را تمام می نماید.

مسئله ۱۲۶۹. اگر اول گمانش به یک طرف بیشتر باشد بعد دو طرف در نظر او مساوی شود، باید به دستور شک عمل نماید، و اگر اول دو طرف در نظر او مساوی باشد و به طرفی که وظیفه اوست بنا بگذارد بعد گمانش به طرف دیگر برود، باید طرف گمان را بگیرد و نماز را تمام کند.

مسئله ۱۲۷۰. کسی که نمی‌داند گمانش به یک طرف بیشتر است یا هر دو طرف در نظر او مساوی است، اگر احتمال می‌دهد به یک طرف گمانش زیادتر باشد، باید آن طرف را بگیرد، وگرنه به دستور شک عمل کند.

مسئله ۱۲۷۱. اگر بعد از نماز بداند که در بین نماز، حال تردیدی داشته که مثلاً دو رکعت خوانده یا سه رکعت و بنا را بر سه گذاشته، ولی نداند که گمانش به خواندن سه رکعت بوده یا هر دو طرف در نظر او مساوی بوده، باید نماز احتیاط را بخواند.

❁ نماز احتیاط

❁ کیفیت نماز احتیاط

مسئله ۱۲۷۲. کسی که نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از سلام نماز باید فوراً نیت نماز احتیاط کند و تکبیر بگوید و حمد را بخواند و به رکوع رود و دو سجده نماید. پس اگر یک رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده، تشهد بخواند و سلام دهد. و اگر دو رکعت نماز احتیاط بر او واجب است، بعد از دو سجده، یک رکعت دیگر مثل رکعت اول به جا آورد و بعد از تشهد سلام دهد.

مسئله ۱۲۷۳. نماز احتیاط، سوره و قنوت ندارد و باید آن را آهسته بخوانند و نیت آن را به زبان نیاورند و احتیاط واجب آن است که «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» آن را هم آهسته بگویند.

❁ شک در نماز احتیاط

مسئله ۱۲۷۴. اگر شک کند نماز احتیاطی را که بر او واجب بوده به جا آورده یا نه، چنانچه وقت نماز گذشته، به شک خود اعتنا نکند و اگر وقت دارد و یا محل به جا آوردن نماز احتیاط بعد از وقت باشد، مثل کسی که بیشتر از یک رکعت از وقت را درک

نکرده باشد، در صورتی که مشغول کار دیگری نشده و از جای نماز برنخاسته و کاری هم که نماز را باطل می‌کند مثل پشت کردن به قبله، انجام نداده، باید نماز احتیاط را بخواند و اگر کاری که نماز را باطل می‌کند به جا آورده، یا بین نماز و شک او زیاد طول کشیده، به شک اعتنا ننماید.

مسئله ۱۲۷۵. موقعی که مشغول نماز احتیاط است، اگر در یکی از افعال آن شک کند، چنانچه محل آن نگذشته، باید به جا آورد، و اگر محلش گذشته، باید به شک خود اعتنا نکند، مثلاً اگر شک کند که حمد خوانده یا نه، چنانچه به رکوع نرفته، باید بخواند و اگر به رکوع رفته، باید به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۱۲۷۶. اگر در شماره رکعت‌های نماز احتیاط شک کند، چنانچه طرف بیشتر شک، نماز را باطل می‌کند، باید بنا را بر کمتر بگذارد و اگر طرف بیشتر شک، نماز را باطل نمی‌کند، باید بنا را بر بیشتر بگذارد و در هر دو صورت بعد از تمام شدن نماز احتیاط، اصل نماز را نیز بنا بر احتیاط دوباره بخواند. مثلاً موقعی که مشغول خواندن دو رکعت نماز احتیاط است، اگر شک کند که دو رکعت خوانده یا سه رکعت، چون طرف بیشتر شک، نماز را باطل می‌کند، باید بنا بگذارد که دو رکعت خوانده و اگر شک کند که یک رکعت خوانده یا دو رکعت، چون طرف بیشتر شک نماز را باطل نمی‌کند، باید بنا بگذارد که دو رکعت خوانده است.

مسئله ۱۲۷۷. اگر بعد از سلام نماز احتیاط شک کند که یکی از اجزا یا شرایط آن را به جا آورده یا نه، به شک خود اعتنا نکند.

✽ کم‌وزیاد کردن اجزا و شرایط

مسئله ۱۲۷۸. اگر در نماز احتیاط، رکنی را زیاد کند یا مثلاً به جای یک رکعت، دو رکعت بخواند، باید نماز واجب را دوباره بخواند.

مسئله ۱۲۷۹. اگر در نماز احتیاط چیزی که رکن نیست، سهواً کم یا زیاد شود و از چیزهایی باشد که در خود نماز، سجده سهو دارد، احتیاط لازم آن است که سجده سهو را به جا آورد، و اگر از چیزهایی است که سجده سهو ندارد، در نماز احتیاط نیز لازم نیست.

✽ قضای سجده و تشهد فراموش شده

مسئله ۱۲۸۰. اگر در نماز احتیاط، تشهد یا یک سجده را فراموش کند و در جای خود تدارکش ممکن باشد، مثلاً سجده رکعت دوم را فراموش نموده، در این صورت گرچه بعد از تشهد و سلام نماز احتیاط، یادش بیاید، باید سجده را بخواند و سپس تشهد و سلام را بگوید، و اگر در جای خود تدارکش ممکن نباشد، مانند اینکه بعد از سلام نماز یادش بیاید که سجده رکعت اول را فراموش کرده است، احتیاط واجب آن است که بعد از سلام نماز، آن را بخواند.

✽ احکام نماز احتیاط

مسئله ۱۲۸۱. اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد نمازی که خوانده درست بوده، لازم نیست نماز احتیاط را بخواند و اگر در بین نماز احتیاط بفهمد، لازم نیست آن را تمام نماید.

مسئله ۱۲۸۲. اگر پیش از خواندن نماز احتیاط بفهمد که رکعت های نمازش کم بوده، چنانچه کاری که نماز را باطل می کند انجام نداده، باید آنچه از نماز را نخوانده، بخواند و برای سلام بی جا دو سجده سهو نماید و اگر کاری که نماز را باطل می کند انجام داده، مثلاً پشت به قبله کرده، باید نماز را دوباره به جا آورد.

مسئله ۱۲۸۳. اگر بعد از نماز احتیاط، بفهمد کمی نماز به مقدار نماز احتیاط بوده، مثلاً در شک بین سه و چهار، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند و بعد بفهمد نماز را سه رکعت خوانده، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۲۸۴. اگر بعد از خواندن نماز احتیاط، بفهمد کمی نماز کمتر از نماز احتیاط بوده، مثلاً در شک بین دو و چهار، دو رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، بعد بفهمد نماز را سه رکعت خوانده، باید نماز را دوباره بخواند.

مسئله ۱۲۸۵. اگر بعد از خواندن نماز احتیاط، بفهمد کمی نماز بیشتر از نماز احتیاط بوده، مثلاً در شک بین سه و چهار، یک رکعت نماز احتیاط ایستاده بخواند، بعد بفهمد نماز را دو رکعت خوانده، چنانچه بعد از نماز احتیاط کاری که نماز را باطل می کند انجام داده، مثلاً پشت به قبله کرده، نماز را دوباره بخواند و اگر کاری که نماز

را باطل می‌کند انجام نداده، نماز احتیاطش جزء نماز او محسوب است و یک رکعت کمی نمازش را به جا آورد و نمازش صحیح است و برای زیادی هریک از سلام‌ها در اصل نماز و نماز احتیاط، دو سجده سهو به جا آورد.

مسئله ۱۲۸۶. اگر بین دو و سه و چهار شک کند و بعد از خواندن دو رکعت نماز احتیاط ایستاده، یادش بیاید که نماز را دو رکعت خوانده، لازم نیست دو رکعت نماز احتیاط نشسته را بخواند.

مسئله ۱۲۸۷. اگر بین سه و چهار شک کند و موقعی که دو رکعت نماز احتیاط نشسته یا یک رکعت ایستاده را می‌خواند یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده، باید نماز احتیاط را رها کند و نماز واجب را دوباره بخواند.

مسئله ۱۲۸۸. اگر بین دو و سه و چهار شک کند، و موقعی که دو رکعت نماز احتیاط ایستاده را می‌خواند، پیش از رکوع رکعت دوم یادش بیاید که نماز را سه رکعت خوانده، باید نماز احتیاط را رها کند و نماز واجب را دوباره بخواند.

مسئله ۱۲۸۹. اگر در بین نماز احتیاط، بفهمد کسری نمازش بیشتر یا کمتر از نماز احتیاط بوده، باید آن را رها کند و نماز واجب را دوباره بخواند، مثلاً در شک بین سه و چهار اگر وقتی که دو رکعت نماز احتیاط نشسته را می‌خواند، یادش بیاید که نماز را دو رکعت خوانده، باید نماز احتیاط نشسته را رها کند و نماز واجب را دوباره بخواند.

مسئله ۱۲۹۰. اگر نماز احتیاط و قضای یک سجده یا قضای یک تشهد یا دو سجده سهو بر او واجب شود، باید اول نماز احتیاط را به جا آورد.

❁ سجده سهو

اگر نمازگزار در نماز دچار سهو و فراموشی شود، در بعضی از موارد باید بنا بر فتوا یا احتیاط واجب به دستوری که بعداً گفته می‌شود، سجده سهو انجام دهد.

❁ موارد سجده سهو

❁ موارد لازم سجده سهو (بنا بر فتوا یا احتیاط واجب)

مسئله ۱۲۹۱. برای پنج چیز بعد از سلام نماز، انسان باید دو سجده سهو به دستوری که

بعداً گفته می شود به جا آورد:

اول: کلام بی جا؛

دوم: سلام بی جا؛

سوم: سجده فراموش شده؛

چهارم: تشهد فراموش شده؛

پنجم: شک بین چهار یا پنج رکعت بعد از سجده دوم.

همچنین نمازگزار در دو مورد بعد از سلام نماز، بنابر احتیاط واجب باید دو سجده سهواً انجام دهد:

اول: ایستادن بی جا؛

دوم: نشستن بی جا.

و احکام این چند صورت در مسائل آینده گفته می شود.

✽ اول: کلام بی جا

مسئله ۱۲۹۲. اگر انسان اشتباهاً یا به خیال اینکه نمازش تمام شده، حرف بزند، باید دو سجده سهو به جا آورد.

مسئله ۱۲۹۳. برای صوتی که از آه کشیدن و سرفه پیدا می شود، سجده سهو واجب نیست، ولی اگر مثلاً سهواً آخر یا آه بگوید، باید سجده سهو نماید.

مسئله ۱۲۹۴. اگر چیزی را که اشتباه خوانده، دوباره به طور صحیح بخواند، برای دوباره خواندن آن، سجده سهو واجب نیست.

مسئله ۱۲۹۵. اگر در نماز سهواً چند کلمه حرف بزند و تمام آنها یک مرتبه حساب شود، دو سجده سهو بعد از سلام نماز کافی است.

✽ دوم: سلام بی جا

مسئله ۱۲۹۶. اگر در جایی که نباید سلام نماز را بگوید، سهواً بگوید:

اَلسَّلَامُ عَلَيْنَا وَعَلَىٰ عِبَادِ اللّٰهِ الصّٰلِحِيْنَ

یا بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

باید دو سجده سهو بنماید و همچنین اگر سهواً مقداری از این دو سلام را بگوید باید دو سجده سهو بنماید، ولی اگر سهواً بگوید:

السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ

احتیاط مستحب آن است که دو سجده سهو به جا آورد.

مسئله ۱۲۹۷. اگر در جایی که نباید سلام دهد، اشتبهاً هر سه سلام را بگوید، دو سجده سهو کافی است.

✽ سوم: سجده یا تشهد فراموش شده

مسئله ۱۲۹۸. اگر یک سجده یا تشهد را فراموش کند و پیش از رکوع رکعت بعد یادش بیاید، باید برگردد و به جا آورد، و بعد از نماز بنابر احتیاط واجب برای ایستادن بی جا، دو سجده سهو بنماید.

مسئله ۱۲۹۹. اگر در رکوع یا بعد از آن یادش بیاید که یک سجده یا تشهد را از رکعت پیش فراموش کرده، باید بعد از سلام نماز، سجده یا تشهد را قضا نماید و بعد از آن دو سجده سهو به جا آورد.

✽ چهارم: شک بین چهار یا پنج رکعت بعد از سجده دوم

مسئله ۱۳۰۰. اگر نمازگزار در نماز چهار رکعتی بعد از سجده دوم شک کند که چهار رکعت خوانده یا پنج رکعت، باید بنا بگذارد که چهار رکعت خوانده و نماز را تمام کند و بعد از سلام نماز، واجب است دو سجده سهو انجام دهد.

✽ پنجم: ایستادن یا نشستن بی جا

مسئله ۱۳۰۱. اگر نمازگزار در جایی که باید بایستد، مثلاً موقع خواندن حمد و سوره اشتبهاً بنشیند، یا در جایی که باید بنشیند، مثلاً موقع خواندن تشهد اشتبهاً بایستد، بنابر احتیاط باید دو سجده سهو به جا آورد.

❁ موارد احتیاط مستحب

مسئله ۱۳۰۲. نمازگزار برای هر چیزی که در نماز اشتباهاً کم یا زیاد کند، احتیاط مستحب آن است که دو سجده سهو بنماید.

مسئله ۱۳۰۳. اگر نمازگزار سهواً تسبیحات اربعه را نگوید یا بیشتر از سه مرتبه بگوید، احتیاط مستحب آن است که بعد از نماز دو سجده سهو به جا آورد.

❁ کیفیت سجده سهو

مسئله ۱۳۰۴. دستور سجده سهو این است که بعد از سلام نماز، فوراً نیت سجده سهو کند و پیشانی را به چیزی که سجده بر آن صحیح است بگذارد و ذکر بگوید. ذکر سجده سهو را به دو نحو می شود گفت:

اول: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ».

دوم: «بِسْمِ اللَّهِ وَبِاللَّهِ السَّلَامُ عَلَيْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ وَرَحْمَةُ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ». بعد باید بنشینند و دوباره به سجده رود و ذکر را بگوید و بنشینند و بعد از خواندن تشهد، سلام دهد.

❁ احکام دیگر سجده سهو

مسئله ۱۳۰۵. اگر سجده سهو را بعد از سلام نماز عمداً به جا نیاورد، معصیت کرده ولی نماز باطل نمی شود و واجب است هرچه زودتر آن را انجام دهد و چنانچه سهواً به جا نیاورد، هروقت یادش آمد، باید فوراً انجام دهد.

مسئله ۱۳۰۶. اگر شک دارد که سجده سهو بر او واجب شده یا نه، لازم نیست به جا آورد.

مسئله ۱۳۰۷. کسی که شک دارد، مثلاً دو سجده سهو بر او واجب شده یا چهار تا، اگر دو سجده بنماید کافی است.

مسئله ۱۳۰۸. اگر بداند یکی از دو سجده سهو را به جا نیاورده و تدارک ممکن نباشد و یا بداند سهواً سه سجده سهو کرده، باید دوباره دو سجده سهو بنماید.

❁ قضای سجده و تشهد فراموش شده

مسئله ۱۳۰۹. سجده و تشهد را که انسان فراموش کرده و بعد از نماز، قضای آن را

به جا می آورد، باید تمام شرایط نماز، مانند پاک بودن بدن و لباس و رو به قبله بودن و شرط های دیگر را داشته باشد.

مسئله ۱۳۱۰. اگر سجده یا تشهد را چند دفعه فراموش کند، مثلاً یک سجده از رکعت اول و یک سجده از رکعت دوم فراموش کند، باید بعد از نماز، قضای هر دو را با سجده های سهوی که برای آنها لازم است، به جا آورد و لازم نیست معین کند که قضای کدام یک از آنها است.

مسئله ۱۳۱۱. اگر یک سجده و تشهد را فراموش کند، احتیاط واجب آن است که هر کدام را اول فراموش کرده، اول قضا نماید و اگر نداند کدام اول فراموش شده، باید احتیاطاً یک سجده و تشهد و بعد یک سجده دیگر به جا آورد یا یک تشهد و یک سجده و بعد یک تشهد دیگر به جا آورد تا یقین کند سجده و تشهد را به ترتیبی که فراموش کرده، قضا نموده است.

مسئله ۱۳۱۲. اگر به خیال اینکه اول، سجده را فراموش کرده، اول قضای آن را به جا آورد و بعد از خواندن تشهد یادش بیاید که اول تشهد را فراموش کرده، احتیاط واجب آن است که دوباره سجده را قضا نماید و نیز اگر به خیال اینکه اول تشهد را فراموش کرده، اول قضای آن را به جا آورد و بعد از سجده یادش بیاید که اول سجده را فراموش کرده، بنابر احتیاط واجب باید دوباره تشهد را بخواند.

مسئله ۱۳۱۳. اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند که اگر عمداً یا سهواً در نماز اتفاق بیفتد نماز باطل می شود، مثلاً پشت به قبله نماید، احتیاط مستحب آن است که بعد از قضای سجده و تشهد، دوباره نماز را بخواند.

مسئله ۱۳۱۴. اگر بعد از سلام نماز یادش بیاید که یک سجده از رکعت آخر را فراموش کرده، چنانچه کاری که عمدی و سهوی آن نماز را باطل می کند، مثل پشت کردن به قبله انجام نداده، باید برگردد و سجده فراموش شده را به جا آورد و بعد از آن، تشهد بخواند و سلام دهد و نیز اگر یادش بیاید که تشهد رکعت آخر را فراموش کرده، باید تشهد را بخواند و بعد از آن سلام دهد و در هر دو صورت دو سجده سهو برای سلام بی جا به جا آورد.

مسئله ۱۳۱۵. اگر بین سلام نماز و قضای سجده یا تشهد کاری کند که برای آن سجده سهو واجب می شود، مثل آنکه سهواً حرف بزند، بنابر احتیاط واجب باید سجده یا

تشهد را قضا کند و غیر از سجده سهوی که برای قضای سجده یا تشهد لازم است، دو سجده سهو دیگر نیز برای عمل سهوی انجام دهد.

مسئله ۱۳۱۶. اگر نداند که سجده را فراموش کرده یا تشهد را، باید هر دو را قضا نماید و هر کدام را اول به جا آورد، اشکال ندارد.

مسئله ۱۳۱۷. اگر شک دارد که سجده یا تشهد را فراموش کرده یا نه، واجب نیست قضا نماید.

مسئله ۱۳۱۸. اگر بداند سجده یا تشهد را فراموش کرده و شک کند که پیش از رکوع رکعت بعد به جا آورده یا نه، باید آن را قضا نماید.

مسئله ۱۳۱۹. کسی که باید سجده یا تشهد را قضا نماید، اگر برای کار دیگری هم سجده سهو بر او واجب شود، بنابر احتیاط لازم باید بعد از نماز، سجده یا تشهد را قضا نماید و بعد سجده سهو را به جا آورد.

مسئله ۱۳۲۰. اگر شک دارد که بعد از نماز، قضای سجده یا تشهد فراموش شده را به جا آورده یا نه، چنانچه وقت نماز نگذشته، باید سجده یا تشهد را قضا نماید و اگر وقت نماز گذشته، قضای آن مستحب است.

❁ کم و زیاد کردن اجزا و شرایط نماز

مسئله ۱۳۲۱. هرگاه چیزی از واجبات نماز را عمداً کم یا زیاد کند، گرچه یک حرف آن باشد، نماز باطل است.

مسئله ۱۳۲۲. اگر به واسطه ندانستن مسئله، چیزی از واجبات نماز را کم یا زیاد کند، نماز باطل است، ولی چنانچه به واسطه ندانستن مسئله، حمد و سوره نماز صبح و مغرب و عشا را آهسته بخواند یا حمد و سوره نماز ظهر و عصر را بلند بخواند یا در مسافرت، نماز ظهر و عصر و عشا را چهار رکعت بخواند، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۳۲۳. اگر در بین نماز بفهمد وضو یا غسلش باطل بوده یا بدون وضو یا غسل مشغول نماز شده، باید نماز را به هم بزند و دوباره با وضو یا غسل بخواند و اگر بعد از نماز بفهمد، باید دوباره نماز را با وضو یا غسل به جا آورد و اگر وقت گذشته، قضا نماید.

مسئله ۱۳۲۴. اگر بعد از رسیدن به رکوع، یادش بیاید که دو سجده از رکعت پیش

فراموش کرده، نمازش باطل است و اگر پیش از رسیدن به رکوع یادش بیاید، باید برگردد و دو سجده را به جا آورد و برخیزد و حمد و سوره یا تسبیحات را بخواند و نماز را تمام کند و بعد از نماز بنا بر احتیاط واجب، برای ایستادن بی جا دو سجده سهو بنماید.

مسئله ۱۳۲۵. اگر پیش از گفتن «السلام عَلَینَا...» و «السلام عَلَیکُمْ...» یادش بیاید که دو سجده رکعت آخر را به جا نیاورده، باید دو سجده را به جا آورد و دوباره تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

مسئله ۱۳۲۶. اگر پیش از سلام نماز یادش بیاید که یک رکعت یا بیشتر از آخر نماز نخوانده، باید مقداری را که فراموش کرده به جا آورد.

مسئله ۱۳۲۷. اگر بعد از سلام نماز یادش بیاید که یک رکعت یا بیشتر از آخر نماز را نخوانده، چنانچه کاری انجام داده که اگر در نماز عمدأ یا سهواً اتفاق بیفتد، نماز را باطل می کند، مثلاً پشت به قبله کرده، نمازش باطل است و اگر کاری انجام نداده که عمدی و سهوی آن، نماز را باطل می کند، باید فوراً مقداری را که فراموش کرده به جا آورد و برای سلام زیادی نیز دو سجده سهو به جا آورد.

مسئله ۱۳۲۸. هرگاه بعد از سلام نماز، عملی انجام دهد که اگر در نماز عمدأ یا سهواً اتفاق بیفتد نماز را باطل می کند، مثلاً پشت به قبله نماید و بعد یادش بیاید که دو سجده آخر را به جا نیاورده، نمازش باطل است و اگر پیش از انجام کاری که نماز را باطل می کند یادش بیاید، باید دو سجده ای را که فراموش کرده به جا آورد و دوباره تشهد بخواند و نماز را سلام دهد و دو سجده سهو برای سلامی که اول گفته است بنماید.

مسئله ۱۳۲۹. اگر بفهمد نماز را پیش از وقت خوانده یا از روی جهل و غفلت یا فراموشی پشت به قبله یا به طرف راست یا به طرف چپ قبله به جا آورده، باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته، قضا نماید، ولی اگر تفحص از قبله کرده و در تشخیص قبله اشتباه نموده، اگر در وقت ملتفت شود، باید دوباره نماز را بخواند و اگر در خارج وقت باشد، احتیاط واجب قضای آن است.

✽ نماز مسافر

مسافر باید نماز ظهر و عصر و عشا را با هشت شرط، دو رکعت بخواند.

✽ شرایط شکسته شدن نماز مسافر

✽ اول: سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد

مسئله ۱۳۳۰. شرط اول شکسته شدن نماز مسافر آن است که سفر او کمتر از هشت فرسخ شرعی نباشد. فرسخ شرعی دوازده هزار ذراع است به ذراع متعارف و بعضی گفته اند: این مقدار تقریباً پنج کیلومتر و نیم است.

مسئله ۱۳۳۱. کسی که مجموع رفتن و برگشتن او هشت فرسخ است، چنانچه هیچ یک از رفتن و برگشتن کمتر از چهار فرسخ نباشد، باید نماز را شکسته بخواند، بنابراین اگر رفتن سه فرسخ و برگشتن پنج فرسخ باشد، یا رفتن پنج فرسخ و برگشتن سه فرسخ باشد، باید نماز را تمام، یعنی چهار رکعت، بخواند.

مسئله ۱۳۳۲. اگر هریک از رفتن و برگشتن، از چهار فرسخ کمتر نباشد، نمازش شکسته است و روزه را نیز باید افطار نماید، گرچه همان روز یا شب آن برنگردد.

مسئله ۱۳۳۳. اگر سفر، مختصری از هشت فرسخ کمتر باشد یا انسان نداند که سفر او هشت فرسخ است یا نه، نباید نماز را شکسته بخواند و چنانچه شک کند که سفر او هشت فرسخ است یا نه، در صورتی که تحقیق کردن برایش مشقت دارد، باید نمازش را تمام بخواند و اگر مشقت ندارد، بنابر احتیاط واجب باید تحقیق کند، که اگر دو عادل بگویند یا بین مردم معروف باشد که سفر او هشت فرسخ است، نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۳۴. اگر یک عادل خبر دهد که سفر انسان هشت فرسخ است، بنابر احتیاط واجب باید نماز را، هم شکسته و هم تمام بخواند و روزه بگیرد و قضای آن را هم به جا آورد.

مسئله ۱۳۳۵. کسی که یقین دارد سفر او هشت فرسخ است، اگر نماز را شکسته بخواند و بعد بفهمد که هشت فرسخ نبوده، باید آن را چهار رکعتی به جا آورد و اگر وقت گذشته، قضا نماید.

مسئله ۱۳۳۶. کسی که قصد مسافرت به محل معینی نموده و یقین دارد سفرش هشت فرسخ نیست یا شک دارد که هشت فرسخ است یا نه، چنانچه در بین راه یا بعد از

رسیدن به مقصد بفهمد که سفر او هشت فرسخ بوده، باید نماز را شکسته بخواند و اگر تمام خوانده، دوباره شکسته به جا آورد.

مسئله ۱۳۳۷. اگر بین دو محلی که فاصله آنها کمتر از چهار فرسخ است، چند مرتبه رفت و آمد کند، هر چند روی هم رفته هشت فرسخ شود، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۳۸. اگر محلی دو راه داشته باشد و یک راه آن کمتر از هشت فرسخ و راه دیگر آن هشت فرسخ یا بیشتر باشد، چنانچه انسان از راهی که هشت فرسخ است به آنجا برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر از راهی که هشت فرسخ نیست برود، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۳۹. ابتدای هشت فرسخ را باید از دیوار شهر حساب کند.

❦ دوم: از ابتدای سفر، قصد هشت فرسخ را داشته باشد

مسئله ۱۳۴۰. شرط دوم شکسته شدن نماز مسافر آن است که از اول مسافرت قصد هشت فرسخ را داشته باشد. پس اگر به جایی که کمتر از هشت فرسخ است مسافرت کند و بعد از رسیدن به آنجا قصد کند جایی برود که با مقداری که آمده هشت فرسخ شود، چون از اول قصد هشت فرسخ را نداشته، باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر بخواهد از آنجا هشت فرسخ برود یا چهار فرسخ برود و برگردد، باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۴۱. کسی که نمی داند سفرش چند فرسخ است، مثلاً برای پیدا کردن گمشده ای مسافرت می کند و نمی داند چه مقدار باید برود تا آن را پیدا کند، باید نماز را تمام بخواند، ولی در برگشتن، چنانچه تا وطنش یا جایی که می خواهد ده روز در آنجا بماند، هشت فرسخ یا بیشتر باشد، باید نماز را شکسته بخواند و نیز اگر در بین رفتن، قصد کند که چهار فرسخ برود، چنانچه رفتن و برگشتن هشت فرسخ شود، باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۴۲. مسافر در صورتی باید نماز را شکسته بخواند که تصمیم داشته باشد هشت فرسخ برود؛ پس کسی که از شهر بیرون می رود و مثلاً قصدش این است که اگر رفیق پیدا کند، سفر هشت فرسخی برود، چنانچه اطمینان دارد که رفیق پیدا می کند، باید نماز را شکسته بخواند و اگر اطمینان ندارد، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۴۳. کسی که قصد هشت فرسخ دارد، گرچه در هر روز مقدار کمی راه برود، وقتی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و اذان آن را نشنود، باید نماز را شکسته بخواند، ولی اگر در هر روز مقدار خیلی کمی راه برود که عرفاً نگویند مسافراست، باید نماز را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسئله ۱۳۴۴. کسی که در سفر به اختیار دیگری است، مانند فرزندی که با پدرش یا زنی که با شوهرش یا خدمتکاری که با آقای خود مسافرت می‌کند، چنانچه بداند سفر او هشت فرسخ است، باید نماز را شکسته بخواند و اگر نداند، بنا بر احتیاط واجب باید از او پرسد که اگر سفر او هشت فرسخ باشد، نماز را شکسته به جا آورد.

مسئله ۱۳۴۵. کسی که در سفر به اختیار دیگری است، اگر بداند یا گمان داشته باشد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ، از او جدا می‌شود و سفر نمی‌کند، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۴۶. کسی که در سفر به اختیار دیگری است، اگر شک دارد که پیش از رسیدن به چهار فرسخ از او جدا می‌شود یا نه، باید نماز را تمام بخواند ولی اگر شک او از این جهت است که احتمال می‌دهد مانعی برای سفر او پیش آید، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا نباشد، باید نماز را شکسته بخواند.

❁ سوم: در بین راه از قصد خود برگردد

مسئله ۱۳۴۷. شرط سوم شکسته شدن نماز مسافران است که در بین راه از قصد خود برگردد؛ پس اگر پیش از رسیدن به چهار فرسخ از قصد خود برگردد یا مردد شود، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۴۸. اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ، از ادامه مسافرت منصرف شود، چنانچه تصمیم داشته باشد که همان جا بماند یا بعد از ده روز برگردد یا در برگشتن و ماندن مردد باشد، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۴۹. اگر بعد از رسیدن به چهار فرسخ، از ادامه مسافرت منصرف شود و تصمیم داشته باشد که پیش از ده روز، از آنجا برگردد، باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۵۰. اگر برای رفتن به محلی که هشت فرسخ باشد حرکت کند و بعد از رفتن مقداری از راه بخواند جای دیگری برود، چنانچه از محل اولی که حرکت کرده تا جایی که می خواهد برود هشت فرسخ باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۵۱. اگر پیش از آنکه به هشت فرسخ برسد، مردد شود که بقیه راه را برود یا نه یا تصمیم بگیرد نرود، در صورتی که به چهار فرسخ رسیده و قصد دارد پیش از ده روز از آنجا برگردد، باید تا آخر مسافرت، نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۵۲. اگر پیش از آنکه به هشت فرسخ برسد، مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و در موقعی که مردد است، مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که هشت فرسخ دیگر برود یا چهار فرسخ برود و چهار فرسخ برگردد، تا آخر مسافرت باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۵۳. اگر پیش از آنکه به هشت فرسخ برسد، مردد شود که بقیه راه را برود یا نه و در موقعی که مردد است، مقداری راه برود و بعد تصمیم بگیرد که بقیه راه را برود، چنانچه باقی مانده سفر او چهار فرسخ باشد که با برگشتن هشت فرسخ شود، باید نماز را شکسته بخواند.

❦ چهارم: پیش از رسیدن به هشت فرسخ قطع کننده سفر پیش نیاید

مسئله ۱۳۵۴. شرط چهارم شکسته شدن نماز مسافر آن است که نخواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ، از وطن خود بگذرد یا ده روز یا بیشتر در جایی بماند. پس کسی که می خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ، از وطن خود بگذرد یا ده روز در محلی بماند، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۵۵. کسی که نمی داند پیش از رسیدن به هشت فرسخ، از وطنش می گذرد یا نه، یا ده روز در محلی می ماند یا نه، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۵۶. کسی که می خواهد پیش از رسیدن به هشت فرسخ از وطنش بگذرد یا ده روز در محلی بماند و نیز کسی که مردد است که از وطنش بگذرد یا ده روز در محلی بماند، اگر از ماندن ده روز یا گذشتن از وطن منصرف شود، باز هم باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر باقی مانده راه هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد و بخواند برود و برگردد، باید نماز را شکسته بخواند.

❁ پنجم: برای کار حرام سفر نکند

مسئله ۱۳۵۷. شرط پنجم شکسته شدن نماز مسافر آن است که برای کار حرام سفر نکند و اگر برای کار حرامی، مانند دزدی سفر کند، باید نماز را تمام بخواند و همچنین است اگر خود سفر حرام باشد، مثل آنکه برای او ضرر داشته باشد یا زن بدون اجازه شوهر و فرزند با نهی پدر و مادر که باعث اذیت آنها شود، سفری بروند که بر آنان واجب نباشد، ولی اگر مثل سفر حج واجب باشد، باید نماز را شکسته بخوانند.

مسئله ۱۳۵۸. سفری که اسباب اذیت پدر و مادر باشد، حرام است و انسان باید در آن سفر نماز را تمام بخواند و روزه هم بگیرد.

مسئله ۱۳۵۹. کسی که سفر او حرام نیست و برای کار حرام هم سفر نمی‌کند، گرچه در سفر، معصیتی انجام دهد مثلاً غیبت کند یا شراب بخورد، باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۶۰. اگر مخصوصاً برای آنکه کار واجبی را ترک کند مسافرت نماید، نمازش تمام است. پس کسی که بدهکار است، اگر بتواند بدهی خود را بدهد و طلبکار هم مطالبه کند، چنانچه در سفر نتواند بدهی خود را بدهد و مخصوصاً برای فرار از دادن قرض مسافرت نماید، باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر مخصوصاً برای ترک واجب مسافرت نکند، باید نماز را شکسته بخواند، هر چند سفر باعث ترک واجب شود و احتیاط مستحب آن است که در این صورت، هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسئله ۱۳۶۱. اگر سفر او حرام نباشد، ولی حیوان سواری یا مرکب دیگری که سوار است، غصبی باشد یا در زمین غصبی مسافرت کند، بنابر احتیاط واجب باید نماز را، هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسئله ۱۳۶۲. کسی که با ظالم مسافرت می‌کند، اگر ناچار نباشد و مسافرت او کمک به ظالم باشد، باید نماز را تمام بخواند و اگر ناچار باشد یا مثلاً برای نجات دادن مظلومی با او مسافرت کند، نمازش شکسته است.

مسئله ۱۳۶۳. اگر به قصد تفریح و گردش مسافرت کند، حرام نیست و باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۶۴. اگر برای لهو و خوش گذرانی به شکار رود، نمازش تمام است و چنانچه برای تهیه معاش به شکار رود، نمازش شکسته است و اگر برای کسب و زیاد کردن

مال برود، احتیاط واجب آن است که نماز را، هم شکسته و هم تمام بخواند، ولی باید روزه نگیرد.

مسئله ۱۳۶۵. کسی که برای معصیت سفر کرده، هنگامی که از سفر برمی گردد، اگر برگشتن به اندازه مسافت شرعی باشد، چنانچه توبه کرده یا برگشت، سفر مستقلی باشد، باید نماز را شکسته بخواند و اگر برگشت به اندازه مسافت شرعی نیست، ولی مجموع رفت و برگشت به اندازه مسافت است، احتیاط لازم آن است که نماز را، هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسئله ۱۳۶۶. کسی که سفر او سفر معصیت است، اگر در بین راه از قصد معصیت برگردد، چنانچه بقیه راه هشت فرسخ باشد یا چهار فرسخ باشد که با برگشت هشت فرسخ شود و قصد اقامه ده روز نداشته باشد، باید نماز را شکسته بخواند و اگر بقیه راه به اندازه مسافت شرعی نباشد، ولی مجموع راهی که قبل از توبه رفته و بعد از توبه می رود، به اندازه مسافت شرعی باشد، احتیاط لازم آن است که نماز را، هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسئله ۱۳۶۷. کسی که برای معصیت سفر نکرده، اگر در بین راه قصد کند که بقیه راه را برای معصیت برود، باید نماز را تمام بخواند، ولی نمازهایی را که شکسته خوانده، در صورتی که راهی که طی کرده به اندازه مسافت شرعی بوده، صحیح است، وگرنه احتیاط واجب اعاده آنهاست.

❦ ششم: صحرانشین و گردشگر بیابان نباشد

مسئله ۱۳۶۸. شرط ششم شکسته شدن نماز مسافر آن است که از صحرانشین‌هایی نباشد که در بیابان‌ها گردش می‌کنند و هرجا آب و خوراک برای خود و حشمتان پیدا کنند می‌مانند و بعد از چندی به جای دیگر می‌روند؛ پس صحرانشین‌ها در این مسافرت‌ها باید نماز را تمام بخوانند.

مسئله ۱۳۶۹. اگر یکی از صحرانشین‌ها برای پیدا کردن منزل و چراگاه حیواناتشان، بدون چادر و اثاثیه سفر کند، بلکه فقط به منظور تعیین محل و مرتع مناسب برای احشام خودش باشد، چنانچه سفر او هشت فرسخ باشد، احتیاط واجب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسئله ۱۳۷۰. اگر صحرانشین برای زیارت یا حج یا تجارت و مانند این‌ها مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند.

✽ هفتم: شغل او سفر نباشد

مسئله ۱۳۷۱. شرط هفتم شکسته شدن نماز مسافر آن است که شغل او مسافرت نباشد. بنابراین شتردار و راننده و چوبدار و کشتیبان و مانند این‌ها گرچه برای بردن اثاثیه منزل خود مسافرت کنند، در غیر سفر اول باید نماز را تمام بخوانند و همچنین در سفر اول اگر طول بکشد یا از مکانی به مکان دیگر برود که عرفاً بگویند عمل او سفر است، باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر سفر طولانی نباشد به طوری که عرفاً نگویند سفر، کار اوست، نمازشان شکسته است.

مسئله ۱۳۷۲. کسی که شغلش مسافرت است، اگر برای کار دیگری مثلاً برای زیارت یا حج مسافرت کند، باید نماز را شکسته بخواند، ولی اگر مثلاً راننده‌ای، اتومبیل خود را برای زیارت کرایه بدهد و در ضمن، خودش هم زیارت کند، باید نماز را تمام بخواند. مسئله ۱۳۷۳. مسئولان و کارمندان کاروان، اگر شغلشان مسافرت باشد، باید نماز را تمام بخوانند و اگر شغلشان، سفر نباشد، باید شکسته بخوانند.

مسئله ۱۳۷۴. کسی که در مقداری از سال شغلش مسافرت است، مثل راننده‌ای که فقط در تابستان یا زمستان اتومبیل خود را کرایه می‌دهد، باید در سفری که برای شغلش می‌رود، نماز را تمام بخواند، ولی احتیاط مستحب آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسئله ۱۳۷۵. راننده و دوره‌گردی که در دوسه فرسخی شهر رفت و آمد می‌کند، چنانچه اتفاقاً سفر هشت فرسخی برود، باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۷۶. کسی که شغلش مسافرت است، اگر ده روز یا بیشتر در وطن خود بماند، چه از اول قصد ماندن ده روز را داشته باشد و چه بدون قصد بماند، باید در سفر اولی که بعد از ده روز می‌رود، نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۷۷. کسی که شغلش مسافرت است اگر در غیر وطن خود ده روز بماند، چنانچه از اول قصد ماندن ده روز را داشته، در سفر اولی که بعد از ده روز می‌رود، باید

نماز را شکسته بخواند و اگر از اول قصد ماندن ده روز را نداشته، احتیاط لازم آن است که هم شکسته و هم تمام بخواند، گرچه اکتفا به تمام هم بدون توجیه نیست.

مسئله ۱۳۷۸. کسی که شغلش مسافرت است، اگر شک کند که در وطن خود یا جای دیگری ده روز مانده یا نه، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۷۹. کسی که در شهرها سیاحت می‌کند و برای خود وطنی اختیار نکرده، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۸۰. کسی که شغلش مسافرت نیست، اگر مثلاً در شهر یا در روستایی، کالایی دارد که برای حمل آن، مسافرت‌های پی‌درپی می‌کند، باید نماز را شکسته بخواند ولی کسی که کارش این است که هفته‌ای یک بار یا بیشتر برای انجام شغلی به محلی سفر می‌کند، مثلاً همه‌روزه برای تدریس یا درس خواندن از تهران به کرج می‌رود یا آنکه برای کاری مثل خرید و فروش از تهران به قم یا بالعکس سفر می‌نماید، همین‌که به مقداری سفر کند که عرفاً این کار را شغل او بگویند، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۸۱. کسی که از وطنش صرف‌نظر کرده و می‌خواهد وطن دیگری برای خود اختیار کند، اگر شغلش مسافرت نباشد، باید در مسافرت نماز را شکسته بخواند.

❦ هشتم: به حدّ ترخص برسد

مسئله ۱۳۸۲. شرط هشتم شکسته شدن نماز مسافر آن است که به حدّ ترخص برسد؛ یعنی از وطنش یا جایی که با قصد ده روز در آنجا مانده، به قدری دور شود که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود، ولی باید در هوا غبار یا چیز دیگری نباشد که از دیدن دیوار و شنیدن اذان جلوگیری کند و لازم نیست به قدری دور شود که مناره‌ها و گنبد‌ها را نبیند.

مسئله ۱۳۸۳. کسی که به سفر می‌رود، اگر به جایی برسد که اذان را نشنود، ولی دیوار شهر را ببیند یا دیوارها را نبیند و صدای اذان را بشنود، چنانچه بخواهد در آنجا نماز بخواند، بنابر احتیاط واجب باید هم شکسته و هم تمام بخواند.

مسئله ۱۳۸۴. مسافری که به وطنش برمی‌گردد، وقتی دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود، باید نماز را تمام بخواند و نیز مسافری که می‌خواهد ده روز در محلی

بماند، وقتی دیوار آنجا را ببیند و صدای اذان را بشنود، باید نماز را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که نماز را تأخیر بیندازد تا به منزل برسد، یا هم شکسته و هم تمام بخواند و سزاوار است این احتیاط را ترک نکند.

مسئله ۱۳۸۵. هرگاه شهر در بلندی ای باشد که از دور دیده شود یا به قدری گود باشد که اگر انسان کمی دور شود دیوار آن را نبیند، کسی که از آن شهر مسافرت می‌کند، وقتی به اندازه‌ای دور شود که اگر آن شهر در زمین هموار بود، دیوارش از آنجا دیده نمی‌شد، باید نماز خود را شکسته بخواند و نیز اگر پستی و بلندی خانه‌ها بیشتر از معمول باشد، باید ملاحظه معمول را بنماید.

مسئله ۱۳۸۶. اگر از محلی مسافرت کند که خانه و دیوار ندارد، وقتی به جایی برسد که اگر آن محل، دیوار داشت از آنجا دیده نمی‌شد، باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۸۷. اگر به قدری دور شود که نداند صدایی را که می‌شنود صدای اذان است یا صدای دیگر، باید نماز را شکسته بخواند، ولی اگر بفهمد اذان می‌گویند و کلمات آن را تشخیص ندهد، باید تمام بخواند.

مسئله ۱۳۸۸. اگر به قدری دور شود که اذان خانه‌ها را نشنود، ولی اذان شهر را که معمولاً در جای بلند می‌گویند بشنود، نباید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۸۹. اگر به جایی برسد که اذان شهر را - که معمولاً در جای بلند می‌گویند - نشنود، ولی اذانی را که در جای خیلی بلند می‌گویند بشنود، باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۹۰. اگر چشم یا گوش او یا صدای اذان، غیر معمولی باشد، باید در محلی نماز را شکسته بخواند که چشم متوسط، دیوار خانه‌ها را نبیند و گوش متوسط صدای اذان معمولی را نشنود.

مسئله ۱۳۹۱. اگر موقعی که سفر می‌رود شک کند که به حدّ ترخص (یعنی جایی که اذان را نشنود و دیوار را نبیند) رسیده یا نه، باید نماز را تمام بخواند و هنگام برگشتن، اگر شک کند که به حدّ ترخص رسیده یا نه، باید شکسته بخواند.

مسئله ۱۳۹۲. مسافری که در سفر، از وطن خود عبور می‌کند، وقتی به جایی برسد که دیوار وطن خود را ببیند و صدای اذان آن را بشنود، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۳۹۳. مسافری که در بین مسافرت به وطنش رسیده، تا وقتی در آنجاست، باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر بخواند از آنجا هشت فرسخ برود یا چهار فرسخ برود و برگردد، وقتی به جایی برسد که دیوار وطن را نبیند و صدای اذان آن را نشنود، باید نماز را شکسته بخواند.

✽ موارد قطع کننده سفر

✽ اول: رسیدن به وطن

مسئله ۱۳۹۴. محلی را که انسان برای اقامت و زندگی خود اختیار کرده، وطن اوست، چه در آنجا به دنیا آمده و وطن پدر و مادرش باشد و چه خودش آنجا را برای زندگی اختیار کرده باشد.

مسئله ۱۳۹۵. اگر قصد دارد در محلی که وطن اصلی اش نیست مدتی بماند و بعد به جای دیگر رود، آنجا وطن او حساب نمی شود.

مسئله ۱۳۹۶. جایی را که انسان محل زندگی خود قرار داده و ماندن خود را در آنجا محدود به مقدار معین نکرده و مثل کسی که آنجا وطن اوست در آنجا زندگی می کند که اگر مسافرتی برای او پیش آید، دوباره به همان جا برمی گردد، هر چند قصد نداشته باشد که همیشه در آنجا بماند، در حکم وطن او حساب می شود.

مسئله ۱۳۹۷. کسی که در دو محل زندگی می کند، مثلاً شش ماه در شهری و شش ماه در شهر دیگر می ماند، هر دو وطن اوست و نیز اگر بیشتر از دو محل را برای زندگی خود اختیار کرده باشد، همه آنها وطن او حساب می شوند.

مسئله ۱۳۹۸. کسی که در محلی ملک دارد و در آن محل شش ماه بماند، تا آن ملک را دارد آن محل، حکم وطن او را دارد گرچه از آنجا اعراض کرده باشد، و هروقت به آنجا می رود، نمازش را باید تمام بخواند هر چند قصد ماندن ده روز را نداشته باشد. این مکان را در اصطلاح، «وطن شرعی» می گویند.

مسئله ۱۳۹۹. اگر به جایی برسد که وطن او بوده و از آنجا صرف نظر کرده، نباید نماز را تمام بخواند، هر چند وطن دیگری هم برای خود اختیار نکرده باشد.

❁ دوم: ماندن حداقل ده روز

مسئله ۱۴۰۰. مسافری که چند روز در مکانی می ماند، با شرایطی که ذکر می شود نماز وی تمام است و اما اگر یکی از این شرایط نباشد، باید نماز را شکسته بخواند و توضیح این شرایط در مسائل بعد خواهد آمد.

❁ شرایط ماندن حداقل ده روز

❁ اول: مدت اقامت در محل، حداقل ده روز و پشت سرهم باشد

مسئله ۱۴۰۱. مسافری که قصد دارد ده روز پشت سرهم در محلی بماند یا می داند که بدون اختیار ده روز در محلی می ماند، در آن محل باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۴۰۲. مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند، لازم نیست قصد ماندن شب اول تا شب یازدهم را داشته باشد و همین که قصد کند از اذان صبح روز اول تا غروب روز دهم بماند، باید نماز را تمام بخواند و همچنین اگر مثلاً قصدش این باشد که از ظهر روز اول تا ظهر روز یازدهم بماند، باید نماز را تمام بخواند و احتیاط مستحب آن است که در این صورت نماز را، هم شکسته و هم تمام بخواند.

❁ دوم: محلی که می خواهد در آنجا حداقل ده روز بماند، یک مکان باشد

مسئله ۱۴۰۳. مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند، در صورتی باید نماز را تمام بخواند که بخواند تمام ده روز را در یک جا بماند؛ پس اگر بخواند مثلاً ده روز در نجف و کوفه یا در تهران و شمیران بماند، باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۴۰۴. مسافری که می خواهد ده روز در محلی بماند، باید از اول قصد ماندن ده روز در آن محل یا توابع آن، مانند باغ ها و بوستان ها را داشته باشد و اگر از اول قصد بیرون رفتن از آن محل و توابع آن را داشته باشد، هر چند به حدّ ترخص نرسد، باید نماز را شکسته بخواند.

❁ سوم: تصمیم جدی بر ماندن حداقل ده روز پشت سرهم داشته باشد

مسئله ۱۴۰۵. مسافری که تصمیم قطعی ندارد ده روز در محلی بماند، مثلاً قصدش

این است که اگر رفیقش بیاید یا منزل خوبی پیدا کند ده روز بماند، باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۴۰۶. کسی که تصمیم دارد ده روز در محلی بماند، گرچه احتمال بدهد که برای ماندن او مانعی برسد، در صورتی که آن احتمال پیش مردم عقلایی نباشد، باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۴۰۷. اگر مسافر بداند که مثلاً ده روز یا بیشتر به آخر ماه مانده و قصد کند که تا آخر ماه در جایی بماند، باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر نداند تا آخر ماه چقدر مانده و قصد کند تا آخر ماه بماند و بعد از قصد نیز علم پیدا نکند که تا آخر ماه ده روز است، باید نماز را شکسته بخواند، هر چند از موقعی که قصد کرده تا آخر ماه، ده روز یا بیشتر باشد.

✽ چهارم: قبل از خواندن یک نماز چهار رکعتی ادا از قصد خود بزرگد.

مسئله ۱۴۰۸. اگر مسافر قصد کند ده روز در محلی بماند، چنانچه پیش از خواندن یک نماز چهار رکعتی، از ماندن منصرف شود، یا مردد شود که در آنجا بماند یا به جای دیگری برود، باید نماز را شکسته بخواند و اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی، از ماندن منصرف شود یا مردد شود، تا وقتی در آنجاست باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۴۰۹. مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر روزه بگیرد و بعد از ظهر، از ماندن در آنجا منصرف شود، چنانچه یک نماز چهار رکعتی خوانده باشد، روزه اش صحیح است و تا وقتی در آنجاست باید نمازهای خود را تمام بخواند ولی روزه های بعد نمی تواند روزه بگیرد و اگر یک نماز چهار رکعتی نخوانده باشد، روزه آن روزش صحیح است، اما نمازهای خود را باید شکسته بخواند و روزه های بعد هم نمی تواند روزه بگیرد.

مسئله ۱۴۱۰. مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر از ماندن منصرف شود و شک کند پیش از آنکه از قصد ماندن برگردد یک نماز چهار رکعتی خوانده یا نه، باید نمازهای خود را در آنجا شکسته بخواند، گرچه احتیاط مستحب آن است که تمام هم بخواند.

مسئله ۱۴۱۱. اگر مسافر به نیت اینکه نماز را شکسته بخواند مشغول نماز شود و در بین نماز تصمیم بگیرد که ده روز یا بیشتر بماند، باید نماز را چهار رکعتی تمام نماید.

مسئله ۱۴۱۲. مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر در بین نماز چهار رکعتی از قصد خود برگردد، چنانچه داخل رکوع رکعت سوم نشده، باید بنشیند و نماز را دو رکعتی تمام نماید و احتیاطاً برای قیام بی جا، دو سجده سهو به جا آورد و بقیه نمازهای خود را شکسته بخواند و اگر داخل رکوع رکعت سوم شده، نمازش باطل است و تا وقتی در آنجا است، باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۴۱۳. مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بخواهد به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود و برگردد و دوباره در جای اول ده روز بماند، از وقتی که می رود تا برمی گردد و بعد از برگشتن باید نماز را تمام بخواند ولی اگر نخواهد بعد از برگشتن ده روز بماند، در موقع رفتن به جایی که کمتر از چهار فرسخ است و در مدتی که آنجا می ماند نماز او تمام است و وقتی از آنجا برمی گردد اگر قصد هشت فرسخ داشته باشد، شکسته است و اگر قصد هشت فرسخ نداشته باشد، تمام است. پس مثل اهل علم که برای تبلیغ به محلی می روند، اگر بعد از قصد ده روز و خواندن یک نماز چهار رکعتی به محل دیگری که چهار فرسخ نباشد دعوت شوند و بخواهند یک دهه یا یک ماه در آن دو محل رفت و آمد کنند، نمازشان در هر دو محل تمام است، مگر وقتی که انشای سفر جدید نمایند مثل اینکه روز آخر رفت و آمد، از محل دوم به قصد وطن حرکت کنند که در این صورت بعد از خروج از حد ترخص، نماز شکسته است، گرچه از محل اول که محل اقامه بوده عبور نماید.

مسئله ۱۴۱۴. مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بخواهد به جای دیگری که کمتر از هشت فرسخ است برود و ده روز در آنجا بماند، باید در رفتن و در محلی که قصد ماندن ده روز دارد، نمازهای خود را تمام بخواند، ولی اگر تا محلی که می خواهد برود هشت فرسخ یا بیشتر باشد، باید موقع رفتن شکسته بخواند و همچنین مدتی که در آنجا می ماند در صورتی که نخواهد ده روز بماند، نماز شکسته است.

مسئله ۱۴۱۵. مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بخواهد به جایی که کمتر از چهار فرسخ است برود، چنانچه مردد باشد که به محل اول برگردد یا نه یا به کلی از برگشتن به آنجا غافل باشد یا بخواهد

برگردد ولی مردد باشد که ده روز در آنجا بماند یا نه یا آنکه از ده روز ماندن در آنجا و مسافرت از آنجا غافل باشد، باید از وقتی که می‌رود تا برمی‌گردد و بعد از برگشتن، نمازهای خود را تمام بخواند.

مسئله ۱۴۱۶. اگر به خیال اینکه همراهانش می‌خواهند ده روز در محلی بمانند، قصد کند که ده روز در آنجا بماند و بعد از خواندن یک نماز چهار رکعتی بفهمد که آنها قصد نکرده‌اند، گرچه خودش نیز از ماندن منصرف شود، تا مدتی که در آنجاست، باید نماز را تمام بخواند.

✽ احکام دیگر ماندن حداقل ده روز

مسئله ۱۴۱۷. مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، اگر بیشتر از ده روز در آنجا بماند، تا وقتی مسافرت نکرده، باید نمازش را تمام بخواند و لازم نیست دوباره قصد ماندن ده روز کند.

مسئله ۱۴۱۸. مسافری که قصد کرده ده روز در محلی بماند، باید روزه واجب را بگیرد و می‌تواند روزه مستحبی هم بگیرد و نافله ظهر و عصر و عشا را هم بخواند.

✽ سوم: ماندن سی روز مردد در محلی

مسئله ۱۴۱۹. اگر مسافر بعد از رسیدن به هشت فرسخ، سی روز در محلی بماند و در تمام سی روز در رفتن و ماندن مردد باشد، بعد از گذشتن سی روز، هر چند مقدار کمی در آنجا بماند، باید نماز را تمام بخواند و همچنین اگر پیش از رسیدن به هشت فرسخ مردد شود بین ماندن در آنجا و رفتن بقیه راه، از وقتی که مردد می‌شود باید نماز را تمام بخواند، ولی اگر بین رفتن بقیه راه و برگشتن به محل خود مردد شود، در صورتی که به مقدار چهار فرسخ آمده باشد، باید نماز را شکسته بخواند و اگر به قدر چهار فرسخ نباشد، نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۴۲۰. مسافری که می‌خواهد نه روز یا کمتر در محلی بماند، اگر بعد از آنکه نه روز یا کمتر در آنجا ماند، بخواند دوباره نه روز دیگر یا کمتر بماند و همین طور تا سی روز، روز سی و یکم باید نماز را تمام بخواند.

مسئله ۱۴۲۱. مسافری که سی روز مردد بوده، در صورتی باید نماز را تمام بخواند که سی روز را در یک جا بماند. پس اگر مقداری از آن را در جایی و مقداری را در جای دیگر بماند، بعد از سی روز هم باید نماز را شکسته بخواند.

✽ موارد تخفیرین نماز شکسته و تمام

مسئله ۱۴۲۲. مسافر می‌تواند در مسجد الحرام و مسجد پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم بلکه در تمام شهر مکه معظمه و مدینه طیبه و مسجد کوفه، نماز را تمام بخواند، ولی اگر بخواند در جایی که اول جزء مسجد کوفه نبوده و بعد به این مسجد اضافه شده، نماز بخواند، احتیاط واجب آن است که شکسته بخواند و نیز مسافر می‌تواند در حائر حضرت سیدالشهدا علیه السلام نماز را تمام بخواند، ولی احتیاط واجب آن است که اگر دورتر از اطراف ضریح مقدّس نماز بخواند، شکسته به جا آورد.

✽ احکام دیگر نماز مسافر

مسئله ۱۴۲۳. کسی که می‌داند مسافراست و باید نماز را شکسته بخواند، اگر در غیر چهار مکانی که در مسئله پیش گفته شد، عمداً تمام بخواند، نمازش باطل است و همچنین است اگر فراموش کند که نماز مسافر، شکسته است و تمام بخواند و در وقت یادش بیاید، ولی اگر بعد از وقت یادش بیاید، قضا ندارد.

مسئله ۱۴۲۴. کسی که می‌داند مسافراست و باید نماز را شکسته بخواند، اگر غفلت کند و تمام بخواند، چنانچه در وقت یادش بیاید، نمازش باطل است و باید دوباره شکسته بخواند و اگر در خارج وقت یادش بیاید، قضا ندارد.

مسئله ۱۴۲۵. مسافری که نمی‌داند باید نماز را شکسته بخواند، اگر تمام بخواند، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۴۲۶. مسافری که می‌داند باید نماز را شکسته بخواند، اگر بعضی از خصوصیات آن را نداند، مثلاً نداند که در سفر هشت فرسخی باید شکسته بخواند، چنانچه تمام بخواند و در وقت بفهمد، نمازش باطل است و اما اگر بعد از گذشتن وقت بفهمد، قضا ندارد.

مسئله ۱۴۲۷. مسافری که می‌داند باید نمازش را شکسته بخواند، اگر به گمان اینکه سفر او کمتر از هشت فرسخ است تمام بخواند و وقتی بفهمد سفرش هشت فرسخ بوده که هنوز وقت نماز باقی است، نمازی را که تمام خوانده باید دوباره شکسته بخواند و اگر وقت گذشته، قضا ندارد.

در این چهار مسئله که ذکر شد، اگر در خارج وقت نیز احتیاطاً قضا نماید، خوب است. مسئله ۱۴۲۸. اگر فراموش کند که مسافر است و نماز را تمام بخواند، چنانچه در وقت یادش بیاید، باید شکسته به جا آورد و اگر بعد از وقت یادش بیاید، قضای آن نماز بر او واجب نیست.

مسئله ۱۴۲۹. کسی که باید نماز را تمام بخواند، اگر شکسته به جا آورد، در هر صورت نمازش باطل است و این حکم در مورد مسافری که قصد ماندن ده روز در جایی داشته و به جهت ندانستن حکم مسئله، نماز را شکسته خوانده، براساس احتیاط وجوبی است.

مسئله ۱۴۳۰. اگر مشغول نماز چهار رکعتی شود و در بین نماز یادش بیاید که مسافر است یا ملتفت شود که سفر او تا مکانی که منظور او بوده هشت فرسخ است، چنانچه به رکوع رکعت سوم نرفته، باید نماز را دو رکعتی تمام کند و بنا بر احتیاط باید دو سجده سهو برای قیام بی جا به جا آورد و اگر به رکوع رکعت سوم نرفته، نمازش باطل است و در صورتی که به مقدار خواندن یک رکعت هم وقت داشته باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۴۳۱. اگر مسافر بعضی از خصوصیات نماز مسافر را نداند، مثلاً نداند که اگر چهار فرسخ برود و همان روز یا شب آن برگردد باید شکسته بخواند، چنانچه به نیت نماز چهار رکعتی مشغول نماز شود و پیش از رکوع رکعت سوم مسئله را بفهمد، باید نماز را دو رکعتی تمام کند و بنا بر احتیاط باید دو سجده سهو برای قیام بی جا به جا آورد و اگر در رکوع رکعت سوم ملتفت شود، نمازش باطل است و در صورتی که حتی به مقدار یک رکعت از وقت مانده باشد، باید نماز را شکسته بخواند.

مسئله ۱۴۳۲. مسافری که باید نماز را تمام بخواند، اگر به واسطه ندانستن مسئله به نیت نماز دو رکعتی مشغول نماز شود و در بین نماز مسئله را بفهمد، باید نماز را چهار

رکعتی تمام کند و احتیاط مستحب آن است که بعد از تمام شدن نماز، دوباره آن نماز را چهار رکعتی بخواند.

مسئله ۱۴۳۳. مسافری که نماز نخوانده، اگر پیش از تمام شدن وقت به وطنش برسد یا به جایی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند، باید نماز را تمام بخواند. کسی که مسافر نیست، اگر در اول وقت، نماز نخواند و مسافرت کند، در سفر باید نماز را شکسته بخواند. **مسئله ۱۴۳۴.** اگر از مسافری که باید نماز را شکسته بخواند، نماز ظهر یا عصر یا عشا قضا شود، باید آن را دو رکعتی قضا نماید، هر چند در غیر سفر بخواند قضا آن را به جا آورد و اگر از کسی که مسافر نیست یکی از این سه نماز قضا شود، باید چهار رکعتی قضا نماید گرچه در سفر بخواند آن را قضا نماید.

مسئله ۱۴۳۵. مستحب است مسافر بعد از هر نماز سی مرتبه بگوید:

سُبْحَانَ اللَّهِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ وَلَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ

و در تعقیب نماز ظهر و عصر و عشا بیشتر سفارش شده است، بلکه بهتر است در تعقیب این سه نماز، شصت مرتبه بگوید.

❁ نماز قضا

مسئله ۱۴۳۶. کسی که نماز واجب خود را در وقت آن نخوانده، باید قضای آن را به جا آورد، گرچه در تمام وقت نماز خواب مانده یا به واسطه مستی نماز نخوانده باشد، ولی نمازهای شبانه روزی را که زن در حال حیض یا نفاس نخوانده، قضا ندارد و همچنین کسی که در تمام وقت بدون عمد بیهوش بوده، قضا براو واجب نیست.

مسئله ۱۴۳۷. اگر بعد از وقت نماز بفهمد نمازی را که خوانده باطل بوده، باید قضای آن را بخواند.

مسئله ۱۴۳۸. کسی که نماز قضا دارد، باید در خواندن آن کوتاهی نکند، ولی واجب نیست فوراً آن را به جا آورد.

مسئله ۱۴۳۹. کسی که نماز قضا دارد، می تواند نماز مستحبی بخواند.

مسئله ۱۴۴۰. اگر انسان احتمال دهد که نماز قضایی دارد یا نمازهایی را که خوانده صحیح نبوده، مستحب است احتیاطاً قضای آنها را به جا آورد.

مسئله ۱۴۴۱. قضای نمازهای شبانه روز که ادای آنها باید به ترتیب خوانده شود مثل ظهر و عصر از یک روز یا مغرب و عشا از یک شب، باید قضای آنها را نیز به ترتیب بخواند، مثلاً اگر از کسی نماز ظهر و عصر یک روز فوت شود، باید اول قضای ظهر را بخواند و بعد عصر را، ولی اگر کسی مثلاً یک روز نماز ظهر و روز بعد نماز عصر را نخوانده، می تواند اول نماز عصر و بعد نماز ظهر را قضا نماید و ترتیب در بین آنها لازم نیست، هر چند سزاوار است تا ممکن است رعایت ترتیب را بنماید.

مسئله ۱۴۴۲. اگر بخواهد قضای چند نماز غیر شبانه روز مانند نماز آیات را بخواند یا مثلاً بخواهد یک نماز شبانه روز و چند نماز غیر شبانه روز را بخواند، لازم نیست آنها را به ترتیب به جا آورد.

مسئله ۱۴۴۳. کسی که می داند یک نماز چهار رکعتی نخوانده، ولی نمی داند نماز ظهر است یا نماز عصر، اگر یک نماز چهار رکعتی به نیت قضای نمازی که نخوانده به جا آورد، کافی است.

مسئله ۱۴۴۴. کسی که مثلاً چند نماز صبح یا چند نماز ظهر از او قضا شده و شماره آنها را نمی داند، مثلاً نمی داند که سه یا چهار یا پنج نماز بوده، چنانچه مقدار کمتر را بخواند کافی است، ولی اگر شماره آنها را می دانسته و فراموش کرده، بهتر آن است که به قدری نماز بخواند که یقین کند تمام آنها را خوانده است، مثلاً اگر فراموش کرده که چند نماز صبح از او قضا شده است و یقین دارد که بیشتر از ده تا نبوده، ده نماز صبح بخواند.

مسئله ۱۴۴۵. کسی که فقط یک نماز قضا از روزهای پیش یا از همان روز دارد، بنابر احتیاط مستحب اگر ممکن است اول آن را بخواند و بعد مشغول نماز آن روز شود.

مسئله ۱۴۴۶. اگر در بین نماز یا داش بیاید که یک نماز یا بیشتر از همان روز از او قضا شده یا فقط یک نماز قضا از روزهای پیش دارد، چنانچه وقت وسعت دارد و ممکن است نیت را به نماز قضا برگرداند، می تواند نیت نماز قضا کند مثلاً اگر در نماز ظهر پیش از تمام شدن رکعت دوم یا داش بیاید که نماز صبح آن روز قضا شده، در صورتی که وقت نماز ظهر تنگ نباشد، می تواند نیت را به نماز صبح برگرداند و آن را دو رکعتی تمام کند بعد نماز ظهر را بخواند، ولی اگر وقت تنگ است یا نمی تواند نیت را به نماز قضا برگرداند مثلاً در رکوع رکعت سوم نماز ظهر یا داش بیاید که نماز صبح را نخوانده،

چون اگر بخواهد نیت نماز صبح کند، یک رکوع که رکن است زیاد می‌شود، نباید نیت را به قضای صبح برگرداند.

مسئله ۱۴۴۷. اگر از روزهای گذشته نمازهای قضا دارد و یک نماز یا بیشتر هم از همان روز از او قضا شده، چنانچه برای قضای تمام آنها وقت ندارد یا نمی‌خواهد همه را در آن روز بخواند، مستحب است نماز قضای آن روز را پیش از نماز ادا بخواند و احتیاط مستحب آن است که بعد از خواندن قضای نمازهای سابق، دوباره نماز قضایی را که در آن روز، پیش از نماز ادا خوانده، به جا آورد.

مسئله ۱۴۴۸. تا انسان زنده است گرچه از خواندن نماز قضاهاى خود عاجز باشد، دیگری نمی‌تواند نمازهای او را قضا کند.

مسئله ۱۴۴۹. نماز قضا را می‌شود با جماعت خواند، چه نماز امام جماعت ادا باشد و چه قضا، و لازم نیست هر دو یک نماز را بخوانند مثلاً اگر نماز قضای صبح را با نماز ظهر یا عصر امام بخواند، اشکال ندارد.

مسئله ۱۴۵۰. مستحب است اطفال ممیز را به خواندن نمازهای واجب و نوافل تمرین و عادت دهند، بلکه مستحب است آنان را به قضای نماز هم وادار نمایند و همچنین تمرین و عادت دادن آنان بر هر عبادت و عمل صالح و خُلق و روش نیک، مستحب است. بر اولیای اطفال واجب است که آنان را از هر کاری که باعث ضرر بر خودشان و یا دیگران باشد و همچنین از انجام هر کاری که شارع مقدّس، وجود آن را در خارج منع فرموده، جلوگیری کنند و مخصوصاً بر آموزش و پرورش آنها نظارت کامل داشته باشند که زیر نظر معلمان صالح و متعهد باشد و آنها را به کودکستان، دبستان و دبیرستان‌هایی که از هر جهت مورد اعتماد باشد بفرستند، و حتی حُسن انتخابِ نام برای فرزندان خود را رعایت نمایند و مراقبت کنند که با بی‌توجهی و سهل‌انگاری در تربیت فرزندان، گناه فسادِ عقیده فرزندان، بلکه نوادگان خود را تا روز قیامت به گردن نگیرند.

✽ نماز قضای پدر و مادر

مسئله ۱۴۵۱. اگر پدر به جهت عذری، نماز یا روزه‌اش را به جا نیاورده باشد، با شرایطی که ذکر می‌شود بر پسر بزرگ‌تر واجب است بعد از فوت او قضا نماید یا برای انجام آن

اجیر بگیرد، هر چند پدر نتوانسته قضا کند، و بنا بر احتیاط اگر از روی نافرمانی هم ترک کرده باشد، پسر بزرگ تر باید آن را قضا نماید یا برای او اجیر بگیرد. در مورد مادر نیز احتیاط واجب، رعایت این حکم است.

مسئله ۱۴۵۲. در صورتی که نماز یا روزه قضا بر عهده پدر یا مادر باشد و وصیت نکرده باشند و پسر هم نداشته باشند، احتیاط واجب این است که بزرگ ترین ذکور از اولیای میت، نماز و روزه او را قضا کند و با نبود مرد، اناث آنها انجام دهند.

❖ شرایط واجب شدن نماز قضای پدر و مادر بر پسر بزرگ تر

❖ اول: پسر بزرگ تر شک نداشته باشد که پدر و مادرش نماز قضا داشتند

مسئله ۱۴۵۳. اگر پسر بزرگ تر شک دارد که پدر و مادرش نماز و روزه قضا داشته اند یا نه، چیزی براو واجب نیست.

❖ دوم: پسر بزرگ تر معلوم باشد

مسئله ۱۴۵۴. اگر معلوم نباشد که پسر بزرگ تر کدام است، قضای نماز و روزه پدر و مادر بر هیچ کدام از پسر ها واجب نیست، ولی احتیاط مستحب آن است که نماز و روزه آنان را بین خودشان تقسیم کنند یا برای انجام آن قرعه بزنند.

❖ سوم: پدر وصیت نکرده باشد که برای او اجیر بگیرند

مسئله ۱۴۵۵. اگر میت وصیت کرده باشد که برای نماز و روزه او اجیر بگیرند، بعد از آنکه اجیر، نماز و روزه او را به طور صحیح به جا آورد، بر پسر بزرگ تر چیزی واجب نیست.

❖ احکام دیگر نماز قضای پدر و مادر

مسئله ۱۴۵۶. اگر پسر بزرگ تر بداند که پدر و مادرش نماز قضا داشته اند و شک کند که به جا آورده اند یا نه، بنا بر احتیاط واجب باید قضا نماید.

مسئله ۱۴۵۷. اگر پسر بزرگ تر بخواهد نماز پدر و مادر را بخواند، باید به تکلیف خود عمل کند، مثلاً قضای نماز صبح و مغرب و عشاء مادرش را باید بلند بخواند.

مسئله ۱۴۵۸. کسی که خودش نماز و روزه قضا دارد، اگر نماز و روزه پدر و مادر هم بر او واجب شود، هر کدام را اول به جا آورد صحیح است.

مسئله ۱۴۵۹. اگر پسر بزرگ تر موقع مرگ پدر یا مادر، نابالغ یا دیوانه باشد، وقتی که بالغ یا عاقل گردید، باید نماز و روزه پدر و مادر را قضا نماید و چنانچه پیش از بالغ شدن یا عاقل شدن بمیرد، بنابر احتیاط مستحب بر پسر دوم است و مراعات این احتیاط سزاوار است.

مسئله ۱۴۶۰. اگر پسر بزرگ تر پیش از آنکه نماز و روزه پدر یا مادر را قضا کند، بمیرد، چنانچه بین مرگ پدر یا مادر و مرگ او به قدری طول کشیده که می توانسته قضای نماز و روزه آنها را به جا آورد، بر پسر دوم چیزی واجب نیست و اگر این مقدار طول نکشیده، قضای آنها بنابر احتیاط مستحب بر پسر دوم است و مراعات این احتیاط سزاوار است.

✻ نماز جماعت

✻ احکام کلی نماز جماعت

مسئله ۱۴۶۱. مستحب است نمازهای واجب، به ویژه نمازهای شبانه روز را به جماعت بخوانند و در نماز صبح و مغرب و عشا، خصوصاً برای همسایه مسجد و کسی که صدای اذان مسجد را می شنود، بیشتر سفارش شده است.

مسئله ۱۴۶۲. در خبر است اگر یک نفر به امام جماعت اقتدا کند، هر رکعت از نماز او ثواب صد و پنجاه نماز دارد و اگر دو نفر اقتدا کنند، هر رکعت ثواب ششصد نماز دارد و هر چه بیشتر شوند، ثواب نمازشان بیشتر می شود تا به ده نفر برسند؛ وقتی تعداد آنان از ده نفر گذشت، اگر تمام آسمان ها، کاغذ و دریاها مرکب و درخت ها، قلم و جن و انس و ملائکه نویسنده شوند، نمی توانند ثواب یک رکعت آن را بنویسند.

مسئله ۱۴۶۳. حاضر نشدن به نماز جماعت از روی بی اعتنائی جایز نیست و سزاوار نیست که انسان بدون عذر، نماز جماعت را ترک کند.

مسئله ۱۴۶۴. مستحب است انسان صبر کند که نماز را به جماعت بخواند. اگر نماز جماعت مقداری از نماز اول وقت به تأخیر بیفتد، از نماز اول وقت که فردی خوانده

شود بهتر است و نیز نماز جماعتی را که مختصر بخوانند از نماز فردای که آن را طول بدهند بهتر است.

مسئله ۱۴۶۵. وقتی که جماعت برپا می شود، مستحب است کسی که نمازش را فردای خوانده، دوباره با جماعت بخواند و اگر بعد بفهمد که نماز اولش باطل بوده، نماز دوم او کافی است.

مسئله ۱۴۶۶. اگر امام یا مأموم بخواند در نمازی که به جماعت خوانده، دوباره برای مأموم دیگری که جماعت نخوانده، امام شود و به جماعت بخواند، جایز است ولی اگر بخواند برای دفعه سوم باز با جماعت بخواند، اشکال دارد.

مسئله ۱۴۶۷. کسی که در نماز وسواس دارد و فقط در صورتی که نماز را با جماعت بخواند از وسواس راحت می شود، باید نماز را با جماعت بخواند.

مسئله ۱۴۶۸. اگر پدر یا مادر به فرزند خود امر کند که نماز را به جماعت بخواند و از نافرمانی او اذیت شوند، نماز جماعت براو واجب می شود.

مسئله ۱۴۶۹. نماز مستحب را نمی شود به جماعت خواند، مگر نماز استسقاء که برای آمدن باران می خوانند و نمازی که واجب بوده و به جهتی مستحب شده است مانند نماز عید فطر و قربان که در زمان امام علیه السلام واجب بوده و به واسطه غایب شدن آن حضرت، مستحب می باشد.

مسئله ۱۴۷۰. وقتی که امام جماعت نماز شبانه روز می خواند، هرکدام از نمازهای شبانه روز را می شود به او اقتدا کرد، ولی اگر نماز شبانه روزش را احتیاطاً دوباره می خواند، اقتدا کردن به او اشکال دارد.

مسئله ۱۴۷۱. اگر امام جماعت قضای نماز شبانه روز خود را می خواند، می شود به او اقتدا کرد، ولی اگر نمازش را احتیاطاً قضا می کند یا قضای کسی دیگر را می خواند که معلوم نیست این نماز از او فوت شده یا نه، اقتدا به او اشکال دارد، ولی اگر معلوم باشد که این نماز از میت فوت شده، جایز است به او اقتدا کرد، هرچند برای آن نماز پول گرفته باشد.

مسئله ۱۴۷۲. اگر انسان نداند نمازی را که امام می خواند، نماز واجب شبانه روز است یا نماز مستحب، نمی تواند به او اقتدا کند.

✽ شرایط صحیح بودن نماز جماعت

صحیح بودن نماز جماعت، ده شرط دارد که توضیح آن در مسائل آینده ذکر می شود.

✽ اول: مأموم، قصد اقتدا به امام جماعت را داشته باشد

مسئله ۱۴۷۳. در صحت جماعت شرط است که مأموم قصد اقتدا به امام جماعت را داشته باشد.

مسئله ۱۴۷۴. در نماز جماعت لازم نیست امام جماعت، قصد جماعت کند.

✽ دوم: امام در نزد مأموم، معین باشد

مسئله ۱۴۷۵. هنگامی که مأموم نیت می کند، باید امام را معین نماید، ولی دانستن اسم او لازم نیست، مثلاً اگر نیت کند: «به امام حاضر اقتدا می کنم»، نمازش صحیح است.

✽ سوم: حائلی بین امام و مأموم و نیز بین مأموم و مأموم دیگر که واسطه بین مأموم و امام است، نباشد

مسئله ۱۴۷۶. در نماز جماعت باید بین مأموم و امام، پرده و مانند آن، که پشت آن دیده نمی شود، فاصله نباشد و همچنین است بین انسان و مأموم دیگری که انسان به واسطه او به امام متصل شده است. ولی اگر امام، مرد و مأموم زن باشد، چنانچه بین آن زن و امام یا بین آن زن و مأموم دیگری که مرد است و زن به واسطه او به امام متصل شده است، پرده و مانند آن باشد، اشکال ندارد.

مسئله ۱۴۷۷. اگر بعد از شروع نماز، بین مأموم مرد و امام یا بین مأموم و کسی که مأموم به واسطه او متصل به امام است، پرده یا چیز دیگری که پشت آن را نمی توان دید، فاصله شود، نمازش قهراً فرادی می شود و باید به وظیفه فرادی عمل کند و نماز را تمام کند.

مسئله ۱۴۷۸. اگر امام در محراب باشد و کسی پشت سر او اقتدا نکرده باشد، کسانی که دو طرف محراب ایستاده اند و به واسطه دیوار محراب امام را نمی بینند، نمی توانند اقتدا کنند. اگر کسی پشت سر امام اقتدا کرده باشد، اقتدا کردن کسانی که دو طرف او ایستاده اند و اتصال دارند ولی به واسطه دیوار محراب امام را نمی بینند، اشکال ندارد.

مسئله ۱۴۷۹. اگر به واسطه درازی صف اول، کسانی که دو طرف صف ایستاده‌اند امام را نبینند، می‌توانند اقتدا کنند و نیز اگر به واسطه درازی یکی از صف‌های دیگر، کسانی که دو طرف ایستاده‌اند، صف جلوی خود را نبینند، می‌توانند اقتدا نمایند.

مسئله ۱۴۸۰. اگر صف‌های جماعت تا در مسجد برسد، کسی که مقابل در، پشت صف ایستاده، نمازش صحیح است و نیز نماز کسانی که پشت سر او اقتدا می‌کنند صحیح می‌باشد و همچنین نماز کسانی که دو طرف او ایستاده‌اند، صحیح است هر چند صف جلو را نبینند.

مسئله ۱۴۸۱. کسی که پشت ستون ایستاده، اگر از طرف راست یا چپ به واسطه مأوم دیگر به امام متصل نباشد، نمی‌تواند اقتدا کند.

❖ چهارم: جای ایستادن امام از جای مأوم بلندتر نباشد

مسئله ۱۴۸۲. جای ایستادن امام باید از جای مأوم بلندتر نباشد، ولی اگر مکان امام مقدار خیلی کمی بلندتر باشد، اشکال ندارد و نیز اگر زمین سراشیب باشد و امام در طرفی که بلندتر است بایستد، در صورتی که سراشیبی آن زیاد نباشد و طوری باشد که به آن زمین مسطح بگویند، مانعی ندارد.

مسئله ۱۴۸۳. اگر جای مأوم بلندتر از جای امام باشد، اشکال ندارد، ولی اگر به قدری بلند باشد که نگویند اجتماع کرده‌اند، جماعت صحیح نیست.

❖ پنجم: مأوم جلوتر از امام نباشد

مسئله ۱۴۸۴. مأوم نباید جلوتر از امام بایستد. و بنابر احتیاط واجب اگر مأوم یک مرد باشد، در طرف راست امام قدری عقب‌تر بایستد و اگر متعدد باشند، پشت سر امام بایستند و در صورت اول اگر قد او بلندتر از امام است، بنابر احتیاط واجب باید طوری بایستد که در رکوع و سجود جلوتر از امام نباشد.

❖ ششم: اتصال بین صف‌های نماز جماعت رعایت شود

مسئله ۱۴۸۵. احتیاط واجب آن است که بین جای سجده مأوم و جای ایستادن

امام بیشتر از یک قدم باز فاصله نباشد و نیز اگر انسان به واسطهٔ مأمومی که جلوی او ایستاده به امام متصل باشد، بنابر احتیاط واجب باید فاصلهٔ جای سجده‌اش از جای ایستادن او بیشتر از یک قدم فراخ نباشد، و احتیاط مستحب آن است که جای سجدهٔ مأوم با جای کسی که جلوی او ایستاده، بیشتر از یک قدم معمولی فاصله نداشته باشد و بهترین است که هیچ فاصله‌ای نباشد.

مسئله ۱۴۸۶. اگر مأوم به واسطهٔ کسی که طرف راست یا چپ او اقتدا کرده، به امام متصل باشد و از جلو به امام متصل نباشد، بنابر احتیاط واجب باید با کسی که در طرف راست یا چپ او اقتدا کرده، بیشتر از یک قدم فراخ فاصله نداشته باشد.

مسئله ۱۴۸۷. بعد از تکبیر امام، اگر صف جلو آمادهٔ نماز باشند و تکبیر گفتن آنان نزدیک باشد، کسی که در صف بعد ایستاده، می‌تواند تکبیر بگوید، ولی احتیاط مستحب آن است که صبر کند تا تکبیر صف جلو تمام شود.

مسئله ۱۴۸۸. اگر در نماز، بین مأوم و امام یا بین مأوم و کسی که مأوم به واسطهٔ او به امام متصل است، بیشتر از یک قدم، فاصله پیدا شود، نمازش صحیح است و قهراً فردی می‌شود و قصد فردی هم لازم نیست.

مسئله ۱۴۸۹. اگر بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند، بچهٔ ممیز (یعنی بچه‌ای که خوب و بد را می‌فهمد) فاصله شود، در صورتی که بدانند نماز او صحیح است، می‌توانند اقتدا کنند و اگر شک در صحت نماز او داشته باشند و فاصله زیاد باشد که اتصال بقیهٔ صف به امام به وسیلهٔ آن طفل باشد، اقتدا مشکل است. البته فاصله شدن یک طفل مانع نیست هر چند نماز او باطل باشد، به شرط آنکه فاصله زیاد ایجاد نکرده باشد.

مسئله ۱۴۹۰. اگر نماز همهٔ کسانی که در صف جلو هستند، تمام شود یا همه نیت فردی کنند، نماز صف بعد فردی می‌شود، هر چند صف جلو فوراً برای نماز دیگری به امام اقتدا کنند.

مسئله ۱۴۹۱. اگر بدانند نماز یک صف از صف‌های جلو باطل است، در صف‌های بعد نمی‌توانند اقتدا کنند، ولی اگر ندانند نماز آنان صحیح است یا نه، می‌توانند اقتدا نمایند.

❦ هفتم: متابعت و پیروی از امام جماعت مراعات گردد

مسئله ۱۴۹۲. مأموم نباید تکبیرة الاحرام را پیش از امام بگوید، بلکه احتیاط آن است که تا تکبیر امام تمام نشده، تکبیر نگوید.

مسئله ۱۴۹۳. مأموم هر چند سلام امام را بشنود یا بداند چه وقت سلام می گوید، می تواند پیش از امام سلام دهد و نمازش صحیح است و حتی لازم نیست دوباره با امام سلام دهد.

مسئله ۱۴۹۴. اگر مأموم غیر از تکبیرة الاحرام، چیزهای دیگر نماز را پیش از امام بگوید، اشکال ندارد، ولی اگر آنها را بشنود یا بداند امام چه وقت می گوید، احتیاط مستحب آن است که پیش از امام نگوید.

مسئله ۱۴۹۵. مأموم باید غیر از آنچه در نماز خوانده می شود، کارهای دیگر آن مانند رکوع و سجود را با امام یا کمی بعد از امام به جا آورد و اگر عمداً پیش از امام یا مدتی بعد از امام انجام دهد، معصیت کرده و جماعتش باطل می شود ولی نمازش به فردی تبدیل می شود و باید به وظیفه فردی عمل کند. بله، اگر عمداً قبل از تمام شدن قرائت امام رکوع کند، نمازش باطل می شود.

مسئله ۱۴۹۶. اگر سهواً پیش از امام سر از رکوع بردارد، چنانچه امام در رکوع باشد، باید به رکوع برگردد و با امام سر بردارد و در این صورت زیاد شدن رکوع که رکن است، نماز را باطل نمی کند، ولی اگر به رکوع برگردد و پیش از آنکه به رکوع برسد، امام سر بردارد، نمازش باطل است.

مسئله ۱۴۹۷. اگر اشتبهاً سر بردارد و ببیند امام در سجده است، باید به سجده برگردد و چنانچه در هر دو سجده این اتفاق بیفتد، برای زیاد شدن دو سجده که رکن است نماز باطل نمی شود.

مسئله ۱۴۹۸. کسی که اشتبهاً پیش از امام سر از سجده برداشته هرگاه به سجده برگردد و هنوز به سجده نرسیده، امام سر بردارد، نمازش صحیح است، ولی اگر در هر دو سجده این اتفاق بیفتد، نماز باطل است.

مسئله ۱۴۹۹. اگر اشتبهاً سر از رکوع یا سجده بردارد و سهواً یا به خیال اینکه به امام نمی رسد، به رکوع یا سجده نرود، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۵۰۰. اگر سر از سجده بردارد و ببیند امام در سجده است، چنانچه به خیال اینکه سجده اول امام است به قصد اینکه با امام سجده کند به سجده رود و بفهمد سجده دوم امام بوده، سجده دوم او حساب می‌شود و اگر به خیال اینکه سجده دوم امام است به سجده رود و بفهمد سجده اول امام بوده، باید به قصد اینکه با امام سجده کند، تمام کند و دوباره با امام به سجده رود؛ در هر دو صورت احتیاط مستحب آن است که نماز را به جماعت تمام کند و دوباره بخواند.

مسئله ۱۵۰۱. اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر سر بردارد، به مقداری از قرائت امام می‌رسد، چنانچه سر بردارد و با امام به رکوع رود، نمازش صحیح است و اگر عمداً بزن‌گردد، نمازش باطل است.

مسئله ۱۵۰۲. اگر سهواً پیش از امام به رکوع رود و طوری باشد که اگر برگردد به چیزی از قرائت امام نمی‌رسد، در صورتی که صبر کند تا امام به او برسد، نمازش صحیح است و اگر به قصد اینکه با امام نماز بخواند سر بردارد و با امام به رکوع رود، احتیاط مستحب آن است که بعد از تمام کردن نماز، دوباره آن را به جا آورد.

مسئله ۱۵۰۳. اگر سهواً پیش از امام به سجده رود، در صورتی که صبر کند تا امام به او برسد، نمازش صحیح است و اگر به قصد اینکه با امام نماز بخواند، سر بردارد و با امام به سجده رود، احتیاط مستحب آن است که بعد از تمام کردن نماز، دوباره آن را به جا آورد.

مسئله ۱۵۰۴. اگر امام در رکعتی که قنوت ندارد، اشتبهاً قنوت بخواند یا در رکعتی که تشهد ندارد، اشتبهاً مشغول خواندن تشهد شود، مأوم نباید قنوت و تشهد را بخواند، ولی نمی‌تواند پیش از امام به رکوع رود یا پیش از ایستادن امام بایستد، بلکه باید صبر کند تا قنوت و تشهد امام تمام شود و بقیه نماز را با او بخواند.

مسئله ۱۵۰۵. کسی که می‌داند اگر سوره یا قنوت را تمام کند به رکوع امام نمی‌رسد، چنانچه عمداً سوره یا قنوت را بخواند و به رکوع نرسد، اظهر این است که نماز را به صورت فردی تمام کند و بنابر احتیاط مستحب آن نماز را دوباره بخواند.

مسئله ۱۵۰۶. کسی که اطمینان دارد که اگر سوره را شروع کند یا تمام نماید به رکوع امام می‌رسد، واجب نیست که سوره را شروع کند یا اگر شروع کرده تمام نماید، بلکه می‌تواند به مجرد رفتن امام به رکوع، سوره را ترک کند و به رکوع برود.

مسئله ۱۵۰۷. کسی که یقین دارد، اگر سوره را بخواند به رکوع امام می‌رسد، چنانچه سوره را بخواند و به رکوع نرسد، نمازش صحیح است.

❦ هشتم: مأموم در بین نماز بدون عذر، قصد فردی نکند

مسئله ۱۵۰۸. احتیاط واجب آن است که مأموم در بین نماز جماعت تا ناچار نشود نیت فردی نکند. بلی، پیش از سلام امام بدون عذر می‌تواند نیت فردی نماید.

مسئله ۱۵۰۹. اگر مأموم به واسطه عذری، بعد از حمد و سوره امام نیت فردی کند، لازم نیست حمد و سوره را بخواند، ولی اگر پیش از تمام شدن حمد و سوره نیت فردی کند، باید مقداری را که امام نخوانده، بخواند، بلکه بنا بر احتیاط مستحب مقداری را که امام خوانده نیز بخواند.

مسئله ۱۵۱۰. اگر در بین نماز جماعت نیت فردی نماید، نمی‌تواند دوباره نیت جماعت کند و اگر مردد شود که نیت فردی کند یا نه و بعد تصمیم بگیرد که نماز را با جماعت تمام کند، صحت جماعتش مورد اشکال است.

مسئله ۱۵۱۱. اگر شک کند که نیت فردی کرده یا نه، باید بنا بگذارد که نیت فردی نکرده است.

مسئله ۱۵۱۲. اگر نماز امام تمام شود و مأموم مشغول تشهد یا سلام اول باشد، لازم نیست نیت فردی کند.

❦ نهم: مأموم در حال قیام یا رکوع امام به او اقتدا کند

مسئله ۱۵۱۳. در نماز جماعت شرط است مأموم در حال قیام امام یا در رکوع امام، به وی اقتدا نماید و توضیح موارد رسیدن به امام جماعت در مسائل بعد ذکر می‌شود.

مسئله ۱۵۱۴. اگر موقعی که امام در رکوع است، مأموم اقتدا کند و به رکوع امام برسد، هر چند ذکر امام تمام شده باشد، نمازش صحیح است و یک رکعت حساب می‌شود، اما اگر به مقدار رکوع خم شود و به رکوع امام نرسد، ظاهراً نمازش باطل است و باید دوباره بخواند.

مسئله ۱۵۱۵. اگر وقتی که امام در رکوع است، مأموم اقتدا کند و به مقدار رکوع خم شود، و پیش از ذکر رکوع شک کند که به رکوع امام رسیده یا نه، نمازش باطل است و باید

دوباره بخواند، ولی اگر در حال اشتغال به ذکر رکوع یا بعد از آن شک کند، جماعت او محکوم به صحت است.

مسئله ۱۵۱۶. اگر موقعی که امام در رکوع است، مأموم اقتدا کند و پیش از آنکه به اندازه رکوع خم شود، امام سراز رکوع بردارد، باید نیت فردی نماید و نماز را ادامه دهد.

مسئله ۱۵۱۷. اگر مأموم در اول نماز یا بین حمد و سوره اقتدا کند و پیش از آنکه به رکوع رود، امام سراز رکوع بردارد، چنانچه عمداً رکوع خود را تأخیر نینداخته، نماز او صحیح است، وگرنه احتیاط لازم آن است که نماز را تمام کند و دوباره بخواند.

مسئله ۱۵۱۸. اگر مأموم در رکعت دوم اقتدا کند، لازم نیست حمد و سوره بخواند، ولی قنوت و تشهد را با امام می خواند و احتیاط آن است که موقع خواندن تشهد، انگشتان دست و سینه پا را به زمین بگذارد و زانوهای بلند کند و باید بعد از تشهد با امام برخیزد و حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، حمد را تمام کند و در رکوع، خود را به امام برساند و اگر در رکوع هم به امام نمی رسد، احتیاط واجب آن است که حمد را تمام کند و در سجده خود را به امام برساند، ولی اگر در سجده به امام برسد، بهتر است که نماز را دوباره بخواند.

مسئله ۱۵۱۹. اگر موقعی که امام در رکعت دوم نماز چهار رکعتی است، مأموم اقتدا کند، باید در رکعت دوم نمازش که رکعت سوم امام است بعد از دو سجده بنشیند و تشهد را به مقدار واجب بخواند و برخیزد و چنانچه برای گفتن سه مرتبه تسبیحات وقت ندارد، یک مرتبه بگوید و در رکوع یا سجده، خود را به امام برساند.

مسئله ۱۵۲۰. اگر در رکعت سوم یا چهارم امام اقتدا کند، باید حمد و سوره را بخواند و اگر برای سوره وقت ندارد، باید حمد را تمام کند و در رکوع، خود را به امام برساند و اگر در رکوع هم نمی کند، احتیاط واجب آن است که حمد را تمام کند و در سجده خود را به امام برساند، ولی اگر در سجده به امام برسد، بهتر است که نماز را دوباره بخواند.

مسئله ۱۵۲۱. اگر امام ایستاده باشد و مأموم نداند که در کدام رکعت است می تواند اقتدا کند، ولی باید حمد و سوره را به قصد قربت بخواند و هر چند بعد بفهمد که امام در رکعت اول یا دوم بوده، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۵۲۲. اگر در بین نماز شک کند که اقتدا کرده یا نه، چنانچه در حالی باشد که وظیفه مأموم است، مثلاً به حمد و سوره امام گوش می دهد، باید نماز را به جماعت تمام کند و اگر مشغول کاری باشد که هم وظیفه منفرد و هم وظیفه مأموم است، مثلاً در رکوع یا سجده باشد، باید نماز را به نیت فردی تمام نماید.

مسئله ۱۵۲۳. اگر به خیال اینکه امام در رکعت اول یا دوم است، حمد و سوره بخواند و بعد از رکوع بفهمد که در رکعت سوم یا چهارم بوده، نمازش صحیح است ولی اگر پیش از رکوع بفهمد، باید حمد و سوره را بخواند و اگر وقت ندارد، فقط حمد را بخواند و در رکوع یا سجده خود را به امام برساند.

مسئله ۱۵۲۴. اگر به خیال اینکه امام در رکعت سوم یا چهارم است، حمد و سوره بخواند و پیش از رکوع یا بعد از آن بفهمد که در رکعت اول یا دوم بوده، نمازش صحیح است و اگر در بین حمد و سوره بفهمد، لازم نیست آنها را تمام کند.

مسئله ۱۵۲۵. اگر امام در رکعت سوم یا چهارم باشد و مأموم بداند که اگر اقتدا کند و حمد را بخواند به رکوع امام نمی رسد، بنابراین احتیاط واجب باید صبر کند تا امام به رکوع رود، بعد اقتدا نماید.

مسئله ۱۵۲۶. اگر مأموم موقعی برسد که امام مشغول خواندن تشهد آخر نماز است، چنانچه بخواهد به ثواب جماعت برسد، باید بعد از نیت و گفتن تکبیر الاحرام بنشیند و تشهد را با امام بخواند، ولی سلام را نگوید و صبر کند تا امام سلام نماز را بدهد، بعد بایستد و بدون آنکه دوباره نیت کند و تکبیر بگوید، حمد و سوره را بخواند و آن را رکعت اول نماز خود حساب کند.

❦ دهم: امام جماعت دارای شرایط امامت باشد

برای صحیح بودن نماز جماعت، امام جماعت باید شرایطی داشته باشد که این شرایط در مسائل بعد ذکر می شود.

مسئله ۱۵۲۷. امام جماعت باید بالغ، عاقل، شیعه دوازده امامی، عادل و حلال زاده باشد و نماز را صحیح بخواند و نیز اگر مأموم، مرد است امام هم باید مرد باشد و در غیر نماز میت، امامت زن بر زن ها کراهت دارد. اقتدا کردن بچه ممیز که خوب و بد را

می فهمد به بچه ممیز دیگر، محل کلام است، مگر برای تمرین باشد.

مسئله ۱۵۲۸. امامی را که عادل می دانسته، اگر شک کند به عدالت خود باقی است یا نه، می تواند به او اقتدا نماید.

مسئله ۱۵۲۹. کسی که ایستاده نماز می خواند، نمی تواند به کسی که نشسته یا خوابیده نماز می خواند، اقتدا کند و کسی که نشسته نماز می خواند، نمی تواند به کسی که خوابیده نماز می خواند، اقتدا نماید.

مسئله ۱۵۳۰. کسی که نشسته نماز می خواند، می تواند به کسی که نشسته نماز می خواند اقتدا کند و اما کسی که خوابیده نماز می خواند، اگر بخواهد به کسی که خوابیده نماز می خواند اقتدا نماید، اشکال دارد.

مسئله ۱۵۳۱. اگر امام جماعت به واسطه عذری با تیمم یا با وضوی جبیره ای نماز بخواند، می شود به او اقتدا کرد و اما اگر به واسطه عذری با لباس نجس نماز بخواند، اقتدا به او اشکال دارد.

مسئله ۱۵۳۲. اگر کسی نمی تواند از بیرون آمدن ادرار و مدفوع خودداری کند، بنابر احتیاط نمی شود به او اقتدا کرد.

مسئله ۱۵۳۳. هرگاه بداند نماز امام باطل است، مثلاً بداند امام وضو ندارد، گرچه خود امام ملتفت نباشد، نمی تواند به او اقتدا کند.

مسئله ۱۵۳۴. کسی که بیماری خوره یا پیسی دارد، مکروه است امام جماعت شود.

مسئله ۱۵۳۵. اگر مأموم بعد از نماز بفهمد که امام عادل نبوده یا به جهتی نمازش باطل بوده، مثلاً بی وضو نماز خوانده، نماز مأموم صحیح است.

✽ احکام خواندن حمد و سوره و اذکار توسط مأموم

مسئله ۱۵۳۶. مأموم باید غیر از حمد و سوره، همه چیز نماز را خودش بخواند، ولی اگر رکعت اول یا دوم او رکعت سوم یا چهارم امام باشد، باید حمد و سوره را بخواند.

مسئله ۱۵۳۷. اگر مأموم در رکعت اول و دوم نماز صبح و مغرب و عشا، صدای حمد و سوره امام را بشنود، هر چند کلمات را تشخیص ندهد، احتیاط واجب آن است که حمد و سوره نخواند و اگر صدای امام را نشنود، مستحب است حمد و سوره را بخواند،

اما باید آهسته بخواند، ولی احتیاط این است که به نیت جزئیت نخواند، بلکه به قصد قربت مطلقه بخواند و چنانچه سهواً بلند بخواند اشکال ندارد.

مسئله ۱۵۳۸. اگر مأموم بعضی از کلمات حمد و سوره امام را بشنود، احتیاط واجب آن است که حمد و سوره نخواند.

مسئله ۱۵۳۹. اگر مأموم سهواً حمد و سوره بخواند یا خیال کند صدایی را که می شنود صدای امام نیست و حمد و سوره بخواند و بعد بفهمد صدای امام بوده، نمازش صحیح است.

مسئله ۱۵۴۰. اگر شک کند که صدای امام را می شنود یا نه، یا صدایی بشنود نداند صدای امام است یا صدای کسی دیگر، می تواند به قصد قربت مطلقه، حمد و سوره بخواند.

مسئله ۱۵۴۱. مکروه است که مأموم در رکعت اول و دوم نماز ظهر و عصر، حمد و سوره بخواند و مستحب است به جای آن، ذکر بگوید.

✽ احکام دیگر جماعت

مسئله ۱۵۴۲. اگر موقعی که مشغول نماز مستحبی است، جماعت برپا شود؛ چنانچه اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد، مستحب است نماز را رها کند و مشغول نماز جماعت شود، بلکه اگر اطمینان نداشته باشد که به رکعت اول برسد، مستحب است به همین دستور رفتار نماید.

مسئله ۱۵۴۳. اگر هنگامی که مشغول نماز سه رکعتی یا چهار رکعتی است، جماعت برپا شود؛ چنانچه به رکوع رکعت سوم نرفته و اطمینان ندارد که اگر نماز را تمام کند به جماعت برسد، مستحب است به نیت نماز مستحبی نماز را دو رکعتی تمام کند و خود را به جماعت برساند.

مسئله ۱۵۴۴. کسی که یک رکعت از امام عقب مانده، وقتی امام تشهد رکعت آخر را می خواند، بنابر احتیاط واجب باید انگشتان دست و سینه پا را به زمین بگذارد و زانوهای بلند نگه دارد و مستحب است تشهد را بخواند و باید صبر کند تا امام سلام نماز را بگوید و بعد برخیزد و رکعت آخر را بخواند.

✽ مستحبات نماز جماعت

مسئله ۱۵۴۵. اگر مأموم یک مرد باشد، بنابر احتیاط واجب، طرف راستِ امام قدری عقب‌تر بایستد و اگر یک زن باشد، مستحب است در طرف راستِ امام طوری بایستد که جای سجده‌اش مساوی زانو یا قدمِ امام باشد و اگر یک مرد و یک زن، یا یک مرد و چند زن باشند، مستحب است مرد، طرف راستِ امام و باقی پشت سر امام بایستند و اگر چند مرد یا چند زن باشند، مستحب است پشت سر امام بایستند و اگر چند مرد و چند زن باشند، مردان پشت سر امام و زنان پشت سر مردان بایستند.

مسئله ۱۵۴۶. اگر امام و مأموم هر دو زن باشند، بهتر است که در یک ردیف بایستند و امام جلوتر از دیگران نایستد.

مسئله ۱۵۴۷. مستحب است امام در وسط صف بایستد و اهل علم و کمال و تقوا در صف اول بایستند.

مسئله ۱۵۴۸. مستحب است صف‌های جماعت منظم باشد و بین کسانی که در یک صف ایستاده‌اند فاصله نباشد و شأنه آنان در یک ردیف باشد.

مسئله ۱۵۴۹. مستحب است بعد از گفتن «قَدْ قَامَتِ الصَّلَاةُ»، مأومین برخیزند.

مسئله ۱۵۵۰. مستحب است امام جماعت، حال مأومی را که از دیگران ضعیف‌تر است رعایت کند و قنوت و رکوع و سجود را طول ندهد، مگر بداند همه کسانی که به او اقتدا کرده‌اند، مایلند.

مسئله ۱۵۵۱. مستحب است امام جماعت در حمد و سوره و ذکرهایی که بلند می‌خواند، صدای خود را به قدری بلند کند که دیگران بشنوند، ولی باید بیش از اندازه صدا را بلند نکند.

مسئله ۱۵۵۲. اگر امام در رکوع بفهمد کسی تازه رسیده و می‌خواهد اقتدا کند، مستحب است رکوع را دو برابر همیشه طول بدهد و بعد برخیزد، هر چند بفهمد شخصی دیگری هم برای اقتدا وارد شده است.

✽ مکروهات نماز جماعت

مسئله ۱۵۵۳. اگر در صف‌های جماعت جا باشد، مکروه است انسان تنها بایستد.

مسئله ۱۵۵۴. مکروه است مأموم ذکرهای نماز را طوری بگوید که امام بشنود.
مسئله ۱۵۵۵. مسافری که نماز ظهر و عصر و عشا را دو رکعت می خواند، مکروه است در این نمازها به کسی که مسافر نیست اقتدا کند و کسی که مسافر نیست، مکروه است در این نمازها به مسافر اقتدا نماید.

❖ نماز آیات

در اثرو قوع بعضی از پدیده های طبیعی یا رخداد بعضی از حوادث، خواندن نمازی بر فرد مکلف واجب می شود که آن را «نماز آیات» می نامند.

❖ موارد واجب شدن نماز آیات

مسئله ۱۵۵۶. نماز آیات که دستور آن بعداً گفته خواهد شد، به واسطه چهار چیز واجب می شود:

اول و دوم: گرفتن ماه و خورشید؛ گرچه مقدار کمی از آنها گرفته شود و کسی هم از آن نترسد.

سوم: زلزله؛ هر چند کسی هم نترسد.

چهارم: رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند این ها از آیات آسمانی؛ در صورتی که بیشتر مردم بترسند و در حوادث زمینی مانند فرو رفتن آب دریا و افتادن کوه که موجب ترس بیشتر مردم شود، احتیاط واجب، خواندن نماز است.

مسئله ۱۵۵۷. اگر از چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است بیشتر از یکی اتفاق بیفتد، انسان باید برای هر یک از آنها یک نماز آیات بخواند، مثلاً اگر خورشید بگیرد و زلزله هم بشود، باید دو نماز آیات بخواند.

مسئله ۱۵۵۸. چیزهایی که نماز آیات برای آنها واجب است، در هر شهری اتفاق بیفتد، فقط مردم همان شهر باید نماز آیات بخوانند و بر مردم جاهای دیگر واجب نیست، ولی اگر مکان آنها به قدری نزدیک باشد که با آن شهر یکی حساب شود، نماز آیات بر آنها هم واجب است.

مسئله ۱۵۵۹. پس لرزه‌هایی که بعد از زلزله واقع می‌شود اگر به‌گونه‌ای است که توسط مردم احساس نمی‌شود و فقط به واسطه ابزار دقیق معلوم می‌شود، موجب نماز آیات نمی‌گردد.

✽ وقت نماز آیات

مسئله ۱۵۶۰. از وقتی که خورشید یا ماه شروع به گرفتن می‌کند، انسان می‌تواند نماز آیات را بخواند و باید به قدری تأخیر نیندازد که تمام قرص باز شود، بلکه احتیاط مستحب آن است که به قدری تأخیر نیندازد که شروع به باز شدن کند.

مسئله ۱۵۶۱. اگر خواندن نماز آیات را به قدری تأخیر بیندازد که تمام قرص آفتاب یا ماه باز شود و بعد از باز شدن تمام آن، نماز بخواند، باید نیت قضا نماید و قبل از باز شدن تمام آن، ادا است.

مسئله ۱۵۶۲. موقعی که زلزله و رعد و برق و مانند این‌ها اتفاق می‌افتد، انسان باید فوراً نماز آیات را بخواند و اگر نخواند معصیت کرده و تا آخر عمر بر او واجب است و هروقت بخواند ادا است.

✽ کیفیت نماز آیات

مسئله ۱۵۶۳. نماز آیات دو رکعت است و در هر رکعت پنج رکوع دارد و به دو صورت خوانده می‌شود:

صورت اول: انسان بعد از نیت، تکبیر بگوید و یک حمد و یک سوره تمام بخواند و به رکوع رود و سر از رکوع بردارد، دوباره یک حمد و یک سوره بخواند، باز به رکوع رود تا پنج مرتبه و بعد از بلند شدن از رکوع پنجم، دو سجده نماید و برخیزد و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و تشهد بخواند و سلام دهد.

صورت دوم: انسان بعد از نیت و تکبیر و خواندن حمد، آیه‌های یک سوره را پنج قسمت کند و یک آیه یا بیشترین کمتر از آن را بخواند و به رکوع رود و سر بردارد و بدون اینکه حمد بخواند، قسمت دوم از همان سوره را بخواند و به رکوع رود و همین‌طور تا پیش از رکوع پنجم، سوره را تمام نماید، مثلاً به قصد سوره توحید «بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ» بگوید

و به رکوع رود، بعد بایستد و بگوید: «قُلْ هُوَ اللَّهُ أَحَدٌ» دوباره به رکوع رود و بعد از رکوع بایستد و بگوید: «اللَّهُ الصَّمَدُ» باز به رکوع رود و بعد بایستد و بگوید: «لَمْ يَلِدْ وَلَمْ يُولَدْ» و به رکوع برود و بازهم سر بردارد و بگوید: «وَلَمْ يَكُنْ لَهُ كُفُوًا أَحَدٌ» و بعد از آن به رکوع پنجم رود و بعد از سر برداشتن، دو سجده کند و رکعت دوم را هم مثل رکعت اول به جا آورد و بعد از سجده دوم، تشهد بخواند و سلام دهد.

مسئله ۱۵۶۴. اگر در یک رکعت از نماز آیات، پنج مرتبه حمد و سوره بخواند و در رکعت دیگری حمد بخواند و سوره را پنج قسمت کند، اشکال ندارد.

✽ احکام دیگر نماز آیات

مسئله ۱۵۶۵. چیزهایی که در نماز شبانه روز واجب است، در نماز آیات هم واجب می باشد.

مسئله ۱۵۶۶. اگر در نماز آیات شک کند که چند رکعت خوانده و فکرش به جایی نرسد، نماز باطل است.

مسئله ۱۵۶۷. اگر شک کند که در رکوع آخر رکعت اول است یا در رکوع اول رکعت دوم و فکرش به جایی نرسد، نماز باطل است، ولی اگر مثلاً شک کند که چهار رکوع کرده یا پنج رکوع، چنانچه برای رفتن به سجده خم نشده، باید رکوعی را که شک دارد به جا آورده یا نه، به جا آورد و اگر برای رفتن به سجده خم شده، باید به شک خود اعتنا نکند.

مسئله ۱۵۶۸. هریک از رکوع های نماز آیات، رکن است که اگر عمداً یا اشتهاً کم یا زیاد شود، نماز باطل است.

مسئله ۱۵۶۹. کسی که چند نماز آیات بر او واجب است، اگر همه آنها برای یک چیز بر او واجب شده باشد، مثلاً سه مرتبه خورشید گرفته و نماز آنها را نخوانده است، موقعی که قضای آنها را می خواند، لازم نیست معین کند که برای کدام دفعه آنها باشد و همچنین است اگر چند نماز برای رعد و برق و بادهای سیاه و سرخ و مانند این ها بر او واجب شده باشد. ولی اگر برای آفتاب گرفتن، ماه گرفتن و زلزله یا برای دو تای این ها نمازهایی بر او واجب شده باشد، احتیاط مستحب آن است که هنگام نیت، هریک از چند عنوان جدا از هم را تعیین نماید.

مسئله ۱۵۷۰. اگر متوجه گرفتن خورشید یا ماه نبوده و بعد از باز شدن آفتاب یا ماه بفهمد که تمام آن گرفته بوده، باید قضای نماز آیات را بخواند، ولی اگر بفهمد مقداری از آن گرفته بوده، قضا بر او واجب نیست.

مسئله ۱۵۷۱. اگر عده‌ای بگویند که خورشید یا ماه گرفته است، چنانچه انسان از گفته آنان یقین پیدا نکند و نماز آیات نخواند و بعد معلوم شود راست گفته‌اند، در صورتی که تمام خورشید یا ماه گرفته باشد، باید نماز آیات بخواند و همچنین است اگر دو نفر که عادل بودن آنان معلوم نیست، بگویند خورشید یا ماه گرفته، بعد معلوم شود که عادل بوده‌اند.

مسئله ۱۵۷۲. اگر انسان به گفته کسانی که از روی قاعده علمی، وقت گرفتن خورشید و ماه را می‌دانند، اطمینان پیدا کند که خورشید یا ماه گرفته، باید نماز آیات بخواند و نیز اگر بگویند فلان وقت خورشید یا ماه می‌گیرد و فلان مقدار طول می‌کشد و انسان به گفته آنان اطمینان پیدا کند، باید به حرف آنان عمل نماید، مثلاً اگر بگویند آفتاب، فلان ساعت باز می‌شود، باید نماز را تا آن وقت تأخیر نیندازد.

مسئله ۱۵۷۳. اگر بفهمد نماز آیاتی که خوانده باطل بوده، باید دوباره بخواند و اگر وقت گذشته، قضا نماید.

مسئله ۱۵۷۴. اگر در وقت نماز شبانه‌روز، نماز آیات هم بر انسان واجب شود، چنانچه برای هر دو نماز وقت دارد، هر کدام را اول بخواند اشکال ندارد و اگر وقت یکی از آن دو تنگ باشد، باید اول، آن را بخواند و اگر وقت هر دو تنگ باشد، باید اول نماز شبانه‌روز را بخواند.

مسئله ۱۵۷۵. اگر در بین نماز شبانه‌روز بفهمد که وقت نماز آیات تنگ است، چنانچه وقت نماز شبانه‌روز هم تنگ باشد، باید آن را تمام کند و بعد نماز آیات را بخواند و اگر وقت نماز شبانه‌روز تنگ نباشد، باید آن را بشکند و اول نماز آیات، بعد نماز شبانه‌روز را به جا آورد.

مسئله ۱۵۷۶. اگر در بین نماز آیات بفهمد که وقت نماز شبانه‌روز تنگ است، باید نماز آیات را رها کند و مشغول نماز شبانه‌روز شود و بعد از آنکه نماز را تمام کرد، پیش از انجام کاری که نماز را به هم بزند، بقیه نماز آیات را از همان جا که رها کرده بخواند.

مسئله ۱۵۷۷. نماز آیات برحائض و نفساء در حال حیض یا نفاس واجب نیست، ولی بعد از پاک شدن بنا بر احتیاط مستحب آن را به جا آورد و در گرفتن ماه و خورشید، بنا بر احتیاط نیت ادا و قضا نکند، ولی در غیر این دو، نیت ادا کند.

✽ مستحبات نماز آیات

مسئله ۱۵۷۸. چیزهایی که در نماز شبانه روز مستحب است، در نماز آیات هم مستحب می باشد، ولی در نماز آیات در صورتی که به جماعت باشد، استحباب گفتن سه مرتبه: «الصلوة» بعید نیست.

مسئله ۱۵۷۹. مستحب است بعد از رکوع پنجم و دهم بگوید، «سَمِعَ اللَّهُ لِمَنْ حَمِدَهُ» و نیز پیش از هر رکوع و بعد از آن، تکبیر گوید ولی بعد از رکوع پنجم و دهم، گفتن تکبیر مستحب نیست.

مسئله ۱۵۸۰. مستحب است پیش از رکوع دوم و چهارم و ششم و هشتم و دهم قنوت بخواند و اگر فقط یک قنوت پیش از رکوع دهم بخواند، کافی است.

✽ نماز عید فطر و قربان

مسئله ۱۵۸۱. نماز عید فطر و قربان در زمان حضور امام علیه السلام واجب است و باید به جماعت خوانده شود و در زمان ما که امام علیه السلام غایب است، مستحب می باشد و می شود آن را به جماعت یا فرادی خواند، ولی احتیاط این است که به جماعت آن را رجائاً بخواند.

✽ وقت نماز عید فطر و قربان

مسئله ۱۵۸۲. وقت نماز عید فطر و قربان از اول آفتاب روز عید تا ظهر می باشد.
مسئله ۱۵۸۳. مستحب است نماز عید قربان را بعد از بلند شدن آفتاب بخواند و در عید فطر مستحب است بعد از بلند شدن آفتاب، افطار کنند و زکات فطره را نیز بدهند یا جدا نمایند و بعد، نماز عید را بخوانند.

✽ کیفیت نماز فطرو قربان

مسئله ۱۵۸۴. نماز عید فطرو قربان دو رکعت است که در رکعت اول بعد از خواندن حمد و سوره، باید پنج تکبیر بگوید، و بعد از هر تکبیر، یک قنوت بخواند، و بعد از قنوت پنجم، تکبیر دیگری بگوید و به رکوع رود، و دو سجده به جا آورد و برخیزد، و در رکعت دوم، چهار تکبیر بگوید، و بعد از هر تکبیر، قنوت بخواند و تکبیر پنجم را بگوید و به رکوع رود، و بعد از رکوع، دو سجده کند و تشهد بخواند و نماز را سلام دهد.

مسئله ۱۵۸۵. در قنوت نماز عید فطرو قربان هر دعا و ذکر بخوانند کافی است، ولی بهتر است این دعا را بخوانند:

اللَّهُمَّ أَهْلَ الْكِبَرِيَاءِ وَالْعَظَمَةِ وَأَهْلَ الْجُودِ وَالْجَبْرُوتِ وَأَهْلَ الْعَفْوِ وَالرَّحْمَةِ وَأَهْلَ التَّقْوَى
وَالْمَغْفِرَةِ أَسْأَلُكَ بِحَقِّ هَذَا الْيَوْمِ الَّذِي جَعَلْتَهُ لِلْمُسْلِمِينَ عِيداً وَلِمُحَمَّدٍ صَلَّى اللَّهُ
عَلَيْهِ وَآلِهِ ذُخْراً وَمَزِيداً أَنْ تُصَلِّيَ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُدْخِلَنِي فِي كُلِّ خَيْرٍ
أَدْخَلْتَ فِيهِ مُحَمَّدًا وَآلَ مُحَمَّدٍ وَأَنْ تُخْرِجَنِي مِنْ كُلِّ سُوءٍ أَخْرَجْتَ مِنْهُ مُحَمَّدًا وَآلَ
مُحَمَّدٍ صَلَوَاتُكَ عَلَيْهِ وَعَلَيْهِمُ اللَّهُمَّ إِنِّي أَسْأَلُكَ خَيْرَ مَا سَأَلَكَ بِهِ عِبَادُكَ الصَّالِحُونَ
وَأَعُوذُ بِكَ مِمَّا اسْتَعَاذَ مِنْهُ عِبَادُكَ الْمُخْلِصُونَ.

مسئله ۱۵۸۶. اگر در نماز عید یک سجده یا تشهد را فراموش کند، احتیاطاً مستحب آن است که بعد از نماز، آن را رجائاً به جا آورد و نیز اگر کاری که برای آن، سجده سهو لازم است پیش آید، به احتیاط مستحب بعد از نماز، رجاء دو سجده سهو بنماید.

✽ احکام به جماعت خواندن نماز عید فطرو قربان

مسئله ۱۵۸۷. در زمان غایب بودن امام علیه السلام، مستحب است بعد از نماز عید فطرو قربان دو خطبه بخوانند، و بهتر آن است که در خطبه عید فطر، احکام زکات فطره و در خطبه عید قربان، احکام قربانی را بگویند.

مسئله ۱۵۸۸. در نماز عید هم مثل نمازهای دیگر، مأموم باید غیر از حمد و سوره، چیزهای دیگر نماز را خودش بخواند.

مسئله ۱۵۸۹. اگر مأموم موقعی برسد که امام مقداری از تکبیرها را گفته، بعد از آنکه امام به رکوع رفت، باید آنچه از تکبیرها و قنوت‌ها را که با امام نگفته، خودش بگوید و اگر در هر قنوت یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» و یک «الْحَمْدُ لِلَّهِ» بگوید کافی است.

مسئله ۱۵۹۰. اگر در نماز عید، موقعی برسد که امام در رکوع است، چنانچه بتواند اقتدا کند و تکبیرها و قنوت‌ها را مختصراً هر چند به یک «سُبْحَانَ اللَّهِ» باشد بگوید و در رکوع امام کند، اشکالی ندارد و اگر نتواند تکبیرها و قنوت‌ها را حتی مختصراً بگوید، می‌تواند نیت کند و تکبیر اول نماز را بگوید و به رکوع رود.

مسئله ۱۵۹۱. احتیاط مستحب آن است که زن از رفتن به نماز عید خودداری کند، ولی این احتیاط برای خانم‌های سالمند نیست.

✽ مستحبات نماز عید فطر و قربان

مسئله ۱۵۹۲. مستحب است نماز عید را در صحرا بخوانند، ولی در مکه مستحب است در مسجد الحرام خوانده شود.

مسئله ۱۵۹۳. مستحب است پیاده و پابرهنه و باوقار به نماز عید بروند و پیش از نماز، غسل کنند و عمامه سفید بر سر بگذارند.

مسئله ۱۵۹۴. مستحب است در نماز عید، بر زمین سجده کنند و در حال گفتن تکبیرها، دست‌ها را بلند کنند و کسی که نماز عید می‌خواند، اگر امام جماعت است یا فردای نماز می‌خواند، نماز را بلند بخواند.

مسئله ۱۵۹۵. نماز عید، سوره مخصوصی ندارد، ولی بهتر است که در رکعت اول آن، سوره «شمس» (سوره ۹۱) و در رکعت دوم سوره «غاشیه» (سوره ۸۸) را بخوانند یا در رکعت اول، سوره «سبح اسم» (سوره ۸۷) و در رکعت دوم، سوره «شمس» (سوره ۹۱) را بخوانند.

مسئله ۱۵۹۶. بعد از نماز مغرب و عشاء شب عید فطر و بعد از نماز صبح آن و بعد از نماز عید فطر، بلکه بعد از نماز ظهر و عصر روز عید نیز مستحب است این تکبیرها را بگوید:

اللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ وَاللَّهُ أَكْبَرُ اللَّهُ أَكْبَرُ وَلِلَّهِ الْحَمْدُ اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا هَدَانَا.

مسئله ۱۵۹۷. مستحب است انسان در عید قربان بعد از ده نماز - که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز دوازدهم است - تکبیرهایی را که در مسئله پیش گفته شد، بگوید و بعد از آن بگوید:

اللَّهُ أَكْبَرُ عَلَى مَا رَزَقَنَا مِنْ بَهِيمَةِ الْأَنْعَامِ وَالْحَمْدُ لِلَّهِ عَلَى مَا أَبْلَاَنَا.

ولی اگر عید قربان را در منا باشد، مستحب است بعد از پانزده نماز - که اول آنها نماز ظهر روز عید و آخر آنها نماز صبح روز سیزدهم ذی الحجه است - این تکبیرها را بگوید.

✽ اجیر گرفتن برای نماز

مسئله ۱۵۹۸. بعد از مرگ انسان، می شود برای نماز و عبادت های دیگر او که در زندگی به جا نیاورده، دیگری را اجیر کنند؛ یعنی به او مزد دهند که آنها را به جا آورد و اگر کسی بدون مزد هم آنها را انجام دهد صحیح است.

مسئله ۱۵۹۹. انسان می تواند برای بعضی از کارهای مستحبی مثل زیارت قبر پیغمبر ﷺ و ائمه علیهم السلام، از طرف زندگان اجیر شود و نیز می تواند کار مستحبی را انجام دهد و ثواب آن را برای مردگان یا زندگان هدیه نماید.

مسئله ۱۶۰۰. در مسئله «۱» از احکام تقلید گذشت که مسلمان در احکام دین باید یا مجتهد باشد یا از مجتهد تقلید کند یا از راه احتیاط طوری به وظیفه خود عمل نماید که یقین کند تکلیف خود را انجام داده است و این حکم برای کسی که برای نماز قضای میت اجیر شده، به طریق اولی جاری است، چون در مقام ابراء ذمه دیگری می باشد.

مسئله ۱۶۰۱. اجیر باید موقع نیت، میت را اجمالاً معین کند و تعیین تفصیلی لازم نیست، مثلاً لازم نیست اسم او را بداند، بلکه اگر نیت کند: از طرف کسی نماز می خوانم که برای او اجیر شده ام، کافی است.

مسئله ۱۶۰۲. اجیر باید عمل را به قصد اطاعت امری که میت به آن مأمور بوده، به جا آورد، پس اگر عملی را انجام دهد و ثواب آن را برای او هدیه کند، کافی نیست.

مسئله ۱۶۰۳. باید کسی را اجیر کنند که اطمینان داشته باشند عمل را صحیح انجام می دهد.

مسئله ۱۶۰۴. کسی که دیگری را برای نمازهای میت اجیر کرده، اگر بفهمد که عمل را به جا نیاورده یا باطل انجام داده، باید دوباره اجیر بگیرد.

مسئله ۱۶۰۵. هرگاه شک کند که اجیر، عمل را انجام داده یا نه، باید دوباره اجیر بگیرد، ولی اگر اجیر بگوید عمل را انجام داده‌ام، کافی است و دوباره اجیر گرفتن لازم نیست و اگر شک کند که عمل او صحیح بوده یا نه، گرفتن اجیر لازم نیست.

مسئله ۱۶۰۶. کسی را که عذر دارد و مثلاً با تیمم یا نشسته نماز می‌خواند، نمی‌شود برای نمازهای میت اجیر کرد، هرچند نماز میت همان‌طور قضا شده باشد.

مسئله ۱۶۰۷. مرد برای زن و زن برای مرد می‌تواند اجیر شود و در بلند خواندن و آهسته خواندن نماز، باید به تکلیف خود عمل نماید.

مسئله ۱۶۰۸. لازم نیست قضای نمازهای میت به ترتیب خوانده شود، مگر در آنچه در ادای آن ترتیب لازم است، مثل ظهر و عصر یک روز.

مسئله ۱۶۰۹. اگر با اجیر شرط کنند که عمل را به طریق خاصی انجام دهد باید همان‌طور به جا آورد و اگر با او شرط نکنند، باید در آن عمل به تکلیف خود رفتار نماید و احتیاط مستحب آن است که از وظیفه خودش و میت هر کدام که به احتیاط نزدیک‌تر است به آن عمل کند، مثلاً اگر وظیفه میت، گفتن سه مرتبه تسبیحات اربعه بوده و تکلیف او یک مرتبه است، سه مرتبه بگوید.

مسئله ۱۶۱۰. اگر با اجیر شرط نکنند که نماز را با چه مقدار از مستحبات آن بخواند، باید مقداری از مستحبات نماز را که معمول است به جا آورد.

مسئله ۱۶۱۱. اگر انسان چند نفر را برای نماز قضای میت اجیر کند، لازم نیست برای هر کدام از آنها وقتی را معین کند، ولی اگر بخواهد احتیاط کند و ترتیب را مراعات نماید، باید برای هر کدام از آنها وقتی را معین کند، مثلاً اگر با یکی از آنها قرار گذاشت که از صبح تا ظهر، نماز قضا بخواند، با دیگری قرار بگذارد که از ظهر تا شب بخواند و نیز باید نمازی را که در هر دفعه شروع می‌کند معین نماید، مثلاً قرار بگذارد اول نمازی را که می‌خواند صبح باشد یا ظهر یا عصر، و همچنین باید با آنها قرار بگذارد که در هر دفعه، نماز یک شبانه‌روز را تمام کنند و اگر ناقص بگذارند، آن را حساب نکنند و دفعه بعد نماز یک شبانه‌روز را از سر شروع کنند.

مسئله ۱۶۱۲. اگر کسی اجیر شود که مثلاً در مدت یک سال، نمازهای میت را بخواند و پیش از تمام شدن سال بمیرد، باید برای نمازهایی که می‌دانند به جا نیاورده، دیگری را اجیر نمایند و همچنین برای نمازهایی که احتمال می‌دهند به جا نیاورده باشد، بنابر احتیاط واجب اجیر بگیرند.

مسئله ۱۶۱۳. کسی را که برای نمازهای میت اجیر کرده‌اند اگر پیش از تمام کردن نمازها بمیرد و اجرت همه آنها را گرفته باشد، چنانچه شرط کرده باشند که تمام نمازها را خودش بخواند، اگر قدرت بر عمل داشته، اجاره صحیح است و اجاره‌کننده می‌تواند اجرة المثل باقی مانده را بگیرد یا آنکه اجاره را فسخ نماید و اجرة المثل مقداری را که اجیر انجام داده از مال الاجاره کسر و مابقی را استرداد نماید و اگر قادر نبوده، اجاره نسبت به بعد از فوت اجیر باطل است و می‌تواند اجرة المسمای باقی مانده را بگیرد یا آنکه اجاره مدت گذشته را فسخ نماید و اجرة المثل آن را بدهد و اگر شرط نکرده باشند، باید ورثه‌اش از مال او کسی را اجیر بگیرند، اما اگر مال نداشته باشد، بر ورثه او چیزی واجب نیست.

مسئله ۱۶۱۴. اگر اجیر پیش از تمام کردن نمازهای میت، بمیرد و خودش هم نماز قضا داشته باشد، باید با توجه به آنچه در مسئله پیش گفته شد، از مال او برای نمازهایی که اجیر بوده دیگری را اجیر نمایند و نمازهای قضای خود او بر عهده پسر بزرگتر است.



احکام روزه

❁ تعریف روزه

«روزه» آن است که انسان برای انجام فرمانِ خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب از چیزهایی که روزه را باطل می‌کند و شرح آنها بعداً گفته می‌شود، خودداری نماید.

❁ شرایط واجب شدن روزه

بر هر انسانی واجب است در صورتی که شرایط ذیل وجود داشته باشد، روزه ماه مبارک رمضان را بگیرد.

❁ اول: بالغ باشد

مسئله ۱۶۱۵. روزه بر فردی واجب است که بالغ باشد و اگر بچه پیش از اذان صبح ماه رمضان بالغ شود باید روزه بگیرد و احتیاط واجب آن است که اگر پیش از ظهر بالغ شود و مُفْطِرِی به جا نیاورده باشد، آن روز را قصد روزه کند و تمام نماید.

❁ دوم: عاقل باشد

مسئله ۱۶۱۶. روزه بر فردی واجب است که عاقل باشد. بنابراین، کسی که قبل از اذان صبح نیت روزه نداشته، سپس مجنون شده و بعد از اذان مغرب عاقل شده است، روزه آن روز بروی واجب نیست و بعداً نیز لازم نیست قضای آن را انجام دهد.

مسئله ۱۶۱۷. اگر انسان پیش از اذان صبح نیت روزه کند، سپس مجنون شود و در بین روز عاقل گردد، بنابر احتیاط لازم، باید روزه آن روز را تمام نماید و چنانچه تمام نکرد، قضای آن را به جا آورد.

❖ **سوم: بیهوش نباشد**

مسئله ۱۶۱۸. اگر فردی بیهوش شود، روزه بروی واجب نیست. بنابراین، کسی که قبل از اذان صبح نیت روزه نداشته، سپس بیهوش شده و بعد از اذان مغرب به هوش آمده است، روزه آن روز بروی واجب نیست و بعداً نیز لازم نیست قضای آن را انجام دهد.

مسئله ۱۶۱۹. اگر انسان پیش از اذان صبح، نیت کند و بیهوش شود و در بین روز به هوش آید، بنابر احتیاط واجب باید روزه آن روز را تمام نماید و اگر تمام نکرد، قضای آن را به جا آورد.

❖ **چهارم: زن از خون حیض یا نفاس پاک باشد**

مسئله ۱۶۲۰. بر زنی که حائض یا نفساء است، روزه واجب نیست، هر چند حیض یا نفاس در قسمتی از روز باشد و بعد از برطرف شدن عذر، واجب است آن را قضا نماید.

❖ **پنجم: روزه گرفتن ضرر نداشته باشد**

مسئله ۱۶۲۱. کسی که یقین یا گمان دارد که روزه برایش ضرر دارد، گرچه دکتر بگوید ضرر ندارد، باید روزه نگیرد و کسی که می داند روزه برای او ضرر ندارد، گرچه دکتر بگوید ضرر دارد، باید روزه بگیرد.

مسئله ۱۶۲۲. در واجب نبودن روزه به جهت ضرر، فرقی نیست که روزه موجب پیدایش ضرر گردد یا موجب شدیدتر شدن آن یا طولانی شدن دوره درمان آن گردد.

مسئله ۱۶۲۳. اگر انسان احتمال بدهد که روزه برایش ضرر دارد و از آن احتمال، ترس برای او پیدا شود، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد، نباید روزه بگیرد و اگر روزه بگیرد صحیح نیست.

مسئله ۱۶۲۴. کسی که عقیده اش این است که روزه برای او ضرر ندارد، اگر روزه بگیرد و بعد از مغرب بفهمد روزه برای او ضرر داشته، بنابر احتیاط واجب باید قضای آن را به جا آورد.

مسئله ۱۶۲۵. اگر روزه دار به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد، واجب است به اندازه ای که از مردن نجات پیدا کند آب بیاشامد ولی روزه او باطل می شود و اگر ماه رمضان باشد، باید در بقیه روز از به جا آوردن کاری که روزه را باطل می کند خودداری نماید.

مسئله ۱۶۲۶. انسان نمی تواند برای ضعف، روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.

مسئله ۱۶۲۷. اگر بیمار پیش از ظهر ماه رمضان خوب شود و از اذان صبح تا آن وقت کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، باید نیت روزه کند و آن روز را روزه بگیرد و چنانچه بعد از ظهر خوب شود، روزه آن روز بر او واجب نیست.

✽ ششم: شخص از کسانی نباشد که رخصت در افطار دارند

مسئله ۱۶۲۸. بر چهار گروه روزه گرفتن واجب نیست:

- (۱) کسی که به واسطه پیری نمی تواند روزه بگیرد یا برای او مشقت دارد.
- (۲) انسان مرضی دارد که زیاد تشنه می شود و نمی تواند تشنگی را تحمل کند یا برای او مشقت دارد.
- (۳) زنی که زاییدن او نزدیک است و روزه برای حملش یا برای خودش ضرر دارد.
- (۴) زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است و روزه گرفتن برای بچه یا برای خودش ضرر دارد.

شایان ذکر است توضیح احکام این چهار گروه در مبحث «کسانی که روزه بر آنها واجب نیست» خواهد آمد.

✽ هفتم: مسافر نباشد

مسئله ۱۶۲۹. مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر، دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد مگر در چند مورد که در مسئله «۱۸۱۱» تا «۱۸۱۳» خواهد آمد و مسافری که

نمازش را تمام می‌خواند مثل کسی که شغلش مسافرت است یا سفر او سفرِ معصیت است، باید در سفر روزه بگیرد.

❁ شرایط صحیح بودن روزه

برای اینکه روزه ماه مبارک رمضان صحیح باشد و نیاز به قضا نداشته باشد، انسان باید شرایطی را رعایت کند.

❁ اول: مسلمان باشد

مسئله ۱۶۳۰. روزه از کافر صحیح نیست. البته اگر کافری در ماه رمضان، پیش از ظهر مسلمان شود و تا آن وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد، بنابر احتیاط واجب باید نیت روزه کند و روزه را تمام نماید و چنانچه آن روز را روزه نگیرد، قضای آن را به جا آورد.

❁ دوم: سوم و چهارم: دیوانه و بیهوش و مست نباشد

مسئله ۱۶۳۱. روزه در حال دیوانگی یا بیهوشی یا مستی صحیح نیست.
مسئله ۱۶۳۲. اگر انسان پیش از اذان صبح، نیت کند و مست شود و در بین روز به هوش آید، احتیاطاً امساک کند و باید قضای آن را به جا آورد.

❁ پنجم: زن از خون حیض یا نفاس پاک باشد

مسئله ۱۶۳۳. روزه زن حائض یا نفساء صحیح نیست، هر چند حیض یا نفاس وی در قسمتی از روز باشد. بنابراین زنی که بعد از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شده، روزه وی صحیح نیست و همچنین چنانچه زن در بین روز، خون حیض یا نفاس ببیند گرچه نزدیک مغرب باشد، روزه او باطل است.

❁ ششم: روزه گرفتن ضرر نداشته باشد

مسئله ۱۶۳۴. کسی که یقین یا گمان دارد که روزه برایش ضرر دارد، گرچه دکتر بگوید ضرر ندارد، اگر روزه بگیرد، صحیح نیست.

مسئله ۱۶۳۵. اگر انسان احتمال بدهد که روزه برایش ضرر دارد و از آن احتمال، ترس برای او پیدا شود، چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد، اگر روزه بگیرد، صحیح نیست.

مسئله ۱۶۳۶. کسی که عقیده اش این است که روزه برای او ضرر ندارد، اگر روزه بگیرد و بعد از مغرب بفهمد روزه برای او ضرر داشته، بنا بر احتیاط واجب باید قضای آن را به جا آورد.

✽ هفتم: مسافر نباشد

مسئله ۱۶۳۷. مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، روزه اش صحیح نیست، مگر در یک مورد که در مسئله «۱۸۱۴» خواهد آمد و مسافری که نمازش را تمام می خواند مثل کسی که شغلش مسافرت است یا سفر او، سفر معصیت است، روزه وی صحیح است.

✽ هشتم: روزه واجب نداشته باشد

مسئله ۱۶۳۸. کسی که روزه قضا یا روزه واجب دیگری دارد، نمی تواند روزه مستحبی بگیرد و چنانچه فراموش کند و روزه مستحب بگیرد، در صورتی که پیش از ظهر یادش بیاید، روزه مستحبی او به هم می خورد و می تواند نیت خود را به روزه واجب برگرداند و اگر بعد از ظهر ملتفت شود، روزه او باطل است، بلکه اگر بعد از مغرب یادش بیاید، معلوم نیست روزه اش صحیح باشد.

✽ نهم: نیت صحیح داشته باشد

مسئله ۱۶۳۹. فردی که روزه می گیرد باید آن را به قصد قربت انجام دهد و در قصد خود اخلاص را رعایت کند. بنابراین اگر فرد از روی ریا روزه بگیرد، روزه اش باطل است.

مسئله ۱۶۴۰. لازم نیست انسان نیت روزه را از قلب خود بگذراند یا مثلاً بگوید فردا را روزه می گیرم، بلکه همین قدر که برای انجام فرمان خداوند عالم از اذان صبح تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد، کافی است.

❁ وقت نیت روزه

❁ وقت نیت روزه ماه رمضان

مسئله ۱۶۴۱. انسان می‌تواند در هر شب از ماه رمضان برای روزه فردای آن نیت کند و بهتر است که شب اول ماه هم، نیت روزه همه ماه را بنماید.

مسئله ۱۶۴۲. وقت نیت روزه ماه رمضان از اول شب است تا اذان صبح.

❁ وقت نیت روزه واجب معین غیر روزه ماه رمضان

مسئله ۱۶۴۳. اگر غیر از روزه ماه رمضان، روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد مثلاً نذر کرده باشد که روز معینی را روزه بگیرد، وقت نیت آن، همانند وقت نیت روزه ماه رمضان است. بنابراین چنانچه عمداً تا اذان صبح نیت نکند، روزه اش باطل است و اگر نداند که روزه آن روز براو واجب است یا فراموش کند و پیش از ظهر یادش بیاید، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند، انجام نداده باشد و بدون تأخیر نیت کند، روزه او صحیح و گرنه باطل می‌باشد.

❁ وقت نیت روزه واجب غیر معین مانند روزه قضا و كفاره

مسئله ۱۶۴۴. وقت نیت روزه واجب غیر معین تا اذان ظهر باقی است. بنابراین اگر برای روزه‌ای که واجب است و روز آن معین نیست مثل روزه كفاره یا روزه قضای ماه رمضان، عمداً تا ظهر نیت نکند اشکال ندارد، بلکه اگر پیش از نیت تصمیم داشته باشد که روزه نگیرد یا تردید داشته باشد که بگیرد یا نه، چنانچه کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد و پیش از ظهر، نیت کند، روزه او صحیح است.

❁ وقت نیت روزه مستحبی

مسئله ۱۶۴۵. وقت نیت روزه مستحبی از اول شب است تا موقعی که به اندازه نیت کردن، به مغرب وقت مانده باشد که اگر تا این وقت کاری که روزه را باطل می‌کند انجام نداده باشد و نیت روزه مستحبی کند، روزه او صحیح است.

❁ احکام دیگر نیت

مسئله ۱۶۴۶. برای آنکه روزه دار یقین کند تمام مدت اذان صبح تا مغرب را روزه بوده، باید مقداری پیش از اذان صبح و مقداری هم بعد از مغرب، از انجام کاری که روزه را باطل می کند خودداری نماید.

مسئله ۱۶۴۷. روزه دار در ماه رمضان لازم نیست روزه آن را معین نماید، یعنی نیت کند روزه ماه رمضان می گیرم، بلکه در روز ماه رمضان اگر نداند ماه رمضان است یا فراموش نماید و روزه دیگری را نیت کند، روزه ماه رمضان حساب می شود.

مسئله ۱۶۴۸. اگر روزه دار بخواهد غیر روزه رمضان، روزه واجب دیگری بگیرد، باید آن را معین نماید، مثلاً نیت کند که روزه قضا یا روزه نذر می گیرم، ولی در روزه مستحبی، تعیین لازم نیست، مگر در روزه مستحبی ای که دارای عنوان خاص مثل «ایام البیض» باشد.

مسئله ۱۶۴۹. اگر بداند ماه رمضان است و عمداً نیت روزه غیر رمضان کند، نه روزه رمضان حساب می شود و نه روزه ای که قصد کرده است.

مسئله ۱۶۵۰. اگر مثلاً به نیت روز اول ماه روزه بگیرد، بعد بفهمد دوم یا سوم بوده، روزه او صحیح است.

مسئله ۱۶۵۱. اگر پیش از اذان صبح نیت کند و بخوابد و بعد از مغرب بیدار شود، روزه اش صحیح است.

مسئله ۱۶۵۲. کسی که پیش از اذان صبح، بدون نیت روزه خوابیده است، اگر پیش از ظهر بیدار شود و نیت کند، روزه او صحیح است، چه روزه او واجب باشد چه مستحب و اگر بعد از ظهر بیدار شود، نمی تواند نیت روزه واجب نماید، ولی در روزه ماه رمضان، باید تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد و بعد از رمضان هم آن روزه را قضا نماید.

مسئله ۱۶۵۳. اگر نداند یا فراموش کند که ماه رمضان است و پیش از ظهر ملتفت شود، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، باید نیت کند و روزه او صحیح است و اگر کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد یا بعد از ظهر ملتفت شود که ماه رمضان است، روزه او باطل می باشد، ولی باید تا مغرب کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد و بعد از رمضان هم آن روزه را قضا نماید.

مسئله ۱۶۵۴. روزی را که انسان شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان، واجب نیست روزه بگیرد و اگر بخواهد روزه بگیرد، نمی تواند نیت روزه رمضان کند و بنابر احتیاط، نیت قضا و مانند آن نماید و یا قصد کند آنچه را که فعلاً خدا از او خواسته است انجام دهد و چنانچه بعد معلوم شود رمضان بوده، از رمضان حساب می شود.

مسئله ۱۶۵۵. اگر روزی را که شک دارد آخر شعبان است یا اول رمضان، به نیت روزه قضا یا روزه مستحبی و مانند آن، روزه بگیرد و در بین روز بفهمد که ماه رمضان است، باید نیت روزه رمضان کند.

مسئله ۱۶۵۶. اگر در روزه واجب معینی مثل روزه رمضان مردد شود که روزه خود را باطل کند یا نه یا قصد کند که روزه را باطل کند، روزه اش باطل می شود گرچه از قصدی که کرده توبه نماید و کاری هم که روزه را باطل می کند انجام ندهد.

مسئله ۱۶۵۷. در روزه مستحب و روزه واجب که وقت آن معین نیست مثل روزه کفاره، اگر قصد کند کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد یا مردد شود که به جا آورد یا نه، چنانچه به جا نیاورد روزه او صحیح است به شرط آنکه در روزه واجب، پیش از ظهر و در روزه مستحب تا پیش از مغرب، دوباره نیت روزه کند.

مسئله ۱۶۵۸. کسی که برای به جا آوردن روزه میتی اجیر شده، اگر روزه مستحبی بگیرد اشکال ندارد.

❖ دهم: مفطرات روزه را ترک نماید

مسئله ۱۶۵۹. برای اینکه روزه صحیح باشد، انسان باید «مفطرات روزه»؛ یعنی چیزهایی که روزه را باطل می کند، ترک نماید.

❖ چیزهای باطل کننده روزه

مسئله ۱۶۶۰. نه چیز روزه را باطل می کند که عبارت است از:

اول: خوردن و آشامیدن؛

دوم: نزدیکی (جماع)؛

سوم: استمناء؛

چهارم: دروغ بستن به خدا و پیغمبر ﷺ و جانشینان پیغمبر ﷺ؛

پنجم: رساندن غبار غلیظ به حلق؛

ششم: فرو بردن تمام سر در آب؛ که حرام است و بنا بر احتیاط لازم روزه را هم باطل می‌کند؛

هفتم: باقی ماندن عمدی بر جنابت و حیض و نفاس تا اذان صبح؛

هشتم: اماله کردن با چیزهای روان؛

نهم: قی کردن.

و احکام این‌ها در مسائل آینده گفته می‌شود.

✽ اول: خوردن و آشامیدن

مسئله ۱۶۶۱. اگر روزه‌دار عمداً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه او باطل می‌شود، چه خوردن و آشامیدن آن چیز معمول باشد مثل نان و آب، چه معمول نباشد مثل خاک و شیرۀ درخت، و چه کم باشد چه زیاد، حتی اگر مسواک را از دهان بیرون آورد و دوباره به دهان ببرد و رطوبت آن را فرو برد، روزه او باطل می‌شود بلکه اگر رطوبت مسواک در آب دهان طوری از بین برود که رطوبت خارج به آن گفته نشود، ولی بداند که در دهان باقی است، بنا بر احتیاط لازم نباید آن را فرو برد.

مسئله ۱۶۶۲. اگر وقتی که مشغول غذا خوردن است بفهمد صبح شده، باید لقمه را از دهان بیرون آورد و چنانچه عمداً فرو برد، روزه اش باطل است و به دستوری که بعداً گفته خواهد شد کفاره هم بر او واجب می‌شود.

مسئله ۱۶۶۳. اگر روزه‌دار سهواً چیزی بخورد یا بیاشامد، روزه اش باطل نمی‌شود.

مسئله ۱۶۶۴. احتیاط مستحب آن است که روزه‌دار از استعمال آمپول خودداری کند و بین آمپول‌ها فرق نیست و اگر لازم شد و تزریق کرد، روزه او باطل نمی‌شود.

مسئله ۱۶۶۵. اگر روزه‌دار چیزی را که لای دندان مانده است عمداً فرو ببرد، روزه اش باطل می‌شود.

مسئله ۱۶۶۶. کسی که می‌خواهد روزه بگیرد، لازم نیست پیش از اذان دندان‌هایش را خلال کند، ولی اگر بداند غذایی که لای دندان مانده، در روز فرو می‌رود چنانچه خلال

نکند، روزه‌اش باطل می‌شود، خواه چیزی از آن فرو رود و خواه فرو نرود و در صورت فرو رفتن، کفاره هم بر او واجب است.

مسئله ۱۶۶۷. فرو بردن آب دهان، گرچه به واسطه تصور کردن ترشی و مانند آن در دهان جمع شده باشد، روزه را باطل نمی‌کند.

مسئله ۱۶۶۸. فرو بردن اخلاط سرو سینه، تا به فضای دهان نرسیده اشکال ندارد، ولی اگر داخل فضای دهان شود، احتیاط واجب آن است که آن را فرو نبرد.

مسئله ۱۶۶۹. اگر روزه‌دار به قدری تشنه شود که بترسد از تشنگی بمیرد، واجب است به اندازه‌ای که از مردن نجات پیدا کند آب بیاشامد ولی روزه او باطل می‌شود و اگر ماه رمضان باشد، باید در بقیه روز از به جا آوردن کاری که روزه را باطل می‌کند خودداری نماید.

مسئله ۱۶۷۰. جویدن غذا برای بچه یا پرنده و چشیدن غذا و مانند این‌ها که معمولاً به حلق نمی‌رسد، گرچه اتفاقاً به حلق برسد، روزه را باطل نمی‌کند، ولی اگر انسان از اول بدانند که به حلق می‌رسد، روزه‌اش باطل می‌شود هر چند به حلق نرسد و باید قضای آن را بگیرد و اگر به حلق رسیده، کفاره هم بر او واجب است.

مسئله ۱۶۷۱. انسان نمی‌تواند برای ضعف، روزه را بخورد، ولی اگر ضعف او به قدری است که معمولاً نمی‌شود آن را تحمل کرد، خوردن روزه اشکال ندارد.

❖ دوم: نزدیکی (جماع)

مسئله ۱۶۷۲. نزدیکی روزه را باطل می‌کند، گرچه فقط به مقدار ختنه‌گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید.

مسئله ۱۶۷۳. اگر کمتر از مقدار ختنه‌گاه داخل شود و منی هم بیرون نیاید، روزه باطل نمی‌شود.

مسئله ۱۶۷۴. اگر شک کند که به اندازه ختنه‌گاه داخل شده یا نه و قصد دخول هم نداشته، روزه صحیح است، و اگر با علم به مفطر بودن دخول، قصد دخول داشته و دخول واقع نشده یا شک در آن نماید، روزه‌اش باطل است و قضای آن واجب می‌باشد، ولی کفاره بر او واجب نیست.

مسئله ۱۶۷۵. اگر فراموش کند که روزه است و نزدیکی نماید یا بدون اختیار با او نزدیکی نمایند، روزه او باطل نمی‌شود ولی چنانچه در بین نزدیکی یادش بیاید یا در بین نزدیکی، مختار شود، باید فوراً از حال نزدیکی خارج شود و اگر خارج نشود، روزه او باطل است و همچنین اگر خودش از ترس نزدیکی کند، روزه اش باطل می‌شود.

✽ سور: استمناء

مسئله ۱۶۷۶. اگر روزه دار استمناء کند یعنی با خود کاری کند که منی از او بیرون آید، روزه اش باطل می‌شود.

مسئله ۱۶۷۷. اگر بی اختیار منی از او بیرون آید، روزه اش باطل نیست، ولی اگر کاری کند که بی اختیار منی از او بیرون آید، روزه اش باطل می‌شود.

مسئله ۱۶۷۸. هرگاه روزه دار بداند که اگر در روز بخوابد محتلم می‌شود؛ یعنی در خواب، منی از او بیرون می‌آید، بنابراین احتیاط مستحب نخوابد ولی اگر بخوابد، روزه اش باطل نمی‌شود.

مسئله ۱۶۷۹. اگر روزه دار در حال بیرون آمدن منی از خواب بیدار شود، واجب نیست از بیرون آمدن آن جلوگیری کند.

مسئله ۱۶۸۰. روزه داری که محتلم شده، می‌تواند ادرار کند و به دستوری که در مسئله «۷۸» گفته شد، استبراء نماید، گرچه بداند به واسطه ادرار یا استبراء کردن، باقی مانده منی از مجرا بیرون می‌آید.

مسئله ۱۶۸۱. روزه داری که محتلم شده اگر بداند منی در مجرا مانده و در صورتی که پیش از غسل ادرار نکند بعد از غسل منی از او بیرون می‌آید، بنابراین احتیاط واجب باید پیش از غسل ادرار کند.

مسئله ۱۶۸۲. کسی که می‌داند که اگر عمداً منی از خود بیرون آورد روزه اش باطل می‌شود، در صورتی که به قصد بیرون آمدن منی با کسی بازی و شوخی کند روزه اش باطل می‌شود و باید قضای آن را به جا آورد، گرچه منی از او بیرون نیاید و اگر منی بیرون آید، علاوه بر قضا، کفاره نیز بر او لازم می‌شود و در هر دو صورت در ماه رمضان باید در بقیه روز از آنچه روزه را باطل می‌کند خودداری کند.

مسئله ۱۶۸۳. اگر روزه دار بدون قصد بیرون آمدن منی با کسی بازی و شوخی کند، چنانچه اطمینان دارد که منی از او خارج نمی شود، گرچه اتفاقاً منی بیرون آید، روزه او صحیح است ولی اگر اطمینان ندارد، در صورتی که منی از او بیرون آید روزه اش باطل است.

✽ چهارم: دروغ بستن به خداوند متعال و پیامبر ﷺ و ائمه اطهار علیهم السلام

مسئله ۱۶۸۴. اگر روزه دار با گفتن یا با نوشتن یا با اشاره و مانند این ها به خدا و پیغمبران و ائمه علیهم السلام عمداً نسبت دروغ بدهد، گرچه فوراً بگوید دروغ گفتم یا توبه کند، روزه او باطل است و بنابر احتیاط واجب، نسبت دروغ به حضرت زهرا علیها السلام و به جانشینان پیغمبران گذشته هم این حکم را دارد.

مسئله ۱۶۸۵. اگر بخواهد خبری را که نمی داند راست است یا دروغ، نقل کند، بنابر احتیاط واجب باید از کسی که آن خبر را گفته یا از کتابی که آن خبر در آن نوشته شده، نقل نماید. مسئله ۱۶۸۶. اگر چیزی را به اعتقاد اینکه راست است از قول خدا یا پیغمبر ﷺ نقل کند و بعد بفهمد دروغ بوده، روزه اش باطل نمی شود.

مسئله ۱۶۸۷. اگر بداند دروغ بستن به خدا و پیغمبر ﷺ روزه را باطل می کند و چیزی را که می داند دروغ است به آنان نسبت دهد و بعداً بفهمد آنچه را که گفته، راست بوده، روزه اش باطل است و در ماه رمضان باید تا مغرب از آنچه روزه را باطل می کند خودداری کند، ولی كفاره براو واجب نمی شود.

مسئله ۱۶۸۸. اگر دروغی را که دیگری ساخته، عمداً به خدا و پیغمبر ﷺ و جانشینان پیغمبر علیهم السلام نسبت دهد، روزه اش باطل می شود ولی اگر از قول کسی که آن دروغ را ساخته، نقل کند اشکال ندارد.

مسئله ۱۶۸۹. اگر از روزه دار پرسند که آیا پیغمبر ﷺ چنین مطلبی فرموده اند و او هنگامی که در جواب باید بگوید نه، عمداً بگوید بله، یا جایی که باید بگوید بلی، عمداً بگوید نه، روزه اش باطل می شود.

مسئله ۱۶۹۰. اگر از قول خدا یا پیغمبر ﷺ سخن راستی بگوید و بعد بگوید دروغ گفتم یا در شب دروغی را به آنان نسبت دهد و فردای آن روز که روزه است، بگوید آنچه دیشب گفتم راست است، روزه اش باطل می شود.

✽ پنجم: رساندن غبار غلیظ به حلق

مسئله ۱۶۹۱. رساندن غبار غلیظ به حلق، روزه را باطل می‌کند، چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حلال است مثل آرد، چه غبار چیزی باشد که خوردن آن حرام است مثل خاک. و بنابر احتیاط واجب باید غباری را هم که غلیظ نیست به حلق نرساند.

مسئله ۱۶۹۲. اگر به واسطه باد، غبار غلیظی پیدا شود و انسان با اینکه متوجه است، مواظبت نکند و به حلق برسد، روزه اش باطل می‌شود.

مسئله ۱۶۹۳. روزه دار نباید دود سیگار و تنباکو و مانند این‌ها را هم به حلق برساند بنابر احتیاط واجب، اگر نگوییم اقوی است.

مسئله ۱۶۹۴. اگر مواظبت نکند و غبار یا بخار یا دود و مانند این‌ها داخل حلق شود، چنانچه اطمینان داشته که به حلق نمی‌رسد روزه اش صحیح است.

مسئله ۱۶۹۵. اگر فراموش کند که روزه است و مواظبت نکند یا بی‌اختیار، غبار و مانند آن به حلق او برسد، روزه اش باطل نمی‌شود و اگر ممکن است باید آن را بیرون آورد.

مسئله ۱۶۹۶. شخص روزه دار در کارگاهی که گردوغبار، فراوان است و حتی با زدن ماسک هم گردوغبار به حلق می‌رسد، نباید کار کند.

✽ ششم: فرو بردن سردر آب

مسئله ۱۶۹۷. اگر روزه دار عمداً تمام سر را در آب فرو برد، گرچه بدن او از آب بیرون باشد، بنابر احتیاط واجب روزه اش باطل می‌شود ولی اگر تمام بدن را آب بگیرد و مقداری از سر بیرون باشد، روزه باطل نمی‌شود.

مسئله ۱۶۹۸. اگر نصف سر را یک دفعه و نصف دیگر آن را دفعه دیگر در آب فرو برد که هیچ وقت تمام سر زیر آب نباشد، روزه اش باطل نمی‌شود.

مسئله ۱۶۹۹. اگر قصد داشت که سر را زیر آب فرو ببرد و شک کرد که تمام سر، زیر آب رفت یا نه، بنابر احتیاط واجب روزه اش باطل است.

مسئله ۱۷۰۰. اگر تمام سر زیر آب برود ولی مقداری از موها بیرون بماند، روزه باطل می‌شود.

مسئله ۱۷۰۱. اگر سر را در گلاب فرو برد، بنا بر احتیاط واجب روزه باطل می شود ولی فرو بردن سردر آب های مضاف دیگر و نیز چیزهای دیگری که روان است مانند شیر، روزه را باطل نمی کند.

مسئله ۱۷۰۲. اگر روزه دار بی اختیار در آب بیفتد و تمام سر او را آب بگیرد یا فراموش کند که روزه است و سردر آب فرو برد، روزه او باطل نمی شود.

مسئله ۱۷۰۳. اگر با اطمینان به اینکه آب، سر او را نمی گیرد خود را در آب بیندازد و آب، تمام سر او را بگیرد، روزه اش اشکال ندارد.

مسئله ۱۷۰۴. اگر فراموش کند که روزه است و سر را در آب فرو برد یا دیگری به زور سر او را در آب فرو برد، چنانچه در زیر آب یادش بیاید که روزه است یا آن کس دست خود را بردارد، باید فوراً سر را بیرون آورد و چنانچه بیرون نیاورد، روزه اش بنا بر احتیاط واجب، باطل می شود اگر نگوئیم اقوی بطلان روزه است.

مسئله ۱۷۰۵. اگر فراموش کند که روزه است و به نیت غسل، سر را در آب فرو برد، روزه و غسل او صحیح است.

مسئله ۱۷۰۶. اگر بداند که روزه است و عمداً برای غسل، سر را در آب فرو برد، چنانچه روزه او مثل روزه رمضان، واجب معین باشد، روزه و غسل او هر دو باطل است و اگر روزه مستحب باشد یا روزه واجب باشد که مثل روزه کفاره، وقت معینی ندارد و تمام کردن آن واجب نباشد، غسل صحیح و روزه باطل می باشد.

مسئله ۱۷۰۷. اگر برای آنکه کسی را از غرق شدن نجات دهد سر را در آب فرو برد، گرچه نجات دادن او واجب باشد، روزه اش باطل می شود.

مسئله ۱۷۰۸. رفتن زیر آب با زیر دریایی و یا با لباس غواصی، روزه را باطل نمی کند.

✽ هفتم: باقی ماندن بر جنابت تا اذان صبح

مسئله ۱۷۰۹. اگر جنبت عمداً تا اذان صبح غسل نکند یا اگر وظیفه او تیمم است عمداً تیمم ننماید، در روزه ماه رمضان و قضای آن، روزه اش باطل است و در غیر این دو، روزه باطل نمی شود.

مسئله ۱۷۱۰. اگر در ماه رمضان تا اذان صبح غسل نکند و تیمم هم ننماید ولی از روی

عمد نباشد مثل آنکه دیگری نگذارد غسل و تیمم کند، روزه اش صحیح است.

مسئله ۱۷۱۱. کسی که جُنُب است و می خواهد روزه ماه رمضان یا قضای آن را بگیرد، چنانچه عمداً غسل نکند تا وقت تنگ شود، معصیت کرده و بنا بر احتیاط واجب باید تیمم کند و روزه بگیرد و بعد هم آن را به جا آورد و در قضای موسع^۱، روزه باطل است.

مسئله ۱۷۱۲. اگر جُنُب در ماه رمضان، غسل را فراموش کند و بعد از یک روز یادش بیاید، باید روزه آن روز را قضا نماید و اگر بعد از چند روز یادش بیاید، باید روزه هر چند روزی را که یقین دارد جُنُب بوده، قضا نماید. مثلاً اگر نمی داند سه روز جُنُب بوده یا چهار روز، باید روزه سه روز را قضا کند.

مسئله ۱۷۱۳. کسی که در شب ماه رمضان برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت ندارد، اگر خود را جُنُب کند، روزه اش باطل است و قضا و کفاره براو واجب می شود، ولی اگر برای تیمم وقت دارد، چنانچه خود را جُنُب کند، معصیت کرده ولی واجب است تیمم نماید و روزه اش صحیح است.

مسئله ۱۷۱۴. اگر گمان کند که به اندازه غسل، وقت دارد و خود را جُنُب کند و بعد بفهمد وقت تنگ بوده، چه جستجو کرده و چه نکرده، واجب است با تیمم روزه بگیرد و روزه اش صحیح است.

مسئله ۱۷۱۵. کسی که در شب ماه رمضان جُنُب است و می داند که اگر بخوابد تا صبح بیدار نمی شود، نباید بخوابد و چنانچه بخوابد و تا صبح بیدار نشود، روزه اش باطل است و قضا و کفاره براو واجب می شود.

مسئله ۱۷۱۶. جُنُب اگر عادت و اطمینان به بیدار شدن قبل از اذان صبح ندارد، بنا بر احتیاط واجب نباید پیش از غسل بخوابد و اگر بخوابد، خواب اول باشد یا دوم، حکم باقی ماندن عمدی با جنابت تا صبح را دارد که باید قضای روزه را بگیرد و کفاره نیز بدهد.

مسئله ۱۷۱۷. کسی که در شب ماه رمضان، جُنُب است اگر عادت و اطمینان به بیدار

۱. قضای موسع به قضای روزه ای گفته می شود که برای انجام آن، وقت زیادی هست و در مقابل، قضای مضیق است که برای انجام آن، فقط به مقدار قضا شده، وقت دارد. مثلاً شخصی ده روز، روزه قضا دارد در حالی که تا ماه رمضان آینده، دو ماه مانده که وی مخیر است در هر یک از دهه های پیش رو قضای ده روز را به جا آورد و این را قضای موسع می نامند و اگر تا ماه رمضان آینده، فقط ده روز باقی مانده، واجب است روزه های قضا شده خود را در همین ده روز به جا آورد و این را قضای مضیق گویند.

شدن پیش از اذان صبح دارد، جایز است با تصمیم به آنکه بعد از بیدار شدن غسل کند، بخوابد و چنانچه در این صورت اتفاقاً تا صبح خواب بماند، روزه اش صحیح است. مسئله ۱۷۱۸. کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می داند که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود، چنانچه غفلت داشته باشد که بعد از بیدار شدن باید غسل کند، در صورتی که بخوابد و تا اذان صبح خواب بماند، اگر خواب اولش باشد روزه اش صحیح است؛ نه قضا دارد و نه کفاره، و در خواب دوم و سوم فقط قضا بر او واجب می شود.

مسئله ۱۷۱۹. کسی که در شب ماه رمضان جنب است و می داند که اگر بخوابد پیش از اذان صبح بیدار می شود، چنانچه نخواهد بعد از بیدار شدن غسل کند یا تردید داشته باشد که غسل کند یا نه، در صورتی که بخوابد و بیدار نشود، روزه اش باطل و قضای آن قطعاً واجب است و ظاهر آن است که کفاره هم واجب باشد.

مسئله ۱۷۲۰. خوابی را که در آن محتمل شده، نباید خواب اول حساب کرد، بلکه اگر از آن خواب بیدار شود و دوباره بخوابد، این خواب، «خواب اول» حساب می شود. پس اگر بعد از بیدار شدن از خوابی که در آن محتمل شده، دوباره بخوابد و بداند که بیدار می شود و یا عادت به بیدار شدن داشته باشد و تصمیم هم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند، چنانچه تا اذان خواب بماند، روزه اش صحیح است و اگر دوباره بیدار شود و بداند یا عادت به بیدار شدن داشته باشد و تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند و تا اذان خواب بماند، روزه اش باطل است و باید قضای آن روز را بگیرد و اگر دوباره بیدار شود و بداند یا عادت به بیدار شدن داشته باشد و تصمیم داشته باشد که بعد از بیدار شدن غسل کند، در صورتی که باز هم بخوابد و تا اذان خواب بماند، روزه اش باطل است و باید قضای آن روز را بگیرد و بنابر احتیاط مستحب، کفاره هم بدهد.

مسئله ۱۷۲۱. اگر روزه دار در روز محتمل شود، واجب نیست فوراً غسل کند بلکه می تواند تا وقت انجام واجبی که مشروط به طهارت است مانند نماز، آن را به تأخیر بیندازد. مسئله ۱۷۲۲. هرگاه در ماه رمضان بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتمل شده، گرچه بداند پیش از اذان محتمل شده، روزه او صحیح است.

مسئله ۱۷۲۳. کسی که می‌خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد، هرگاه تا اذان صبح جنب بماند، گرچه از روی عمد نباشد، اگر وقت وسعت داشته باشد، روزه او باطل است و اگر وقت تنگ باشد، احتیاط واجب، گرفتن روزه آن روز و عوض آن بعد از ماه مبارک است.

مسئله ۱۷۲۴. کسی که می‌خواهد قضای روزه رمضان را بگیرد اگر بعد از اذان صبح بیدار شود و ببیند محتمل شده و بداند که این احتلام پیش از اذان واقع شده است، چنانچه وقت قضای روزه تنگ است مثلاً پنج روز، روزه قضای رمضان دارد و پنج روز هم به رمضان مانده است، بنابر احتیاط واجب باید آن روز را روزه بگیرد و بعد از رمضان عوض آن را به جا آورد و اگر وقت قضای روزه تنگ نیست روزه اش در آن روز باطل است و باید روز دیگر را روزه بگیرد.

مسئله ۱۷۲۵. اگر در روزه واجب غیر روزه رمضان و قضای آن، تا اذان صبح جنب بماند، اگرچه عمدی باشد، چنانچه وقت آن روز معین است مثلاً نذر کرده که آن روز را روزه بگیرد، روزه اش صحیح است و اگر مثل روزه کفاره، وقت آن معین نیست، احتیاط مستحب آن است که غیر از آن روز، روز دیگری را روزه بگیرد.

✽ هشتم: باقی ماندن زن بر حیض و نفاس تا اذان صبح

مسئله ۱۷۲۶. اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و عمداً غسل نکند یا اگر وظیفه او تیمم است، عمداً تیمم نکند، روزه اش باطل است.

مسئله ۱۷۲۷. اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای غسل وقت نداشته باشد، چنانچه بخواهد روزه واجب بگیرد که مثل روزه رمضان وقت آن معین است، باید تیمم کند و بنابر احتیاط واجب تا اذان صبح بیدار بماند و اگر بخواهد روزه مستحب یا روزه واجب بگیرد که مثل روزه کفاره، وقت آن معین نیست، گرچه بدون تیمم هم روزه اش صحیح است ولی احتیاط مستحب آن است که تیمم کند.

مسئله ۱۷۲۸. اگر زن نزدیک اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و برای هیچ کدام از غسل و تیمم وقت نداشته باشد یا بعد از اذان بفهمد که پیش از اذان پاک شده، روزه او صحیح است، خواه روزه اش واجب معین باشد خواه موسع یا مستحب باشد.

مسئله ۱۷۲۹. اگر زن بعد از اذان صبح از خون حیض یا نفاس پاک شود یا در بین روز، خون حیض یا نفاس ببیند، گرچه نزدیک مغرب باشد، روزه او باطل است.

مسئله ۱۷۳۰. اگر زن غسل حیض یا نفاس را فراموش کند و بعد از یک یا چند روز یادش بیاید، بنا بر احتیاط مستحب قضای روزه‌هایی را که بدون غسل گرفته است، بگیرد.

مسئله ۱۷۳۱. اگر زن پیش از اذان صبح از حیض یا نفاس پاک شود و در غسل کردن کوتاهی کند و تا اذان غسل نکند، روزه‌اش باطل است ولی چنانچه کوتاهی نکند مثلاً منتظر باشد که حمام زنانه شود، گرچه سه مرتبه بخوابد و تا اذان غسل نکند و در تنگی وقت، تیمم کند یا از تیمم هم ناتوان باشد، روزه‌اش صحیح است.

مسئله ۱۷۳۲. اگر زنی که در حال استحاضه است، غسل‌های خود را به تفصیلی که در مسئله ۴۱۶ و «۴۱۷» گفته شد به جا آورد، روزه او صحیح است.

مسئله ۱۷۳۳. کسی که مس میت کرده یعنی جایی از بدن خود را به بدن میت رسانده، می‌تواند بدون غسل مس میت، روزه بگیرد و اگر در حال روزه نیز میت را مس نماید، روزه او باطل نمی‌شود، اما برای نماز باید غسل کند.

✽ نهم: اماله کردن با چیزهای روان

مسئله ۱۷۳۴. اماله کردن^۱ با چیز روان، گرچه از روی ناچاری و برای معالجه باشد، روزه را باطل می‌کند و شیاف دارویی که مایع نیست، روزه را باطل نمی‌کند.

✽ دهم: قی کردن

مسئله ۱۷۳۵. هرگاه روزه‌دار عمداً قی کند، گرچه به واسطه بیماری و مانند آن ناچار باشد، روزه‌اش باطل می‌شود ولی اگر سهواً یا بی اختیار قی کند اشکال ندارد.

مسئله ۱۷۳۶. اگر در شب چیزی بخورد که می‌داند به واسطه خوردن آن، در روز بی اختیار قی می‌کند، احتیاط واجب آن است که روزه آن روز را قضا نماید، حتی اگر قی نکند.

مسئله ۱۷۳۷. اگر روزه‌دار بتواند از قی کردن خودداری کند چنانچه برای او ضرر و

۱. منظور، داخل کردن داروی مایع و مانند آن، به کمک وسیله مخصوص در روده بزرگ انسان است.

مشقت نداشته باشد، باید خودداری نماید.

مسئله ۱۷۳۸. اگر مگس در گلوی روزه‌دار برود، چنانچه ممکن باشد باید آن را بیرون آورد و روزه‌اش باطل نمی‌شود، ولی اگر بداند که به واسطه بیرون آوردن آن، قی می‌کند واجب نیست آن را بیرون آورد و روزه‌اش صحیح است.

مسئله ۱۷۳۹. اگر روزه‌دار سهواً چیزی مانند غذا را به حلق برساند و بتواند آن را بیرون آورد، باید چنین کند و بیرون آوردنش ضرری برای روزه ندارد، بلکه اگر در این حال فرو برد، روزه‌اش باطل است و اگر نتواند آن را بیرون آورد و یا پایین‌تر از حلق رفته باشد، روزه‌اش صحیح است.

مسئله ۱۷۴۰. اگر یقین داشته باشد که به واسطه آروغ زدن، چیزی از گلو بیرون می‌آید به گونه‌ای که به آن قی کردن می‌گویند، نباید عمداً آروغ بزند ولی اگر یقین نداشته باشد، اشکال ندارد.

مسئله ۱۷۴۱. اگر آروغ بزند و چیزی در گلو یا دهانش بیاید، باید آن را بیرون بریزد و اگر بی اختیار فرو رود، روزه‌اش صحیح است.

❁ احکام مبطلات روزه

مسئله ۱۷۴۲. اگر انسان عمداً و از روی اختیار کاری انجام دهد که روزه را باطل می‌کند، روزه او باطل می‌شود و چنانچه از روی عمد نباشد، اشکال ندارد. ولی اگر جُنُب بخوابد و به تفصیلی که در مسئله «۱۷۲۰» گفته شد تا اذان صبح غسل نکند، روزه او باطل است.

مسئله ۱۷۴۳. اگر روزه‌دار سهواً یکی از کارهایی که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و به خیال اینکه روزه‌اش باطل شده، عمداً دوباره یکی از آنها را به جا آورد، روزه او باطل می‌شود.

مسئله ۱۷۴۴. اگر چیزی به زور در گلوی روزه‌دار بریزند یا سراوا را به زور در آب فرو برند، روزه او باطل نمی‌شود. ولی اگر مجبورش کنند که روزه خود را باطل کند مثلاً به او بگویند اگر غذا نخوری، ضرر مالی یا جانی به تو می‌زنیم و خودش برای جلوگیری از ضرر، چیزی بخورد، روزه او باطل می‌شود.

مسئله ۱۷۴۵. روزه دار نباید جایی برود که می داند چیزی در گلویش می ریزند یا مجبورش می کنند که خودش روزه خود را باطل کند و نیز نباید به جایی رود که ایمن نباشد از این موضوع، بلکه در معرض آن باشد و اگر برود و چیزی در گلویش بریزند یا از روی ناچاری خودش کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، روزه او باطل می شود، بلکه اگر قصد رفتن کند، گرچه نرود، روزه اش باطل است.

❁ امور مکروه برای روزه دار

مسئله ۱۷۴۶. چند چیز برای روزه دار مکروه است:

- ۱) دارور یختن در چشم و سرمه کشیدن در صورتی که مزه یا بوی آن به حلق برسد.
 - ۲) انجام دادن هرکاری که مانند خون گرفتن و حمام رفتن، باعث ضعف شود.
 - ۳) انفیه کشیدن؛ اگر نداند که به حلق می رسد، و اگر بداند به حلق می رسد، جایز نیست.
 - ۴) بو کردن گیاهان معطر؛
 - ۵) احوط، ترک نشستن زن در آب است.
 - ۶) استعمال شیاف؛
 - ۷) تر کردن لباسی که در بدن است.
 - ۸) کشیدن دندان و هرکاری که به واسطه آن از دهان خون بیاید.
 - ۹) مسواک کردن به چوب تر؛
 - ۱۰) بی جهت آب یا چیزی در دهان کردن؛
 - ۱۱) انسان بدون قصد بیرون آمدن منی، زن خود را ببوسد یا کاری کند که شهوت خود را به حرکت آورد و اگر به قصد بیرون آمدن منی باشد، روزه او باطل می شود.
- و موارد دیگری در کتب مفصل ذکر شده است.

❁ احکام روزه قضا

❁ بعضی از مواردی که قضای روزه، لازم نیست

مسئله ۱۷۴۷. اگر دیوانه عاقل شود، واجب نیست روزه های وقتی را که دیوانه بوده قضا

نماید، مگر مورد استثنائی که در مسئله «۱۶۱۷» بیان شد.

مسئله ۱۷۴۸. اگر فرد بالغ شود، واجب نیست قضای روزه‌هایی را که در ایام قبل از بلوغ نگرفته است به جا آورد.

مسئله ۱۷۴۹. اگر کافر مسلمان شود، واجب نیست قضای روزه‌های وقتی را که کافر بوده است به جا آورد.

مسئله ۱۷۵۰. اگر فرد بیهوش، از حالت بیهوشی خارج شود، لازم نیست روزه ایامی را که بیهوش بوده و نیت روزه نداشته، قضا نماید، مگر مورد استثنائی که در مسئله «۱۶۱۹» گفته شد.

مسئله ۱۷۵۱. اگر به واسطه بیماری یا حیض یا نفاس، روزه رمضان را نگیرد و پیش از تمام شدن رمضان بمیرد، لازم نیست روزه‌هایی را که نگرفته، برای او قضا کنند.

مسئله ۱۷۵۲. اگر به واسطه بیماری ای روزه رمضان را نگیرد و بیماری او تا رمضان سال بعد طول بکشد، قضای روزه‌هایی را که نگرفته بر او واجب نیست و باید برای هر روز به مقداری که در مسئله «۱۷۹۸» خواهد آمد، کفاره بدهد.

✽ مواردی که قضا و کفاره روزه لازم است

مسئله ۱۷۵۳. اگر در روزه رمضان در شب جنب شود و به تفصیلی که در مسئله «۱۷۲۰» گفته شد بیدار شود و دوباره بخوابد و تا اذان صبح بیدار نشود و یا بیدار بشود و برای مرتبه سوم بخوابد و بیدار نشود، باید قضای آن روز را بگیرد و بنابر احتیاط مستحب برای مرتبه سوم، کفاره نیز بدهد. ولی اگر کار دیگری که روزه را باطل می‌کند عمداً انجام دهد، در صورتی که می‌دانسته آن کار، روزه را باطل می‌کند، قضا و کفاره بر او واجب می‌شود و این حکم در ارتماس (فرو بردن سردر آب) بنابر احتیاط واجب است.

مسئله ۱۷۵۴. اگر به واسطه ندانستن مسئله، کاری انجام دهد که روزه را باطل می‌کند، چنانچه در یاد گرفتن مسئله کوتاهی کرده و در وقت به جا آوردن آن کار، احتمال مفطر بودن آن را می‌داده، کفاره بر او واجب می‌شود و اگر در وقت به جا آوردن آن غفلت داشته، بنابر احتیاط، کفاره لازم است، ولی اگر در یاد گرفتن مسئله کوتاهی نکرده باشد، کفاره واجب نیست.

※ مواردی که فقط قضای روزه، لازم است

مسئله ۱۷۵۵. در چند صورت فقط قضای روزه بر انسان واجب است و کفاره واجب نیست:

اول: در شب ماه رمضان، جنب باشد و به تفصیلی که در مسئله «۱۷۲۰» گفته شد تا اذان صبح از خواب دوم بیدار نشود.

دوم: عملی که روزه را باطل می‌کند به جا نیاورد، ولی نیت روزه نکند یا ریا کند یا قصد کند که روزه نباشد یا قصد کند کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد. سوم: در ماه رمضان غسل جنابت را فراموش کند و با حال جنابت یک روز یا چند روز روزه بگیرد.

چهارم: در ماه رمضان بدون اینکه تحقیق کند صبح شده یا نه، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده و نیز اگر بعد از تحقیق با اینکه گمان دارد صبح شده، کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و بعد معلوم شود صبح بوده، قضای آن روزه بر او واجب است، بلکه اگر بعد از تحقیق شک کند که صبح شده یا نه یا گمان پیدا کند که صبح نشده و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و بعد معلوم شود صبح بوده، احتیاط واجب آن است که قضای روزه آن روز را به جا آورد.

پنجم: کسی بگوید صبح نشده و انسان به گفته او کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است.

ششم: کسی بگوید صبح شده و انسان به گفته او یقین نکند یا خیال کند شوخی می‌کند و کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده است.

هفتم: نابینا و مانند او، به گفته دیگری افطار کند و بعد معلوم شود مغرب نبوده است.

هشتم: در هوای صاف به واسطه تاریکی یقین کند که مغرب شده و افطار کند و بعد معلوم شود مغرب نبوده است، و اگر شک داشته باشد که مغرب شده و افطار کند و بعد معلوم شود مغرب نبوده، کفاره هم واجب است، ولی اگر در هوای ابر به گمان اینکه مغرب شده، افطار کند و بعد معلوم شود

مغرب نبوده، قضا لازم نیست.

نهم: برای خنک شدن یا بی جهت مضمضه کند؛ یعنی آب در دهان بگرداند و بی اختیار فرو رود، ولی اگر فراموش کند که روزه است و آب را فرو دهد یا برای وضو مضمضه کند و بی اختیار فرو رود، قضا براو واجب نیست.

دهم: روزه دار از جهت اکراه یا اضطرار یا تقيه، افطار کند که در این صورت لازم است قضا نماید و کفاره ندارد.

مسئله ۱۷۵۶. اگر غیر آب چیز دیگری را در دهان ببرد و بی اختیار فرو رود یا آب داخل بینی کند و بی اختیار فرو رود، قضا براو واجب نیست.

مسئله ۱۷۵۷. مضمضه زیاد برای روزه دار مکروه است و اگر بعد از مضمضه بخواهد آب دهان را فرو برد، بهتر است سه مرتبه آب دهان را بیرون بریزد.

مسئله ۱۷۵۸. اگر انسان بداند یا ایمن نباشد که به واسطه مضمضه، بی اختیار یا از روی فراموشی آب وارد گلویش می شود، نباید مضمضه کند.

مسئله ۱۷۵۹. اگر در ماه رمضان، بعد از تحقیق، یقین کند که صبح نشده و کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد، بعد معلوم شود صبح بوده، قضا لازم نیست.

مسئله ۱۷۶۰. اگر انسان شک کند که مغرب شده یا نه، نمی تواند افطار کند، ولی اگر شک کند که صبح شده یا نه، پیش از تحقیق هم می تواند کاری که روزه را باطل می کند انجام دهد.

✽ احکام دیگر روزه قضا

مسئله ۱۷۶۱. اگر کافر پیش از ظهر روز ماه رمضان مسلمان شود و کاری که روزه را باطل می کند انجام نداده باشد، احتیاط واجب آن است که آن روز را روزه بگیرد و اگر ترک نمود، قضا نماید و روزه های قبل قضا ندارد، ولی اگر مسلمانی کافر شود و دوباره مسلمان گردد، روزه های وقتی را که کافر بوده باید قضا نماید.

مسئله ۱۷۶۲. روزه ای که از انسان به واسطه مستی فوت شده، باید قضا نماید گرچه چیزی را که به واسطه آن مست شده، برای معالجه خورده باشد.

مسئله ۱۷۶۳. اگر برای عذری چند روز روزه نگیرد و بعد شک کند که چه وقت عذر

او برطرف شده، واجب نیست مقدار بیشتری را که احتمال می‌دهد روزه نگرفته، قضا نماید، مثلاً کسی که پیش از ماه رمضان مسافرت کرده و نمی‌داند پنجم رمضان از سفر برگشته یا ششم و یا اینکه مثلاً در اواخر ماه رمضان مسافرت کرده و بعد از رمضان برگشته و نمی‌داند که بیست و پنجم رمضان مسافرت کرده یا بیست و ششم؛ در هر دو صورت می‌تواند مقدار کمتر یعنی پنج روز را قضا کند، گرچه احتیاط مستحب آن است که مقدار بیشتری یعنی شش روز را قضا نماید.

مسئله ۱۷۶۴. اگر از چند ماه رمضان روزه قضا داشته باشد، قضای هر کدام را اول بگیرد مانعی ندارد. ولی اگر وقت قضای رمضان آخر تنگ باشد، مثلاً پنج روز از رمضان آخر قضا داشته باشد و پنج روز هم به رمضان مانده باشد، احتیاط واجب آن است که اول، قضای رمضان آخر را بگیرد.

مسئله ۱۷۶۵. اگر قضای روزه چند رمضان بر او واجب باشد و در نیت معین نکند که قضای سال آخر است، قضای آن سال حساب نمی‌شود و کفاره تأخیر آن از او ساقط نمی‌گردد.

مسئله ۱۷۶۶. کسی که قضای روزه رمضان را گرفته، اگر وقت قضای روزه او تنگ نباشد، می‌تواند پیش از ظهر روزه خود را باطل نماید.

مسئله ۱۷۶۷. اگر قضای روزه میتی را گرفته باشد، احتیاط مستحب آن است که بعد از ظهر روزه را باطل نکند.

✽ احکام روزه قضای پدر و مادر

مسئله ۱۷۶۸. بعد از فوت پدر و همچنین بنابر احتیاط واجب مادر، پسر بزرگ‌تر باید قضای نماز و روزه آنان را به تفصیلی که در مسئله «۱۴۴۱» گفته شد به جا آورد.

مسئله ۱۷۶۹. اگر پدر و مادر غیر از روزه رمضان، روزه واجب دیگری را مانند روزه نذر نگرفته باشند، احتیاط واجب آن است که پسر بزرگ‌تر قضا نماید، اما روزه استیجاری پدر که نگرفته است، بر پسر بزرگ واجب نیست.

✽ کفاره‌های روزه

✽ کفاره افطار عمدی

مسئله ۱۷۷۰. فردی که عمداً روزه خود را با ارتکاب یکی از موارد ذکرشده در مسئله «۱۷۵۳» و «۱۷۵۴» باطل کرده است، کفاره افطار عمدی روزه ماه مبارک رمضان براو واجب است.

مسئله ۱۷۷۱. کسی که کفاره افطار عمدی روزه رمضان براو واجب است، باید یک بنده آزاد کند^۱ یا به دستوری که در مسئله بعد گفته می شود دو ماه روزه بگیرد یا شصت فقیر را سیر کند یا به هر کدام یک مدّ، که تقریباً «۷۵۰» گرم است، طعام یعنی گندم یا جو و مانند این ها بدهد و چنانچه این ها برایش ممکن نباشد، هر مقدار می تواند صدقه به فقرا بدهد و استغفار کند و اگر از دادن صدقه هم ناتوان باشد، اکتفا به استغفار نماید، گرچه مثلاً یک مرتبه بگوید «أَسْتَغْفِرُ اللَّهَ» و احتیاط واجب آن است که هر وقت بتواند کفاره را بدهد.

مسئله ۱۷۷۲. کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، باید سی و یک روز آن را پی در پی بگیرد و اگر بقیه آن پی در پی نباشد، اشکال ندارد.

مسئله ۱۷۷۳. کسی که می خواهد دو ماه کفاره روزه رمضان را بگیرد، نباید موقعی شروع کند که در بین سی و یک روز، روزی باشد که مانند عید قربان، روزه آن حرام است.

مسئله ۱۷۷۴. کسی که باید پی در پی روزه بگیرد، اگر در بین آن بدون عذر، یک روز روزه نگیرد یا وقتی شروع کند که در بین آن به روزی برسد که روزه آن واجب است، مثلاً به روزی برسد که نذر کرده آن روز را روزه بگیرد، باید روزه ها را از سر بگیرد.

مسئله ۱۷۷۵. اگر در بین روزه هایی که باید پی در پی روزه بگیرد عذری مثل حیض یا نفاس یا سفری که در رفتن آن مجبور است، برای او پیش آید، بعد از برطرف شدن عذر واجب نیست روزه ها را از سر بگیرد بلکه بقیه را بعد از برطرف شدن عذر به جا می آورد.

مسئله ۱۷۷۶. اگر به چیز حرامی روزه خود را باطل کند، چه آن چیز اصلاً حرام باشد مثل شراب و زنا، چه به جهتی حرام شده باشد، مثل خوردن غذای حلالی که برای انسان ضرر معتنا بهی دارد و یا نزدیکی کردن با عیال خود در حال حیض، کفاره جمع بر او واجب می شود یعنی باید یک بنده آزاد کند و دو ماه روزه بگیرد و شصت فقیر را سیر

۱. که موضوع آن فعلاً منتفی است.

کند یا به هر کدام آنها یک مُدّ، که تقریباً «۷۵۰» گرم است، گندم یا جو یا نان و مانند این‌ها بدهد و چنانچه جمع هر سه برایش ممکن نباشد، هر کدام از آنها را که ممکن است باید انجام دهد.

مسئله ۱۷۷۷. اگر روزه‌دار دروغی را به خدا و پیغمبر ﷺ نسبت دهد بنابر احتیاط، کفاره جمع که تفصیل آن در مسئله پیش گفته شد براو لازم می‌شود.

مسئله ۱۷۷۸. اگر روزه‌دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه نزدیکی کند، یک کفاره بر او واجب است و اگر نزدیکی او حرام باشد، یک کفاره جمع واجب می‌شود.

مسئله ۱۷۷۹. اگر روزه‌دار در یک روز ماه رمضان چند مرتبه غیر نزدیکی کار دیگری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، برای همه آنها یک کفاره کافی است.

مسئله ۱۷۸۰. اگر روزه‌دار غیر از نزدیکی کار دیگری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد و بعد با حلال خود نزدیکی نماید، برای هر دو، یک کفاره واجب می‌شود.

مسئله ۱۷۸۱. اگر روزه‌دار غیر از نزدیکی کار دیگری که حلال است و روزه را باطل می‌کند، انجام دهد مثلاً آب بیاشامد و بعد کار دیگری که حرام است و روزه را باطل می‌کند غیر از نزدیکی انجام دهد، مثلاً غذای حرامی بخورد، یک کفاره کافی است.

مسئله ۱۷۸۲. اگر انسان نیت روزه رمضان را عمداً نداشته باشد و در روز کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، مثلاً چند مرتبه نزدیکی کند، یک کفاره کافی است و اگر نزدیکی او حرام باشد، یک کفاره جمع واجب می‌شود.

مسئله ۱۷۸۳. اگر روزه‌دار آروغ بزند و چیزی در دهانش بیاید، چنانچه آن را فرو ببرد، روزه‌اش باطل است و باید قضای آن را بگیرد و کفاره هم براو واجب می‌شود و اگر خوردن آن چیز حرام باشد، مثلاً موقع آروغ زدن، خون یا غذایی که از صورت غذا بودن خارج شده، به دهان او بیاید و عمداً آن را فرو برد، باید قضای آن روزه را بگیرد و در فرض فرو بردن خون، کفاره جمع هم واجب و در فرض دیگر، احتیاط واجب است.

مسئله ۱۷۸۴. کسی که می‌تواند وقت را تشخیص دهد، اگر به گفته کسی که می‌گوید مغرب شده و اعتماد به گفته او نیست، افطار کند و بعد بفهمد مغرب نبوده است، قضا و کفاره براو واجب می‌شود.

مسئله ۱۷۸۵. کسی که عمداً روزه خود را باطل کرده، اگر بعد از ظهر مسافرت کند یا

پیش از ظهر برای فرار از کفاره سفر نماید، کفاره از او ساقط نمی‌شود، بلکه اگر قبل از ظهر مسافرتی برای او پیش بیاید، بنابر احتیاط، کفاره بر او واجب است.

مسئله ۱۷۸۶. اگر عمداً روزه خود را باطل کند و بعد عذری مانند حیض یا نفاس یا بیماری برای او پیدا شود، بنابر احتیاط، کفاره بر او واجب می‌شود.

مسئله ۱۷۸۷. اگر یقین کند که روز اول ماه رمضان است و عمداً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود که آخر شعبان بوده، کفاره بر او واجب نیست.

مسئله ۱۷۸۸. اگر انسان شک کند که آخر رمضان است یا اول شوال و عمداً روزه خود را باطل کند، بعد معلوم شود اول شوال بوده، کفاره بر او واجب نیست.

مسئله ۱۷۸۹. اگر روزه‌دار در ماه رمضان با زن خود که روزه‌دار است نزدیکی کند، چنانچه زن را مجبور کرده باشد، کفاره روزه خودش و روزه زن را باید بدهد و اگر زن به نزدیکی راضی بوده، بر هر کدام یک کفاره واجب می‌شود.

مسئله ۱۷۸۹۰. اگر زنی شوهر روزه‌دار خود را مجبور کند که نزدیکی نماید یا کار دیگری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، واجب نیست کفاره روزه شوهر را بدهد.

مسئله ۱۷۹۱. اگر روزه‌دار در ماه رمضان زن خود را مجبور به نزدیکی کند و در بین نزدیکی، زن راضی شود، بنابر احتیاط واجب باید مرد، دو کفاره و زن یک کفاره بدهد.

مسئله ۱۷۹۲. اگر روزه‌دار در ماه رمضان با زن روزه‌دار خود که خواب است نزدیکی نماید، یک کفاره بر او واجب می‌شود و روزه زن صحیح است و کفاره هم بر او واجب نیست.

مسئله ۱۷۹۳. اگر مرد زن خود را مجبور کند که غیر نزدیکی کار دیگری که روزه را باطل می‌کند به جا آورد، کفاره زن را نباید بدهد و بر خود زن هم کفاره واجب نیست.

مسئله ۱۷۹۴. کسی که به واسطه مسافرت یا بیماری روزه نمی‌گیرد، نمی‌تواند زن روزه‌دار خود را مجبور به نزدیکی کند، ولی اگر او را مجبور کند، کفاره بر مرد نیز واجب نیست.

مسئله ۱۷۹۵. کسی که باید برای کفاره یک روز، شصت فقیر را طعام بدهد، اگر به شصت فقیر دسترسی دارد، نباید به هر کدام از آنها بیشتر از یک مُد، که تقریباً «۷۵۰» گرم است، طعام بدهد یا یک فقیر را بیشتر از یک مرتبه سیر نماید، ولی می‌تواند برای هریک از عیالات فقیر، گرچه صغیر باشند یک مُد به آن فقیر بدهد.

مسئله ۱۷۹۶. اگر نذر کند که روز معینی را روزه بگیرد، چنانچه در آن روز عمداً روزه

خود را باطل کند، باید یک بنده آزاد کند یا دو ماه پی درپی روزه بگیرد یا به شصت فقیر طعام دهد.

مسئله ۱۷۹۷. کسی که قضای روزه رمضان را گرفته، اگر بعد از ظهر عمداً کاری که روزه را باطل می‌کند انجام دهد، باید به ده فقیر هر کدام یک مُد، که تقریباً «۷۵۰» گرم است، طعام بدهد و اگر نمی‌تواند سه روز روزه بگیرد.

✽ کفاره عذر

مسئله ۱۷۹۸. اگر به واسطه بیماری ای روزه رمضان را نگیرد و بیماری او تا رمضان سال بعد طول بکشد، قضای روزه‌هایی را که نگرفته برای او واجب نیست و باید برای هر روز یک مُد، که تقریباً «۷۵۰» گرم است، طعام یعنی گندم یا جو و مانند این‌ها به فقیر بدهد و کفاره مذکور، «کفاره عذر» نامیده می‌شود.

مسئله ۱۷۹۹. اگر به واسطه عذری غیر از بیماری، مثلاً برای مسافرت، روزه نگرفته باشد و عذر او تا رمضان بعد باقی بماند، روزه‌هایی را که نگرفته، باید قضا کند و بنا بر احتیاط واجب برای هر روز یک مُد طعام هم به فقیر بدهد.

مسئله ۱۸۰۰. اگر به واسطه بیماری، روزه رمضان را نگیرد و بعد از رمضان، بیماری او برطرف شود ولی عذر دیگری پیدا کند که نتواند تا رمضان بعد قضای روزه را بگیرد، باید روزه‌هایی را که نگرفته، قضا نماید و اگر در ماه رمضان، غیر بیماری عذر دیگری داشته باشد و بعد از رمضان، آن عذر برطرف شود و تا رمضان سال بعد به واسطه بیماری نتواند روزه بگیرد، بنا بر احتیاط واجب روزه‌هایی را که نگرفته قضا کند و برای هر روز یک مُد طعام نیز به فقیر بدهد.

مسئله ۱۸۰۱. اگر بیماری انسان چند سال طول بکشد، بعد از آنکه خوب شد، باید قضای رمضان آخر را بگیرد و برای هر روز از سال‌های پیش، یک مُد گندم یا جو و مانند این‌ها به فقیر بدهد.

✽ کفاره تأخیر

مسئله ۱۸۰۲. اگر در ماه رمضان به واسطه عذری روزه نگیرد و بعد از رمضان، عذر او

برطرف شود و تا رمضان آینده عمداً قضای روزه را نگیرد، باید روزه را قضا کند و برای هر روز یک مُدّ گندم یا جو و مانند این‌ها هم به فقیر بدهد و کفاره مذکور که بابت تأخیر در انجام روزه قضا است، «کفاره تأخیر» نامیده می‌شود.

مسئله ۱۸۰۳. اگر در قضای روزه کوتاهی کند تا وقت تنگ شود و در تنگی وقت عذری پیدا کند که پیش از ماه مبارک نتواند قضا کند، باید قضا را بعد بگیرد و برای هر روز یک مُدّ گندم یا جو و مانند این‌ها به فقیر بدهد، هرچند وقتی که عذر دارد، تصمیم داشته باشد که بعد از برطرف شدن عذر، روزه‌های خود را قضا کند.

مسئله ۱۸۰۴. اگر قضای روزه رمضان را چند سال تأخیر بیندازد، باید قضا را بگیرد و برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهد.

مسئله ۱۸۰۵. اگر روزه رمضان را عمدتاً نگیرد، علاوه بر کفاره عمد باید قضای آن را به جا آورد و چنانچه تا رمضان آینده، قضای آن روزه را به جا نیاورد، برای هر روز، دادن یک مُدّ طعام هم بابت تأخیر به فقیر لازم است.

✽ احکام دیگر کفاره روزه

مسئله ۱۸۰۶. انسان نباید در به جا آوردن کفاره کوتاهی کند، ولی لازم نیست فوراً آن را انجام دهد.

مسئله ۱۸۰۷. اگر کفاره بر انسان واجب شود و چند سال آن را به جا نیاورد، چیزی بر آن اضافه نمی‌شود.

مسئله ۱۸۰۸. کسی که باید برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهد، می‌تواند کفاره چند روز را به یک فقیر بدهد.

✽ احکام روزه مسافر

مسئله ۱۸۰۹. مسافری که باید نمازهای چهار رکعتی را در سفر دو رکعت بخواند، نباید روزه بگیرد و مسافری که نمازش را تمام می‌خواند، مثل کسی که شغلش مسافرت است یا سفر او، سفر معصیت است، باید در سفر روزه بگیرد.

مسئله ۱۸۱۰. مسافرت در ماه رمضان اشکال ندارد ولی مکروه است، خصوصاً اگر برای فرار از روزه باشد که کراهت آن بیشتر خواهد بود.

مسئله ۱۸۱۱. اگر غیر روزه رمضان، روزه معین دیگری بر انسان واجب باشد مثلاً نذر کرده باشد روز معینی را روزه بگیرد، بنا بر احتیاط مستحب تا وقتی ناچار نشود، در آن روز مسافرت نکند و اگر در سفر باشد چنانچه ممکن است بنا بر احتیاط مستحب قصد کند که ده روز در جایی بماند و آن روز را روزه بگیرد.

مسئله ۱۸۱۲. اگر نذر کند روزه بگیرد و روز آن را معین نکند، نمی تواند آن را در سفر به جا آورد. ولی چنانچه نذر کند که روز معینی را در سفر روزه بگیرد، باید آن را در سفر به جا آورد و نیز اگر نذر کند روز معینی را چه مسافر باشد چه نباشد، روزه بگیرد، باید آن روز را گرچه مسافر باشد روزه بگیرد.

مسئله ۱۸۱۳. مسافر می تواند برای خواستن حاجت، سه روز در مدینه طیبه روزه مستحبی بگیرد.

مسئله ۱۸۱۴. کسی که نمی داند روزه مسافر باطل است، اگر در سفر روزه بگیرد و در بین روز مسئله را بفهمد، روزه اش باطل می شود و اگر تا مغرب نفهمد، روزه اش صحیح است. مسئله ۱۸۱۵. اگر فراموش کند که مسافر است یا فراموش کند که روزه مسافر باطل می باشد و در سفر روزه بگیرد، روزه او باطل است.

مسئله ۱۸۱۶. اگر روزه دار بعد از ظهر مسافرت نماید، باید روزه خود را تمام کند و در صورتی که شب نیت سفر کرده باشد، احتیاط مستحب آن است که قضای آن را به جا آورد و اگر پیش از ظهر مسافرت کند، وقتی به حدّ ترخص برسد؛ یعنی به جایی برسد که دیوار شهر را نبیند و صدای اذان آن را نشنود، باید نیت روزه نداشته باشد و اگر از شب، قصد سفر نکرده باشد، احتیاط مستحب اتمام روزه و قضای آن است.

مسئله ۱۸۱۷. اگر مسافر پیش از ظهر به وطنش برسد یا به جایی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند، چنانچه کاری که روزه را باطل می کند انجام ندهد، باید آن روز را روزه بگیرد و اگر انجام داده نمی تواند آن روز را روزه بگیرد.

مسئله ۱۸۱۸. اگر مسافر بعد از ظهر به وطنش برسد یا به جایی برسد که می خواهد ده روز در آنجا بماند، نباید آن روز را روزه بگیرد.

مسئله ۱۸۱۹. مسافر و کسی که برای روزه گرفتن عذر دارد، مکروه است در روز ماه رمضان نزدیکی نماید و در خوردن و آشامیدن کاملاً خود را سیر کند.

❁ کسانی که روزه بر آنها واجب نیست

مسئله ۱۸۲۰. کسی که به واسطهٔ پیری نمی تواند روزه بگیرد یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست ولی در صورت دوم باید برای هر روز یک مُدّ گندم یا جو و مانند این ها به فقیر بدهد، بلکه در صورت اول نیز بنا بر احتیاط لازم یک مُدّ طعام بدهد.

مسئله ۱۸۲۱. کسی که به واسطهٔ پیری روزه نگرفته، اگر بعد از ماه رمضان بتواند روزه بگیرد، قضای روزه هایی را که نگرفته بنا بر احتیاط مستحب به جا آورد.

مسئله ۱۸۲۲. اگر انسان مرضی دارد که زیاد تشنه می شود و نمی تواند تشنگی را تحمل کند یا برای او مشقت دارد، روزه بر او واجب نیست، ولی در صورت دوم و بلکه در صورت اول هم بنا بر احتیاط لازم باید برای هر روز یک مُدّ گندم یا جو و مانند این ها به فقیر بدهد. و احتیاط مستحب آن است که بیشتر از مقداری که ناچار است آب نیاشامد و چنانچه بعد بتواند روزه بگیرد، روزه هایی را که نگرفته قضا نماید.

مسئله ۱۸۲۳. زنی که زایمان او نزدیک است و روزه برای خودش یا برای حملش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و در صورت دوم باید برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهد و نیز روزه هایی را که نگرفته، قضا نماید.

مسئله ۱۸۲۴. زنی که بچه شیر می دهد و شیر او کم است، چه مادر بچه باشد چه دایهٔ او و چه بی اجرت شیر دهد، اگر روزه برای بچه یا برای خودش ضرر دارد، روزه بر او واجب نیست و در هر دو صورت روزه هایی را که نگرفته باید قضا نماید و نیز اگر روزه برای بچه ضرر دارد برای هر روز یک مُدّ طعام به فقیر بدهد ولی اگر کسی پیدا شود که بی اجرت بچه را شیر دهد یا برای شیر دادن بچه از پدر یا مادر بچه یا از کسی دیگر که اجرت او را بدهد، اجرت بگیرد، احتیاط واجب آن است که بچه را به او بدهد و روزه بگیرد.

❁ اقسام روزه

مسئله ۱۸۲۵. روزه بر چهار قسم می باشد:

الف: روزه واجب؛

ب: روزه مستحب؛

ج: روزه حرام؛

د: روزه مکروه.

❁ روزه های واجب

مسئله ۱۸۲۶. روزه های واجب عبارتند از:

(۱) روزه ماه رمضان؛

(۲) روزه قضا؛

(۳) روزه كفاره؛

(۴) روزه ای که به سبب نذر یا عهد یا قسم واجب شده است.

(۵) روزه ای که به سبب اجیر شدن یا شرط ضمن عقد واجب شده است.

(۶) روزه در عوض قربانی در حج تمتع؛

(۷) روزه روز سوم ایام اعتکاف؛

(۸) روزه ای که باید برای میت قضا شود.

❁ روزه های مستحب

مسئله ۱۸۲۷. روزه تمام روزه های سال غیر از روزه های حرام و مکروه که گفته شد،

مستحب است و برای بعضی از روزها بیشتر سفارش شده است که از آن جمله است:

(۱) روز مبعث حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، (۲۷ رجب)؛

(۲) عید سعید غدیر (۱۸ ذی حجه)؛

(۳) روز میلاد مسعود پیغمبر اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، (۱۷ ربیع الاول)؛

(۴) روز دحو الارض (۲۵ ذیقعه)؛

روزه در چهار روز فوق در فضیلت ممتاز است و ثواب بسیار دارد.

(۵) پنجشنبه اول و پنجشنبه آخر هر ماه و چهارشنبه اولی که بعد از روز دهم ماه است. اگر کسی این‌ها را به‌جا نیاورد، مستحب است قضا نماید و چنانچه اصلاً نتواند روزه بگیرد، مستحب است برای هر روز یک مُد طعام یا ۱۲/۶ نخود نقره به فقیر بدهد.

(۶) روز سیزدهم و چهاردهم و پانزدهم هر ماه؛

(۷) تمام ماه رجب و شعبان و بعضی از این دو ماه گرچه یک روز باشد؛

(۸) روز عید نوروز؛

(۹) روز پانزدهم جمادی‌الاولی؛

(۱۰) روز چهارم تا نهم شوال؛

(۱۱) روز بیست و پنجم و بیست و نهم ذی‌قعدة؛

(۱۲) روز اول تا روز نهم ذی‌حجه (روز عرفه)؛ ولی اگر به واسطه ضعف روزه نتواند دعا‌های روز عرفه را بخواند، روزه آن روز، مکروه است.

(۱۳) روز مباهله (۲۴ ذی‌حجه)؛

(۱۴) روز اول و سوم و هفتم محرم.

مسئله ۱۸۲۸. اگر کسی روزه مستحبی بگیرد، واجب نیست آن را به آخر برساند، بلکه اگر برادر مؤمنش او را به غذا دعوت کند، مستحب است دعوت او را قبول کند و در بین روز افطار نماید.

✽ روزه‌های حرام

مسئله ۱۸۲۹. بعضی از روزه‌های حرام عبارتند از:

(۱) روزه عید فطر و قربان حرام است.

(۲) روزی را که انسان نمی‌داند آخر شعبان است یا اول رمضان، اگر به نیت اول رمضان روزه بگیرد، حرام می‌باشد.

(۳) اگر به واسطه گرفتن روزه مستحبی، حق شوهرش از بین برود، روزه برزن حرام است و احتیاط مستحب آن است که اگر حق شوهر هم از بین نرود، بدون اجازه او روزه مستحبی نگیرد.

- ۴) روزه مستحبی فرزند، اگر باعث اذیت پدر یا مادر شود، با نهی آنان حرام است، بلکه اگر از آن نهی نکنند ولی سبب اذیت آنان شود یا جدّ (پدر پدر) نهی کند و روزه سبب اذیت او شود، بنابر احتیاط واجب، روزه اولاد جایز نیست.
- ۵) اگر پسر بدون اجازه پدر، روزه مستحبی بگیرد و در بین روز پدر، او را نهی کند اگر به خاطر مخالفت فرزند، پدر اذیت می شود، پسر باید افطار نماید.
- ۶) کسی که یقین یا گمان دارد که روزه برایش ضرر دارد، گرچه دکتر بگوید ضرر ندارد، باید روزه نگیرد.
- ۷) اگر انسان احتمال بدهد که روزه برایش ضرر دارد و از آن احتمال، ترس برای او پیدا شود چنانچه احتمال او در نظر مردم به جا باشد، نباید روزه بگیرد. غیر از روزه‌هایی که گفته شد، روزه‌های حرام دیگری هم هست که در کتاب‌های مفصل گفته شده است.

✽ روزه‌های مکروه

مسئله ۱۸۳۰. بعضی از روزه‌های مکروه از این قرار می باشد:

- ۱) روزه روز عاشورا؛
- ۲) روزه روزی که انسان شک دارد روز عرفه است یا عید قربان، مکروه است.
- ۳) روزه روز عرفه، اگر به واسطه ضعف روزه نتواند دعا‌های روز عرفه را بخواند.

✽ چند حکم متفرقه روزه

مسئله ۱۸۳۱. برای شش نفر مستحب است در ماه رمضان، گرچه روزه نیستند از کاری که روزه را باطل می کند، خودداری نمایند:

- اول: مسافری که در سفر، کاری که روزه را باطل می کند انجام داده باشد و پیش از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز در آنجا بماند برسد.
- دوم: مسافری که بعد از ظهر به وطنش یا به جایی که می خواهد ده روز در آنجا بماند برسد.
- سوم: بیماری که پیش از ظهر خوب شود و کاری که روزه را باطل می کند،

انجام داده باشد.

چهارم: بیماری که بعد از ظهر خوب شود.

پنجم: زنی که در بین روز از خون حیض یا نفاس پاک شود.

ششم: کافری که بعد از ظهر مسلمان شود یا پیش از ظهر مسلمان شود و پیش از مسلمان شدن، مفطر به جا آورده باشد.

مسئله ۱۸۳۲. مستحب است روزه دار نماز مغرب و عشا را پیش از افطار کردن بخواند. ولی اگر کسی منتظر اوست یا میل زیادی به غذا دارد که نمی تواند با حضور قلب نماز بخواند، بهتر است اول افطار کند ولی به قدری که ممکن است نماز را در وقت فضیلت آن به جا آورد.

❁ راه های ثابت شدن اول ماه

مسئله ۱۸۳۳. اول ماه به پنج چیز ثابت می شود:

اول: خود انسان ماه را ببیند.

دوم: عده ای که از گفته آنان یقین یا اطمینان پیدا می شود، بگویند ماه را دیده ایم و همچنین است هر چیزی که به واسطه آن یقین پیدا شود.

سوم: دو مرد عادل بگویند که در شب ماه را دیده ایم به شرط اینکه ماه را برخلاف هم توصیف نکنند و قول آنها قابل تصدیق باشد؛ پس اگر برخلاف هم ماه را توصیف کنند یا هوا ابر باشد و یا اگر آسمان صاف باشد هیچ کس غیر از آن دو نفر نبیند، کفایت نمی کند.

چهارم: سی روز از اول ماه شعبان بگذرد که به واسطه آن، اول ماه رمضان ثابت می شود و سی روز از اول رمضان بگذرد که به واسطه آن، اول ماه شوال ثابت می شود.

پنجم: حاکم شرع حکم کند که اول ماه است.

مسئله ۱۸۳۴. اگر حاکم شرع حکم کند که اول ماه است، کسی هم که از او تقلید نمی کند، باید به حکم او عمل نماید. ولی کسی که می داند حاکم شرع اشتباه کرده، نمی تواند به حکم او عمل نماید.

مسئله ۱۸۳۵. اول ماه با پیشگویی منجمان ثابت نمی شود، ولی اگر انسان از گفته آنان یقین پیدا کند، باید به آن عمل نماید.

مسئله ۱۸۳۶. بلند بودن ماه یا دیر غروب کردن آن، دلیل نمی شود که شب پیش، شب اول ماه بوده باشد.

مسئله ۱۸۳۷. اگر اول ماه رمضان برای کسی ثابت نشود و روزه نگیرد، چنانچه دو مرد عادل بگویند که شب پیش ماه را دیده ایم، باید روزه آن روز را قضا نماید.

مسئله ۱۸۳۸. اگر در شهری اول ماه ثابت شود، برای مردم شهر دیگر فایده ندارد، مگر آن دو شهر با هم نزدیک باشند یا انسان بداند که افق آنها یکی است یا آن شهر در غرب شهری باشد که ماه در آن دیده شده، مثل اینکه اول ماه در زاهدان ثابت شود مسلماً برای کسانی که در تهران هستند کافی است ولی عکس آن کفایت نمی کند.

مسئله ۱۸۳۹. روزی را که انسان نمی داند آخر رمضان است یا اول سؤال، باید روزه بگیرد. ولی اگر پیش از مغرب بفهمد که اول سؤال است، باید افطار کند.

احکام خمس

❖ موارد خمس

مسئله ۱۸۳۴۰. در هفت چیز خمس واجب می شود:

اول: منفعت کسب؛

دوم: معدن؛

سوم: گنج؛

چهارم: مال حلال مخلوط به حرام؛

پنجم: جواهری که به واسطه غواصی یعنی فرو رفتن در دریا به دست می آید.

ششم: غنیمت جنگ؛

هفتم: زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد.

و احکام این ها مفصلاً گفته خواهد شد.

❖ (۱) منفعت کسب و غیر کسب

مسئله ۱۸۴۱. هرگاه انسان از تجارت یا صنعت یا کسب های دیگر مالی به دست آورد، گرچه مثلاً نماز و روزه میتی را به جا آورد و از اجرت آن، مالی تهیه کند، چنانچه از مخارج سال خود او و عیالاتش زیاد بیاید، باید خمس، یعنی یک پنجم آن را به دستوری که بعداً گفته می شود بدهد.

مسئله ۱۸۴۲. اگر از غیر کسب، مالی به دست آورد، مثلاً چیزی طبق وصیت به او بدهند یا ببخشند یا هدیه کنند یا جایزه دهند، اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۴۳. مهري را که زن می‌گیرد و مالی را که مرد عوض طلاق خلع، می‌گیرد، خمس ندارد. و همچنین است ارثی که به انسان می‌رسد، ولی اگر مثلاً با کسی خویشاوندی دوری داشته باشد و نداند چنین خویشی دارد، احتیاط واجب آن است خمس ارثی را که از او می‌برد، اگر از مخارج سالش زیاد بیاید، بدهد.

مسئله ۱۸۴۴. اگر مالی به ارث به او برسد و بداند کسی که این مال از او به ارث رسیده، خمس آن را نداده، باید خمس آن را بدهد و نیز اگر در خود آن مال، خمس نباشد ولی ورثه بدانند کسی که آن مال از او به ارث رسیده، خمس بدهکار است، باید خمس را از مال او بدهند.

مسئله ۱۸۴۵. اگر به واسطه قناعت کردن یا سخت گرفتن بر خود یا خانواده‌اش، چیزی از مخارج سال انسان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۴۶. کسی که دیگری تمام مخارج زندگی او را می‌دهد مانند همسر یا فرزند، در صورتی که خود نیز منبع درآمد داشته باشد، باید خمس تمام مالی را که به دست می‌آورد، بدهد.

مسئله ۱۸۴۷. چیزهایی که زکات به آنها تعلق می‌گیرد که در مسئله «۱۹۵۱» ذکر می‌شود، اگر بعد از دادن زکات آنها، از مخارج سال زیاد بیاید، باید خمس آنها را بدهد.

مسئله ۱۸۴۸. اگر ملکی را بر افراد معینی مثلاً بر فرزندان خود وقف نماید، چنانچه در آن ملک، زراعت و درختکاری کنند و از آن، چیزی به دست آورند و از مخارج سال آنان زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهند، بلکه اگر طور دیگری هم از آن ملک نفع ببرند مثلاً اجاره آن را بگیرند، باید خمس مقداری را که از مخارج سالشان زیاد می‌آید، بدهند.

مسئله ۱۸۴۹. اگر مالی را که فقیر بابت خمس و زکات و صدقه مستحبی گرفته، از مخارج سالش زیاد بیاید، بنابر احتیاط واجب خمس آن را بدهد و اگر از مالی که به او بابت خمس و زکات و صدقه داده‌اند، منفعتی ببرد مثلاً از درختی که بابت خمس به او داده‌اند میوه‌ای به دست آورد و از مخارج سالش زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۵۰. اگر با عین پول خمس نداده، کالایی بخرد یعنی به فروشنده بگوید این جنس را به این پول می‌خرم، چنانچه حاکم شرع معامله پنج‌یک آن را اجازه بدهد،

معامله آن مقدار صحیح است و انسان باید پنج یک جنسی را که خریده به حاکم شرع بدهد و اگر اجازه ندهد، معامله آن مقدار باطل است. پس اگر پولی را که فروشنده گرفته، از بین نرفته، حاکم شرع خمس همان پول را می‌گیرد و اگر از بین رفته، عوض خمس را از فروشنده یا خریدار مطالبه می‌کند.

مسئله ۱۸۵۱. اگر کالایی را بخرد و بعد از معامله، قیمت آن را از پول خمس نداده بدهد، معامله‌ای که کرده صحیح است ولی چون از پولی که خمس در آن است به فروشنده داده، به مقدار یک پنجم از آن پول به فروشنده مدیون است و پولی را که به فروشنده داده، اگر از بین نرفته، حاکم شرع پنج یک همان را می‌گیرد و اگر از بین رفته، عوض آن را از خریدار یا فروشنده مطالبه می‌کند.

مسئله ۱۸۵۲. اگر مالی را که خمس آن داده نشده، بخرد چنانچه حاکم شرع معامله پنج یک آن را اجازه ندهد، معامله آن مقدار باطل است و حاکم شرع می‌تواند پنج یک آن مال را بگیرد و اگر اجازه بدهد، معامله صحیح است و خریدار باید مقدار یک پنجم پول آن را به حاکم شرع بدهد و اگر به فروشنده داده، می‌تواند از او پس بگیرد.

مسئله ۱۸۵۳. اگر چیزی را که خمس آن داده نشده، به کسی ببخشند، یک پنجم آن چیز مال او نمی‌شود.

مسئله ۱۸۵۴. اگر از کافریا کسی که به دادن خمس عقیده ندارد، مالی به دست انسان آید، واجب نیست خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۵۵. تاجرو کاسب و صنعتگرو مانند این‌ها اگر از وقتی که اولین فایده را پیدا می‌کند و نیز کارمند از وقتی که اولین حقوق به دستش می‌رسد، یک سال بگذرد، باید خمس آنچه را که از خرج سالشان زیاد می‌آید بدهند و کسی که شغلش کاسبی نیست اگر اتفاقاً منفعتی ببرد بعد از آنکه یک سال از موقعی که فایده برده، بگذرد، باید خمس مقداری را که از خرج سالش زیاد آمده بدهد.

مسئله ۱۸۵۶. انسان می‌تواند در بین سال هروقت منفعتی به دستش آید، خمس آن را بدهد و جایز است دادن خمس را تا آخر سال تأخیر بیندازد و اگر برای دادن خمس، سال شمسی قرار دهد، مانعی ندارد.

مسئله ۱۸۵۷. کسی که مانند تاجرو کاسب باید برای دادن خمس، سال قرار دهد، اگر منفعتی به دست آورد و در بین سال بمیرد، باید مخارج تا موقع مرگش را از آن منفعت، کم کنند و خمس باقی مانده را بدهند.

مسئله ۱۸۵۸. اگر قیمت جنسی که برای تجارت خریده، بالا رود و آن را بفروشد و در بین سال قیمتش پایین آید، خمس مقداری که بالا رفته بر او واجب نیست.

مسئله ۱۸۵۹. اگر قیمت جنسی را که برای تجارت خریده، بالا رود و به امید اینکه قیمت آن بالاتر رود، تا بعد از تمام شدن سال آن را بفروشد و قیمتش پایین آید، خمس مقداری که بالا رفته بر او واجب نیست، بلکه به همان نسبتی که مقدار خمس به مجموع اصل و سود داشته، باید از عین یا قیمت روز ادا بپردازد. مثلاً اگر از سرمایه خمس داده، جنسی را به هزار تومان خرید و سر سال قیمت آن جنس شش هزار تومان شد، یک ششم آن جنس، که هزار تومان است، خمس آن می شود که اگر نپرداخت و قیمت آن در سال بعد هم افزایش یافت، سپس کاهش پیدا کرد مثلاً به همان هزار تومان اول رسید، باید شش یک هزار تومانی که قیمت روز ادا است بپردازد. بله، اگر در حین افزایش قیمت، عین در دست او تلف شده باشد و بعد کاهش قیمت پیدا کرده باشد و بدون عذر در ادای خمس آن تأخیر کرده باشد، خمس افزایش قیمت را تا روز تلف، ضامن است.

مسئله ۱۸۶۰. اگر غیر مال التجاره مالی داشته باشد که خمسش را داده یا خمس ندارد، چنانچه قیمتش بالا رود، اگر آن را بفروشد، مقداری که بر قیمتش اضافه شده، ربح سال فروش محسوب می شود که اگر از مخارج سالش زیادتر بیاید، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۶۱. اگر باغی احداث کند برای آنکه بعد از بالا رفتن قیمتش آن را بفروشد، باید بعد از باغ شدن، خمس درخت ها با رشدی که کرده اند و میوه و زیاده قیمت باغ را بدهد، ولی اگر باغ را فقط برای میوه خوردن خود و عائله خود احداث کند، چنانچه در بعضی از روستاها مورد حاجت است و جزء مخارج زندگی محسوب می شود، باغ و نمون، هیچ کدام خمس ندارد و اگر برای اینکه میوه آن را بفروشد و از قیمت آن استفاده کند، آن را احداث کرده، حکم سرمایه دارد و خمس آن واجب است؛ به این

معنا که پس از آنکه باغ شد و درخت‌هایش به حد کمال رسید، اگر زمین آن خمس نداشته، باید خمس درخت‌ها و میوه‌ها را به قیمت روز بدهد.

مسئله ۱۸۶۲. اگر درخت بید و چنار و مانند این‌ها را بکارد، سالی که موقع فروش آنها است گرچه آنها را نفروشد، باید خمس آنها را بدهد ولی اگر مثلاً از شاخه‌های آن، که معمولاً هر سال می‌بُزند، استفاده‌ای ببرد و به تنهایی یا با منفعت‌های دیگر کسبش از مخارج سال او زیاد بیاید، در آخر هر سال باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۶۳. کسی که چند رشته کسب دارد مثلاً آجاره ملک می‌گیرد و خرید و فروش و زراعت هم می‌کند، باید خمس آنچه را در آخر سال از مخارج او زیاد می‌آید، بدهد؛ یعنی پس از کم کردن مخارج زندگی از مجموع درآمدها، باید خمس باقی مانده را بدهد. و چنانچه از یک رشته نفع ببرد و از رشته دیگر ضرر کند، بنا بر احتیاط واجب باید خمس نفعی را که برده بدهد، ولی اگر دو تجارت داشته باشد، می‌تواند ضرریکی را با نفع دیگری جبران نماید.

مسئله ۱۸۶۴. خرج‌هایی را که انسان برای به دست آوردن فایده می‌کند مانند دلالی و حمل و نقل که عینش یا عوضش باقی نمی‌ماند، جزء مخارج کسب است که می‌توان از درآمد کسب پرداخت کرد و خمس ندارد.

مسئله ۱۸۶۵. آنچه از منافع کسب در بین سال به مصرف خوراک و پوشاک و اثاثیه و خرید منزل و عروسی و جهیزیۀ دختر (اگر در وقتی تهیه شود که معمولاً به تهیه آن نیاز است) و زیارت و مانند این‌ها می‌رساند، در صورتی که از شأن او زیاد نباشد و زیاده روی هم نکرده باشد، خمس ندارد.

مسئله ۱۸۶۶. مالی را که انسان به مصرف نذر و کفاره می‌رساند، جزء مخارج سالیانه است و نیز مالی را که به کسی می‌بخشد یا جایزه می‌دهد، در صورتی که از شأن او زیاد نباشد، از مخارج سالیانه حساب می‌شود.

مسئله ۱۸۶۷. اگر انسان در شهری باشد که معمولاً هر سال مقداری از جهیزیۀ دختر را تهیه می‌کنند و تهیه آن، مورد حاجت باشد، چنانچه در بین سال از منافع آن سال جهیزیۀ بخرد، لازم نیست خمس آن را بدهد و اگر از منافع آن سال در سال بعد جهیزیۀ تهیه نماید باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۶۸. هزینه سفر حج و زیارت‌های دیگر اگر از درآمد همان سال باشد خمس ندارد و اگر ناچار باشد از چند سال قبل ثبت نام کند و هزینه را بدهد، جزء مخارج همان سالش محسوب می‌شود و خمس ندارد.

مسئله ۱۸۶۹. کسی که از کسب و تجارت فایده‌ای برده، اگر مال دیگری هم دارد که خمس آن واجب نیست، می‌تواند مخارج سال خود را فقط از فایده کسب حساب کند.

مسئله ۱۸۷۰. اگر آذوقه‌ای که برای مصرف سالش خریده، در آخر سال زیاد بیاید، باید خمس آن را بدهد و چنانچه بخواهد قیمت آن را بدهد، در صورتی که قیمتش از وقتی که خریده زیاد شده باشد، باید قیمت آخر سال را حساب کند.

مسئله ۱۸۷۱. اگر از منفعت کسب، پیش از دادن خمس، اثاثیه‌ای برای منزل بخرد و در بین همان سال، نیازش به آن برطرف شود؛ خمس آن را بنا بر احتیاط بدهد و همچنین است زیورآلات زنانه، ولی اگر در سال‌های بعد، نیازش به آنها برطرف شود، رعایت این احتیاط لازم نیست.

مسئله ۱۸۷۲. اگر در یک سال منفعتی نبرد، نمی‌تواند مخارج آن سال را از منفعتی که در سال بعد می‌برد، کسر نماید.

مسئله ۱۸۷۳. اگر در اول سال منفعتی نبرد و از سرمایه خرج کند و پیش از تمام شدن سال، منفعتی به دستش آید، می‌تواند مقداری را که از سرمایه برداشته، از منافع کسر کند.

مسئله ۱۸۷۴. اگر مقداری از سرمایه یک رشته کسب با تلف یا ضرر در معامله، بدون تقصیر کم شود یا از بین برود و از باقی مانده آن رشته، منفعی ببرد که از خرج سالش زیاد بیاید، می‌تواند مقداری را که از سرمایه کم شده، از آن منافع بردارد.

مسئله ۱۸۷۵. اگر غیر از سرمایه چیز دیگری از مال‌های او از بین برود، نمی‌تواند از منفعتی که به دستش می‌آید آن چیز را تهیه کند، مگر در همان سال به آن چیز احتیاج داشته باشد، که می‌تواند در بین سال از منافع کسب، آن را تهیه نماید.

مسئله ۱۸۷۶. اگر در اول سال برای مخارج خود قرض کند و پیش از تمام شدن سال منفعتی ببرد، می‌تواند مقدار قرض خود را از آن منفعت کسر نماید.

مسئله ۱۸۷۷. اگر در تمام سال منفعتی نبرد و برای مخارج خود قرض کند، می‌تواند از منافع سال‌های بعد، قرض خود را ادا نماید.

مسئله ۱۸۷۸. اگر برای زیاد کردن مال یا خریدن ملکی که به آن احتیاج ندارد، قرض کند و از منافع کسب، قرض را بپردازد، در آخر سال باید خمس آن را بدهد ولی اگر مالی را که قرض کرده و یا چیزی را که از قرض خریده از بین برود، می تواند از منافع کسب، قرض را ادا نماید.

مسئله ۱۸۷۹. انسان می تواند خمس هر چیزی را از همان چیز بدهد یا به مقدار قیمت خمس که بدهکار است، پول بدهد، هر چند کفایت دادن جنس دیگر نیز بعید نیست لکن احتیاط واجب، اجازه گرفتن از حاکم شرع یا وکیل اوست.

مسئله ۱۸۸۰. بعد از تمام شدن سال و مستقر شدن خمس، تصرف در مالی که خمس آن واجب شده، بدون اجازه حاکم شرع جایز نیست.

مسئله ۱۸۸۱. کسی که خمس بدهکار است، نمی تواند آن را به ذمه بگیرد یعنی خود را بدهکار اهل خمس بداند و در تمام مال تصرف کند و چنانچه تصرف کند و آن مال تلف شود، باید بدهکاری خمس آن را ادا کند.

مسئله ۱۸۸۲. کسی که خمس بدهکار است، اگر با اجازه حاکم شرع خمس را به ذمه بگیرد که بعد ادا نماید، می تواند در تمام مال تصرف نماید و منفعی که از آن به دست می آید مال خود اوست.

مسئله ۱۸۸۳. کسی که با دیگری شریک است، اگر خمس منافع خود را بدهد و شریک او ندهد و در سال بعد، از مالی که خمسش را نداده برای سرمایه شرکت بگذارد، هیچ کدام نمی توانند در آن تصرف کنند، مگر آنکه از مجتهد اجازه بگیرد.

مسئله ۱۸۸۴. اگر بچه صغیر سرمایه ای داشته باشد و از آن منفعی به دست آید، ولی او می تواند پیش از بلوغ او، خمس آن را بدهد و اگر بعد از تمام شدن سال، خمس را ندهد نمی تواند در آن مال تصرف نماید و در این صورت بر خود صغیر واجب است بعد از آنکه بالغ شد، خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۸۵. انسان نمی تواند در مال دیگران که یقین دارد خمسش را نداده اند، تصرف کند، اما در مالی که شک دارد خمس آن را داده اند یا نه، می تواند تصرف کند.

مسئله ۱۸۸۶. کسی که از اول تکلیف خمس نداده، اگر ملکی بخرد و قیمت آن بالا رود،

چنانچه آن ملک را برای آن نخريده که قيمتش بالا رود و بفروشد (مثلاً زمینی را برای زراعت خريده است) در صورتی که آن را به ذمه خريده و از پول خمس نداده، قيمت آن را داده، بايد خمس قيمتی را که خريده بدهد. ولی اگر به عین خريده مثلاً پول خمس نداده را به فروشنده داده و به او گفته این ملک را به این پول می خرم، در صورتی که حاکم شرع معامله یک پنجم آن را اجازه بدهد، خريدار بايد خمس مقداری را که آن ملک ارزش دارد بدهد.

مسئله ۱۸۸۷. سرمایه در گردش را هر سال بايد به قيمت روز محاسبه کرد و خمس افزايش آن را پرداخت نمود. مثلاً پارچه فروش قيمت پارچه های موجود و خواربار فروش، قيمت اجناس موجود و کسی که ماشین یا زمین خريد و فروش می کند، قيمت ماشین یا زمین موجود را محاسبه کند و خمس آن را به ضميمه خمس سرمایه نقد خود پردازد.

مسئله ۱۸۸۸. افزايش قيمت سرمایه مخمس که به خاطر تورم اتفاق می افتد، خمس ندارد. مسئله ۱۸۸۹. خمس سرمایه ثابت، یک بار و به قيمت روز پرداخت، واجب است و افزايش قيمت آن تا زمان فروش، خمس ندارد. بنابراین کسی که خمس قيمت مغازه یا وانت بار یا تاکسی یا زمین زراعتی یا خانه ای را که اجاره داده و ... یک بار به قيمت روز پرداخته باشد، پرداخت خمس افزايش قيمت آن در سال های بعد و قبل از فروش لازم نیست.

مسئله ۱۸۹۰. اگر سرمایه ثابت مخمس (زمین زراعی، وانت بار و ...) را بفروشد، افزايش قيمت آن، به عنوان درآمد سال فروش محسوب می شود که چنانچه تا آخر سال، برای مخارج صرف نشود، خمس دارد.

مسئله ۱۸۹۱. کسی که از اول تکلیف خمس نداده اگر از منافع کسب، چیزی که به آن احتیاج ندارد، خريده و یک سال از منافع به دست آمده، گذشته، بايد خمس آن را بدهد و اگر اثاث خانه و چیزهای دیگری که به آنها احتیاج دارد مطابق شأن خود خريده، پس اگر بداند در بین سالی که در آن سال فايده برده آنها را خريده، لازم نیست خمس آنها را بدهد و اگر نداند که در بین سال خريده یا بعد از تمام شدن سال، بنابر احتیاط مستحب با حاکم شرع مصالحه کند.

❖ (۲) معدن

مسئله ۱۸۹۲. اگر از معدن طلا، نقره، سرب، مس، آهن، نفت، زغال سنگ، فیروزه، عقیق، زاج، نمک و معدن های دیگر چیزی به دست آورد، در صورتی که به مقدار نصاب باشد، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۸۹۳. نصاب معدن، ۱۵ مثقال معمولی طلای سکه دار است که مساوی با بیست مثقال شرعی است، یعنی اگر قیمت چیزی را که از معدن بیرون آورده به ۱۵ مثقال طلا برسد، باید خمس آن را بدهد و احتیاط آن است که مخارجی را که برای به دست آوردن، مصرف کرده، در مقام احتساب نصاب کم نکند و در مقام ادای خمس، آنچه را پس از کم کردن این مخارج باقی می ماند، بدهد.

مسئله ۱۸۹۴. استفاده ای که از معدن برده اگر قیمت آن به ۱۵ مثقال طلا نرسد، خمس آن در صورتی لازم است که به تنهایی یا با منفعت های دیگر کسب او از مخارج سالش زیاد بیاید.

مسئله ۱۸۹۵. احتیاط لازم در گل سرشور و گچ و آهک و گل سرخ اگر به حد نصاب برسد، دادن خمس است پیش از خارج کردن مخارج زندگی سال و اگر کمتر از نصاب باشد، حکم سایر منافع سال را دارد.

مسئله ۱۸۹۶. کسی که از معدن چیزی به دست می آورد، باید خمس آن را بدهد، چه معدن روی زمین باشد و چه زیر آن، در زمینی باشد که ملک است یا در جایی باشد که مالک ندارد.

مسئله ۱۸۹۷. اگر نداند چیزی را که از معدن بیرون آورده، به ۱۵ مثقال طلا می رسد یا نه، بنا بر احتیاط واجب باید با وزن کردن یا از راه دیگر، قیمت آن را معلوم کند.

مسئله ۱۸۹۸. اگر چند نفر چیزی از معدن بیرون آورند، چنانچه سهم هر کدام از آنها به ۱۵ مثقال طلا برسد، باید هریک خمس سهم خود را بدهد، وگرنه خمس ندارد.

مسئله ۱۸۹۹. اگر معدنی را که در ملک دیگری است بدون اجازه او بیرون آورد، آنچه از آن به دست می آید، مال صاحب ملک است و چون صاحب ملک برای بیرون آوردن آن خرجی نکرده، باید خمس تمام آنچه را که از معدن بیرون آمده بدهد.

* (۳) گنج

مسئله ۱۹۰۰. گنج مالی است که در زمین یا درخت یا کوه یا دیوار پنهان باشد و کسی آن را پیدا کند و طوری باشد که به آن، گنج بگویند.

مسئله ۱۹۰۱. اگر انسان در زمینی که ملک کسی نیست گنجی پیدا کند مال خود اوست و باید خمس آن را بدهد لکن در صورتی که آن گنج غیر از طلا و نقره باشد، وجوب خمس در آن بنا بر احتیاط است.

مسئله ۱۹۰۲. نصاب گنج در غیر طلا و نقره بنا بر احتیاط، ۱۰۵ مثقال نقره سکه دار یا ۱۵ مثقال طلای سکه دار است یعنی اگر قیمت چیزی را که از گنج به دست می آورد، بعد از کم کردن مخارجی که برای آن کرده به یکی از این دو نصاب برسد، بنا بر احتیاط واجب باید خمس آن را بدهد و اما نصاب گنج طلا، ۱۵ مثقال طلای سکه دار و گنج نقره، ۱۰۵ مثقال نقره سکه دار است.

مسئله ۱۹۰۳. اگر در زمینی که از دیگری خریده، گنجی پیدا کند و بداند مال کسانی که قبلاً مالک آن زمین بوده اند نیست، مال خود او می شود و باید خمس آن را بدهد، ولی اگر احتمال دهد که مال یکی از آنان است، باید به او اطلاع دهد و چنانچه معلوم شود مال او نیست، باید به کسی که پیش از او مالک زمین بوده اطلاع دهد و به همین ترتیب بنا بر احتیاط لازم به تمام کسانی که پیش از او مالک زمین بوده اند خبر دهد و اگر معلوم شود مال هیچ یک از آنان نیست، مال خود او می شود و باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۹۰۴. اگر در ظرف های متعددی که در یک جا دفن شده، مالی پیدا کند که قیمت آنها روی هم، ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا باشد، باید خمس آن را بدهد، ولی چنانچه در چند جا گنج پیدا کند، هر کدام از آنها که قیمتش به این مقدار برسد خمس آن واجب است و گنجی که قیمت آن به این مقدار نرسیده، خمس ندارد.

مسئله ۱۹۰۵. اگر دو نفر گنجی پیدا کنند که قیمت آن به ۱۰۵ مثقال نقره یا ۱۵ مثقال طلا برسد، اگر سهم هریک از آنان به این مقدار نباشد، بنا بر احتیاط مستحب خمس آن را بدهند.

مسئله ۱۹۰۶. اگر کسی حیوانی را از قبیل چهار پایان بخرد و در شکم آن مالی پیدا کند، چنانچه احتمال دهد که مال فروشنده است، باید به او خبر دهد و اگر معلوم شود مال

او نیست، ظاهر آن است که حکم فایده و ربح دارد و اگر حیوان از قبیل ماهی باشد، لازم نیست به فروشنده خبر دهد و حکم فایده و ربح را دارد، هر چند احتیاط در هر دو صورت، الحاق آن در حکم به گنج است بدون رعایت نصاب.

❖ (۴) مال حلال مخلوط به حرام

مسئله ۱۹۰۷. اگر مال حلال با مال حرام طوری مخلوط شود که انسان نتواند آنها را از یکدیگر تشخیص دهد و صاحب مال حرام و مقدار آن، هیچ کدام معلوم نباشد، باید خمس تمام مال را بدهد و بعد از دادن خمس، تصرف در بقیه مال حلال می شود و احتیاط لازم آن است که این خمس را به مصرف سایر خمس ها برساند لکن به قصد مافی الذمة از خمس یا صدقه.

مسئله ۱۹۰۸. اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را بداند ولی صاحب آن را نشناسد، باید آن مقدار را به نیت صاحبش صدقه بدهد و احتیاط واجب آن است که از حاکم شرع هم اجازه بگیرد.

مسئله ۱۹۰۹. اگر مال حلال با حرام مخلوط شود و انسان مقدار حرام را نداند ولی صاحبش را بشناسد، باید یکدیگر را راضی کنند و چنانچه صاحب مال راضی نشود، در صورتی که انسان بداند چیز معینی مال اوست و شک کند که بیشتر از آن هم مال او هست یا نه، باید چیزی را که یقین دارد مال اوست، به او بدهد و احتیاط مستحب آن است مقدار بیشتری را که احتمال می دهد مال اوست، به او بدهد.

مسئله ۱۹۱۰. اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد بفهمد که مقدار حرام بیشتر از خمس بوده، بنابر احتیاط واجب مقداری را که می داند از خمس بیشتر بوده، از طرف صاحب آن، صدقه بدهد.

مسئله ۱۹۱۱. اگر خمس مال حلال مخلوط به حرام را بدهد و بعد از آن، صاحبش معلوم شود، چیزی بر عهده خمس دهنده نیست و همچنین اگر مالی را که صاحبش را نمی شناسد به نیت او صدقه بدهد و بعد از آن صاحبش پیدا شود، چیزی براو نیست.

مسئله ۱۹۱۲. اگر مال حلالی با حرام مخلوط شود و مقدار حرام معلوم باشد و انسان بداند که صاحب آن از چند نفر معین بیرون نیست، ولی نتواند بفهمد کیست، اگر

ممکن است همه را راضی کند و اگر ممکن نشد، آن مال را به طور مساوی بین آن چند نفر قسمت کند، کافی است.

※ (۵) جواهری که با فرو رفتن در دریا به دست می آید

مسئله ۱۹۱۳. اگر به واسطه غواصی (یعنی فرو رفتن در دریا)، مروارید و مرجان یا جواهر دیگری بیرون آورند، رویدنی باشد یا معدنی، چنانچه قیمت آن به ۱۸ نخود طلا برسد، باید خمس آن را بدهند؛ چه در یک دفعه آن را از دریا بیرون آورده باشند چه در چند دفعه با فاصله های کوتاه، آنچه بیرون آمده از یک جنس باشد یا از چند جنس، چه یک نفر آن را بیرون آورده باشد چه چند نفر و بنابر احتیاط واجب در اعتبار نصاب، مخارج بیرون آوردن آن را کم نکنند و مخارج را از مجموع برداشت نمایند.

مسئله ۱۹۱۴. اگر بدون فرو رفتن در دریا به وسیله اسبابی، جواهر بیرون آورد و قیمت آن به ۱۸ نخود طلا برسد، بنابر احتیاط، خمس آن واجب است ولی اگر از روی آب دریا یا از کنار دریا جواهر بگیرد، در صورتی باید خمس آن را بدهد که آنچه را به دست آورده به تنهایی یا با منافع دیگر کسب او از مخارج سالش زیادتر باشد.

مسئله ۱۹۱۵. پرداخت خمس ماهی و حیوانات دیگری که انسان با فرو رفتن و یا بدون فرو رفتن در دریا می گیرد، به عنوان غوص واجب نیست ولی اگر صرف در مخارج زندگی سال نشده باشد، به عنوان فایده واجب است.

مسئله ۱۹۱۶. اگر انسان بدون قصد اینکه چیزی از دریا بیرون آورد در دریا فرو رود و اتفاقاً جواهری به دستش آید و قصد تملک آن را بنماید، بنابر احتیاط واجب اگر به حد نصاب باشد، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۹۱۷. اگر انسان در دریا فرو رود و حیوانی را بیرون آورد و در شکم آن، جواهری پیدا کند که قیمتش ۱۸ نخود طلا یا بیشتر باشد، چنانچه آن حیوان مانند صدف باشد که نوعاً در شکمش جواهر است، باید خمس آن را بدهد و اگر اتفاقاً جواهر بلعیده باشد، در صورتی خمس آن واجب است که به تنهایی یا با منفعت های دیگر کسب او از مخارج سالش زیادتر باشد.

مسئله ۱۹۱۸. اگر در رودخانه‌های بزرگ مانند دجله و فرات فرو رود و جواهری بیرون آورد، چنانچه در آن رودخانه، جواهر عمل می‌آید، باید خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۹۱۹. اگر در آب فرو رود و مقداری عنبر^۱ بیرون آورد که قیمت آن ۱۸ نخود طلا یا بیشتر باشد، باید خمس آن را بدهد و چنانچه از روی آب یا از کنار دریا به دست آورد، اگر قیمت آن به مقدار ۱۸ نخود طلا برسد، بنا بر احتیاط همین حکم را دارد، بلکه اگر به مقدار نصاب هم نرسد بنا بر احتیاط، خمس آن را بدون استثنای مخارج زندگی سال پردازد.

مسئله ۱۹۲۰. کسی که کسبش غواصی یا بیرون آوردن معدن است، اگر خمس آنها را بدهد و چیزی از مخارج سالش زیاد بیاورد، لازم نیست دوباره خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۹۲۱. اگر چه‌ای مال حلال مخلوط به حرام داشته باشد یا گنجی پیدا کند، یا به واسطه فرو رفتن در دریا جواهری بیرون آورد، ولی او باید خمس آنها را بدهد.

✽ (۶) غنیمت

مسئله ۱۹۲۲. اگر مسلمانان به امر امام علیه السلام با کفار جنگ کنند و چیزهایی در جنگ به دست آورند، به آنها «غنیمت» گفته می‌شود و مخارجی را که برای غنیمت، صرف کرده‌اند، مانند مخارج نگهداری و حمل و نقل آن و نیز مقداری را که امام علیه السلام صلاح می‌داند به مصرفی برساند و چیزهایی که مخصوص امام علیه السلام است، باید از غنیمت کنار بگذارند و خمس بقیه آن را بدهند و آنچه در عصر غیبت در جنگ با کفار به دست می‌آید نیز بنا بر احتیاط همین حکم را دارد.

۱. عنبر: ماده‌ای تیره رنگ و خوش بو. در اینکه عنبر از چه چیز گرفته می‌شود، کلمات لغویان مختلف است. برخی آن را ماده‌ای چرب و تیره به رنگ خاکستری دانسته‌اند که از دستگاه گوارشی عنبر ماهی [کاشالوت] گرفته می‌شود. برخی دیگر آن را برگرفته از فضله جانور دریایی و گروه سوم از چشمه‌های دریایی دانسته‌اند. بعضی نیز منشأ آن را گیاهی در دریا ذکر کرده‌اند. البته از نظر فقهی بر این اختلافات اثری مترتب نیست. از عنوان یاد شده به مناسبت در باب‌های طهارت، خمس و حج سخن گفته‌اند.

فرهنگ فقه مطابق مذهب اهل بیت علیهم السلام، ج ۵، ص ۵۰۰.

❖ (۷) زمینی که کافر ذمی از مسلمان بخرد

مسئله ۱۹۲۳. اگر کافر ذمی زمینی را از مسلمان بخرد، باید خمس آن را از همان زمین یا از مال دیگرش بدهد و نیز اگر خانه و مغازه و مانند این‌ها را از مسلمان بخرد، باید خمس زمین آن را بدهد و در دادن این خمس، قصد قربت لازم نیست، بلکه حاکم شرع هم که خمس را از او می‌گیرد، لازم نیست قصد قربت نماید.

مسئله ۱۹۲۴. اگر کافر ذمی زمینی را که از مسلمان خریده و خمسش را نداده، به مسلمان دیگری بفروشد، باید خریدار خمس آن را بدهد و نیز اگر بمیرد و مسلمانی آن زمین را از او ارث ببرد، باید وارث او خمس آن زمین را بدهد.

مسئله ۱۹۲۵. اگر کافر ذمی موقع خرید زمین شرط کند که خمس ندهد یا شرط کند که فروشنده خمس آن را بدهد، شرط او صحیح نیست و باید خمس را بدهد، ولی اگر شرط کند که فروشنده مقدار خمس را از طرف او به صاحبان خمس بدهد، لازم است مسلمان به شرطی که بر او شده عمل نماید.

مسئله ۱۹۲۶. اگر مسلمان زمینی را به غیر خرید و فروش، ملک کافر کند، مثلاً به او صلح یا هبه کند، لازم نیست کافر ذمی خمس آن را بدهد.

مسئله ۱۹۲۷. اگر کافر ذمی، صغیر باشد و ولی او برایش زمینی بخرد، ولی باید خمس آن را بدهد.

❖ مصرف خمس

مسئله ۱۹۲۸. خمس را باید دو قسمت کنند:

یک قسمت آن سهم سادات است و بنا بر احتیاط باید با اذن مجتهد به «سید فقیر» یا «سید یتیم» یا به «سیدی که در سفر درمانده شده» داده شود.

نصف دیگر خمس، «سهم امام علیه السلام» است که در این زمان باید به مجتهد جامع الشرائط بدهند یا به مصرفی که او اجازه می‌دهد برسانند. ولی اگر انسان بخواهد سهم امام علیه السلام را به مجتهدی که از او تقلید نمی‌کند بدهد، در صورتی که او اذن داده می‌شود که بداند آن

۱. کفاری از اهل کتاب (مثل یهود و نصاری) هستند که تحت شرائط مخصوصی در پناه اسلام قرار می‌گیرند تا جان و مال آن‌ها محفوظ بماند.

مجتهد و مجتهدی که از او تقلید می‌کند، سهم امام علیه السلام را به یک شکل مصرف می‌کنند. مسئله ۱۹۲۹. در خمس نیز مانند زکات، قصد قربت، معتبر است؛ یعنی انسان باید خمس را برای انجام فرمان خداوند عالم بپردازد.

✽ شرایط کسانی که مستحق سهم سادات اند

✽ اول: سید بوده و سیادتش از طرف پدر باشد

مسئله ۱۹۳۰. سیدی که انسان می‌تواند سهم سادات از خمس را به او بدهد، کسی است که نسبت او از طرف پدر به «هاشم»، جدّ اعلای حضرت رسول اکرم صلی الله علیه و آله و سلم، برسد و نسبت از طرف مادر برای دریافت خمس، کافی نیست.

✽ راه‌های اثبات سیادت

مسئله ۱۹۳۱. اگر کسی بگوید سیدم، نمی‌شود به او خمس داد، مگر آنکه:

- ۱) دو نفر عادل، سید بودن او را تصدیق کنند.
- ۲) در بین مردم طوری معروف باشد که انسان یقین یا اطمینان پیدا کند که سید است.
- ۳) کسی که در شهر خودش مشهور باشد سید است، گرچه انسان به سید بودن او یقین نداشته باشد.

✽ دوم و سوم: فقیر یا ابن سبیل باشد

مسئله ۱۹۳۲. سید یتیمی که به او خمس می‌دهند، باید فقیر باشد ولی به سیدی که در سفر درمانده شده، اگر در وطنش فقیر هم نباشد، می‌شود خمس داد. مسئله ۱۹۳۳. به سیدی که در سفر درمانده شده، اگر سفر او، سفر معصیت باشد یا خودش در معصیت باشد، بنابر احتیاط واجب نباید خمس بدهند.

✽ راه‌های اثبات فقر

مسئله ۱۹۳۴. «فقیر بودن» شخص با هریک از راه‌های ذیل ثابت می‌شود و انسان می‌تواند در صورت فراهم بودن سایر شرایط استحقاق، به وی خمس پرداخت کند:

(۱) دو نفر عادل، شهادت به فقیر بودن شخص دهند.

(۲) یقین یا اطمینان به فقیر بودن شخص پیدا شود.

❦ چهارم: شیعه دوازده امامی باشد

مسئله ۱۹۳۵. به سیدی که دوازده امامی نیست، نباید خمس بدهند.

❦ پنجم: موجب کمک به گناه نباشد

مسئله ۱۹۳۶. به سیدی که گناهکار است، اگر خمس دادن، کمک به معصیت او باشد، نمی شود خمس داد.

❦ ششم: متجاهر به فسق نباشد

مسئله ۱۹۳۷. به سیدی که عادل نیست، می شود خمس داد، ولی به سیدی که آشکارا معصیت می کند، گرچه دادن خمس کمک به معصیت او نباشد، بنا بر احتیاط واجب نباید خمس بدهند و اگر ندان خمس به او موجب بازداشتن او از گناه شود، دادن خمس به او جایز نیست.

❦ هفتم: واجب النفقه خمس دهنده نباشد

مسئله ۱۹۳۸. کسی که زنش سیده است، بنا بر احتیاط واجب نباید به او خمس بدهد که به مصرف مخارج خودش برساند، ولی اگر مخارج دیگران بر آن زن واجب باشد و نتواند مخارج آنان را بدهد، جایز است انسان، خمسش را به آن زن بدهد که به مصرف آنان برساند.

مسئله ۱۹۳۹. اگر مخارج سید و یا سیده ای که همسر انسان نیستند، بر انسان واجب باشد، بنا بر احتیاط واجب نمی تواند از خمس، خوراک و پوشاک او را بدهد یا آنکه ملک او کند که به مصرف مخارج خودش برساند.

مسئله ۱۹۴۰. به سید فقیری که مخارجش بر دیگری واجب است و او نمی تواند مخارج آن سید را بدهد، می شود خمس داد.

مسئله ۱۹۴۱. خانم سیده‌ای که خود و شوهرش فقیرند و شوهر نمی‌تواند نفقه او را پرداخت کند، می‌تواند سهم سادات بگیرد و در زندگی خود صرف نماید، هرچند شوهر و فرزندانش سید نباشند.

❁ هشتم: بنابر احتیاط واجب بیشتر از مخارج یک سال، خمس داده نشود

مسئله ۱۹۴۲. احتیاط واجب آن است که بیشتر از مخارج یک سال را به یک سید فقیر، خمس ندهند.

❁ احکام مصرف خمس

مسئله ۱۹۴۳. اگر در شهر انسان، سید مستحق نباشد و احتمال هم ندهد که پیدا شود یا نگهداری خمس تا پیدا شدن مستحق، ممکن نباشد، باید خمس را به شهر دیگری ببرد و به مستحق برساند و می‌تواند مخارج بردن آن را از خمس بردارد و اگر خمس از بین برود، چنانچه در نگهداری آن کوتاهی کرده، باید عوض آن را بدهد و اگر کوتاهی نکرده، چیزی بر او واجب نیست.

مسئله ۱۹۴۴. انتقال خمس به شهر دیگر حتی با وجود مستحق در شهر خود، مانعی ندارد، و اگر با اجازه مجتهد، انتقال صورت گیرد و در بین راه تلف شود، ضمانی بر عهده او نیست. و نیز اگر به وکیل مجتهد بدهد و تلف شود، پرداخت مجدد خمس لازم نیست.

مسئله ۱۹۴۵. اگر خمس را از خود مال ندهد و از جنس دیگر بدهد، باید به قیمت واقعی آن جنس را حساب کند، و چنانچه گران‌تر از قیمت حساب کند، گرچه مستحق، به آن قیمت راضی شده باشد، باید مقداری را که زیاد حساب کرده، بدهد.

مسئله ۱۹۴۶. کسی که از مستحق طلبکار است و می‌خواهد طلب خود را بابت خمس حساب کند، بنابر احتیاط مستحب خمس را به او بدهد و بعد مستحق، آن را بابت بدهی خود به او برگرداند و می‌تواند ذمه بدهکار را بدون این کار بابت خمس بری نماید. مسئله ۱۹۴۷. مستحق نمی‌تواند خمس را بگیرد و به مالک ببخشد، ولی کسی که مقدار زیادی خمس بدهکار است و فقیر شده و می‌خواهد مدیون اهل خمس نباشد،

اگر مستحق راضی شود که خمس را از او بگیرد و به او ببخشد اشکال ندارد.

مسئله ۱۹۴۸. دادن خمس به سید فقیر به شرط آنکه قسمتی از آن را به او برگرداند، صحیح نیست و جایز نمی باشد.

مسئله ۱۹۴۹. آنچه مجتهد به آورنده وجوه به عنوان مورد مصرف خمس می پردازد، خمس ندارد.

مسئله ۱۹۵۰. اگر کسی خمس خود را با مجتهد دست گردان^۱ کرده، دیگری می تواند بدون اطلاع، بدهی او را بپردازد و اما اگر دست گردان نکرده باشد، چون پرداخت خمس نیاز به قصد قربت دارد، پرداخت خمس بدون وکالت از مدیون خمس، صحیح نیست و کفایت نمی کند.

۱. دادن خمس به مجتهد و قرض گرفتن آن به عنوان مهلت در پرداخت را «دست گردان» می گویند.

احکام زکات مال

❁ موارد وجوب زکات مال

مسئله ۱۹۵۱. زکات در نه مورد واجب است:

اول: گندم؛

دوم: جو؛

سوم: خرما؛

چهارم: کشمش؛

پنجم: طلا؛

ششم: نقره؛

هفتم: شتر؛

هشتم: گاو؛

نهم: گوسفند.

این موارد نه گانه، «اموال زکوی» نامیده می شود و اگر کسی مالک یکی از این نه چیز باشد، با شرایطی که بعداً گفته می شود، باید مقداری را که معین شده به یکی از مصرف هایی که دستور داده اند برساند.

مسئله ۱۹۵۲. «سُلَّت» که دانه ای به نرمی گندم است و خاصیت جو دارد و «عَلَس» که مثل گندم است و خوراک مردمان صنعا می باشد، در کشورها و شهرهایی که عرفاً این دورا به عنوان گندم یا جومی شناسند، زکات آن دو واجب است و در جاهایی که چنین نیست، زکات آن دو واجب نمی باشد.

❁ شرایط واجب شدن زکات

شرایط وجوب زکات به دو دسته تقسیم می شود:

الف: شرایط عمومی؛

ب: شرایط اختصاصی.

❁ شرایط عمومی

❁ اول: مال زکوی دارای مالک باشد

مسئله ۱۹۵۳. اگر اموال زکوی مالک نداشته باشد، مثل گندم و جویی که به صورت خودرو در بیابان یا مانند آن روییده است، زکات ندارد. همچنین مال زکوی که هنوز به طور شرعی به ملکیت فردی در نیامده (مثل مالی که به فرد بخشیده شده، ولی هنوز آن را قبض نکرده)، زکاتش بر آن فرد لازم نیست.

❁ دوم: سوم و چهارم: مالک آن بالغ و عاقل و آزاد باشد

مسئله ۱۹۵۴. زکات مال زکوی در صورتی واجب می شود که مالک آن، بالغ و عاقل و آزاد باشد.

مسئله ۱۹۵۵. صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره - که در زکات آنها سال، شرط است و بعداً خواهد آمد - باید در تمام سال عاقل باشد. بنابراین اگر صاحب آنها در تمام سال دیوانه باشد، زکات بر او واجب نیست، ولی اگر در مقداری از سال دیوانه باشد و در آخر سال عاقل گردد، بنا بر احتیاط مستحب زکات را بدهد.

مسئله ۱۹۵۶. اگر موقع واجب شدن زکات گندم و جو و خرما و کشمش - که در مسائل بعد گفته می شود - صاحب آنها عاقل باشد، باید زکات آنها را بدهد.

مسئله ۱۹۵۷. اگر صاحب گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره - که در آنها سال شرط است - در مقداری از سال بیهوش شود، زکات از او ساقط نمی شود. و همچنین اگر موقع واجب شدن زکات گندم و جو و خرما و کشمش، بیهوش باشد.

مسئله ۱۹۵۸. مالک گاو و گوسفند و شتر و طلا و نقره - که در زکات آنها سال شرط است - باید در تمام سال بالغ باشد، بنابراین اگر مالک آنها در بین سال بالغ شود، باید

اول سال را اول بالغ شدن خود قرار دهد.

مسئله ۱۹۵۹. اگر موقع واجب شدن زکات گندم و جو و خرما و کشمش - که در مسائل بعد گفته می شود - صاحب آنها بالغ باشد، باید زکات آنها را بدهد.

❁ پنجم: مالک از تصرف در مال زکوی، شرعاً ممنوع نباشد

مسئله ۱۹۶۰. زکات مال زکوی در صورتی واجب می شود که مالک آن بتواند در آن مال تصرف کند.

مسئله ۱۹۶۱. مالی را که از انسان غصب کرده اند و نمی توانند در آن تصرف کند، زکات ندارد ولی اگر زراعتی را از او غصب کنند و موقعی که زکات آن واجب می شود، در دست غصب کننده باشد، هر وقت به صاحبش برگشت، احتیاط واجب آن است که زکات آن را بدهد.

❁ ششم: مال زکوی، عین شخصی باشد، نه کلی در ذمه

مسئله ۱۹۶۲. مال زکوی باید عین شخصی باشد، یعنی مالی باشد که در بیرون موجود است. بنابراین اگر مال زکوی در ذمه مالک باشد، مثل آنکه طلا و نقره یا چیز دیگری را که زکات آن واجب است، قرض دهد و یک سال نزد قرض گیرنده (بدهکار) بماند، بر قرض دهنده (طلبکار) چیزی واجب نیست و باید قرض گیرنده زکات آن را بدهد.

❁ هفتم: مال زکوی به حد نصاب رسیده باشد

مسئله ۱۹۶۳. زکات در صورتی واجب می شود که مال به مقدار نصاب که بعداً گفته می شود، برسد.

❁ زکات گندم و جو و خرما و کشمش

کسی که مالک «گندم» یا «جو» یا «خرما» یا «کشمش» باشد، در صورت دارا بودن شرایط عمومی که در مسائل قبل بیان شد و شرایط اختصاصی که در ادامه خواهد آمد، باید زکات آنها را بپردازد.

✽ شرایط اختصاصی

✽ اول: غلات چهارگانه، در زمان واجب شدن زکات در ملکیت شخص باشد

مسئله ۱۹۶۴. اگر فردی مالک «گندم» یا «جو» یا «خرما» یا «کشمش» باشد و در ملکیت وی زکات واجب شود، باید زکاتش را بپردازد. بنابراین هرگاه شخصی زراعت یا باغی را قبل از واجب شدن زکات بفروشد و در ملک کسی دیگر زکات واجب شود، مثلاً خرما در ملک او زرد یا سرخ شود، - که در مسائل بعد، زمان واجب شدن زکات غلات مذکور خواهد آمد - باید مالک جدید زکات آن را بپردازد.

مسئله ۱۹۶۵. اگر بعد از آنکه زکات گندم و جو و خرما و انگور واجب شد، زراعت و درخت را بفروشد، باید زکات آنها را بدهد.

✽ دوم: غلات چهارگانه، به حد نصاب برسد

مسئله ۱۹۶۶. زکات گندم و جو و خرما و کشمش وقتی واجب می شود که به مقدار نصاب برسند و نصاب آنها ۴۵ مثقال کمتر از ۲۸۸ من تبریز است که بنابراین چه بعضی حساب کرده اند تقریباً «۸۴۷ کیلوگرم» می شود.

✽ معیار در تعیین مقدار نصاب غلات چهارگانه، خشک بودن آنها می باشد

مسئله ۱۹۶۷. معیار در تعیین مقدار نصاب گندم و جو و خرما و کشمش، خشک آنهاست. بنابراین اگر غلات مذکور بعد از خشک شدن در وقت وجوب پرداخت زکات - که بعداً خواهد آمد - به حد نصاب برسد، پرداخت زکات آن واجب می باشد، ولی اگر وزن غلات چهارگانه موقعی که تراست به حد نصاب برسد و بعد از خشک شدن، کمتر از این مقدار شود، زکات آن واجب نیست.

مسئله ۱۹۶۸. اگر گندم و جو و خرما و انگور را پیش از خشک شدن، مصرف کند، چنانچه خشک آنها به اندازه نصاب باشد، باید زکات آنها را بدهد.

مسئله ۱۹۶۹. خرمایی که تازه آن را می خورند و اگر بماند خیلی کم می شود یا بعد از خشک شدن به آن، خرما نمی گویند، چنانچه مقداری باشد که خشک آن به حد نصاب برسد، زکات آن واجب است.

مسئله ۱۹۷۰. اگر مقداری خرما یا انگور تازه دارد که خشک آن به اندازه نصاب می شود، چنانچه به قصد زکات از تازه آن به قدری به مستحق بدهد که اگر خشک شود به اندازه زکاتی باشد که بر او واجب است، اشکال ندارد.

مسئله ۱۹۷۱. اگر زکات خرمای خشک یا کشمش بر او واجب باشد، نمی تواند زکات آن را از خرمای تازه یا انگور بدهد، مگر خرما یا انگوری که از جمله همان خرما و کشمش باشد که زکات به آن تعلق گرفته، و نیز اگر زکات خرمای تازه یا انگور بر او واجب باشد، نمی تواند زکات آن را خرمای خشک یا کشمش بدهد مگر آنکه خرمای خشک یا کشمش از جمله خرما و انگوری باشد که زکات به آن تعلق گرفته، ولی اگر یکی از اینها یا چیز دیگری را به قصد قیمت زکات بدهد، مانعی ندارد.

✽ زمان واجب شدن زکات غلات چهارگانه

مسئله ۱۹۷۲. بنابر احتیاط واجب، وقت واجب شدن زکات گندم و جو، وقت دانه بستن آنهاست و زکات کشمش بنابر احتیاط وقتی واجب می شود که غوره است و در خرما هم موقعی که رنگ آن، زرد یا سرخ شد بنابر احتیاط، زکات آن واجب می شود.

✽ زمان وجوب پرداخت زکات غلات چهارگانه

مسئله ۱۹۷۳. زمان پرداخت زکات در گندم و جو، موقع خرمن شدن و جدا کردن دانه های گندم و جواز کاه آنها می باشد.

مسئله ۱۹۷۴. زمان پرداخت زکات در خرما، هنگامی است که رطب، ثمر (که همان خرمای خشک است) شده باشد.

مسئله ۱۹۷۵. زمان پرداخت زکات در کشمش، هنگامی است که انگور، کشمش شده باشد.

✽ مقدار زکات غلات چهارگانه

مسئله ۱۹۷۶. مقدار زکات غلات چهارگانه به طریقه آبیاری آنها بستگی دارد:

- ۱) اگر گندم و جو و خرما و انگور از آب باران یا نهر آبیاری شود یا مثل زراعت های مصر از رطوبت زمین استفاده کند، زکات آن، ده یک است.

۲) اگر با پمپ و مانند آن آبیاری شود، زکات آن، بیست یک است.

مسئله ۱۹۷۷. اگر گندم و جو و خرما و انگور مقداری از باران یا نه‌ریا رطوبت زمین استفاده کند و به همان مقدار از آبیاری با پمپ و مانند آن استفاده نماید، زکات نصف آن ده یک و زکات نصف دیگر آن، بیست یک می‌باشد یعنی از چهل قسمت، سه قسمت آن را باید بابت زکات بدهند.

مسئله ۱۹۷۸. اگر گندم و جو و خرما و انگور، هم از آب باران آبیاری شود و هم از پمپ و مانند آن استفاده کند، چنانچه طوری باشد که بگویند آبیاری با پمپ و مانند آن شده، زکات آن بیست یک است و اگر بگویند آبیاری با آب نه‌ریا و باران شده، زکات آن ده یک است و اگر آبیاری با پمپ غلبه داشته ولی چنان نباشد که بگویند با پمپ آبیاری شده، باید ملاحظه نسبت کنند و احتیاط آن است که در نصف، ده یک و در نصف دیگر، بیست یک زکات بدهند.

مسئله ۱۹۷۹. اگر شک کند که آبیاری با آب باران و پمپ به یک اندازه بوده یا آب باران غلبه داشته، می‌تواند از نصف آن، ده یک و از نصف دیگر آن، بیست یک بدهد.

مسئله ۱۹۸۰. اگر گندم و جو و خرما و انگور با آب باران و نه‌ریا آبیاری شود و به پمپ و مانند آن نیاز نباشد ولی با پمپ هم آبیاری شود و پمپ به زیاد شدن محصول کمک نکند، زکات آن، ده یک است و اگر با پمپ و مانند آن آبیاری شود و به آب نه‌ریا و باران محتاج نباشد ولی با آب نه‌ریا و باران هم آبیاری شود و آنها به زیاد شدن محصول کمک نکنند، زکات آن، بیست یک است.

مسئله ۱۹۸۱. اگر زراعتی را با پمپ و مانند آن آبیاری کنند و در زمینی که کنار آن است، زراعتی کنند که از رطوبت آن زمین استفاده نماید و نیاز به آبیاری نشود، زکات زراعتی که با پمپ آبیاری شده، بیست یک و زکات زراعتی که کنار آن است، ده یک است.

✽ مخارج و هزینه‌های محصول زکوی

مسئله ۱۹۸۲. مخارجی را که برای گندم و جو و خرما و انگور کرده‌است و معمول است که آن مخارج را از خود زراعت می‌دهند، می‌تواند از حاصل کسر کند و چنانچه

باقی مانده آن به حد نصاب برسد، باید زکات آن را بدهد و آنچه معمول نیست از خرمن بدهند بنابراین احتیاط لازم جزء نصاب حساب نمایند، لکن زکات آن واجب نیست.

مسئله ۱۹۸۳. تخمی را که به مصرف زراعت رسانده، اگر از خودش باشد، به مقدار قیمت آن می‌تواند از حاصل کسر کند و اگر خریده باشد، می‌تواند قیمتی را که برای خرید آن داده، جزء مخارج حساب نماید.

مسئله ۱۹۸۴. اگر زمین و وسایل زراعت یا یکی از این دو، ملک خود او باشد، نباید کرایه آنها را جزء مخارج حساب کند و نیز برای کارهایی که خودش کرده یا دیگری بی‌اجرت انجام داده، چیزی از حاصل کسر نمی‌شود.

مسئله ۱۹۸۵. اگر درخت انگور یا خرما را بخرد، قیمت آن جزء مخارج نیست، ولی اگر خرما یا انگور را پیش از چیدن و قبل از تعلق زکات در مواردی که خریدن آن صحیح است بخرد، پولی را که برای آن داده، جزء مخارج حساب می‌شود.

مسئله ۱۹۸۶. اگر زمینی را بخرد و در آن زمین، گندم یا جو بکارد، پولی را که برای خرید زمین داده، جزء مخارج حساب نمی‌شود، ولی اگر زراعت را پیش از تعلق زکات بخرد، پولی را که برای خرید آن داده، می‌تواند جزء مخارج حساب نماید و از حاصل کم کند، اما باید قیمت کاهی را که از آن به دست می‌آید، از پولی که برای خرید زراعت داده کسر نماید، یعنی باید مخارج را تقسیم کند؛ آنچه سهم گندم باشد از گندم کم کند، چنان‌که در مخارج زراعت همیشه باید این جهت ملاحظه شود، مثلاً اگر زراعتی را پانصد تومان بخرد و سهم کاه آن، وقت خرید، صد تومان باشد، فقط چهارصد تومان آن را می‌تواند جزء مخارج حساب نماید.

مسئله ۱۹۸۷. کسی که بدون گاو و چیزهای دیگری که برای زراعت لازم است می‌تواند زراعت کند، اگر این‌ها را بخرد، نباید پولی را که برای خرید این‌ها داده، جزء مخارج حساب نماید.

مسئله ۱۹۸۸. کسی که بدون گاو و چیزهای دیگری که برای زراعت لازم است نمی‌تواند زراعت کند، اگر آنها را بخرد و به واسطه زراعت به کلی از بین برود، می‌تواند تمام قیمت آنها را جزء مخارج حساب نماید و اگر مقداری از قیمت آنها کم شود، می‌تواند آن مقدار را جزء مخارج حساب کند، ولی اگر بعد از زراعت، چیزی از قیمت آنها کم

نشود، نباید چیزی از قیمت آنها را جزء مخارج حساب نماید.

مسئله ۱۹۸۹. اگر در یک زمین جو و گندم و چیزی مثل برنج و لوبیا که زکات آن واجب نیست بکارد، چنانچه برحسب معمول استفاده از هر دو جنس در موقع کشت منظور باشد، مخارج به نسبت مداخل تقسیم می شود و اگر فایده یکی از آنها به قدری کم باشد که در موقع کشت منظور نباشد، مخارج از چیزی محسوب می شود که منظور باشد.

مسئله ۱۹۹۰. اگر برای شخم زدن یا کار دیگری که تا چند سال برای زراعت فایده دارد هزینه کند، اگر زراعت سال اول به آن محتاج باشد، می تواند آن را جزء مخارج سال اول حساب نماید.

✽ احکام دیگر زکات غلات چهارگانه

مسئله ۱۹۹۱. اگر پیش از دادن زکات، از انگور و خرما و غوره آنها و از جو و گندم بیشتر از مقدار متعارف، مصرف کند، باید زکات آن را بدهد ولی در مقدار متعارف لازم نیست.

مسئله ۱۹۹۲. کسی که از طرف حاکم شرع، مأمور جمع آوری زکات است، موقع خرمن که گندم و جو را از کاه جدا می کنند و بعد از کشمش شدن انگور و تمر شدن رطب می تواند زکات را درخواست کند و اگر مالک ندهد و چیزی که زکات آن واجب شده، از بین برود باید عوض آن را بدهد.

مسئله ۱۹۹۳. اگر انسان گندم یا جو یا خرما یا انگور را بخرد و بداند که فروشنده، زکات آن را داده یا شک کند که داده یا نه، چیزی بر او واجب نیست. و اگر بداند که زکات آن را نداده، چنانچه حاکم شرع معامله مقداری را که باید از بابت زکات داده شود، اجازه ندهد معامله آن مقدار باطل است. و حاکم شرع می تواند مقدار زکات را از خریدار بگیرد و اگر معامله مقدار زکات را اجازه دهد، معامله صحیح است. و خریدار باید قیمت آن مقدار را به حاکم شرع بدهد و در صورتی که قیمت آن مقدار را به فروشنده داده باشد، می تواند از او پس بگیرد و همچنین صحیح می شود اگر بعد از معامله، خود فروشنده زکات آن را بدهد.

مسئله ۱۹۹۴. گندم و جو و خرما و کشمشی که زکات آنها را داده، اگر چند سال هم نزد او بماند زکات ندارد.

مسئله ۱۹۹۵. اگر انسان در چند شهر که فصل آنها با یکدیگر اختلاف دارد و زراعت و میوه آنها در یک وقت به دست نمی آید، گندم یا جو یا خرما یا انگور داشته باشد و همه آنها محصول یک سال حساب شود، چنانچه چیزی که اول می رسد به اندازه نصاب باشد، باید زکات آن را هنگامی که می رسد بدهد و زکات بقیه را هر وقت به دست می آید ادا نماید و اگر آنچه اول می رسد به اندازه نصاب نباشد، در صورتی که یقین دارد با آنچه بعد به دست می آید به اندازه نصاب می شود، باز هم بعد از تعلق زکات به بقیه واجب است زکات آنچه را که رسیده همان وقت، و زکات بقیه را موقعی که می رسد بدهد و اگر یقین ندارد که همه آنها به اندازه نصاب شود، صبر کند تا بقیه آن برسد. پس اگر روی هم به مقدار نصاب شود، زکات آن واجب است و اگر به مقدار نصاب نشود، زکات آن واجب نیست.

مسئله ۱۹۹۶. اگر درخت خرما یا انگور در یک سال دو مرتبه میوه دهد، اگر در هر مرتبه به مقدار نصاب نباشد، زکات آن واجب نیست برای اینکه زراعت دو فصل مثل زراعت دو سال است.

مسئله ۱۹۹۷. اگر بعد از آنکه زکات گندم و جو و خرما و انگور واجب شد، مالک آن بمیرد، باید مقدار زکات را از مال او بدهند، ولی اگر پیش از واجب شدن زکات بمیرد، هریک از ورثه که سهم او به اندازه نصاب است، باید زکات سهم خود را بدهد.

مسئله ۱۹۹۸. کسی که بدهکار است و مالی هم دارد که زکات آن واجب شده، اگر بمیرد، باید اول تمام زکات را از مالی که زکات آن واجب شده بدهند، بعد قرض او را ادا نمایند.

مسئله ۱۹۹۹. کسی که بدهکار است و زراعت گندم یا جو یا خرما یا انگور هم دارد؛ اگر بمیرد و پیش از آنکه زکات اینها واجب شود، ورثه قرض او را از مال دیگر بدهند، هر کدام که سهمشان به حد نصاب برسد، باید زکات بدهد، و اگر پیش از آنکه زکات اینها واجب شود قرض او را ندهند، باید بدهی را از سایر اموال میت بپردازند و چنانچه ناچار به پرداخت از محصولات زکوی شوند، زکات مقدار پرداخت شده لازم نیست و هر کدام آنان که سهمش به اندازه نصاب شود، باید زکات آن را بدهد.

مسئله ۲۰۰۰. اگر گندم و جو و خرما و کشمش که زکات آنها واجب شده، خوب و بد دارد، احتیاط واجب آن است که زکات جنسی خوب را از جنس بد ندهند.

❁ زکات طلا و نقره

کسی که طلا و نقره دارد، در صورت دارا بودن شرایط عمومی که قبلاً ذکر شد و شرایط اختصاصی که خواهد آمد، باید زکات طلا و نقره خویش را بپردازد.

❁ شرایط اختصاصی

❁ اول: طلا یا نقره به حد نصاب برسد

❁ نصاب طلا

مسئله ۲۰۰۱. طلا دو نصاب دارد:

اول: بیست مثقال شرعی است که هر مثقال آن ۱۸ نخود است. پس وقتی طلا به بیست مثقال شرعی که پانزده مثقال معمولی است برسد، اگر شرایط دیگر را هم که گفته شد داشته باشد، باید چهل یک آن را که نه نخود می شود، بابت زکات بدهد، و اگر به این مقدار نرسد، زکات آن واجب نیست.

دوم: چهار مثقال شرعی است که سه مثقال معمولی می شود، یعنی اگر سه مثقال به پانزده مثقال اضافه شود، باید زکات تمام ۱۸ مثقال را از قرار چهل یک بدهد و اگر کمتر از سه مثقال اضافه شود، فقط باید زکات ۱۵ مثقال آن را بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است هر چه بالا رود؛ یعنی اگر سه مثقال اضافه شود، باید زکات تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود، مقداری که اضافه شده زکات ندارد.

❁ نصاب نقره

مسئله ۲۰۰۲. نقره دو نصاب دارد:

اول: ۱۰۵ مثقال معمولی است که اگر نقره به ۱۰۵ مثقال برسد و شرایط دیگر را هم که گفته شد داشته باشد، باید چهل یک آن را، که ۲ مثقال و ۱۵ نخود

است، بابت زکات بدهد و اگر به این مقدار نرسد، زکات آن واجب نیست. **دوم:** ۲۱ مثقال است؛ یعنی اگر ۲۱ مثقال به ۱۰۵ مثقال اضافه شود، باید زکات تمام ۱۲۶ مثقال را به طوری که گفته شد بدهد، و اگر کمتر از ۲۱ مثقال اضافه شود، فقط باید زکات ۱۰۵ مثقال آن را بدهد و زیادی آن زکات ندارد و همچنین است هرچه بالا رود، یعنی اگر ۲۱ مثقال اضافه شود، باید زکات تمام آنها را بدهد و اگر کمتر اضافه شود، مقداری که اضافه شده و کمتر از ۲۱ مثقال است زکات ندارد. ولی برای آسان شدن حساب، اگر انسان چهل یک هرچه طلا و نقره دارد را بدهد، زکاتی را که بر او واجب بوده داده و گاهی هم بیشتر از مقدار واجب داده است، مثلاً کسی که ۱۱۰ مثقال نقره دارد، اگر چهل یک آن را بدهد، زکات ۱۰۵ مثقال آن را که واجب بوده داده و مقداری هم برای ۵ مثقال آن داده که واجب نبوده است.

مسئله ۲۰۳. کسی که طلا یا نقره او به اندازه نصاب است، گرچه زکات آن را داده باشد، تا وقتی از نصاب اول کم نشده، همه ساله باید زکات آن را بدهد.

❦ **دوم:** طلا یا نقره مسکوک بوده و معامله با آن رایج باشد

مسئله ۲۰۴. زکات طلا و نقره در صورتی واجب می شود که آن را سکه زده باشند و معامله با آن رایج باشد (ثمن معامله واقع شود)، اگر سکه آن از بین هم رفته باشد، باید زکات آن را بدهند و سکه های فعلی که رواج معاملی ندارند، مشمول زکات نمی شوند.

مسئله ۲۰۵. طلا و نقره سکه داری که زن برای زینت به کار می برد زکات ندارد، هرچند رواج معامله با آن باقی باشد.

مسئله ۲۰۶. کسی که طلا و نقره دارد، اگر هیچ کدام آنها به اندازه نصاب اول نباشد، مثلاً ۱۰۴ مثقال نقره و ۱۴ مثقال طلا داشته باشد، زکات بر او واجب نیست.

❦ **سوم:** شخص یک سال - با وجود سایر شرایط عمومی و اختصاصی - مالک طلا یا نقره باشد

مسئله ۲۰۷. اگر انسان یازده ماه مالک نصاب طلا و نقره باشد و سایر شرایط وجوب زکات آنها نیز فراهم باشد، اول ماه دوازدهم باید زکات آن را بدهد ولی اول

سال بعد را باید بعد از تمام شدن ماه دوازدهم حساب کند، و اگر در بین یازده ماه، طلا و نقره از نصاب اول کمتر شود یا بعضی از شرایط وجود نداشته باشد، زکات بر او واجب نیست.

✽ زمان وجوب پرداخت زکات طلا و نقره

مسئله ۲۰۰۸. باتوجه به مسئله قبل، فرد باید زکات طلا و نقره را بعد از تمام شدن ماه یازدهم - یعنی اول ماه دوازدهم - به فقیر بدهد یا از مال خود جدا نماید و حکم تأخیر پرداخت زکات در مسئله «۲۰۷۳» و «۲۰۷۴» خواهد آمد.

✽ احکام دیگر زکات طلا و نقره

مسئله ۲۰۰۹. اگر در بین یازده ماه، طلا و نقره‌ای را که دارد با طلا یا نقره یا چیز دیگر عوض نماید یا آنها را آب کند، زکات بر او واجب نیست، ولی اگر برای فرار از دادن زکات، این کارها را بکند، احتیاط مستحب آن است که زکات را بدهد.

مسئله ۲۰۱۰. اگر در ماه دوازدهم، پول طلا و نقره را آب کند، باید زکات آنها را بدهد و چنانچه به واسطه آب کردن، وزن یا قیمت آنها کم شود، باید زکاتی را که پیش از آب کردن بر او واجب بوده بدهد.

✽ زکات شتر، گاو و گوسفند

کسی که مالک «شتر» و «گاو» و «گوسفند» است، در صورت دارا بودن شرایط عمومی که قبلاً ذکر شد و شرایط اختصاصی که خواهد آمد، باید زکات شتر یا گاو یا گوسفند خویش را بپردازد.

✽ شرایط اختصاصی

✽ اول: تعداد حیوانات مذکور به حد نصاب برسد

✽ نصاب شتر

مسئله ۲۰۱۱. شتر دوازده نصاب دارد:

اول: پنج شتر؛ و زکات آن یک گوسفند است. تا شماره شتر به این مقدار نرسد، زکات ندارد.

دوم: ده شتر؛ و زکات آن دو گوسفند است.

سوم: پانزده شتر؛ و زکات آن سه گوسفند است.

چهارم: بیست شتر؛ و زکات آن چهار گوسفند است.

پنجم: بیست و پنج شتر؛ و زکات آن پنج گوسفند است.

ششم: بیست و شش شتر؛ و زکات آن یک شتر است که داخل سال دوم شده باشد.

هفتم: سی و شش شتر؛ و زکات آن یک شتر است که داخل سال سوم شده باشد.

هشتم: چهل و شش شتر؛ و زکات آن یک شتر است که داخل سال چهارم شده باشد.

نهم: شصت و یک شتر؛ و زکات آن یک شتر است که داخل سال پنجم شده باشد.

دهم: هفتاد و شش شتر؛ و زکات آن دو شتر است که داخل سال سوم شده باشد.

یازدهم: نود و یک شتر؛ و زکات آن دو شتر است که داخل سال چهارم شده باشد.

دوازدهم: صد و بیست و یک شتر و بالاتر از آن است؛ که باید یا چهل تا چهل تا

حساب کند و برای هر چهل تا، یک شتری بدهد که داخل سال سوم شده باشد یا

پنجاه تا پنجاه تا حساب کند و برای هر پنجاه تا، یک شتری بدهد که داخل سال

چهارم شده باشد و یا با چهل و پنجاه حساب کند، ولی در هر صورت، باید طوری

حساب کند که چیزی باقی نماند یا اگر چیزی باقی می ماند، از نه شتر بیشتر

نباشد، مثلاً اگر ۱۴۰ شتر دارد، باید برای صد تا، دو شتر که هر یک داخل سال

چهارم شده و برای چهل تا، یک شتر که داخل سال سوم شده بدهد و شتری

که به عنوان زکات داده می شود باید ماده باشد و اگر ندارد، نر بدهد و چنانچه

هیچ یک به سن های ذکر شده ندارد، باید بخرد و در خریدن نریا ماده اختیار دارد.

مسئله ۲۰۱۲. زکات بین دو نصاب واجب نیست. پس اگر شماره شترهایی که دارد

از نصاب اول که پنج است بگذرد، تا به نصاب دوم که ده تا است نرسیده، فقط باید

زکات پنج تای آن را بدهد.

✽ نصاب گاو

مسئله ۲۰۱۳. گاو دو نصاب دارد:

اول: سی تاست که وقتی شماره گاو به سی رسید، اگر شرایطی را که گفته شد داشته باشد، باید یک گوساله که داخل سال دوم شده، بابت زکات بدهد و احتیاط لازم این است که گوساله نر باشد.

دوم: چهل است و زکات آن، یک گوساله ماده است که داخل سال سوم شده باشد.

مسئله ۲۰۱۴. زکات بین سی و چهل واجب نیست، مثلاً کسی که سی و نه گاو دارد، فقط باید زکات سی تای آنها را بدهد و نیز اگر از چهل گاو زیاده داشته باشد تا به شصت نرسیده، فقط باید زکات چهل تای آن را بدهد و بعد از آنکه به شصت رسید، چون دو برابر نصاب اول را دارد، باید دو گوساله ای که داخل سال دوم شده اند بدهد و همچنین هرچه بالا رود باید یا سی تاست یا حساب کند یا چهل تا چهل تا یا با سی و چهل حساب نماید و زکات آن را به دستوری که گفته شد بدهد، ولی باید طوری حساب کند که چیزی باقی نماند یا اگر چیزی باقی می ماند از نه تا بیشتر نباشد، مثلاً اگر هفتاد گاو دارد، باید به حساب سی و چهل حساب کند، و برای سی تای آن زکات سی تا و برای چهل تای آن زکات چهل تا را بدهد، چون اگر به حساب سی تا حساب کند، ده تا زکات نداده می ماند، ولی در جایی که رعایت این جهت ممکن نیست، مثل آنکه پنجاه گاو داشته باشد، احتیاط آن است که چهل را بگیرد، گرچه باز هم ده تا زیاد می آید.

✽ نصاب گوسفند

مسئله ۲۰۱۵. گوسفند پنج نصاب دارد:

اول: چهل؛ و زکات آن یک گوسفند است و تا گوسفند به چهل نرسد، زکات ندارد.

دوم: صد و بیست و یک؛ و زکات آن دو گوسفند است.

سوم: دویست و یک؛ و زکات آن سه گوسفند است.

چهارم: سیصد و یک؛ و زکات آن چهار گوسفند است.

پنجم: چهارصد و بالاتر از آن؛ که باید آنها را صد تا صد تا حساب کند و برای هر صد تای آنها یک گوسفند بدهد. لازم نیست زکات را از خود گوسفندها بدهد،

بلکه اگر گوسفند دیگری بدهد یا مطابق قیمتِ گوسفند، پول یا جنس دیگری بدهد، کافی است.

مسئله ۲۰۱۶. زکات بین دو نصاب واجب نیست. پس اگر شماره گوسفندهای کسی از نصاب اول که چهل است بیشتر باشد، تا وقتی به نصاب دوم که صد و بیست و یک است نرسیده، فقط باید زکات چهل تایی آنها را بدهد و زیادی آنها زکات ندارد و همچنین است در نصاب‌های بعد.

❁ **دوم: شخص یک سال - با وجود سایر شرایط عمومی و اختصاصی - مالک حیوانات مذکور باشد**
مسئله ۲۰۱۷. اگر انسان یازده ماه مالک نصاب گاو و گوسفند و شتر باشد و سایر شرایط وجوب زکات آنها نیز فراهم باشد، اول ماه دوازدهم باید زکات آن را بدهد، ولی اول سال بعد را باید بعد از تمام شدن ماه دوازدهم حساب کند و اگر در بین یازده ماه، گاو و گوسفند و شتر از نصاب اول کمتر شود یا بعضی از شرایط وجود نداشته باشد، زکات بر او واجب نیست.

❁ **سوم: حیوانات مذکور در تمام سال بیکار باشند**
مسئله ۲۰۱۸. حیوان در تمام سال بیکار باشد. ولی اگر در تمام سال یکی دو روز کار کرده باشد، بنابر احتیاط، زکات آن واجب است.

❁ **چهارم: حیوانات مذکور در تمام سال از چراگاه‌های طبیعی واقع در بیابان و مانند آن، چرانمایند**
مسئله ۲۰۱۹. در تمام سال از علف بیابان بچرد. پس اگر تمام سال یا مقداری از آن را از علف چیده شده یا از زراعتی که ملک مالک یا ملک کسی دیگر است بچرد زکات ندارد، ولی اگر در تمام سال یک روز یا دو روز از علف مالک بخورد، بنابر احتیاط زکات آن واجب می‌باشد.

مسئله ۲۰۲۰. اگر انسان برای شتر و گاو و گوسفند خود، چراگاهی را که کسی نکاشته، بخرد یا اجاره کند یا برای چراندن در آن باج بدهد، باید زکات را بدهد.

✽ زمان وجوب پرداخت زکات شتر و گاو و گوسفند

مسئله ۲۰۲۱. با توجه به مسئله «۲۰۰۷»، فرد باید زکات شتر و گاو و گوسفند را بعد از تمام شدن ماه یازدهم - یعنی اول ماه دوازدهم - به فقیر بدهد یا از مال خود جدا نماید و حکم تأخیر پرداخت زکات در مسئله «۲۰۷۳» و «۲۰۷۴» خواهد آمد.

✽ احکام دیگر زکات شتر و گاو و گوسفند

مسئله ۲۰۲۲. زکات شتر و گاو و گوسفندی که به مقدار نصاب رسیده، واجب است، چه همه آنها نر باشند چه همه ماده، یا بعضی نر باشند و بعضی ماده.

مسئله ۲۰۲۳. در زکات، گاو و گاومیش یک جنس حساب می شوند و شتر عربی و غیر عربی یک جنس است و همچنین بز و میش و شیشک در زکات با هم فرق ندارند.

مسئله ۲۰۲۴. اگر گوسفند برای زکات بدهد، بنابر احتیاط واجب باید حداقل داخل سال دوم شده باشد و اگر بز بدهد، احتیاطاً باید داخل سال سوم شده باشد.

مسئله ۲۰۲۵. گوسفندی را که بابت زکات می دهد، اگر قیمتش از قیمت گوسفندهای متوسط در بین نصاب کمتر باشد اشکال دارد و بهتر است گوسفندی را که قیمت آن از تمام گوسفندهایش بیشتر است بدهد و همچنین است در گاو و شتر.

مسئله ۲۰۲۶. اگر چند نفر با هم شریک باشند، هر کدام از آنان که سهمش به نصاب اول رسیده، باید زکات بدهد و بر کسی که سهم او کمتر از نصاب اول است، زکات واجب نیست.

مسئله ۲۰۲۷. اگر یک نفر در چند جا گاو یا شتر یا گوسفند داشته باشد و روی هم به اندازه نصاب باشند، باید زکات آنها را بدهد.

مسئله ۲۰۲۸. اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد مریض و معیوب باشند، باز هم باید زکات آنها را بدهد.

مسئله ۲۰۲۹. اگر گاو و گوسفند و شتری که دارد مریض یا معیوب یا پیر باشند، می تواند زکات را از خود آنها بدهد، ولی اگر همه سالم و بی عیب و جوان باشند، نمی تواند زکات آنها را از مریض یا معیوب یا پیر بدهد، بلکه اگر بعضی از آنها سالم و بعضی مریض و دسته ای معیوب و دسته دیگری بی عیب و مقداری پیر و مقداری جوان باشند، احتیاط

واجب آن است که برای زکات آنها سالم و بی عیب و جوان بدهد.
مسئله ۲۰۳۰. اگر پیش از تمام شدن ماه یازدهم، گاو و گوسفند و شتری را که دارد با چیز دیگر عوض کند یا نصابی را که دارد با مقدار نصاب از همان جنس عوض نماید، مثلاً چهل گوسفند بدهد و چهل گوسفند دیگر بگیرد، زکات بر او واجب نیست.

مسئله ۲۰۳۱. کسی که باید زکات گاو و گوسفند و شتر را بدهد، اگر زکات آنها را از مال دیگرش بدهد، تا وقتی شماره آنها از نصاب کم نشده، همه ساله باید زکات را بدهد و اگر از خود آنها بدهد و از نصاب اول کمتر شوند، زکات بر او واجب نیست، مثلاً کسی که چهل گوسفند دارد، اگر از مال دیگرش زکات آنها را بدهد تا وقتی که گوسفندهای او از چهل کم نشده، همه ساله باید یک گوسفند بدهد و اگر از خود آنها بدهد تا وقتی به چهل نرسیده، زکات بر او واجب نیست.

❁ موارد مصرف زکات

انسان می تواند زکات را در هشت مورد مصرف کند:

❁ اول و دوم: فقیر و مسکین

مسئله ۲۰۳۲. «فقیر» کسی است که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد. کسی که صنعت یا ملک یا سرمایه ای دارد که می تواند مخارج سال خود را از منافع آن بگذراند، فقیر نیست.

«مسکین» کسی است که از فقیر، سخت تر می گذراند.

مسئله ۲۰۳۳. زکات دهنده نمی تواند بیشتر از مخارج یک سال فقیر و عیالاتش را از زکات به وی بپردازد و اگر فقیر مقداری از مخارج را داشته باشد، به مقدار کسری مخارج سال، می تواند زکات بگیرد. و ابتدای سال فقیر، زمان دریافت زکات است.

مسئله ۲۰۳۴. کسی که مخارج سالش را داشته، اگر مقداری از آن را مصرف کند و بعد شک کند که آنچه باقی مانده به اندازه مخارج بقیه سال او هست یا نه، نمی تواند زکات بگیرد.

مسئله ۲۰۳۵. صنعت‌گرایا مالک یا تاجری که درآمد او از مخارج سالش کمتر است، می‌تواند برای کسری مخارجش زکات بگیرد و لازم نیست ابزار کار یا ملک یا سرمایه خود را به مصرف مخارج برساند.

مسئله ۲۰۳۶. فقیری که خرج سال خود و عیالاتش را ندارد، اگر خانه‌ای دارد که ملک او است و در آن نشسته یا وسیله سواری دارد، چنانچه بدون این‌ها نتواند زندگی کند، گرچه برای حفظ آبرویش باشد، می‌تواند زکات بگیرد و همچنین است اثاث خانه و ظرف و لباس تابستانی و زمستانی و چیزهایی که به آنها احتیاج دارد، فقیری که این‌ها را ندارد، اگر به این‌ها احتیاج داشته باشد، می‌تواند از زکات خریداری نماید.

مسئله ۲۰۳۷. فقیری که یاد گرفتن صنعت برای او مشکل نیست، باید یاد بگیرد و جایز نیست با گرفتن زکات زندگی کند، ولی تا وقتی که به خاطر یاد گرفتن و مقدمات آن و یا تحصیل شغل، از تأمین مخارج خود عاجز است، می‌تواند زکات بگیرد.

مسئله ۲۰۳۸. به کسی که قبلاً فقیر بوده و می‌گوید فقیرم، می‌شود زکات داد، گرچه انسان از گفته او اطمینان پیدا نکند.

مسئله ۲۰۳۹. کسی که می‌گوید فقیرم و قبلاً فقیر نبوده یا معلوم نیست فقیر بوده یا نه، چنانچه از گفته او اطمینان پیدا نشود، احتیاط واجب آن است که به او زکات ندهند.

مسئله ۲۰۴۰. کسی که باید زکات بدهد، اگر از فقیری طلبکار باشد، می‌تواند طلبی را که از او دارد، بابت زکات حساب کند.

مسئله ۲۰۴۱. اگر فقیر بمیرد و مال او به اندازه قرضش نباشد، انسان می‌تواند طلبی را که از او دارد بابت زکات حساب کند، ولی اگر مال او به اندازه قرضش باشد و ورثه قرض او را ندهند، یا به جهت دیگر، انسان نتواند طلب خود را بگیرد، بنابر احتیاط واجب نباید طلبی را که از او دارد، بابت زکات حساب کند.

مسئله ۲۰۴۲. چیزی را که انسان بابت زکات به فقیر می‌دهد، لازم نیست به او بگوید که زکات است، بلکه اگر فقیر خجالت بکشد، مال را به قصد زکات به او بدهد و زکات بودنش را اظهار ننماید.

مسئله ۲۰۴۳. اگر به خیال اینکه کسی فقیر است به او زکات بدهد و بعد بفهمد فقیر نبوده یا از روی ندانستن مسئله به کسی که می‌داند فقیر نیست زکات بدهد؛ چنانچه

چیزی را که به او داده باقی باشد، باید از او بگیرد و به مستحق بدهد و اگر از بین رفته باشد، پس اگر کسی که آن چیز را گرفته می‌دانسته زکات است، انسان باید عوض آن را از او بگیرد و به مستحق بدهد و اگر نمی‌دانسته زکات است، نمی‌تواند چیزی از او بگیرد و باید از مال خودش زکات را به مستحق بدهد.

✽ سوم: عامل و کارگزار زکات

مسئله ۲۰۴۴. «عامل و کارگزار زکات» کسی است که از طرف امام علیه السلام یا نایب امام، مأمور شده تا زکات را جمع و نگه‌داری نماید و به حساب آن رسیدگی کند و آن را به امام علیه السلام یا نایب امام یا فقرا برساند و در ازای کارش به عنوان اجرت و حق الزحمه، از زکات به وی پرداخت گردد.

✽ چهارم: کفاری که دادن زکات به آنان موجب تمایل شان به اسلام می‌شود

مسئله ۲۰۴۵. کفاری که اگر زکات به آنان بدهند به دین اسلام مایل می‌شوند یا در جنگ به مسلمانان کمک می‌کنند. ولی بعید نیست که اعطا و دادن این قسم، مخصوص امام علیه السلام باشد.

✽ پنجم: خریداری بنده برای آزاد کردن آن

✽ ششم: بدهکار (غارم)

مسئله ۲۰۴۶. کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، گرچه مخارج سال خود را داشته باشد، می‌تواند برای دادن قرض خود از سهم بدهکاران زکات بگیرد، ولی باید مالی را که قرض کرده در معصیت خرج نکرده باشد یا اگر در معصیت خرج کرده، از آن معصیت توبه کرده باشد. بلی، از سهم فقرا می‌تواند زکات بگیرد، گرچه از آن معصیت توبه نکرده باشد.

مسئله ۲۰۴۷. اگر به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، از سهم بدهکاران زکات بدهد و بعد بفهمد قرض را در معصیت مصرف کرده، چنانچه آن

بدهکار فقیر باشد، می‌تواند آنچه را به او داده بابت زکات حساب کند، گرچه از آن معصیت توبه نکرده باشد.

مسئله ۲۰۴۸. کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، گرچه فقیر نباشد، انسان می‌تواند طلبی را که از او دارد، بابت زکات حساب کند.

※ هفتم: سبیل الله

مسئله ۲۰۴۹. «سبیل الله» هر کار خیر و عمل نیکی است که از شارع مقدس نسبت به آن تشویق شده باشد، مثل ساختن مدرسه علوم دینی و پل و منزلگاه برای مسافران و زائران و مسجد و دارالایتام و تعظیم شعائر و چاپ کتب دینی و نشر معارف اسلامی و هر کاری که موجب تقرّب به خداوند متعال و اعتلای کلمه اسلام باشد.

※ هشتم: ابن السبیل (مسافر در راه مانده)

مسئله ۲۰۵۰. «ابن السبیل» مسافری است که به جهت تمام شدن خرجی او یا از کار افتادن مرکبش، در سفر در مانده شده باشد. چنین مسافری با وجود شرایط ذیل می‌تواند زکات مال بگیرد، هر چند در وطن خود فقیر نباشد.

اول: سفر او، سفر معصیت نباشد و خود او هم در معصیت نباشد.

دوم: مالی نداشته باشد که بتواند با فروختن آن خود را به مقصد برساند.

سوم: نتواند با قرض کردن خود را به مقصد برساند.

ولی اگر بتواند در جای دیگر با قرض کردن یا فروختن چیزی مخارج سفر خود را فراهم کند، فقط به مقداری که به آنجا برسد، می‌تواند زکات بگیرد.

مسئله ۲۰۵۱. مسافری که در سفر در مانده شده و زکات گرفته بعد از آنکه به وطنش رسید، اگر چیزی از زکات زیاد آمده باشد، باید بنا بر احتیاط لازم آن را به حاکم شرع بدهد و بگوید که این از زکات است.

❁ شرایط کسانی که مستحق زکات اند

مستحقین زکات که می‌توان زکات خود را به آنان پرداخت کرد، علاوه بر شروطی که سابقاً گذشت، باید دارای شرایط دیگری نیز باشند که در مسائل بعد ذکر می‌شود.

❁ اول: شیعه دوازده امامی باشد

مسئله ۲۰۵۲. کسی که زکات می‌گیرد باید شیعه دوازده امامی باشد. اگر انسان کسی را شیعه بداند و به او زکات بدهد، بعد معلوم شود شیعه نبوده، باید دوباره زکات را به مستحقش بپردازد.

مسئله ۲۰۵۳. اگر طفل یا دیوانه‌ای از شیعه، فقیر باشد، انسان می‌تواند به ولی او زکات بدهد، به قصد اینکه آنچه را می‌دهد ملک طفل یا دیوانه باشد.

مسئله ۲۰۵۴. اگر به ولی طفل و دیوانه از شیعه فقیر دسترسی ندارد، به حاکم شرع رجوع کند و اگر آن هم فراهم نبود می‌تواند خودش یا به وسیله یک نفر امین، زکات را به مصرف طفل یا دیوانه برساند و باید موقعی که زکات به مصرف آنان می‌رسد نیت زکات کند.

❁ دوم: زکات را در معصیت مصرف نکند

مسئله ۲۰۵۵. به فقیری که زکات را در معصیت مصرف می‌کند، نمی‌شود زکات داد، ولی به فقیری که گدایی می‌کند، می‌شود زکات داد.

❁ سوم: آشکارا معصیت کبیره را به جانیاورد

مسئله ۲۰۵۶. احتیاط واجب آن است به کسی که معصیت کبیره را آشکارا به جا می‌آورد، زکات ندهند.

❁ چهارم: واجب النفقه زکات دهنده نباشد

مسئله ۲۰۵۷. انسان نمی‌تواند مخارج کسانی را که مثل فرزند، خرجشان بر او واجب است از زکات بدهد، ولی اگر مخارج آنان را ندهد، دیگران می‌توانند به آنان زکات بدهند.

مسئله ۲۰۵۸. به کسی که بدهکار است و نمی‌تواند بدهی خود را بدهد، گرچه مخارج او برانسان واجب باشد، می‌شود زکات داد که بدهی خود را بپردازد.

مسئله ۲۰۵۹. اگرانسان به پسرش زکات بدهد که خرج همسر خود نماید، اشکال ندارد.

مسئله ۲۰۶۰. اگر پسر به کتاب‌های علمی دینی احتیاج داشته باشد، پدر می‌تواند برای خریدن آنها به او زکات بدهد.

مسئله ۲۰۶۱. پدر می‌تواند به پسرش که متمکن از مخارج ازدواج نباشد، زکات بدهد که زن بگیرد و پسر هم می‌تواند برای آنکه پدرش، زن بگیرد زکات خود را به او بدهد.

مسئله ۲۰۶۲. به زنی که شوهرش مخارج او را می‌دهد یا خرجی نمی‌دهد ولی می‌شود او را به دادن خرجی مجبور کنند، نمی‌شود زکات داد.

مسئله ۲۰۶۳. زنی که صیغه شده، اگر فقیر باشد، شوهرش و دیگران می‌توانند به او زکات بدهند، ولی اگر شوهرش در ضمن عقد شرط کند که مخارج او را بدهد یا به جهت دیگری دادن مخارجش بر او واجب باشد، در صورتی که بتواند مخارج آن زن را بدهد، نمی‌شود به آن زن زکات داد، مگر آنکه مخارجش را شوهر ندهد هر چند از روی معصیت باشد و اجبار شوهر بر ادای نفقه ممکن نباشد.

مسئله ۲۰۶۴. زن می‌تواند به شوهر فقیر خود زکات بدهد، گرچه شوهر، زکات را صرف مخارج خود آن زن نماید.

✽ پنجم: زکات دهنده در صورت سید بودن زکات گیرنده سید باشد

مسئله ۲۰۶۵. سید نمی‌تواند از غیر سید زکات بگیرد، ولی اگر خمس و سایر وجوهات، کفایت مخارج او را نکند و از گرفتن زکات ناچار باشد، می‌تواند از غیر سید زکات بگیرد.

مسئله ۲۰۶۶. به کسی که معلوم نیست سید است یا نه، می‌شود زکات داد.

✽ نیت زکات

مسئله ۲۰۶۷. انسان باید زکات را به قصد قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بدهد و در نیت معین کند که آنچه را می‌دهد زکات مال است یا زکات فطره، و اگر مثلاً زکات گندم و جو بر او واجب باشد، بنا بر احتیاط واجب معین

کند چیزی را که می دهد زکات گندم است یا زکات جو، ولی اگر تنها یک نوع زکات بروی واجب باشد، مثلاً فقط زکات گندم بروی واجب باشد، لازم نیست در نیت خود، آن را هم قصد کند.

مسئله ۲۰۶۸. کسی که زکات چند مال براو واجب شده، اگر مقداری زکات بدهد و نیت هیچ کدام آنها را نکند، چنانچه چیزی را که داده هم جنس یکی از آنها باشد، زکات همان جنس حساب می شود و اگر هم جنس هیچ کدام از آنها نباشد، به همه آنها قسمت می شود. پس کسی که زکات چهل گوسفند و زکات پانزده مثقال طلا براو واجب است، اگر مثلاً یک گوسفند بابت زکات بدهد و نیت هیچ کدام آنها را نکند، زکات گوسفند حساب می شود، ولی اگر مقداری نقره بدهد، به زکاتی که برای گوسفند و طلا بدهکار است تقسیم می شود.

مسئله ۲۰۶۹. اگر کسی را در دادن زکات وکیل کند، باید وکیل قصد قربت کند، و در وکیل کردن و همچنین وقتی که زکات را به وکیل می دهد قصد قربت لازم نیست، و اگر کسی را فقط در رساندن زکات به فقیر وکیل کند باید خودش در موقع دادن زکات به وکیل قصد قربت نماید، و احتیاط مستحب آن است که تا وقتی به فقیر می رسد به قصدش باقی باشد.

مسئله ۲۰۷۰. اگر مالک یا وکیل او بدون قصد قربت زکات را به فقیر بدهد و پیش از آنکه آن مال از بین برود، خود مالک نیت زکات کند، زکات حساب می شود.

❁ مسائل متفرقه زکات

مسئله ۲۰۷۱. موقعی که گندم و جو را از کاه جدا می کنند و موقع خشک شدن خرما و انگور، انسان باید زکات آن را به فقیر بدهد یا از مال خود جدا کند. زکات طلا و نقره و گاو و گوسفند و شتر را بعد از تمام شدن ماه یازدهم باید به فقیر بدهد یا از مال خود جدا نماید. اگر منتظر فقیر معینی باشد یا بخواهد به فقیری بدهد که از جهتی برتری دارد، بنا بر احتیاط لازم زکات را جدا کند تا بعد به آن فقیر معین برساند.

مسئله ۲۰۷۲. بعد از جدا کردن زکات، اگر انتظار مورد معینی را نداشته باشد، احتیاط لازم آن است که فوراً آن را به مستحق بدهد.

مسئله ۲۰۷۳. کسی که می‌تواند زکات را به مستحق برساند، اگر ندهد و به واسطه کوتاهی او از بین برود، باید عوض آن را بدهد.

مسئله ۲۰۷۴. کسی که می‌تواند زکات را به مستحق برساند، اگر زکات را ندهد و بدون آنکه در نگهداری آن کوتاهی کند از بین برود، چنانچه دادن زکات را به قدری تأخیر انداخته که نمی‌گویند فوراً داده است، باید عوض آن را بدهد و اگر به این مقدار تأخیر نینداخته، مثلاً دو سه ساعت تأخیر انداخته و در همان دو سه ساعت تلف شده، در صورتی که مستحق حاضر نبوده، چیزی براو واجب نیست، و اگر مستحق حاضر بوده، بنابر احتیاط واجب، باید عوض آن را بدهد.

مسئله ۲۰۷۵. اگر زکات را از خود مال کنار بگذارد، می‌تواند در بقیه آن تصرف کند و اگر از مال دیگرش کنار بگذارد، می‌تواند در تمام مال تصرف نماید.

مسئله ۲۰۷۶. انسان نمی‌تواند زکاتی را که کنار گذاشته برای خود بردارد و چیز دیگری به جای آن بگذارد.

مسئله ۲۰۷۷. اگر از زکاتی که کنار گذاشته، منفعتی حاصل شود مثلاً از گوسفندی که برای زکات گذاشته، بزه متولد شود، مال فقیر است.

مسئله ۲۰۷۸. اگر موقعی که زکات را کنار می‌گذارد مستحق حاضر باشد، احتیاط لازم آن است که زکات را به او بدهد، مگر کسی را در نظر داشته باشد که دادن زکات به او از جهتی بهتر باشد.

مسئله ۲۰۷۹. اگر با عین مالی که برای زکات کنار گذاشته، برای خودش تجارت کند، صحیح نیست و اگر با اجازه حاکم شرع برای مصلحت زکات تجارت کند، تجارت صحیح و نفعش مال زکات است.

مسئله ۲۰۸۰. اگر پیش از آنکه زکات براو واجب شود، چیزی بابت زکات به فقیر بدهد، زکات حساب نمی‌شود و بعد از آنکه زکات براو واجب شد، اگر چیزی را که به فقیر داده از بین نرفته باشد و آن فقیر هم به فقر خود باقی باشد، می‌تواند چیزی را که به او داده بابت زکات حساب کند.

مسئله ۲۰۸۱. فقیری که می‌داند زکات برانسان واجب نشده، اگر چیزی بابت زکات بگیرد و پیش او تلف شود، ضامن است. پس موقعی که زکات برانسان واجب می‌شود

اگر آن فقیر به فقر خود باقی باشد، می‌تواند عوض چیزی را که به او داده بابت زکات حساب کند.

مسئله ۲۰۸۲. فقیری که نمی‌داند زکات برانسان واجب نشده، اگر چیزی بابت زکات بگیرد و پیش او تلف شود ضامن نیست و انسان نمی‌تواند عوض آن را بابت زکات حساب کند.

مسئله ۲۰۸۳. اگر در شهر خودش مستحق پیدا شود، می‌تواند زکات را به شهر دیگر ببرد، ولی مخارج بردن به آن شهر را باید از خودش بدهد و اگر زکات تلف شود، ضامن است مگر آنکه با اجازه حاکم شرع برده باشد.

مسئله ۲۰۸۴. اجرت وزن کردن و پیمانه کردن گندم و جو و کشمش و خرمایی را که برای زکات می‌دهد، با خود او است.

مسئله ۲۰۸۵. کسی که ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره یا بیشتر، بابت زکات بدهکار است، بنابر احتیاط مستحب کمتر از ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره به یک فقیر ندهد و نیز اگر غیر نقره چیز دیگری مثل گندم و جو بدهکار باشد و قیمت آن به ۲ مثقال و ۱۵ نخود نقره برسد، بنابر احتیاط مستحب به یک فقیر کمتر از آن ندهد.

مسئله ۲۰۸۶. اگر شک کند زکاتی را که بر او واجب بوده داده یا نه، باید زکات را بدهد، هر چند شک او برای زکات سال‌های پیش باشد.

مسئله ۲۰۸۷. فقیر بنابر احتیاط لازم نمی‌تواند زکات را به کمتر از مقدار آن صلح کند یا چیزی را گران‌تر از قیمت آن، بابت زکات قبول نماید یا زکات را از مالک بگیرد و به او ببخشد، ولی کسی که زکات زیادی بدهکار است و فقیر شده و نمی‌تواند زکات را بدهد، چنانچه بخواهد توبه کند، فقیر می‌تواند زکات را از او بگیرد و به او ببخشد.

مسئله ۲۰۸۸. انسان می‌تواند از زکات، قرآن یا کتاب دینی یا کتاب دعا بخرد و وقف نماید، گرچه بر اولاد خود و بر کسانی وقف کند که خرج آنان بر او واجب است و نیز می‌تواند تولیت وقف را برای خود یا اولاد خود قرار دهد.

مسئله ۲۰۸۹. ظاهر آن است که انسان نمی‌تواند از زکات ملک بخرد و بر اولاد خود یا بر کسانی که مخارج آنان بر او واجب است وقف نماید که عایدی آن را به مصرف مخارج خود برسانند.

مسئله ۲۰۹۰. فقیر می‌تواند برای رفتن به حج و زیارت و مانند این‌ها زکات بگیرد، ولی اگر به مقدار خرج سالش زکات گرفته باشد، برای زیارت و مانند آن نمی‌تواند از سهم فقرا زکات بگیرد، ولی از سهم سبیل الله مانعی ندارد.

مسئله ۲۰۹۱. اگر مالک، فقیری را وکیل کند که زکات مال او را بدهد، چنانچه آن فقیر بداند که قصد مالک این بوده که خود آن فقیر از زکات بر ندارد، نمی‌تواند چیزی از آن برای خودش بردارد و اگر یقین داشته باشد که قصد مالک این نبوده، می‌تواند برای خودش هم بردارد.

مسئله ۲۰۹۲. اگر فقیر، شتر و گاو و گوسفند و طلا و نقره را بابت زکات بگیرد، چنانچه شرط‌هایی که برای واجب شدن زکات گفته شد در آنها جمع شود، باید زکات آنها را بدهد.

مسئله ۲۰۹۳. اگر دو نفر در مالی که زکات آن واجب شده با هم شریک باشند و یکی از آنان زکات قسمت خود را بدهد، و بعد مال را تقسیم کنند، چنانچه بداند شریکش زکات سهم خود را نداده، تصرف او در سهم خودش هم اشکال دارد.

مسئله ۲۰۹۴. کسی که خمس یا زکات بدهکار است و کفاره و نذر و مانند این‌ها هم بر او واجب است و قرض هم دارد، چنانچه نتواند همه آنها را بدهد، اگر مالی که خمس یا زکات آن واجب شده، از بین نرفته باشد، باید خمس و زکات را بدهد و اگر از بین رفته باشد، احتیاط لازم آن است که اگر نذر دارد، نذر را مقدّم بدارد و اگر نذر ندارد، می‌تواند خمس یا زکات را بدهد یا کفاره و قرض و مانند این‌ها را ادا نماید و احتیاط مستحب، توزیع بر این موارد است.

مسئله ۲۰۹۵. کسی که خمس یا زکات بدهکار است و نذر و مانند این‌ها هم بر او واجب است و قرض هم دارد، اگر بمیرد و مال او برای همه آنها کافی نباشد، چنانچه مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین نرفته باشد، باید خمس یا زکات را بدهند و بقیه مال او را به چیزهای دیگری که بر او واجب است قسمت کنند و اگر مالی که خمس و زکات آن واجب شده از بین رفته باشد، مال او را به خمس و زکات و قرض و نذر و مانند این‌ها قسمت نمایند، مثلاً اگر چهل تومان خمس بر او واجب است، و بیست تومان به کسی بدهکار است و همه مال او سی تومان است، باید بیست تومان

بابت خمس، و ده تومان برای دین او بدهند.

مسئله ۲۰۹۶. کسی که مشغول تحصیل علم است و اگر تحصیل نکند می تواند برای معاش خود، کسب کند؛ چنانچه تحصیل آن علم، واجب یا مستحب باشد، می شود به او زکات داد، ولی احتیاط برای اهل علم، نگرفتن زکات است، مگر در صورتی که از تحصیلِ مخارج، عاجز باشند و لکن جایز است اشتغال به تحصیل علم، هرچند باعث عجز از تحصیلِ نفقه شود.

✽ مستحبات و مکروهات مرتبط با پرداخت زکات

مسئله ۲۰۹۷. مستحب است زکات گاو و گوسفند و شتر را به فقیرهای آبرومند بدهد و در دادن زکات، خویشانِ خود را بر دیگران، و اهل علم و کمال را بر غیر آنان، و کسانی را که اهل سؤال و تقاضای کمک از دیگران نیستند بر اهل سؤال مقدم بدارد، ولی اگر دادن زکات به فقیری از جهت دیگری بهتر باشد، مستحب است زکات را به او بدهد.

مسئله ۲۰۹۸. بهتر است زکات را آشکارا، و صدقه مستحبی را پنهانی بدهند.

مسئله ۲۰۹۹. مکروه است انسان از مستحق درخواست کند که زکاتی را که از او گرفته به او بفروشد، ولی اگر مستحق بخواهد چیزی را که گرفته بفروشد، بعد از تعیین قیمت آن، کسی که زکات را به او داده، در خریدن آن بر دیگران مقدم است.

✽ زکات فطره

✽ شرایط واجب شدن زکات فطره

مسئله ۲۱۰۰. بر کسی که موقع مغربِ شب عید فطر، شرایط ذیل را دارا باشد، پرداخت زکات فطره خودش و کسانی که در شب عید فطر، نان خور او محسوب می شوند، واجب است:

(۱) بالغ باشد؛ (۲) عاقل باشد؛ (۳) هوشیار باشد؛ (۴) فقیر نباشد؛ (۵) بنده کس دیگری نباشد.

مسئله ۲۱۰۱. کسی که مخارج سال خود و عیالاتش را ندارد و کسبی هم ندارد که بتواند مخارج سال خود و عیالاتش را بگذراند، فقیر است و زکات فطره بر او واجب نیست.

مسئله ۲۱۰۲. اگر کسی موقع مغرب شب عید فطر دیوانه باشد، زکات فطره بر او واجب نیست.

مسئله ۲۱۰۳. اگر پیش از مغرب یا مقارن آن، بچه بالغ شود یا دیوانه عاقل گردد یا فقیر غنی شود، در صورتی که شرایط واجب شدن فطره را دارا باشد، باید زکات فطره را بدهد.

مسئله ۲۱۰۴. کسی که موقع مغرب شب عید فطر، زکات فطره بر او واجب نیست، اگر تا پیش از ظهر روز عید، شرط های واجب شدن فطره در او پیدا شود، مستحب است زکات فطره را بدهد.

مسئله ۲۱۰۵. کافری که بعد از مغرب شب عید فطر مسلمان شده، فطره بر او واجب نیست، ولی مسلمانی که شیعه نبوده، اگر بعد از دیدن ماه، شیعه شود، باید زکات فطره را بدهد.

✽ نان خور و احکام آن

مسئله ۲۱۰۶. انسان باید فطره کسانی را که موقع مغرب شب عید فطر، نان خور او حساب می شوند بدهد، کوچک باشند یا بزرگ، مسلمان باشند یا کافر، دادن خرج آنان بر او واجب باشد یا نه، در شهر خود او باشند یا در شهر دیگر.

مسئله ۲۱۰۷. اگر کسی را که نان خور او است و در شهر دیگر است، وکیل کند که از مال او فطره خود را بدهد، چنانچه اطمینان داشته باشد که فطره را می دهد، لازم نیست خودش فطره او را بدهد.

مسئله ۲۱۰۸. فطره مهمانی که پیش از مغرب شب عید فطر با رضایت صاحب خانه وارد شده، در صورتی که بخواهد چندین روز یا حداقل یک شبانه روز بماند، بر صاحب خانه واجب است همان گونه که اگر قبل از عید فطر، چند روز یا حداقل یک شبانه روز مهمان شده و از مزایای مهمانی مثل خوردن غذا استفاده کرده باشد، فطره او بر صاحب خانه است.

مسئله ۲۱۰۹. مهمانی که پیش از مغرب شب عید فطر بدون رضایت صاحب خانه وارد می شود و مدتی نزد او می ماند، بنابر احتیاط واجب فطره او را، هم خودش و هم صاحب خانه بدهد و یا اینکه یکی از آن دو، با اجازه دیگری زکات فطره را به نیت کسی

که واقعاً زکات فطره به گردن اوست بدهد و همچنین است فطره کسی که انسان را مجبور کرده‌اند که خرجی او را بدهد.

مسئله ۲۱۱۰. فطره مهمانی که بعد از مغرب شب عید فطر وارد می‌شود، بر صاحب خانه واجب نیست، گرچه پیش از مغرب او را دعوت کرده باشد و در خانه او هم افطار کند.

مسئله ۲۱۱۱. زنی که شوهرش مخارج او را نمی‌دهد، چنانچه نان خور کسی دیگر باشد، فطره‌اش بر آن کس واجب است، و اگر نان خور کسی دیگر نیست، در صورتی که فقیر نباشد، باید فطره خود را بدهد.

مسئله ۲۱۱۲. فطره طفلی که از مادر یا دایه شیر می‌خورد، بر کسی است که مخارج مادر یا دایه را می‌دهد، ولی اگر مادر یا دایه مخارج خود را از مال طفل برمی‌دارد، فطره طفل بر کسی واجب نیست.

مسئله ۲۱۱۳. اگر انسان کسی را اجیر نماید و شرط کند که مخارج او را بدهد باید فطره او را هم بدهد، ولی چنانچه شرط کند که مقداری از مخارج او را بدهد و مثلاً پولی برای مخارجش بدهد، واجب نیست فطره او را بدهد.

مسئله ۲۱۱۴. اگر بعد از مغرب شب عید فطر بچه‌دار شود یا کسی نان خور او حساب شود، واجب نیست فطره او را بدهد، گرچه مستحب است فطره کسانی را که بعد از مغرب تا پیش از ظهر روز عید، نان خور او حساب می‌شوند بدهد.

مسئله ۲۱۱۵. اگر انسان نان خور کسی باشد و پیش از مغرب یا مقارن آن، نان خور کسی دیگر شود، فطره او بر کسی که نان خور او شده واجب است، مثلاً اگر دختر پیش از مغرب به خانه شوهر رود، شوهرش باید فطره او را بدهد.

مسئله ۲۱۱۶. کسی که دیگری باید فطره او را بدهد، واجب نیست فطره خود را بدهد.

مسئله ۲۱۱۷. اگر فطره انسان بر کسی واجب باشد و او فطره را ندهد، بر خود انسان واجب نمی‌شود، مگر آنکه شخص غنی نان خور فقیر باشد که در این صورت احتیاط لازم آن است که غنی، فطره خود را بدهد.

مسئله ۲۱۱۸. اگر کسی که فطره او بر دیگری واجب است خودش فطره را بدهد، از کسی که فطره بر او واجب شده ساقط نمی‌شود، مگر آنکه به وکالت از طرف او بپردازد.

مسئله ۲۱۱۹. اگر کسی بعد از مغرب شب عید فطر بمیرد، باید فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند، ولی اگر پیش از مغرب بمیرد، واجب نیست فطره او و عیالاتش را از مال او بدهند.

✽ شرایط مالی که بابت زکات فطره داده می شود

✽ اول: فطره برای هر نفر یک صاع از طعام باشد

مسئله ۲۱۲۰. مقدار زکات فطره برای هر نفر یک «صاع»، که تقریباً سه کیلو است، از گندم یا جو یا خرما یا کشمش یا برنج یا ذرت و مانند این ها می باشد که باید به مستحق بدهد و اگر پول یکی از این ها را هم بدهد کافی است.

مسئله ۲۱۲۱. اگر از جنسی که قیمتش دو برابر قیمت معمولی آن است، مثلاً از گندمی که قیمت آن دو برابر قیمت گندم معمولی است، نصف صاع که معنای آن در مسئله پیش گفته شد، بدهد کافی نیست و اگر آن را به قصد قیمت فطره هم بدهد اشکال دارد.

✽ دوم: مقدار صاع در نظر گرفته شده برای هر نفر از یک جنس باشد

مسئله ۲۱۲۲. انسان نمی تواند نصف صاع را از یک جنس، مثلاً گندم و نصف دیگر آن را از جنس دیگر، مثلاً جو بدهد و اگر آن را به قصد قیمت فطره هم بدهد، اشکال دارد. مسئله ۲۱۲۳. کسی که فطره چند نفر را می دهد، لازم نیست فطره همه را از یک جنس بدهد و اگر مثلاً فطره بعضی را گندم و فطره بعض دیگر را جو بدهد، کافی است.

✽ سوم: فطره معیوب نباشد

مسئله ۲۱۲۴. اگر فطره را از چیز معیوب بدهد، کافی نیست.

✽ چهارم: مقدار صاع در نظر گرفته شده برای هر نفر با شیء دیگر مخلوط نباشد

مسئله ۲۱۲۵. گندم یا چیز دیگری را که برای فطره می دهد، باید به جنس دیگریا خاک مخلوط نباشد و چنانچه مخلوط باشد، اگر خالص آن به یک صاع که تقریباً سه کیلو است برسد یا آنچه مخلوط شده به قدری کم باشد که قابل اعتنا نباشد، اشکال ندارد.

❁ پنجم: فطره از مال حلال باشد

مسئله ۲۱۲۶. انسان گرچه مخارج عیالاتش را از مال حرام بدهد، باید فطره آنان را از مال حلال بدهد.

❁ زمان ادای زکات فطره یا کنار گذاشتن آن

مسئله ۲۱۲۷. کسی که نماز عید می خواند، بنا بر احتیاط واجب، باید فطره را پیش از نماز عید بدهد و یا جدا نماید، ولی اگر نماز عید نمی خواند، می تواند دادن فطره را تا ظهر تأخیر بیندازد.

مسئله ۲۱۲۸. اگر به نیت فطره، مقداری از مال خود را کنار بگذارد و تا ظهر روز عید به مستحق ندهد، هروقت آن را می دهد نیت فطره نماید.

مسئله ۲۱۲۹. اگر پیش از ماه رمضان، فطره را بدهد صحیح نیست، لکن جواز دادن آن در ماه رمضان بعید نیست و اگر پیش از رمضان یا در ماه رمضان به فقیر قرض بدهد و بعد از آنکه فطره بر او واجب شد، طلب خود را بابت فطره حساب کند، مانعی ندارد. مسئله ۲۱۳۰. اگر موقعی که دادن زکات فطره واجب است فطره را ندهد و نیز کنار نگذارد، بعداً باید بدون اینکه نیت ادا و قضا کند، فطره را بدهد.

❁ سایر احکام مربوط به کنار گذاشتن زکات فطره

مسئله ۲۱۳۱. اگر انسان مالی داشته باشد که قیمتش از فطره بیشتر است، چنانچه فطره را ندهد و نیت کند که مقداری از آن مال برای فطره باشد اشکال دارد.

مسئله ۲۱۳۲. اگر فطره را کنار بگذارد، نمی تواند آن را برای خودش بردارد و مال دیگری را برای فطره بگذارد.

❁ مصرف زکات فطره و شرایط مستحق آن

❁ شرایط کسانی که مستحق زکات فطره اند

❁ اول و دوم: فقیر و شیعه دوازده امامی باشد

مسئله ۲۱۳۳. احتیاط واجب آن است که زکات فطره را به فقرای شیعه دوازده امامی

بدهد گرچه در شهر دیگر باشند و چون نقل این زکات به شهر دیگر خلاف احتیاط است، اگر در شهر خودش فقیر شیعه نباشد، مال خود را به شهر دیگر ببرد و در آنجا به قصد زکات به شیعه بدهد.

✽ سوم و چهارم: شراب خوار نباشد و آشکارا معصیت نکند

مسئله ۲۱۳۴. فقیری که فطره به او می دهند، احتیاط واجب آن است که شراب خوار و کسی که آشکارا معصیت می کند، نباشد ولی چنانچه عادل نباشد می توان به وی فطره داد.

✽ پنجم: در معصیت مصرف نکند

مسئله ۲۱۳۵. به کسی که فطره را در معصیت مصرف می کند، نباید فطره بدهند.

✽ ششم: زکات دهنده در صورت سید بودن زکات گیرنده، سید باشد

مسئله ۲۱۳۶. کسی که سید نیست، نمی تواند به سید فطره بدهد، حتی اگر سیدی نان خور او باشد، نمی تواند فطره او را به سید دیگر بدهد.

✽ احکام دیگر مصرف زکات فطره

مسئله ۲۱۳۷. احتیاط واجب آن است که به یک فقیر کمتر از یک صاع، که تقریباً سه کیلو است، فطره ندهند، ولی اگر تعداد صاع بیشتری بدهند، اشکال ندارد.

مسئله ۲۱۳۸. اگر طفل شیعه ای فقیر باشد، انسان می تواند فطره را با اذن ولی شرعی او به مصرف او برساند یا به واسطه دادن به ولی طفل، ملک طفل نماید.

مسئله ۲۱۳۹. اگر کسی بگوید فقیرم، نمی شود به او فطره داد، مگر آنکه از گفته او اطمینان پیدا شود یا انسان بداند که قبلاً فقیر بوده است.

✽ نیت زکات فطره

مسئله ۲۱۴۰. انسان باید زکات فطره را به قصد قربت، یعنی برای انجام فرمان خداوند عالم بدهد و موقعی که آن را می دهد، نیت دادن فطره کند.

✽ تلف شدن زکات فطره

مسئله ۲۱۴۱. اگر انسان به خیال اینکه کسی فقیر است به او فطره بدهد و بعد بفهمد فقیر نبوده، چنانچه مالی را که به او داده از بین نرفته باشد، باید پس بگیرد و به مستحق بدهد و اگر نتواند پس بگیرد، باید از مال خودش فطره را بدهد و اگر از بین رفته باشد، در صورتی که گیرنده فطره می دانسته آنچه را گرفته، فطره است، باید عوض آن را بدهد و اگر نمی دانسته، دادن عوض براو واجب نیست و انسان باید دوباره فطره را بدهد.

مسئله ۲۱۴۲. اگر مالی را که برای فطره کنار گذاشته، از بین برود، چنانچه دسترسی به فقیر داشته و دادن فطره را تأخیر انداخته و یا تأخیر هم نینداخته، ولی در حفظ آن کوتاهی کرده، باید عوض آن را بدهد و اگر دسترسی به فقیر نداشته و در حفظ آن هم کوتاهی نکرده، ضامن نیست.

✽ انتقال زکات فطره از محل زکات دهنده به جای دیگر

مسئله ۲۱۴۳. اگر در محل خودش مستحق پیدا شود، احتیاط واجب آن است که فطره را به جای دیگر نبرد و اگر به جای دیگر ببرد و تلف شود، باید عوض آن را بدهد.

✽ مستحبات زکات فطره

مسئله ۲۱۴۴. مستحب است در دادن زکات فطره، خویشان فقیر خود را بر دیگران مقدم بدارد و بعد همسایگان فقیر را، بعد اهل علم فقیر را، ولی اگر دیگران از جهتی برتری داشته باشند، مستحب است آنها را مقدم بدارد.

مسئله ۲۱۴۵. پرداخت زکات فطره بر فقیر واجب نیست ولی چنانچه فقط به اندازه یک صاع، که تقریباً سه کیلو است، گندم و مانند آن دارد، مستحب است زکات فطره را بدهد و چنانچه عیالاتی داشته باشد و بخواهد فطره آنان را هم بدهد، می تواند به قصد فطره، آن یک صاع را به یکی از عیالاتش بدهد و او هم به همین قصد به دیگری بدهد و همچنین تا به نفر آخر برسد و بهتر است نفر آخر، چیزی را که می گیرد به کسی بدهد که از خودشان نباشد و اگر یکی از آنها صغیر باشد، ولی او به جای او می گیرد و احتیاط آن است که چیزی را که برای صغیر گرفته به کسی ندهد.



احکام حج

❖ شرایط واجب شدن حج

مسئله ۲۱۴۶. حج، زیارت خانه خدا و انجام اعمالی است که دستور داده اند در آنجا به جا آورده شود و بر کسی که شرایط ذیل را دارا باشد، در تمام عمر یک مرتبه واجب می شود:

(۱) کمال، به اینکه بالغ و عاقل باشد.

(۲) آزاد باشد.

(۳) به واسطه رفتن به حج مجبور نشود کار حرامی را که ترک آن از حج مهم تر است انجام دهد یا عمل واجبی را که از حج مهم تر است ترک نماید.

(۴) مستطیع باشد.

❖ شرایط محقق شدن استطاعت

مسئله ۲۱۴۷. مستطیع بودن به چند چیز است:

❖ اول: توانایی مالی

مسئله ۲۱۴۸. فردی مستطیع است که توشه راه و مرکب سواری یا مالی که بتواند با آن مال، آنها را تهیه کند، داشته باشد.

مسئله ۲۱۴۹. کسی که بدون خانه ملکی رفع احتیاجش نمی شود، وقتی حج بر او واجب است که پول خانه را هم داشته باشد.

مسئله ۲۱۵۰. اگر برای تجارت مثلاً تا جدّه برود و مالی به دست آورد در صورتی که بتواند با آن مال از آنجا به مکه رود و برگردد، باید حج به جا آورد و در صورتی که حج نماید، اگرچه بعداً مالی پیدا کند که بتواند از وطن خود به مکه رود، دیگر حج بر او واجب نیست.

✽ دوم: توانایی بدنی

مسئله ۲۱۵۱. فرد، سلامت مزاج و توانایی آن را داشته باشد که بتواند مکه رود و حج را به جا آورد.

✽ سوم: بازبودن راه و ایمن بودن آن

مسئله ۲۱۵۲. در راه مانعی از رفتن نباشد و اگر راه بسته باشد یا انسان بترسد که در راه، جان یا عرض او از بین برود یا مال او را ببرند، حج بر او واجب نیست، ولی اگر از راه دیگری بتواند برود، اگرچه دورتر باشد، باید از آن راه برود.

✽ چهارم: وسعت داشتن وقت

مسئله ۲۱۵۳. استطاعت در صورتی حاصل است که فرد به اندازه به جا آوردن اعمال حج، وقت داشته باشد.

✽ پنجم: توانایی تأمین مخارج واجب النفقه در مدت سفر حج

مسئله ۲۱۵۴. انسان در صورتی برای حج مستطیع می شود که توانایی تأمین مخارج کسانی را داشته باشد که خرجی آنان بر او واجب است، مثل زن و بچه و مخارج کسانی را که مردم خرجی دادن به آنها را لازم می دانند.

✽ ششم: توانایی تأمین مخارج زندگی پس از بازگشت از حج

مسئله ۲۱۵۵. فردی مستطیع است که بعد از برگشتن، کسب یا زراعت یا عایدی ملک یا راه دیگری برای معاش خود داشته باشد که مجبور نشود به زحمت زندگی کند.

مسئله ۲۱۵۶. زنی که می تواند مکه برود، اگر بعد از برگشتن، از خودش مال نداشته باشد

و شوهرش هم مثلاً فقیر باشد و خرجی او را ندهد و ناچار شود که به سختی زندگی کند، حج براو واجب نیست.

❁ استطاعت بذلی

مسئله ۲۱۵۷. اگر کسی توشه راه و مرکب سواری نداشته باشد و دیگری به او بگوید حج برو، من خرج تو و عیالات تو را در موقعی که در سفر حج هستی می‌دهم، در صورتی که اطمینان داشته باشد که خرج او و عیالاتش را می‌دهد، حج براو واجب می‌شود اگرچه قرض داشته باشد و در موقع برگشتن هم مالی که بتواند با آن زندگی کند نداشته باشد. بله، در مورد قرض داشتن اگر حج وی موجب فوت زمینه ادای قرض شود مثل اینکه در این ایام کار می‌کرد و می‌توانست با آن قرض خود را ادا نماید یا مناسبات دیگری بود که با سفر حج آنها از دست می‌رود و بعد نمی‌تواند قرض خود را ادا نماید، در این صورت حج بروی واجب نیست.

مسئله ۲۱۵۸. اگر مخارج رفتن و برگشتن و مخارج عیالات کسی را در مدتی که به مکه می‌رود و برمی‌گردد به او بدهند و بگویند حج برو، ولی ملک او نکنند، در صورتی که اطمینان داشته باشد که از او پس نمی‌گیرند، حج براو واجب می‌شود.

مسئله ۲۱۵۹. اگر مقداری مال که برای حج کافی است به کسی بدهند و با او شرط کنند که در راه مکه به کسی که مال را داده، خدمت کند، قبول کردن آن مال براو واجب نمی‌شود.

مسئله ۲۱۶۰. اگر مقداری مال به کسی بدهند و حج براو واجب شود، چنانچه حج نماید، هرچند بعداً مالی از خود پیدا کند و مستطیع شود، دیگر حج براو واجب نیست.

❁ احکام دیگر حج

مسئله ۲۱۶۱. اگر کسی مستطیع شود و مکه نرود و فقیر شود، باید اگرچه به زحمت باشد بعداً حج کند و اگر به هیچ قسم نتواند حج برود، چنانچه کسی او را برای حج اجیر کند، باید به مکه رود و حج کسی را که برای او اجیر شده به جا آورد و تا سال بعد در مکه بماند و برای خود حج نماید، ولی اگر ممکن باشد که اجیر شود و اجرت را نقد

بگیرد و کسی که او را اجیر کرده راضی شود که حج او در سال بعد به جا آورده شود، باید سال اول برای خود و سال بعد برای کسی که اجیر او شده حج نماید. و هر دو صورت مشروط به آن است که مستلزم عسر و حرج نباشد.

مسئله ۲۱۶۲. اگر در سال اولی که مستطیع شده، به مکه رود و در وقت معینی که دستور داده اند به عرفات و مشعر الحرام نرسد، چنانچه در سال های بعد مستطیع نباشد، حج بر او واجب نیست، ولی اگر از سال های پیش مستطیع بوده و نرفته، اگرچه به زحمت باشد باید حج کند.

مسئله ۲۱۶۳. اگر در سال اولی که مستطیع شده، حج نکند و بعد به واسطه پیری یا بیماری یا ناتوانی نتواند حج نماید و ناامید باشد از اینکه بعداً خودش حج کند باید دیگری را از طرف خود بفرستد، بلکه اگر در سال اولی که به قدر رفتن حج مال پیدا کرده به واسطه پیری یا بیماری یا ناتوانی نتواند حج کند، احتیاط واجب آن است که کسی را از طرف خود بفرستد که حج نماید، و بهتر بلکه احوط این است که در این صورت ها کسی را به نیابت بفرستد که اولین مرتبه حج او باشد.

مسئله ۲۱۶۴. اگر انسان اجیر شود که از طرف کسی دیگر حج کند، چنانچه خودش نتواند برود و بخواهد دیگری را از طرف خودش بفرستد، باید از کسی که او را اجیر کرده اجازه بگیرد.

مسئله ۲۱۶۵. کسی که از طرف دیگری برای حج اجیر شده، باید طواف نساء را از طرف او به جا آورد و اگر به جا نیاورد، زن بر آن اجیر حرام می شود.

مسئله ۲۱۶۶. اگر طواف نساء را درست به جا نیاورد یا فراموش کند، چنانچه بعد از چند روز یادش بیاید و از بین راه برگردد و به جا آورد صحیح است.